# صورت مشروح مذاکرات

# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

# جمهوری اسلامی ایران

جلسه پنجاه و یکم تا شصت و ششم (آخر)

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

۱۳۵۸ هجری شمسی

شماره ۸۴

تاریخ ۵۸/۸/۲۴

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبر انقلاب اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل تنظیم و با اکثریت دو سوم مجموع نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی به تصویب رسیده است. به پیوست تقدیم میگردد.

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که وسیله نمایندگان محترم ملت ایران که اکثر آنان از علماء اعلام و حجج اسلام و مطلعین با حکام مقدسه اسلام بودند تهیه و بتصویب اکثریت ملت معظم رسید امید است انشاء الله تعالی با اجراء و عمل به آن ارمانهای اسلامی برآورده شود و تا ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء باقی و مورد عمل باشد والسلام علی عباد الله الصالحین ۳ شنبه ۷ بهمن ۱۳۵۹

۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۱ روح الله الموسوی الخمینی

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسهٔ پنجاه و یکم تا شصت و هفتم (آخر)

نام کتاب: ..... صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی
قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران
(جلد سوم ـ جلسهٔ پنجاه ویکم تاشصت‌وهفتم ـ آخر)

ناشر:..... ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی
مجلس شورای اسلامی

نوبت وتعدادچاپ:... چاپ اول ـ ده‌هزارجلد

تاریخ انتشار:..... آذرماه ۱۳٦٤ مصادف باششمین سالگرد همه‌پرسی
وتصویب قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌ایران

چاپ‌وصحافی:..... چاپخانهٔ مجلس شورای اسلامی

قیمت دورهٔ سه‌جلدی: سیصد وپنجاه تومان

بسم الله الرحمن الرحیم

## (جلدسوم - جلسهٔ پنجاه و یکم تاشصت وهفتم)

## فهرست مطالب


جلسه پنجاه‌ویکم ..... ۱۳۷۷
« پنجاه‌ودوم ..... ۱۴۰۷
« پنجاه‌وسوم ..... ۱۴۳۹
« پنجاه‌وچهارم ..... ۱۴۷۱
« پنجاه‌وپنجم ..... ۱۴۹۹
« پنجاه‌وششم ..... ۱۵۲۷
« پنجاه‌وهفتم ..... ۱۵۵۳
« پنجاه‌وهشتم ..... ۱۵۷۵
« پنجاه‌ونهم ..... ۱۶۰۷
« شصتم ..... ۱۶۳۳
« شصت ویکم ..... ۱۶۵۹
« شصت‌ودوم ..... ۱۶۸۹
« شصت‌وسوم ..... ۱۷۱۷
« شصت‌وچهارم ..... ۱۷۴۹
« شصت‌وپنجم ..... ۱۷۷۷
« شصت‌وششم ..... ۱۸۰۹
« شصت‌وهفتم ..... ۱۸۳۱

جلسهٔ پنجاه و یکم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و ده دقیقه روز سی‌ام مهرماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با سی‌ام ذیقعده ۱۳۹۹ هجری‌قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — بیانات قبل از دستور آقای حسن عضدی. . . . . .
۲ — بیانات آقای نایب رئیس. . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۱۸/۱ (اصل یکصد و چهل و چهارم). . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۹/۱ (اصل یکصد و چهل و هشتم). . . .
٥ — طرح اصل ۱۲۲. . . . . .
٦ — طرح و تصویب اصل ۱۲۵ (اصل یکصد و پنجاهم). . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۲۶ (اصل یکصد و پنجاه و یکم). . . . . .
۸ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقای حسن عضدی

**نایب رئیس** — آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قبلا چون وقت با ارزش نمایندگان محترم را می‌گیرم، از این بابت از آقایان پوزش می‌طلبم. چند تذکر دارم که به عرض نمایندگان محترم میرسانم. این روزها بارها گفته میشود که در این مجلس یک جو اختناق حاکم است و سکوت عده‌ای از نمایندگان را حمل براین میکنند که اینها مخالفند یا ناشی ازاختناق حاکم میدانندیاستابعت بی‌چون و چرا از یک اقلیت و به اصطلاح از گروه فشار، در حالی که به شهادت همهٔ شما نمایندگان محترم اینها تهمتهای ناشایست و ناروا است. نکته دیگر اینکه ما احساس میکنیم به قول بعضی از نمایندگان از طرف موکلین فشار وارد میشود که چرا حرف نمی‌زنید و استنباط شخصی من این است که متأسفانه در بعضی مواقع بین بعضیها یک قرابتی بوجود می‌آید . مهم این نیست که چه گفته شود و وظیفه اصلی چیست بلکه مهم این است که بایستی حرف زد ولو تکرار مکررات یا بی‌ربط باشد مثلا یکی از خواهران در مصاحبه کوتاه تلویزیونی اظهارداشته که ما به عضدی رأی دادیم، او رفته درآنجا نشسته و هیچ کاری هم انجام نداده است. من نمی‌دانم آنها چه می‌خواسته‌اند و چه انتظاری داشته‌اند و منظورشان از این کار چه بوده است و چه کاری بایستی در مجلس انجام میدادم. وقتی در مورد اصلی در کمیسیون مقدماتی و در جلسات کمیسیون مشترک ساعتها و بلکه روزها بحث میشود و تبادل نظر میشود و گفتنی‌ها گفته میشود، دیگر چه لزومی دارد که تکرار مکررات بشود و تکرار مکررات از نظر من مذموم است و صحبت کردن در این مجلس با این وقت کم واجب کفائی. متأسفانه بعضی هابامجالس فرمایشی و طاغوتی خوکرده‌اند چون در آن مجالس احیاناً یک یا دو نفری که اعتراض و مخالفت میکردند چهره مردمی‌داشتند، بعضی‌ها می‌خواهند متأسفانه‌این نمایندگان را با همان چهره وباهمان معیارها ارزیابی‌نمایند. هنوزبرای بعضی‌ها مشکل‌است باورکنند مجلسی‌هست که نمایندگانش آزادانه انتخاب شده‌اند و آزادانه هم رأی میدهند و اگر ترسی هم در رأی داشته باشند آن ترس از خدا است و بس.

ایکاش که امکانات به ما اجازه میداد که مذاکرات وتبادل‌نظرکمیسیونهای مقدماتی و کمیسیون مشترک با وسایل ارتباط جمعی در معرض قضاوت عموم گذاشته میشد تا اینکه آن برادر عزیز در مصاحبه‌اش با روزنامه کیهان روز پنجشنبه گذشته نمی‌گفت که در مجلس برخورد آراء و عقاید وجود ندارد و نمایندگان وقتشان را بر سر کلمات و برسر بحث جملاتی تلف میکنند. نکته سوم این است که بعضی از موکلین وظایف نمایندگان این مجلس را با وظایف نمایندگان مجلس شورای ملی اشتباه گرفته‌اند، در حالی که وظایف ما تنهادراین‌مجلس تهیه قانون اساسی است و بس. نکته چهارم این است که اخیراً شایع شده است و عده‌ای هم

دانسته و یا ندانسته به‌این شایعه هر روز دامن میزنند که‌حزب جمهوری‌اسلامی داردبه‌تنهائی قانون اساسی می‌نویسد و نمایندگان هم بی‌چون و چرا اصول حزب را دارند تصویب میکنند. اولا اصول حزب همان اصول اسلام است، ثانیاً همه میدانند که کاندیداهائی که درانتخابات پیروز شدند همگی از کاندیداهای حزب نبودند و الان هم خیلی از نمایندگان هستند که عضو حزب نیستند البته در آینده امیدوار هستیم که به عضویت حزب در بیایند. مسأله سوم این است که به شهادت صورت جلسات... (ربانی شیرازی — عده‌ای هم از نمایندگان کاندیدای حزب نبودند.) بله، به قول آقای ربانی عده‌ای از نمایندگان هم کاندیدای حزب نبودند. اما مسأله سوم به شهادت صورت جلسات در خیلی از موارد بین اعضای حزب و بین اعضای‌شورای مرکزی برخورد عقاید بوجود آمده و اختلاف سلیقه شدید درست کرده و اگر این تهمت‌ها را بخواهیم بررسی کنیم سراز جای دیگر درمی‌آوریم. حزب جمهوری اسلامی بالقوه توانائی اداره کشور را دارد و بالفعل هم با تمام امکانات در راه تداوم و سازندگی انقلاب تلاش میکند و حتی تحت نامهای دیگر در راه سازندگی جامعه کوشش میکند فقط این برای یک عده‌ای‌سغرض ایجاد ناراحتی کرده و به همین جهت با اشکال مختلف می‌بینیم که سعی میکنند که اعضای حزب را بکوبند و دست به ترور شخصیت زدند که در این روزها ترور شخصیت باب شده است. نکته پنجم اینکه این روزها هیاهوی زیاد به خاطر ولایت فقیه راه افتاده است و عده‌ای روشن‌فکرنما سرو صدا راه انداخته‌اند . تودهٔ انقلابی و مردم کوچه و بازار، زحمتکشان و مردمی که نقش عمدهٔ تعیین کننده در انقلاب داشتند همگی با طیب‌خاطر به‌ولایت حضرت‌امام‌خمینی گردن نهاده‌اند و به معنی دیگر به ولایت فقیه گردن نهاده‌اند و پذیرفته‌اند و هیچگونه در این باره نگرانی ندارند و تنها نگرانیشان آیندهٔ مبهمی است که عده‌ای توطئه‌گر برای آنها ترسیم کرده‌اند و با استفاده از این بی سروسامانی که ازعوارض طبیعی هر انقلابی هست، به تحریک احساسات می‌پردازند و وعده‌های پوچ میدهند. اکنون که در حدود صد اصل تهیه و منتشرشده است و همانطور که رئیس و نایب‌رئیس مجلس تذکر داده‌اند به هموطنان و موکلین عزیز اعلام میداریم اگر اعتراضی، ایرادی و انتقادی هست مستقیماً به هیأت‌رئیسه بنویسند و یا از طریق وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برسانند، برای اینکه فرصتی برای تجدیدنظر در اصول مصوب قانون اساسی در نظر گرفته شده است، نه اینکه در مراسم مختلف به کلی‌بافی و به کلی‌گوئی بپردازند و تهمت‌های ناروا به مجلس و نمایندگانش بزنند، بی‌آنکه یک تجزیه و تحلیل منطقی و پیشنهاد اصولی ارائه بدهند فقط کلی بافی میکنند. گفته میشود که عده‌ای در یک ساختمان طاغوتی نشسته‌اند و غذاهای رنگین میخورند و در روی مبل‌های راحت لم داده‌اند و آینده و سرنوشت جامعهٔ ما را دارند به انحراف می کشند. زهی تأسف، من کارکنان و پاسداران همین مجلس را به شهادت می‌گیرم برای روابط انسانی و اسلامی که در این مجلس وجود دارد. اگریک غذای ساده را آنها غذاهای رنگین میگویند حق دارند، همان غذائی که هم نمایندگان میخورند وهم پاسداران و هم پیشخدمتان، هم رئیس، هم مرئوس، هم میهمان و هم میزبان بدون کوچکترین استثناء و تفاوتی. در همین سرسراها عدهٔ زیادی در این اتاقها شب را به روز میکنند آنهم روی این تشکهائی که من گمان میکنم اگر این مجلس چند ماه ادامه پیدا میکرد بعضی‌ها دچار دیسک می‌شدند. به هرحال من به عنوان کوچکترین و کمترین عضو این مجلس اعلام میدارم اگر در اصولی که تصویب‌شده است‌انتقادی هست یا مناظره‌ای

هست با برادران، اگر آنها حاضر به مناظره هستند آمادگی کامل برای مناظره دارم. امروز صبح با برادر آقای هاشمی‌نژاد صحبت می‌کردیم ایشان فرمودند که هرکس بخواهد حاضر به مناظره باشد دست او را می‌بوسیم. و اما سخنی و چند کلمه‌ای با شما نمایندگان محترم واستادان عزیز دارم.

برادران ، تاکنون کوشش و تلاش فراوانی شده تا اصولی اسلامی و تضمین کننده سعادت جامعه تهیه شود و سپاس خدائی را که اصولی که تاکنون تهیه شده قابل دفاع است. اینک نوبت اصول تهیه شده گروه هفتم یعنی اقتصاد و روابط ملل رسیده، با اینکه لازم به‌تذکر نیست اما دلم آرام نمی‌گیرد اگر از شما خواهش نکنم که این اصول را با دقت مطالعه بفرمائید تا با آمادگی کامل در کمیسیون مشترک روی آنها بحث بشود تا به خواست و لطف پروردگار توانا، اصولی تضمین کنندهٔ رشد و سعادت و رفاه جامعه عرضه کنیم. شکی نیست که زیربنای انقلاب ما مکتب ماست، اما نمی‌توان فشارها و نابرابریها اقتصادی و روابط ظالمانهٔ تولیدی ناشی از رژیم گذشته را در بوجود آمدن حرکت مردم نادیده گرفت . مردم ستم دیده و و رنج کشیده و جوانان صادق و فداکار با ایمان که متأسفانه به بعضی‌ها مارک‌زده میشود که این مارک زدن‌ها خودش خطرناک است اینها حق دارند بدانند که این‌مجلس، اقتصادجامعه ما را چگونه ترسیم میکند و چه نقشی دارد. اینها حق دارند بدانند که ما چگونه می‌توانیم مشکل استثمار انسان از انسان را حل کنیم و چطوری این مشکل استثمار حل میشود، و حق دارند بدانند که ما چگونه قسط اسلامی را میخواهیم پیاده بکنیم . اینها نگرانند که ما چگونه می‌خواهیم مالکیت فردی و شخصی را از مالکیت خصوصی تفکیک بکنیم و حدود هر یک را مشخص بکنیم . اینها می‌خواهند بدانند که ما چگونه می‌خواهیم جامعه را از شر سرمایه‌داری و کاپیتالیزم منفور نجات بدهیم بی‌آنکه گرفتار چنگال اقتصاد دولتی و اقتصاد متمرکز بشویم که استثمار شدیدتری در بردارد . در قوانین اساسی چین و شوروی به عنوان یک اصل مسلم سوسیالیزم آمده که هرکس بقدر توانائیش کارکند ، به اندازهٔ کارش دستمزد دریافت دارد. ما که اصولی در اسلام بهتر و بالاتر داریم، ما که معتقدیم هر کسی بقدر توانائیش کار کند و به اندازه نیاز مشروعش از جامعه‌اش برخوردار شود ، حق دارند بدانند که چگونه میخواهیم چهارچوبی برای قوانین آینده بدهیم تا امکانات کار برای همه درآینده فراهم بشود و نیازهای مشروع فرد فرد جامعه تأمین بشود. توطئه‌گران و دشمنان به دست عوامل ساده و ناآگاه به توطئه مشغول هستند و از آبهای گل‌آلود سعی و کوشش میکنند که ماهی بگیرند و ماهیگیران آبهای شفاف را یا خانه‌نشین کرده‌اند و یا اینکه‌به کشتن میدهند و شهری را سیاهپوش و عزادار کرده‌اند. ماهیگیران بندر انزلی و شهرهای دیگر ساحلی از دست رژیم طاغوت وعمال آن، سالها جور و ستم دیده‌اند بیش از چهارده پانزده سال است که روابط و ضوابط ظالمانهٔ شرکت شیلات در دوران طاغوت به‌بهانهٔ حفظ نسل ماهی، نسل اینها را از بین بردند. اینها را از تنها سمر زندگیشان محروم کرده بودند. این صیادان که فرزند دریا هستند و زندگیشان ماهی است اینها را از همه چیز محروم کرده بودند. اکنون که انقلاب پیروز شده اینها انتظارشان زیاد است، میل ندارند بر اینها ستم و ظلم روا بشود که‌خوشبختانه امام بزرگترین حامی مستضعفان دستور دادند که صید با رعایت ضوابطی در دریا آزاد است. بی‌توجهی به خواسته‌های بیش از سی‌هزار صیاد و ماهیگیر محروم از همه چیز عواقبی دارد که

متأسفانه در هفته پیش شاهد آن بودیم. البته بعضی‌ها سعی کردند که از این حادثه ناگوار تفسیرهای مغرضانه بکنند، در حالی که این حادثه ناشی از یک اعتراض عجولانه از طرف یک عده مردم محروم از همه چیز بود که متأسفانه به خاطر تحریک عده‌ای عوامل شناخته شده و اشتباه بعضی از مسئولان تبدیل به حادثه ناگوار شد. همشهریان عزیز و مردم شریف انزلی باید بدانند اگر یک پاسدار و یا چند پاسدار احیاناً اشتباهی کردند، برای خاطر یکی دو بی‌نماز در مسجد را که نمی‌بندند. نباید قضاوت کلی کرد، نباید فراموش کرد که این پاسدار دوش بدوش و در کنار برادران ارتشی با عمال اجانب و ضدانقلاب در گوشه و کنار مملکت چگونه دارند مبارزه می‌کنند و به شهادت نائل میگردند و با چه از خود گذشتگی و با چه محرومیت‌هائی دارند جانفشانی می‌کنند. اینها پاسدار انقلاب و حافظ مکتب ما هستند. فرصتی دست داد تا هفتهٔ گذشته از نزدیک تحقیق کنم، اگر چه از قبل هم اطلاع داشتم فرماندار انزلی از دو ماه پیش اخطار کرده بود و برای یافتن راه حل به‌هر دری میزد و حتی یک روز قبل ازحادثه همراه نمایندگان صیادان در تهران به‌ملاقات وزیر کشاورزی رفته بود. با مدیر عامل شیلات و دیگر مقامات مسئول ملاقات کرده بود مشکلات خودش را با آنها در میان گذاشته بود گناه وجرمش این است که از مستضعفین حمایت میکرد، مگر اینکه حمایت از مستضعفین جرم باشد. در روزنامه‌ها از قول وزیر محترم کشور نقل کرده‌اند که فرماندار انزلی صلاحیت اعلام جرم علیه یک وزیر را ندارد. من تعجب میکنم از این مسأله، همهٔ شما داستان آن مرد یهودی و ضریر را می‌دانید وقتی که علی علیه‌السلام‌حکومت را در دست داشت یک فرد عادی او را به دادگاه می‌کشاند و به‌ناحق به محاکمه‌اش می‌کشانند. چگونه ما تصور میکنیم با آگاهی به این امر در دوران انقلاب یک فرماندار نتواند بر علیه یک وزیر اعلام جرم بکند؟

از اینکه وقت شریفتان را گرفتم پوزش می‌طلبم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

## ۲ — بیانات آقای نایب رئیس

**نایب رئیس**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همهٔ ما اینجا موظف هستیم که نسبت به تدوین قانون اساسی و هم هریک نسبت به سهم خودمان از حوادثی که در گوشه و کنار مملکت رخ میدهد نگران و ناراحت باشیم و طبعاً بعضی از دوستان که می‌آیند اینجا و جریان حوادث را بازگو می‌کنند بسیار مضطرب می‌شویم. همینکه با غم‌و ناراحتی آنها سهیم‌میشویم اقلاخوشحال کننده است ولی قانع کننده نیست. انشاءالله بتوانیم کارمان را به‌خواست خداوند متعال زودتر به اتمام برسانیم تا در تداوم انقلاب و برای پیشبرد انقلاب دوش بدوش مردم باشیم.

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۱۸/۱ (اصل یکصد و چهل و چهارم)

**نایب رئیس** — یک اصل به عنوان مدخل مبحث ارتش دیروز صحبت‌شد که تهیه‌بشود و امروز آن اصل تهیه شده و به این صورت که حالا میخوانم درآمده است. البته بایستی دراینجا عرض کنم که در این اصل یک مختصر اشتباه چاپی وجود دارد و شاید باید یک کلمه هم به آن اضافه شود. به هر حال من آن اصل را با این اصلاح مطرح میکنم:

اصل ۱۱۸/۱ — ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت در خود بپذیرد که به اهداف انقلاب

اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

**نایب رئیس** — آقای منتظری فرمایشی دارید؟ (منتظری — اشکال من حل شد.) آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — کلمه «ملی» را قبل از جمهوری بیاوریم دیگر حذف آن احتیاج نیست.

**نایب رئیس** — خیر آقا، کلمه «ملی» اضافه است و بایستی حذف شود.

**سبحانی** — پس اگر اجازه بفرمائید بعد از «ارتش جمهوری اسلامی ایران» نوشته شود «که از نیروهای سه گانه زمینی، هوائی و دریائی تشکیل میشود» تا این سه نیرو نام برده‌بشود و روشن گردد که هر سه نیرو ظاهراً تحت عنوان ارتش است.

**نایب رئیس** — خیلی ممنون، آقای رشیدیان شما اشکالی داشتید؟ (رشیدیان — متشکرم، اشکال بنده هم حل شد.) آقای تهرانی جنابعالی سؤالی داشتید؟

**تهرانی** — دیروز بنده عرض کردم که جمهوری اسلامی ایران بایستی به اصالت خودش باقی بماند و بایستی ارتش جمهوری ملی اسلامی ایران نوشته شود.

**نایب رئیس** — خیرآقا، کلمه «ملی» اشتباه چاپی است و لزومی ندارد که باشد وبایستی حذف گردد و همان «ارتش جمهوری اسلامی ایران» بهتر است. آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — عرض میشود اشکال بنده هم مربوط به همان یک کلمه «ملی» بود که برایم حل شد و دیگر اینکه عبارت «و باید افرادی شایسته را به خدمت در خود بپذیرد» این عبارت غیرسلیس است و بایستی روان و منسجم باشد و باید اینطور نوشته شود «که مؤمن به اهداف انقلاب اسلامی» اگر اینطور اصلاح بشود بهتر است. من دیگر عرضی ندارم.

**نایب رئیس** — آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — بنده اینجا پیشنهاد اصلاحی داشتم، اینجااین متن‌سلاست لازم را نداردچون اول نوشته شده «ارتش جمهوری اسلامی» و باز دوباره«ارتش اسلامی» و بعد«در خدمت به‌خود بپذیرد» پیشنهاد میکنم اگر صلاح و مصلحت بدانند اینطور نوشته شود:

«ارتش ایران، ارتش جمهوری اسلامی، یا مکتبی و اسلامی باید از افراد شایسته ومؤمن به انقلاب اسلامی و فداکار در راه تحقق اهداف آن تشکیل شده باشد».

**نایب رئیس** — از دوستان و همکاران عزیز خواهش‌میشود وقت‌جلسه اینطوری‌نگذرد، متنی است که ما صبح تهیه کردیم و رویش هم بحث مفصلی کردیم. قرار نیست که روی‌تغییر عبارتش بحث کنیم، فقط این به نظر میرسد کلمه «درخود» مورد نیاز نباشد چون یک کمی عبارت را از روانی می‌اندازد پیشنهاد می کنم اینطور بنویسیم«و باید افرادی‌شایسته رابه‌خدمت بپذیرد» فکر میکنم هیچ احتیاجی به کلمه «در خود» نباشد. آقایان با این تغییرتأییدمیفرمائید؟ (نمایندگان — بلی تأیید میکنیم.) بسیار خوب ، آقای بشارت بفرمائید. (بشارت — نظر من هم تأمین شد.)

**نایب رئیس** — آقای دکتر قائمی. (دکترقائمی — نظر من هم همین بود که گفتند.) آقای دستغیب.

**دستغیب** — پیشنهاد میکنم اینجا یک کلمه «اسلام» اضافه شود و اینطور اصلاح شود «به خدمت بپذیرد که به اسلام و اهداف انقلاب اسلامی مؤمن باشند».

**نایب رئیس** — بلی قربان، این پیشنهادی بود که صبح هم فرمودید. آقای‌ربانی‌شیرازی

بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — برای من روشن نیست که آیا این شرطیت اسلام در سران ارتش هم هست یا نه . این عبارات برای من قانع کننده نیست . این عبارات اتخاذ شده موجب میشود از تصریح به اینکه اسلام داشته باشند پرهیز کرده باشیم و به نظر من برای شرطیت اسلام این عبارات کافی نیست.

**نایب رئیس** — بلی ، آقای خزعلی بفرمائید. (خزعلی — اشکالی داشتم که آقایان فرمودند.) آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — میخواستم عرض کنم اینجا که نوشته شده افرادی را در خدمت خودبپذیرد شامل سربازان هم هست و این قید نسبت به‌آنها جا ندارد، خلاصه آن چیزی که در نظر دارید نسبت به اینها هم شامل میشود؟

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی بفرمائید سؤالی بود؟ (دکتر ضیائی — عرضی ندارم.) آقای دکتر غفوری.

**گلزاده غفوری** — آن خاطره‌ای که ما از ارتش اسلامی داریم، این نیست که فقط یک عده شاغل باشند. ما تمام مردم مسلمان ایران را اعضای ارتش‌اسلامی ایران میدانیم، یا در اینجا و یا در جای دیگر بایستی تصریح بشود برای اینکه تمام مردم مکلف ایران جزء ارتش اسلامی باشند. بنابراین بایستی این دو قسمت بشود، حالا هرکدام اینها که متناسب است. یک ارتش شاغلی که عهده‌دار هست و متصدی کارها هست آنجا که نوشته «به خدمت در خود بپذیرد» ولی اشاره بشود که تمام‌ملت مکلف ایران، اینها قسمت دوم ذخیره ارتش هستند، یا در این اصل و یا در اصل دیگر اشاره بشود.

**نایب رئیس** — اصل ۱۲٦ در همین مورد است که میفرمائید. آقای مؤید شهزادی سؤالی داشتید؟

**رستم شهزادی** — بنده در اینجا میخواستم بپرسم که آیا افراد اقلیت در این ارتش چکاره هستند؟ اگر بطوری که در اصل ۱۲٦ و قیود آن آمده است که همه افراد ملت ایران همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور و از جمهوری اسلامی میتوانند داشته باشند، در این صورت آیا اقلیتها در این ارتش میتوانند شرکت کنند یا نه؟ و آیا میتوانند خدمت مقدس سربازی را انجام بدهند؟ و همچنین میتوانند به عنوان دفاع از کشور و از جمهوری اسلامی‌داوطلبانه‌وارد ارتش بشوند یا نه؟

**نایب رئیس** — حتماً باید اقلیتها هم خدمت نظام انجام داده باشند یعنی همه آنها هم بایستی برای دفاع از کشور در ارتش جمهوری اسلامی تربیت بشوند. (رستم شهزادی—کلمه «در خود بپذیرد» منظور این کلمه چیست؟) ما آن را در اصل ۱۲٦ آورده‌ایم و این کلمه مربوط به اصل ۱۲٦ است و جواب سؤال شما در آن اصل است . یعنی ما در آن اصل نوشته‌ایم که همه مردمی که در ایران هستند باید برای دفاع مسلحانه از کشور و از جمهوری اسلامی ایران ساخته بشوند. خوب آقا، من اصل ۱۱۸/۱ را یک‌بار دیگر برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۱۸/۱ (اصل یکصد و چهل و چهارم)** — ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به‌خدمت‌بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی (یک رأی اضافه به قید قرعه خارج شد) آراء موافق پنجاه و دو رأی، آراء مخالف هیچ و آراء ممتنع هشت رأی بنابراین تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۱۹/۱ (اصل یکصد و چهل و هشتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۱۹ که درباره استفاده از نیروی انسانی و تجهیزات ارتش در آبادکردن کشور و کارهای مفید در ساعات فراغت در ایام صلح در حدود امکان تصویب کردیم به همراهش یک اصل دیگری که هم دیروز اینجا بحث شد و هم امروز در جلسه پیشنهاد شد و در جلسه گروهها فرصت نشد که تبادل نظر بیشتری روی این کرده باشیم وتهیه کننده‌اش هم برادرمان آقای کیاوش بود ، این اصل را گفتم که در دستور جلسه علنی امروز بنویسند که اگردوستان موافق باشند همین‌جا مطرح کنیم. (چند نفر از نمایندگان — موافق هستیم و به آن رأی بگیرید.) اصل ۱۱۹/۱ برای رأی‌گیری قرائت میشود.

اصل ۱۱۹/۱ — هر نوع بهره‌برداری شخصی از تجهیزات ارتش و هر نوع استثمار از افراد ارتش به صورت گماشته، راننده شخصی و بیگاری ممنوع است.

**نایب رئیس** — آقای جوادی بفرمائید.

**جوادی** — اگر صلاح بدانید «فنی» هم اضافه شود خوب است چون در قسمتها بیگاری شاملش میشود فنی هم باشد.

**نایب رئیس** — بلی ، آن کلمه «بیگاری» کلی است. آقای اکرمی بفرمائید.

**اکرمی** — این اصل البته خوب و مترقی است اما اگر به این صورت در بیاید تااندازه‌ای در حد آئین‌نامه ارزش آن پائین می‌آید بهتر است که اینطور نوشته شود «هر نوع استثمار از افراد ارتش به هرصورت ممنوع است.» دیگر گماشته، راننده شخصی و غیره یکی یکی در اصل گنجانده نشود.

**نایب رئیس** — اینطوری میفرمائید خوب است، اما در هر کار تا اندازه‌ای تصریح لازم هست برای اینکه کلمه استثمار را آوردیم جلوگیری از تمام انواع بیگاری است ولی بهتر بود که بنویسیم: «به هر صورت از قبیل...»

**خامنه‌ای**— آقای دکتر بهشتی، در اینجا یک نکته‌ای هست و آن این است که در اینجا «استثمار» گفتید منظور اینست که کسی نمی‌تواند از افراد برای منافع شخصی خود استفاده کند اما این کلمه بیگاری یک اصطلاحی است در سربازخانه‌ها که در موقع ساعات فراغت برای انجام کاری چند نفر را به عنوان بیگاری میبرند که این را میگویند خدمات عمومی‌داخلی‌است.

**نایب رئیس** — ما منظورمان در معنی بیگاری این نبوده می‌خواستیم‌در یک قانون بطور ساده بیاوریم حالا منظور شما این است که کلمه بیگاری را برداریم و به‌جایش کلمه استثمار بگذاریم اشکالی ندارد ما هدفمان این که نبوده ما میتوانیم به جای بیگاری بگذاریم کلمه سازندگی ، اما اگر دوستان موافقند میتوانیم کلمه بیگاری را برداریم و همانطور بنویسیم «و هر نوع استثمار از افراد ارتش به هر صورت از قبیل گماشته و راننده شخصی و نظایر اینها» یک همچون چیزی دیگر نظارت نمی‌خواهد و ممنوع است. آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — به نظر من این کلمه بیگاری یک کمی وهم‌آور است ، بیگاری در همه‌جا ممنوع است و در دادگستری هم نباید بیگاری باشد و در وزارت کشور و همینطور در هیچ جا نباید باشد. اگر در ارتش قبلا میشده است و میشود دلیلی ندارد که ما بالاخص در این مورد در قانون بیاوریم . بطورکلی در قانون اساسی بایستی یک اصل بیاید که اینکار نشود ولی همانطوری که دوستمان فرمودند در اصطلاح ارتش معنی و مفهوم بیگاری از عده‌ای برای انجام خدمات عمومی داخلی استفاده می‌نمایند و همینطورکه برادرمان تذکردادند که این اصل، قانون اساسی را در حد یک آئین‌نامه پائین می‌آورد که‌راجع به‌خود ارتش هم مسأله‌ای زننده است.

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد سؤالی هست بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — عرض میشود که این اصل، اصل بسیار مفیدی است و ضرورت دارد که در اینجا باشد و اصل بسیار مترقی است و مشابه این را ما در بعضی از جاها داشتیم که جزئی هم بود شبیه آئین‌نامه هم بود در آنجا اعتراضی نشد در حالی که اینجا در معرض است وباتوجه به اینکه در گذشته‌ای که انجام میشد بسیار مفید است ولی چطور است که کلمه «تجهیزات» را برداریم و به‌جایش کلمه «امکانات» را بگذاریم. تجهیزات مانند وسایل نظامی و کارهای مشابه اینها... بیشتر از او به دست می‌آید مثلا وسایل جنگی «امکانات» بگذاریم و به نظر من بهتر است.

**نایب رئیس** — منظور از تجهیزات و وسایل اینست که گاهی اوقات میشود ارتش ساختمانهائی دارد که مال شخصی نیست در گذشته همه‌جا استفاده شخصی میشد.

**طاهری اصفهانی** — من پیشنهاد میکنم به جای کلمه «تجهیزات» کلمه «امکانات» بکار برده شود. (مکارم شیرازی — هر دوی اینها یعنی وسایل و امکانات باشد.) (نایب رئیس — بسیار خوب) ببینید آقا من یک اشکال در کل مسأله دارم اگر میشود قبل از تنظیم مسأله من اشکالم را رفع کنم. (نایب رئیس — اگر آن اشکال برای شما باقی است بفرمائید.) آوردن این مسأله در خصوص ارتش دلیل نیست، ولی مهم این است که در جاهای دیگر این‌استثمار همین‌طوری که قبلا اشاره شد ممنوعیتی ندارد و این مسأله در خصوص ارتش چون در سابق بیشتر انجام می‌شده حالا طوری کنید که تحت یک ضابطه صحیح و کلی جلو این کار را بگیرید.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، حالا اجازه بدهید بعد، موقعی که در اصول اموال ارتش رسیدیم تذکر میدهیم و به صورت عام و جداگانه میگوئیم. حالا اجازه بفرمائید این اصل ۱۱۹/۱ را که تنظیم شده برایتان قرائت بکنم:

اصل ۱۱۹/۱ — هر نوع بهره برداری شخص از وسایل و امکانات ارتش و استفادهٔ شخصی از افراد آن به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

**یکی از نمایندگان** — راننده اداری چه؟

**نایب رئیس** — آن اشکال ندارد چون راننده اداری است و این راننده شخصی هم در اینجا آورده شده درست است.

**گلزاده غفوری**— اگر صلاح میدانید یک طوری باشد که این اصل شامل همه قسمتهای ارتش از قبیل شهربانی، ژاندارمری و غیره... باشد.

**نایب رئیس** — میخواهید شامل نیروهای نظامی و انتظامی باشد و ضمناً عبارت اصل را

طوری دیگر کردیم. آقای فاتحی بفرمائید.

**فاتحی** — عرض میشود که به نظرمن سه نحوه ابهام در این اصل وجود دارد. یکی اینکه در ارتش یک نوع انضباطی وجود دارد که یعنی مافوق که به مادون دستور میدهد برای رعایت اجرای نظم وترتیب آن منافاتی نداشته باشد. مسأله دوم این است که هرنوع بهره‌برداری شخصی که ما در آن اصل تصویب کردیم میتوان از تجهیزات ارتش و امکانات و وسایل آن در امداد و سایر امور مورد نیاز استفاده نمایند که با آن تناقضی نداشته باشد. مسأله سوم اینکه رانندگی شخصی این هم باز درست روشن نیست، یک وقت می‌بینید که درحین انجام وظیفه دستور به آن داده می‌شود که امور خارج کادر اداری انجام داده بشود که بایستی در این باره توضیح داده شود. اما مطلب دیگر اینکه بین اشخاصی که با دو عنوان پاسداری و گماشته برای نگهبانی مأمور میشوند چه فرقی هست؟

**نایب رئیس** — آقای خزعلی فرمایشی داشتید بفرمائید.

**خزعلی** — استفاده و از قبیل گرفتن گماشته چطور میشود، این نوعی استثمار تلقی نمی‌شود؟

**نایب رئیس** — عرض میشود که مفهوم و عبارت این مطلب را بطور کلی عوض کردیم و اشکال هم برطرف شد. آقای موسوی جزایری سؤالی بود؟

**موسوی جزایری**— من میخواستم عرض کنم که در سازمانهای دولتی و سایر بخشها هم این را اضافه بکنید که کسی نتواند اشخاصی را به عنوان بیگاری و استثمار استفاده نماید و یا اگر از مستخدم اداره میخواهد که برود برای رئیس اداره کاری انجام بدهد به هیچ وجه نتواند.

**نایب رئیس** — بله، ما دراینجا در امور ارتش تحت عنوان قدرت اینطور گنجاندیم و در بودجه وزارتخانه‌ها و سایر دوایر دولتی در امور مالی تحت‌عنوان مالی در آنجا می‌گنجانیم که به هیچ طریق نتوانند سوءاستفاده نمایند و این را میتوانیم حل کنیم. پس اجازه بفرمائید این اصل برای رأی‌گیری خوانده شود.

**اصل ۱۱۹/۱ (اصل یکصد و چهل و هشتم)** — هرنوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات نیروهای نظامی و انتظامی و تجهیزات ارتش و هرنوع استثمار افراد ارتش به هر صورت از قبیل گماشته، راننده و نظایر اینها ممنوع است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی را اعلام میکنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و دو نفر، تعداد کل آراء شصت و دو رأی، آراء موافق شصت ویک رأی، مخالف ندارد، آراء ممتنع یک رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۵ — طرح اصل ۱۲۲

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۲ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۲ — عبور نیروی نظامی خارجی از کشور یا اقامت موقت آنها ممنوع است مگر در مواقع ضرورت از جهت حفظ مصالح کشور آنهم با تصویب سه چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی و فرماندهی کل قوا.

**مکارم شیرازی** — این «از جهت حفظ مصالح کشور» محدود میکند مثلا برادران مسلمان ما در ممالک دیگر اگر مورد هجوم واقع شدند و یک کشور اسلامی دیگر میخواهد به اینها

کمک بکند فقط مصالح داخل کشور مطرح نیست. با توجه به آن اصلی که ما در کلیات داشتیم که خودمان را متعهد کردیم در مقابل تمام جنبشهای آزادیبخش دنیا و مخصوصاً در مقابل ممالک اسلامی ، بنابراین فقط حفظ مصالح کشور محدودیت دارد.

**نایب رئیس** — اگر عبارت کافی نیست باید اضافه بکنیم «مگر از جهت حفظ مصالح کشور و ایفای تعهدات انقلاب».

**دکتر شیبانی** — مگر حفظ مصالح کشور خلاف اسلام است؟

**رستم شهزادی** — ما اول باید مصالح کشور خودمان را در نظر بگیریم بعد کشورهای دیگر را.

**نایب رئیس** — آقای مؤید، ما در اصول قبل تعهد کردیم که حامی نهضت‌های ملت‌های مظلوم در برابر استعمار و استبداد و امپریالیسم جهانی هستیم. (رستم شهزادی — به شرطی که مخالف مصالح کشور ما نباشد.) اصلا یکی است، دیگر مصلحت‌ما با مصلحت‌امت‌های اینجوری یکی‌است ما که دوجور مصلحت نداریم. آقای مراغه‌ای بفرمائید. (مقدم‌مراغه‌ای — در اصل ۱۲۵ تذکری است که عرض میکنم، اگر در غیبت مجلس شدچطور؟) قرار شد که هیچوقت مشروطیت تعطیل نباشد بنابراین هرجا که ما در اصلی گفتیم که در غیبت مجلس وظایفش با چه کسی هست، همه وظایف به‌عهده او قرار میگیرد. آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — من فکر میکنم که اینجا فقط باید نوشته شود مطلقاً ممنوع است برای اینکه در کورانهای بین‌المللی نظام سیاسی، این حدود در مرحله‌ای است که خطراتی دارد که الان ممکن است ما از آن غافل باشیم و من نمی‌دانم تا چه حدی می‌توانیم تصمیم گیرنده آینده مملکت باشیم. من فکر میکنم مطلقاً ممنوع است، اگرضرورتی بود خود مردم در زمانش تصمیم خواهند گرفت.

**نایب‌رئیس** — آقای غفوری، اینکه پیش‌بینی شده است ما که تعیین نکرده‌ایم، گفتیم هر وقت چیزی پیش‌آمد باید سه چهارم کل نمایندگان مردم در آینده و...

**گلزاده غفوری** — باید نوشته شود مطلقاً ممنوع است اگر ننویسیم خطرناک است.

**نایب رئیس** — حق منعش را هم نداریم. آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش**— آرمانهای اسلامی مرز ندارد که فقط کشور را منحصر بکنیم. (گلزاده‌غفوری— اینها لفاظی است.)

**نایب رئیس** — آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی— اهداف اسلامی‌را هم اضافه‌بفرمائید.) بسیار خوب، آقای جوادی بفرمائید.

**جوادی** — فرماندهی کل قوا بعد از شورایعالی دفاع که آنها هم در جریان باشند.

**نایب رئیس** — آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — من هم نظرم این است که به خارجی یک قیدی بگذارید عبورنیروی نظامی خارجی یک قیدی میخواهد، این خارجی حتی نیروی امریکا و شوروی را هم میگیرد.

**نایب رئیس** — آقای فارسی بفرمائید.

**فارسی** — عرض کنم اینجا خوب است که اضافه شود «عبور نیروی نظامی دولت‌های خارجی» تا آن اشکال ملت‌های آزادیبخش کشورهای اسلامی برطرف بشود.

**نایب رئیس** — این خطرناک است، آنوقت بعضی از کشورها هوس می‌کنند به نام

نیروهای چریکی از کشور ما... حالا برادران فلسطینی و امثال آنها قرار شد ایران خانه‌شان باشد ولی برای دیگران، آقای فارسی این مسأله خطرناک است. (گلزاده غفوری— خودتان را در معرض مهلکه‌ها قرار ندهید.) آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

**طاهری گرگانی** — «عبور نیروهای نظامی کشورهای دیگر» یعنی به جای خارجی بگذاریم «کشورهای دیگر».

**نایب رئیس** — آقای میرمرادزهی بفرمائید.

**میرمرادزهی** — من پیشنهادم این است که این اصل حذف بشود و با توجه به مجوز بند ۶ از اصل ۳ که قبلا تصویب شده و آن سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام وتعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان است، اگر این مجوز هست این بند برای تصویب این اصل لااقل یک موردش را با توجه‌به وضع ژئوپولیتیکی با وضع جغرافیائی ایران استدعا می کنم برای من روشن بکنید.

**نایب رئیس** — مصداق که نمی‌شود ذکر کرد ولی مورد کلی آن روشن است. (میرمرادزهی — انگیزه‌اش چیست؟) انگیزه‌اش این است که ملت ما اعلام کرده که دربرابر کلیه نهضت‌های آزادیبخش متعهد است. وقتی ملت ما میخواهد در برابر کلیه نهضت‌های آزادیبخش متعهد باشد معمولا یکی از آثار این تعهد این است که به این نیروهای کمکی و به این نهضت‌ها اجازه بدهد اگر خواستند از ایران عبوربکنند با این‌شرایط که گفتیم با تصویب نمایندگان ملت بتوانند عبور کنند واین یک چیزروشنی است و حتماً لازم نیست که مامصداقش را ذکر بکنیم.

**طاهری‌اصفهانی** — همانطور که عرض کردم نباید بگذارید «عبور نیروهای نظامی‌خارجی از کشور» منظورتان این است که ما در برابر کلیه کشورهائی که آزادی می‌خواهند و از زیر یوغ استعمار می‌خواهند خودشان را خارج بکنند متعهد هستیم، حالا چه مسلمان و چه غیر مسلمان، خلاصه مستضعفین، باید فقط به آنها اجازه بدهیم که عبور بکنند.

**نایب رئیس** — در حقیقت این اصل با آن اصل قبلی که گفتیم با تصویب سه چهارم نمایندگان برای همین است که با رعایت جمیع این اصول بدانند آیا این از مواردی هست که باید تصویب بکنند یا نه. (طاهری‌اصفهانی— خلاصه یک قیدی میخواهد که بگذارید.) آقای فاتحی بفرمائید. (فاتحی — این عبور نیروهای نظامی خارجی، ازکشورهای اسلامی انصراف دارد؟) انصراف ندارد، گفتیم کشورهای دیگر.

**فاتحی** — به هیچ وجه فکر نمی کنم در یک زمانی مصلحت کشور اجازه بدهد که عبور بکنند مگر وقتی که به زور بخواهند عبور کنند، این است که به نظر ما یک چیز غیر ضروری می‌آید.

**نایب‌رئیس** — شما به اینکه عده‌ای‌می‌خواهند بیایندعبور بکنند و به ملت‌های‌مستضعف کمک بکنند چه میگوئید؟ آقای اشراقی بفرمائید.

**اشراقی**— عبورنیروهای‌خارجی واقامت آن‌ها درایران به‌مصلحت مملکت نیست ولواینکه آن خارجی‌ها مسلمان باشند بالاخره اینکه به عنوان مستضعف گفته میشود مافعلا باید خودمان را اداره کنیم بعد ان‌شاءالله وقتی که قوی شدیم از همه‌بیچارگان‌حمایت‌خواهیم کرد. من صریحاً با عبور و اقامت موقت نیروی غیر هر که باشد مخالفم.

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — من پیشنهاد می‌کنم عبارت به اینصورت باشد «عبور نیروی نظامی خارجی از کشور ممنوع است مگر برای غیر کشورهای امپریالیسم از جهت حفظ مصالح کشور آنهم با تصویب سه چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی».

**نایب رئیس** — آقای حیدری بفرمائید.

**حیدری** — همانطورکه بعضی از رفقا اشاره کردند عبارت را اینطور بنویسیم که «عبور نیروهای غیر اسلامی از کشور یا اقامت موقت آنها مطلقاً ممنوع است و نیروهای کشورهای اسلامی در مواقع ضرورت از جهت حفظ مصالح اسلامی با تصویب سه چهارم کل نمایندگان الی آخر».

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

**دکترضیائی**— عرض میکنم که این‌اصل، اصل بسیارخوبی‌است‌برای قانون‌اساسی‌برخلاف نظر بعضی از سروران، چون همیشه اهم و مهم ملت و کشور در نظر گرفته میشود یعنی عقلا یا فرد عاقل همیشه در زندگی روزمره‌اش اهم و مهم را در نظر میگیرد و مهم را فدای اهم می‌کند. این یکی از مواردی است که نمایندگان یا فرماندهی که همان رهبر است مصالح ملت و کشور و یا اسلام را در نظر میگیرد و اجازه میدهد و این عبور دو صورت دارد یک صورتش به عنوان قهر و غلبه برکشور دیگری است برخلاف تمایل ملت و یک وقتی هم به عنوان تقاضا است که می‌کند برای عبور از کشور برای کمک به ملتی دیگر، در هر دو صورت درگذشته شاهد این قضیه بودیم برای عبور از کشور ایران یک استراتژی خاص دارند برای اینکه بتوانند باکشور دیگری بجنگند از اول تقاضا کردند و بعد نشد، وقتی که اجازه ندادند و همچون قانونی هم نداشتند آنها به قوهٔ قهریه متوسل شدند که بعدش هم‌نمی‌شد بیرونشان کرد. وقتی قانونی وجود داشته باشد نمایندگان دستشان باز است بخصوص با اجازهٔ فرماندهی مصالح ملت را در نظر میگیرند تا آنجائی که می‌توانند استقامت بکنند، استقامت می‌کنند و تا آنجائی هم که نمی‌توانند استقامت بکنند لااقل مثل‌صلح نامه‌معاویه با امام حسن علیه‌السلام می‌شود.

**نایب رئیس** — خیلی متشکر، آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — باز هم تکرار می‌کنم که این یک ابهامی دارد که موضع ما را دردنیا به یک وضع خاصی در می‌آورد و احتمال دارد که اینجا معرکه بشود. من میگویم که شما برای مسائل مهم رفراندوم راپیش‌بینی کرده‌اید، چه‌مسأله‌ای مهمترو‌سرنوشت‌سازتر از ورودیک نیروی خارجی با همان قید خارجی‌اش در ایران و اقامت موقت؟ این موقت تا چه‌وقت؟ پنج سال، ده سال؟ این را لااقل بگذارید به رفراندوم تا از موضوعات مهم تلقی بشود.

**نایب رئیس** — آقای ربانی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — من نسبت به این استثناء مخالف هستم و در قانون نباید اجازه بدهید کسی خاک ما را اشغال بکند. ما ثمرات اشغال‌های قبل را دیدیم، ایران را اشغال کردند و زدند و کشتند و کوبیدند و بعد هم به فکر این بودند که یک قطعه از مملکت را تجزیه کنند. بنابراین ما نباید امروز این استثناء را در قانون بیاوریم، فردا اگر آمدند ارتش ایران توانست جلویشان را میگیرد، اگر نتوانست بگذارید غیرقانونی وارد خاک ایران بشوند. و اما مسأله

کمک به مسلمانهای دیگر آن مسأله یک چیز نادری است در شرایط خاص و ما نباید به‌خاطر یک مسأله نادر یک اجازه اشغال بطور کلی در اینجا بدهیم.

**نایب رئیس** — آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکترآیت**— بعضی اوقات اینجا صحبت‌هائی‌میشود که‌جنبه‌شعاری دارد و غیرواقع بینانه است ، ما در دنیا هستیم و نمی‌توانیم دور کشورمان دیوار بکشیم و من یک مورد ساده عرض کنم که اگر شاه این قانون را داشت خیلی به نفع اسرائیل بود، موقعی که میخواست به سوریه و مصر کمک شود و هواپیماهای شوروی بنابود از ایران عبور کنند و کمک‌بکنند حالا زمینی و هوائی فرق نمی کند و به علل خاص جهانی‌شاه ناچار شداجازه‌بدهد، البته وزیر خارجه آن‌موقع هم میرفندرسکی را به‌خاطر همین مسأله برکنار کرد.ممکن است شوروی‌و یا کشورهای دیگر به خاطر کمک به برادران مسلمانمان بخواهند از اینجا عبور کنند و ما نباید دست آنهارا ببندیم و اشغال هم با اجازه عبور، از زمین تا آسمان فرق دارد. اشغال یک چیزی است به‌زور، همانطورکه اسرائیل سرزمین‌های عربی را اشغال کرده است، اما عبور اگر یک وقتی مطابق مصالح مسلمین باشد و آن هم خواه ناخواه با مجلس اسلامی است و با تصویب سه چهارم نمایندگان است پس دستمان را نبندیم، چون اگر این اصل را ننویسیم راه بازتر خواهد بود و بهانه‌ای هم به دست دشمن نخواهیم داد. ما در اینجا یک قانون اساسی می‌نویسیم که‌بهترین قانون اساسی است و مملکت را تمام و کمال مستقل می کند.

**ربانی شیرازی** — شوروی برای حمایت از مسلمین کاری نمی کرد.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — ما نباید در قانون اساسی اظهار ضعف کنیم. اولا شرایطی که برادران نام بردند درزمان گذشته با حالا فرق میکند. امروز حملهٔ‌دشمن به نحو دیگری‌است، به صورت‌توطئه و غیره است و فکر نمی کنم یک کشوری به خودش این اجازه را بدهد که به‌کشور دیگری آشکارا تجاوز بکند و مورد اشغال و اعتراض قرار بدهد، بنابراین آن شرایط با این شرایط امروز ما و با این اصل هیچ تطبیق ندارد.

**نایب رئیس** — آقای پرورش بفرمائید.

**پرورش** — اگر این اصل را دو قسمت بکنیم به اینصورت که «عبور نیروهای سلطه‌جوی بیگانه از کشور و همچنین اقامت موقت آنها مطلقاً ممنوع است ولی عبور و یا اقامت نیروهای آزادیبخش و عدالت‌خواه‌باید با تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی و فرمانده کل قوا باشد».

**ربانی شیرازی** — آنوقت فردا شوروی میگوید من نیروی آزادیبخش هستم.

**نایب رئیس** — آقای تهرانی بفرمائید.

**تهرانی** — این اصل که بعضی‌هااشکال‌میکنند به‌اینکه موجب میشود دیگران‌به‌کشور ما بیایند، این به نظر من توهم نادرستی است. اولا در صدرش نوشته شده که «هیچ نیروی نظامی» فرق نمی کند وقتی نوشته شده خارج یعنی غیر ایرانی هرکشوری باشد نمی‌تواند عبور کند و نمی‌تواند موقتاً اقامت بکند مگر در مواقع ضرورت و مواقع ضرورت هم متعدد است یکی از آن موارد این است که خودمان‌اجازه بدهیم و آن‌در صورتی‌است که‌ایران در خطر باشد مثلا پاکستان میخواهد به ایران کمک بکند ما اگر اجازه ندهیم نیرو از پاکستان و ترکیه به ما

برسد آن موقع ملت ما از بین میرود. آقایان همه‌اش از آنطرف احتیاط میکنند و به فکر اینطرفش نیستند و از آن گذشته خود پیشنهاد آقایان در اصل سوم این بود که به همهٔ مستضعفان جهان کمک بکنند، پس طبق اصل ۳ چه اینجا بنویسیم و چه ننویسیم اگر مستضعفی مثل فلسطین احتیاج به کمک داشته باشد وپاکستان بخواهد برایش کمک بدهد طبق اصل ۳ ما بایدراهش بدهیم چه اینجا بنویسیم و چه ننویسیم، و از آن گذشته آمدن نیروهای خارجی را مقید کردید به تصویب سه چهارم نمایندگانی که از این ملت هستند و نیز شورای رهبری و فرماندهی که در آن شورای رهبری عده‌ای از فقها هستند بنابراین اگر در اینجا صدرش را بنویسیم و ذیلش را ننویسیم با مصالح اسلام و مسلمین مغایرت خواهد داشت.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید اصل را برای رأی‌گیری بخوانم. (مکارم شیرازی — اول اصلاح بفرمائید.) اصلاحش این است که «ازجهت حفظ مصالح کشوروا‌هداف انقلاب اسلامی».

**مکارم شیرازی** — اگر بنویسید «یا تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و حمایت از مستضعفین جهان» اشکال برطرف میشود.

**نایب رئیس** — تعهدی که اینجا نوشته شده خیلی جالب و کوتاهتر از آن است و بنابراین اصل ۱۲۲ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۱۲۲ — عبور نیروی نظامی خارجی از کشور یا اقامت موقت آنهاممنوع است مگر در مواقع ضرورت از جهت حفظ مصالح کشور و اهداف انقلاب اسلامی آنهم با تصویب سه چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی و فرماندهی کل قوا.

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس** — نتیجه رأی‌گیری را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق چهل و پنج رأی، آراءمخالف نه رأی، آراء ممتنع هفت رأی، بنابراین اصل ۱۲۲ با چهل وپنج رأی موافق تصویب نشد و برای بررسی بیشتر به گروه برمیگردد.

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۲۵ (اصل یکصد و پنجاهم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۵ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۵ — سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا میماند.

حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید برهمکاری و هماهنگی برادرانهٔ میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.

**نایب رئیس** — هنوز اصل خوانده نشده حدود بیست نفر از دوستان برای صحبت اسم نوشته‌اند، یک‌موافق ویک مخالف میتوانند صحبت بکنند. برحسب آنچه اسم نوشته‌اند. آقای منتظری شما موافقید یا مخالف؟ (منتظری— من موافقم.) آقای هاشمی‌نژادشما؟ (هاشمی‌نژاد— موافقم.) آقای پرورش شما؟ (پرورش — مخالفم.) آقای پرورش به عنوان مخالف بفرمائید.

**پرورش** — سلام علیکم. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به‌نستعین. این اصل ۱۲۵ که نمودار موجودیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است، این سپاه عزیزی که از متن و بطن جامعه

انقلاب اسلامی روئیده است و طبیعی است وقتی که من به عنوان مخالف میخواهم اینجا صحبت کنم در زمینه وجود و بقای این سپاه نیست بلکه در زمینه این اصل است چون ابعاد و اضلاع و زوایای کامل این سپاه را بررسی نکرده‌اید. در قسمت اول این اصل موجودیت سپاه را که ادامه داشته است به همین صورت بیان کرده که باید پابرجا بماند این درست و صحیح است و قسمت صحیح این اصل است اما در قسمت دوم نوشته است « حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین میشود.» دراینجا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران یک موجودیت معلقی است چون اولاً گفته نشده که بودجه و نیازمندیهای این گروه جان برکف از جان گذشته که همه موجودیتشان را وقف این انقلاب و به‌ثمر رساندن اهداف آن میکنند و شبانه‌روز همه ما شاهد فداکاریها و گذشت‌های آنها هستیم از کجا تأمین میشود . دوم تعیین نشده که دولت باید امکانات برای اینها فراهم بیاورد و ایجاد بکند یعنی رابطه دولت با این سپاه به هیچ صورت بیان نشده است زیرا ما می‌بینیم دولت مبعوث انقلاب که بیش از هرکس به‌وجود این‌عزیزان جان‌برکف‌نیازمند بود درخودگرماگرم انقلاب چه‌گلی بر سر آنها میریخت و پیوسته آنها را تخطئه میکرد چه برسد به دولتهای بعد که فاصله‌ای هم با متن انقلاب و آغازانقلاب دارند، از اینجهت تعیین نشده که دولت باید امکانات لازم را برای اینها فراهم کند. مسأله سوم اینکه این گروه معلقی که در این اصل نه روشن است که بودجهٔ آنها از کجا هست و نه معلوم است که به کدامین منبع و مأخذی متصل هستند و از کجا و از چه کانالی تغذیه میشوند، ازنظر بودجه و امکانات، ذکرنشده که ارتش باید تجهیزات‌لازم را در اختیارشان قرار بدهد، زیرا واقعاً اصلی را که باید شدیداً به آن توجه داشت و گروهی که باید عمیقاً به عظمت آنها توجه داشت همین گروهند که من صبح پیشنهاد کردم خدمت برادر عزیزمان آقای دکتربهشتی وگفتم همینطور که ازارتش اینجا آمدند، ازوزارت‌دفاع آمدند برای اینکه سخنانشان را بگویند حداقل از پاسداران انقلاب یا فرماندهی عملیاتی آن یا افراد دیگری که در این زمینه متخصص هستند دعوت بشود تا مشکلاتشان را بازگو کنند و بررسی‌بشودوبر اساس آن مشکلات ، آقایان چاره اندیشی کنند زیرا یک گروهی از آغاز انقلاب به همان صورتی که امام‌علی‌ابن‌ابیطالب(ع)به‌فرزندش میگوید که‌فرزندم «اعرالله‌جمجمتک، ارم‌ببصرک، عض علی ناجذک» با چنین حالتی جان برکف در مقابل دشمن و توطئه‌گر می‌ایستند، باید بیش ازاین امکانات و تجهیزات لازم در اختیارشان قرار داده بشود. بنابراین بعد مخالفت من نه از این نظر است که من با سپاه پاسداران، سپاهی که عمیقاً به‌آنان عشق می‌ورزم و حاضرم موجودیتم را نثار خود این سپاهی بکنم که موجودیتش را نثار انقلاب کرده است، نه اینکه بخواهم مخالفتی با این سپاه داشته باشم بلکه میخواهم بگویم اصل فقط اینچنین بیان کرده «حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه» فقط وظایفش را و قلمرو مسئولیتش را قانون معین میکند ولی سپاه از کجا تغذیه شود در این اصل نیست، از کجا بودجهٔ سپاه تأمین بشود معلوم نیست، چگونه سپاه با دولت رابطه داشته باشد معلوم نیست و چگونه سپاه از تجهیزات لازم بهره‌مند بشود معلوم نیست. یک موجودیت معلقی‌است که فقط‌حدود وظایف و قلمرو مسئولیتش بعداً به وسیله قانون معین میشود. (مکارم شیرازی — ایشان مخالف نبودند.) گفتم مخالف با تدوین این اصل به این صورت هستم.

**نایب رئیس** — قبل از اینکه آقای منتظری به عنوان موافق صحبت کنند دو نکته مربوط میشد به من که توضیح میدهم. یکی اینکه من صبح به آقای پرورش عرض کردم دوستان در جلسه به همه این نکاتی که می‌فرمائید واقفند و در جریان کار هستند و حضور دارند و چه‌بسا از برخی از مسئولان سپاه هم بیشتر به جزئیات همین نکاتی که می‌فرمائید واقف هستند و به این دلیل بود که دیگر زحمت به برادران ندادیم و آن جنبه‌ها مورد نظر واقع شد و دوم اینکه ما در هیچیک از واحدهائی که تا حالا به تصویب رسیده است نگفتیم که بودجه‌اش چیست، هر چیزی که اینجا نوشته‌ایم که موجودیت دارد یعنی بودجه و تجهیزاتش برعهده ملت‌است. در بحث قوهٔ قضائی میگوئیم دادگاههای چنین و چنانی باید باشد دیگر نمی‌گوئیم که‌بودجه‌اش از کجا تأمین میشود. در مورد خود ارتش که مطرح بود نگفتیم تجهیزات و بودجه‌اش راچه مرجعی تهیه کند. هر واحدی راکه در قانون اساسی به عنوان یک واحد ضروری اسم برده‌ایم معلوم‌است که باید امکانات وبودجه‌اش را دولت‌تأمین کند. (دکترشیبانی— ردیف بودجه‌اش هم هست و دولت معین کرده است.) اجازه بدهید من این موضوع را هم برای اطلاع همه ملت و پاسداران عزیز توضیح بدهم که بودجه امسال سپاه پاسداران به صورت بودجه در حد نیاز کارهایشان برحسب پیشنهاد خودشان، چون از سپاه خواسته شد که بودجه پیشنهاد کند و بودجه پیشنهادی سپاه توسط شورای انقلاب تصویب شده و به دولت هم ابلاغ شده و عمل هم میشود. آقای منتظری به عنوان موافق بفرمائید.

**منتظری** — اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من خواهش میکنم که اگر کسی به عرایض من اشکال دارد بگذارد عرایض من تمام بشود بعد صحبت بکند. با اینکه دو معنی برای ما مسلم است یکی اینکه دفاع از مکتب اسلام بر همه مردم لازم است، برادران ارتشی، برادران سپاه پاسدار و بقیهٔ مردم همه در این جهت شریکند و با اینکه دفاع از کشور هم بر همه لازم است ولی معذلک میخواهم بگویم که یک نکته‌ای در صحبت آقایان صبح در کمیسیون مشترک مورد غفلت واقع شده و آن این است، مثل اینکه خیال میشد که اگر وجود سپاه پاسداران تضادی داشته باشد، با ارتش تضاد دارد در صورتی که به فرض‌محال اگر کسی بخواهد بگوید تضادی دارد با نیروهای انتظامی مثل پلیس و ژاندارمری بیشتر برخورد دارد ولی من میخواهم عرض کنم با هیچیک از آنها تضاد ندارد و قلمرو کارشان اصلا تفاوت دارد وباید سپاه پاسداران باشد. یک وقتی درصدر اسلام طوری بوده است که اوضاع نظامیگری و اینها خیلی‌ساده بوده است یک نفریک شمشیرداشته بایک شتر، پیاده یا فوق آن با یک اسب اما امروز تجهیزات نظامی خیلی پیچیده است و آن چیزی که وظیفه اساسی ارتش است دفاع از کشور است در مقابل نیروهای خارجی که ممکن است یک وقت به کشور حمله بکنند، و اینکه میگوییم ارتش باید مجهز باشد بله باید با مدرن‌ترین تجهیزات نظامی مجهز بشود. ما پریروز در این دانشکده نظامی برای تشویق آنها شرکت کردیم با بعضی از آقایان دیگر. اتفاقاً آنجا آقای نخست‌وزیر این آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط‌الخیل» را خواندند و ایشان از این «من رباط‌الخیل» استفاده کردند و گفتند که اینجا بیشتر روی‌پیاده نظام تکیه شده و این غفلت بزرگی از ایشان بود درصورتی که در صدر اسلام پیاده نظام وسیله نداشت وآن کسی که یک کمی‌وسیله بهتری داشت،شترداشت. مدرن‌ترین وسیله‌ای که آن‌زمان داشته‌اند اسب‌بوده است پس «رباط‌الخیل» پیاده‌نظام نیست بلکه مدرن‌ترین‌سواره‌نظام است و

ارتش اگر بخواهد از کشور دفاع کند باید مجهز باشد به مدرن‌ترین جهازات روز مثلا امروز اگر هواپیماهای اف — ۱۵ و اف — ۱۶ هست مسلمانها هم باید آنها را داشته باشند حتی این معنا را که در دهنها انداخته بودند که بایستی که ما تجهیزات اتمی نداشته باشیم، البته اگر دنیا توافق کرد براینکه تجهیزات اتمی از بین برود در امور جنگی، خوب ما هم موافقیم اما در صورتی که آمریکا و شوروی مثل دو غول خودشان را مجهز کرده‌اند به نیروهای اتمی، مسلمانها هم باید نیروهای اتمی داشته باشند، اینهمه دارند پاکستان را هو میکنند که چرا دارد بمب اتمی میسازد بمب اتمی برای آمریکا و شوروی حلال است اما برای مسلمانها حرام است «واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط‌الخیل» دلیل بر این است که بالاترین تجهیزات نظامی را ارتش ما باید داشته باشد و ارتش اگر بخواهد مجهز به آنجور نیروها باشد فقط در مقابل دشمن خارجی است و دشمن خارجی را شما کوچک نشمارید، نگوئید که امروز کسی حمله به کشورهای اسلامی نمی‌کند جهان سوم همیشه در معرض خطر دو امپریالیزم شرق و و غرب است. پس بنابراین ارتش ما باید مجهز بشود و من از دولت میخواهم که برادران ارتشی ما را تشویق کند که ذوق خودشان را بکار ببرند و روحیه ابتکار درشان پیدا بشود تا ارتش خودشان را به جهازات مدرن روز و صنعتی روز مجهز بکنند. بنابراین ارتش بایستی دفاع از کشور بکند در مقابل نیروهای خارجی ولی پاسداران انقلاب بالاترین وظیفه‌اش دفاع از مکتب است مکتب اسلام، اگر چنانچه روزی وزارت امر به‌معروف و نهی ازمنکر پیدا کردیم پاسداران انقلاب میشوند ضابطین نظامی آن وزارت و اگر هم پیدا نکردیم پاسداران انقلاب‌چون از متن اسلام جوشیدند یعنی‌در وقتی که انقلاب اسلامی شد داوطلبانه از متن اسلام و از روحیه اسلام جوشیدند اینها بیش از همه دفاع از مکتب اسلام خواهند کرد. بنابراین ما برای دفاع از مکتب اسلام به اینها احتیاج داریم و دولت هم باید اینها را مجهز کند در مقابل ضدانقلاب به بالاترین جهازات و اینهم منافات ندارد که اگر یک روزگاری ارتش هم به اینها احتیاج پیدا کرد اینها کمک بکنند چنانچه اگر یک روزگاری احتیاج پیدا شد که ارتش کمک به داخل بکند آنهم مانعی ندارد ولی الان قلمروشان از یکدیگر جدا است و پاسداران انقلاب چون داوطلبانه آمدند میخواهند دفاع از مکتب بکنند و ما یک نیروئی‌به عنوان دفاع از مکتب‌لازم داریم. امیدوارم که دولت قدر بداند و تقدیر کند و این تبلیغات سوئی که از بیرون شنیده میشود که میخواهند بین ارتش و بین پاسداران جدائی بیندازند امیدواریم مؤثر واقع نشود و دست‌برادری به یکدیگر بدهند و هم از کشور و هم از مکتب دفاع کنند.

**تهرانی** — توضیح بدهید که مقصود ایشان تعقیب سیاست نظامی شاه نیست و ما الان در مورد وظایف ارتش و پاسداران در حال مطالعه هستیم.

**نایب رئیس** — همینطور است یعنی متأسفانه یک‌بحثی‌را آقای منتظری مطرح کردند که در دستور مربوط به این جلسه نبود و طبعاً چه بسا از طرف دوستان نظرات گوناگونی را ایجاب کند ولی ما فعلا به آن قسمتی از بحث ایشان توجه میکنیم که مربوط به دفاع از اصل بود.

**اشراقی** — اینجا نظریه مخالف مانندی ذکر نشد.

**مقدم مراغه‌ای** — اجازه بفرمائید من تذکری دارم راجع به نحوه اجرای آئین‌نامه در این جلسه، چون شما از قبل می‌دانستید چه کسانی به چه نحو مخالفت میکنند و به آنها اجازه صحبت دادید و این درشأن این مجلس نیست.

**حسینی هاشمی** — من خواهش میکنم به ایشان وقت بدهید تا بیایند مخالفتشان را بکنند تا جواب داده شود.

**هاشمی‌نژاد** — اجازه بدهید یک موافق و یک مخالف دیگر هم صحبت کنند.

**نایب رئیس**— خوب، آقای مراغه‌ای گاهی اظهار لطفهائی از این قبیل یا راجع به‌بنده یا راجع به کل مجلس یا راجع به کل انقلاب دارند. عرض میشود که من نه علم غیب دارم و نه خبر داشتم اتفاقاً صبح هم آخر وقت با آقای پرورش وقتی که می‌خواستیم برویم بیرون به من گفتند که من به عنوان مخالف صحبتی دارم و گفتیم که وقت تمام است ایشان گفتند من عصر صحبت میکنم اگر سابقه ذهنی برای من بود در این حد بود که آخر جلسه ایشان گفتند من صحبتی دارم به عنوان مخالف عصر هم صحبت میکنم. بنای ما براین است که حمل برفسادها نباشد و نمی‌دانم آقای‌مقدم‌مراغه‌ای چطوربه‌خودشان اجازه دادند که‌بگویند شما بهتر از همه میدانید که چه کسی موافق است چه کسی مخالف اولا چطور من بهتر از همه میدانم ثانیاً اینجا نوبت به ایشان رسید به عنوان مخالف آمدند صحبت کردند. به هر حال اینگونه برداشت‌ها با آن پیوندی که ما میخواهیم در این اجتماع داشته باشیم سازگاری ندارد و امیدوارم اگرچنین ذهنیاتی آقای مقدم‌مراغه‌ای دارندلااقل به کسانی که اینجا میخواهند دور از این حرفها وظیفهٔشان را انجام بدهند تعمیم ندهند.

**فارسی**— اگراشکالی ندارد ازنظرآئین نامه اجازه بدهید آقای‌مقدم‌مراغه‌ای هم‌صحبت کنند.

**ربانی املشی** — موافق صحبت کرده است ولی بعضی‌ها مدعی هستند مخالف صحبت نکرده است اجازه بفرمائید یک نفر به عنوان مخالف صحبت بکند.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید، آقای اشراقی اینجا اسم نوشته بودند و به عنوان مخالف صحبتشان را فرمودند، اگر فکر میکنید که صحبت ایشان هم به عنوان مخالف کافی نیست، یک نفر مخالف دیگر بیاید صحبت بکند البته اسم آقای مقدم مراغه‌ای اینجا نوشته نشده‌است، آقایانی که برای صحبت در اصل ۱۲۵ اسم نوشته‌اند عبارتند از آقایان: منتظری، هاشمی‌نژاد، پرورش، حسینی‌هاشمی، مکارم، موسوی تبریزی، ربانی‌شیرازی، دکتر آیت، رشیدیان، اشراقی، قرشی ، کیاوش ، بشارت، میرمرادزهی، طاهری اصفهانی، طاهری گرگانی، سبحانی بنابراین اگر آقای اشراقی که به عنوان مخالف صحبت کردند کافی است، اصل را برای گرفتن رأی بخوانیم .

**هاشمی‌نژاد** — اجازه بفرمائید، من عرضی دارم. تجربه نشان داد متأسفانه در مسائل حیاتی به مخالفینی که میگویند ما مخالفیم کمتر اجازه صحبت داده شده است در این مسائل نظراتشان را بگویند، در عین اینکه موافقین در دنبالش هستند یا اگر اجازه داده شد فقط به مخالفین داده شده و به موافقین اجازه داده نشده است، و دوستانمان هم گاهی عجله میکنند در عین آنکه از این تریبون غالباً یا احیاناً بعضی از مواقع استفاده‌هائی شده که نیاز به یک سری توضیحات داشت وما این توضیحات را ندادیم واین‌استفاده را نکردیم. اجازه بدهیددرمورد این مسأله یک مخالف بیاید صریح صحبت بکند وتقاضا میکنم دوستان هم ده دقیقه‌تحمل کنند بگذارید مشخص کنیم که مسأله چیست.

**نایب رئیس** — چون مسأله مهمی است و از نهادهای انقلاب است و آئین‌نامه هم اجازه میدهد که این کار را بکنیم من ببینم چه کس‌دیگری‌مخالف‌است. آقای حسینی‌هاشمی؟

(حسینی هاشمی — من موافقم.) آقای خامنه‌ای شما بفرمائید.

**خامنه‌ای** — پس آقای دکتر بهشتی اجازه بدهید نصف مذاکرات صبح جلسه مشترک گروهها، در جلسه علنی بعدازظهرها انجام بگیرد.

**کریمی** — خود آقای هاشمی‌نژاد صبح مفصلا صحبت فرمودند.

**نایب رئیس** — آقای موسوی تبریزی نظر شما چیست؟ (موسوی تبریزی — من موافقم.)

**تهرانی** — اجازه بفرمائید آقای مقدم مراغه‌ای در این اصل به عنوان مخالف نظرشان را بگویند.

**نایب رئیس** — پس با اجازه دوستان آقای مقدم مراغه‌ای به عنوان مخالف صحبت میکنند بعد هم یک موافق دفاع خواهد کرد. آقای مقدم‌مراغه‌ای بفرمائید.

**مقدم مراغه‌ای** — به نام خدا. البته با این حالت هیجانی بنده نمی‌خواهم مصدع بشوم ولی... (یزدی — هیجانی درکار نیست، آزاد صحبت بفرمائید.) متشکرم، یکی دو نکته را میخواهم عرض بکنم، روز بیست و سوم بهمن پارسال بود آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر موقت (یعنی روز دوم نخست‌وزیریشان) به‌بنده تلفن کردند (ساعت نه بود من رسیدم منزل، تلفن کردند) و گفتند فلانی الان از سفارت سویس به‌من خبر دادند که عده‌ای از اتباع سویس را در هتل های شمال شهر گرفته‌اند و برایشان مزاحمت فراهم میشود چون ممکن است این کار یک انعکاس بین‌المللی پیدا بکند خواهش میکنم شخصاً بروید این مطلب را رسیدگی بکنید. البته در نظر داشته باشید روز دوم انقلاب چه وضعی در تهران برقرار بود، البته معلوم بود آنها در هتلهای شمال شهر هستند و درجنوب شهر نیستند بنده رفتم هتلها را یکی یکی بازدید کردم تقریباً آنچه دیدم مشابه بود، رفتم دیدم چند جوان آنجا هستند اتباع خارجی را در سالن جمع کرده‌اند و بالای سرشان ایستاده‌اند. از جوانها پرسیدم شما از طرف چه کسی آمده‌اید؟ گفتند خودمان آمده‌ایم (البته بعد از آنکه خودم را معرفی کردم) پرسیدم با چه کسی ارتباط دارید؟ گفتند با هیچکس با خودمان. گفتم اگر پیش‌آمدی برایتان بشود، اتفاقی بیفتد به شما حمله کنند ازچه کسی کمک میخواهید؟ گفتند نمی‌دانیم. آنجا هتل هیلتون بود و بقیه هم همینطور واقعاً اسم هتلهای شمال شهر را فراموش کرده‌ام. این پاسداران انقلاب از این‌جا سرچشمه گرفته‌اند یعنی خودشان سردمی عمل کرده‌اند بدون اینکه سرپرست داشته باشند. خاطره چند روز قبلش را بگویم روز جمعه‌ای بود، یک سرلشکر معدوم به من تلفن کرد گفت به آقای مهندس بازرگان بگو که ارتش درست است که پانصد هزار نفر است ولی نبض او در دست لشکر جاویدان و نیروی مخصوص است و ما تصمیم داریم که همه‌تان را از بین ببریم حالا هر موقع که باشد. البته بنده به او جواب دادم اگر لشکر جاویدان‌یا نیروی مخصوص عمل بکند مطمئن باشید زیر سیل نیروی همان لشکری که شما فکر میکنید سیاهی لشکر است از بین میرود و بعد هم دیدیم که همانطور شد. چند شب بعد ساعت یک و نیم بعد از نصف‌شب به منزل ما حمله کردند من به پاسدارها تلفن کردم تقریباً پنج‌دقیقه بعد پاسدارها آنجا بودند. پس کسی که دارد این حرف‌ها را میزند روی این نظر که با اساس مخالف باشد نیست اما اصل بعدی اصل بسیار خوبی است. ما باید کاری بکنیم که همه مردم درحفاظت از مکتب مشارکت‌داشته باشند نه گروه خاصی. الان خوشبختانه حکومت اسلامی برارتش مسلط است تا آنجا که ما می‌بینیم و می‌شنویم تزکیه هم شده است و آن اشخاصی که به اصطلاح منبع فساد بوده‌اند از

بین رفته‌اند اگر کسان دیگری هم هستند اینها هم ازبین خواهند رفت. این پاسداران هم واقعاً خدماتشان را انجام داده‌اند، وقتی من میگویم پاسداران برای الان نیست ما برمیگردیم به آن مسأله کلی این را اجازه بدهید درکنایه خدمت آقایان بگویم، چون نمی‌خواهم هر ساعت مزاحمتان بشوم ما هنوز این دو اصل را با هم حل نکرده‌ایم که این اصل حاکمیت مردم، تکرار میکنم برای دوران حیات امام خمینی هیچ نگرانی نیست برای بعد، این پاسداران شاید ده سال دیگر هیچکدام نباشند این پاسداران یا بطور موقت یا بطور دائم هستند و واقعاً ملت مدیون اینها است باید از آنها حمایت بکند و هرکاری میکند باید مسیر زندگیشان را معین بکند در این حرفی نیست ولی در آینده یک نیروی مخصوص در اختیار نیروئی که ما هنوز نمی‌دانیم چه خواهد شد میگذارید و واقعاً تعیین نکرده‌اید، شما گفته‌اید اساسش را بعداً تعیین خواهید کرد هنوز آن وضع مرجعیت و رهبری راباهم تعیین نکرده‌اید، هنوز ارتباط واصطکاکش را باحاکمیت‌ملت تعیین نکرده‌اید. آقا اینکه عرض میکنم برای این است که این اصول به‌هم پیوسته‌است ما اصول را مدام تنها تنها تصویب میکنیم و رد میشویم. این‌قانون را میخواهید اجرا بشود یا نه؟ اگر میخواهید اجرا بشود پیوستگی‌اش راباهم در نظر بگیرید ، با مبانی که قبول نکرده‌اید ببینید چه ارتباطی‌دارد. ما ارتش‌داریم که‌وظیفه است و وقتی ارتش وظیفه شد ملی‌است چون‌هشت سال دیگر،چند سال‌دیگر همه این‌افرادارتش‌عوض خواهند شدفرماندهان هم عوض خواهند شد و تصفیه خواهند شد، یک عده افسران جوان خواهند ماند که در اختیار جمهوری اسلامی هستند و باید باپاسداران همکاری بکنند. پاسداران وارتش اسلامی و ژاندارمری و شهربانی اینها قوای انتظامی مملکت‌هستند که بایدبرنامه‌شان یک‌کاسه تعیین شود ، متشکرم.

**میر سرادزهی**— بالاخره نفهمیدیم آقای مقدم سراغه‌ای با سپاه پاسداران مخالف بودندیا موافق؟

**موسوی اردبیلی** — امروز هرکس به‌عنوان مخالف صحبت‌کرد ، بعد معلوم شد مخالف نبوده است.

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد به عنوان موافق صحبت می‌فرمایند.

**هاشمی‌نژاد** — همان طوری که الان برادرسان آقای موسوی اردبیلی اشاره کردند شاید به خاطر اینکه در جمع حرفهائی که در اینجا به عنوان مخالفت زده شده بود هیچگونه‌استدلالی برای اینکه چرا ما مخالفیم وجود نداشت فقط مسأله این بود که با طرح این اصل مخالف بودند و خوشبختانه مسائلی که در اینجا طرح شده پیدا شد که عامل اصلی مخالفت ایشان چیست. مسأله سپاه پاسداران را ایشان در یک رابطه خیلی جزئی وسطحی که «جناب آقای نخست‌وزیر به من تلفن کردند و من هم رفتم در هتل چند نفر جوان آنجا بودند گفتم که آقاشما از کجا آمده‌اید گفتند خودمان اینجا آمده‌ایم ، چه کسی شما را فرستاده؟ خودمان فرستاده‌ایم سپاه پاسداران از اینجا آغاز شد» این تحلیل با واقعیت جامعه ما مطابق نیست و به ایشان هم حق میدهیم‌چون‌قبل ازپیروزی انقلاب که‌جناب آقای‌نخست‌وزیربه‌جناب‌آقای‌مقدم‌سراغه‌ای تلفن بکنند ایشان هم مثل بسیاری از دوستان در متن انقلاب به‌آن صورت نبودند. آنهائی که دارند الان راجع به سپاه پاسداران و سابقه پیدایش آن صحبت میکنند کسانی هستند که جای پای آنها همه‌جا هست در دوران انقلاب، در کنار ملت، در دادگاههای استبدادی، درسلول‌ها،

زیر شکنجه‌ها، در حالی که دست‌بند به دستشان بود و آنها را به اینطرف و آنطرف میکشیدند در تظاهرات یک سال اخیر صدای مردم را منعکس میکردند و زیر رگبار گلوله بودند وتاآستانه مرگ رفتند وخدا نخواست واکنون زنده و دراینجا هستند. اگرآنها به‌جای آقای مقدم‌مراغه‌ای بودند و اینجا می‌آمدند، میگفتند که سپاه پاسداران از همان صدهزار جوانان شهید جان برکف ما هستند یعنی باقی‌مانده آنها هستند که اکنون تحت این عنوان شکل گرفته‌اند. اینها کسانی بودند که قبل از سقوط رژیم خودشان را در خط امام مسلح میکردند و مسلح هم شده بودندتا آن روزی که امام فرمان جهاد مسلحانه را بدهد آماده بشوند. خوب بود برادران به آن جمله امام توجه میکردند که قبل از ۲۲ بهمن وقتی از آقا پرسیدند اگر فرمان جهادبدهیداسلحه را از کجا تأمین میکنید ایشان فرمودند مهم نیست و کار آسانی است. تصور نمی‌فرمائید که آقا در جریان این کار بوده‌اند؟ و همین جوانان مسلح و آماده و تعلیمات دیده آنجا بودند چون توجه دارید که یک آدم ناشی یک دفعه نمی‌تواند تفنگ را به دست بگیرد و از اسلحه استفاده بکند و به عبارت دیگر به قول معروف همیشه یک کیفیت تازه‌ای که بوجود می‌آید در هر بعدی معلول طی مراحل کمی گذشته است و این برداشت و تحلیل صحیح علمی نیست که آدم یک پدیده را و یک کیفیت تازه را از همان جا ببیند و مراحل قبلی‌اش را مورد توجه قرار ندهد. سپاه پاسداران کسانی هستند که مطمئناً ایشان در جریان کار آنها نیستند ولی بسیاری از دوستان ما در جریان کار آنها قرار دارند. تعدادی از آنها مهندس، فوق‌لیسانس، لیسانس، دارای دیپلم، انواع مدارک مختلف علمی هستند همین‌الان با داشتن شغل، با داشتن همه امکانات متوسط رفاهی زندگی و با داشتن زن و فرزند به خاطر همان هدفی که یک سال قبل خیلی‌ها در گوشه خانه نشسته بودند و به انقلاب و به رهبر انقلاب اعتراض داشتند که چرا این موضع حاد را داری؟ با آمریکا نمی‌شود مبارزه کرد و معتقد بودند که باید با نظام آمریکا ساخت و تا روزهای قبل از ورود رهبر به‌ایران شعار آنها این بود، در آن روزها این سپاه‌تشکیل شده بود منتها زیرپرده بود و بعد از آنکه رهبر انقلاب آمد و انقلاب در این مرحله قرار گرفت اینها آشکار شدند شکل گرفتند و راه خودشان را ادامه دادند و الان هم می‌بینیم همان‌گونه که برادران آقای پرورش‌گفتند واقعاً جمجمه خود را به‌خدا عاریه میدهند ومیروندبه‌جبهه‌جنگ و شدیداً مقابله و مبارزه و مقاومت میکنند. مسأله این است که ایشان سپاه پاسدار را خوب شد فرمودند... (نایب رئیس — آقای هاشمی‌نژاد وقت شما رو به اتمام است.) چشم، سپاه‌پاسدار را ربط دادند به ولایت فقیه و حاکمیت ملی. امیدوارم این مسأله برای آخرین بار باشد. از ایشان و از همه کسانی که درباره ولایت فقیه و مسائل جاری روز مملکت، مسأله خبرگان، و آنچه تاکنون تصویب شده است و آنچه که در این رابطه و شرایط جاری کشور هست اشکالی دارند و نظری دارند از این فرصت استفاده میکنم و دعوت میکنم به بحث و مناظره عمومی تا مشخص بشود حاکمیت ملی و ولایت فقیه با یکدیگر تضاد دارند یا مکمل یکدیگرند ، ملازم یکدیگرند. سیستم ما سیستم امامت و امت است نه امت باامامت تضاد دارد نه‌امامت با امت، متلازم با یکدیگر هستند. مسأله این است که جمعی در این کشور هستند حق دارند این نظر را داشته باشند و این نظرشان را می‌آیند اینجا ابراز هم میکنند و در عین حال عجیب است که میگویند جو خفقان در مجلس حکمفرماست این نظر را دارند که تصور کرده‌اند انقلابی که در این مملکت واقع شده است به این مفهوم است که این سیستم‌آریامهری باتمام‌ابعاداقتصادیش،

نظامیش، سیاسی‌اش و همه مسائل هست فقط تعدادی از افراد را از بالا برداشته‌اند یک تعداد را بگذارند سرجای آنها، و درست در همان خط غرب فکر میکنند حق دارند چنین فکری رابکنند یعنی فکر کرده‌اند انقلاب ملت ما به خاطر این است که سیستم غربی را در این مملکت پیاده کنیم منتها تا دیروز کسی نمی‌توانست حرف بزند حالا میتوانند حرف بزنند یعنی مبارزه وانقلاب ما ضد استبدادی است و حال آنکه مسأله این نیست و به همین دلیل است که با هر نهاد تازه‌ای که در رابطه با انقلاب است جمعی مخالفند. این نهاد چه به‌صورت ولایت فقیه باشد که فرمودند چه به‌صورت سپاه پاسداران باشد که در اینجا تشریح کرده‌اند چه به صورت‌شورای نگهبان باشد هر چیزی که نهاد تازه و در رابطه با انقلاب است تعدادی با این جهت مخالفند و می‌خواهند سیستم حکومت کشور، همان سیستم غربی باشد در حالی که ما راه نو، خط نو هستیم و اگر تعدادی در دوران تظاهرات مردم نبودند حداقل از رادیوها شنیدند که شعارملت ما این بود: نه شرقی، نه‌غربی، حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی که تفاوتی با هم در این جهت ندارد پس انقلاب نهادهای تازه‌ای دارد و یکی از این نهادهای تازه سپاه پاسداران است و تعجب میکنم از اینکه جمعی تصورمیکنند این باکدام نیرو تضاد دارد یا ندارد. صبح امروز هم در جلسه مشترک این جهت را عرض کردم هر نهاد تازه‌ای در رابطه با انقلاب وقتی در یک کشوری بخواهد بوجود بیاید خواه ناخواه این مسائل هست مطمئناً روزی که طرح پلیس را ریخته بودند و میخواستند در این مملکت پیاده کنند، روزی که طرح ژاندارمری را ریخته بودند چنین مسائلی مطرح بود مسلماً این سری مسائل یک سری مشکلاتی در ابتدای کار دارد ولی این مشکلات حل میشود و این مشکلات در جواسلامی به‌خوبی راه حل خودش را طی میکند و ما درآینده نزدیک خواهیم دید که این نیروها در کنار یکدیگر همه در یک مسیر و حافظ انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی به راه خودشان ادامه میدهند، والسلام.

**دکتر بیت اوشانا** — ایشان در میان سخنان خود ارتش سابق را به سپاه پاسداران امروز تشبیه کردند در حالی که آن ضد مردم بود و این در جهت مردم است.

**نایب رئیس** — من هم همان‌موقع به‌نظرم رسید این تذکر رابدهم. (هاشمی‌نژاد— تشبیه از نظر هدف نبود.) اصل ۱۲۵ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**اصل ۱۲۵ (اصل یکصد و پنجاهم)** — سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامهٔ نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا میماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو و مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین میشود.

**نایب رئیس** — لطفاً گلدانها را برای رأی‌گیری نزد دوستان ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، آراء موافق پنجاه و پنج رأی، آراء مخالف دو رأی، آراء ممتنع سه رأی بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ – طرح و تصویب اصل ۱۲۶ (اصل یکصد و پنجاه و یکم)

**نایب رئیس** – اصل ۱۲۶ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۶ – به حکم آیه کریمه «واعدولهم ما استطعتم من قوة و من رباطالخیل ترهبون بهعدوالله وعدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی فراهم کند بطوری که همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

**چند نفر از نمایندگان** – رأی بگیرید، رأی بگیرید.

**نایب رئیس** – اسامی این آقایان را که میخوانم برای بحث در این اصل اینجا اسم نوشتهاند. آقایان: ربانی شیرازی، صافی، اکرمی، خزعلی، رشیدیان، دکتر غفوری، موسوی تبریزی. آقای ربانی شیرازی شما بفرمائید.

**ربانی شیرازی** – آیهای که در اول این اصل نوشتهاید مربوط به موضوع اصل نیست.

**صافی** – تذکر بنده این است که آموزش نظامی برای زنان و بانوان سابقه قبلی ندارد و اگر این امر، امر مستحسن و لازمی بود حضرت رسول اکرم (ص) هم حضرت زهرا (ع) را آموزش نظامی میدادند. این یک بدعت تازهای بود که در زمان طاغوت برای ازبین بردن هتک صیانت زنان این مملکت بوجود آمد. خواهش من این است که شما کاری نکنید که این بدعت به وسیله شما تأیید شود. (اکرمی – پیشنهاد میکنم بنویسید همه مردم همواره توانائی دفاع...)

**نایب رئیس** – آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** – در اینجا باید اول از ارتش سخن بگوئید که به آخرین سلاحهای روزمجهز باشد و همچنین تاکتیکها و فنونی که در هر زمان وجود دارد، بعد مردم را آموزش بدهیم برای دفاع و مبارزه. در جواب آقای صافی هم باید بگوییم که زنها در مبارزات اخیر نقش اساسی را ایفا کردند و با تأیید امام و مراجع، زنان در تظاهرات خیابانی که نوعی مبارزه و جهاد است، شرکت کردند و این یک وظیفه است که زن و فرزند را برای دفاع آماده کنیم، بنابراین آموزش نظامی برای دفاع، زن و مرد ندارد.

**نایب رئیس** – آقای دکتر غفوری مطلب تازهای دارید؟

**گلزاده غفوری** – میخواستم چند نکته را در اینجا یادآوری کنم. اول اینکه امروز صبح هم با آقای منتظری صحبت کردم، باید در اول این قانون چند آیه به عنوان مستندات اصیل اسلامی بیاید، از قبیل همین آیه و آیههائی که نشانه و معرف اسلام باشد برای تمام دنیا. (نایب رئیس – آقای غفوری این، پیشبینی شده است.) بسیار خوب، دوم اینکه در اینجا همانطوری که بارها اشاره شد وبهخاطراینکه معلوم شود ملت ایران آسیبناپذیرند وبیگانگان قصد طمع به این ملت را نداشته باشند، نوشته شود «با توجه به اینکه تمام مردم مکلف، سربازکشورند» و بعد هم در آنجا که نوشته شده «افراد کشور» اضافه شود «بخصوص واحدهای آموزشی».

**نایب رئیس** – متشکر، آقای موسوی تبریزی.

**موسوی تبریزی** — البته آن مطلبی که آقای صافی فرمودند، اگر بخواهند دخترها را آموزش نظامی بدهند و مثل زمان سابق به سربازخانه‌ها ببرند، درست نیست. پانزده سال پیش هم امام در قم فرمودند که ملت ایران به داد دخترانتان برسید، میخواهند دخترهای شما را به‌سربازخانه‌ها ببرند. بعدهم شاه یک‌نطقی کرد که ما کی می‌خواهیم دخترها رابه‌سربازخانه‌ها ببریم؟ که البته بعداً معلوم شد دروغ میگوید و دیدیم واقعیت‌هائی که بین زن و مرد است آن را از بین بردند و ارتش آنچنانی درست کردند. البته به آن صورت درست نبود و نیست اما برای دفاع چه مانعی دارد؟ در باب جهاد تمام فقها هم فتوا داده‌اند اصلا دفاع برکلیه مکلفین و غیر مکلفین لازم است،حتی بچه. اگر یک وقتی مملکت در مخاطره افتاد و نظام جمهوری اسلامی به خطر افتاد، کلیه مکلفین باید دفاع کنند. آن‌زمان دفاع به‌آن صورت بوده و امروز هم به وسیله همین اسلحه گرمی است که در دست مردم است.

**صافی** — آموزش نظامی به زنها دادن سابقه شرعی ندارد، این یک بدعت تازه است‌حال شما می‌خواهید این بدعت را تأیید کنید؟

**نایب رئیس** — آقای صافی ، خواهش میکنم مباحثه نفرمائید و نظم جلسه را رعایت بفرمائید. آقای فوزی شما؟ (فوزی — عرض کنم که من موافقم ولی...) بله؟ لطفاً بلندتر صحبت بفرمائید. (دکتر قائمی — میفرمایند موافقند.)

**فوزی** — من موافقم ولی تذکری دارم. دیروز در اصل ۱۱۹ من به عنوان موافق اولین نفر بودم که اسم نوشتم ولی تعدادی از دوستان به عنوان موافق و مخالف صحبت کردند و توجهی به نوبت من نشد اگر الان کسی به عنوان مخالف صحبت کرد من حاضرم به عنوان موافق در این اصل صحبت کنم.

**نایب رئیس** — آقای صافی عملا به عنوان مخالف صحبت کردند، الان آقای خزعلی به عنوان موافق صحبت میکنند و بعد از آن رأی میگیریم. آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . به حکم آیهٔ کریمه «واعدوالهم مااستطعتم من قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله وعدوکم وآخرین من دونهم لاتعلمونهم‌الله یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی فراهم کند (به فرازها دقت بفرمائید.) بطوری که همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه ازکشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

بحثی داریم به نام جهاد و بحثی به نام دفاع . در جهاد که به عنوان تهاجم‌است دولت اسلامی موظف است افرادی از مردان را مجهز کند برای اینکار، برای دعوت به دین و مذهب بطوری که اگر از دشمن تهاجم نشود ، از جانب مسلمین باید برای تهاجم دعوت بشود . در زمانی که امام، یعنی امام معصوم یا نائب خاصش روی کار باشد جهاد واجب، و لازم است که مردم از فتنه، از شرک، از بت پرستی، از استعباد درآیند و آزاد باشند. یک بحث دومی‌هم است به نام دفاع. اگر کیان مسلمین در خطر بود، اگر می‌خواهند ریشه مسلمین را قطع کنند، کشورشان را به باد دهند، اینجا وظیفه تمام مسلمین از زن و مرد است که به دفاع برخیزند. آن زنی که در هنگامه دفاع واقع میشود، بدون داشتن تجربه جنگی مناسب با روز میتواند دفاع کند؟ بحث اینجا، بحث دفاع است. دولت اسلامی باید روز خطر را در نظر بگیرد که‌اگر در درون کشور رخنه کردند و خواستند مانند اندلس بکلی مردم را از بین ببرند ، زن و مرد

باید دفاع کنند. یک فقیه یا یک متفقه در اینجا توقف دارد؟ اگر بگوئیم همه را به اجبار به سربازخانه‌ها ببرند البته اشکال راجع به زن موجود است، اما اگر امکانات فراهم بکنند که همه مردم توانائی دفاع مسلحانه داشته باشند، چه ایرادی دارد؟ یک روایت، یک آیه، یک فتوای فقیهی را شما بخوانید که با این موضوع مخالفت داشته باشد . متن اصل اینست که «... بطوری که همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.» اگر اجبار باشد که بخواهند همه را وادار کنند، بله اجبار درست نیست اما اگر امکانات فراهم کردند... (کرمی — آقا، من در همین‌جا یک سؤال دارم.) اجازه‌بدهید حرفم تمام بشود بعد به سؤال شما هم پاسخ می‌دهم. (کرمی — من باید همین‌جا، در همین مورد سؤالم را بگویم، مردم هم باید بدانند.) اجازه بدهید، آخر اینجا یک آئین‌نامه‌ای دارد، من صحبتم را عرض می کنم بعد هم شما بفرمائید. هر حرفی هم که می‌زنیم مردم میدانند. (کرمی — حرف شما به جز قسمت مربوط به آموزش درست ولی...) اگر بگذارید حرفم تمام شود، شاید جوابتان هم در آن باشد.

**کرمی** — همه حرف جنابعالی تا اینجا درست است به استثناء موضوع آموزش.آموزش دادن به زنها به چه وسیله‌ای است؟ (خزعلی — بـه وسیله زنها.) خوب ، پس در اینجا مقید کنید، بگوئید این را آقا، مقید کنید که آموزش دادن به زنها و دخترها باید حتماً به وسیله‌زنها صورت گیرد.

**خزعلی** — آخر صبر کنید من حرفم را تمام کنم. اجازه میفرمائید من یک مزاح با شما بکنم؟من نمی‌دانم شما شش ماهه به دنیا آمده‌اید یا نه ماهه؟

**نایب رئیس** — آقای کرمی اجازه بدهید حرفشان را تمام کنند بعداگر سؤال یا اشکالی بود بفرمائید . آقای خزعلی ادامه بدهید.

**خزعلی** — در این مورد می‌توانم از «نصیبه جراحه» نام ببرم کـه وقتی پیغمبر (ص) در جنگ «احد» در فشار واقع شد، او با شمشیر جنگ کرد و از پیامبر خدا دفاع نمود. آیا «نصیبه» خلاف شرع عمل کرد یا عالیترین دفاع را انجام داد؟ او آنقدر عالی دفاع کرد که مورد تحسین واقع شد. حالا درآن موقع حساس بیایند به «نصیبه» بگویند که بیا دفاع را یاد بگیر یا قبلا او باید آماده باشد و فنون جنگ ودفاع را یاد گرفته باشد؟ در «صفین» زنهائی که‌می‌آمدند علی علیه‌السلام‌آنها را رد می کرد و می‌گفت که شما برخلاف رفتار می کنید؟ البته در مورد آموزش، باید آموزش دادن به زنها حتماً به وسیله زنها انجام گیرد، اجباری هم درکار نیست بلکه باید امکانات‌برای همه‌فراهم‌شود. لذاعرض کردم اگر این‌عبارت را به دقت‌بخوانیم‌متوجه این معنی میشویم کـه عبارت بسیار خـوب است «... بطوری کـه همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد.» ما درگرداب توطئه‌ها هستیم ، ما درگرداب دسیسه‌ها هستیم باید زن و مرد ما مجهز و آماده دفاع باشند البته با رعایت دقیق قوانین فقه و نظارت فقهای ارجمند و رهبر. این اصل با این قیود تصویب میشود. و اما آیه کریمه «واعدوالهم مااستطعتم من قوة و من رباط‌الخیل...» این، خطاب به مؤمنین است. البته مؤمنین باید با نظر رهبرانشان نیروهای خود را آماده کنند. این، برمسلمین است و وظیفه است است که خود را دربرابرحملات‌دشمنان همواره آماده نگاه دارند. (طاهری‌اصفهانی— ملاحظه بفرمائید نوشته «واعدوالهم».) بله، برای دشمن.

**نایب رئیس** — آقا «لهم» یعنی دشمن. دراینکه ضمیر «لهم» به کفار ودشمنان برمیگردد بحثی نیست.

**خزعلی** — اجازه بدهید آیه قبل آن را بخوانم تا متوجه شوید که این ضمیر «لهم» به دشمنان و کفار برمی‌گردد، ملاحظه بفرمائید.

«و اما تخافن من قوم خیانة فانبذ الیهم علی سوآء ان‌الله لایحب‌الخائنین. ولایحسبن الذین کفروا سبقوا انهم لایعجزون. واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به عدوالله وعدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم‌الله یعلمهم» و بعد از آن:

«و ماتنفقوا من شیٔ فی‌سبیل‌الله یوف الیکم وانتم لاتظلمون. و ان‌جنحوالسلم‌فاجنح لها و توکل علی‌الله انه هوالسمیع‌العلیم».

بحث درباره کفار است، بحث درباره آنهائی است که پیمان می‌بندند و خیانت میکنند، بحث درباره کسانی است که می‌گویند با شما همگام هستیم ولی در موقع خطر کنار می کشند.

**صافی** — آقای خزعلی ، اگر اینطورکه میفرمائید بود روز عاشورا هم حضرت زینب علیهاسلام شمشیر به دست می‌گرفتند و برای دفاع ازسیدالشهداء جنگ‌می کردند. قبلاهم عرض آموزش نظامی برای زنان سابقه ندارد و اگر امر لازم و مستحسنی بود حضرت رسول اکرم(ص) به حضرت زهرا سلام‌الله علیها و حضرت علی (ع) به حضرت زینب آموزش نظامی میدادند. این یک بدعتی بود که در دوره طاغوت برای هتک صیانت زنان رایج کردند ، دیگر شما این بدعت را تأیید نفرمائید مثل اینکه جنابعالی همه کتب فقه را در این مورد بررسی کرده‌اید که اظهار اطلاع میفرمائید. مطلب بسیار حساس است و نباید در مورد چنین مسأله مهمی مغلطه کرد.

**خزعلی** — جواب: دفاع لازم است یا نه؟ برای زن و مرد در موقع خودش دفاع لازم است یا نه؟ اگر لازم باشد پس وسیله هم لازم دارد.

**نایب رئیس** — جوانب مسأله روشن است، متشکر آقای خزعلی لطفاً بفرمائید بنشینید می‌خواهم این اصل را برای رأی‌گیری بخوانم.

**کرمی** — اگر جنبه شرعی نداشته باشد من از همین الان در مورد این اصل رأی ممتنع میدهم.

**نایب رئیس** — آقای کرمی، جنبه شرعی که معلوم است دارد . (کرمی — ازکجا معلوم است که دارد آقا؟) برای اینکه ما در اصل چهار این را گفته‌ایم در تمام کیفیت‌ها .

**پرورش** — آقای کرمی چرا خلاف اسلام است؟ خلاف اسلام را فقط و فقط شمامی‌فهمید و دیگران که در این مجلس حضور دارند از فقه هیچ چیزی نمی‌دانند؟ اگر جنابعالی مخالف هستید رأی مخالف هم می‌دهید و دیگران هم تکلیف خودشان را می‌دانند.

**نایب رئیس** — من فکر میکنم مطلب کاملا روشن است.

**گلزاده غفوری** — من یک یادداشتی خدمتتان فرستادم، آن را بخوانید و اگر دوستان موافق هستند به همان صورت اصلاح کنید.

**ربانی شیرازی** — جواب سؤال‌من درباره‌آیه داده‌نشد. این‌آیه که در صدر اصل آورده‌اید اصلا مربوط به این اصل نیست.

**نایب رئیس** — ما تشخیص می‌دهیم که مربوط هست.

**ربانی شیرازی** — خیر، تشخیص نمی‌دهید، «قوه» یعنی نیرو.

**تهرانی**— آقای دکتر، اگر فقط یک عبارت «بر طبق موازین اسلامی» را اضافه کنید همه مشکلات حل میشود. این پیشنهاد را من کتباً خدمتتان فرستاده‌ام.

**نایب رئیس** — با اینکه ما گفتیم که در اصل چهار این موضوع آمده است برای رفع هرگونه شبهه از هرکس، اگر لازم می‌دانید اینجا نوشته شود «... دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را برطبق موازین اسلامی فراهم کند.» (نمایندگان — بله، ماموافقیم.) پس دقت بفرمائید یک‌بار دیگر این اصل را باتوجه به‌اصلاحات، برای رأی‌گیری با ورقه می‌خوانم:

**اصل ۱۲۶ (اصل یکصد و پنجاه و یکم)** — به حکم آیه کریمه «واعدوالهم مااستطعتم من قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله وعدوکم و آخرین‌من دونهم‌لاتعلمونهم الله‌یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم کند، بطوریکه همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه ازکشور ونظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

**نایب رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید. از آقایان منشی‌ها هم خواهش میکنم در اخذ و شمارش آراء نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر موقع اخذ رأی شصت نفر، شماره کل آراء شصت رأی، آراء موافق پنجاه و دو رأی، آراء ممتنع هشت رأی و آراء مخالف هیچ، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۸ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — فردا صبح ساعت هشت جلسه گروه‌ها تشکیل میشود تا انشاءالله‌بتوانیم کارمان را ادامه بدهیم. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت هفده و چهل دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

## جلسهٔ پنجاه ودوم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت نه و نیم روز سوم آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با چهارم ذیحجهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

**فهرست مطالب:**


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی (نایب رئیس) به‌مناسبت بزرگداشت راهپیمائی روز جمعه چهارم آبان ماه ۱۳۵۸ .....
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۳۱ (اصل پنجاه و یکم).....
۳ — طرح اصل ۱۳۲.....
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۳۳ (اصل پنجاه و دوم).....
٥ — طرح و تصویب اصل ۱۳٤ (اصل پنجاه و سوم).....
٦ — طرح و تصویب اصل ۱۳٥ (اصل پنجاه و چهارم).....
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۳٦ (اصل پنجاه و پنجم).....
۸ — طرح اصل ۱۳۸.....
۹ — پایان جلسه.....

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتربهشتی (نایب رئیس) به مناسبت بزرگداشت راهپیمائی روز جمعه چهارم آبان ماه ۱۳۵۸

**نایب رئیس** — رسمیت جلسه اعلام میشود. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همانطورکه نمایندگان محترم و عموم ملت مسلمان انقلابی‌مان خبر دارند در اثنای این انقلاب پر شکوه، استعمار لجوج و سمج که نمی‌تواند از منافع خودش در هیچ منطقه‌ای از مناطق دنیا چشم بپوشد، درراه پیشرفت‌این انقلاب توطئه های گوناگون وتحریکات و سمپاشی ها وجدا افکنی هائی دارد که باز هم خواهد داشت، به همین دلیل ملت انقلابی ما جزو یکی ازتاکتیک‌هاووظایف خود میداند که هرچندی یکبار پیوند خودش را با آرمانهای مشخص انقلاب و رهبری پرارج در راه انقلاب نشان بدهد که به مناسبت یک نوع خاص از این سمپاشی ها و جنگ‌روانی‌خاص که در این ایام همه‌مان شاهد و ناظر آن بودیم احساس شد یکی از همان مواقع فرا رسیده‌است که‌ملت عزیز ماازهمه قشرها اعم‌از روحانیت، دانشگاهی، فرهنگی، اداری، کارگر، کشاورز، پیشه‌ور، بازاری و ارتشی همه باید بار دیگر بیائیم و یک‌جا جمع بشویم و بیعتی راکه با امام و با رهبر و با آرمان انقلاب بسته‌ایم تجدید کنیم.

این مسأله تجدید بیعت در نشیب و فرازهای یک ملت در انقلاب مقدس اسلام ازعصر خود پیغمبر صلوات‌الله و سلامه علیه جنبه تاریخی دارد بنابراین روز جمعه فردا چهارم آبان از طرف روحانیت و سایراحزاب و گروههای سیاسی اعلام شد که در خط امام، انجمنهاوجمعیت ها یک راهپیمائی پرشکوه به سمت محل نمازجمعه که نماز الهی است و نقش بزرگ سیاسی و هدف‌آفرین درطول تاریخ اسلام داشته است و خواهد داشت برگزار شود و امیدوارم که‌ملت عزیز ما و روحانیت متعهد و مبارز و گروههای دیگرهمه فردا در این راهپیمائی پرشکوه شرکت کنند و بار دیگر پیمان خود را با انقلاب و رهبری انقلاب و آرمانهای مشخص انقلاب تجدید بکنند تا دشمن بداند نیرنگهای او در جامعه انقلابی ما مؤثر نمی‌افتد «ومکروا و مکرالله والله خیرالماکرین» انتظارم از دوستان این است که آن کسانی که برای نماز جمعه به شهرها تشریف میبرند در سخنانشان در این زمینه عنایت بفرمایند که روشنگری بیشتری داشته باشد و دوستانی هم که اینجا تشریف دارند سعی میکنیم همه با هم در این راهپیمائی با شکوه شرکت بکنیم.

**دکتر ضیائی** — نمایندگان مجلس خبرگان تقاضا دارند که این بیانات شما هم امروز و هم امشب در رادیو و تلویزیون پخش شود تا همه مردم از این خبر مطلع شوند.

**نایب رئیس** — بله، متشکرم از دستگاه تلویزیون و رادیو استدعا می کنیم که‌ان‌شاءالله همین امروز و امشب و حتی فردا صبح این پیام را از رادیو و تلویزیون پخش نموده تا ملت عزیز ما هم از این جریانات اطلاع پیدا کنند. (رحمانی — بیانات جنابعالی از طرف تمام

نمایندگان مجلس خبرگان اظهارشده است.) تشکر می کنم. آقای اوشانا فرمایشی دارید بفرمائید.

**دکتر بیت اوشانا** — بنده مأموریت دارم از طرف اقلیت‌های مذهبی این فستیوال بزرگ باشکوه را اعلام کنم که ملت عزیز بدانند فقط مسلمانان نیستند که در این راهپیمائی پرشکوه شرکت می کنند بلکه آنها هم پشتیبانی خودشان را در مقام دوستی و همبستگی اظهار داشته و در این راهپیمائی پرشکوه شرکت خواهند کرد و دوش بدوش دوستانشان همراه خواهند بود.

**نایب رئیس** — متشکرم ، جز این هم انتظاری نمی‌رفت زیرا ملت ما ملتی است به‌هم پیوسته که در این جامعه مسلمان، کلیمی، زرتشتی و مسیحی هم میتوانند در این شعارها در جوی سعادتمند زندگی کنند و این جو هم انشاءالله روز بروز برای همه سعادتمندتر خواهد شد. آقای فاتحی فرمایشی دارید بفرمائید.

**فاتحی** — لطفاً تقاضا دارد که بفرمائید این پیام را از طرف نمایندگان مجلس خبرگان به تمام اقصی نقاط مملکت برسانند زیرا این امری است ضروری و لازم و بلکه‌واجب که‌درتمام شهرها و قراء و قصبات هم باید این عمل انجام بگیرد.

**نایب رئیس** — بسیار خوب چون این اخبار عیناً منعکس میشود من دیگر تکرارنمی کنم و وارد دستور میشویم.

**کرمی** — افراد حاضر در جلسه خیلی محدودند.

**طاهری اصفهانی** — همه رأی می‌دهند و ما هم رأی داده‌ایم و ظاهرا نظری نیست بنابراین لطفاً اصول را بخوانید و رأی بگیرید و امیدوارم کسی مخالفتی نکند و تکرار نشود .

**نایب رئیس** — ما بعضی از اصول را داریم که اگر دوستان موافقت داشته باشند آنها را به رأی بگذاریم چون اگر اطلاع داشته باشید در جلسه گروهها رویش بحث شده و احتیاج به مذاکره و تکرار ندارد.

**طاهری اصفهانی** — دیروز همه آقایان به این اصل رأی دادند.

**کرمی** — آقا رأی بگیرید به شرط اینکه کسی مخالفتی نکند.

**دکترضیائی** — بعضی از آقایان نمایندگان نیستند و بعضی هم که به‌رحمت خدا رفته‌اند این عده حاضر ما به‌حدنصاب نمی‌رسد چون بایستی قانوناً اقلا چهل‌وهشت نفرباشند. بنابراین اگر به همین ترتیب آقایان موافقت کنند بهتر است.

**نایب رئیس** — بسیار خوب این نظر دوستان است و ما هم می‌پذیریم و فعلا یک نفرهم به عده حاضرین اضافه شد بنابراین چهل و شش نفر برای شروع مذاکرات کافی به نظر میرسد و یکقدری هم در این‌باره مطالعه میکنیم.

امروز بنا است از اصل ۱۲۷ شروع بکنیم یعنی درطول اصلهای ۱۲۷ تا ۱۳۱ یکی دو مطلب هست که لازم میدانم تذکر داده شود زیرا آن اصلها تمام نیست و میگذاریم برای روز شنبه که در جلسه گروهها بررسی بیشتری بشود و بعد مطرح کنیم.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۱۳۱ (اصل پنجاه و یکم)

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان از اصل ۱۳۱ شروع میکنیم، آقای آیت لطفاًاصل ۱۳۱ را بخوانید. البته این اصلها را بخش، بخشش می کنیم و هر بخشی را علیحده میخوانیم.

اصل ۱۳۱ — هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص میشود.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای جنابعالی نظری دارید؟ بفرمائید.

**خامنه‌ای** — راجع به این موارد معافیت باید عرض کنم که اینها چه مواردی است زیرا این بهانه‌ای به دست مقننین بعدی میدهد یعنی ممکن است دولت این را به عده‌ای تحمیل کند و بگوید جز دستگاههای دولتی و نظایر آنها که از مالیات معاف هستند این قانون را به‌عده‌ای بچسباند. ما باید مشخص کنیم به عقیده بنده اگر موارد معافیت را ذکر نکنیم اشکالی ایجاد نمی‌کند جز اینکه اگر بگذاریم بهانه‌ای باشد برای فرار از مالیات که به دست عده‌ای بیفتد.

**نایب رئیس** — این حسنش این است که مالیاتهائی که احیاناً خارج ازمجلس‌تصویب میشود نفی می‌کند.

**خامنه‌ای** — به مجلس شورای ملی می‌برند و تصویبش می‌کنند.

**رحمانی** — هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون، قانون برای وضع است و این که آقا می‌فرمایند دور است و دور را اصلاح کنید.

**نایب رئیس** — هیچ نوع دور نیست برادر عزیز و قانون است زیرا گفته تنها با قانون است که میتوان از کسی مالیات گرفت و با تصمیماتی که رویش گرفته شده مطلب روشن است زیرا گفته است «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون» ممکن است فردا هیأت دولت بیاید و بخواهد مالیات وضع کند میگوئیم هیأت دولت نمی‌تواند مالیات وضع کند این وضع مالیات از وظایف خاص قانون است.

**یزدی** — به آقا هم بفرمائید که دور جایز است.

**رحمانی** — اگر بنویسید «اخذ نمی‌شود» بهتر از وضع نمی‌شود است چون وضع‌قانون‌است.

**گلزاده غفوری** — ممکن است به‌وسیلهٔ قانون سوءاستفاده‌هائی بشود. بنویسید «به‌موجب قانون مجلس شورای ملی» که جلو سوء استفاده را بگیرد.

**نایب رئیس** — آقا خودتان که به قانون وارد هستید اصطلاحاً یک کشوری که مجلس دارد نوشتن این جمله صحیح نیست مثل اینکه بگوئیم‌اصلا ما به‌اصطلاح کار نمی‌کنیم. (غفوری — نمی‌تواند به دیگران تفویض کند. ) خیر آقا جلوتر آمده است. ما اصطلاحاتی داریم مثل قانون ، تصویب‌نامه، آئین‌نامه، اینها اصطلاح است بنابراین، این یک مقداری نشانه رعایت نکردن اصطلاحات است که اینهم در قانون اساسی خوب نیست. بنابراین اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۱۳۱ (اصل پنجاه و یکم)** — هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به‌موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص میشود.

**نایب رئیس** — لطفاً گلدانهارا برای رأی‌گیری ببرید .

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه پنجاه و دو نفر، تعداد کل آراء پنجاه و دو رأی ، موافق چهل و نه نفر، ممتنع سه نفر، مخالف هیچ، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیر گفتند).

## ۳ — طرح اصل ۱۳۲

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۲ قرائت میشود.

اصل ۱۳۲ — نظام مالیاتی باید عادلانه باشد و چنان برقرار شود که هرکس از امکانات، مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر برد، بار هزینه‌های عمومی بیشتری را برعهده بگیرد.

**نایب رئیس** — خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — آقای دکتر بهشتی، آیا این اصل شامل افراد کم درآمد هم میشود؟ وهیچ نوع معافیتی به آنان تعلق نمی‌گیرد؟

**نایب رئیس** — این که گفتیم «عادلانه» معنایش این است که برای کسی که کم درآمد است مالیات وضع نکنند والا این عادلانه نیست.

**خانم گرجی** — اینجا نوشته مواهب طبیعی، آیا هرکسی از این مواهب استفاده میکند مثلا یک خانواده‌ای که شش نفرند و درآمد چندانی هم ندارند اینها هم باید مالیات بدهند؟

**نایب رئیس** — در آنجا یک کلمه «بیشتر» قید شده است. (خانم گرجی — ولی برای بعضی‌ها همان دادن کمش هم مشکل است.) دقت بفرمائید عبارت این است «هرکس از امکانات، مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر برد او باید مالیات بیشتری بدهد» مثلا یک مهندس که خداوند به او موهبت استعداد درس خواندن و فراگیری بیشتری داده میتواند در برابر کارش درآمد کافی بیشتر داشته باشد و از یک کارگری که ازنظراستعدادهای کافی که در آن رشته باید تحصیل بکند نداشته با یک کارگر ساده که اجرت کمی دارد در این باره می‌گوئیم آن کسی که بیشتر بهره‌مند میشود باید سهم بیشتری بدهد ولی اگر آن کارگر واقعاً در حدی است که فقط به اندازه زندگیش درآمد دارد که چیزی نمیدهد و اگر کمتر از زندگیش هم باشد که یک چیزی هم میگیرد.

**طاهری اصفهانی** — در اصل گفته شده است که معافیت و بخشودگی، این جمله خودش شامل اشخاص کم درآمد میشود.

**نایب رئیس** — خیر، منظور ایشان این است که معافیت پس از وضع است در حالی که ما اینجا گفتیم مقصود همان گرفتن است.

**طاهری اصفهانی** — بخشودگی هم پس از وضع است.

**اشراقی** — اگر اینطور بنویسیم بهتر است، هرکس که دخلش و کسبش بیشتر است به‌آن تناسب از او مالیات گرفته شود، مواهب طبیعی و امثال این چیزها ممکن است اشکالاتی ایجاد بکند مثلا یکنفر می‌آید و میگوید این زمین و این باغی که شما نشسته‌اید و یا شما دکتر هستید، شما مهندس هستید مالیات بیشتری باید بدهید. این اسباب دردسر میشود، هرکس دخلش بیشتر است به همان نسبت مالیات بیشتری بدهد، این جمله مواهب طبیعی تا اندازه‌ای بغرنج است.

**نایب رئیس** — آقای اشراقی بنده فکر نمی‌کنم چون در حقیقت بیان این است که هرکس از مواهب و خدمات جامعه بهره بیشتر میبرد. در ذیل این عبارت یک اصلاحی راآقای منتظری پیشنهاد فرمودند «بار هزینه‌های عمومی را بیشتر برعهده بگیرد» چون عبارت اینجور بهتر است

با این اصلاح موافقید؟ آقای فاتحی فرمایشی دارید بفرمائید.

**فاتحی** — این مطلب هنوز برای ما روشن نشده‌است زیرا در اسلام دو نحوه مالیات‌وجود دارد به نام خمس و زکات که اینها مالیات شرعی است و طبق نص دستورات قرآن باید بالاجبار از مسلمین بگیرند طبق آیه «خذ من اموالهم»، «واعلموا انما غنمتم من شیئ فان‌لله خمسه وللرسول» که این دو آیه مربوط به خمس و زکات باید خواه ناخواه اجرا شود نحوه ارتباط این نظام مالیاتی با این نظام اسلامی چگونه است و این را باید طوری تنظیم کنیم که درصورتی که تکافو نداشت و آنطوری‌هم که درقرآن امرشده ضرورت‌ایجاب کرد منجربه‌مالیات جدید شود.

**نایب رئیس** — توجه بفرمائید، وقتی که گفتیم قانون تکلیفش را معین می کند معنایش این است که این قانون با رعایت کلیه موازین معین میکند، این قانون اساسی است و شما انتظار دارید تمام جزئیاتی را که دریک قانون عادی وجود دارد درقانون اساسی بگنجانید. شما در قانون اساسی باید مبادی را رعایت کنید.

**فاتحی** — اساسی‌تر از این چیست آقا؟ شما باید دولت را ملزم کنید که بالاجبار این دو مالیات مهم اسلامی که عبارت از خمس و زکات باشد از مردم بگیرد.

**نایب رئیس** — توجه بفرمائید دولت علاوه برآنها اگر مالیاتی وضع می کند...(فاتحی — پس این جمله را آنجا اضافه کنید.) (تهرانی — آن ربطی به این اصل ندارد.) (فاتحی — در صورتی که یکنفر مسلمان باشد و استطاعت هم داشته باشد واجب است که از او گرفته بشود.) بسیار خوب اجازه بدهید، آقای خامنه‌ای.

**خامنه‌ای** — عرض کنم درباره نظام مالیاتی که اینجا نوشته‌اند «عادلانه» باشد این درست است اما دولت همیشه برای تأمین مخارج خودش پول جمع می کند علاوه براینکه ما رعایت حال مردم را در نظر می‌گیریم نیاز هزینه‌های عمومی را هم باید اضافه کنیم. بنابراین باید بنویسیم «عادلانه و متناسب با نیاز جامعه باشد» برای اینکه ممکن است فردا دولت بیاید و بگوید ما برای فلان کار فلان قدر بودجه لازم داریم و باید از طریق مالیات تأمین بشود بنابراین دولت نباید آزاد باشد که پشت سر هم لایحه بدهد که فلان مالیات را بدهید.

**نایب رئیس**— پس این ظلم است، یعنی اگر دولت بدون جهت ولی‌نیاز یک دستگاهی را بوجود می‌آورد ظلم است.

**خامنه‌ای** — ممکن است شما بگوئید ظلم است ولی دیگران معلوم نیست این کلمه را قبول داشته باشند و مطلب دیگر اینکه اهم منابع مالیاتها درآمد است و حتی آنرا تصاعدی می‌گذارند چون ما گفته‌ایم امکانات مواهب طبیعی و خدمات جامعه صراحتی‌در مالیات‌بردرآمد ندارد و بیشتر شامل مالیات برمصرف میشود. در فرانسه یک موقعی مالیات بر پنجره و لوله بخاری گذاشته بودند و می‌گفتند هرکس که خانه‌اش پنجره زیادتری داشت معلوم میشود که امکانات بیشتری دارد و یا اگر لوله بخاریش زیادتر بود مصرف مواد سوختیش بیشتر بوده‌است و بهره بیشتری میبرد. یکی ازامور ارکان یک مملکتی این است که مالیات برمصرف می‌بندند و این همان مالیاتهائی است که به نام مالیات غیرمستقیم میدهیم و این جمله مواهب طبیعی و خدمات و امثال اینها، ثقل مالیات روی مالیات غیر مستقیم میبرد یعنی مالیات برمصرف.استفاده از مواهب طبیعی یعنی هوا، پارک و خیابان هرکس در خیابان وسیعتری هست شهرداری

به خودش حق میدهد که عوارض بیشتری مثلا از او بگیرد پس باید یک طوری وضع کنند که خلاف شرع نباشد یا بقدری محدود کنند که دست دولت را با وضع قوانین مالیاتهای غیرمستقیم باز نگذارند برای اینکه هیچ قانونی ما برای مالیات غیر مستقیم نداریم زیرا کسی که قند میخرد، شکر میخرد اینقدر قیمتش بالا است که هزینه‌عمومی یک کسی را که‌سیگارنمی کشد یا درآمدش ازاو بیشتر است کنترل کنند.

**نایب رئیس** — لازم میدانم این تذکر را بدهم که در این شرایط کنونی راجع به قندو شکر و سایر نیازهای عمومی علاوه براینکه چیزی عاید دولت نمی‌شود باید مقدار زیادی هم رویش بگذارد تا بتواند به این قیمت فعلی بفروشد . بنابراین برای دوستان در این مورد سوءتفاهم پیش نیاید.

**اشراقی** — به عقیده بنده این «درآمد» را باید اینجا بگذاریم والا یکی دو سه نفر رأی نمی‌دهند و این کار لنگ میماند.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — این کلمه «بیشتر میگیرد» به عبارت سکته میزند بنابراین به‌جای میگیرد اگر «بر» بگذاریم بهتر است .

**نایب رئیس** — اصلا بنویسیم «بیشتر بهره میبرد» یعنی بار هزینه بیشتری را برعهده دارد. آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — این اصل در مقام این نیست که بگوید حدود مالیات چقدر است که بعضی اوقات بگوید از مالیات معاف باشد و یا درآمد یک کسی بیشتر باشد، این اصل فقط یک جهت را معین‌می کند میخواهد بگوید مالیات در آن مواردی که وضع میشود برای‌چیزهائی که قرار داده میشود باید عادلانه باشد یعنی اینطور نباشد که آن کسی که درآمد بیشتری دارد کمتر مالیات بدهد.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر فرمایشی دارید بفرمائید.

**بنی‌صدر** — بنده می‌خواستم عرض کنم اتفاقاًهمینطور هم هست وقتی که خیابان وسیع شد نتیجه‌اش و معنایش این است که دولت در آن خیابان بیشتر خرج می کند یعنی کسی که در آن خیابان نشسته بیشتر استفاده می کند و در جنوب شهر آنطور است ولی در شمال شهر خیابانهای قشنگی وجود دارد.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — بنده ضمن اینکه مطالب آقای خامنه‌ای را تأیید میکنم در اینجا بحث این نیست که مثلا خیابانی را عریض‌تر یا زیباتر بکنند این نابرابری در برخورداری از مواهب طبیعی و خدمات جامعه را تأیید کرده است و این سر نخی به دست دولت میدهد که در بعضی از اماکن بیشتر خرج بکند و در بعضی از جاها این خدمات را به یک عده مردم تخصیص بدهند و خیال نمی کنم این در قانون اساسی عادلانه باشد بایدوضع درآمد اورا معین کرد وباتشخیص دخل و خرج زائد، نابرابری را از بین برد.

**نایب رئیس** — اگر بنویسیم هرکس درآمد بیشتری دارد معنایش همان است که زمینهٔ نابرابری را برای درآمد اشخاص فراهم کرده‌ایم.

**رشیدیان** — البته همه افراد درآمدهای متفاوتی دارند و این که شما می‌فرمائید غیرازآن

است. دولت موظف است نسبت به همه عدالت را برقرار کند چون ما الان می‌گوئیم که درآمد و بودجه مملکت باید به تساوی بین همه تقسیم و خرج بشود و یکی از انحرافات و تجاوزات رژیم گذشته هم همین بود که بودجه هنگفتی از این مملکت را در یک شهر یا یک منطقه‌ای که می‌خواستند، خرج می‌کردند و این یک سرنخی به دست دولتها بود که برای بعضی جاها چنین خرج‌هائی می‌کردند.

**نایب رئیس** — جواب این را ما در اصل ۱۲۸ داده‌ایم که ان‌شاءالله در گروه اقتصاد بحث و روشن میشود. آنجا نوشته است که بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و مناطق و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان مناطق کشور نباید تبعیض در کار باشد بطوری که هرمنطقه فراخور امکانات رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد به‌نحوی که نابرابری فاحش اقتصادی از بین برود. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید. (طاهری اصفهانی — دیگر هیچ حرفی ندارد و تمام آقایان موافقند که رأی بگیرید.) این مسائل از نظر بیان مقصود فرقی ندارد اگر کسی درآمد بیشتری دارد یا خداوند به او استعداد بیشتری داده است بنابراین یک نوع بهره طبیعی بیشتری دارد یا این است که توانسته در جامعه شکوفاتر بشود پس طوری است که این شخص در هرحال از مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر برده است، بنابراین دوستان عزیز نگران نشوند.

**ربانی شیرازی** — اشکال بنده این است که آیا مقصود از اینکه درآمد را اضافه کنیم چیست؟

**نایب رئیس** — ممکن است بنویسیم کسی که درآمد بیشتری دارد.

**بنی‌صدر** — ممکن است مثل آمریکا یا همه کشورهای سرمایه‌داری که صاحبان کارخانه‌ها برمیدارند و برای خودشان خرج درست می‌کنند مثلا کسیکه چند تا کارخانه دارد و مثلا ازهزار کارخانه مبالغ هنگفتی درآمد داشته و خرجش هم ناچیز بوده است آنوقت برای اینکه از سود کارخانه‌هایش سهم کارگران راندهد میگویداین کارخانه ضرر کرده‌است وبعد ازبقیه کارخانه‌ها منفعت میبرد که این باز میشود مثل همان رژیم سابق که آقای فلان چندین شرکت درست می‌کرد اینها چیزهائی است که باز قضیه درآمد و خرج و فلان میشود. پس باید نوشت برخورداری از مواهب طبیعی و درآمد بیشتر و این قبیل چیزها.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید، آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — یعنی شما میفرمائید مالیات‌بردرآمد نباشد؟

**بنی‌صدر** — چرا باشد ولی بنویسید «امکانات».

**رشیدیان** — بلی، ما می‌گوئیم از امکانات که یکی از آن امکانات هم درآمد بیشتراست، و یکی از آن امکانات هم ممکن است تولید و مصرف باشد و ما باید مصرف را زیاد کنیم.

**نایب رئیس** — می‌نویسیم هر کس از امکانات و مواهب طبیعی و خدمات جامعه بیشتر بهره میبرد و درآمد بیشتری دارد، یعنی آنرا اضافه میکنیم.

**طاهری‌اصفهانی**— به چه‌فرمی میخواهیداضافه کنید؟ بنویسید«درآمد» یا «درآمدبیشتری».

**نایب رئیس** — بسیار خوب گذاشتن یک «یا» اشکالی ندارد.

**ربانی شیرازی** — باید نوشت هرکس که درآمد بیشتری دارد و یا از امکانات بیشتری برخوردار است.

**نایب‌رئیس** — «یا» که میگوئیم «علی سبیل‌منع الخلو» است یعنی «مانعة‌الجمیع» نیست.

**بنی‌صدر** — بنده میخواستم عرض کنم که هرکس در موقعیت بهتری بود مالیات‌بیشتری بدهد، مثلا من اگر در بهترین جای شهر زندگی می‌کنم باید مالیات بیشتری بدهم.

**نایب رئیس** — وقتی نوشتیم «یا» یعنی هر دو را شامل میشود.

**حیدری** — یک نفر که در یک جائی زندگی می‌کند که از آب و هوای خوب استفاده می‌کند بنابراین باید دو تا مالیات بدهد یکی برای مواهب طبیعی که لذت میبرد و یکی هم برای درآمدی که دارد و باید مالیات بردرآمد بدهد.

**نایب رئیس** — در این باره زیاد صحبت شد و ان‌شاءالله که دوستان مخالف نیستند و موافقند و این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم. حال اجازه بدهید آقای‌حیدری که بنویسیم یک مالیاتی بگیریم برای آن بنده خدائی که در یک مناطق بدآب و هوائی زندگی می‌کند اقلا یک‌کولری مجانی به‌آن بدهیم، موافقید؟ (حیدری — این جریمه آن شخص است؟) نه این جریمه‌اش نیست اگر میگوئیم مثلا ساکنین بلوچستان و مناطق گرمسیر و کویر را اجازه بدهیم بیایند اینجا بنشینند آنوقت جایشان تنگ میشود، آن باید آنجا باشد وبشغول فعالیت هم باشد ولی یک سهمی به او بدهید. اصل ۱۳۲ برای رأی‌گیری قرائت میشود.

اصل ۱۳۲ — نظام مالیاتی باید عادلانه باشد و چنان برقرارشود که هرکس ازامکانات یا مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر می‌برد یا درآمد بیشتری دارد، بار هزینه‌های عمومی را بیشتر برعهده گیرد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه پنجاه و چهار نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و چهاررأی، موافق چهل و پنج نفر، ممتنع هفت نفر، مخالف دو نفر، بنابراین تصویب نشد چون هفت نفر تردید داشته‌اند.

**رحمانی** — به این دلیل رأی نیاورد که این مالیات برمصرف است چون وسعت خیابانها که منشأ مالیات نمی‌شود.

**نایب رئیس** — بسیار خوب آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — بنده پیشنهاد می‌کنم شما دعوت کنید دو نفر کارشناس مالیاتی بیایند اینجا و آن چیزهائی را که به نظرشان ناقص و زائد میرسد مرتفع کنند.

**تهرانی** — همه مسائل توضیح داده شده و رأی گرفتند.

**نایب‌رئیس** — در جلسه گروهها همه این مطالب مطرح شده و رویش بحث شده است. اصل بعدی برای طرح خوانده میشود.

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۳۳ (اصل پنجاه و دوم)

اصل ۱۳۳ — بودجه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر میشود از طرف دولت‌تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم خواهد شد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — با توجه به اینکه در این نظام جدید دادگستری تأسیس شورایعالی

قضائی در نظر گرفته شده که بودجه شورایعالی قضائی مستقلا و مستقیماً تقدیم مجلس بشود و دیگر وزیر دادگستری نیست که آن را ببرد. اگر دوستان صلاح بدانند درآنجا نوشته شود با رعایت اصلی که در شورایعالی قضائی می‌آید یا نوشته بشود که دراین قانون مقرر شده ومیشود، یک کلمه «شده» اضافه بشود بطوری که آن استقلالی که برای شورایعالی قضائی در نظر گرفته شده است که بودجه‌اش را مستقلا و مستقیماً این را تشخیص بدهیم که برای داشتن یک دادگستری صحیح لازم نیست که واسطه‌ای داشته باشیم برای بودجه، این را محبت بفرمائید و مرقوم بفرمائید.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری مگر میشود که یک جائی از مملکت باشد که بداند مملکت چقدر درآمد وچقدرهزینه دارد؟ یک وقت است که شما میگوئید بودجه مقامات قضائی را خودشان تهیه می کنند اما اینکه بخواهند مستقیماً به مجلس بدهند دستگاه اجرائی باید منابع درآمد و هزینه را مقایسه کند و بعد ببیند این بودجه‌ای را که به مجلس میبرد هماهنگ است یا خیر. اینطور که جنابعالی میگوئید باید مجلس دو یا سه بودجه مختلف دریافت‌بکند و خود نمایندگان مجلس بنشینند و ببینند منابع درآمد این ازکجا است چون دستگاه قضائی فقط هزینه‌میدهد درآمد که نمی‌دهد. به‌این‌ترتیب که جنابعالی میگوئید مجلس باید بگردد دنبال یک کسی و بگوید منابع درآمد این را چگونه پیدا کنیم. این با هیچ نوع قانون بودجه‌بندی در دنیا مطابق نیست.

**گلزاده غفوری** — اگردقت بکنیم خواهیم‌دید که کاملارعایت‌شده یعنی‌شورایعالی‌قضائی یک‌نماینده دارد که رابط با قوهٔ مجریه است این‌را تنظیم می کنند، تصویب می کنند، توافق می کنند ولی تدوینش باید مستقلا و مستقیماً با او باشد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر بنی‌صدر بفرمائید.

**بنی‌صدر** — اینطوری که ایشان میفرمایند ما باید چند بنیاد داشته باشیم‌یعنی یک‌قسمت باید بگذاریم برای دستگاه قضائی و یکی برای اجرائی و یک کتاب هم برای خمس و زکات و یکی برای رهبری و یک دستگاه هم برای ژاندارمری و یکی برای شهربانی و یک دستگاه علیحده هم برای مالیات. آخر این ملت بیچاره باید بداند که به کجا مراجعه بکند. (همهمه نمایندگان)

**نایب رئیس** — خواهش میکنم به نوبت صحبت بفرمائید. آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — وقتی که میگوئیم به مجلس میفرستیم مجلس موظف نیست که آنرا تصویب بکند، مجلس برای رسیدگی است.

**نایب رئیس** — خواهشمندم به نوبت صحبت بکنید. آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — ممکن است اینجا بنویسیم بودجه سالانه را با نظر مجلس تصویب بکنیم، مثلا بودجه سالانه قضائی کشور. (منتظری — سالیانه یا سالانه؟)

**نایب رئیس** — سالانه درست است، سالانه، ماهانه. آقای قرشی بفرمائید.

**قرشی** — «هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر درقانون خواهد بود.» را توضیح بفرمائید.

**نایب رئیس** — در بودجه گاهی یک درآمد و یا یک اعتباری را برای یک مصرفی پیش‌بینی میکنند بعد در مقام اجرا می‌بینند که این اعتبار زائد است و در یک جای دیگر

اعتبار کم است. بنابراین باید این رقم بودجه را ازاین مصرف بردارند وروی آن مصرف بگذارند. دراین اصل میگوئیم این عمل باید طبق مقررات باشد، یعنی دلخواه نیست. (دکتربیت‌اوشانا— ارقام کلی قید شود که با ارقام ریز ارتباط نداشته باشد.) ما نگفتیم مجلس تصویب کند بلکه گفتیم تابع مراتب مقرر در قانون است یعنی قانون تعیین میکند که این تغییرات از اختیارات کیست. آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

**طاهری گرگانی** — در اینجا یک مرتبه بودجه کل کشور برای رسیدگی به‌مجلس‌شورای ملی داده میشود به ترتیبی که در قانون مقرر میشود، قانون هم که در مجلس است، یکمرتبه هم تغییر ارقام بودجه را محول به قانون کرده است. همه اینها را میشود یک کاسه کرد و به مجلس شورای ملی محول کرد.

**نایب رئیس** — خیر این دو مطلب جدا است. یکی اینکه خود بودجه را تنظیم‌میکنندو در آن می‌گویند ما این مقدار درآمد از این محلها داریم و این مقدار هم مصرف داریم برای این محلها، که این میشود لایحه بودجه که به مجلس داده میشود. (طاهری گرگانی — پس تنظیم بودجه است؟) خیر، بودجه را دولت تنظیم میکند و وقتی تنظیم شد میشود یک لایحه بودجه که برای رسیدگی و اظهار نظر و تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده میشود که‌آنها ممکن است بگویند این درآمد را بی‌خود گذاشته‌اید، بنابراین دولت باید بیاید و توضیح بدهد و اصلاح کند و یا این رقم هزینه بی‌مورد است و یا مقدارش زیاد است که دولت باید به مجلس برود و اصلاح کند . در نتیجه دو ماه و یا سه ماه طول می کشد تا وقتی که این بودجه کاملا با شرکت نمایندگان دولت در مجلس رسیدگی شود و برای طرح در جلسه علنی آماده شود که این لایحه بودجه میشود. مسأله دیگر اینکه اگر تغییر در اثنای اجرای بودجه لازم شد یعنی بعد از تصویب لایحه بودجه دولت می‌بیند در بودجه نوشته‌اند امسال بایدمبلغ صد میلیون تومان خرج آبیاری شود که مقدارش کم است و باید صد و بیست میلیون تومان شود، و یا در بودجه نوشته‌اند ۸۰ میلیون تومان باید صرف معادن شود، این مبلغ زیاد است میتوان پنج یا ده‌میلیون تومانش را برداشت، می‌گوید این مبلغ را برمیداریم و به‌مصرف کمبود هزینه آبیاری میرسانیم.لذا این تغییرات‌بایدبرطبق مراتب مقرردرقانون‌صورت بگیرد وهمینطوری نمی‌تواند این تغییرات صورت گیرد. (طاهری گرگانی — بایک جمله خلاص میشد.)ماخواهش کردیم اگر مطلب روشن است روی جمله‌ها در اینجا بحث نشود و اگر مطلب مورد قبول است بفرمائید موافقیم. آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — برای اینکه عبارت اول با عبارت دوم یکنواخت باشد بهتر است عبارت «ازطرف دولت تهیه و برای تصویب به‌مجلس شورای ملی تسلیم خواهد شد.» به صورت «ازطرف‌دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم میگردد.» اصلاح شود.

**نایب رئیس** — بسیار خوب. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — اگر در مورد بودجه تنها به همین اصل ۱۳۳ اکتفا شود حتماً باید قیدشود که بودجه هر سال و قید شود در پایان سال و ماهش هم تعیین بشود، یا در این حدود که زمان تهیه بودجه در اختیار دولت نباشد که هروقت دلش خواست دیر یا زود تهیه کند و همچنین پیش‌بینی موردی که بودجه آماده نشد. دوم نکته‌ای که آقای غفوری گفتند اولاقوهٔ قضائیه را ما مستقل گرفته‌ایم و ارتباط بودجه قوهٔ قضائیه با بودجه دولت منافات با استقلال

دارد و این یکی از چیزهائی است که جزء شاهکارهای قانون اساسی ما میتواندباشد.منبع درآمد که فرمودید، قوهٔ قضائیه خودش از منابع درآمد است و به‌دلیل اینکه قوهٔ مقننه بودجه‌اش را خودش تصویب میکند و تهیه بودجه‌اش ازطریق دولت نیست، بنابراین آنهائیکه‌می‌خواهند مستقل باشند شرطش این است که بودجه‌شان را خودشان تنظیم کنند. منابع درآمدی هم که آقای بنی‌صدر گفتند قوهٔ قضائیه دارد برای اینکه حق تمبر از حقوقی است که دادگستری‌همیشه میگرفته است و از منابع درآمد است.

**نایب رئیس** — ممکن است درآینده نگیرند.

**خامنه‌ای** — نمی‌شود نگیرد چون‌شرعاً هم‌مانعی ندارد درفقه هم‌هست، البته نه به‌عنوان اجرت برقضا ولی میتواند بگیرد، و بعد از «تسلیم خواهد شد» بنویسیم «بودجه قوهٔ قضائیه مستقیماً وهمزمان با لایحه بودجه به مجلس داده خواهد شد.» این قسمت را اگر نگذاریم از استقلال قوهٔ قضائیه کم می‌شود. (مکارم‌شیرازی — «به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود.») نمی‌شود، کدام قانون؟ (مکارم شیرازی — قانون مجلس.) وعده نسیه میدهید. قوهٔ قضائیه را میخواهید دست مجلس بدهید.

**فاتحی** — بودجه کل کشور از طرف دولت تنظیم و تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم خواهد شد. من فکر میکنم جمله «به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود» زائد است.

**نایب رئیس** — آقای فاتحی ترتیب تهیه بودجه را قانون‌های بعدی معین میکنند.

**فاتحی**— «ازطرف دولت تهیه و تنظیم میشود» شامل همه اینها هست چون برطبق قانون تنظیم میکنند.

**نایب رئیس** — پس بنویسیم برطبق قانون.

**فاتحی**— چون آنها برخلاف قانون که تنظیم نمی‌کنند بلکه برطبق مقرراتی که‌خودشان دارند تهیه و تنظیم میکنند، پس «به ترتیب» که میگوئید یک‌چیز زائدی است.

**نایب رئیس** — آقای ضیائی بفرمائید.

**دکترضیائی**— درمورد اشکال جناب آقای دکترغفوری وجناب آقای دکتربنی‌صدرمن‌فکر می‌کنم باعرض جسارت با عدم دقت در همان قانونی که آقای دکتر غفوری اصرار داشتند که اگر شورایعالی قضائی هم تصویب بشود در رابطه با آنها یک معاون پارلمانی و یک‌معاون‌قوهٔ مجریه دارد بنابراین در هر صورت باز با تهیه لایحه دولتی به مجلس میرود.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — اتفاقاً ما انتظار داشتیم، دوستان گروه قضائی که این اصل را همه تصویب کردند همانطوریکه دوست و برادرمان گفتند از شاهکارهای قانون اساسی است. (نایب رئیس — شاهکار که نه، مردم‌کار.) استقلال بخشیدن به قوهٔ قضائی و بیرون آوردن آن از این وضع نکبت‌بار که اسیر و آلت دست قوهٔ‌مجریه قرار گرفتن‌است، البته‌احتیاج به‌مقدماتی دارد که باید خدمت دوستان صحبت بشود، چون آقایان با این مقدمات مسبوق نیستند یک جائی بگذارید «با رعایت اصل فلان» که اگر چنانچه مذاکرات شد و انجام گرفت رعایت شود. بنابراین استقلال قوهٔقضائیه موقعی تأمین می‌شود که بودجه‌اش مستقل باشد وگرنه مثل سابق قوهٔ قضائیه اسیر و آلت دست قوهٔ مجریه خواهد بود. بنابراین اینجا بگذارید «مقررشده»

یا «مقرر میشود» یا «رعایت اصل قانون».

**نایب رئیس** — دوستان توجه بفرمایند که استقلال قوهٔ قضائیه موضوعی است که بعداً باید رویش صحبت شود، که آیا استقلال قوهٔ قضائیه به این است که بودجه‌اش را خودش بطور مستقل تهیه کند یا استقلال قوهٔ قضائیه این است که قوهٔ مقننه بودجه کافی دراختیارشان بگذارد، یعنی نمایندگان مردم بگویند بودجه کافی در اختیارتان میگذاریم ولی شما از طریق دولت بگوئید ما اینقدر هزینه داریم و اینقدر هم درآمد بنابراین طریق کار به استقلال لطمه نمی‌زند. اگر آقایان دقت داشته باشند لایحه بودجه با تمام لوایح فرق دارد زیرا لایحه بودجه معمولا دو یا سه ماه در کمیسیون به تفصیل با تماس با نمایندگان واحدهای گوناگون رسیدگی می‌شود و دست آنها کاملا باز است. (ضیائی — جواب آقای خامنه‌ای دراصل ۱۳۷ ذکر شده.) برای اینکه اشکال این اصل را برطرف کنیم به نظر من کلمه «از طرف دولت» هیچ ضرورتی ندارد و ما میتوانیم بنویسیم «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می‌شود».

**تهرانی** — باید «از طرف دولت» باشد والا ما رأی نمی‌دهیم چون این فکری که آقایان دارند فکری ناپخته و نادرست است و بعضی جملات اصلا معنی ندارد، چون اگر قاضی ایمان داشته باشد، اگر بودجه‌اش را خودش تهیه کند یا غیر فرقی نمی کند و قاضی‌ای که برای پول بخواهد کار کند بدرد نمی‌خورد، اینها متوجه نیستند که قضات مؤمن را باید به کار بگمارند و علاوه‌بر این دولت نظر خاصی ندارد. بنابراین بودجه باید از طرف دولت باشد.

**یزدی** — مقصود از استقلال قوهٔ قضائیه این است که در تحت فشار قوهٔ مجریه نباشد.

**بنی‌صدر** — هیچ دستگاه دولتی یا غیر دولتی نیست که از خودش هیچ درآمدی نداشته باشد. مسأله اینجاست که شما میخواهید ببینید که بودجه یکی است یا چهارصدتا است. اگر بودجه مملکت یکی است بنابراین دخل و خرج یکجا باید باشد و کار اصلی دولت همین است که مالیه لازم را جمع‌آوری کند و به مصارف مملکتی برساند. این عمل نه ربطی به استقلال این دارد و نه ربطی به استقلال آن. اینکه میگویند مجلس بودجه خودش را تنظیم میکند، بودجه مجلس خارج از بودجه دولتی نیست و جزء بودجه دولت است. اول سال می‌آورند و می‌گویند مخارج این مقدار است و شما میتوانید بفرمائید یکی از لوایح بودجه را بیاورند و و ببینند که نوشته است هزینه مجلس شورای ملی فلان‌قدر. (خامنه‌ای — چه کسی پیشنهاد میکند؟) دولت به وزارتخانه‌ها ابلاغ میکند که بودجه دخل و خرج خودتان را بفرستید.

**نایب رئیس** — اصولا اینجا مسأله تنظیم بودجه با مسأله پیشنهاد بودجه قاطی شده است. هر مؤسسه‌ای بودجه‌اش را خودش پیشنهاد میکند و به مرکز تنظیم بودجه میفرستد که الان مرکز تنظیم بودجه دیگر وزارت دارائی نیست و فعلا سازمان برنامه است. سازمان برنامه یکی از وظایفش این است که بودجه کشور را برای خدمات و تولید و عمران متناسب بادرآمد کشور تنظیم کند. بنابراین میخواهد وزیر داشته باشد و یا نداشته باشد، میخواهد عضو دولت باشد یا نباشد. بحث سر این مطلب است که هر مؤسسه‌ای که در این کشور کار میکند باید پیشنهاد درآمد و هزینه‌اش را به یک مرکز بفرستد، این مرکز میتواند سازمان برنامه باشد و یا اداره کل بودجه باشد و یا کمیسیون بودجه مجلس که در هرحال فرقی ندارد و علی کل حال تصمیم گیرنده نیز مجلس است نه دولت و دولت فقط پیشنهاد دهنده

است. بنابراین بنده عرض کردم کلمه «از طرف دولت» نه اینکه من موافق نیستم که باشد بلکه من منظورم این بود وقتی بنویسیم «به ترتیب مقرر در قانون» قانون خودش معین‌میکند که ترتیب مقرر این است که همه مؤسسات بودجه‌شان را به اداره کل بودجه بفرستند. نظرم این است که سر این جمله ما اصل را به بن‌بست نکشانیم.

**بنی‌صدر** — اگر «از طرف دولت» را بردارید، دولت را از یک مسئولیت بزرگی رها کرده‌اید چون فردا که سال تمام میشود به دولت میگوئید چرا بودجه را نیاوردید؟ میگوید من تکلیفی نداشتم . این یک وظیفه مهم دولت است که بودجه را به مجلس ببرد.

**نایب رئیس** — من میگویم قانون بعداً معین میکند. (بنی‌صدر — مگر غیر از این ممکن است؟) بسیار خوب. پس ما اصل را به همین صورتی که هست به رأی میگذاریم.(منتظری — سالانه را اضافه کنید.) اضافه کردیم. اصل ۱۳۳ راباصلاحات‌عبارتی لازم برای رأی‌میخوانم:

**اصل ۱۳۳ ( اصل پنجاه و دوم )** — بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر میشود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس‌شورای‌ملی تسلیم‌میگردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه پنجاه و پنج نفر، تعداد کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق پنجاه و یک نفر،مخالف دو نفر، ممتنع دونفر بنابراین‌تصویب شد، تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیر گفتند).

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۱۳۴ (اصل پنجاه و سوم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۴ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۳۴ — کلیه دریافتهای مربوط به دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز میشود و تمام پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام میگیرد.

**نایب رئیس** — نظری هست؟ آقای قرشی بفرمائید.

**قرشی** — «کلیه دریافتهای مربوط به دولت...»، «مربوط به» زائد است، نوشته شود «کلیه دریافتهای دولتی...».

**طاهری اصفهانی** — اگر نداشته باشد بهتر است.

**نایب رئیس** — سؤال این است که «مربوط به» مطلبی را اضافه نمیکند چون «دریافتهای دولت» و «دریافتهای مربوط به دولت» یکی است. (بنی‌صدر — شاید کم هم دارد. طوری‌نشود که مثلا شرکتهای دولتی...) فرقی ندارد چون شرکتهای دولتی هم مربوط به دولت است. (خامنه‌ای — «در حدود اعتبارات» را «برابر اعتبارات» بنویسید.) (یکی از نمایندگان — چرا درآمد ننویسیم؟) درآمد که نیست «در حدود اعتبارات» صحیح است چون برابر که نیست و ممکن است کمتر از اعتبار باشد. (خامنه‌ای — برابر اعتبار باید باشد.) گاهی کمتر از اعتبار است چون بیشتر که نمی‌تواند باشد ولی گاهی اوقات پرداخت کمتر از اعتبار است این است که بنویسیم «در حدود اعتبارات» یا باید بنویسیم «بر پایه اعتبارات مصوب».

**فاتحی** — «کلیه دریافتهای مربوط به دولت» یک چیز اضافه را هم میرساند زیرا بعضی از امانتهای ملت مثلا مردم در منازعات و مسائل‌دیگر پولی را درنزد دولت یا درثبت‌به‌امانت

میگذارند. (یکی از نمایندگان — آن دریافت نیست.) دریافت هست ولی مربوط به دولت‌نیست.

**نایب رئیس** — خیر به آن دریافت‌های مربوط به دولت نمی‌گویند. (طاهری اصفهانی — دریافت با امانت فرق میکند.) اگر بنویسیم کلیه درآمدهای دولت چطور است؟ (یکی از نمایندگان — بهتر است.)

**تهرانی** — دریافتهای دولت در حسابهای خزانه کل متمرکز میشود و او حق ندارد در جای دیگر بگذارد و باید در حسابهای خزانه بگذارد.

**نایب رئیس** — عنایت بفرمائید که این عبارت خوب است یا نه؟ «کلیه درآمدهای دولت درحسابهای خزانه‌داری کل متمرکزمیشود وهمه هزینه‌ها درحدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام میگیرد». (خامنه‌ای — عبارت اولی بهتر بود.) پس اجازه بفرمائید من یک توضیح برایتان بدهم. علت این اصل این است که درآمد نفت و بعضی ازدرآمدهای اقتصادی دیگر به حساب خزانه‌داری کل واریز نمی‌شده. این اصل بدین منظور تهیه شده‌است که‌درآینده کلیه درآمدها یعنی اعم ازمالیات یا درآمدهای ناشی‌ازصنایع یا سرمایه‌گذاری‌های‌دیگری که دولت دارد باید یکجا به خزانه‌داری کل برود و کلیه پرداختها هم از آنجا تصویب شود. بنابراین منظور از تهیه اصل این بوده است که می‌بینید مسأله همان درآمد بطورکلی مطرح است.

**خامنه‌ای** — دریافت و پرداخت مصطلح‌تر است و معنایش هم وافی‌تراست برای اینکه وقتی پرداخت میفرمائید اعم از هزینه است. منظور از دریافت این است که دولت پول میگیرد والا دارائی‌های دولت را در خزانه ضبط نمی‌کنند. دولت دو مقام دارد، در دارائی پول میگیرد و پول میدهد و تمام وجوهی که دریافت میکند در خزانه جمع‌آوری میکند و...

**نایب رئیس** — درآمد که به دارائی نمی‌گویند. (خامنه‌ای — خزانه که اداره خاصی نیست.) یک تذکری برادرمان آقای عضدی دارند که میدهند. (عضدی — این دریافتها شامل وام هم میشود.) این تذکر بجایی است چون این مورد قطعاً درآمد نیست، بنابراین کلمه دریافت اعم از درآمد میشود. (طاهری اصفهانی — پرداخت هم با هزینه فرق می‌کند.) اگر آن را دریافت کردیم این را هم پرداخت میکنیم. (طاهری اصفهانی — پرداخت اعم از هزینه است.) بنابراین معلوم شد همان عبارت قبلی اعم است «کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز میشود و همه پرداختها در حدوداعتبارات مصوب به‌موجب قانون انجام میگیرد». (عده‌ای از نمایندگان — رأی بگیرید.) بنابر این بار دیگر برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۳۴ (اصل پنجاه و سوم)** — کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز میشود و همه پرداختها درحدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام میگیرد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه وشش رأی، موافق پنجاه و شش نفر، بنابراین اصل ۱۳۴ به اتفاق‌آراء تصویب شد، تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۳۵ (اصل پنجاه و چهارم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۵ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۳۵ — دیوان محاسبات کشور و سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تشکیل و تعیین خواهند شد.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی — به‌جای تهران، مرکز گذاشته شود.) ما جلوتر نوشته‌ایم که مرکز ایران تهران است یا ننوشته‌ایم؟ (نمایندگان — خیر، ننوشتیم.) پس درست است، پیشنهاد بجائی است. بنابراین باید بنویسیم «ومرکز کشور و مراکزاستانها». (دکترآیت— اصولا تهران خودش مرکزاستان هم‌هست.) خیر آن چیز دیگری است. (طاهری اصفهانی — فرق بین تشکیل و تعیین چیست؟) اداره آن باید بشود تعیین و دیوان و سازمانش هم باید بشود تعیین. به هر حال این لف و نشر بر حسب آن سازمان واداره‌است. اینجادوستان عنایت بفرمایند که برادرانی از دیوان محاسبات فعلی چیزی تهیه کرده بودند که برای همه آقایان هم فرستاده شده است. اصل ۱۱۸ یعنی اصلی که مشابه این اصل است را به این صورت تهیه کرده‌اند: «دیوان محاسبات عالی کشور مستقل و تحت نظارت عالی مجلس شورای ملی میباشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد». (مکارم شیرازی — این به جای اصل ۱۳۵ و ۱۳۶ می‌آید.) بلی؟ (مکارم شیرازی — به‌جای دو اصل است.) اصل ۱۳۶ میتواند باز هم باشد چون تحت نظر او است غیر از این است که باید نماینده هم داشته باشد. اجازه بدهید توضیح بدهم. توضیح این است که منظور اساسی از دیوان محاسبات نظارت ملت بروضع مالی کشور است و چون این نظارت ملت به اصطلاح آن کسی که اینکار را انجام میدهد یعنی درآمد وهزینه را تنظیم می‌کند، دولت است پس در حقیقت نقش اساسی دیوان محاسبات این است که‌ملت یک راه قابل اعتماد نظارت داشته باشد که این درآمد و هزینه‌ای را که به عنوان ریش و قیچی دست دولت داده است آیا درست‌انجام گرفته است یا نه. این است که آقایان پیشنهاد کرده‌اند چون نقش اصلی دیوان محاسبات این کار است این نقش را مستقیماً زیرنظر نمایندگان ملت قرار بدهیم. (صافی — خوب ، اصل ۱۳۶ همین است.) در اصل ۱۳۶ به‌همین منظور که میفرمائید اکتفا می‌کرده‌اند که چند نفر یا دو نفر نماینده از مجلس آنجا برود که این غیر از این است که کل سازمان زیرنظر مجلس شورای ملی قرار گیرد. آقای بنی‌صدر بفرمائید. (صافی—دیوان‌محاسبات را مجلس تعیین‌میکند.)

**بنی‌صدر** — من قبلا با آقایان صحبت کردم. یک خودسالاری در این مملکت هست چون هر کس وقتی نوبت به خودش که میرسد میخواهد یک اختیارات کامل برای خودش منظور بدارد. یکی هم اصلی که زیر آن نوشته‌اند که از اول خط تا آخر خط دیوان محاسبات نظارت دارد. بنابراین ما یک دستگاهی میخواهیم درست کنیم که کنترل امورمالی کشورکاملا در دست او باشد که اگر چهارصد یا پانصد نفرشان یک مرام معینی پیدا کردند هرلحظه میتوانند اقتصاد ایران را فلج کنند. آنچه را که دیوان محاسبات در دنیا درست میکند تنها آن نیست که شما میفرمائید بلکه دیوان محاسبات کارش این است که پراکندگی در خرجها را متمرکز میکند و تحت ضابطه درمی‌آورد و معین میکند که این خرجها طبق آنچه که تصویب‌شده‌انجام گرفته یا نگرفته است. ولو مجلس هم نباشد دیوان محاسبات هست و اصطلاحش هم تازه پیدا

نشده و در رژیم استبدادی هم دیوان محاسبات بوده و در تمام دنیا هم هست و کار دیوان محاسبات همین است که به حسابها برسد که ببیند اینها خوب انجام گرفته یا بد انجام گرفته است.

**نایب رئیس** — بحث سر این است که قبلا از طرف شاه و امپراطور بود حالا از طرف ملت است.

**بنی‌صدر** — یک وقت بود که دستگاه دیوان محاسبات را خودش تعیین میکرد و حساب و کتابش را خودش داشت بنابراین هرجا که دلش میخواست به حسابها میرسد. ما آمدیم با توجه به اینکه در آن رژیم سابق روی همان اصولی که اجرا هم نمی‌شد دولت افراد دیوان محاسبات را پیشنهاد میکرد یعنی کسانی که نظارت عالیه و رهبری و مدیریت آن را دارند و مجلس تصویب میکرد ولی ما در اینجا گفتیم مجلس تصویب میکند و طریقش را پای خودش گذاشتیم که تشخیص بدهد چون با تجربه است و ما نمی‌دانیم در تجربه چه چیز از آب در می‌آید. تجربه بکند به ترتیبی که مصلحت است، اگر بعد دید تجربه‌اش خوب درنیامد راه‌تغییر داشته باشد. این است که مسأله را به ابتکار خود مجلس گذاشتیم و در اینجا آن اصطلاحی که آنها آورده بودند نیاوردیم، تا مجلس بتواند و آزاد باشدآنچه را که‌مصلحت است‌تصویب کند، چون اینها یک چیزهای لایتغیری نیستند و ممکن است براساس تجربه تغییر کند.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی. (رحمانی — عرضی ندارم.) آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — عرض من این است که آنها یک چیزی میخواهند که باید اینجا باشد تا هدف این اصل معلوم شود و آن این است که اگر وابسته به دولت باشد، خوب دولت این مرکزحسابرسی را زیر نظر خودش میگیرد و هرکاری خواست میکند. ما باید بنویسیم زیرنظر مجلس شورای ملی و نمایندگان ملت تا بتواند ناظر بر دولت باشد و این چیزی که آقایان در گروه نوشته‌اند مطلب را نمی‌رساند.

**نایب رئیس** — عنایت بفرمائید بنده یک تذکر هم به برادر آقای بنی‌صدر بدهم. اگر نوشته باشند که اینها تصویب کنند همانطورکه فرمودید فلج میکنند، اینها هیچ حق تصویب ندارند، اینها فقط حق رسیدگی دارند و میتوانند هر هزینه و درآمدی را رسیدگی کنند و نظرات خودشان را برای تفریغ بودجه بدهند و هیچوقت نمی‌توانند کاری را کنند کنند. (بنی‌صدر — این همان چیزی است که آنها نوشته‌اند.) خیر ننوشته‌اند من میخوانم‌اصلی را که وظایفش‌را بیان میکند. البته آقایان یک کلمه عالی هم رویش گذاشته‌اند که بوی طاغوت میدهد وقرار شد کلمه عالی را برداریم.

«دیوان محاسبات کشور برکلیه درآمد و هزینه وزارتخانه و مؤسسات و شرکتهای‌دولتی و سایر دستگاههائی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده میکنند به ترتیبی که قانون مقررمیدارد نظارت نموده و رسیدگی می‌نماید و مراقبت خواهد نمود که هیچ هزینه‌ای از ازاعتبارات مصوب‌تجاوز نکرده وهروجهی در محل‌خود به مصرف‌برسد. حسابها واسنادومدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و لایحه تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خودبه‌مجلس شورای ملی تسلیم می‌نماید» بنابراین هیچ حق جلوگیری ندارد. (تهرانی — آن چیزی که ما نوشتیم خیلی بهتر است.) آقایان توجه بفرمائید مسأله در اینجا این است که در اصل ۱۳۵ پیشنهادی گروه گفته شده است که کیفیت تشکیل آن را بعداً قانون معین کند. آیا دست دولت

درکارش باشد یا نباشد ولی در متن پیشنهادی آقایان این است که از همین جا بنویسیم که مستقیماً زیرنظر مجلس است چون در حقیقت دیوان محاسبات نقش اصلیش عبارت است ازبازرسی مالی مجلس، و از وظایف مجلس شورای ملی نظارت بر دخل و خرج مملکت است که در قانون اساسی قبلی هم بوده است و چون نظارت یک امر فنی است به هر حال دیوان محاسبات پایه اصلیش این است اگر هرکاری دیگر هم از او بخواهندفرعی است واصلا من نمی‌دانم کار دیگری هم دارد یا ندارد.

**صافی**— نظارت بر دخل ندارد خودشان هم می‌گفتند نظارت بر خرج دارند و اینکه به‌چه طریق بودجه مصرف بشود.

**نایب رئیس** — اصطلاح دخل و خرج که میگویند همین است.

**تهرانی** — مجلس شورای ملی مستشار می‌فرستند و دولت هم ناظر است و ترکیبی‌خواهد بود از هر دو، خیلی هم بهتر است چون اگر تنها یک طرف باشد موجب خطر است.

**نایب رئیس** — آقای تهرانی مجلس که خطر ندارد. آقای فاتحی بفرمائید.

**فاتحی** — به عقیده بنده دیوان محاسبات نه آنطور که خودشان میگویند مستقل باشد بلکه زیر نظر شورائی مرکب از نمایندگان دولت و نمایندگان مجلس و شورایعالی قضائی‌باشد و یک جوری باشد که خودشان هم مستقل نباشند.

**نایب رئیس** — آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — در اینجا باید توجه کنیم که قانون اساسی سابق به دیوان محاسبات‌بیشتر اختیار داده است، من عین اصل را میخوانم:

«اصل ۱۰۱ قانون اساسی سابق — اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی‌برای مدتی که به موجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود.» یعنی تمام اعضاء را او تعیین می‌کند ولی در اینجا گفته شده است عده کافی به عنوان مستشار. به‌هرحال ما باید بیشتر کوشش کنیم که زیرنظر مجلس شورای ملی باشد. البته کار دولت هم که مثلا کسی رامعرفی کند و آنها پانزده نفرشان را انتخاب کنند اشکال ندارد ولی شوراکه باید دخل و خرج را رسیدگی کند در اینجا باید نقش عمده‌تری داشته باشد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — به نظر میرسد که ما در تدوین این قانون اساسی که به نام اسلام نوشته میشود به اصول اصلی توجه کنیم این یک مسأله‌ای است که هم ریشه اسلامی دارد ولی در غرب به یک صورتی اجرا شد وقتی هم که آمد اینجا دیوان محاسبات به صورت یک اداره بایگانی درآمده است یعنی خرجی که شده و سه ماه، چهار ماه و یا شش ماه از آن گذشته است اینها هم ممکن است رسیدگی بکنند یا نکنند وبایگانی میشود. اگربخواهیدروح پیدا کند، اینهاامین مردم هستند که اینهمه برنامه وتشکیلات آنجوری که قانون تصویب کرده عمل‌شدهٔ یا نه. اگر نشد ضامن اجرای نشدنش چیست؟ اینجا در صفحهٔ سوم در سطر چهارم نوشته است که «هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.» حالا اگر نرسید چکار کنیم؟ هیچ‌ضامن اجرائی ندارد بنابراین باید ممیزی و بعد هم دنباله‌گیری و حتی اعلام جرم علیه کسانیکه برخلاف قانون رفتار میکنند بشود.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری، خوب معلوم است وقتی اینها فهمیدند که جرمی

شده است اعلام جرم میکنند، استیضاح میکنند. آقای کرمی بفرمائید.

**کرمی** — عرض میشود متن تهیه شده به وسیله گروه ۷ هیچ اضافه‌ای بر پیش‌نویس اخیر ندارد تنها آن پیش‌نویس سه اصل است ولی چیزی که آقایان داده‌اند دو اصل است که خیلی محکم و خیلی خوب است و جلوی خیانت را هم میگیرد. بنابراین به نظر من این دواصل که آقایان به جای سه اصل تهیه کرده‌اند با در نظر گرفتن امانت و توجه بیشتر و اینکه متن گروه ۷چیزی اضافه براین پیش‌نویس حتی یک کلمه هم ندارد پس این بهتر است .

**نایب رئیس** — آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — اینجاما نگفتیم که دیوان‌محاسبات زیرنظرقوهٔ مجریه باشد، دست قوهٔ مقننه باز است اگرخواست زیرنظر خودش باشد یک قانونی راتصویب میکند و دیوان محاسبات میشود زیرنظر قوهٔ مقننه و اگر دید عملا امکان ندارد خودش قانون تصویب میکند.

**مکارم‌شیرازی** — از حالا باید محکمش کرد که زیرنظر مجلس باشد.

**نایب رئیس** — آقای مراغه‌ای بفرمائید.

**مقدم مراغه‌ای** — اینجا دو مطلب هست یکی اینکه مسئول تنظیم لایحه تفریغ بودجه در هر حال دولت است پس باید تابع دولت باشند ولی باید نظارت مستمر مجلس باشدبه‌همین ترتیب که مستشاران تعیین میشوند. به‌این ترتیب به‌عقیده بنده اینکه دیوان‌محاسبات‌صددرصد تحت نظارت مجلس باشد صحیح نیست چون دولت است که باید لایحه تفریغ بودجه را تنظیم بکند ولی اینکه نظارت مستمر باشد و مستشاران از طرف مجلس تعیین بشوند این راه صحیحی است. به عقیده بنده این اصل پیشنهادی که الان مطرح است کافی به مقصود است.

**نایب رئیس** — آقای عرب بفرمائید.

**عرب** — بنده معتقدم دیوانعالی محاسبات تحت‌نظر مجلس شورای ملی باشد چونکه آنها نمایندگان ملت هستند و در غیراینصورت برنامه همان برنامه سابق خواهد بود.

**نایب رئیس** — ببینید دوستان باز هم من این‌تکرارمیکنم.فلسفه تشکیل‌دیوان‌محاسبات همیشه این است که آن کسی که باید ناظر باشد از نظرقانون‌اساسی و از نظر مبنای حکومتی بر دخل وخرج مملکت، آن یک سازمان میخواهد و آن کار را بطورفردی نمی‌شود انجام داد. در روزی که استبداد بوده شاه میخواسته این کار را بکند و این دیوان در اختیار شاه بوده و در وقتی که ملت میخواهد این کاررا بکند و اختیاراین کار دست ملت است، ملت باید یک‌چنین دستگاهی داشته‌باشد بنابراین‌فلسفه‌طبیعی این دیوان محاسبات همین‌چیزی است که‌دوستان پیشنهاد کرده‌اند که دیوان محاسبات یکی از سازمانهای مجلس شورای ملی میشود . مجلس شورای ملی سازمانهای مختلف دارد یکی هم سازمان دیوان محاسبات است که فقط به جای لایحه کلمه‌اش را باید عوض کنیم و به این ترتیب سازمان دیوان محاسبات طرح تفریغ‌بودجه را تهیه میکند و می‌آورد آنجا . اگر مجلس شورای ملی تصویب کرد معلوم میشود دولت کارش را صحیح انجام داده است، اگر رد کرد معلوم میشود دولت کارش را غلط انجام داده و بعد سؤال میکنند، استیضاح میکنند، اعلام جرم میکنند، محاکمه میکنند و همه کار میتوانند بکنند. بنابراین کلمه لایحه‌ذهن دوستان رامخدوش نکند فلسفه کار را دقت بفرمائید که‌نظارت ملت است بر وضع مالی کشور و این جز اینکه زیرنظر مجلس باشد از راه دیگر عملی نیست .

**مقدم مراغه‌ای** — مسئول تهیه لایحه تفریغ بودجه دولت است اگر در اختیار مجلس

باشد مسئولیت دولت لوث میشود.

**نایب رئیس** — این چیزی است که جنابعالی میفرمائید، لوث نمی‌شود.

**بنی‌صدر** — جنابعالی بدون اینکه اسم نوشته باشید آنچه که خلاف منطق است میفرمائید آن وقت میگذارید به‌رأی و میگوئید موافقین قیام فرمایند، آخراینکه حرف نشد شما تصورمیکنید که هیچ کجای دنیا نفهمیده‌اند، آیا یک مملکتی را سراغ دارید که به آن ترتیبی که شما میفرمائید عمل کنند؟

**نایب‌رئیس** — من اسم نوشته بودم، ولی در قانون اساسی قبلی اینطور نوشته شده است که اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی تعیین میکند. (بنی‌صدر — اینرا که ما هم نوشته‌ایم.) کل اعضاء نه سه چهارم.

**بنی‌صدر** — کل اعضاء که شدنی نیست. چطور میفرمائید که چنین چیزی ممکن است مثلا اگر یک کارمند بخواهند بگیرند شرایط استخدامش جدا است؟

**نایب‌رئیس**— اعضای اصلی را میگوئیم ومثل کارمندان مجلس‌شورای‌ملی خواهند بود. (بنی‌صدر — کارمندان مجلس شورای ملی هم تابع قانون استخدام کشوری هستند.) کارمندان مجلس شورای ملی که مثل کارمندان دولت نیستند، شما کم توجهی می‌فرمائید.

**بنی‌صدر** — آنها که نمی‌توانند خارج ازقواعد عمومی مملکت باشند. اتفاقاً همین دیشب آنها دربارهٔ وضع خودشان با من صحبت میکردند.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر توجه بفرمائید اینجا نوشته است «اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که به موجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود».

**بنی‌صدر**— عرض کردم اعضای آن دیوان ۲۴ نفر یا ۱۲ نفر هستند آنها، مراد قانون است نه اینکه چهارصد نفر کارمند را شامل شود.

**نایب رئیس** — ما میگوئیم وقتیکه قانون آنها را معین کرد آنها میشوند مسئول اداره آنجا و میشوند تابع مجلس. (بنی‌صدر — خوب ، بلی) و این هم که فرمودید من نوبت نداشتم روی نوبت خودم توضیح میدهم و البته یکنفر هم آخر توضیح میدهد حالا ممکن است آن یک نفر آقای بنی‌صدر باشد و یا آقای سبحانی. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — عرض من این است که محاسبات مال بودجه‌ملت است وبرای‌بودجه ملت طبق موازین شرع باید افرادی باشند برگزیده ازخود ملت. وقتی در قانون‌اساسی قبل‌نوشته است که مجلس شورای ملی معین میکند رابطه با ملت پیدا میکند اما وقتیکه گفتید دولت، رابطه‌اش با ملت از بین میرود.

**نایب رئیس** — آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

**مقدم مراغه‌ای** — در قانون اساسی گذشته فرمولش این بود که یک عده کارمندان‌دولت را مجلس انتخاب میکرد از لحاظ این بود که این افراد امین باشند به این جهت در قانون اخیر اختیارات بیشتری به دیوان محاسبات داده میشود ولی در هر حال بنده آنرا تکرار میکنم که دولت باید مسئول دخل و خرج مملکت باشد و مجلس نظارت مستمر داشته باشد.

**نایب رئیس** — همه ما این را میگوئیم که دولت مسئول است و مجلس ناظر است این مورد نظرهمه است. آقای مراغه‌ای توجه دارید که هیچوقت دیوانعالی محاسبات مسئولیتی در دخل و خرج ندارد و فقط ناظر است و چون کارش نظارت است مربوط به مجلس میشود.

**تهرانی**— به‌جای دو اصل ما، آنها یک اصل آورده‌اند. اول آنرا به رأی بگذارید اگر رأی آورد که آنرا می‌گذاریم و اگر نیاورد روی اینها صحبت میکنیم و بنده حاضرم توضیح هم بدهم.

**نایب رئیس** — پس بنده اصل اول را نظرخواهی میکنم. اجازه بفرمائید قرائت میکنم:

«اصل — دیوان محاسبات کشور تحت نظارت مجلس شورای ملی میباشد. سازمان واداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.» موافقین با این دست بلند کنند. (منتظری — مستقل را هم حذف کردیم.) (پنجاه و دونفردست بلند کردند.) پس بنده میخوانم برای اخذ رأی نهائی.

**بنی‌صدر** — همه دستگاههای دولت تحت نظارت است. آن چیزی که ماتهیه کرده‌بودیم که بهتر بود.

**نایب رئیس** — اگر آقایان موافقند به جای «تحت نظارت» بنویسیم «وابسته به مجلس شورای ملی» یعنی مینویسیم «وابسته به مجلس شورای ملی و تحت نظر آن میباشد». (ربانی شیرازی— وابسته نمی‌خواهد، چه‌ربطی دارد؟) (منتظری— وابسته‌باشد بهتراست.) (خامنه‌ای— وابسته را بکنید تابع، بهتر است.) آقای منتظری پیشنهادی کرده‌اند که خیلی مناسب به نظر میرسد «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای ملی می‌باشد» بنابراین برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۳۵ (اصل پنجاه و چهارم)** — دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیرنظر مجلس شورای ملی میباشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و شهرستانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر پنجاه و پنج نفر، شماره کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف هیچ، ممتنع چهار نفر بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۱۳۶ (اصل پنجاه و پنجم)

**نایب رئیس** — بنابراین اصل ۱۳۶ حذف میشود اما درباره اصل ۱۳۷ که‌جانشین اصل ۱۳۶ میشود. آن چیزی که آقایان نوشته‌اند با آن چیزی که اینجا هست ماهویش زیاد فرق نمی‌کند. حالا اصل ۱۳۶ از روی متن پیشنهادی گروه قرائت میشود.

اصل ۱۳۶ — دیوان محاسبات، کلیه حساب وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههائی که به‌نحوی ازانحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به‌ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی و یا حسابرسی می‌نماید و مراقبت خواهد کرد که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به‌مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و لایحه تفریغ بودجه هر سال را به‌انضمام نظرات خود به‌مجلس شورای ملی تسلیم می‌نماید. این لایحه باید در دسترس‌عموم گذاشته شود.

**نایب رئیس** — این هیچ مطلب اضافی ندارد. (مکارم شیرازی — کلمه «لایحه» چه میشود؟) (صافی — به‌جایش باید نوشته شود «گزارش») بلی، اگربنویسیم گزارش مسأله‌ای

نیست. (منتظری — رسیدگی و یا حسابرسی می‌نماید یعنی چه؟) آقای مکارم شیرازی.

**مکارم شیرازی** — رسیدگی و حسابرسی دومطلب است، رسیدگی یعنی مستقیماً رسیدگی مینماید ولی حسابرسی یعنی دفاتر آنها را ممکن است بررسی کند.

**نایب رئیس** — آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — مراقبت خواهد کرد که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده در حقیقت با کار حسابرسی نمی‌خواند زیرا کار حسابرسی یعنی ببیند آیاخرج با اجازه‌ای که به آن داده‌اند اضافه شده یا نشده و مراقبت خواهد کرد یعنی در موقع خرج کردن مواظبت کند، این معنایش این است که اگر اشتباهی در حساب است رسیدگی کند. (خامنه‌ای — باید نوشته شود «تجاوز نکرده باشد» یعنی درگذشته نکرده باشد.)

**نایب رئیس** — با اینکه این عبارت بودنش هم هیچ ضرری ندارد و معنای مراقبت هم همین است ولی به نظر میرسد اگر «مراقبت خواهد کرد» را برداریم مطلب باز همانطور فهمیده میشود یعنی بنویسیم «رسیدگی و یا حسابرسی مینماید که هیچ هزینه‌ای ازاعتبارات‌تجاوزنکرده باشد.» آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — همانطورکه آن دفعه گفتم برای تبدیل کردن این مؤسسه به یک مؤسسه فعال وامین جامعه، اینجا بعد از اینکه یک بودجه‌ای تعیین میکنند مسئول یک‌دستگاه یا کمتر خرج میکند یا بیشتر خرج میکند یا در آن سوءاستفاده میشود و بعد ازاینکه دوماه، سه ماه یا چهارماه از آن گذشته میرود آنجا و حسابها را میرسند. اینجا نوشته است « به‌مصرف رسیده باشد» من میخواهم یک کلمه‌ای اینجا گذاشته شود که دنباله‌گیری شود وگرنه‌آنجا میرود و دفن میشود. این را اگر بخواهیم فعالش کنیم باید یک کلمه‌ای بگذاریم که علیه متخلف اعلام جرم بکند حالا فرض کنید به مصرف نرسیده و مسئول امر هم استعفا کرده و رفته‌است.

**نایب‌رئیس** — آقای دکتر غفوری، وقتی بنویسیم وظایف بازرسی را، دیگراعلام جرم نمی‌نویسیم چون بازرس این کار را میکند. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — رسیدگی و حسابرسی چه‌تفاوتی دارد؟ اگر مغایر است که باید «یا» را حذف کنیم.

**نایب رئیس** — آقایان گفتند فرقش راکه دو نوع کار است، آقای مکارم گفتند که در حسابرسی همه دفاتر را میخواهند تا حسابرسی کنند. آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — من معتقدم که فعلا این اصل را برای مطالعه بیشتر ببریم به کمیسیون مشترک به این دلایل. اولا در اینجا دیوان محاسبات خواه ناخواه یا با سازمان برنامه یا با وزارت دارائی سروکار دارد، درست است که زیر نظر مجلس است ولی با آنها سروکار دارد و مسأله مسئولیتی که مطرح است که اگر خوب مراقبت نکرد یا خوب نظارت نکرد مسئول این کارکسی باشد و چه کسی بایدجواب بدهد، آیا دولت جواب بدهد؟ و مسئول عدم انجام کارهایش چه کسی است؟

**نایب رئیس** — خوب، مثل این است که بگوئیم اگر اداره کارگزینی مجلس شورای‌ملی کارش راانجام نداد چه کسی مسئول است. (دکترآیت — خیر، این خیلی مهمتراز آن است.) خوب مسئولش مجلس است.

**دکتر آیت**— یک قانونی ما داریم به‌نام قانون دیوان محاسبات، من نمی‌دانم وقتیکه این

تنظیم میشده آن قانون مطالعه شده است یا نه، قانون مفصلی است و من معتقدم با توجه به‌آن قانون و سوابق آن قانون این اصل تنظیم بشود. (تهرانی — مطالعه شده است.) بسیار خوب اگر شده است که حرفی نیست. (بنی‌صدر — این اصل چهار مرتبه بررسی شده است.)

**نایب رئیس** — آقای تهرانی بفرمائید.

**تهرانی**— بنده میخواستم توضیحی راجع به‌این اصل بدهم. این قسمت از اصل که نوشته «رسیدگی و یا حسابرسی مینماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده باشد و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد» از این جهت است و این هدف را دنبال‌میکند نمی‌خواهد بگوید این خیانت کرده است مثلا استاندار مشهد دو وظیفه دارد یک وظیفه اینکه زیادتر از بودجه‌ای که برایش قرارداده شده بیشترخرج نکند وهمان بودجه را منحصراً مصرف کند و اگر مثلا صد هزار تومان یا دویست‌هزار تومان برای عمران و آبادی اختصاص‌داده‌شده اگرکمتر مصرف کند باز هم مسئول است چرا؟ برای اینکه به وظیفه‌اش عمل نکرده است وظیفه‌اش این بوده است که در این سطح عمران و آبادی خراسان را بالا ببرد و این جمله این مطلب را میخواهد بگوید نه‌اینکه منظور این باشد که دزدی کرده باشد، این است که هم‌باید زیادی خرج نکند و هم بودجه‌ای را که برای موردی اختصاص داده شده به مصرف برساند.

**نایب رئیس** — آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی**— منظور از رسیدگی و یا حسابرسی، مفهوم مراقبت خواهد کرد نیست برای اینکه رسیدگی و یا حسابرسی یک وقت در آخر کار انجام میگیرد و آنوقت ممکن است از هزینه هم تجاوزکرده باشد یعنی هزینه ازاعتبارات هم بیشتر باشد. بنابراین باید از اول تحت‌کنترل و نظارت قرارگیرد آنوقت هزینه از اعتبار بیشتر نخواهد شد. علیهذا به نظر بنده از اول باید تحت کنترل قرار گیرد.

**نایب رئیس** — آقای عرب بفرمائید.

**عرب** — در اینجا ذکر شده «به ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی بکند» اینکه‌وظیفه مجلس است که به وسیله افراد مجلس رسیدگی بکند.

**نایب‌رئیس** — میگوئیم شکل کار را قانون معین میکند. (عرب— مگر قبلانگفتیم تحت نظارت مجلس؟) اعضای مجلس که نیستند، تحت نظارت یعنی افرادی را انتخاب میکنند که کارشناسان امور هستند مثل اینکه مجلس برای خودش یک کارگزینی دارد یا یک کارپردازی دارد بنابراین مجلس یک دیوان محاسبات دارد که ازکارشناسانی است که مورد تأیید مجلس هستند ولی لازم نیست که عضو مجلس باشند.

**منتظری** — من نفهمیدم حسابها و اسناد و مدارک را برابر قانون جمع میکنند یعنی چه؟

**نایب رئیس** — یعنی قانون باید کیفیت اینها را معین کند. حالا برای رأی‌گیری‌خوانده میشود و شماره آن اصل ۱۳۶ میشود.

**اصل ۱۳۶ (اصل پنجاه و پنجم)** —دیوان‌محاسبات کلیه‌حسابهای‌وزارتخانه‌ها،مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههائیکه به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده میکنند به ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی و یا حسابرسی مینماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی درمحل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام

نظرات خود به‌مجلس شورای ملی تسلیم مینماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه پنجاه و پنج نفر، شماره کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق پنجاه و سه نفر، مخالف هیچ، ممتنع دو نفر تصویب شد ، تکبیر (حصار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**نایب رئیس** — یک تذکر و توضیح در پاسخ آقای مقدم مراغه‌ای میدهم که دولت هم که موظف است خودش لایحه تفریغ بودجه را بیاورد. میتواند هم از نتیجه‌گزارش اینها استفاده کند و هم هر کاراضافه‌ای انجام بدهدچون او یک‌وظیفه‌جداگانه‌ای داردولی‌این به‌منظور این است که کار مجلس صحیح انجام گیرد ، اما در اینجا دو اصل ۳۸ و ۱۳۹ آمده است که ارتباطش با اقتصاد خیلی کم است.

**کرمی** — پس خوب است جنابعالی اصل ۱۲۷ و ۱۲۹ و ۱۳۰ را مطرح کنید.

**نایب رئیس** — بنابراین حالا برمیگردیم و چند اصل اقتصادی را مطرح میکنیم.

**یزدی** — چون ساده‌تر است راحت‌تر تصویب میشود.

**ربانی املشی** — آقای بهشتی، جمعیت کم است پس اصول ساده را مطرح کنید.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید برای اینکه اصولی که داریم در جریان کار قاطی نشود (سبحانی — شماره اصلها عوض میشود.) من از نظر فصلها میگویم نه ازنظر اصلها. نظر آقایان این است که روابط را مطرح کنیم؟ (نمایندگان — بلی) بنده هم برای اینکه فصول قاطی نشود نظرم این است که از همین ۱۳۸ تا ۱۴۱ که چهار اصل است میتوانیم رسیدگی کنیم و یک فصل مستقل هم هست و آن فصل قبلی هم تکمیل میشود.

**بنی‌صدر** — بنده میخواستم عرض کنم دیروز راجع به اصل ۱۳۸ ایرادی وارد شد که ما صبح در گروه آنرا به این صورت که میخوانم تغییر دادیم «استقلال و نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جوئی».

## ۸ — طرح اصل ۱۳۸

**نایب‌رئیس** — اصل ۱۳۸ رامیخوانم:

اصل ۱۳۸ — استقلال و نفی سلطه‌پذیری وسلطه‌جوئی، اساس روابط خارجی ایران است و درحد این مفهوم سرزمین ایران جزءلاینفک وطن است اسلامی میباشد. سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی براساس تعهد در قبال کشور خود و ملل مسلمان و دفاع از تمامیت ارضی ایران و وطن امت اسلامی استوار است.

**دکتر ضیائی** — ایران جزء لاینفک وطن است اسلامی است یعنی چه؟

**ربانی شیرازی** — سیاست خارجی سه بعد دارد، در برابر قدرتهای بزرگ عدم تعهد است، در برابر برادران مسلمان تعهد است، عدم تعهد هم باید در اینجا باشد.

**نایب رئیس** — آقای اکرمی بفرمائید.

**اکرمی** — همانطورکه آقای ربانی فرمودند از یک طرف سیاست ما عدم تعهد است و از طرفی هم متعهد هستیم در مقابل ملت‌های مسلمان. بنابراین من فکر میکنم اضافه کنیم «و

جنبشهای آزادیبخش».

**نایب رئیس** — این موضوع که می‌فرمائید جزو اصل ۱۲۹ است. آقای طاهری‌اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — استقلال یعنی سلطه نپذیرفتن و دیروز هم به آقای بنی‌صدر ایراد گرفته شد و حالا عبارت را به این صورت درست کرده‌اند، در صورتیکه به این صورت هم درست نیست.

**یزدی** — بعضی‌ها خواستند بگویند استقلال با سلطه‌گری میسازد در حالیکه ما در رابطه خارجی‌مان نه سلطه‌پذیری داریم و نه سلطه‌جویی. استقلال برای خودش یک معنی دارد و سلطه‌گری و سلطه‌جویی هم برای خودش یک مفهوم دارد آن استقلال با سلطه‌گری و سلطه‌جویی میسازد این را اضافه کرده‌ایم که در رابطه خارجی هر دوی آنها نیست.

**طاهری اصفهانی** — من میخواهم بگویم سلطه‌پذیری زائد است و باید نوشته شود استقلال و نفی سلطه‌گری.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر خلاصه این است که از این قرینه‌سازی بایددست‌برداشت زیرا یا باید استقلال را بردارید و بنویسید «نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی اساس روابط خارجی است» که همان معنا درش هست یا اینکه باید بنویسیم «استقلال و نفی سلطه‌جویی» اما دیگر نفی سلطه‌پذیری درخود استقلال هست پس اینطور مینویسیم «استقلال و نفی سلطه‌جویی اساس روابط خارجی ایران است».

**ربانی شیرازی** — باید نوشته شود حفظ استقلال یا احترام استقلال، این جمله یک چیزی کم دارد. (یزدی — حفظ استقلال باید نوشته شود.)

**نایب رئیس** — آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — کلمه سلطه پذیری یا سلطه‌جویی با اصل ۱۳۹ مناسب‌تر است و باید آنجا بیاوریم و اینجا بنویسیم «استقلال همه‌جانبه اساس روابط خارجی ایران را تشکیل میدهد».

سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی با اصل ۱۳۹ مناسب است و درعین حالیکه ما نسبت به‌تمام ملل، سلطه‌جویی نخواهیم داشت ولی درعین‌حال از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین هم حمایت خواهیم کرد و این دوکلمه با آن اصل آینده انسب است.

**نایب رئیس** — آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکتر آیت**— این اصل باز یک معجون عجیب و غریبی شده است. یکی همین که اول گفتند که احترام به استقلال یا حفظ، ولی باز هم استقلال چه کسی و چه چیزی و استقلال کشورها یا ملت‌ها این یک مسأله، بعد در اینجا هم که گفته‌اند جزء لاینفک‌وطن‌امت‌اسلامی است، آخروطن امت اسلامی کجا است و حدودش چیست؟ باز این هم یک مسأله است وقسمت بعدیش که «سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی براساس تعهد در قبال کشور خود» خوب هر کشوری مسلم است که درمقابل کشور خودش تعهد دارد، ما بیشتر باید تعهد در قبال ملل مسلمان را در اینجا ذکر کنیم و تمامیت ارضی ایران مشخص است ولی وطن امت اسلامی حدودش مشخص نیست و من معتقدم بهتر ازاین باید باشد. البته با مفهومش یعنی آنچه که‌در این‌اصل هست موافقم ولی الفاظ و جمله‌بندی، آن مفهوم را نمی‌رساند.(صافی — باید نوشته‌شود «بطور متقابل» )

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — وطن است مفهوم حقوقیش خاک است و این معلوم نیست که با آنچه که سیاست خارجی است کاملا تطبیق کند. ما میخواهیم بگوئیم که متعهد نیستیم و میخواهیم بگوئیم براساس اخوت اسلامی و حمایت از مستضعفین است ولی تمامیت ارضی ایران و دفاع از تمامیت ارضی وطن است اسلامی یک مملکت را وادارمیکند برای دفاع ازتمامیت ارضی درده جبهه با تعارضی که گاهی بین دولت و ملتشان هست گاهی جنگ کند این را ما میخواهیم و میتوانیم یا نه؟

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای عنایت بفرمائید که در موقع صحبت به‌معیارهای اسلامی توجه کنید. شما میفرمائید الان وظیفه هرایرانی مسلمان و پاکستانی مسلمان واندونزی‌مسلمان این است که از یک وجب خاک فلسطین یا از یک وجب خاک سومالی دفاع کند یعنی میشود سرزمین است اسلام و سرزمین امت اسلام را حتی نقشه هایش را کشیده‌اند و رنگش را هم کشیده‌اند جایی که درسلطه دولتها و حکومت‌هایی است که در اصطلاح امروز به آنها میگویند جزو حکومت‌های اسلامی، آنرا میگویند سرزمین امت اسلام یا آنجایی که اکثریت ساکنانش مسلمان باشند بنابراین...

**خامنه‌ای** — ملاحظه بفرمائید ما اگر بخواهیم بحث کامل و خالص فقهی بکنیم‌مسأله دارالحرب و دارالاسلام پیش‌می‌آید. آیا امت اسلامی دردارالحرب است یا دردارالاسلام است؟

**نایب رئیس** — من این تذکر را دادم که بحث‌ها منحرف نشود والا وارد بحث نشدم. آقای فاتحی بفرمائید.

**فاتحی**— دراینجا، هم ابهامات مختلف است وهم‌انسجامی نداردویه‌نظرمن‌عدم‌انسجامش این است که عبارتها با هم نمی‌خواند، ابهاماتش هم همانطور که جناب آقای دکتر آیت فرمودند وطن است اسلامی کجا است؟ چون ما یک امت اسلامی کلی داریم که ایران هم‌جزو آنها است همانطورکه ایران وظیفه دارد از تمامیت ارضی خودش دفاع کند از امت اسلامی هم که هنوز وطنش برای ما مشخص نیست و اگر منظورتمام کشورهای اسلامی است که‌وظیفه سنگین است که مثلا در اریتره یا فیلیپین یا افغانستان و یا سایرکشورهائی که مورد تجاوز هستند وظیفه دفاعی داشته باشیم که از تمامیت ارضی آنها دفاع کنیم. خلاصه ابهاماتی‌دارد. (نایب رئیس — وظیفه که داریم، آقا عجیب‌است.) اگر امت اسلامی یک دولت کلی تشکیل داده بود که ایران هم جزو آن بود بلی ، ولی هنوز که به آن صورت واقع نشده است. درست است که باید عملا آنطور بشود، ولی هنوز آن فکر عملی نشده است.

**نایب رئیس** — آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — در حد این مفهوم سرزمین ایران جزء لاینفک وطن است اسلامی میباشد. ما داریم قانون می‌نویسیم برای کشور ایران، درست است که با تمام کشورهای مسلمان برادر هستیم و تعهد برادرانه داریم که در بند آخر اصل سوم هم آمده اما الان این یک مطلب رادر ذهن ها می‌آورد بخصوص در جو توطئه که میگویند معلوم میشود که اینها میخواهند نظر خود را به تمام کشورهای اسلامی سرایت بدهند و اینکه در اینجا نوشته شده سرزمین ایران جزء لاینفک وطن است اسلامی است آیا الان این شایعه را به ذهن نمی‌آورد و از آن سوءاستفاده نمی‌شود؟

**نایب‌رئیس** — آقای مهندس دانش‌راد.

**مهندس دانش‌راد** — قسمتی ازعرایض بنده را آقای خزعلی فرمودند. اصل یازدهم قسمتی از سیاست جمهوری اسلامی را روشن کرده «همه مسلمانان یک است هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را...» یک قسمت اینجا سیاست جمهوری اسلامی ایران ذکر شده و یک قسمت هم همانطور که فرمودند.

**نایب رئیس** — اینجا را بفرمائید. (مهندس دانش‌راد — من میخواهم بگویم که تکرار است.) ما اصول کلی داریم که به هر فصلی که میرسیم بخشی از مطالب آنجا می‌آید ودراینجا چیزهای دیگر هم آمده است. آقای اشراقی بفرمائید.

**اشراقی** — عرض شود که ما با تمام اسم اسلامی البته برادریم و ممکن است در تمام شئون تا میتوانیم به آنها کمک کنیم اما اینجا مملکتی است و وطنی است که همه ما ملت مسلمان و ایرانی هستیم و سایر ممالک به ما مربوط نیست، است اسلامی هستند و اوطانی دارند و با آنها هم البته طبق روابط اسلامی معامله میکنیم اما اینکه اینجا آورده است وطن جزء لاینفک ایران است و حدودش هم مشخص نیست بطوریکه آقایان گفتند آنوقت میشود، این وطن شهری است که او را نام نیست و اول و آخرش معلوم نمی‌شود. ما البته با آنها رابطه خوبی هم خواهیم داشت ولی این جمله‌ها را اینجا نیاورید زیرا سبهماتی دارد و ما را به زحمت میاندازد.

**نایب رئیس** — دوستانی که در ادامه بحث صحبت میکنند خواهش میکنم که بحث‌شان را منحرف نکنیم فقط یک سؤال هست و این اصل براساس این سؤال است، ازدوستان خواهش میکنم دربحث‌هایتان این سؤال را روشن کنید. عرض کردم امروز هجوم میبرند به یک وجب از خاک اسلام یعنی آن خاکی که ما برطبق موازین فقهی به‌آن میگوئیم سرزمین اسلام. سؤال این است که آقای اشراقی که در تبریز تشریف دارید در حد مقدوراتتان دفاع از یک وجب از سرزمین اسلام در بنگلادش واجب است یا نه؟ (اشراقی — بلی.) خوب این همین مطلب را میخواهد بگوید. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — من فکر میکنم روح این اصل با اصل اسلامی «لاتظلمون ولاتظلمون» تطبیق میکند بنابراین علاوه براین مسأله که باید توجه داشته باشیم به‌این‌اصل، دونکته‌راهم میخواستم دراینجا اشاره شود، یکی مسأله استقلال است که سابقاً هم می‌گفتند ایران مستقل است ولی خوب میدانیم که چقدر وابستگی‌های فرهنگی و اقتصادی داریم و ما باید اینها را برطرف کنیم. بنابراین دراستقلال اشاره شود به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از آن گذشته مسأله اخیر که مورد بحث است این ممکن است، درکورانهای بین‌المللی همانطور که برادرسان آقای خزعلی اشاره کردند بد نیست که اشاره شود با حفظ روابط عادلانه با تمام ملل انسان‌دوست و رعایت احترام متقابل که یک جنگجویی تلقی نشود.

**نایب رئیس** — آقا این مطلب در اصل ۱۳۹ آمده است.

**گلزاده غفوری** — درقسمت استقلال باید به‌جنبه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشاره شود.

**نایب رئیس** — این را هم گفتیم که اگر ما بخواهیم انواعش را بشماریم آنوقت باید کلمهٔ نظامی را هم بگذاریم، بعد هم ممکن است یک چیزدیگری هم جا بیفتد. آقای عضدی بفرمائید. (دکتر عضدی — بنده میخواستم یک توضیحی بدهم که خودتان دادید.) آقای

بنی‌صدر بفرمائید.

**بنی‌صدر** — عرض کنم اینکه وطن ما جزء است اسلامی است هیچ سوء تفاهمی برای هیچ کس بوجود نمی‌آورد و واقعاً هم هست و اگر ما مسلمان هستیم سرزمین اسلام یک سرزمین است بنابراین اگر بگوئیم، اگر این را اینجا بگذاریم دیگران ممکن است تصور بکنند که ما میخواهیم برویم جاهای دیگر را بگیریم. ما که اول این قانون اساسی گفتیم که سلطه‌جویی را منع میکنیم و این رفع شبهه را میکند اما اینکه ما نگوئیم در سیاست خارجی مثلا در قبال مسأله فلسطین چه خواهیم کرد (ربانی شیرازی — نوشته‌ایم دفاع میکنیم.) در اینجا مفهومش غیراز این مفهوم است. در اینجا ما میخواهیم بگوئیم که ما مسأله فلسطین را مسأله خودمان میدانیم هر قسمتی از خاک وطن اسلامی که به خطر بیفتد مثل این است که خاک خود ما به خطر افتاده است. در عین حال هم برای خود ایران به عنوان یک واحد جزء مجموعه خانواده بزرگ اسلامی استقلال قائلیم این دو تا را خواستیم با هم جمع کنیم.

**نایب رئیس** — ارض اسلام یک مسأله است و دفاع از جان و مال و عرض و حقوق تک‌تک مسلمانها یک مسأله است، دفاع و حراست ازارض اسلام این یک مسأله‌است، دفاع و حراست از مجتمع قدرت اسلامی یک مسأله است و دفاع از حق هر انسان زیر ستم این هم یک مسأله است، میخواهد مسلمان‌باشد ومیخواهد نباشد. ما باید این اصولی که می‌نویسیم این چهار قسمت مهم را که در بحث ولاء و براء و تولی و تبری در مبانی اسلام هست بیاوریم، این است که آقایان عنایت بفرمائید که بحث طوری باشد که وقتی روی یکی تکیه میکنید فراموش کردن دیگری نباشد.

**فاتحی** — این را جواب بدهید به‌اتکاء اینکه اینجا جزء لاینفک وطن اسلامی است، اگر وارد کشورما بشوند به اتکاء اینکه اینجا هم جزو آن کشور است آنوقت چه میشود؟

**نایب‌رئیس** — این میشود سلطه‌پذیری، ما گفتیم در برابر بیگانه. آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — در جمله «ایران جزء لاینفک وطن امت اسلامی است» اگر منظور این است که ما تعهد داریم در قبال کشورهای اسلامی دیگر که از آنها دفاع کنیم با صراحت در ذیل آن نوشته شود، اما الان درخارج ما یک وطن اسلامی برای کشورهای اسلامی نداریم زیرا تبدیل شده‌اند به کشورهای پراکنده و ان‌شاءالله روزی خواهد آمد که همه یک کشور بشوند. پس اگرمحتوای صحیحی داشته‌باشد آن است که بعداً. و اما خود این دو سوءظن را برمی‌انگیزد زیرا همانطور که آقای خزعلی فرمودند یک‌عده‌ای میگویند توسعه‌طلب ویک عده‌ناسیونالیست افراطی هم میگویند میخواهید کشور را ببرید زیر پرچم و جزء کشور دیگری کنید محتوای تازه‌ای هم ندارد خوب همان چیزی که در ذیل است همان را بنویسیم و خودمان را راحت کنیم.

**بنی‌صدر** — اگر کسی به خاک اسلام حمله کرد مثل این است که به ما حمله کرده‌است.

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید. آقای تهرانی بفرمائید. (تهرانی — این را به رأی‌بگذارید و رأی بگیرید.) آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — یک مسأله همین بود که آقای مکارم توضیح دادند. مسأله دیگراینکه ما از اول میخواهیم بگوئیم سیاست خارجی ما براین منوال است که ما به استقلال دیگران احترام میگذاریم و استقلال خودمانرا هم حفظ میکنیم، پس در اول میگوئیم احترام به‌استقلال

وهردو جمله بعدی راهم می‌آوریم، احترام به‌استقلال یعنی استقلال دیگران، متن سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری نسبت به خودمان که اولش مربوط میشود به استقلال خودمان. دوم اینکه تجاوز به استقلال دیگران نشود، این یک مطلب بود مسأله دیگری که چندین مرتبه هم درباره‌اش صحبت شده است و توجهی به آن نمی‌شود این است که ما سیاستمان در مقابل امپریالیسم برچه منوالی است، آیا سیاست روشنی داریم یا نداریم؟ آیا دربلوکهای نظامی میخواهیم شرکت کنیم یا نمی‌خواهیم شرکت کنیم؟ (نایب‌رئیس— اینکه خلاف استقلال است.) اگرمیخواهیم در بلوکهای نظامی و بلوکهای امپریالیسم شرکت نکنیم صریحاً باید در سیاست خارجی‌مان «عدم تعهد در برابر قدرتهای بزرگ» را باید ذکر بکنیم.

**نایب رئیس** — در هر صورت یا با این عبارت یا عبارت دیگر حتماً باید مطلبش بیاید و این را ما هم جلوتر نوشته‌ایم. (منتظری — مضمون عبارتی را که آقایان نوشته‌اند لطفاً بخوانید.) «نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری اساس روابط خارجی ایران است و با حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران براساس تعهد و کمک نسبت به‌همه کشورهای اسلامی برقرار است» در حقیقت مطلبشان را گفته‌اند والا متنی نمی‌خواسته‌اند پیشنهاد کنند. (منتظری — یعنی میخواسته‌اند بگویند چیزهای دیگرش زیادی است.) اجازه بفرمائید. آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — در بیشتر قوانین کشورهایی که روی سیستم اتومات مکتبی هستند آمده است و قوانینی هم موجود است مثلا الان این قانون اساسی شوروی است و هیچ وحشتی هم نیست و آن‌موقعی که هم این بندها تنظیم میشد من عرض کردم، الان بنده نصف بند را میخوانم: «وظیفه نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در قبال خلق عبارت است از دفاع مطمئن از میهن سوسیالیستی و حفظ آمادگی رزمی دائمی برای تضمین بیدرنگ با هرگونه‌تجاوز» و در بالا مینویسد «به منظور دفاع از دست‌آوردهای سوسیالیستی از کار صلح‌آمیز مردم شوروی از حاکمیت و تمام آن کشورهائی که هم‌پیمان شوروی هستند و یا مکتب سوسیالیستی دارند» این تضمین دفاع کرده است و حمایت از آنها کرده و اصولا اسم «میهن سوسیالیستی» آورده است. ملاحظه بفرمائید کشورهائی که الان بلوک شرق را تشکیل می‌دهند و جزء اقمار شوروی هستند و مکتب سوسیالیستی دارند نه ملیت روسی دارند و نه چیز دیگری، اصلا مرزهایشان از هم جدا است ولی در عین حال درقانون اساسی به صراحت آورده است، به‌علاوه همانطوریکه در عمل می‌بینیم رهبران بزرگ کشورهای جهان حتی آنهایی که مرتجع هستند، سران مرتجع دولتهای اسلامی هم این حرف را نزدند که ما میگوئیم، آنها همه جا را میهن اسلام میدانند واین موضوع صحه‌گذاشتن روی تجاوز و یا سلطه‌جویی نیست بلکه همه‌مسلمانها برادرند و در اصل ۱۱ و بند ۱۶ از اصل سوم اینها مشخص شده است.

**نایب رئیس** — متشکرم، خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — من میخواستم بگویم این اصل ناظر بر یک معنایی باشد اگر در این اصل استقلال را معنی کنیم که استقلال به‌آن معنایی‌نیست که مامی‌گوئیم و اگر در حقیقت میخواهید موضوعاتی دیگر مشخص بشود که باید درست و حسابی مشخص کنید. این ابهام دارد زیرا آن استقلالی که ما میگوئیم لااقل به تمام معنا، معنی نکرده و بهتر است که در اطرافش بررسی بشود و مشخص بشود که روشن‌تر باشد.

**نایب رئیس** — توضیح خواهر ما این است که ما اینجا خوب است که روشن‌تربنویسیم «اساس سیاست خارجی عبارت است از یکی حفظ سرزمین ایران از هر نوع حمله خارجی، یکی پرهیز از هر نوع سلطه‌جویی و یکی هم دفاع از سرزمین امت اسلامی.» یعنی این سه موضوع را در یک عبارت روشنی خلاصه بکنیم و طوری بنویسیم که از هر نوع ابهامی در بیاید چون روح مطلب هم همین است و روح دیگری هم ندارد. آقای بنی‌صدر بفرمائید.

**بنی‌صدر** — ما میخواهیم بگوئیم سرزمین اسلام یکی است.

**منتظری** — آقای بهشتی مگر آن عبارت مستقل نبود؟ آن عبارت هم از همین قبیل بود.

**نایب رئیس** — بلی هر دو یکی بود. آقای تهرانی بفرمائید.

**تهرانی** — بنویسیم «سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی براساس تعهد درقبال کشور خود و ملل مسلمان و دفاع از تمامیت ارضی ایران و وحدت امت اسلامی استواراست» و دیگر در حد این مفهوم که سرزمین ایران جزء لاینفک وطن امت اسلامی است هم احتمال اینکه آقای خزعلی فرمودند هست و هم تکراراست. اگر شما این را بزنید و استقلال را هم اضافه بکنید آن چیزی را که شما فرمودید در آن هست و رأی هم می‌آورد وتمام میشود و وقت نداریم چون ظهر است. اگر ممکن است رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — دو سؤال دارم یکی اینکه میگوئیم استقلال. در بدو نظر به‌ذهن چه می‌آید؟ آیا استقلال در مرز ایران است یااستقلال در کل امت‌اسلام است؟ استقلال کجاست؟ (مکارم شیرازی — در ذیلش نوشته شده است، استقلال خارجی است.) این باید روشن بشود چون اگر منظور ما استقلال امت اسلام است. اصلا این را ما نباید بنویسیم چون مطلبی است که باید انجام بگیرد. وانگهی شما چرا مطلب را درحداین‌مفهوم می‌آورید؟ سرزمین ایران جزء لاینفک وطن امت اسلامی است،این یک قدری سوهم است این را یک قدری بشکافیدوبگوئید ما درقبال سرزمینهای اسلامی چه وظیفه‌ای داریم و چه روابط متقابلی را باید داشته باشیم.

**نایب رئیس**— من نظرات دوستان را جمع‌بندی کرده‌ام و عبارت را میخوانم. اصلا خوب است که این اصل را از اینجا شروع کنیم «سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران براساس حفظ استقلال و نفی سلطه‌جویی و تعهد در قبال کشور خود و ملل مسلمان و دفاع از تمامیت ارضی ایران و سرزمین امت اسلامی و عدم تعهد در برابر قدرتهای جهانی استواراست». (عده‌ای از نمایندگان — خوب است.) یک همه‌جانبه هم می‌نویسیم که نظر آقای دکتر غفوری هم تأمین شود.

**صافی**— تعهد مطلق نمی‌شود، معنی تعهد باید روشن باشد یعنی باید آنها هم نسبت‌به‌ما روابط متقابل داشته باشند.

**نایب رئیس** — آقای صافی، البته ملتها طبعاً روابط متقابل را حفظ خواهندکرد. (رشیدیان — آقای صافی ارتباط با مردم، نه دولتها.) (تهرانی — بسیار خوب است همین را به رأی بگذارید.)

**جوادی**— استقلال مال جامعه بود و تمامیت ارضی مال قلمرو، در اصل بعدی که درباره کشورهای مطلق‌است، دراین اصل که درباره امت‌های اسلامی است دفاع ازاستقلال وتمامیت ارضی است.

**نایب رئیس** — عبارت را میخوانم و بعد به رأی می‌گذاریم:

اصل ۱۳۸ — سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور و تعهد در قبال ملل مسلمان و دفاع از سرزمین امت اسلام و عدم تعهد در برابر قدرتهای جهانی استوار است.

**تهرانی** — بسیار خوب رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه پنجاه و سه نفر، شماره کل آراء پنجاه و سه رأی، موافق چهل و شش نفر، مخالف شش نفر، ممتنع یک نفر، بنابراین تصویب نشد.

## ۹ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — در جلسه بعدی که ان‌شاءالله روز شنبه عصر خواهد بود دوباره آنرا مطرح می‌کنیم. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت دوازده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکترسید محمد حسینی بهشتی**

## جلسهٔ پنجاه و سوم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده‌وده‌دقیقه روزپنجم آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با پنجم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — بیانات قبل از دستور آقایان سبحانی و اکرمی..... ۲
۲ — طرح اصل ۱۲۷ و تصویب مقدمه و بند ۱ آن و بحث پیرامون بند ۲ (اصل چهل و سوم) ..... ۳
۳ — پایان جلسه..... ۳۰

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقایان سبحانی و اکرمی

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. آقای سبحانی طوماری را میخواهند ارائه‌بفرمایند از طرف مردم عزیز و پرتلاش آذربایجان، این است که میخواهند تشریف بیاورند اینجا و دوسه دقیقه‌ای صحبت بکنند و بعد از آن آقای اکرمی برای صحبت نوبت گرفته‌اند. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. «واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولا تفرقوا» شاید بعد از راهپیمائی عمومی و همگانی مردم نسبت به پشتیبانی از مقام روحانیت و مرجعیت و انقلاب اسلامی و بالاخص نسبت به مجلس خبرگان، نیازی به بحث و دفاع نباشد زیرا راهپیمائی‌دیروز و شعارهای بزرگ و موسع و جامع پشتیبانی مردم را نسبت به این مجلس و مسائل دیگر اثبات کرد. مدتی است گاهی از طریق جراید، گاهی از طریق دیگر، بعضی از افراد نسبت به مجلس خبرگان مطالبی و اعتراضاتی دارند هنگامی که اعتراضات آنها را بررسی میکنم‌روشن نمی‌شود که مقصود آنها از این اعتراض چیست. اگر واقعاً میخواهند بگویند افرادیکه در این مجلس قانون اساسی را تصویب و تدوین می‌کنند، اینها واقعاً منتخب مردم نیستند، اگر واقعاً میخواهند این را بگویند، مسلماً آمار و پرونده‌ها بهترین گواه است که اینها منتخب مردم هستند و ملت ایران آنان را برای این کار انتخاب کرده‌اند و فکر نمی‌کنم که کسی روی این مطلب تکیه کند که اینها منتخب نبودند و یا انتخاب آنها با اشکال روبرو بود. آیا واقعاً میخواهند بگویند که این افراد منتخب صلاحیت تدوین قانون را ندارند؟ بایدبگویم صلاحیت تدوین قانون عبارت است از آگاهی از قوانین اسلام و از قوانین جهان و آگاهی از جریان روز و بحمدالله این شرایط در این مجمع موجود است چون درمیان آنان، مجتهدان و محققان،استادان دانشگاه، آگاهان و نویسندگان فراوان است و بالاخره این مجموعه میتواند تمام شرایطی که برای تدوین قانون لازم باشد ایجاد کند. و اما آیا واقعاً آنها میخواهند بگویند این قوانین، قوانین اسلامی نیست؟ باید آنها انگشت بگذارند و بگویند که این قانون مصوب و این اصل، اصل اسلامی نیست و روشن کنند که در میان این اصولی که تاکنون به تصویب رسیده است، این اصل با آیه قرآن و با حدیث اسلامی و با قانون اسلامی مخالف است و تاکنون ملاحظه نشده است که اینها روی یک اصل انگشت بگذارند و بگویند که این اصل از اصولی که به تصویب رسیده است با آیه قرآن و یا با حدیث اسلامی متناقض است و یا اینکه بگویند که این قوانین تدوینی نمی‌تواند قوانین مردمی باشد. من‌فقط آنها را دعوت میکنم از میان کلیات اصول این قوانین، اصل سوم را بررسی و تحقیق نمایند. در این اصل سوم چهره انسانی ومردمی بودن این قوانین روشن است و نیاز به بیان نیست. بحمدالله همه این اصول و یا غالب این اصول از طریق جراید منتشر شده است و می‌توانند بررسی کنند. بنابراین اشکالات آنان یک

مدرک صحیحی و یا توجیه و اخذ صحیحی ندارد. از آنجا که مردم آذربایجان مانند دیگر برادران خود در این انقلاب سهیم، همگام و پیشگام بوده‌اند اینها به وسیله بنده طوماری به عنوان پشتیبانی از مجلس خبرگان و مصوبات آن، چون اگر میخواستیم به فرد فرد آنها ابلاغ بکنیم به اینکه این طومار به دست ما رسیده است خوب، یک کمی مشکل بود و از طرف دیگر هم نمایندگان و دیگر برادران و مجموع ملت ما علاقمند بودند از فرستادن چنین طوماری آگاهی پیدا نمایند و لذا قرار شد که این طومار در این مجلس محترم ارائه شود. طوماری است بطول پنجاه متر و با امضاهای فراوان که من نتوانستم امضاهای آن را بطور تقریب هم که شده بشمارم وبرای اینکه ازآنان تشکری به‌عمل بیاید ومطلع بشوند که چنین طوماری رسیده است من این طومار را در اختیار هیأت محترم‌رئیسه میگذارم مانندبقیه‌طومارهای دیگر تا در هر کجا که ذخیره و ارائه میشود، ارائه نمایند.

**نایب رئیس** — لطفاً آنرا یک مقداری بازکنید تا همه آقایان نمایندگان مشاهده‌فرمایند بسیار متشکرم از آقای سبحانی. لازم است به اطلاع دوستان عزیز و ملت عزیز ایران برسد که در این مدت طوماری متعدد و بسیار مفصل و طولانی رسیده است که اینها عموماً مشعر به‌حمایت مردم از مجلس و مصوبات آن هست و امید ما این است که پیوند میان نمایندگان، انتخاب شدگان و انتخاب کنندگان پیوندی باشد استوار و مستحکم بر پایه‌های اسلام، ونتیجه باروش، رسیدن به نظامی متقن و اسلامی برپایه قوانین قرآن و رهنمودهای کتاب و سنت و عترت‌باشد ان‌شاءالله. مجلس ازهمه‌مردم‌متعهدی که در تهیه و ارسال این‌طومارها کوشیده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌کند. جناب آقای منتظری هم میفرمایند از بازار تهران و بسیاری از شهرهای ایران طوماریهایی رسیده است که بسیاری از آنها در کمیسیونها ملاحظه شده است و امیدواریم خداوند به ما توفیق بدهد که بتوانیم از عهده این همه مهر و محبت و اعتماد و ایمان مردم برآئیم و خدماتی درخور این رابطه‌های صمیمانه به آنها عرضه کنیم که مورد رضایت و خشنودی خداوند باشد، ان‌شاءالله. خیلی خوب، متشکریم. امروز قرار بود برادرمان آقای اکرمی هم صحبت بکنند اگر سخنشان کوتاه باشد تشریف بیاورند و صحت بکنند تا وارد دستور جلسه بشویم.

**اکرمی** — سلام علیکم. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سروران گرامی حضار محترم ملاحظه فرموده‌اند که بنده سعی کرده‌ام که تا به حال بیشتر از یکبار مزاحم نشوم امیدوارم که مزاحمت امروز هم کوتاه و موجز باشد. از آنجا که روزنامه‌ها در این مدتی که از عمر مجلس میگذرد به جای تجزیه و تحلیل اصولی که مطابق با قوانین اسلامی بوده، اصولی که بفرموده رهبر عظیم‌الشأن، اصولی اسلامی و مترقی بوده البته‌نمی‌گوئیم که همه‌جا احسن بگویند انتقاد کنند، اما انتقاد به معنای واقعی کلمه و جایی که درست باشد انتقاد نمایند و احیاناً اگر جایی اشکال دارد ارشاد نمایند و راهنمایی بکنند، اما متأسفانه این رویه را بکار نبردند بلکه برعکس عمل کرده‌اند وبنابردوقسمت از روزنامه‌ای که به‌اینجا آورده‌ام و الان آنرا ارائه‌میدهم، سعی کرده‌اند که تا آنجا که میتوانند متأسفانه مردم را نسبت به مجلس بدبین نمایند. هفته پیش که دو قسمت از اطلاعات را در این مورد دیدم، واقعاً وظیفه خود دانستم بیایم اینجا و دفاع کنم. روزنامه اطلاعات در روز دوشنبه سی‌ام مهر، مقاله مفصلی نوشته است به نام «اشتباهات را دیگر تکرارنکنید» و زیر این عنوان نوشته که «درمجلس خبرگان شنیده شده همان

جا که از عدالت و آزادی و فرهنگ اسلامی ، فراوان سخن گفته میشود نسبت به نمایندگان مطبوعات از سوی مسئولان رفتاری شده است کـه بهیچ وجه در خور چنان مکان و مقامی نبوده است و هیچ بهانـه و عـذری آنرا توجیه نمی کند . خبر آورده‌اند که نمایندگان روزنامه های انقلاب اسلامی و مجاهد را در مجلس خبرگـان کتک زده‌اند و به آنها اهانت کرده‌اند. (بعد از چند سطری می‌نویسد) وقتی که خبرنگاری به خاطر نوشتن خبری، یادداشتی، مقاله‌ای خودرا با ژ — ۳ ، با تهمت، افتراء با محاکمه زوری یا احیاناً مجازات بدون محاکمه و اخراج روبرو می‌بیند مسأله، یک مسأله فردی وخصوصی نیست، این کار به‌مردم را محروم کردن از اخبار صحیح، به عدم نشر واقعیات جامعه و بی‌خبری از واقعیات روزمره منجر میشود. این کار یعنی هرچه من حاکم میگویم تو بنویس و بگو، حتی اعمال مرا از دیده منافع و مصالح من قضاوت کن، چطور میشود که در یک مجلس محترم که در آن فغان آزادی خواهی همگان سقف را می‌شکافد، خبرنگاری را به جرم نوشتن خبری یا به بهانهٔ دیگری اخراج کرد و به او توهین کرد و او را کتک زد یا راهش ندادکه ببیند و بشنود و منعکس کند و جرمش این باشد که آنچه را دیده و شنیده منعکس کرده است؟ آقایان وقتی شما خبرنگاراسلامی روزنامه های مجاهد و انقلاب اسلامی را می‌زنید و اخراج می کنید آن بدین معنی است که شما تاب تحمل واقعیات را ندارید حتی تاب تحمل شنیدن حرفهای موافق را ندارید تا چه رسد به‌مخالف» . این نوشته وقتی به‌اقصی‌نقاط این مملکت میرسد خوانندگان آن چه‌تصوری درباره مجلس خبرگان می کنند و به اینکه اینجا چه قضیه‌ای اتفاق افتاده آیا به خاطر نوشتن حقایق در اینجا کسی را کتک زده‌اند؟ بعد هم اینکه ما شاهد بودیم که این کار ناحق بوده و هیچ هم دفاع نکردید. من نمی‌دانم از این وقایع مردم چه مقدار مطلع شدند و در روزنامه‌ها دیدند. قضیه این است که درقسمت بالا درجایگاه تماشاچیان بعد ازاینکه جلسه تمام میشود آنطورکه بنده‌ازخود خبرنگار شنیدم و از زبـان خـود خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی پس از اینکه این قسمت از روزنـامه چندی پیش درآمده بود، از خبرنگار روزنامه مذکور سؤال کردم، قضیه‌ای که پس از اتمام جلسه رخ داد از این قرار بود که یک آقایی، خبرنگار روزنامه‌ای اعلامیه‌ای پخش میکرد و برای این کار پاسداران مخالفت به عمل آوردند و یک کمی هم خشونت به خرج دادند واحیاناً یک سیلی هم به او زدند و به تندی او را راندند، بعداً هم آقای دکتربهشتی بطوری که‌روزنامه هم در این مورد درج کرده آن آقا را خواسته و او در جواب گفته که نه آقای دکتر بهشتی تشریف بیاورد اینجا، بالاخره آقای دکتر بهشتی پیش آن شخص میرود و صحبت می کند مطلب این بوده. و خبرنگار روزنامه اطلاعات متذکر نمی‌شود که یک عملی که در اینجا درست نیست و مجاز نیست اتفاق افتاده است و بعداً اینکه روح ما در اینجا که گرفتاریم و مشغولیم خبر ندارد و از این قضیه بی‌خبریم و به‌ما چه مربوط است. چرا این چنین مردم را برعلیه‌مجلس می‌شورانید و این چنین سمپاشی می کنید؟ بعد همین روزنامه متأسفانه وقتی خبرنگار می‌فرستد که برود قم و با مراجع عالی مقام صحبت بکند و پرسش و مصاحبه‌ای داشته باشد ، می‌بینیم در آنجا در روز سه‌شنبه اول آبان وقتی خبرنگار و مصاحبه‌گر با حضرت آیت‌الله شریعتمداری مصاحبه به عمل می‌آورد، اینطوری اظهار میدارد که اما عملا دیده شده که در مجلس خبرگان نه ازاظهارنظر مردم استفاده شده و نه از وجود متخصصان و نظریات آنان. آقای خبرنگارمحترم، در همین روزنامه، خود شما نوشتید کـه مـا تمام نظرات مردم را خواندیم صورت مجلس هفته

اول هست که گروهها تقسیم‌بندی شده بودند و نظرات مردم را خواندند و جر و بحث کردند لااقل در آن گروه خود من بودم که تمام نظرات مورد دقت قرار گرفت و روی آن بحث شد و در روزنامه نوشتید که تمام نظرات مردم در همه گروهها مورد بحث و گفتگو قرار گرفت . چرا اینقدر دروغ می‌نویسید؟ غیر از این است که واقعاً ما به‌تمام ملت عزیز ایران هشدار بدهیم که اشتباهات را کنار بگذارند و بقیه روزنامه‌ها و بقیه خبرنگارها و بقیه مصاحبه کننده‌ها وآنچه را که خبر پخش می کنند لااقل درباره این مجلس که ما شاهدبودیم به آیهٔ ششم سوره حجرات رفتار کنند آنجوری ننویسند که مردم را نسبت به مجلس بدبین کنند بلکه بایستی حقایق را بنویسند ومردم را با حقایق مطلع سازند. طوری ننویسند که بدون جهت ملت را نسبت به‌مجلس بشورانند ، و امانتداری کنند. چه اذیت و آزاری دارند نسبت به اشخاصی که سالها رنج و زندانی کشیده‌اند و دراین مجلس هستند و ناراحتی‌ها دیدند و سالها محروم بودند؟ حالا اینها می‌آیند جلو حرف و حقیقت چه کسی را بگیرند و کتکش بزنند. بایستی آقایان خبرنگاران،واظب رفتار خودشان باشند آنچه حقیقت دارد بنویسند و به انحراف کشانده نشوند و دیگران را هم ناراحت نکنند. بعد می‌بینیم که روزنامه بامداد درشماره روز هشتم شهریورماه برمیدارد با تیتر درشت مینویسد «برقراری شرایطحکومت نظامی تصویب شد» ولی وقتی داخل روزنامه را باز می کنیم می‌بینیم که آنچه که در اینجا تصویب کردیم و یک مقدار تغییر دادیم چیزی از حکومت نظامی اسم برده نشده و هیچگونه راجع به حکومت نظامی بحثی نشده است و آنچه را که ما اینجا تصویب کردیم نوشته و اما در صفحه اول روزنامه با عنوان درشت نوشته که «...برقراری‌حکومت نظامی را تصویب کرد.»آیامردمی که‌این‌روزنامه را می‌خوانند و ردمیشوند و دقت هم نمی کنند با اینکه در جامعه ما شعور سیاسی و تجزیه تحلیل مطالب روزنامه بالا نیست، از این مطلب چه‌برداشتی می کنند؟ بنده بطوراختصار دراین مدت که به‌تمام مجموعه روزنامه‌ها نگاه کردم و تکه‌های مربوط به مجلس را از جراید بریده‌ام دو مطلب کلی درباره این مجلس نوشته شده منهای بعضی جزئیات. یکی مسأله ولایت فقیه بوده که آقایان در اینجا متذکر شدند و در جاهای دیگر و در رسانه خبری و امروز صحبت آقای تهرانی را هم از رادیو شنیدم، نسبتاً مردم در این مورد روشن شدند. اگر دربارهٔ این هم کسانی طرحی دارند، میتوانند طرح خودشان را ارائه بدهند. بارها از این تریبون و از اینجا گفته شده همچنانکه آقایان حجتی کرمانی و دکتر غفوری و بعضی از رفقا هم درباره ولایت فقیه طرحی دارند که مسأله ولایت فقیه را به‌نحودیگری احیاناً عنوان‌می کنند اگرواقعاً کسانی‌درباره ولایت‌فقیه‌طرحی ومطلبی‌دارند تشریف بیاورند و طرح خودشان را ارائه نمایند اما بنده در این امر مطمئن هستم که هیچ مسلمانی‌درباره ولایت‌فقیه کوچکترین تردیدی ندارد. بنده در شهرستان خودم (همدان) گفتم که بابا مردمی که مبارزه کردند می‌دانند که بسیاری از مردم به مدت هفت سال به‌جرم اینکه به خرید و فروش کتاب ولایت فقیه اشتغال داشتند به زندان رفتند و در زندان شکنجه‌ها دیدند و آنهایی که در این مسیر و در این جریان بودند خوب میدانند که مفهوم ولایت فقیه چیست و اما آن کسانی که در این جریان نبودند و اطلاع نداشتند و اصلا تفکری دراین مورد نمی کردند با اینطور اشخاص ما بایستی چکار بکنیم؟ آنها بایستی بیایند درباره ولایت فقیه پیگیری کنند و اطلاعی حاصل نمایند. اما در مورد حذف کلمه توحیدی در روزنامه‌ها بسیار زیاد مطلب نوشته شده و در هر شهری هم که میرویم کاملا در این مورد سؤال میشود. آنچه

که بنده به موکلین خودم در همدان گفتم این است که من شخصاً با حذف این کلمه موافق نبودم و درحدود ۴۷ رأی هم آورد. امیدوارم که در بررسی مجدد با دقتی که روی محتوای این کلمه میشود که متناسب با معارف اسلامی باشد و سوء تفاهمی را هم ایجاد نکند انشاءالله ما این کلمه را بگنجانیم تا نگرانی بسیاری از مردم و مخصوصاً نگرانی نسل جوان که در این مورد حساسیت دارند و میگویند چرا این کلمه حذف شده برطرف شود . مطلب سوم این است که اگر خاطر مبارک آقایان محترم باشد در روزهای اول که به اصطلاح نطق های پیش از دستور داشتیم بنده از همه حضار گرامی استدعا نمودم که در مورد ولایت فقیه صحبت بشود و حالا هم از مراجع و آقایان علماء اعلام و مجتهدین عالی مقامی که تشریف دارند تقاضا دارم بیشتر در این مورد صحبت و بحث بشود تا مردم روشن بشوند. و اما راجع به‌وضع امروز دو سه کلمه‌ای عرض کنم و رفع مزاحمت نمایم، آنچه که از مجموعه مطالب مردم استنباط میشود و از نظرات مردم برداشت میشود این است که وضع موجود را ، وضع سرمایه‌داری موجود را بایستی این مجلس کاری بکند که همه مردم بدانند که ما این را قبول نداریم. واما در بحثهای خصوصی هم که بنده با اکثر آقایان داشتم و به موکلین خودم هم می‌گفتم و می‌دیدم که همه قبول دارند این است که وضع فعلی، اسلامی نیست. باید این مجلس یک اصول کلی در دو اصل و یا در سه اصل به هر صورت بنویسد که نه مستضعفان این مملکت ، بلکه مستضعفان همه کشورهای اسلامی و در همه‌جهان که ما داعیهٔ نجات آنها را داریم و رهبر عزیزمان دائماً فریاد برآورده‌اند و در همه‌جهان خواسته‌اند که‌مستضعفان رابایستی‌حمایت بکنیم و نجات بدهیم. باید ما دو سه اصل طرح و تصویب نموده و به آنان نشان بدهیم که ما به این طریق اصلاح میکنیم ومستضعفان را نجات می‌دهیم. البته میدانید که برای‌مستضعف تنها مسأله اقتصادی مطرح نیست باید ما راهی جلو پای مردم بگذاریم که بدانند اگر جامعه اسلامی تشکیل بشود و راه بیفتد، مسأله کنز و اتراف و تکاثر در معانی اقتصادی البته اتراف که معنی اقتصادی دارد ، مسأله تکاثر را عرض می کنم در معانی اقتصادیش بهیچ وجه بوجود نخواهد آمد و فراموش نکنید که مردم ما در این چند سال با توجه به عدل اقتصادی خود حضرت رسول (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و کتابهائی راکه برای ما نوشته شده و گفته‌شده و تبلیغ شده به این حساب به عنوان جمهوری اسلامی حرکت کردند و آمدند. فراموش نباید بکنیم هم اکنون در بازار این شهر مسائلی می‌گذرد که هر مسلمان را بکلی از وضع اسلامی فعلی ناامید می کند. شخصی در مورد یک بازاری تعریف میکرد و شاید هم این مسأله را از رادیوهم‌گفته باشند این شخص بازاری جنسی را در حدود بیست روز پیش به بازار وارد می کند در حدود سیصد هزار تومان که شاید هم صاحبش به سکه رفته باشد و او را به نهصد هزار تومان میفروشد و بعد هم عنوان می کند مردم این کالا را خریدند و من به این قیمت فروختم و وقتی هم به کمیته او را می‌برند درکمیته پنجهزار یا ده هزار تومان میدهد. (اشراقی — این عمل نقص قوانین اسلامی نیست.) بنده عرض نکردم که این نقص از قوانین اسلامی است من میخواهم بگویم بعدها بازارها این چنین نخواهد بود و بعد اینکه مردم ما را برگزیدند و به‌نام اسلام حرکت کردند که اسلام نجاتشان بدهد و از مشکلات اقتصادی آنها را بیرون بیاورد . (هاشمی‌نژاد — آقای اکرمی این را توضیح بدهید در کمیته پنجهزار تومان برای چه‌میدهند؟) من نمی‌دانم برای چه داده شده. (هاشمی‌نژاد — آقای اکرمی‌بایستی مسأله این پنجهزارتومان

مشخص بشود که برای چه داده شده یا اینکه می‌بایست به عمق این مسأله پی‌ببرید و بعد در اینجا مطرح بکنید وگرنه نبایستی این را می‌گفتید. ) چشم این مسأله را مشخص می کنم ولی وقتیکه این شخص را به عنوان تخلف از اصول اسلامی به کمیته بازار میبرند و از او سؤال می کنند چرا این جنس را به این قیمت فروختید در جواب میگوید چون این کالا کمیاب بود و در بازار نبود مردم راضی شدند و خریدند و من هم فروختم بیشتر از این فعلابنده‌نمی‌دانم در این مورد تحقیق میکنم و خدمتتان عرض می کنم. در اینجا یک مسأله را عرض می کنم بعضی از مردم از اینکه زرداران و سرمایه‌داران ما را می‌ترسانند و می‌گویند این اقتصادی که شما دارید یک اقتصاد کمونیستی است و یکباره همین را بگوئید، ناراحت‌هستند. باید بگویم اقتصاد اسلامی اقتصادی است که نه کاپیتالیستی باشد و نه کمونیستی . اما سرمایه‌داران و آن کسانی که انقلاب دارد منافع و سرمایه آنها را بهم میزند این ترس را دارند ایجاد می کنند که شما پس بگوئید اقتصاد مااقتصاد کمونیستی‌است. باید عرض کنم‌اقتصاد مااقتصاد اسلامی است با ضوابط اسلامی و با تمام‌خصوصیات اسلامی. ما از زرداران و سرمایه‌داران‌بهیچ وجه نباید بترسیم یا واهمه‌ای داشته باشیم، باید آنچنان کنیم که مردم ایمان بیاورند و حس کنند جامعه برای اسلامی‌شدن قدم برمیدارد. در این چهارپنج ماه چه خوب و چه بدمتأسفانه مقداری مخصوصاً نسل جوان نگران شده‌اند و احساس نگرانی می کنند در این صورت است که نگرانی آنان برطرف خواهد شد و خواهند دید آنچه را که سالها به آنها گفته شده که اسلام آنها را نجات می‌دهد همینطور است و آنها را از همه استضعاف‌ها حفظ خواهد کرد انشاءالله. من در اینجا نمی‌خواهم وارد بحث و حدیثی‌بشوم و یا اینکه‌محتوای حدیث چطور است، لااقل از لحاظ محتوا مطلب خوبی است. «کادالفقران‌یکون کفرا» اگر این‌مسأله را حل‌نکنیم مشکل بقیه مسائل به دنبال خواهد آمد. تذکری که جناب هاشمی‌نژاد دادند این است که...

**هاشمی‌نژاد** — آقای اکرمی اجازه بفرمائید یک مسأله‌ای پیش آمده است که لازم به تذکر است. البته در تکمیل بیانات برادرمان آقای سبحانی است که وقتی خواستند مسائل دیروز و تظاهرات دیروز را منعکس کنند یک جمله‌ای یادشان رفته بود بگویند به این عبارت بود که در حمایت از مجلس خبرگان و مقام مرجعیت و روحانیت تکمیل میکنیم بیان ایشان را ملت بدانند که ما توجه داشتیم که در تظاهرات دیروز اصل اولیه، پیوستگی ملت با امام بود (یعنی امام خمینی) و روحانیت مبارز را که مردم میگویند پرتو حمایت رهبری ایشان الان ودر این شرایط به‌رسمیت می‌شناسند...

**موسوی تبریزی** — آقای هاشمی‌نژاد اجازه بفرمائید، من درتظاهرات دیروز تبریز بودم حدود شاید هشتصد هزارنفر در میدان امام خمینی تبریزمستقر بودند و بعد فقطفریاد وشعارشان این بود که: «رهبر ما خمینی است» و هرگونه عوامل تضعیف رهبری را سرکوب خواهیم کرد، و بعد از این شعارها سخنرانی به‌عمل آمد و من هم در آنجا سخنرانی کردم و آقای غروی که استاندار آذربایجان شرقی است ایشان هم سخنرانی کردند و یک قطعنامه هم من خواندم که در آنجا هرگونه تضعیف رهبری را ملت مسلمان و شریف آذربایجان مخصوصاً تبریزمحکوم کردند.

**کرمی** — باید تذکر داد به ایشان و غیر ایشان که علمای اسلام نه ربطی به متمکنین دارند و نه از کسان دیگری ترس و واهمه دارند . اسلام از همان بدو ظهورش در این جامعه

قواعد و ملاک‌علمی دارد که از پیغمبر (ص) به ائمه و به‌مجتهدین و تا الان رسیده است، این قواعد فطری است، عقلی است، علمی است. همه چیز از نواحی علم و عقل و فطرت در اوگنجانده شده است. هیچ ارتباطی به کمونیست و سرمایه‌دار به معنای معروف ایشان ندارد. ما هم از کسی ترسی نداریم، نه کسی ما را تشویق می‌کند و نه کسی ما را تهدید می‌کند. ما جز از اطاعت قواعد علمی اسلامی زیر بار هیچکس نمی‌رویم. کاری بکنیم یعنی چه؟ کاری بکنیم یعنی ایشان خواهش می‌کنند ازاین فقه دست بکشیم، این مطلب درست نیست‌هرگونه‌اجحاف و ناروائی ارتباطی با اسلام ندارد اصلا در اسلام‌جایی برای آن نیست.

**نایب رئیس** — انشاءالله با این اصولی که امروز در جلسه مطرح و تصویب میشود همه این فرضیه‌ها تبدیل میشود به یک عینیت قانونی و واقعی. متشکرم ، حالا که صحبت از راهپیمایی پرشکوه دیروز به میان آمد البته در این جلسه لازم بود به هر حال بیان شود تاتشکر و سپاس عمیق خودمان را به ملت بزرگوارمان اهدا میکردیم ملتی که هر وقت شعار وحدت، شعار همبستگی است و امام و هر شعار مترقی الهی دیگر مطرح میشود ، یکپارچه می‌جوشد و میخروشد و قدرت لایزال خودشان را به بیگانگان و به عمال بیگانگان نشان میدهد. ماهمگی قدردانی صمیمانه و سپاس و تشکر خودمان را به ملت عزیزمان اهدا می‌کنیم و آرزو میکنیم که پیوند میان امت و امام در تاریخ ما سرفصل نوعی تازه از رابطه مردم و حکومتشان و رهبریشان باشد و نمونه تازه را به جهانیان نشان بدهد. اینکه بنده عرض میکنم سرفصل تازه به‌اعتباراین قرن‌های‌گذشته است والا درحقیقت بایدگفت تکرارفصل زرینی که درتاریخ‌بشریت با امامتهای ابراهیمی، موسوی، عیسوی، محمدی، علوی، حسینی همه این امامت‌ها نگاشته شده است. باز هم از خداوند متعال این توفیق را آرزو میکنم که برای ما یک چنین سعادتی نصیب شود که بتوانیم در چنین نظامی نقشی مؤثر وخلاق را که وظیفه ماهست، داشته‌باشیم.

## ۲ — طرح اصل ۱۲۷ و تصویب مقدمه و بند ۱ آن و بحث پیرامون بند ۲ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۷ — برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت‌و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، اقتصاد جمهوری اسلامی براساس ضوابط زیراستوار میشود:

۱ — تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش برای همه.

۲ — تأمین شرایط و وسائل کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند ولی قادر بر تهیه‌وسائل کارخودنیستند. ضوابط و کیفیت این‌تأمین را با رعایت مصالح جامعه و برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، قانون معین میکند.

۳ — منع اعمال زور برای تحمیل کار به دیگری یا به منظور بهره‌کشی ازکار دیگری.

٤ — تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان‌باشد که هر فرد علاوه برتلاش شغلی، فرصت کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت فنی و ابتکار داشته باشد.

۵ — منع انحصار و احتکار و ربا.
۶ — منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از سرمایه‌گذاری، تولید توزیع و مصرف.
۷ — منع اضرار به غیر و معاملات حرام و باطل.
۸ — استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه‌وپیشرفت اقتصاد کشور.
۹ — جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه براقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، همینطوریکه ملاحظه می‌فرمائید اصل ۱۲۷ با یک‌عنوان شروع میشود و مشتمل بر چند بند هست که بعداً خدمتتان عرض میشود که بندهای ۵ و ۷ متناسب است که با هم یکی بشود و عبارتی هم تهیه شده که به موقع آن هم مطرح میشود. خوب، دوستانی اینجا نوبت گرفته‌اند. (کربی — آقا، بند بند پیش بروید تا با هم قاطی‌نشود.) همین کار را خواهیم کرد. حالا با اجازه دوستان اساسی را میخوانم هرکسی بگوید مربوط به کدام بند صحبت دارد. آقای فوزی کدام بند؟ (فوزی— من میخواهم روی قسمت اول و بند ۲ صحبت کنم.) آقای سبحانی؟ (سبحانی — یکی سرفصل و یکی هم در بند ۲ میخواهم صحبت بکنم.) آقای خامنه‌ای؟ (خامنه‌ای — در بندهای ۲، ٤، ۵، ٦) آقای رشیدیان؟ (رشیدیان — در بندهای ۱، ۲، ۳) آقای مکارم؟ (مکارم — در مقدمه و در بند ۲) آقای دانش راد؟ (دانش‌راد — بندهای ۳، ٤، ۵) آقای منتظری؟ (منتظری — بندهای ۲ و ۳ بعلاوه همان بندهائیکه قرار است یکی بشود بند ۵ و ۷) آقای موسوی تبریزی؟ (موسوی تبریزی — بند ۲ و ۵) آقای هاشمی‌نژاد؟ (هاشمی‌نژاد — مقدمه و بند ۸) آقای بشارت؟ (بشارت — در بند ۱ و ۲) آقای ربانی‌شیرازی؟ (ربانی شیرازی — بند ۲ و با مجموعشان هم موافق هستم.) آقای دکتر غفوری؟ (دکتر غفوری — در مقدمه و بندهای ۱، ٦، ۷) آقای پرورش؟ (پرورش —در مقدمه) آقای‌عضدی؟ (عضدی — بند ۲ و موافق بطورکلی) آقای دکترنوربخش؟(نوربخش— در مقدمه) آقای حجتی کرمانی؟ (حجتی کرمانی — روی همه اینها یک نظریات کلی داشتم.) آقای اشراقی؟ (اشراقی — بند ٦) آقای صافی؟ (صافی — بنده هم فعلا روی بند ۲) آقای مشکینی؟ (مشکینی— در بند ۱ نظری دارم.) آقای دکتر قائمی؟ (دکتر قائمی — بندهای ۲ و ۸) آقای عرب؟ (عرب — بند ٤) بسیارخوب. حالا مقدمه اصل ۱۲۷ مطرح است. آقای فوزی نظرتان را در مقدمه بفرمائید.

**فوزی** — به عقیده بنده این عبارت بایستی اینطور اصلاح بشود «برای تأمین استقلال اقتصادی کشور و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای جامعه در مسیر رشد، اقتصاد جمهوری اسلامی براساس ضوابط زیراستوار میشود» چون در جریانش هستیم ولی در مسیرش باشیم خوب است، به‌عقیده من اینطور بهتر است.

**نایب رئیس** — یک سؤالی از دوستان بکنم یک وقتی این تغییرات را آقایان به عنوان بهترکردن مطرح میفرمائید و اما یک وقتی هم اگر این تغییرات نشود و صورت نگیرد اصلا نمی‌شود به این رأی بدهید. سؤال شما به این صورت است واقعاً؟ (فوزی — گفتم به این‌صورت بشود بهتر است.) آقای سبحانی نسبت به مقدمه نظرتان را بیان کنید.

**سبحانی** — روی کلمات «در جریان رشد» یک کمی توضیح بیشتری داده شود چون ما در

جلسه این کلمه را «در جریان زندگی» میخواستیم انتخاب کنیم حالا این به قول جنابعالی زیاد مهم نیست ولی در اینجا سه ضابطه سبب شده است که این بندهای پائین تنظیم شود یکی استقلال اقتصادی است و یکی ریشه کن کردن فقر است ، سوم برآوردن نیازهای انسان است در حالیکه این بندهائیکه پائین می‌آید در اینها داخل نیست، منع انحصار و احتکار و ربا در کدام یک از اینها داخل است؟

**نایب رئیس** — یکی از عوامل ریشه کن کردن فقر آن است. (سبحانی — بله، آن به یک معنی است، خیلی خوب، یکی هم منع اسراف و تبذیر؟) آنهم همینطور «مؤمن نعمة موفوره» همین است آقا «الابجانبها حق مضیع». (سبحانی — منع اضرار به غیر و معاملات حرام وباطل چطور توی این داخل است؟) همه اینها را خودتان بهتر میدانید، همه اینها از این قبیل است. (سبحانی — پس همه اینها ضعیف است نسبت به‌آن) متشکرم، آقای مکارم در مورد مقدمه نظرتان را بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — عرض میشود این اصل برای قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته میشود ولی این قانون به صورت یک قانون جهانی درآمده و نوشته شده اقتصاد جمهوری‌اسلامی و به صورت کلی نوشته شده است «جامعه» این بایستی حتماً اصلاح بشود بنده نمی‌گویم بهتر است اما بایستی به شکل قانون ایران درآید و شکل قانون ایران را پیدا کند. جامعه، کدام جامعه؟ انسان، هر انسان؟ همهٔ انسانها؟ (نمایندگان — همهٔ انسان‌ها.) همهٔ انسان‌ها، اگر برنامه این است که اینها را برای همه انسانها تدوین وتصویب کنیم فعلا که میسرنیست آنکه مسلماً ایده‌آل است ولی فعلا اینها را میخواهیم برای جامعه ایرانی پیاده کنیم.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید آقای مکارم، ما اگر یک چیزهائی باشد که درمان کل جهان تشخیص بدهیم و در قانون اساسی خودمان بیاوریم دو تا جنبه را با هم دیگر رعایت کردیم یکی در قانون اساسی ایران آمده که در اینصورت تکلیف ملت ایران در قانون معلوم شده و دیگر اینکه چون یک معیار واقعی وحقیقی و جهانی است، به‌دنیایک معیار جهانی عرضه می‌کند. فکر نمیکنم این عیب داشته باشد. (مکارم شیرازی — عرض میشود این کلمه «اقتصاد جمهوری اسلامی» مقصود از اقتصاد جمهوری اسلامی ایران است؟) بله، یعنی لزومی ندارد که ما بنویسیم. (مکارم — آیا برآوردن نیازهای‌انسان دراقتصاد جمهوری اسلامی ایران یعنی تناسب داشته باشد با انسان بطور مطلق؟) ما میگوئیم « در جمهوری اسلامی ایران با بیماریهائی که انسان را» دیگر نباید بگوئیم که «انسان ایران را» عبارت را مطلق مینویسند، دقت بفرمائید ببینید میخواند یا نه؟ شما دقت بفرمائید مینویسیم «در جمهوری اسلامی ایران با بیماریهائی که انسان را از رشد باز میدارد مبارزه میشود» این عیبی دارد یا باید بنویسیم «انسان ایرانی را از رشد باز میدارد»؟ (مکارم — طوری باید بنویسیم که مفهوم را برساند.) آقای موسوی تبریزی بفرمائید. (موسوی تبریزی — مطالب من گفته شد.) پس منظور شما تأمین شده، آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — عرض میشود به خدمتتان که یک قسمت مهمش مسأله ایران است و ضرورت هم دارد طرح بشود چون خودتان قبلا تصویب فرمودید که قوانین کشور براساس مذهب رسمی کشور تنظیم میشود، بنابراین ما حق داریم راجع به خودمان صحبت بکنیم و با توجه به دیدگاههای فقهی خودمان، پس در این صورت ضرورت دارد کلمه «ایران» در این

قسمت اضافه بشود.

**نایب رئیس** — پس بایستی در آنجا نوشته بشود « اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط» چیزی که در اینجا درمانش به این آسانی هست ما درمان میکنیم و به‌این صورت اصلاح می کنم. (منتظری — اگر کلمه «جامعه» را « کشورش» کنیم و به جای «انسان»، «جامعه» بگذاریم به نظرم بهتر است.) نه آقا اینطوری باشد خوب است. آقای دکتر غفوری در مقدمه نظرتان را بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — آقا عرض میشود که اینجا سه جمله نوشته شده است و جای جمله‌ای که روح همه آنها باشد خالی است و آن‌این است که برخلاف دو نوع جامعه‌ایکه داریم یکنوع جامعه کاپیتالیستی که اقتصاد خودشان را به بهای محروم کردن دیگران تأمین کرده‌اند و مستقل هستند مثل کشورهای بزرگ سرمایه‌داری و یک دسته هم که اقتصاد را برنامه خودشان قرار داده‌اند ولی آزادگی انسان را با توجه به تمام ابعاد انسانی توجهی نکرده‌اند. من فکر میکنم چیزهائیکه درباره اصول اسلامی بتوانیم عرضه بکنیم، مسأله تأمین آزادگی انسانها است که اقتصاد را ما برای آن مقدمه میدانیم و نه اینکه هدف اصلی. بنابراین اگر دوستان صلاح بدانند بعد از جمله «برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد» اضافه بشود «برای تأمین آزادگی انسان‌ها» چون ما نمی‌خواهیم که فقط مسأله فرد و اقتصاد مطرح باشد، مسأله آزادگی و احترام به انسانیت انسانها، اینها در حکم اهداف اسلامی است. آنوقت در جاهای دیگر بایستی این رعایت بشود که استقلال و اقتصاد ما به بهای محروم کردن هدفهای دیگران هم نباشد ما لااقل هدف خودمان را نشان داده باشیم «تأمین آزادگی انسانها».

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید، عنایت بفرمائید، منظور آقای دکتر غفوری این‌است که ممکن است اقتصاد در یک جامعه مستقل، وابسته یک کشور بیگانه نباشد و در آن فقر و محرومیت نباشد و نیازهای مادی انسان را در جریان رشد تأمین کند ولی همراه باشد با سلب آزادیهای او که به او امکان شکوفائی خاصی نمی‌دهد. درست است که میشود اینرا به‌صورت عام در این مفاهیم داخل کرد ، ولی برای تأکید براینکه نظام اقتصادی اسلامی ما نظامی است که در آن در عین حال که فقر و محرومیت نیست و فاصله‌های درآمد نیست،در عین حال هر کسی آزادانه میتواند قدرت خلاقیت و ابتکار خودش را حفظ کند... ( یزدی — اصلا بند ٤ برای این مسأله تشکیل شده است.) پس حالا که برای این تشکیل شده اگر موافقید بنویسیم «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه وریشه کن کردن فقر و محرومیت و حفظ آزادگی انسان و برآوردن نیازهای او در جریان رشد...». (مکارم شیرازی — بنویسید «... و برآوردن نیازهای او در جریان رشد با رعایت حفظ آزادگی انسان...») (موسوی‌اردبیلی — یا بنویسید «با حفظ آزادگی او».) عیبی ندارد ، اگر موافق هستید همانطور که گفتید نوشته شود «با حفظ آزادگی او». (عده‌ای از نمایندگان — این یک اصلاح عبارتی بسیار خوبی است.) (کیاوش— اگر به جای «جریان رشد» بنویسیم «سیر تکاملی مادی و معنوی» آن مشکلی که بعضی از دوستان متذکر شدند رفع خواهد شد.) تأکید روی «حفظ آزادگی او» با توجه به‌سیستم‌های اقتصادی موجود، می‌خواهیم یک نکته خاصی را به صورت‌برجسته نشان‌دهیم. بنابراین باتوجه به پیشنهادهای دوستان نوشتیم «... و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران...» آقای دکتر نوربخش در مقدمه این اصل صحبتی دارید؟

**دکتر نوربخش** — در اینجا ما گفته‌ایم «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه» ولی در این بندهای متعددی که بعد از آن می‌آید هیچکدام راجع به اینکه به چه ترتیب ما می‌توانیم از نظر اقتصادی مستقل شویم و وابستگیمان نسبت به دنیای خارج کم شود، طرح ریزی و برنامه‌ریزی نشده به همین جهت من یک‌بندی‌نوشته‌ام بدین ترتیب که «برنامه ریزی‌اقتصادی کشور و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی، نیمه دولتی، تعاونی و خصوصی باید در جهتی که منجر به از بین بردن وابستگی اقتصادی و سیاسی و خودکفائی کشاورزی، دامپروری و صنعتی کشور به خارج شود، ریخته شود.» اگر صلاح می‌دانید به این صورت که عرض کردم نوشته شود.

**نایب رئیس** — بعد از این اصل، ما اصول دیگری هم داریم مثل اصول ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰ و بعلاوه ما در بند ۹، این مطلب را بطورکلی نوشته‌ایم که «جلوگیری از سلطهٔ اقتصادی بیگانه براقتصاد جمهوری اسلامی ایران» البته بدون اینکه وارد تفسیرش شده باشیم چون تفسیر آن بعداً در قانون می‌آید، و تصدیق میفرمائید که عبارت پیشنهادی شما هم کلی است به همین جهت ما آن مطلب کلی را اولا در بند ۹ همین اصل آورده‌ایم، ثانیاً توجه دارید که بندهای ٤ و ۸ و ۲، همه به این مسأله کمک می‌کنند.

**دکتر نوربخش** — ما باید در اینجا جریان سرمایه را هم روشن کنیم، یعنی قبلا سرمایه در جهت وابستگی میرفت، ولی حالا نمی‌خواهیم چنین باشد، بنابراین درصدر این اصل که نوشته‌ایم «برای تأمین استقلال اقتصادی» پس بند ۱ باید همین مسأله را روشن و تأمین کند.

**نایب رئیس** — خوب، دوستان تذکراتشان را دادند اگر مطلب دیگری نیست، مقدمه این اصل را با دست رأی‌گیری کنیم. (میرسرادزهی — من هم عرضی داشتم.) بفرمائید. (میرسرادزهی — در امور مربوط به اقتصاد، مسأله مالکیت شخصی یا خصوصی به‌سکوت برگزار شده است.) (سبحانی — بعد می‌آید، بعداً می‌آید.) بعداً می‌آید، این هنوز ناقص است.

**پرورش** — این عبارت «اقتصاد جمهوری اسلامی براساس ضوابط زیر استوار میشود» چون اقتصاد جمهوری اسلامی ما، همان اقتصاد اسلامی است که قاعدتاً اهدافش عبارتست ازاهدافی که در ذیل این مقدمه آمده، پس در این عبارت ، «مادر» اقتصاد است و «فرزندانش»، در حقیقت «ضوابط زیر» است، در حالیکه جمله‌اینطور میرساند که «ضوابط‌زیر» مادر است و «اقتصاد» فرزندان این «مادر».

**نایب رئیس** — توجه بفرمائید آقای پرورش، ما گفته‌ایم «اقتصاد جمهوری اسلامی» نگفته‌ایم «اقتصاد اسلامی» ، یعنی ما می‌گوئیم اقتصاد جمهوری اسلامی ما، براین پایه هاست که این پایه ها، پایه های اسلامی است. فکر بفرمائید اگر به این صورت می‌نوشتیم اشکالی پیش می‌آمد؟ یعنی می‌نوشتیم «اقتصاد آینده ما براساس ضوابط اسلامی زیر استوار میشود» اشکالی داشت؟ (پرورش — خیر.) این هم همان معنی را میرساند یعنی به‌جای «اقتصاد آینده ما» نوشته شده «اقتصاد جمهوری اسلامی ایران». (پرورش — عرض دیگری هم داشتم.) خواهش می‌کنم بفرمائید.

**پرورش** — در این مقدمه‌ای که آمده و قاعدتاًدر سر فصل «اقتصاد» مطرح میشود، ضوابطی که در ذیلش ذکر شده هرکدام ناظر به آینده اقتصاد ما است، در حالیکه در همین مقدمه باید ذکر شود که اقتصاد را که ما می‌خواهیم در این فصل بنویسیم، دو قسمت‌میشود:

یکی آنچه را که مربوط به آینده است و دیگر آنچه که مربوط به گذشته هم بوده است، اقتصاد ناسالمی که در جاهلیت شاهنشاهی وجود داشته باید در اهداف این بحث‌های اقتصادی ذکر شود که چگونه کمر آن اقتصاد ناسالم و آن تورم و آن سرمایه‌داری شکسته میشود. بنابراین باید در این مقدمه ذکر شود که بحث اقتصادی ما ناظر به دو بعد، یکی بعد آیندهٔ اقتصاد است براساس ضوابط اسلامی و یکی هم بعد شکستن آن اقتصاد کاذب بر سرمایه‌های موجود براساس ضوابط اسلامی است.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای قرشی؟

**قرشی** — من اشکال جناب آقای مکارم را وارد می‌دانم. صدر و ذیل این مقدمه درحقیقت نظیر این است که «من آنم که رستم بود پهلوان» من فکر می‌کنم اگر این اصل را با عبارت «اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار میشود» شروع کنیم و مطالب دیگر را در بندها ذکر کنیم، هم عبارت روشن است و هم‌رسا و از تکرار هم جلوگیری شده است.

**نایب رئیس** — ظاهر مطلب این است که صدر و ذیل این مقدمه با هم می‌خواند، عرض کردم که این، درست مثل این است که بنویسیم «برای مبارزه با بیماریهائی که سلامت انسان را تهدید می‌کند، سازمان بهداری ایران براین اساس تشکیل میشود.» این چه‌اشکالی دارد؟ (بنی‌صدر — آقا، بعد از «فقر و محرومیت» بنویسید «و فساد اقتصادی».)

**طاهری اصفهانی** — در تأیید فرمایش آقای قرشی، شما می‌گوئید «برای تأمین استقلال اقتصادی» چه می‌کنیم؟ در بند ۹ می‌گوئید «جلوگیری از سلطهٔ اقتصادی بیگانه براقتصاد جمهوری اسلامی‌ایران» این، درحقیقت عین همان استقلال است، دو مطلب نیست که‌استقلال بر آن پایه‌ریزی و استوار شده باشد. سؤال من این است که اگر شما بنویسید «اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار میشود» چه عیبی دارد؟ چون آنچه را که در مقدمه آورده‌اید، در بندها مفصلا ذکر شده است.

**نایب رئیس** — یکی از راههای رسیدن به استقلال اقتصادی این است که انگیزه‌های اقتصادی را در جامعه بحد خوبی بالا ببرند، زمینه را برای شکوفائی استعدادها بالا ببرند. وقتی شما وسائل کار رابرای هر کسی‌تهیه کردید، این یکی از عواملی است که او استعدادش رابروز دهد و سطح اقتصاد مملکت را بالا ببرد. (طاهری اصفهانی—اینهاریشه‌کن کردن فقر است...) و برای تأمین استقلال اقتصادی، چه وقت جامعه مستقل میشود؟ وقتی که تولید داخلیش‌بالا برود. بنابراین‌وقتی‌تولیدداخلی بالا برودبه‌تأمین‌استقلال اقتصادی می‌رسیم. (موسوی تبریزی — «جلوگیری از سلطهٔ اقتصادی بیگانه براقتصاد جمهوری اسلامی ایران» درحقیقت همان «تأمین استقلال اقتصادی» است.) شما به توضیح توجهی نفرمودید. سؤال می‌کنم که آیا بند ۲ هم عیناً همان است؟ (موسوی تبریزی — بند ۲ دارد شرح می‌دهد.) عیناً که آن نیست. (موسوی تبریزی — بند ۲ شرح می‌دهد که چطور فقر را از جامعه باید ریشه‌کن کرد...) و چطور به استقلال اقتصادی می‌رسیم. اگر دقت بفرمائید مسأله روشن است. می‌گوئیم بند ۲ یکی از راه‌های مؤثر در ایجاد انگیزه و رغبت به کار مولد است، و وقتی انگیزه‌ها برای کار مولد در جامعه بالا رفت ما را به استقلال اقتصادی می‌رساند. چون یک جامعه، یکی از راه‌هائی که از نظر اقتصادی به خارج نیازمند میشود، به خاطر افت تولید است. بنابراین دیگر نمی‌توانید بگوئید که بند ۲ هم عیناً همان است، بلکه ضابطه‌ای است که ما را به همان هدف استقلال

اقتصادی میرساند. مثل اینکه بحد کافی در مقدمه بحث شد، من این مقدمه را یکبار با توجه به اصلاحی که در آن به‌عمل آمده می‌خوانم: «برای تأمین استقلال اقتصادی‌جامعه وریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار میشود». ما اول نسبت به این مقدمه بادست رأی می‌گیریم، از موافقین خواهش می کنم دست بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردند) رأی کافی دارد، تأیید شد. بند ۱ این اصل مطرح است خوانده میشود.

«بند ۱ — تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش برای همه.»

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان سؤالی دارید؟

**رشیدیان** — اگر اینجا نوشته شود «معقول و متعارف» با حفظ کلمهٔ «اساسی»بهتر نیست؟ و همچنین چگونه و به چه صورت دولت اینها را پیاده می کند باید روشن شود. آیا این یک تکلیفی برای دولت است؟ یعنی اینها را در چه زمانی و با چه کیفیتی و با چه امکاناتی پیاده می کند؟

**نایب رئیس** — شرح اینها را قانون می‌نویسد. دولت از دو راه اینها را پیاده می کند، یکی اینکه مستقیماً این کار را انجام می‌دهد ودیگر اینکه یک جریان اقتصادی بوجودمی‌آورد که آن جریان اقتصادی خود بخود بـه این نتـایج منتهی میشود. (رشیدیان — باید در اینجا این مطلب روشن شود تا جریان اقتصادی که دولت بـاید در پیش بگیرد معلوم باشد.) (بنی‌صدر — قانون اساسی باید ضوابط را معین کند.) آقای منتظری فرمایشی دارید؟

**منتظری** — حدیثی از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه وآله داریم که میفرماید:

«من حق ولد علی‌والده، ان یعلمه‌السباحة ورمایه والکتابه» و در آخر حدیث«... وان یزوجه اذا بلغ.» دولت هم برای ملت به منزلهٔ‌پدراست، بنابراین درآخراین‌بند باید اضافه‌شود «و تشکیل خانواده برای همه». (نایب‌رئیس — یعنی دولت خودش به خواستگاری برود؟) (خندهٔ نمایندگان) به هرحال تشکیل خانوادهٔ جز ضروریات است.

**بنی‌صدر** — خوب شد یکبار هم آقای منتظری قبول کردند که دولت، «پدر» هم‌می‌تواند باشد. (سبحانی — پس «تفریحات سالم» را هم بنویسید و اضافه کنید.)

**نایب رئیس** — آقای بشارت بفرمائید.

**بشارت** — با توجه به اینکه در این زمان نیازهای اساسی ما بیش از اینهاست همانطور که آیت‌الله منتظری فرمودند مسأله ازدواج و تشکیل خانواده هم باید در اینجا اضافه شود. به‌علاوه مسأله ورزش و تفریحات سالـم هم در همان حدیث بیان شده است و الان بـا بستن مراکز فساد و سرگرمیهای نامشروع باید فکری به حال نوجوانان و جوانان این مملکت کرد و بهترین کـار بـرای اینکه وقت و نیرویشان بیهوده تلف نشود ایجاد ورزشگاهها بـرای آنهاست. در این مورد نامه‌های متعددی هم رسیده وآنها خواسته‌اند که به این موضوع هم توجه‌شود. (نایب رئیس — اینها همه جزء «پرورش» است و ما در اینجا نوشته‌ایم «آموزش و پرورش»، قبول ندارید از آقای پرورش سؤال کنید.) از آقای پرورش هم که سؤال کنیم ایشان خواهند فرمود که آموزش و پرورش جدا از ورزش و تفریحات سالم است. (نایب رئیس — حالا جدا شده است، در سابق تربیت بدنی یکی از واحدهای آموزش و پرورش بود.) (منتظری —

«تشکیل خانواده» هم جزء «پرورش» است؟) و مسأله دیگر، مسأله وسائل نقلیه عمومی بخصوص در شهرهای بزرگ است. یکی از نیازهای اساسی جوامع ما بخصوص در آینده وسائل نقلیه عمومی مثل مترو و خط واحد است.

**نایب رئیس** — راه‌های عمومی و اتوبان و اسفالت و لوله‌کشی شهرها و... اینها را هم در قانون اساسی بنویسیم؟

**بشارت** — اینها را که میفرمائید همه در «مسکن» خلاصه میشود ولی مسأله‌وسائل‌نقلیه عمومی جدا از اینهاست.

**نایب رئیس** — آقای دانش‌راد مطلبی دارید؟

**دانش‌راد**— برای اینکه نظرآقای رشیدیان تأمین شود درآخر بند یک بنویسیم «براساس حداکثر تجهیز امکانات و منابع داخلی کشور» منظورم این است که برای تأمین خوراک یا پوشاک خودمان نرویم از خارج تهیه کنیم بلکه کوشش شود حداکثر از منابع و امکانات داخلی کشور استفاده کنیم.

**مشکینی** — دو نفر از دوستان آنچه را که می‌خواستم عرض کنم فرمودند. پیشنهاد می‌کنم بعد از کلمهٔ «درمان» اضافه شود «و همسر» .

**نایب رئیس** — آقای مکارم اگر مطلبی دارید بلندتر بفرمائید که ما هم بشنویم‌واستفاده کنیم.

**مکارم شیرازی** — به دوستم عرض می‌کنم که مسأله «همسر» یک جنبهٔ اقتصادی دارد یعنی خوراک و لباس و امثال آن، که در اینجا گفته شده و یک جنبهٔ غیراقتصادی دارد که مربوط به اینجا نیست. آقایان روی این موضوع اصرار می‌کنند.

**نایب رئیس** — آقای دکتر روحانی فرمایشی دارید بفرمائید.

**دکتر روحانی** — همانطورکه استحضار دارند «آزادی مشروع» جزء نیازهای‌انسان‌است. بنابراین وقتی در مقدمهٔ اصل ۱۲۷ «برآوردن نیازهای انسان» ذکر شده،تأمین آزادی‌و آزادگی در آن مستتر است و اضافه کردن «با حفظ آزادگی او» پس از ذکر «برآوردن نیازهای انسان‌در جریان رشد» هنگامی لازم است که مراد در اینجا صرفاً نیازهای اقتصادی باشد،درغیراینصورت این استنباط را پیش می‌آورد که آزادی و آزادگی جزء نیازهای انسان شمرده نشده است. اما در بارهٔ بند ۱ این اصل، منحصر نمودن نیازهای اساسی انسان به موارد پیشنهاد شده در این بند نه از لحاظ اسلام و نه از لحاظ معلومات امروز دنیا صحیح به نظر نمی‌رسد و با توجه به توضیحاتی که ازطرف چندنفر از نمایندگان محترم داده‌شد، بایداین موارد تکمیل شودویاآنکه بعد از «تأمین نیازهای اساسی» کلمهٔ «از جمله» گذاشته شود تا بدین طریق کمبود مواردا‌ین بند دربارهٔ آنچه که جزء نیازهای اساسی انسان است ولی در متن ذکر نشده است، رفع گردد.

**نایب رئیس** — اگر یک کلمه «اقتصادی» اضافه کنیم نظر آقایان تأمین میشود یعنی بنویسیم «تأمین نیازهای اساسی اقتصادی». آقای کیاوش مطلبی بود؟

**کیاوش** — در کمیسیون، مسأله تشکیل خانواده را برای اولین‌بار به عرضتان رساندم و حالا عجیب است وقتی که آیت‌الله منتظری و آقای مشکینی این مسأله را پیشنهادمیکنند یک مقدار به شوخی برگزار میشود در حالیکه این مسأله، مسأله اساسی جامعه است. بنابراین در همین‌جا باید اضافه شود که تسهیلاتی برای تشکیل خانواده باید به وسیله دولت

درنظرگرفته شود. حتی آن کلمهٔ «خواستگاری» هم که آقای دکتربهشتی فرمودند اگرخواستگاری به معنی خواستن نیازهای مردم است، بله، دولت باید به آن معنی خواستگاری هم بکند.

**نایب رئیس** — ما قبلا تسهیل ازدواج را در یکی از اصول ذکر کرده‌ایم، اینجابخش اقتصاد است بنابراین مسائلی که در اینجا مطرح میشود در رابطه با عنوان این اصل است. (منتظری— پس«آموزش وپرورش» را هم ذکرنکنید.) (دکترشیبانی— اجازه میفرمائید رابطهٔ اقتصادی آن راذکرکنم؟) (کیاوش—شما فرمودید که این مسأله آنقدر مهم است که‌به‌صورت یک اصل می‌آید ، حالا می‌خواهم ببینم در آینده می‌آید یا قبلا آمده است ؟ ) این که سرجای خودش هست و از بین نمی‌رود. آقای دکتر شیبانی چه فرمودید؟

**دکتر شیبانی** — گفتم اگر اجازه بدهید رابطه اقتصادی این موضوع را بگویم.یکنفر به پیغمبر (ص) مراجعه می کند و شکایت از فقر می کند، پیغمبر میفرماید: «برو ازدواج کن».

**نایب رئیس** — پس راهش این خواهد بود که در مقدمه بنویسیم: «ریشه کن کردن فقر و محرومیت از راه ازدواج» چون این، نص آیه است که «ان یکونوا فقراء یغنهم‌الله من فضله». حالا برای‌اینکه دوستانی که این پیشنهاد را میفرمایند و به‌حق هم پیشنهاد می‌فرمایند و پیشنهاد درست و به جائی هم هست، چون این روزها کاملا مشهود است که جوانان برای وام ازدواج مراجعه می کنند و حق هم همین است که بخواهند ازدواج کنند ولی هر ازدواجی به هر حال مستلزم هزینه‌هائی است و هرقدر هم کم هزینه باشد بی‌هزینه نیست، این‌است که چون اصل مسأله واقعاً مهم و صحیح است... (یزدی — مسأله ازدواج که یک نیاز طبیعی‌است ربطی به مسألهٔ اقتصاد ندارد البته در زندگی انسان هر نوع حرکتی به نحوی با مسأله اقتصاد مرتبط است.) هنوزعرض من تمام نشده بود. به هر حال اگر موافقید اینطور نوشته شود:

«تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات تشکیل خانواده برای همه».

**یزدی** — برنامه دولت می‌نویسیم یا یک بحث اقتصادی؟ برنامه دولت باید چنین باشد یک مسأله است و اساس اقتصاد اسلامی چگونه است ، مسأله دیگر. در باب اقتصاد اسلامی این مسأله آمده است که باید امکانات تشکیل خانواده فراهم شود؟ (کیاوش — پس به غیر از اینجا باید درکجا نوشته شود؟)

**نایب‌رئیس** — آقای یزدی اینکه دراینجا عبارت «امکانات تشکیل خانواده» رابنویسیم شما با اصل آن که مخالف نیستید؟

**یزدی** — حرف من این است که آیا «تشکیل خانواده» در بحث اقتصاد اسلامی می‌گنجد یا نه؟

**کریمی** — من تعجب می کنم از آقای دکتر بهشتی که دارند دوباره از دوستان راجع به مسائلی که قبلا بحث و تصویب شده استفسار میفرمایند. این مسائل مسکن و خوراک و پوشاک و بهداشت و آموزش و پرورش قبلا بحث شده و آقایان‌در چند اصل تصویب کرده‌اند، حالا دوباره بحث درباره آنها از اول شروع شده. آنها را که قبلاتصویب کرده‌اند ارزش ندارد؟ شما توجه کنید مملکتی که ۸۰ درصد دهاتش هنوز آب و برق و وسائل و امکانات اولیه‌زندگی ندارند و دولت موظف است اول اینها را تأمین کند ، شما دارید او را موظف به کارهای غیرضروری می کنید. مثل‌اینکه همه کارها را دولت انجام داده وفقط زن گرفتن باقی مانده است

(خنده نمایندگان) چرا معطل می کنید آقا؟ زودتر به رأی بگذارید.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید آقای دکتر غفوری هم مطلبشان را بفرمایند بعداً بادست رأی‌گیری میکنیم.

**گلزاده غفوری** — با توجه به اینکه نیازها در جوامع متناسب با رشدی که میکنند فرق میکند، برای اینکه نظرات دوستان به هم نزدیک شود اگر صلاح میدانید یک کلمه «از جمله» اضافه کنید یعنی بنویسید «تأمین نیازهای اساسی از جمله : مسکن و...» که نشان ندهد جمهوری اسلامی ایران، فقط و فقط نیازهای اساسیش مسکن و پوشاک و خوراک است، چون اینها همه مقدمه است اصل کار این است که آن استعداد و ابتکار انسانی بکار بیفتد و همه بخور و بگیر نباشند.

**نایب‌رئیس**— بسیارخوب، بند یک را می‌خوانم تا بادست رأی بگیریم. (ربانی‌املشی— همهٔ بند را به رأی نگذارید اول تشکیل خانواده را به رأی بگذارید بعد همهٔ بند را.) اگراجازه بفرمائید همه بند را با توجه به اصلاحی که در آن به عمل آمد بخوانیم و به رأی بگذاریم.

«بند ۱ — تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات تشکیل خانواده برای همه.»

**نایب رئیس** — موافقین با این بند به همین صورت که خوانده شد لطفاً دست بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردند) تأیید شد. (خانم گرجی — این، فردا تولید اشکال نکند و شایع نکنند که در مجلس تصویب کردند که آقایان چهار تازن بگیرند.) ما گفته‌ایم «امکانات تشکیل خانواده برای همه» و مرد و زن را جدا نکرده‌ایم. بند ۲ خوانده میشود.

«بند ۲ — تأمین شرایط و وسائل کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند ولی قادر به تهیه وسائل کار خود نیستند. ضوابط و کیفیت این تأمین را با رعایت مصالح جامعه و برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور، قانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — در این بند مطلبی دارید؟ (فوزی — من مخالفم اگر اجازه می‌دهید صحبت کنم.) بفرمائید.

**فوزی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قانون اساسی در عین اینکه برای سالهای متمادی تدوین و تنظیم میشود، مع‌الوصف باید شرایط و جریانات محیط هم در حال حاضر در نظر گرفته شود. البته ما موظفیم قانون اساسی را طوری تنظیم کنیم که اولا با کلیه موازین شرعی منطبق باشد، ثانیاً رافع نیازهای جامعه هم باشد و موجب رشد همه جانبه اقتصاد بشود و به عبارت کلی یک اصل یا اصول مترقی از برای پیشرفت‌ملت‌بوده باشد. اینجاالبته به‌صورت اطلاق که‌آمده از برای افرادی که ابزار و وسائل کار ندارند و در عین حال قادر برای انجام کار هستند، از برای آنها امکانات کار و وسائل و ابزار فراهم شود. فعلا ما ببینیم که در شرایط کنونی و در حال حاضر، نیاز جامعه ما به چه چیزهائی است. افرادی هستند که در سطح کشوربیکارند و بسیار ناراحت هستند و ما هم اگر به‌جای آنها بودیم زجر می کشیدیم و ناراحت بودیم. اگر چنانچه در وحلهٔ اول امکانات کار برای کسانی که بیکار هستند فراهم کنیم، وسائل و ابزار به‌آنها بدهیم، البته با رعایت الاهم و فی‌الاهم اصلح خواهد بود. اگر این اصل به‌صورت مطلق نوشته شود فردا کسانی هم که کار میکنند می‌آیند و می‌گویند ما بیکاریم و قادر به کار هستیم ولی ابزار و وسائل کار نداریم، برای ما وسائل و ابزار کار تهیه کنید. این باعث

میشود که اولا مؤسساتی که اینها در آنجا کار میکنند فلج شود و از طرف دیگر دولت هم نمی‌تواند از عهدهٔ همهٔ آنها برآید. ما باید سعی کنیم که سنگینی را از دوش دولت برداریم و بارش را سبک کنیم نه اینکه بار دولت را سنگین‌تر بکنیم. افرادی که در مؤسساتی مشغولند به ملاحظه اینکه مثلا صد تومان عایدی دارند، فکر میکنند اگر بروند از دولت وسائل و ابزار کار دریافت کنند، عایدی آنها روزی دویست تومان میشود. قهراً اینها به طرف دولت کشیده میشوند و با در نظر گرفتن اینکه تعداد زیادی در سطح مملکت بیکارند، این درست نخواهد بود. پس ما بایستی طوری بکنیم که همهٔ آنها در محل خودشان تثبیت شوند، نهایت برنامه طوری تنظیم شود که عایدی آنها هم بالا برود و از یک زندگی مرفه برخوردارشوند و در خارج هم در وحلهٔ اول این امکانات و وسائل به کسانی داده شود که بیکارند تا اینکه تعدیل هم بشود و ضمناً آن مؤسسات هم فلج نشوند. برای اینکه ما در عین اینکه می‌خواهیم از افرادی که در مؤسسات کار میکنند حمایت کنیم، نباید کاری کنیم که این مؤسسات هم فلج شوند چون هر اندازه اقتصاد مملکت را پیش ببریم و این اصول را طوری تنظیم کنیم که موجب رشد همه جانبهٔ اقتصاد مملکت شود البته اصلح و اولی خواهد بود. درست است که ممکنست در بعضی مؤسسات موجودی آنها و سرمایه آنها از طریق ربا، دزدی و از راه‌های غیر مشروع به دست آمده باشد ولی آن یک مسأله‌ای است که دولت اسلامی موظف است بر طبق موازین شرع به‌وضع آنها رسیدگی کند و تکلیفشان را معین نماید اما در عین حال ما می‌دانیم مؤسساتی هم هستند که کارهایشان از روی اصول صحیح بوده و چه بسا موازین شرعی را هم رعایت کرده‌اند پس اینها هم باید ترغیب و تشویق شوند تا افراد بیکاری را که در خود جذب کرده‌اند، تأمین کنند و به آنها امکانات کار بدهند و از آن طرف هم دولت در حدودمقدورات خویش امکانات کار را برای کسانی فراهم کند که فعلا بیکارند. علیهذا من پیشنهاد میکنم که کسانی که بیکارند حق اولویت داشته باشند و اگر بعدها امکانات بیشتری برای دولت فراهم شد و توانست برای تعداد بیشتری از افراد این مملکت امکانات بهتر کار فراهم کند چه بهتر، ازکسان دیگر هم دعوت میکند و داوطلبین دیگر را هم می‌پذیرد. (دکتر ضیائی — عبارت «ضوابط و کیفیت این تأمین را با رعایت مصالح جامعه و برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور، قانون معین میکند» حاصل فرمایش شما و جواب دوستان است. این مسأله در همین بند آمده است.) ضوابط و کیفیت این تأمین را که قانون معین میکند، قبلا هم صحبت شد، ولی حق تقدم را نسبت به افرادی که فعلا بیکارند و سراغ کار هستند، این مطلب را این بند ۲ نمی‌رساند. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

**نایب رئیس** — دوستان عنایت بفرمائید بحث بر سر این بند به این صورت نشان‌میدهد که ما در مورد اصل ۱۲۷ هم باید به همان کیفیت اصول مربوط به شورای رهبری عمل کنیم یعنی ما برای هر یک از بندها جداگانه رأی بگیریم تا تکلیف هر یک از بندها مشخص بشود. چون منظور اظهار رأی هست و بهترین راه رأی آزاد روی این بندها همین است بنابراین برای اینکه کار ما روشن بشود حالا روی مقدمه و بند یک با ورقه رأی‌گیری می‌کنیم تا بعد بحث روی بند ۲ ادامه پیدا بکند. (سبحانی — آقای فوزی به عنوان موافق مشروط صحبت کردند نه مخالف.) بسیار خوب ایشان موافق مشروط بودند به این‌صورت حساب‌میکنیم بنابراین‌قسمت مقدمه اصل ۱۲۷ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**مقدمه اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)**— برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه‌وریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او ، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار میشود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس**— نتیجهٔ رأی‌گیری را اعلام میکنم، عده حاضردرجلسه هنگام اخذرأی شصت وچهارنفر، تعداد کل آراء شصت وچهاررأی، آراء موافق شصت و یک رأی، آراء مخالف یک رأی،آراءممتنع دورأی، بنابراین‌قسمت‌مقدمه اصل ۱۲۷ با شصت‌ویک رأی موافق‌تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند) و حالا بند یک اصل۱۲۷ برای رأی‌گیری خوانده‌میشود.

**بند ۱ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)**— تأمین نیازهای اساسی : مسکن ، خوراک ، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات تشکیل خانواده برای همه.

(اخذ رای به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس**— نتیجهٔ‌رأی‌گیری را اعلام‌می‌کنم، عدهٔ حاضردرجلسه هنگام اخذرأی‌شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت وچهار رأی، آراء موافق شصت و یک رأی، آراء مخالف دو رأی، آراءممتنع یک‌رأی، بنابراین بندیک اصل ۱۲۷ با شصت و یک‌رأی موافق به‌تصویب رسید ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند) . در مورد بند ۲ یک موافق مشروط صحبت کرد حالا یک‌موافق و یک مخالف صحبت می کنند. آقای سبحانی به‌عنوان مخالف‌بفرمائید.

**سبحانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرایض من شاید در دو دقیقه تمام بشود علت‌مخالفت من با این اصل این نیست که میان بیکار و غیر بیکار فرق بگذاریم زیرا اثبات اینکه چه کسی بیکار است و چه کسی بیکار نیست خود این موضوع یک مشکلی برای دولت میشود، چون ما در اجتماع یک چنین آماری برای تعداد بیکاران نداریم. من ازنظر دیگر مخالف هستم و آن این است که این اصل برفرض اینکه محتوایش هم ثبوتاً درست باشد سبب میشود براینکه وضع جامعه بهم بخورد . نکته‌اش این است که اگر واقعاً بخواهیم برای همه افراد وسیلهٔ کار فراهم کنیم، همه افراد ادعا میکنند که برای ما وسیله کار فراهم کنید و سبب‌میشود تمام کارخانه‌هائی که الان مشغول کار هستند و مؤسساتی که مشغول کار هستند همهٔ افراد اینها اجتماع میکنند و جمع میشوند و می‌گویند برای ما وسیلهٔ کار فراهم کنید و در نتیجه این واحدهای‌صنعتی دچار انحطاط واضمحلال میشوند. در همان موقعی که در جلسات‌مشترک این بحث بود همین که مطلب به‌خارج درزکرد در قم این مسأله شایع شد و همان‌موقع یا فردای آن جناب آقای حائری تلفن کردند و گفتند که الان در قم این مسأله بوجود آمده که اگر این اصل را شما تصویب کنید تمام کارگران مدعی هستند که ما استقلال می‌خواهیم و برای دیگران نمی‌خواهیم کار کنیم و می‌خواهیم برای‌خودمان کار کنیم وخودمان صاحب کارخانه و صاحب سهم و صاحب صنعت‌بشویم ولو یک درده یا یک درصد. درست است که در ذیل این بند آمده است که «ضوابط و کیفیت این تأمین را با رعایت مصالح جامعه و برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور ، قانون معین میکند» ولی به این ذیل یا گوش نمی کنند یا اینکه این ذیل را تعبیر میکنند بالاخره سبب میشود که یک هرج و مرجی در مملکت بوجود بیاید. من پیشنهادمیکنم برای تأمین همین هدف شما «وسائل» را بردارید و بنویسید «تأمین زمینه کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند» وقتی بنویسید زمینه کار، زمینه کار انواع و اقسام

دارد مثلا وسائلی برایش میخرند، چرخ برایش میخرند، ماشین برایش میخرند یا اینکه وسائل کار عمومی برایشان فراهم میکنند، کارخانه‌های عمومی ایجاد میکنند، ما نباید یک کلمه‌ای بگوئیم که مایهٔ دردسر بشود و می‌توانیم همین مطلب را بدون کلمه «وسائل» تفهیم کنیم بصورت کلی. (اشراقی — جداً صحیح است.)

**نایب رئیس** — یعنی میفرمائید هم جامعه اسلامی باشد و هم وضع موجود دست‌نخورد. آقای رشیدیان شما موافقید یا مخالف؟ (رشیدیان — من موافقم.) بفرمائید.

**رشیدیان** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اصلی که در دست تصویب داریم به‌یاری حق از مترقی‌ترین اصول اسلامی است مخصوصاً این بند ۲ که به صورت اساسی ازفقر،بیکاری واسراض اجتماعی ناشی از بیکاری به شدت جلوگیری‌میکند. در این بنددولت اسلامی با توجه‌به‌امکانات وسیعی که بحمدالله دارد اعم از معادن نفت، مس و غیرمسعی خواهد کرد که ابزار و وسائل کار را در اختیار بیکاران، کشاورز، دامدار و صنعتگر بگذارد، البته در اینجا رویش بحث‌هائی شده است که این ابزار و وسائل را یا در اختیار کارگر و کشاورز میگذارد، یا به اقساط می‌گذارد، یا مالیات میگیرد، یا با یک نوع بهره یا اجاره‌ای که مناسب باشد. در اینجا دیگر کارگر ایرانی اعم ازکشاورز یا صنعتگر مجبور نیست که نیروی کار و بازوی کارش را دراختیار آن ثروتمند مرفه بگذارد که به دنبال بازوی ارزان کارگر می‌گردد و اینجا ریشه استثمار را از بین می‌برد یعنی اسلام نمی‌آید مریض را خوب بکند بلکه جلوگیری میکند از بوجود آمدن مرض ، یعنی زمینهٔ رشد را بوجود می‌آورد و به نظر من و بیشتر آقایانی که اینجا تشریف دارند و اکثراً هم موافق هستند، اسلام در این‌بند جلوگیری کرده‌است از فقر ونداری و بیکاری و اما اینکه فرمودند که ما آمار نداریم البته بلی ما در همه زمینه‌ها آمار نداریم و این از خصوصیات و ویژگیهای کشورهای جهان سوم مخصوصاً کشورهای تحت سلطه استعمار است که آمارندارند ما اگر آمارنداشته باشیم درتمام زمینه‌ها هیچ قدمی نمی‌توانیم برداریم. درزمینه تحقق بخشیدن به آموزش و پرورش باید از آن کسانی که در سن تحصیل هستند، ابتدائی و غیره واز معلمینی که آماده بکارهستند آمار داشته باشیم، دربهداشت‌وکشاورزی‌هم همینطور. بنابراین باید توجه‌داشته باشیم که ملت ماانقلاب کرده است‌یعنی همه‌ارزشهای رژیم منحط را ویران کرده است و حالا می‌خواهد ارزشهای تازه‌ای راکه دنیا را باید به اعجاب وادارد بجای آن پیاده کند و مسلماً یکی از اساسی‌ترین مسائلی کـه مورد توجه دولت باید قرار گیرد آمـار است، آمار در همه زمینه‌ها، بنابراین کارگری که متخصص است و مهارتی دارد و واقعاً آماده بکار است و هیچ چیز نـدارد و رژیم گذشته او را از همهٔ نعمتهائی که خدا به او داده بود محروم کرده است، در اینجا دولت و حکومت اسلامی که حکم پدر دارد ابزارکار راتحت‌ضوابط و شرایط اسلامی دراختیار او قرار میدهد. کشاورزی که فاقد زمین است البته در آن موقع زمینها را به‌ظاهر تقسیم کردند حالا تحت هرشرایطی که بود کاری نداریم، اما همه وسائل و امکانات را از دهقان گرفتند هم آب و هم وسائلی که داشت و ظاهراً ما در قرن بیستم بودیـم ولی کشاورزان ما درقرون اولیهٔ میلادی زندگی می کردند. دولت اسلامی می‌خواهد علاوه‌برایجاد راهها و زمینه‌هائی برای پیشرفت کشاورزی، زمین و وسائل کار را در آنجا که مربوط به دولت و حکومت اسلامی و اموال عمومی میشود در اختیارکشاورز و روستائی قرار بدهد و این وسیله تنها وسیله‌ای است که می‌تواند جلو استثمار را بگیرد، جلو دزدی و چپاولگری را بگیرد ، جلو

وابستگی به‌غیر و به‌بیگانه را بگیرد و استقلال ملی و اسلامی را حفظ بکند و من پیشنهاد میکنم که‌به‌جای‌تأمین شرایط یا باحفظ شرایط «امکانات» اضافه بشود وهمچنین در اینجا بنویسیم وسائل کار برای همه اعم ازکشاورز و صنعتگر یا کشاورزی و صنعتی. بنابراین ، این یک بند بسیار مهمی است و از شما خواهش میکنم و برای تذکر می‌گویم «وذکر فان‌الذکری تنفع‌المؤمنین...» (اشراقی — وقتی که امکانات را در اختیارش قرار دادند او می‌خواهد تنها کار بکند یا میخواهد یک کارگری‌داشته باشد؟) ممکن است به‌عنوان مثال ۵۰ نفر یا ۱۰۰ نفر کارگر که همه‌شان می‌توانند یک کارخانه را بچرخانند و بگردانند تقاضای کار بکنند، دولت برای این پنجاه نفر یا صد نفر تحت آن شرایطی که قید شده است کارخانه یا کارگاه یا زمین مورد نظر را در اختیار آنها می‌گذارد با بهره لازم و یا اجاره و مالیاتی که مطابق با موازین اسلامی باشد و همه آنها روی‌آن کارخانه کار می کنند و به‌دولت یک سهم میرسد یا یک‌مقدار سود می‌رسد و بقیهٔ سود را بین خودشان تقسیم میکنند. (اشراقی — شاید اصلا خواست تنها کار بکند.) اگر خواست تنها کار بکند اولا امروزکارها از حالت یدی... (نایب رئیس — آقای اشراقی خواهش میکنم سؤال و جواب نفرمائید.) با توجه به پیشرفتهای صنعتی که امروز بوجود آمده است کار فردی در هیچ جای دنیا دیگر پیشرفتی ندارد اما اگر خواست، متناسب با شغلش به‌اومیدهند ولی معمولا کارها دسته‌جمعی است و بیشترهم این موضوع ناظر به کارهای دسته‌جمعی مثل کشاورزی و صنعتی میشود. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

**نایب رئیس**— راجع به‌این بند یک مخالف و یک موافق صحبت کردند، البته دوستان متعددی هم هستند که روی این بند صحبت دارند یکی‌یکی سؤال میکنم هرکسی مطلبی گفته نشده داشته باشد بگوید. (یزدی — جواب یک اشکال را بدهید کافی است همین اشکالاتی که بحث شد جواب بدهید.) البته شاید مقتضی این بود که خود من به‌عنوان موافق در این مورد صحبت میکردم چون من در گروه این بند را پیشنهاد کرده بودم و شرح مفصل می‌دادم ولی اولویت اینست که دوستان دیگر بخصوص آقای بنی‌صدر که در این گروه هستند و رشتهٔشان هم اقتصاد است صحبت کنند. حالا من اساسی‌آقایان را یکی یکی می‌خوانم اگر اشکال تازه‌ای دارند بیان بکنند. آقای خامنه‌ای آیا اشکال تازه‌ای دارید؟ (خامنه‌ای — من مخالف اصل نبودم ولی چون قرار بود در جلسه مکملش را بگذاریم و قبول هم شد کلمه اشتغال را می‌گویم...) به‌این موضوع بعد میرسیم. آقای مکارم شما مطلب تازه‌ای دارید؟

**مکارم شیرازی** — بلی، بنده دوجمله دارم. یکی اینست که (البته در مورد این موضوع در جلسه گروهها صحبت شد ولی اینجا مطرح نشد) ما باید بپرهیزیم از اینکه اقتصاد شکل دولتی پیدا کند و مردم سربار دولت بشوند یعنی همه چیز را از دولت بخواهند. باید آنچنان انگیزه‌ای در مردم بوجود بیاید که تمام چرخهای اقتصادی را خودشان بکار بیاندازند. این یک مطلب و اما مطلب دوم مسأله مهم در موضوع کارگر و استثمار او مسأله ابزار نیست، مسأله تقسیم سود بطوری است که او حقش را ببرد و کمترین ظلمی به او نشود. ما در نظام قبلی که می‌بینیم کارگرها بدبخت شدند برای اینست که مثلا سود ۲۰ درصد داده می‌شد باتوجه به‌اینکه ما قبلا به‌این موضوع توجه کرده‌ایم که حکومت اسلامی می‌تواند بر نرخها نظارت‌بکند. همانطور که فقیه به‌عنوان ولایتش می‌تواند برنرخها نظارت کند و درعهدنامه‌مالک اشتر هم هست بر نرخ تقسیم سود کارخانه هم بین کارگر وبین تولیدکنندگان کارخانه‌می‌تواند

نظارت کند وآنچنان سهمی برای کارگر قرار بدهد که تمام حقش گرفته بشود. مهم اینست که ای بسا ابزار هم دستش باشد وبدبخت‌تر بشود و ای بسا ابزار دستش نباشد وخوشبختربشود تمرکز باید روی آن نرخ تقسیم سود باشد. (جوادی— دربند ۳ آمده است.)

**نایب‌رئیس**— بسیارخوب آقای منتظری شما مطلب تازه‌ای دارید ؟

**منتظری**— یک تعبیردیگر است. این تأمین شرایط و وسائل چیز مبهمی است که‌آیادولت باید وسائل را به اشخاص تملیک کند، مجاناً یا به‌اقساط بفروشد یا نه مال دولت باشد که آنوقت چون دولت تمکنش زیادتر است دولت می‌شود یک سرمایه‌دار وتمام کارهای خصوصی ازبین می‌رود وتمام سرمایه‌ها به‌دست دولت می‌افتد. به‌نظرمن همانطورکه آقای سبحانی گفتند بنویسیم «تأمین زمینه کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند» وآنوقت «ولی‌قادر به‌تهیه وسائل کار خود نیستند» هم دیگر لازم نیست.

**نایب‌رئیس**— بسیار خوب، آقای موسوی‌تبریزی مطلب تازه‌ای دارید؟ (موسوی‌تبریزی- مطالب به‌وسیله دوستان گفته شد.) آقای بشارت شما؟ (بشارت- بنده موافقم.) آقای ربانی شیرازی شما مطلب تازه‌ای دارید؟

**ربانی‌شیرازی**— نظر من اینست که این بند نه‌تنها بخش خصوصی را بهم می‌ریزد، بخش عمومی و دولتی راهم بهم می‌ریزد. فردا تمام کارگرهای کارخانه ذوب‌آهن و جاهای دیگر دیگر تمام اینها تقاضا دارند که وسائل کار به‌ما بدهید ما درکارخانه‌نمی‌خواهیم کارکنیم، برای این موضوع چه‌فکری کرده‌اید ؟

**نایب رئیس**— آقای عضدی شما مطلب تازه‌ای دارید؟

**عضدی**— بلی عرض کنم این مسأله‌ای که ما شعار می‌دهیم که نه‌سرمایه‌داری‌نه‌اقتصاد دولتی ونه‌بینابین بلکه راه‌سوم، این‌دقیقاً بندی هست که جامعهٔ ما را سوق می‌دهد به همان طرف، آنکه جناب آقای‌منتظری فرمودند. مسلماً دولت استهلاک ابزارکار را به‌صورت‌مالیات می‌گیرد ومسأله دیگری که جناب آقای مکارم فرمودند می‌دانیم که کنترل نظارت بر قیمتها از نظر اقتصادی مطرود است وعملا هم‌ما هیچوقت نمی‌توانیم، واین‌یکی از راههائی هست که ازنظر اقتصادی ما می‌توانیم دقیقاً قیمتها را بهترکنترل بکنیم و رقابتی بوجود می‌آید بین بخش خصوصی و این بخشی که ابزارکار راگرفته وجلوگیری هم می‌کند از استثماری که ما اینهمه حرفش را می‌زنیم .

**نایب‌رئیس**— آقای صافی حضرتعالی مطلب تازه‌ای دارید؟ (صافی— عرض من همان مطالبی بود که آقای‌منتظری‌فرمودند.) آقای دکترقائمی‌مطلب تازه‌ای دارید؟ (قائمی— بااین اصل به چنین صورتی مخالفم ونظرات من را آقایان ربانی ومکارم ومنتظری فرمودند.) آقای قرشی مطلب تازه‌ای هست ؟

**قرشی**— اینجا نوشته‌شده «ولی قادربرتهیه وسائل کار خودنیستند» مثل‌اینکه‌احتیاجی‌به این کلمه «خود» نیست و اگر آن‌را بردارید مانعی ندارد. دیگر اینکه آن مطلبی راکه آقای سبحانی فرمودند، فرض بفرمائید من یک نفرکارگر هستم می‌خواهم شغل آزاد ومستقلی‌داشته باشم. آقایان می‌فرمایند که تقاضای من باعث بهم‌ریختگی مملکت می‌شود پس معلوم می‌شود بر پیشانی من نوشته شده است که همیشه کارگر باشم . می‌خواستم بگویم اصلا یک اصل شرعی هم برای این موضوع که می‌فرمایند نداریم و تصویب

شدن این اصل باعث می‌شود که صاحب کارها، هم وسائل را و هم شرایط را برای کارگران سهل می کنند و کار آنها هم روبراه میشود.

**نایب رئیس**— آقای عرب مطلب تازه‌ای دارید؟ (عرب— بنده موافقم.) آقای مراغه‌ای مطلب تازه‌ای دارید؟

**مقدم مراغه‌ای**— بنده اول پیشنهاد اصلاحی میدهم اگر مفهوم بود که هیچ، اگر نبود یک دقیقه صحبت میکنم. بنده فکر میکنم این عبارت «شرایط و وسائل» حذف بشود و اینطور نوشته شود «تأمین کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند» و بالمآل آن جمله «ولی قادر به تهیه وسائل کار نیستند» حذف خواهد شد. من این بند را با این اصلاح پیشنهاد میکنم.

**نایب رئیس**— آنچه حضرتعالی میفرمائید عیبی ندارد و در بند دیگری آمده است ولی در اینجا این مسخ این بند است. به‌هرحال اگر مخالفید بفرمائید. (مراغه‌ای— میخواهم توضیح عرض کنم چون این عملی به‌نظرنمی‌آید.) صریحاً بفرمائید مخالفم چرا تقیه میفرمائید. آقای دکتر ضیائی مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

**دکتر ضیائی**— عرض کنم که بحث، بحث اقتصاد است و ما می‌بینیم رکن اساسی اقتصاد هر کشوری بسته به کشاورزی و توسعه کشاورزی وصنعت آن کشور است و جلوگیری از اجناسی که مشابهش در داخل کشور تولید میشود والان با اینکه کشور شوروی را با همه ابهتش می‌بینیم ، اگر کشور آمریکا به او کمک نکند ازگرسنگی میمیرد . بنابراین کشور ایران از نظر جغرافیائی دارای مقتضیاتی است که می‌تواند اقتصاد ایران را از نظر کشاورزی کاملا تأمین بکند ودرنتیجه وسائل اقتصادی دیگر چرخش براه‌می‌افتد چون اگر کشاورزی بکار بیفتد شاید درحدود صد رشته کسب دیگر بکار می‌افتد، و در اینجا نادیده گرفته شده است و ما در همین موقع شاید پارسال بود که پیاز را کیلوئی فلان قدر می‌خریدیم و الان وفور است و این با یک توصیهٔ کوچک امام است و من فکر میکنم در موضوع کشاورزی بخصوص دامداری که چقدر ارز ایران برای خریدگوشت و دام به خارج میرود، این قسمتش را باید درجه اول قرار بدهید تا کار هم برای همه فراهم بشود.

**نایب رئیس**— آقای دستغیب مطلب تازه‌ای دارید؟ (دستغیب— همان مطالبی است که آقایان گفتند . ) آقای شیرازی مطلب تازه‌ای دارید؟

**مقدسی شیرازی**— همانطوکه ایشان میفرمایند باید اولویت را دردرجه‌اول به کشاورزی داد.

**نایب رئیس**— آقای موسوی اردبیلی مطلب تازه‌ای دارید؟

**موسوی اردبیلی**— این اصل برای مبارزه با استثمار است، منتها طوری تنظیم شده که با موازین اسلامی هم تطبیق بکند. من احساس میکنم برای آقایان مسأله در این بند هنوز مورد بحث است و حل نشده ، اگر اینجور بخواهید ادامه بدهید فکر میکنم موفق نباشیم. پیشنهاد میکنم چون مواد دیگر این اصل بحثی ندارد آنها را مطرح کنید و از آنجائیکه روح اصل ۱۲۷ این بند ۲ می‌باشد حتماً ما باید در مورد این بند قبلا در جلسات کمیسیون به‌توافق برسیم تا یک راهی پیدا بکنیم، یا عین‌همین متن بند ۲ را قبول بکنیم و یا یک راه دیگری پیدا بکنیم. پس اگر صلاح میدانید بندهای دیگرکه بحث ندارد مطرح بشود و این بند را بگذاریم برای بحث جلسهٔ فردا و الا با این وضع من فکر نمی کنم این بند امروز رأی بیاورد .

**نایب رئیس**— آقای یزدی مطلب تازه‌ای دارید؟

**یزدی**— من اشکالی داشتم منتظر بودم رفع بشود وچون اشکالم باقی ماند عرض‌میکنم. اشکالی که آقایان کردند بیشتر این بود که ممکن است بخشهای خصوصی انحلال پیدا کنند یا درد سر برای دولت پیش بیاید میخواهم عرض کنم که این مسأله هم هست که دولت را بجای مالک بزرگ درمی‌آورد که از کارگرها استفاده میکند و راه حل این است که اصل باشد و راه حل هم باشد. راه حل این است که اگر «زمینه»گفته شود در این صورت منظور آقایان تأمین نمی‌شود اما اگر تملیک ابزار باشد به‌صورت اقساط مسأله حل میشود.

**نایب رئیس**— آقای بنی‌صدر به‌عنوان موافق می‌آیند و توضیح میدهند اگر مطلبی ناقص ماند چون من خودم به عنوان موافق اسم نوشته بودم توضیح نهائی را خواهم داد. آقای حجتی فرمایشی دارید؟

**حجتی کرمانی**— مطلبی دارم عرض میکنم و امیدوارم که این مطلب در دفاع آقای بنی‌صدر مورد نظر قرار بگیرد. من که‌گفتم میخواهم درکل مسأله صحبت کنم برای همین موضوع بود، احساس میکنم اشکالی که این اصل دارد به‌خاطر این است که چیزی را که ما تنظیم کردیم درواقع یک متفرقاتی است و یک نظامی را نشان نمی‌دهد، مثل اینکه یک‌سری آجر خوب ریختیم درگوشه‌ای و یک سیستم ارگانیک از نظر اقتصاد نداریم که اینها را جمع‌و جور کنیم و نشان نمی‌دهد که ما چه نظام اقتصادی را میخواهیم پیاده بکنیم و اشکال کار همین است. اینکه آقایان اشکال میگیرند به‌دلیل این است که نظام روشن نیست و اصل مسأله‌ای را که می‌خواستم تذکربدهم این بود که ما اول بیائیم دراین اصول اولیه اقتصاد، آن نظام کلی اقتصادی را که میخواهیم پیاده بکنیم در ارتباط با مسائل جاری روشن بکنیم که آیا این نظام موجود که نظام سرمایه‌داری است میخواهد بماند یا یک مقداری اصلاح بشود یا اینکه بطورکلی به‌صورت انقلابی میخواهیم عمل بکنیم. این موضوع را اگرروشن بکنید دیگر این اشکالات پیش نمی‌آید.

**نایب رئیس**— این بند میگوید میخواهیم انقلابی عمل بکنیم. خانم گرجی مطلب تازه‌ای دارید؟

**خانم‌گرجی**— من خواستم بگویم که این اصل، درست اصلی است که مطابق قرآن است و مطابق سوره «ماعون» است وهمانطورکه خدا میفرماید «فویل للمصلین الذین هم‌عن‌صلاتهم ساهون‌والذین هم یراؤن‌ویمنعون‌الماعون» عرض کنم که این اصل کاملا اسلامی است وریشه قرآنی دارد و اگراین اصل تصویب نشود بند ۳ هم معنایش نامفهوم میشود و همان عبارت «تأمین زمینه» کافی است.

**نایب رئیس**— آقای بنی‌صدر به عنوان موافق بفرمائید.

**بنی‌صدر**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض کنم که۶ اشکال اینجا نوشته‌ام که آقایان این اشکالات را ایراد کردند. اشکال اول این است که ما حالا بیکاران زیادی داریم و وقتی این اصل را تصویب بکنیم تکلیف اولویت آنها چه میشود؟ ما در حال حاضر جمعیتمان و ترکیب سنی جمعیتمان طوری است که سالی یک میلیون نفر به کسانی که میتوانند کار بکنند و کاری برای آنها نیست اضافه میشود. ما در یک دنیائی که یا جمعیتش اضافه نمیشد یا یک درهزار اضافه میشد زندگی نمی کنیم ، میزان رشد جمعیت ما در سال ۳ درصد است و تولید کشاورزی

ما اگر واقعیتش را در نظر بگیریم یک درصد هم نیست. بنابراین ما نمی‌توانیم نسبت به‌رشد اقتصادی ایران لاقید بمانیم و تصور بکنیم که میتوانیم همان اقتصاد سابق را ادامه بدهیم. این یک میلیون نفری که هر سال اضافه میشوند کار میخواهند، حالا آنهائی که از سابق بودند به‌جای‌خودش اینها هم اضافه‌میشوند. اینکه اینجا گفتیم ابزار و وسائل فراهم بشود معنایش این نیست که هر کسی از راه رسید وگفت یک بیل و کلنگ به ما بدهید میخواهیم برویم کار بکنیم بگوئیم بفرمائید و بروید کار بکنید، معنایش این است که در کشاورزی و صنعت برای این نیروی بیکار دولت کار فراهم بکند. بدیهی است که اولویت با کسانی خواهد بود که الان بیکار هستند، هنوز مسأله آینده مطرح نیست فعلا برای این بیکارهای موجود باید کار تهیه کرد. اما اینکه میترسید اگر این اصل تصویب بشود بخش خصوصی تق‌ولق بشود و یا بخش دولتی تق‌ولق بشود و هر کسی بیاید بگوید به من ابزار بدهید میخواهم بروم خودم کار بکنم ، این نگرانی شما بکلی بیجاست برای اینکه در حال حاضر دولت طبق قسمت دومی که اینجا نوشته شده باید برنامه‌ای را فوراً به اجرا بگذارد تا برای آن بخش از جامعهٔ ما که هنوز کار ندارد کار تهیه کند. تازه برنامه اقتصادی برای این نیست که تنها برای بیکاران کار تهیه کند بلکه باید احتیاجات مملکتی را در نظر بگیرد، ببیند چقدر مواد غذائی در سال احتیاج خواهد داشت و چقدر مواد صنعتی احتیاج خواهد داشت ، برای اینها باید یک برنامه‌گذاری بکند، وقتی برنامه‌گذاری صنعتی و کشاورزی کرد طبیعتاً به نیروی‌انسانی احتیاج پیدا خواهد کرد. بسیاری ضوابط میشود در پیش‌گرفت، چنانکه در رژیم سابق این ضوابط وجود داشت، محاسبه کرده بودند که اگر شما بخواهیدگندم از آمریکا بخرید تا اینکه در خود ایران تولید بکنیدگندم امریکا ارزانتر میشود، از نظر اقتصادی صرف به این است که ایران را رها بکنید بیابان بشود وگندم را از امریکا بخرید و شما فقط اینجا اتومبیل مونتاژ بکنید . این اصل میگوید که نه این‌طور نیست بلکه ما در برنامه‌گذاری ضابطه کاربرای بیکاران را اصل می‌شناسیم. این‌چنین نیست که چند تا امریکائی بیاورید محاسبه بکنند و و بگویند که اگر فلان چیز را از فلان‌جا برایتان بیاوریم ارزانتر تمام میشود و بعد یک وقتی به‌خودمان بیائیم مثلا حالا که اقتصاد فلجی داریم ونمی‌دانیم که بااین اقتصاد فلج چه‌بکنیم. پس گنجاندن این ضابطه در اینجا تأمین استقلال اقتصادی ایران و تأمین کار است برای کسانی که کار ندارند و قطع رابطه با آن دید اقتصادی است که ضابطه تعیین فعالیت اقتصادی را، قیمت در بازار جهانی تلقی میکرد. اما موجب تق‌ولق چرا بشود یا در اینجا مزد بیشتر داده میشود، مگر معنای تأمین وسائل این است که تا هر کس رسید به آنجا و کار کرد حتماً سطح‌مزدش هم از جاهای دیگر بالاتر باشد؟ هیچ همچون معنائی را نمی‌رساند در همه‌جای دنیا دولت یک سیاست عمومی در پیش میگیرد که اسمش هست سیاست مزدها که ترتیبی بدهد تا برای کار مساوی مزد مساوی باشد. وقتی این مسأله تأمین شد هیچکس کاری که فعلا دارد رها نمیکند به امید اینکه برویم ابزار به‌دست بیاوریم و در آنجا درآمد بیشتری است وقتی از پیش دولت سیاست مزدها را اعلام و معین کرد که همچون نیست اگر از اینجا ول کرد و دوید آنجا احتمالا حتی در آن سیاست مزدها اینجور اشخاصی که هر روز میخواهند در یک جائی کار بکنند و پول بیشتری به‌دست بیاورند، همچنانکه در رژیم سابق هم همینطور بود دولت میتواند مجازاتهای اقتصادی معین کند و اصلا ربطی به‌این مسأله ندارد . مگر ما

نمی‌خواهیم بعد ازاین، کارخانه وارد ایران بکنیم؟ میخواهیم این را به‌صورت یک ضابطه‌ای دربیاوریم نه مثل گذشته باشد که آقا هرجا دلش خواست اتوماسیون چیزهائی خود کار را بیاورد. فرض کنید برای تولید پارچه‌های ابریشمی فانتزی نه، ما میگوئیم این ضابطه نیست و ما ضابطهٔ دیگری را قبول داریم. این ربطی به‌اینکه بالا وپائین بشود، با ایجادوسائل، مزد بالا و پائین نمی‌شود آن تابع یک‌سیاست‌دیگری‌است که اسمش سیاست مزدها ازطرفی وسیاست قیمتها ازطرف دیگرمی‌باشد. اگر برای کسی درتهران زندگی ارزان‌ترشد ووسائل‌ازهمه‌جهت‌فراهم شد مزدش هم بالا بود مسلم است که مردم می‌آیند به‌تهران چه شما این ضابطه را بگذارید و چه نگذارید چنانکه تا حالا هم همین کار را کرده‌اند. اگر میخواهید که نیایند باید در جائی که هست مدرسه برایش فراهم بشود ، ابزار کار فراهم بشود و در روستا بدون ابزار کار نماند که بگوید من که از زمین چیزی درنمی‌آورم ول بکنم بروم تهران . بله ، این برای آن کار است و دقیقاً عکس آن ترس و بیمی است که شما دارید. این موضوع ضابطه‌ای معین میکند برای دولت که در همه‌جا بر اساس نیازهای اساسی جامعه برای انسانها وسائل فراهم کند. (مکارم— شما تکرار میکنید.) خیر تکرار نیست . مطلب سومی که میفرمائید بار دولت را سنگین میکند ما میگوئیم باید ابزار تهیه بکنید، خوب بیائیم واقع‌بین باشیم، حالا بحث این را نمی کنیم که بار دولت را سنگین میکند یا نمیکند، معنایش این است که خود دولت میکند یا وسائل برمی‌انگیزد که دیگران مثلا بخش خصوصی این کار را بکنند. البته ما وارد این بحث نمی‌شویم. ماهستیم واین پول نفت‌وچیز دیگر اگر شماسراغ دارید آن راصورت‌بدهید تا ببینیم چیست. آن پول نفت مال همه مملکت هست یا نیست؟ اگر پول نفت مال همه‌مملکت است پس باید وسیله دولت به‌صورت سرمایه در اختیار همه مردم به‌صورت ابزار و زمین قرار بگیرد. ما که نمی‌توانیم در اینجا چیزی که به عموم تعلق دارد از عموم بگیریم و بدهیم دست یک عده سرمایه‌دار برای اینکه نکند دولت یک سرمایه‌دار بزرگ بشود. اینکه سرمایه‌دار بزرگ هست برای‌اینکه پول‌نفت به‌اومیرسد. فقط حرفی که ما اینجا میزنیم‌این‌است که‌میگوئیم این پول نفت را قبل از هر چیزی باید به‌صورت ابزار دربیاورید و مثل سابق نباشد که ببرید خرج اسلجه بکنید و خرج دیگر چیزها بکنید. ما چه کنیم که با همه اینها، این بیم نباشد که دولت به‌صورت یک کارفرمای بزرگ دربیاید و یک قدرت مطلق بشود؟ به این دلیل و برای جبران این نقصی که خواهی‌نخواهی پیدا خواهد شد ما در اصل ششم اینطور پیش‌بینی کردیم که: در قلمرو مالکیت دولتی باید به‌تدریج اداره واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، دامداری و خدمات به شوراهائی کـه نمایندگان کارکنان آن واحد عضو میشوند واگذار شود . (یزدی— البته آن تصویب نشده و جواب شما به این صورت درست نیست.) تصویب نشده ولی شما به‌صورتی که به نظرتان مطلوب میرسد در جای خود بیاورید نه اینکه اینجا اصلی را گرو نگهداریم برای اینکه آن صورت، صورت خوبی نیست. شما در جای خود مفهوم همین مطلب را با هر عبارتی که میخواهید ذکر کنید.

**یزدی**— اینجا باید ذکر بشود که تأمین به‌چه صورتی است اگر تأمین به‌صورت تملیک باشد جلو بوجود آمدن مالکیت بزرگ را میگیرد ، یعنی همانطورکه‌گفتید سرمایه مال همه است و باید به همه بدهد و اگر یک استانی نیاز دارد باید وسیله فراهم کند و در اختیار خودش بگذارد.

**بنی‌صدر**— مطلب این است که شما می‌گوئید تملیک بکند ومن باآن تملیک‌موافق نیستم. پس آن موضوع، بحث‌دیگری است که‌ما به آنجا که رسیدیم باید ببینیم‌آیا درآن اصل اجاره بکند یا تملیک بکند؟ درهرحال این برای همه روشن هست که پول نفت به‌دست دولت‌می‌رسد یانه؟ دولت حق‌دارد سرمایه‌گذاری بکند یانه؟ اگر سرمایه‌گذاری کرد آیا این مالکیت مال‌او خواهد بود یانه؟ حالا شما می‌خواهید بگوئید نباشد این یک اصل دیگری است فعلاوعجالتاً دراینجا هیچ‌جای تردید نیست که این‌پول مال عموم است متصدی امور هم‌دولت است وماتا اینجایش هیچگونه بحثی نداریم. حالا بعد می‌خواهیم آنرا به‌چه شکلی اداره بکنیم خوب آن وقت می‌رویم سریک اصل دیگری وآنجا بحث می‌کنم. عرض کنم که آقای منتظری می‌فرمایند که‌به‌جای «وسائل و شرایط» بگذاریم «زمینه». حالا زمینه ازکجا روشن است؟ آنهم مبهم است. مسأله‌ای که هست از شرایط کار، آموزش فنی است واین معلوم است که باید بدهند، آیا این مبهم است؟ یقین محل سرمایه‌گذاری چه درصنعت وچه درکشاورزی جزو شرایط‌است، آیا مبهم است؟ اگر اینها را بخواهیم ذکر بکنیم چیزهای متغیری است، ضوابط متغیر است‌واین را باید قوانین عادی ذکر بکند، ما اینجا فقط این‌را می‌توانیم بنویسیم که نوشتیم. اماوسائل، شامل ابزارها وزمین است،آیا این چه‌ابهامی دارد؟ (منتظری— مال دولت است.) این‌مطلب روشن است که این مال دولت است، می‌گوئیم آقای دولت توتا حالا براساس سیاست غلطی عمل می‌کردی، پولهای مملکت را بجای اینکه ابزار و زمین درست بکنی می‌بردی اسلحه می‌خریدی وخرجهای دیگر می‌کردی حالا ازاین ببعد این ضوابط در اقتصاد است یعنی باید وسائل ایجاد بکنی، اینکه حرف بدی نیست حالا شما می‌خواهید بگوئید که این‌را به مالکیت خصوصی درآورید این یک بحث علیحده‌ای است که در جای خودش وقتی آن‌اصل درگروهها مطرح شد شما آنجا بفرمائید. این را بنویسید «تملیک» یا بنویسید «اجاره» ما که‌نمی‌گوئیم‌اینجا عجالتاً دولت از جیب مردم بردارد و اینکار را بکند، ما می‌گوئیم که ازاین بودجه و ازاین‌پول دولت باید ابزار بخرد وبرای مردم کار درست بکند، این چه‌ابهامی توی قضیه است؟ اما اینکه فرمودند این نظام ندارد، خوب نظام چی‌هست که این ندارد؟ نظام همین است که ما یک ضوابطی را معین بکنیم تا معلوم شود ازاین ببعد اقتصاد کشور تابع این ضوابط خواهد بود. ما که درآن گروه تهیه کردیم خیال می‌کنیم که نظامی را تهیه کردیم درصورتیکه مجموع اصول را باید دید در مجموع اصول که نگاه بکنید، ما شروع کردیم ازهدف وضوابط، که این معلوم باشد که ازاین پس اگر دولت یا قانونگذار خواست برای اقتصاد قانونی تنظیم بکنداز چه ضوابطی باید پیروی بکند. بنابراین به‌گمان خودمان کاملا نظام دارد و این ضوابط نظام ما را نه سرمایه‌داری خواهد کرد، نه‌سرمایه‌داری خصوصی ونه سرمایه‌داری دولتی. به‌هرحال این ایرادات به ترتیبی که به‌نظرم می‌رسید عرض کردم هیچکدام وارد نبود وبعضی‌هایش‌هم عکس‌آن صحیح بود یعنی از جهت عکس‌می‌باید می‌ترسیدیم وامیدواریم که شما همه‌رأی بدهید چون این اصل به‌صلاح اقتصاد مردم است.

**موسوی‌تبریزی**— این که می‌فرمائید مال دولت، مال دولت است یا ملت؟

**نایب رئیس**— آقامال ملت است دراختیار دولت. (موسوی تبریزی— پس مال ملت‌را بدهید به‌خودش.) می‌دهیم، اجازه بفرمائید من به‌عنوان موافق اسم نوشته بودم وقرار بود که اگر آقای بنی‌صدر همه‌نکات را پاسخ دادند دیگر صحبت نکنم، یکی دوسه نکته اینجا مانده

که این نکته‌ها را پاسخ می‌دهم :

۱ــ اقتصاد، دولتی شدنش ازنظر مدیریت خطرناك است ونه ازنظر مالکیتی که‌نخواهد به استناد مالکیت مدیریت کند. برخی از آقایان درمدیریت شورائی کارگاهها بطورکلی ازنظر مسأله رضا وعدم رضای مالك کارگاه دچار شبهه بودید، وقتی که ازاین جهت دچار شبهه نباشید وتجربه اجتماعی هم نشان بدهد که اداره شورائی کارگاه ازنظر پیدایش انگیزه‌های اقتصادی علاقه به‌کار و پیشرفت به‌کار و بالارفتن میزان تولید مفید است درحقیقت اینطور می‌شود که این بند سبب می‌شود که زمینه ادارهٔ شورائی کارگاهها اعم‌ازکشاورزی و صنعتی و غیره فراهم بشود و دیگر، دوستان دچار شبهه رضا و یا عدم رضای مالك نباشید ، چرا؟ چون دراینجا سرمایه و ابزار کار را دولت دراختیار گذاشته وخودش هم می‌گوید شورائی‌اداره‌بکن. (مکارم ــ آقا تمرکز به‌هرصورتی خطرناك است.) عجیب است آقا اینکه دیگر تمرکز نیست، این درست عدم تمرکزاست. یعنی وقتی یك مالکی اعمال قدرت نمی‌کند برای خط دادن‌وآقا بالاسر بودن، این درست می‌شود کار مردم را به‌مردم دادن وازتمرکز دردولت جلوگیری کردن. (منتظری ــ درشوروی هم نظام شورائی هست. ) اینها جواب شرعی و اقتصادی نیست.مسأله دوم، یك سؤال می‌کنم از دوستان، آیا این بحثی که دوستان می‌کنند برسراین است که دولت به‌هرکسی که می‌خواهد کاری بکند ابزار و وسائل ولوازم کار بدهد؟ آیا روی خوداین‌مطلب دچار شبهه هستید که مطابق اسلام است یا نه ؟ (نمایندگان ــ نیستیم.) پس اگر نیستیداین مسأله پیش می‌آید که این، ازنظر علم اقتصاد و ازنظر اجراء وفنی در یك جامعه‌ای مثل‌ایران آیا این به‌رشد اقتصاد کمك می‌کند یانه؟ وقتی بحث، بحث علمی شد یعنی این بحث شد که آیا یك چنین نظام جدیدی که‌نه سوسیالیسم است نه مارکسیسم است به شکل نهائی و نه کاپیتالیسم ونه‌هیچ ایسم دیگر، بلکه اسلام است ما می‌گوئیم که این نوع جدید، این نظام جدید، این مبنای جدید، برحسب تجاربی که دربخشی از دنیا انجام شده است از قبیل ایجاد تعاونیهای کشاورزی وصنعتی برحسب این تجربه‌ها این رویه موجب افزایش تولید وموجب اینکه آن آزادگی انسان درانتخاب کار بیشتر بشود، یك مقدار رویش تجربه شده است، وبعد هم مسلم است که یك نظام جدید را نمی‌شودگفت که تجربه‌اش را دیگران‌بکنندوماتجربه‌اش را وارد بکنیم به‌ایران وسرزمین اسلام، ما خود باید شروع کننده این تجربه باشیم. مگر روزی که نظامهای دیگرکارشان را آغازکردندگفتند ببینیم جای دیگرتجربه شده یا نه؟ خوب‌دست به تجربه می‌زنند و دراثنای عمل وبرنامه ریزیها نواقصش را می‌بینند، و اصلاحاتی می‌کنند و اینکه ما نوشتیم کیفیتش را قانون معین می‌کند برای این که معین بکند آیا تملیك شخصی خوب است، اجاره دادن خوب است، مالیات گرفتن خوب است با یك نسبت معین، هر جوری مجلس درآینده مصلحت دید همانطور عمل می‌کند، مهم این است وقتی که ما می‌گوئیم‌پایه، پایهٔ اسلامی است. بنابراین ازنظرانطباق با اصل اسلامی هیچ‌جای بحثی نیست، می‌دانیم که در دنیا یك مقدار موفقیت هم داشته، می‌گوئیم ادامه کار و روشن کردن نقاط تفصیلی کار به‌عهدهٔ تجارب آینده وقوانین آینده باشد ، چرا؟ چون تمام اشکال مختلفش با اسلام سازگار است، تملیك خواست بکند مطابق با اسلام است، اجاره خواست بکند مطابق با اسلام است، مالیات خواست بگیرد مطابق با اسلام است .

**یزدی**ــ شکی دراین نیست که این نظام موجب این می‌شود که وابستگی تمام بشود،

اقتصاد استقلال، پیدا بکند، در اینها بحثی نیست، بحث دراین است که اگر این‌طور آزاد گذاشته شود در یکی از صورتهایش دولت یک مالک بزرگ است مثل سایر مالکین و سودی که می‌گیرد، این سود باز تمرکز پیدا می‌کند ودرست مثل یک سرمایه‌دار بزرگ می‌شود. (نایب‌رئیس— آقا من عرض کردم‌سود.) نحوه باید مشخص بشود دولت وقتی تأمین می‌کند اینطور نیست که وسیله در اختیارشان بگذارد.

**نایب‌رئیس**— آقای یزدی پیشنهاد شما وبعضی از دوستان را به‌این صورت اصلاح می‌کنیم می‌نویسیم «کیفیت این کار را قانون معین می‌کند ولی به‌هرحال نه به‌صورتی که دولت به‌صورت یک سرمایه‌داربزرگ درآید» یک چنین جمله‌ای را می‌نویسیم که سایرراههایش را باز بگذاریم و این‌راهی را که می‌دانیم بداست‌ببندیم. (موسوی تبریزی— اجازه بفرمائید بنده اشکالی دارم.) سؤال نفرمائید وبگذارید من صحبتم را بکنم آقای موسوی اگر یادداشت بفرمائید واجازه بدهید من عرایضم را زودتر تمام بکنم، متشکر می‌شوم.

**موسوی تبریزی**— اشکالی که بنده دارم اولا مربوط به‌خود جنابعالی است. درمصاحبهٔ رادیوئی، در تبریز از من پرسیدند مثل اینکه آقای بهشتی نمی‌گذارد نمایندگان حرفشان‌رابزنند، گفتم والله این افتراست، وبرای اثبات آن می‌خواهم یک تذکر آئین‌نامه‌ای برای شما بدهم. دراین ساده سه نفر موافق هرکدامشان ۲ دقیقه صحبت کردند ومخالف در حدود ۵ دقیقه صحبت کرده است البته این یک تذکر آئین‌نامه‌ای است، وثانیاً این مطلبی که شما می‌فرمائید از آن اصلاحات خودتان را عاری بکنید، می‌گوئیم دولتهای سابق در رژیم طاغوتی مال ملت را میخوردند و ما انتقادمان این بود که دولتهای سابق مال ملت را و آنچه که حق مسلم و شرعیشان بود خوردند و حالا باید دولت مال مردم را به‌خود مردم واگذار کند. شما اگر صاحب مالی باشید من مال شما را به‌خودتان میدهم بدون اینکه حق نظارت داشته باشم. اینجا معادن مال خود ملت است برای ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برای اینکه مردم از محرومیت خلاص بشوند مالش را دراختیارش بگذارید. آنوقت شرع هم برایش حدی قائل شده و عناوینی که داریم با همان عناوین دراختیارش بگذارید. من کارگر یک‌وقت در زیرفرمان یک سرمایه‌دار بودم فردا در زیر فرمان دولت خواهم رفت و این از نظر ماهیت هیچ فرقی نمی‌کند مگر اینکه تملیک کند.

**نایب رئیس** — آقای موسوی اما اینکه گفتید از حضرتعالی سؤال کردند که من نمی‌گذارم نمایندگان صحبت بکنند، باید توضیح بدهم که مگر میشود یک کسی مسئول اداره جلسه باشد و بگذارد همه حرف بزنند، این که نمیشود، هرکس که خواست جلسه‌ای را اداره بکند خود بخود کارش به‌اینجا میکشد که بگوید آقای ایکس خواهش میکنم صحبت نفرمائید. و اما در مورد موافق و مخالف عرض کنم که من به همه مخالفین گفتم اگر حرف تازه‌ای دارید بزنید گفتم موافقین هم اگر حرفی ماند بزنند نه‌اینکه فقط یک موافق و یک مخالف صحبت بکنند. به‌هرحال ما به این اصل اضافه میکنیم «ولی به‌هرصورت دولت باید به صورت سرمایه‌دار و کارفرمای بزرگ درنیاید» ما این را مینویسیم و به‌رأی میگذاریم، آقای دکتر غفوری فرمایشی دارید؟

**گلزاده غفوری** — همانطوری که صحبت شد آیا شما میخواهید یک کار انقلابی انجام بدهید یا میخواهید یک حرف بزنید؟ اگر چنانچه کار انقلابی است و آنرا هم متکی براساس

اسلام میخواهید انجام بدهید، باید توجه بکنید که ما چه داریم و چه نداریم. ما آدم داریم پول هم داریم، ببینیم چه نداریم که به‌این وضع گرفتار شدیم. ما ۸۰۰ تا معدن داریم، معدن گاز و نفت داریم و خیلی چیزهای دیگر و اینهمه آدمی که هم بیکارهستند و هم شبه کاردارند. یک میلیون و ششصد هزار نفر از خزانهٔ دولت پول می‌گیرند، یکدهم اینها کافی هست که ادارات را بتوانند اداره بکنند و آن شغل های بیخودی‌بروندپی کارشان. همچنین‌حقوق‌بگیرهای زیادی ما داریم همانطور که گفتیم چهارصد و هفتاد هزار نفر بودند که خوب در آن تشکیلات تحت نگهداری خاصی بودند اگر بخواهید اینجا انقلابی بشود می‌بایست ببینیم که ما چه میخواهیم. یک‌وقت بکاراندازی نیروی انسانها را با برنامهٔ صحیح میخواهیم و یک‌وقت‌اشتغال میخواهیم که کسی بیکار نباشد مثل آنهائیکه پول نفت را گرفتند و ماهی هزار تومان دادند به‌افرادی که فقط خرج بکنند و این درواقع دور میزد و به‌کیسهٔ استعمارگران و به آنهائیکه تولید میکردند و ما مصرف میکردیم میرسید. بنابراین مسأله این است همانطورکه در شورای هفتگانه جمهوری که البته هنوز آن اصول مطرح نشده، شورایعالی اقتصادی و اراضی و کشاورزی و شورایعالی منابع طبیعی و برنامه‌ریزی اینها بعد می‌آید که خوب بعد میرسیم به کارمندان دولت که الان دست به‌گریبان ما هستند یعنی الان خود کارمندان دولت که اصیل و نجیب هستند واقعاً از خودشان شرمنده هستند و هیچ کاری نمی کنند و پولی هم می‌گیرند. این است که اگر بخواهد انقلابی عمل بشود باید وضع موجود را ترسیم بکند و دردی را دوا بکند وگرنه یک شعار میشود.

**نایب‌رئیس**— آقای دکترغفوری این که منافاتی با این ندارد آن یک‌مطالب‌دیگری‌است اجازه بفرمائید من برای رأی‌گیری میخوانم. (هاشمی‌نژاد — این که نوشتید دولت به صورت سرمایه‌دار بزرگ درنیاید آیا معنی دارد؟ مدیریت که با دولت نیست.) برای اینکه پیش‌گیری بکنیم که مثل برخی ازکشورهای سوسیالیستی در بعضی از ادوار نشود، نوشتیم «به صورتی که دولت به‌صورت یک کارفرمای بزرگ درنیاید» این که عیبی ندارد. (رشیدیان — توضیح بفرمائید که در آنجا دولت، حکومت دیکتاتوری‌است. یعنی‌به هرنحوی که‌خواست‌سرمایه‌گذاری میکند ولو اینکه در ساختن موشک باشد.) یعنی اینکه دولت به‌صورت یک کارفرما درنیاید اینکه معلوم است، ما میخواهیم به‌سمتی برویم که با این اصل مسأله اینکه کارگر، استثمارفرد بشود یا استثماردولت بشود، جلوگیری بکنیم، بنابراین چه‌وقت میتوانیم این کار را بکنیم؟وقتی که امکانات کار برایش بدهیم ولی زمام امر او را به‌دست یک کارفرمای بزرگ شخصی یا دولتی نگذاریم، پس هدف دوچیز با هم است. (منتظری — اصل ۳۲ کافی نیست؟) نه کافی نیست. آقای دانش‌راد بفرمائید.

**دانش‌راد** — این بحث اشکال ایجاد می کند آقای دکتر، البته برای واحدهای کوچک صحیح است ولی بعضی مواقع دولت ناچار میشود کارخانجات بزرگی را وارد بکند که به دست خودش و یا شوراها اداره بکند مثال، معادن ذغال، این معادن ذغال که ازکرمان تا طبس زیر زمین ادامه دارد استخراجش رااولا نمیشود دست بخش‌خصوصی داد برای اینکه‌مایهٔ‌حیات اقتصاد کشور است و یا اینکه دولت میخواهد کارخانه ذغالشوئی وارد بکند و مردم را بکار وادارکند و این کارخانه را بکار بیاندازد و ذغال تصفیه شده بدهد به صنایعمان و این را مگر میشود که بخش خصوصی اداره بکند و یا دولت کارفرما نشود؟ دربعضی موارد دولت باید

کارفرما بشود و در بعضی موارد هم شرکتهای تعاونی باید کارفرما بشوند.

**نایب رئیس** — آقای دانش‌راد، میتواند دولت کارفرما نشود یعنی میتواند آنجا را واگذار کند به‌یک تیم بزرگ که آنها با شورای خودشان بتوانند این کارگاه را اداره بکنند و هرقدر هم بهتر کار بکنند و بیشتر ذغالشوئی بکنند بیشتر درآمد خواهند داشت و اگر دیدند بهتر نتیجه میگیرند، بهتر کار خواهند کرد. (بنی‌صدر — و مدیریت غیرمتمرکز چرا بگذارید سرمایه‌دار و غیرسرمایه‌دار فردا هزارتا مصیبت درست میکنند.) نوشتیم کارفرمای بزرگ نه‌سرمایه‌دار، خوب این اصل را برای رأی‌گیری میخوانم :

بند ۲ — تأمین شرایط و وسایل کار برای همه کسانی که توانائی کار دارند ولی قادر برتهیه وسایل کار خود نیستند. ضوابط و کیفیت این تأمین را با رعایت مصالح جامعـــه و برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور، قانون معین میکند ولی به‌هرحال دولت باید به‌صورت‌یک کارفرمای بزرگ درنیاید.

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه آن به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، موافق چهل و دونفر، مخالف چهار نفر، ممتنع هجده نفر. بنابراین، این بند تصویب نشد، برمی‌گردد به‌گروه تا رویش بحث شود.

## ۳ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — جلسه را ختم میکنیم، جلسه بعدی ما فردا خواهد بود.

(جلسه ساعت هفده و پنجاه دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ پنجاه وچهارم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز ششم آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با ششم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی در مورد توطئه افراد ضدانقلاب علیه سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن. . . . . .
۲ — طرح و تصویب بند ۲ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب بند ۳ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب بند ٥ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
٥ — طرح و تصویب بند ٦ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
٦ — طرح و تصویب بند ۷ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
۷ — طرح و تصویب بند ۸ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۱۲۸ (اصل چهل و هشتم). . . . . .
۹ — طرح اصل ۱۲۹ . . . . . .
۱۰ — طرح و تصویب اصل ۱۳۰ (اصل پنجاهم). . . . . .
۱۱ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی در مورد توطئه افراد ضدانقلاب علیه سفارت جمهوری اسلامی ایران درلندن

**نایب رئیس** — رسمیت جلسه اعلام میشود ، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . قبل از اینکه دستور جلسه را آغاز کنیم طبق وظیفه‌ای که همگی در برابر حوادثی که روی میدهد داریم لازم میدانم راجع به یک رویداد خارجی در رابطه با انقلابمان مطالبی را به عرض برسانم. امروز اطلاع دادند که اخیراً در انگلستان فراریان ضدانقلاب که فعلا یکی از مراکزتجمعشان انگلستان است میخواستند به سمت سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن بروند وتمثالی را که از رهبر انقلاب در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن بوده پائین بیاورند ولی جوانان دانشجوی مسلمان متعهدمان قبلا ازاین توطئه باخبر میشوند وبا اطلاع پلیس برحسب گزارش آنها آنجا حاضر میشوند که مانع رفتار ضدانقلابی گردند ولی پس از اینکه آنها میروند پلیس به طرف آنان هجوم میبرند و عده‌ای از دانشجویان ما را میگیرند و به زندان می‌اندازند و بازداشت میکنند. این گزارش امروزتوسط برادرمان آقای بنی‌صدر در جلسه گروهها به‌دوستان داده شده که ایشان به وسیله تلفن این گزارش را از آنجا دریافت کرده بودند. روشن است که ملت انقلابی ما اینگونه‌موضع‌گیریهای خصمانه کشورهای استعماری را علیه‌انقلاب‌اسلامی ما سخت محکوم میکند. ما البته عموماً ازاین استعمارگرانی که منافعشان را در این انقلاب از دست داده‌اند جز این انتظاری نداریم ولی ملتهای این کشورها که ما همواره میخواهیم باآنان روابطی دوستانه داشته باشیم تا کی اجازه میدهند که دولتهایشان با روابط انسانی بین‌المللی اینگونه بازی کنند؟ آیا ملت انگلستان میخواهد از این پس به عنوان ملتی شناخته شود که حامی چنین دولتهائی است؟ ملت ما و رهبری ما وانقلاب ما با تمام‌بخشهایش موضع خودش را مشخص کرده و گرفته است بطوری که روز جمعه بار دیگر ملت پیمان و بیعت خودش را با امام به صورتی شکوهمند تجدید کرد و هر بار لازم افتد این بیعت را تجدید خواهد کرد و امام و رهبری انقلاب و همه کسانی که دراین انقلاب مسئولیتی برعهده دارند با اتکاء به‌تأیید الهی و با اتکاء به این پیوند استواربا خلق و ملت مسلمان انقلابیمان با ملت انقلابی ایران که حتی ایرانیانی که‌مسلمان نیستند هوادار این انقلاب هستند که‌عده‌ای ازآنهادرهمین راهپیمائی روز جمعه به صورت دسته جمعی باز مثل همیشه شرکت کرده بودند.

رهبری انقلاب به همه کسانی که مسئولیتی برعهده دارند با اتکاء به این نیروی‌لایزال در برابر همه توطئه‌ها حداکثر مقاومت و ایستادگی را خواهند داشت اما دولت انگلستان و دولتهای مانند او باید بدانند که با این اقدامات روز بروز وضع خودشان را بدتر میکنند. در دنیای مستضعفان، مستضعفان دنیا که اکثریت سردم جهانند روز بروز صفوفشان در برابر این دولتهای خون‌آشام فشرده‌تر خواهد شد بنابراین انقلاب ما، ملت ما، مستضعفان جهان از این

حرکات زشت و ناپسندیده صدمه‌ای نمی‌بینند و آسیبی به آنان وارد نمی‌شود ولی این دولتها هستند که به یاری خداوند و به یمن پیروزیهای پی‌درپی انقلاب و انقلابها نشان دهنده قیام مستضعفان در برابر مستکبران جهان روز بروز بـه انـزوای بیشتر کشانـده میشوند و روز بروز چهره زشتشان در جهان برهمه آشکارتر خواهد شد. امیدوارم دیگر اینگونه حـوادث در دنیا روی ندهد و دولت انگلستان خودش را موظف بداند هـرچه زودتر ازاین اقدام ضدانسانیش پوزش بطلبد و آن را جبران کند و جوانهـای ما را آزاد کند و امیدواریم دولت موقت انقلاب در موضع و سیاست خارجیش از این نیرومندتر باشد آنقدر قدرتمند و نیرومند باشد که انگلیسیها دیگر به خودشان اجازه ندهند با پاسداران عزیز انقلاب ما و در خارج از ایران با جوانان‌ما و افراد انقلابی ما اینگونه برخورد کنند. این انتظاری است کـه ما از دولت موقت انقلاب و بخصوص وزارت امور خارجه داریم. وزارت امور خارجه باید نقش فعالتر و خلاق‌تری درزمینه سیاست خارجی و شناساندن انقلاب ما به خارج، مبارزه با تبلیغات شوم عمال امپریالیسم در خارج داشته باشد و زمینه را برای اینگونه رویدادهای شوم تنگ کند نه اینکه زمینه را باز بگذارد (انشاءالله).

**یزدی** — وزارت امورخارجه نسبت به این حادثه بخصوص باید رسماً اعتراض بکند.

**ربانی شیرازی** — بفرمائید نیرومندوفعال باشد چون شما فرمودید نیرومندتر و فعال‌تر در صورتی که بنده عرض میکنم نیرومند و فعال زیرا این معنایش این است که نیرومند و فعال هست.

**نایب‌رئیس** — بله بسیارخوب، عقیده برادران این است که «نیرومندتر» را به «نیرومند» و «فعالتر» را به «فعال» تبدیل کنند.

## ۲ — طرح و تصویب بند ۲ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان وارد دستور میشویم. درمورد بند ۲ از اصل ۱۲۷ دیروز بحثها شد، دوستان متعددی دربارهٔ این بند صحبت کردند. هم صحبتها وهم نتیجهٔ رأی‌گیری نشان میداد که برای عده‌ای از دوستان قابل ملاحظه‌مان‌مختصر ابهام وجود دارد و چون نتیجه رأی‌گیری دیروز این بود که چهل و دو نفر رأی موافق و هفده نفررأی ممتنع بدهند، هفده رأی ممتنع نشان دهنده این بود که عدهٔقابل ملاحظه‌ای سؤالاتی دارند برایشان ابهامی‌دارد. در جلسه مشترک گروهها امروز صبح این فرصت را داشتیم که بادوستانی که سؤالات‌ابهام‌آور در این زمینه داشتند بحث کنیم و با دوستانی که نظر مخالف داشتند و رأی مخالف‌داده بودند صحبت کنیم و به نقطه‌های روشن برسیم. حالا بند ۲ را به‌صورت نهائی که امروز در جلسهٔ‌مورد توافق اکثریت قرار گرفت میخوانند و به رأی میگذاریم. (موسوی تبریزی— فقط برای رأی‌گیری بخوانید.) (رشیدیان — چرا بند یک را تغییر داده‌اید؟ بفرمائید درست کنند.) این در چاپ اشتباه شده است چون این را ما تصویب کرده‌ایم واحتیاجی هم نیست، بله حالا اگرمیخواهید رونوشتهایتان را اصلاح کنید بنویسید «امکانات لازم برای‌تشکیل خانواده» آقای‌عرب‌بفرمائید.

**عرب** — این کلمه «تعاونی» مبهم است، کلمه‌ای مثل مشروح یا نظیر این بگذارید که روشن بشود.

**نایب رئیس** — خیر، این اصطلاحی روشن است که کلمه «مشروح» و امثال آن همه

در آن وجود دارد و جای نگرانی نیست. آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — البته همانطور که دوستان تصمیم گرفته‌اند بنده یک سؤالی دارم که به نظر میرسد در اینجا اول باید نظام اقتصادی به اصطلاح از نظر بخش دولتی و تعاونی تا اندازه‌ای روشن بشود چون این کلمه‌ای که به شکل تعاونی اینجا آمده است با توجه به‌جمله‌های بعدی نشان میدهد که در تعاون اینجا یک تصور خاصی هست. با آنکه در تعاون ذینفع بودن و منفعت و اینطور چیزها نباید باشد اینجا در شکل تعاونیش به نظر میرسد که تصور خاصی ازشکل تعاونی هست. خوب بود اول آن اصل اولیه‌ای که نظام اقتصادی اسلام را در این قانون بیان میکند از نظر بخش تعاونی و دولتی و خصوصی، شکل تعاونیش مشخص بشود تا ما ببینیم چه تصوری از این تعاون میشود. به نظر میرسد یک قدری از نظر حقوقی هم آن تصوری که در تعاون هست مراعات نشده است یا اینکه دوستان تصور جدیدی ازشکل تعاون میکنند، یکی هم راجع به«اشتغال کامل» است، به خاطر آنکه ما نمی‌خواهیم فقط مردم مشغول باشند، لذا بنده پیشنهاد میکنم به جای «اشتغال کامل» بگذارید «در راه تولید» که معلوم بشود مملکت در راه تولید دارد کار میکند اگر دوستان صلاح بدانند خواستم درباره این دو موضوع جواب بدهند و اگر هم صلاح نمی‌دانند و میخواهند تصویب کنند خوب است که بخش تعاون را در آن بخش خاص خودش بیاورند و خوب تشریح بکنند که تعاون کاملا روشن شود.

**نایب رئیس** — این تذکر را صبح هم یکی دیگر از دوستان دادند عرض شد که ما به این بندها یکی دو سه بند اضافه کنیم که این اصل تکمیل بشود از جمله بیان اینکه‌سیستم اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، بخش‌های دولتی، که به صورت تعاونی درمی‌آوریم تا نظر دوستان هم تأمین بشود. (بنی‌صدر — آن یک اصلی است علیحده.) (مکارم شیرازی — این کلمه «تعاونش» ناقص‌است.) بله این را «تعاونیش» میکنند که درآینده‌اشکالی‌پیش‌نیاید.

**مکارم شیرازی** — در برابر سیستم سرمایه‌داری با منع انحصار و احتکار و تمرکز ثروت، این سرمایه‌داری نیست سیستم اقتصادی را در همین‌جا باید بیان کنیم. اگر در برابر اصلهای دیگر این خودش یک اصلی بشود اینجا فقط کلمه «سیستم» را بیاوریم. بعد آن بندها اصلی میشود در کنار اصلهای دیگر، شما چه سیستمی دارید؟

**بنی‌صدر** — فعلا به عقیده بنده این را تصویب بفرمائید بعد آن را یک اصل میکنیم.

**نایب رئیس** — اینجا دو مسأله است، یکی اینکه با این مقدار زیاد وقتی که هم دیروز و هم امروز صرف کردیم میدانیم که این مورد تأیید ما است بنابراین،برای رأی‌گیری‌میخوانیم بطوری که گفته شد کلیه آن چیزهائی که مشخص کننده چهره نظام اقتصادی ما هست باید در این بخش آورده بشود.

**منتظری** — اینجا یک اصلاح لازم دارد بنویسید «به نحوی که نه به تمرکز و نه‌اقتصاد لطمه بزند» عبارت بهتر میشود.

**نایب رئیس** — بسیار خوب این را آخرکار اصلاح خواهیم کرد. خواهر گرجی‌بفرمائید.

**خانم گرجی** — این جمله « از راه وام بدون بهره یاهرراه مشروع دیگر» باز راه استفاده‌ها را باز میکند یعنی اگرکسی بخواهد سوءاستفاده بکند میتواند. این را طوری بنویسید که تا اندازه‌ای جلو بعضی سوءاستفاده‌ها را بگیرد.

**نایب رئیس** — ما دراین باره بحث کردیم و زیاد رویش صحبت شد و بحثمان هم تکمیل شد اجازه بدهید برای رأی‌گیری بخوانم. (مکارم شیرازی — درباره اینها زیاد بحث شده است.) بله، صبح در این باره زیاد بحث شد و حالا فقط برای رأی‌گیری میخوانم:

**بند ۲ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)** — تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود، نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورتهای حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری نسبت به بند ۲، عده حاضر در جلسه شصت و دو نفر، تعداد کل آراء شصت و دو رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع سه رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**نایب رئیس** — آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — یک مطلب را من لازم میدانم تذکر بدهید این بند ۲ همان بند دیروزی نیست، چه بسا استبعاد شود که چطور دیروز هفده رأی ممتنع داشته است و امروز همه موافقت کرده‌اند.

**نایب رئیس** — این را شنونده‌ها مقایسه میکنند، چون می‌بینند این بند نسبت به بند دیروز در آن جهت نفی سرمایه‌داری خلاف اسلام روشن تر و قوی‌تر و قاطع‌تر است و حالا که جنابعالی این را فرمودید من یک تذکری دیگر هم اینجا بدهم. من درسخن روز جمعه این بند را به عنوان آن راهی که چون زیاد سؤال میکردند، آینده‌ای که اقتصاد جمهوری اسلامی باید به‌سوی آن برود درروزراهپیمائی مطرح کردم ودرآنجا جمله‌ای گفته بودم که آن سوءتعبیر کن هائی که همیشه آماده هستند شنیدم دو سؤال در باره‌اش مطرح کرده‌اند. یکی اینکه گفته بودیم کسانی که میخواهند هنوز سرمایه‌داری داشته باشند میگویند سرمایه‌دارها میرنجند و و میروند و آن کسانی که دنباله‌روی سرمایه‌دارهای قبلی هستند بروند و عده‌ای هم خیال کرده بودند که میگوئیم سرمایه‌هاشانرا هم بردارند و با خودشان ببرند، خیر باید سرمایه‌هاشانرا بگذارند و خودشان بروند و یک جملهٔ دیگری که گفته بودم این بود آنهائی که مؤمن به انقلاب هستند بمانند، جواب داده بودند مگر میشود کسی که مؤمن به انقلاب است سرمایه‌دار هم باشد؟ این پاسخ را من در روزنامه جمهوری‌اسلامی هم دادم کسانی که سرمایه مختصر وعادی داشتند و خودشان هم در خلال انقلاب از این وضع و نظام سرمایه‌داری بیزار بودند و اینها واقعاً جزو نیروهای انقلاب بودند و حتی به اینها میگفتیم که اگر انقلاب پیروز شد این کارگاه کوچکت را عادلانه اداره بکنی، از این محدودتر کنی آنها میگفتند ما حاضریم به‌مراد ومطلوب برسیم حتی آنچه را هم که برای ما باقی مانده است بدهیم. اینها هستند کسانی که ما گفتیم باید بمانند و به پیشبرد این انقلاب کمک کنند. همانطور که میفرمائید اصل بحمدالله کاملتر و روشنتر از آنچه دیروز آوردیم امروز با اکثریت رأی دوستان هم صبح و هم حالا تصویب شد. امیدوارم با تأیید خداوند متعال ما بتوانیم آن نظام اقتصادی اسلامی را که درآن آزادی

فعالیتهای اقتصادی و تولیدی برای افراد هست و دولت‌سالاری اقتصادی نیست ولی در عین حال این فاصله‌های کشنده میان زندگی و درآمدها هم نیست و مردم میتوانند واقعاً از نظر اقتصادی احساس برادری نسبت به یکدیگر داشته باشند بوجود بیاوریم تا نمونه تازه‌ای در اقتصاد جهان باشد. آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — سخنرانی روز جمعه را اگر انصاف بدهیم، خوب سخنرانی قابل کنترل نیست جای سوء تفاهم در آن بود اما این چیزی که اینجا تنظیم شده است با آن سخنرانی فرق دارد چون همه آقایان همفکری کردند، زیرا نفی تمام مکتبهای سرمایه‌داری و غیرسرمایه‌داری غیراسلامی در اینجا بحمدالله متمرکز است. (ربانی املشی — آن سخنرانی جای هیچگونه سوء تفاهمی نداشت.)

**نایب رئیس** — اجازه بدهید آقا متشکرم، به هر حال آنچه مهم است اینست که ملت ما بدون اینکه مخالفان پیروزی انقلاب اسلامی ما میخواهند این انقلاب را به‌اصطلاح خودشان یک انقلاب بورژوازی جا بزنند این را همه‌مان محکوم کنیم، چون انقلابی است اسلامی نه مارکسیستی است و نه کاپیتالیستی و بورژوازی بلکه انقلابی است اسلامی در همه ابعادش و بخصوص در بعد اقتصاد که باید صریحاً موضعش مشخص و روشن و اسلامی باشد.

## ۳ — طرح و تصویب بند ۳ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس** — بند ۳ مطرح است که قرائت میشود.

بند ۳ — منع اعمال زور برای تحمیل کار به دیگری به منظور بهره‌کشی از کار دیگری.

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — اولا پیشنهاد میکنم این «تنظیم برنامه» که چهارم است سوم بشود و بعد هم چند تا منع است که دنبال هم می‌آید اصلاح بشود. (نایب رئیس — بلی ، این عیبی ندارد.) بله، باید عبارت را اینطور بنویسیم «منع اعمال زور به منظور تحمیل کار بر دیگری یا بهره‌کشی از کار دیگری». (نایب رئیس — بله، خوب است، این یک تلخیص است.) بله، به نظر من هم یک تلخیص خوبی است.

**نایب رئیس** — ممکن است کلمه «به منظور» را بردارید و کلمه «برای» را بگذارید که عبارت به این صورت می‌شود «منع اعمال زور برای دیگری با بهره‌کشی از کار دیگری» اشکالی که نیست؟ آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

**موسوی تبریزی** — منع اعمال زور برای تحمیل کار به دیگری علی اطلاقه صحیح نیست چون ما باید بیکاره‌ها را به کار واداریم باید بگوئیم «منع اعمال زور بر تقدیر کار» چون در اسلام بیکاره نباید داشته باشیم. در روایت هست که روزی جوانی خدمت پیغمبر (ص) رسید حضرت فرمودند خیلی از قیافه‌اش خوشم آمد بعد سؤال فرمودند این جوان چکاره است؟ عرض کردند که بیکار است فرمودند «سقط من عینی» از چشمم افتاد. جوابی نداد که من چه کار کنم. باید بیکاری را از جامعه برداشت و به آن خاتمه داد.

**نایب رئیس** — آقای موسوی یعنی میفرمائید اگر کسی بیکار است زندگی او را تأمین میکنید یا او را برمی‌انگیزید؟ میخواهید در جامعه آینده انگیزه‌هائی بوجود بیاورید که در قبال این انگیزه‌های اقتصادی هیچکس بیکار نماند یا اینکه مأمور پلیس برود از توی

خانه‌اش بیاورد و ببرد در کارگاه و کارخانه سر کارش بگذارد. (موسوی تبریزی — اگر یکنفری گردن کلفتی کرد باید اسلام او را وادار به کار بکند؟) خیر آقا به گردن کلفت نمی‌دهیم بنده عرض میکنم که به او نمی‌دهیم که فقط بخورد و بپوشد وقتی هم که چیزی ندادید مجبور میشود برای رفع گرسنگی برود دنبال کار.

**اکرمی** — کلمه «زور» که اینجا نوشته شده است مبهم است. آیا این مقصود نظامی است، سیاسی است، اقتصادی است؟ چیست؟

**نایب رئیس** — یعنی همه جور اعمال زور، هرنوع که باشد.

**رشیدیان** — ما که منع اعمال زور را برای تحمیل کار نوشتیم و بطوری که یکی دو روز قبل هم پیشنهادی خدمت جنابعالی فرستادم که این مسأله را یک قدری وسیع‌تر بگیرند چون الان در سراسر مملکت‌عده‌ای بیکارند حتی در بعضی ازکشورهای آفریقائی و آسیائی کودکان را به کار می‌گمارند در صنایع دستی و غیر دولتی ازکودکان استفاده میشود و این بزرگترین ستمی است بریک نسلی که استعدادهای شگرفی دارد باید جلوی این را بگیریم. در گذشته در قبال کار این مسائل وجود داشت و الان هم فقر بر جامعه حاکمیت دارد و تورم هم‌بسیار است که این خانواده‌ها را مجبور میکند که از کودکان ده دوازده‌ساله برای امرار معاش استفاده کنند. بنابراین خوب است که بگوئیم و نفی استثمار از کودکان‌و همه کسانی که در سن کارگری نیستند و برای کار آمادگی ندارند. مسأله دیگریست که همانطور که آقایان هم یادآوری کردند مسأله روشندلان است و کسانی که‌واقعاً به جهاتی نمی‌توانند کار بکنند خوب است که یک‌عبارت یا یک اصلی هم برای این روشندلان اضافه بکنیم و بگوئیم کسانی که واقعاً قادر به کار نیستند به حکم «لایکلف‌الله نفساًالا وسعها» اینها هم از درآمد عمومی یا انفال یا سمر دیگری امرار معاش بکنند. (نایب رئیس — فقط همه از جامعه انتظار دارند که امکان کار به آنها بدهند.) بنده متوجه نشدم که به این مسائل گاهی‌سوء تعبیر میشود عرض کنم خدمتتان اینها خودشان تقاضا کردند و نامه‌ای را هم که خدمتتان فرستاده‌اند مطالعه بفرمائید و روی خواسته‌هاشان عمل بکنید.

**نایب رئیس** — البته برادر عزیز، جامعه ما در برابر آنها متعهد و موظف است. آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — این عبارت سلیس نیست «منع اعمال زور برای تحمیل کار به دیگری» و بعد هم مواردی هست که نمی‌توانیم آن موارد را داخل کنیم، مثل اینکه از طرف دولت افرادی را مجبور میکنند یعنی افرادی که نمی‌خواهند کار بکنند افرادی که کل بر جامعه هستند «ملعون من‌القی کل علی‌الناس» دولت به نوعی ولو به اجبار هم که باشد باید اینها را وادار به کار کند آنچه ممنوع است این است که بازده ما جوابگوی صحیح باشد ، بازده در صورت ضرورت متعلق به آن شخص باشد که کار میکند این مانعی ندارد و اصلاحی که اینجا هست صحیح نیست «منع اعمال زور برای تحمیل کار» علی‌الظاهر این است که تحمیل میکند کار را به شخصی که خودش بهره‌برداری میکند، پس این باید اصلاح بشود.

**نایب رئیس** — آقای دانش‌راد بفرمائید.

**دانش‌راد**— ما از این جمله این طور میفهمیم که ظاهراً نیروهائی هست که مردم را وادار می کنند بروند و تسلیم بهره کشی بشوند در حالی که شرایط اقتصادی حاکم است که

ایجاد بهره‌کشی میکند و به عقیده بنده بهتر این است که این جمله را به این ترتیب اصلاح بکنیم «برقراری شرایط اقتصادی نامناسب» که از بهره‌کشی خارج از حد و اجبار شخص به قبول کاری که مورد علاقه‌اش نباشد جلوگیری بکند. به نظر من این کاپیتال است برای اینکه این روزها کسی نمی‌آید و به‌زور فردی را ببرد و بگوید اینکار را بکن. این شرایط حاکم بر اوضاع اقتصادی که در رژیم گذشته بود ان‌شاءالله درآینده نیست که وادار بکند مردم را که بروند برخلاف میل خودشان تن به بهره‌کشی و کاری بدهند، شرایط را نفی بکنید.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — به عقیده بنده به جای آن فراز اول «منع اعمال زور برای تحمیل کار جبری» اصطلاحاً این را کار اجباری میگویند و خیلی هم مصطلح است بنویسند «کار اجباری» و بهره‌کشی یا بهره‌گیری در همه موارد ممنوع نشده است بلکه غیرعادلانه‌اش مورد خشم وغضب مردم و خداوند است و در فراز دوم هم نوشته بشود «بهره‌گیری غیرعادلانه از کار دیگری»، ممنوعیت کار اجباری و بهره‌گیری غیرعادلانه از کار دیگری.

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — بنده در توضیح فرمایش بعضی از آقایان خواستم عرض کنم که در فقه اسلامی بعضی از موارد مثلا موقعی که مورد نیاز جامعه باشد اجبار هم پیش‌بینی شده است مثلا جامعه احتیاج به طبابت دکتر داشته باشد و یا امثال اینها، واجب کفائی است و ولی‌امر میتواند بعضی از متخصصین را اجبار به کار بکند. گرچه مسلماً این مورد نظر نیست ولی میخواستم بدانم اطلاقش شامل میشود یا نه؟

**نایب رئیس** — اگر دوستان احساس میکنند که این بند نارسائی دارد اجازه بفرمائید که این را فردا بتوانیم یک مقداری رویش نظر بدهیم.

**موسوی تبریزی** — به عقیده بنده اگر حرف «یا» را بردارید عبارت درست میشود یعنی بنویسید «منع اعمال زور و تحمیل کار به دیگری به منظور بهره‌کشی...».

**تهرانی** — اینجا دو مطلب است. یک مطلب اینست که دیگر نمی‌شود مثل زمان طاغوت کسی را اجبار کرد زیرا آن موقع حتی افرادپس ازاینکه استعفامی کردند آزادشان نمی‌گذاشتند و زندانشان می کردند. و مطلب دیگر اینکه...

**کیاوش** — زندان هم که میبرند کار اجباری است. این بند اشاره به ممنوعیت کار اجباری است و دوم هم مربوط به بهره‌گیری است و هر بهره‌گیری که گناه نیست.

**خامنه‌ای** — اعمال زور برای تحمیل کار را پیش‌بینی کرده‌ایم ولی برای وادارکردن به ترک کار را که ظاهراً هم مناسبت دارد پیش‌بینی نکرده‌ایم.

**نایب رئیس** — آن مربوط به‌این اصل نیست خوب اگر کارخرابی‌بود جلویش رامیگیرند. آقای نبوی بفرمائید.

**نبوی** — نظام وظیفه عمومی چه میشود؟ (بنی‌صدر — آنکه وظیفه است.)

**نایب رئیس** — اینکه شما میفرمائید غیر از شغل است ما حالا در بحث اقتصاد هستیم.

**خامنه‌ای** — یک وقت کسی را میکشند و می‌آورند که به کاری وادارید، نقطه مقابلش اینست که کار کارفرمائی و یا کسی که مشغول کاری هست و یا کاری برای خودش میکند ممانعت کنند و او رامجبور کنند که کارش را رها کند و البته کارمباحی را.

**نایب رئیس** — در این مورد یک بند دیگر داریم. البته غیر از اینکه منع اضرار به‌غیر هست ما یک اصلی هم داشتیم که استفاده از مالکیت باید طوری باشد که عرصه کار را بر دیگران تنگ نکند. ما این بند را چون چند نفری رویش نظر مخالف دارند و چند نفرهم رویش نظر اصلاحی دارند اصلاحات هم اصلاح لفظی کوچک نیست مانند اینکه گفتند «به منظور» را بردارید. اگر از این قبیل باشد میشود حالا اینکار راکرد. حالا اگر دوستان موافق هستند پیشنهاد آقای دانش‌راد را بخوانیم: «برقراری شرایط اقتصادی مناسب به نحوی که از بهره‌کشی فرد از فرد و اجبار فرد به قبول کاری برخلاف میل او جلوگیری شود». (همهمه نمایندگان) پس حالا که این هم مورد نظر آقایان نیست پس خود این بند را اول با دست نظرخواهی میکنیم «منع اعمال زور برای تحمیل کار به دیگری یا بهره‌کشی ازکار دیگری» موافقین با این بند دست بلند کنند ببینیم چند نفر موافق هستند (عده‌ای دست بلند کردند) خوب این عده کافی نیست اجازه بدهید که چون پیشنهادات متعددی رسیده است که مختلف است بنابراین طبق سنتمان عمل میکنیم و فردا آن را مطرح میکنیم حالا بند چهار قرائت میشود. (منتظری — این را بند سه کنید.) بسیار خوب بند سه قرائت میشود.

بند ۳ — تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت فنی و ابتکار داشته باشد.

**نایب رئیس** — آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — به نظر من «شکل و محتوا» در اینجا زیاد است تنها «ساعات کار» مسأله را تأمین میکند.

**نایب رئیس** — خیرآقا به شکل و محتوای کار بیشتر میتواند مربوط باشد تا به‌ساعات کار. (سبحانی — خود کار نمی‌تواند سازنده باشد.) آقای سبحانی اینکه روشن است آنچه مانع چنین فرصتی میشود گاهی زیادی ساعات کاراست، گاهی شکل کار است و گاهی محتوای کار است. بنابراین سه عامل هست که دراین اثر میگذارد و خیلی موضوع روشن است. آقای عرب بفرمائید.

**عرب** — این بند مبهم است و هرکارفرمائی هر سوءاستفاده‌ای میتواند از این بکند باید بی‌تفاوت باشد یعنی تبعیض نباید باشد مثلا یک‌جا چند ساعت باشد و یک‌جا دوازده ساعت.

**نایب رئیس** — کارها مختلف است بعضی کارهااست که روزی‌چهارساعت میشودانجام داد و بعضی روزی شش ساعت.

**عرب** — خیلی خوب اگر مختلف باشد در آئین‌نامه‌شان به رضایت کارگر آنجا تنظیم میکنند ولی در اینجا برای سراسر مملکت نوشته شده است.

**نایب رئیس** — آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — به عقیده بنده قسمت «افزایش مهارت فنی و ابتکار» که از صفات مربوط به شخص است جلو بیاید و «شرکت فعال» که مربوط به مسائل اجتماعی است بعد بیاید وبعد هم باید نوشته شود «شرکت فعال در پیشبرد کشور» نه در رهبری کشور.

**نایب رئیس** — معنای «رهبری» اینست که حق بهترین نوع رهبری کشور آنست که واقعاً هرانسانی در امامت و رهبری جامعه بتواند سهیم باشد. اینکه خیلی خوب‌است‌وتوضیحات

بیشتر را در این مورد کسی که به عنوان موافق صحبت میکند جواب میدهد. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — عرض کنم تنظیم برنامه اقتصادی میکنیم که برنامه‌ریزی که‌در بند ۲ هم اشاره شد طوری برنامه‌ریزی میکنید دولتی که حالت‌ارشادی دارد که تمام امور اقتصاد مملکت و تولید را که کارگر، ساعت کارش و نحوه کارش جور معینی باشد که اینطور باشد و با این شرایط باشد، تمام این‌ها دربرنامه اقتصادی و تولید ملی و محاسبات بزرگ کشور اثر دارد. اشاره کردند که ساعت کارشان مجمل است. البته ما هشت ساعت کار نباید داشته باشیم و این را در قوانین کار باید بیاوریم ولی کمتر از هشت ساعت کار هم داشته‌ایم برای کارهای دشوار ولی توجه به شکل و محتوا خیلی وضع را عوض میکند چون محتوا و شکل ظاهرش اینست که مثلا ما اصل عمل چه جور فرض کردیم، کارگر معدن نحوه کارش طوری است که‌چهارساعت‌یا شش ساعت کار او را خسته میکند یا کسی که با مواد شیمیائی سروکار دارد این فرض‌اینست که بعد از فراغت از کارش فرصت مطالعه و خودسازی پیدا نمی کند یا نمی‌تواند به حزب‌برود و این کار را بکند. این ارتباط تنظیم برنامه اقتصادی درآن سطح‌وسیع که خیلی بزرگ است به این دو سه تا به این سادگی نیست و بعد هم عقیده‌ام اینست که عبارت «خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی» مجمل است و همچنین در عبارت «شرکت فعال در رهبری کشور» منظور شرکت فعال در رهبری نیست بلکه درسیاست عمومی است منتها باید اضافه کنیم «به مقتضای مسئولیت اجتماعی» این را ما نمی‌توانیم به هیچ‌وجه بفهمانیم که رهبری کشور همان عملی است که درسطح پائین شوراها انجام میدهند. شوراها رهبری نمی کنندمسئولیت اجتماعی‌شان را انجام میدهند و مقام رهبری نقطه رأس رهبری است.

**نایب رئیس** — ببینید دوستان چون این سؤال طرح شد البته من موافقم که یک نفر موافق جواب بدهد ولی برای جلوگیری از تکرار گویا کوتاهتر باشد که من دو جمله‌ای عرض کنم. بهترین نوع رهبری در یک جامعه اینست که فرد یا گروه یعنی آنهائی که در رأس مخروط جامعه قرار دارند بازگوکننده شعار و آرمان خود مردم باشند یعنی همان چیزی که امام‌خمینی در این انقلاب مکرر رویش تکیه کردند و همان چیزی که رمز پیروزی انقلاب‌است یعنی رهبر نمی‌آید واقعاً راهی را نشان بدهد که به ذهن مردم نرسیده باشد و مردم به‌کلی از آن بیگانه‌اند. اینطور نیست، رهبر می‌آید متبلور و مشخص میکند همین خواست و راهیابی پراکنده شده در توده را و این بهترین نوع و سازنده‌ترین و نیرومندترین پیوند رهبر و مردم است، و چه وقت اینطور میشود وقتی که افراد جامعه از نظر گرفتاریهای اقتصادی فرصتی برای بخود اندیشیدن و بخود آمدن و به اوضاع اندیشیدن و چاره‌اندیشی‌و راهیابی کردن نداشته باشند زیرا تا تک تک مردم به صورت راهیاب و چاره‌جو برنیایند و واقعاً فکرها و اندیشه‌ها و احساساتشان به صورت یک سیل خروشانی که میخواهد راه بازکند درنیاید، اصلا رهبری واقعی سازنده و کارساز بوجود نمی‌آید و هروقت یک چنین پیوندی بین رهبر و مردم بوجود آمد آن موقع است که حرکت‌ها به آسانی و خوبی و به‌طور خالص به‌ثمر میرسد. من اینطور فکر میکنم که این اصل درست در جهت امامت اسلامی اصیل تهیه شده است. آقای بشارت‌بفرمائید (بشارت — عرضی ندارم.) آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان**— مطالب را شما فرمودید فقط میخواهم‌بگویم که ساعات کار مطابق با توان

انسان باشد که شاید در این بند آورده شده باشد و یک مطلبی هم راجع به رهبری اگر اجازه بفرمائید میخواهم بگویم. من اینطور فهمیدم که با انتخاب رهبر درجامعه اسلامی خود انسان نیزآنقدررشد پیدا کرده که میتواند رهبری صحیح خودش را انتخاب کند که میشود رهبر یعنی هم راهرو هم رهبر، یعنی در صراط دارند با هم حرکت میکنند کما اینکه الان میگویند ما در خط امام هستیم و وقتی که گفتند ما در خط امام هستیم یعنی همان حرکت رهبر را انجام میدهیم. یعنی یک حرکت هماهنگی است که مانند یک پیکر همه با هم انجام میدهند.

**نایب رئیس** — متشکرم آقا، آقای موسوی اصفهانی بفرمائید.

**موسوی اصفهانی** — مشکلاتی که تا به امروز برای کارگران مطرح بوده است این بوده است که مجبور بوده‌اند برای تأمین زندگیشان آنقدر کار کنند که به استراحت و تفریحات سالم نرسند و برای آنها موجب بیماریهای مختلف میشد. بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود برای فرصت کافی و استراحت و تفریحات سالم و خودسازی معنوی...

**نایب رئیس** — این موضوع در این بند هست ذکر آن فقط یک کمی از اوج آن میکاهد والا حرفی نیست. آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — قسمتی از مطلب را آقای خامنه‌ای اشاره کردند. این اصل میخواسته بگوید که فراغت کافی داشته باشند ولی هم کلمه فرصت و هم کلمه فراغت باز هم به نظر من کافی نیست و باید نوشته شود «و امکانات کافی» زیرا ممکن است من فراغت داشته باشم ولی امکان اینکه استفاده از فراغت بکنم نداشته باشم، به این جهت این مطلب باید اضافه شود.

**نایب‌رئیس**— چون این موضوع نظر دوستان راجلب کرده‌است اگرموافقید کلمه «فرصت» را برداریم و بنویسیم «فراغت و امکانات کافی».

**منتظری** — چون ساعات کار با فرصت مناسب است و شکل و محتوا با توان مناسب است پس باید بنویسیم «فرصت و توان کافی برای خودسازی» برای اینکه من که چهار ساعت کار کرده‌ام و کارم طوری بوده که تاده ساعت بعد خستگی دارم پس باید کارم جوری باشد که توان داشته باشم.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای**— پیشنهادمیکنم به‌جای«تنظیم برنامه اقتصادی»نوشته شود «تنظیم برنامه کار».

**یزدی** — مسأله شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی امکان میخواهد و امکاناتش در بند اول است. اینجا فقط یک کلمه «توان» باید اضافه کنید. (بنی‌صدر— حق با آقای یزدی است یک کلمه «توان» بگذارید تا کار تمام شود.)

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای ملاحظه بفرمائید که فقط مسأله کار نیست موضوع برنامه کل اقتصاد است یعنی حتی مسأله نرخها و روابط اقتصادی و تمام اینها در این موضوع مؤثر است، سر کار فقط کار را نفرمائید. آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی**—منظورازشرکت‌فعال‌دررهبری کشور، هدایت‌وامربه‌معروف‌ونهی‌ازمنکر که نیست، واصلاحی که دراینجا داریم معلوم است که رهبر یعنی‌چه وشرکت فعال در رهبری کشوریعنی همه رهبر باشند ومفهومی ندارد. بنابراین باید نوشته شود «شرکت درتأیید رهبری کشور» یابه این صورت باشد یا به‌هر صورتی که صلاح می‌دانید ومطلب همان است که آقای خزعلی فرمودند.

**صدوقی**— آقایان ید طولائی دارند برای خراب کردن یک چنین بندی. هر کسی یک چیزی می‌گوید وآن را خراب می‌کند. (تهرانی— رأی بگیرید بحث کافیست.)

**نایب‌رئیس**— دوستان پیشنهاد کفایت مذاکرات می‌کنند البته نوبت‌ها محفوظ است. آقای عرب بفرمائید.

**عرب**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. به‌نظر من ساعات کار باید چنان باشد که کارگر فرصت داشته باشد برای خودسازی وسایر کارها. کارفرما می‌گوید که ساعت کار چنان باشد یعنی پانزده ساعت کار کردن. کارگر چکارش کند و دیگری برای اینکه ضربه به اقتصاد و تولید مملکت بزند می‌گوید ساعت کار یعنی شش ساعت کار کردن چکارش می‌کنید؟ خوب ساعت کار راسعلوم کنیدویک مطلب‌مبهمی را روشن کنیدبعدآنوقت درمجلس‌شورای‌ملی تفاوت‌هایش را معلوم می‌کنند اما اگر بنویسیم ساعت کار چنان باشد این مبهم است و هرکس از آن سوءاستفاده می‌کند هم برای کم کاری وهم آن افرادی که می‌خواهند ازکارگر کار بیشتری بکشند ومزد کمتری بدهند. پس خوب است که الان اینجا معلوم کنید چه بسا افرادی که می‌خواهند ازکارگر چندین ساعت کار بکشند وحتی شب کاری هم به‌آنها نمی‌دهند. داریم می‌بینیم که حقوقش را نمی‌دهند ولی دوساعت اضافه کاری در روز برایش‌می‌نویسندویک‌عده‌ای دیروزآمده بودند با من صحبت می‌کردند. پس این برنامه‌ها هست ما حالا تصورنکنیم که همه ابوذر وسلمان شده‌اند. افرادی که انسانیت را برمبنای اقتصاد می‌شناسند تا بخواهند اصلاح بشوند خیلی طول می‌کشد. باید حالا قانونی تصویب کنید که رضایت خدا وانبیاء و خلق خدا درآن باشد واین به عقیده بنده مبهم است و روشن نیست.

**نایب‌رئیس**— آقای عرب ببینید، این قانون اساسی هست وکارفرما یاهرکس دیگر نمی‌تواند به این قانون استناد کند وساعات کار را بعداً قانون کارکه درمجلس آینده تنظیم می‌شود با صراحت برپایه این اصل تنظیم می‌کند اینست که توجه داشته باشید که قانون اساسی رأساً اجرا نمی‌شود. قانون اساسی پایه‌تقنین قانون‌های مفصل‌تربعدی‌است و این نکته‌ای **را که می‌**فرمائید درآن قانون تأمین می‌شود، دیگراشکالی ندارد؟ (عرب—خیر.) (تهرانی— **رأی** بگیرید آقا.) خوب آقایانی که نوبت‌گرفته‌اند اگر اجازه می‌فرمایند پیشنهاد دوستان کفایت مذاکرات است. پس‌موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند. (اکثریت دست بلند کردند) بنابراین... (گلزاده غفوری— بنده عرضی دارم.) آقای دکتر غفوری دوستان پیشنهاد کفایت مذاکرات کرده‌اند. به‌عقیده جنابعالی ازنظر رعایت نظم جلسه‌بنده چکارکنم؟(گلزاده غفوری— بنده فقط یک کلمه می‌خواهم عرض کنم.) بفرمائید.

**گلزاده‌غفوری**— هرکاری یک‌شکل‌دارد، یک محتوا دارد، ویک ما بازاء. بنده خواستم ماباازاء آن به‌صورت توصیه ونصیحت نشود وضامن اجرا داشته باشد.

**نایب‌رئیس**— حالااگردوستان اجازه می‌فرمایند برای رأی‌گیری بخوانم: «بند۳— تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا وساعات کار چنان باشد که هرفرد علاوه‌بر تلاش شغلی فرصت وتوان کافی برای...» (کیاوش— این مسأله مهمی است‌آقا. باید درساعت فراغت باشد.) آقای کیاوش من دارم برای رأی‌گیری می‌خوانم. (کیاوش— آقا این ایراددارد اگر درساعت فراغت نباشد...) آقای کیاوش پس‌بفرمائید کفایت مذاکرات بی‌کفایت‌مذاکرات. بند۳ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**بند ۳ اصل ۱۲۷ (اصل چهل‌وسوم)**— تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که‌شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هرفرد علاوه برتلاش شغلی فرصت وتوان کافی برای خودسازی‌معنوی، سیاسی، اجتماعی‌وشرکت‌فعال دررهبری کشور و افزایش مهارت فنی‌وابتکار داشته باشد.

(اخذرأی به‌عمل آمد ونتیجه آن‌به شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس**— نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر درجلسه هنگام اخذرأی شصت‌ودونفر، تعداد کل آراء شصت‌وسه رأی، یک‌رأی خارج‌شد، آراء موافق شصت رأی، آرای مخالف هیچ، آراء ممتنع دو رأی، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیرگفتند).

**مکارم‌شیرازی**— بندهای‌باقیمانده را یکجابخوانید بند، بند دیگر فایده نداردمسائلش هم معلوم است (عده‌ای از نمایندگان— بلی، یکجا بخوانید.)

## ٤ — طرح و تصویب بند ٥ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس**—یک تذکر در مورد بند ٥و٦ ، در بند ٥ ربا و احتکار و انحصار منع‌شده و اینها تا حدودی از مصادیق اضرار به‌غیر است وتا حدودی هم از مصادیق معاملات حرام وباطل، ربا معامله حرام وباطل است، انحصار یا احتکار اضرار به‌غیر است بنابراین می‌توانیم این دوبند را یکی کنیم بدین‌صورت که «منع‌اضرار به‌غیر و انحصار و احتکار و ربا و معاملات حرام وباطل دیگر» (ربانی شیرازی— این از دومجرا است یکی از راه سرمایه داری...) چرا سرمایه‌داری را نفی می‌کنید؟ برای اینکه اضراربه‌غیر است؟ حالا پیشنهادااینست که منع‌اضرار به‌غیر و انحصار و احتکار وربا وهمه‌معاملات باطل‌وحرام. (تهرانی— بنویسید «ودیگرمعاملات باطل وحرام». ) بلی نظر من‌هم اینست که کلمه «دیگر» صحیح است یعنی «دیگر معاملات باطل و حرام» خوب در این بند بحثی هست؟ عده زیادی اسم نوشته‌اند . آقای طباطبائی نظر حضرتعالی چیست ؟

**طباطبائی**— اضرارگاهی معارض است با نفی حرج یعنی جلوگیری از اضرار معارض است با نفع مالک بدین معنی که مثلا می‌خواهد چاهی بکند که به غیر اضرار دارد ولی جلوگیری‌از کندن چاه موجب حرج برای خود وی می‌باشد .

**نایب‌رئیس**— آنچه آقای طباطبائی مطرح می‌کنند اینست که فرض می‌کنند موردی‌را که تصرف کسی در ملک خود موجب ضرر برای‌دیگری وعدم‌تصرف موجب‌حرج برای‌خودش می‌شود. آیا درچنین موردی باز حکم این بند جاری است؟ (مکارم شیرازی— آن یک مسأله فقهی است.) (کرمی— درموضوع لاضرر به عنوان مجمل صحبت کردیم .) دوستان در پاسخ این سؤال دو نکته دارند. یک نکته حلی، به اینکه آیا اصولا ادله نفی حرج مربوط است به رابطه مکلف بامکلف وخداوند متعال؟ یا اینکه در رابطه میان دومکلف هم نقشی دارد؟ این واقعاًیک‌سؤال است، یک مسأله دیگراینکه به‌هرحال آنچه اینجا می‌گوئیم کلیاتی است که اگر بعدها با هم متزاحم شدند بالاخره باید راه حلی برای آن فکر کنیم. (اشراقی— تعارض لاضرر در حد تسلط است.) بلی آقا. آقای صدوقی بفرمائید .

**صدوقی**— خود قاعده‌لاضرر هم تخصیص خورده است، نمی‌شود همه‌چیز راگفت .

**نایب رئیس**— دوستانی که اینهمه اسم نوشته‌اند چه مطلبی دارند؟ (مکارم‌شیرازی—

صبح تمام مذاکرات انجام شده است.) (ربانی شیرازی — بحثی ندارد.) اسم شما هم درلیست هست. (ربانی شیرازی — خیر اسم من ننوشته‌ام.) پس معلوم است این اسمها را بدون جهت نوشته‌اند چون آقای ربانی میگویند من اسم ننوشته‌ام. آقای جوادی بفرمائید.

**جوادی**— معاملات باطل در کارخانه های تولیدی به‌صورت انحصاراست، دربازاربه‌صورت احتکار و ربا، در ادارات گرفتار رشاء بودند که کلمه رشاء اصلا به‌میان نیامده است. (نایب رئیس — آقای جوادی این قانون اساسی است یا قانون تفصیلی؟) در مورد معاملات حرام انحصار و احتکار و ربا چون از اهمیت خاص برخوردار است ذکر شده و در ادارات هم آنچه باعث گرفتاری است رشوه است که مانند ربای بازار است.

**نایب‌رئیس** — ولی آن بیشتر فساد اداری است نه‌فساد اقتصادی و آوردن آن اصل را سبک میکند. آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — اشکال بنده هم همان بوده که جناب آقای طباطبائی فرمودند که آقایان البته جواب دادند که اینجا به‌تفصیل نوشته نمی‌شود و صحیح هم هست. اگر یک جمله برابر موازین فقهی اضافه شود یعنی «منع اضرار به‌غیر برابر موازین فقهی» بهتر است.

**نایب رئیس** — قرار شد که برابر موازین فقهی را در اصل ٤ بنویسیم که تکرار نشود. آقای قرشی بفرمائید.

**قرشی**— مسأله کنز یک مسأله اقتصادی است. ما آیه‌ای با آن اهمیت را اینجا نادیده گرفتیم و معنای آن هرچه باشد من کاری ندارم چون یک مسأله اقتصادی است و این کنز را هم در اینجا اضافه کنید.

**نایب رئیس** — در بند ۲ ان‌شاءالله پدرکنز را درآوردیم. آقای کیاوش بفرمائید. (کیاوش — من در بارهٔ بند ٦ حرف دارم.) آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — همانطوری که دوستان میدانند آیه‌ای در قرآن هست که میگوید «ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» که من فکر میکردم در بند ۷ آن باطل، اکل به باطل است چون منع معاملات باطل اثری وضعی برای خودش دارد که اثرش برآن معامله مترتب نیست. آیا منظور اکل به‌باطل بوده یا منع معاملات باطل؟ من فکر میکنم اگر اکل به باطل بنویسیم هم اصطلاح قرآنی اجرا شده و هم شامل همه مصادیقش میشود و آیا منظور دوستان اینست که دولت جمهوری اسلامی بیاید معاملات باطل را منع بکند؟ (مکارم شیرازی — شرعاً باطل است.)

**نایب رئیس** — بلی آقای غفوری ما میخواهیم جمهوری اسلامی جلو ربا را که معامله حرام یا باطل و یا هردو است بگیرد. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — منع انحصار برای اینست که انحصار باعث گرانی میشود و همچنین احتکار و ربا هم استثمار است و در همین ردیف گرانفروشی است یعنی اگر نظارت دولت برقیمت‌گذاری نباشد، ضرری معادل اینها به‌مردم میخورد زیرا ضرر انحصار و احتکار بیش از عدم رعایت نرخها و قیمتها از طرف دولت نیست. نظر من اینست که نوشته شود نظارت دقیق و دائمی برقیمتها و منع انحصار و احتکار.

**نایب‌رئیس**— آقای آیت بفرمائید. (دکترآیت— من موافقم.) آقای ربانی املشی بفرمائید.

**ربانی املشی** — منع احتکار و معاملات حرام که بحثی ندارد اینها از مسلمات است.

**نایب رئیس** — دوستان پیشنهاد میکنند که به‌رأی بگذاریم. (حجتی کرمانی — کنز را اضافه کنید.) آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — نکته‌ای که آقای دکتر غفوری فرمودند یک نکته اساسی است که در آیه‌شریفه «تقابل باطل وتجارة عن‌تراض» حتی موجب میشود که معاملاتی که عناوین خاص ندارد، میتوانیم حق و باطلش را محرز بکنیم و قبلا هم عبارت این بوده است که باطل، مطلق باطل را میگیرد نه‌معامله باطل را، حتماً لازم است عبارت طوری باشد که‌مطلق باطل را بگیرد. مثلا چیزهائی که در قمار به‌دست می‌آید باطل است اما معامله باطل نیست. چیزهائی که‌درمعاملات متداول نیست و باطل است در اسلام شامل میشود معامله نیست، پس حتماً کلمه باطل این‌جا باید ذکر بشود. (مکارم شیرازی — آقا عبارت را دست نزنید.) (مشکینی — اضرار غیر این مطلب را هم میگیرد.)

**رشیدیان** — من یک پیشنهاد دارم. (نایب رئیس — بفرمائید.) با توجه به‌اینکه‌احتکار کالا سبب بالا رفتن قیمتها میشود، تمرکز ثروت و احتکار پول هم به‌نوعی سبب پائین آمدن کالا میشود و به‌همین جهت است که شاید خداوند در قرآن اشاره به‌این مطلب میکند، راجع به‌کنز و تمرکز ثروت و به‌یک اعتبار تکاثر «الذین یکنزون ذهب والفضه ولاینفقونها فی سبیل‌الله فبشرهم بعذاب الیم» و این وسیله و ابزاری بود در دست ابوذر برای کوبیدن معاویه، و امیرالمؤمنین نیز از این روش و از این فلسفه ابوذر پشتیبانی کرد و این علامت صحت قضیه است. بنابراین با توجه به‌اینکه مال‌اندوزی و همچنین سپرده ثابت را که بعضی از علما حرام میدانستند بهتر است این را هم بیاوریم که کنز و تمرکز ثروت قبلا هم پیشنهاد شده بود. (نایب رئیس — کنز را که در بند ۲ آوردیم.) احتکار در مقابلش احتکار کالا، احتکار پول.

**حجتی کرمانی** — کنز چیزی است در متن قرآن است و شرعاً هم محرم است و اگر هم میگوئید تفاسیر گوناگون دارد، احتکار هم همینطور است، در بعضی چیزها احتکار هست و در بعضی چیزها نیست. چه‌اشکالی دارد کنز را بگذارید؟

**نایب رئیس** — آنروز در جلسه بحث شد که در حرمت کنز تردیدی نیست ولی گفتیم این را به‌صورتی در اصلی بیاوریم که بیان هم شده باشد، بیان تفصیلی آن را در اصول دیگر آوردیم، هم در بند ۲ و هم در اصول دیگر. با اجازه دوستان برای رأی‌گیری میخوانم.

**خزعلی** — این انحصار به انحصارات دولتی ضرر نمی‌رساند که منع میکنید؟ در امور دولتی گاهی انحصار لازم است.

**نایب رئیس** — مگر احتکار به‌دولت مربوط است؟ پیداست که چه میخواهیم بگوئیم. (خزعلی — انحصار مطلق است.) (خامنه‌ای — آقای خزعلی انحصار دولتی هم بد است.) بند پنج را برای رأی‌گیری میخوانم:

**بند ۵ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)** — منع اضرار به‌غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

(اخذ رأی و شمارش آن به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی، عده حاضر هنگام اخذ رأی شصت و سه‌نفر، تعداد کل آراء شصت و سه رأی، آراء موافق شصت رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع دورأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

## ۵ — طرح و تصویب بند ۶ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس** — بند ۶ را بخوانید.

بند ۶ — منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد و اعم از سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و مصرف.

**منتظری** — هیچ بحثی ندارد.

**نایب رئیس** — آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — به‌نظر من چیزی که بیش از اسراف در سرمایه‌گذاری و تولید و توزیع و مصرف به‌اقتصاد مملکت ضرر میزند، اسراف در خدمات است. اسراف در خدمات سبب میشود که از هر کس و از هر کارگاهی به‌اندازه ظرفیت کاملش استفاده نشود و کشورهای استعماری هم همیشه اقتصاد ممالک را بیشتر از این راه فلج میکنند.

**نایب رئیس** — خدمات، تولید، توزیع و مصرف، البته میتواند بیان خوبی باشد، یعنی اسراف در صرف نیروی انسانی. خانم گرجی بفرمائید. (خانم گرجی — این اسراف و تبذیر در سرمایه‌گذاری چطور میشود؟ توضیح بدهید.) (بنی‌صدر — من توضیح میدهم.) آقای بنی‌صدر قرار شد توضیح بدهند تا روشن شود. آقای اشراقی بفرمائید.

**اشراقی** — در باب اسراف و تبذیر آیات زیادی داریم، حالا یا در اقتصاد و یا در مصرف خود انسان، ولی این جملات جلو کار کردن مردم را میگیرد چون تفصیل داده نشده است. ممیزینی می‌آیند و می‌گویند که آقا این کارخانه و این دستگاه و دکان و ماشین برای تو مناسب نیست و باید محکمه‌ای اقامه کرد که آیا این مناسب حال او هست یا نیست. برای مردم اسباب دردسر میشود و در اینکه بیان کنند آیا این کار و این لباس و خانه و کارخانه مناسب حال این شخص است یا نه مثلا ممیزی هست که عقده حقارت دارد و نمی‌تواند پیش کسی یک خانه و کارخانه و یک ماشین را ببیند، میچسبد به‌یقه او و این جمله را مستمسک قرار میدهد که اسراف و تبذیر است.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر به‌این سؤال هم جواب میدهند. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — من صبح با آقای بنی‌صدر صحبت کردم و در مورد اسراف و تبذیر جزمصرف مطالبی که ایشان میگفتند درست است ولی از این لفظ مستفاد نیست، یعنی آنچه که هست اسراف هست ولی نه درسرمایه‌گذاری، نه در تولید و نه در توزیع. اگر اجازه میفرمائید ایشان توضیح بدهند و من برآن اساس بگویم که اینطور نیست و یا اینکه به‌همین مقدار اکتفا کنیم. پیشنهاد من این است که منع اسراف و تبذیر در مصرف و در همه شئون مربوط به‌اقتصاد باشد که مصرف را مسلماً بگذاریم و آن سه‌تای دیگر هم در همان کلمه شئون هست. حالا اگر ایشان اصرار دارند که حتماً این کافی است یک امر دیگر است. من منظورم این است که از این لفظ مستفاد نیست، برای کسی که این را ننوشته باشد باید صریح باشد.

**نایب رئیس** — آقای آیت بفرمائید. (دکتر آیت — من موافقم.) آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — فرق مابین اسراف و تبذیر چیست و لزومی دارد که هردو کلمه قید شود؟

**نایب رئیس** — این دولفظ به‌این اعتبار ذکر شده که هردو در قرآن آمده است. (یکی از نمایندگان — با هم فرق دارند.) (بنی‌صدر — در قرآن هم فرق دارد.)

**فوزی** — یکی هم اصلاح لفظی است قبلا در یکی از اصول که مربوط به‌پرداختهای‌دولت بود، آن مربوط حذف شده و شد پرداختهای دولتی و دیگر اینکه بنویسیم در همه شئون اقتصادی، نه همه شئون مربوط به اقتصاد چون مناسب نیست.

**نایب رئیس** — بسیار خوب آقای بشارت بفرمائید.

**بشارت** — علاوه‌بر سؤالی که جناب آقای خامنه‌ای فرمودند، این جلوگیری از اسراف در مصرف به‌چه صورت عملی میشود؟ مثلا آیا با جیره‌بندی مردم را چطور می‌توانند جلوگیری کنند از اسراف؟ و اگر جلوگیری از اسراف در توزیع باشد، خودبخود جلوگیری از اسراف در مصرف هم هست؟

**نایب رئیس** — بلی، بعضی از کالاها تولید نمی‌شود، بالنتیجه جلوگیری از مصرف هم میشود. حالا آقای بنی‌صدر می‌آیند وتوضیح میدهند. (بنی‌صدر—نفهمیدم آقای بشارت‌چه گفتند.) ایشان میگویند آیا منظور از اسراف در مصرف این است که دولت جلوی اسراف در مصرف را بگیرد و مثلا مأموران دولت جلو شما را بگیرند که چرا در جیب کتتان یک دستمال وجوددارد؟ (مکارم شیرازی — خیر اینطور نیست راههای دیگری دارد مثلا وقتی اتومبیل زیادی وارد مملکت نشد، جلو اسراف گرفته میشود.)

**بنی‌صدر** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . این شئون اقتصادی سرمایه‌گذاری تولید، توزیع و مصرف که اینجا آورده‌ایم برای هرکدام میشود مثالی آورد و مطلب را روشن کرد، امـا در سرمایه‌گذاری در دوره سابق ، تبذیر فراوان انجام میگرفته است و در دنیا هم صورت میگیرد و من الان یک مثال برای شما می‌آورم. طرحهائی را دولت سابق تصویب میکرد که مثلا صد میلیون خرج این طرح بود و در عمل سیصد میلیون درمی‌آمد به‌طوری که در ایران نسبت سرمایه‌گذاری به تولید پنج به یک بود درحالی که دراقتصادهای صنعتی برای همان رشته‌ها و همان صنعت بین یک به‌یک تا دوبه‌یک است، خوب حالا چه کلمه‌ای میخواهید بگذاریدبجای تبذیر که این معنی را برساند؟ ظاهراً همان کلمه تبذیر قرآنی این معنی را خوب‌میرساند. درمورد تولید دراقتصادهای سرمایه‌داری اینطور است ( البته در اقتصاد شوروی هم همینطور است) در دو سال پیش اقتصاددانهای امریکائی یک مطالعه‌ای انجام دادند دربارهٔ اقتصاد امریکا که چقدرازاین اقتصاد را صرف تولید مضر و مخرب می‌کنند. (البته مخرب در چهارچوب اقتصاد خود آنها نه در چهارچوب فقه اسلامی ما) و در همان حدود خودشان معلوم شد که از هزار و صد میلیارد دلار تولید سالانه آمریکا، پانصدو پنجاه میلیاردش به‌حساب آنها صرف تولید نابجا و مضر میشود که اگر تولید نشود امریکائی راحت‌تر زندگی میکند. اگر شما در نظر داشته باشید که اقتصاد آمریکا ثلث اقتصاد دنیا است و امریکا به‌علاوه اروپا شصت درصد اقتصاد دنیاست می‌بینید که چه اسراف و تبذیری در زمینه تولید انجام میگیرد. چنانچه در رژیم سابق هم سرمایه‌گذاریهائی که اجازه داده‌اند و انجام‌گرفته و تولیدهائی را که انجام‌گرفته، به‌حساب موازین اسلامی خودمان بررسی بکنیم ، هشتاد درصد آنها اسراف و تبذیر است و مشمول حرام هم هست و حساب آن هم که حلال است مشمول اسراف و تبذیر است مثلا فرض کنید برای رادیو که در رژیم سابق بر اساس خورد و برد بوده بیست‌و یک کارخانه مونتاژ رادیوتلویزیون داریم. آیا این بیست ویک واحد راهیچ‌وقت‌نمی‌توانند به‌یک کارخانه‌تبدیل بکنند؟ درحالی که اگر از اول بنا را بر یک مونتاژ میگذاشتند میشدگسترشش داد و حالا ما یک کارخانه

کامل رادیو و تلویزیون داشتیم. ازاین قبیل اشتباهات فراوان است، این هم در تولید اما در توزیع، یکی از مصیبت‌های بزرگ بشر امروز این است که چون نابجا تولید می‌کند، بزور میخواهد به مصرف برساند و باید با تبلیغ به مصرف برساند. در امریکا برای هر یک دلار کالا شش دلار خرج تبلیغات میشود، ما هم بخواهیم چنین اقتصادی در ایران داشته باشیم چنانکه در رژیم سابق هم تا حدودی بود هیچ‌وقت موفق نمی‌شویم که نیازهای اساسی مردم را در این اقتصاد تأمین بکنیم. پس اگر در مرحله توزیع تولید اسراف و تبذیر را اجازه بدهیم اقلا همان‌قدر که سرمایه خرج تولید می‌کنیم باید سرمایه‌ای هم خرج به مصرف رساندن آن بکنیم و اما درمصرف که‌گمان نمی‌کنم ابهام داشته باشد. در اقتصادهای امروز دو نوع اسراف میشود یکی استفاده از غرایز انسانی برای توسعه مصرف مناسب با نرخ سودی که سرمایه‌گذار یا سرمایه‌دار میخواهد ببرد و امروز علت اینکه در اقتصادها تورم هست و عکسش نیست، درحالی که باروری که‌اضافه شدقیمت باید پائین بیاید، اما هیچ‌وقت تاریخ نشرمعاصر کاهش قیمتها را بخود ندیده همیشه قیمتها افزایش داشته است، علتش همین اسراف و تبذیر است در همه مواردی که عرض شد و استفاده از غرایز، مثلا مورد فرانسه را برای شما عرض کنم، در فرانسه محاسبه کرده بودند همین آگهیهای تبلیغاتی و غیره برای تحمیل مصرف در هر ثانیه هر انسانی سی تصویر سکسی می‌بیند حالا حسابش را بکنید که چه مصیبتی در آن اقتصادها است، نتیجه‌اش اینست که دائماً مثل آدم معتاد باید برای تحریک شدن مصرف بکند این یک نوع اسراف است. یک نوع اسرافهای دیگر هم هست که در اقتصادهای ما وجود داشت و آنجا هم یواش یواش پیدا شده مثل پرخوری البته دوسی را دولت نمی‌تواند برود در خانه‌ها و جلوگیری بکند، مگر ازطریق تبلیغ و ارشاد که مانع از پرخوری بشود. دوسال پیش در آلمان ضرر پرخوری بیست‌و سه میلیارد مارك شده بود در جائی که در جامعه بشری چقدرانسان ازگرسنگی رنج‌میبرند. اینها را ازراه تبلیغ وارشادمیشود آگاه کرد، اما یک قسمتش نه، همان است که آقای مکارم فرمودند، از راه برنامه‌گذاری وتدابیرقانونی انجام میگیرد وآن همانهائی است که الان عرض کردم. این ضابطه فایده‌اش اینست که ما از این ببعد روی اقتصاد سالمی میتوانیم حساب بکنیم که آن ضوابط رژیم سابق ان‌شاءالله بکار نیاید. اینکه عده‌ای ممکن است عقده روانی داشته باشند خوب پس بفرمائید این آیات و روایات را کنار بگذاریم چون ممکن است سوء استفاده بشود، نه، آنهائی که مربوط به اشخاص است آنها همان‌طوری که عرض کردم عملی نیست مگر از طریق ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر، اینها همان مواردی بود که عرض کردم یعنی دولت و قوه قانونگذاری ازطریق تدابیر قانونی و برنامه‌گذاریهای صحیح مانع از اسراف و تبذیر میشود. اینکه آن نمیز برود و ببیند یکی کارخانه دارد، چطور می‌تواند بگوید اسراف و تبذیر است؟ اگر هست معنایش اینست که برنامه تشخیص داده که وجود این کارخانه اسراف و تبذیر نیست و لازم هست،گمان میکنم به سؤالاتی که شد جواب عرض کردم و توضیحات ان‌شاءالله روشن کننده بود. (کیاوش—جواب سؤال سرا هم بدهید.) در مورد آن مسأله کمتر ازظرفیت که شما فرمودید، این به خدمت‌مربوط نیست و به تولید مربوط است یعنی کارخانه کمتر است، اما چرا در دستگاههای اداری و نظامی اسراف و تبذیر زیادتر از حد میشود برای اینکه برای یک‌کاری پانصد نفر هستند که در آن حساب کرده‌اند که هرکارمندی در هر روز یک ساعت‌و یازده دقیقه کار می‌کند بنابراین آنجا

اسراف و تبذیر خیلی زیاد است و میشود آن را هم اضافه کرد.

**نایب رئیس**— بلی باید اضافه بشود، آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش**— علاوه بر نیروی انسانی در خود کارخانه‌ها و دستگاههای صنعتی هم ممکن است یک صنایع جنبی اضافه بکنند که هیچ ضرورتی ندارد و سبب بشود که از خود کارخانه به اندازه ظرفیت کامل استفاده نشود به این جهت اسم خدمات لازم است. (بنی‌صدر— شامل سرمایه‌گذاری و تولید است.)

**نایب رئیس**— برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**بند ۶ اصل ۱۲۷ (اصل چهل وسوم)**— منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف یا سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

(اخذ آراء به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس**— نتیجه رأی، عدهٔ حاضر درجلسه هنگام اخذ رأی شصت‌و یک نفر، شمارهٔ کل آراء شصت ویک رأی، آراء موافق پنجاه‌و نه رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع دورأی. بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح و تصویب بند ۷ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**موسوی اردبیلی**— دو بند بعدی را یکجا رأی‌گیری کنید.

**نایب رئیس**— اجازه بفرمائید، اینطور نمی‌شود. اگر بخواهیم سریعتر انجام شود صحبت نکنند ، چون رأی‌گیری آنقدر وقت نمی‌گیرد زیرا دوبند در هم ادغام شد. بند ۷ قرائت میشود.

**بند ۷ اصل ۱۲۷ ( اصل چهل و سوم )** — استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

**نایب رئیس**— اجازه بفرمائید که همین را به رأی بگذاریم. لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس**— نتیجه رأی ، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت‌و یک نفر، شمارهٔ کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق شصت و یک رأی. بنابراین به‌اتفاق آراء بند ۷ تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**دکتر ضیائی** — همانطور که دیروز عرض کردم اولویت کشاورزی را در یکی از این بندها بگنجانید.

## ۷ — طرح و تصویب بند ۸ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس**— بسیار خوب، بند هشت مطرح است. بند هشت قرائت می‌شود.

۸— جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

**نایب رئیس**— پیشنهادی به امضای عده‌ای درباره تکمیل این بند رسیده است . این پیشنهاد را قرائت می‌کنم: «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ازطریق برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در بخشهای دولتی و نیمه‌دولتی، تعاونی وخصوصی به‌ترتیبی که وابستگی اقتصادی را از بین ببرد و خودکفائی کشاورزی، دامپروری و صنعتی راتأمین کند.» (دکترقائمی— راههای دیگر هم هست، همین قسمت کاملتر است.) (مکارم

شیرازی— دراصول بعدی تأمین می کنیم.) (یکی از نمایندگان— سرمایه‌گذاری را در بند ۲ گفتیم.) بنابراین نظر آقایان اینست که این بند خودش باشد وما برای اولویت کشاورزی یا چیزهای دیگر یک اصل دیگر اضافه کنیم. آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی**— بجای عبارت «براقتصاد جمهوری اسلامی ایران» نوشته‌شود «براقتصاد کشور».

**نایب‌رئیس**— «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه براقتصاد کشور» بلی اینطور جالبتر است وتذکر بجائی است . آقای نوربخش بفرمائید. (نوربخش— همانطور که آن پیشنهادرا...) اگر در باره آن پیشنهاد است، بحث‌نکنیم بهتر است ، چون از نظر مقررات جلسه اگر دوستان موافقت نکنند باید در جلسات گروه مطرح بشود .

**ربانی املشی**— می‌خواهند بگویند این بندی را که آورده‌اید ناقص است و تکمیلش کرده‌اند .

**موسوی‌تبریزی** — این یک بند مستقلی است چون ما باید اقتصاد مستقل داشته باشیم .

**نایب‌رئیس**— آقای نوربخش بفرمائید .

**دکترنوربخش**— یک مسأله‌ای است که باید از یکطرف ازسلطه اقتصادی‌جلوگیری کنیم و از طرف دیگر باید تشویق کنیم که سرمایه‌گذاری وبرنامه ریزی درجهتی‌باشد که‌خود کفائی کشور را تأمین بکند، یعنی جنبه مثبت قضیه هم باید باآن باشد ، چون الان مهمترین‌مسأله‌ای که درکشور داریم وابستگی اقتصادی وسیاسی و فرهنگی ما به‌خارج است وشما باید به‌این وابستگی بیش ازهرچیز توجه کنید که بطور واضح دراین ۸ بند نیامده است که ما برعلیه این وابستگی به چه ترتیب می‌خواهیم سرمایه‌گذاری کنیم . بنابراین باید یک‌جائی گفته شود که سرمایه‌گذاری وبرنامه ریزی از این ببعد دراین کانال خواهد بود، و اگر کسی دراین کانال کارکرد ما از او حمایت می کنیم .

**نایب‌رئیس**— آقای نوربخش بند۲ یک مقدار زیادی جنبه مثبت همین را دارد. آقای کیاوش بفرمائید .

**کیاوش**— اگر صلاح بدانید پیشنهاد می کنم یکی ازطرق سلطه اقتصادی را نام ببرید. به‌این معنا که امروزه سلطه اقتصادی بیشتر توسط وارد کردن دستگاهها یا صنایع برون زا است. کشورهای استعماری صنایعی را به کشورهای جهان سوم تحمیل می کنند وبه‌اصطلاح لوازم یدکی آن را در پیش خودشان دارند که اصطلاحاً به‌اینها صنایع برون‌زا می‌گویند و این نوع صنایع سلطه اقتصادی می‌آورد. پیشنهاد می کنم اگر صلاح می‌دانید چه درکشاورزی مدرن وچه در تکنیک اضافه شود ازطریق جلوگیری از توسعه صنایع برون‌زا .

**نایب‌رئیس**— اگر اینطور بود می‌باید خیلی‌از راهها را آورد که آنوقت کلی و مطلقش ضعیفتر است . بنابراین اجازه بفرمائید کلی و مطلقش را به‌رأی می‌گذاریم واگر آقایان‌می‌خواهند فردا مطالبی به عنوان‌یک اصل جدید تهیه کنند که هم مبین این منظورها باشد وهم تصویب این بند را که به عنوان یک پایه است به تعویق نیندازد. آقای بنی‌صدر تذکر خاصی دارید؟

**بنی‌صدر**— می‌خواهم بگویم ما وابستگی سیاسی وفرهنگی وغیره را در قانون اساسی که به‌صورت مجموعه‌ای است بیان کرده‌ایم منتها دراینجا اقتصادی آن‌را گفته‌ایم و درجای دیگر سیاسی و درجای دیگر فرهنگی آن‌را گفته‌ایم .

**نایب‌رئیس**— اینها فرهنگی وسیاسی نیست همه اقتصادی است. (بنی‌صدر— بلی منهم

همین را عرض کردم.) (ربانی شیرازی— این بند باید قبل از بندهای دیگر باشد.) عیبی‌ندارد جایش را عوض میکنیم. (ربانی شیرازی—یک بند هم به منظوری که آقایان‌میگویندمی‌آوریم.) عیبی ندارد قرارشد جداگانه اضافه کنیم. پس این بند را فعلا به رأی میگذاریم.

**بند ۸ اصل ۱۲۷ ( اصل چهل و سوم)** — جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه براقتصاد کشور.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و سه نفر، شماره کل آراء شصت و سه رأی، آراء موافق شصت و یک رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع دو رأی. بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**نایب رئیس** — صورت غایبین را قرائت بفرمائید.

**غایبین عصر شنبه‌پنجم آبان آقایان:** حائری،سبحانی، ملازاده، فاتحی، مدنی‌ونمایندگانی که تأخیر داشتند **آقایان:** بنی‌صدر شصت دقیقه ، خادمی چهل وپنج دقیقه ، طباطبائی سی‌دقیقه و مقدم‌مراغه‌ای چهل و یک دقیقه.

## ۸ — طرح و تصویب اصل ۱۲۸ (اصل چهل و هشتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۸ مطرح‌است که قرائت می‌شود.

اصل ۱۲۸ — در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و مناطق و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان مناطق مختلف کشور، نباید تبعیض درکار باشد ، بطوری که هر منطقه فراخور امکانات رشد خود ، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

**عده‌ای از نمایندگان** — رأی بگیرید.

**نایب‌رئیس** — اول تکلیف بنده را با آقایانی که هنوز اصل قرائت نشده اسم می‌نویسند روشن کنید. (موسوی اردبیلی — اسم می‌نویسند که بگویند رأی بگیرید.) چون مکرر شنیده می‌شود که روش اداره جلسه در موقعی که من مسئول اداره هستم طوری است که نمایندگان نمی‌توانند حرفشان را بزنند . بعضی از بینندگان و شنوندگان وقتی نمونه‌هائی را می‌بینند ، لابد چنین تفسیرهای نابجائی را میفرمایند و بعضی از دوستان به من اعتراض دارند که چرا به گویندگان میدان میدهم. (تهرانی — همه میدانند که این آقایانی که اینجا هستند نه از شما و نه از هیچ کسی رودربایستی ندارند.) آقایانی که اسم نوشته‌اند میفرمایند که ما تسلیم آنهائی باشیم که میگویند رأی بگیریم یا باید صحبت شود؟ (بعضی از نمایندگان — رأی بگیرید.) آقای رشیدیان جزء کسانی هستند که اسم نوشته‌اند و میفرمایند رأی بگیرید. (رشیدیان — من نوبت گرفته‌ام که جواب بدهم.) آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — «نباید تبعیض درکار باشد ، بطوری که هر منطقه» این «بطوری که» معلوم نیست که قید به منفی میخورد یا به این، بنابراین باید نوشته شود «باید از تبعیض جلوگیری شود بطوری که هر منطقه...»

**نایب‌رئیس** — آقای ربانی شیرازی. (ربانی شیرازی — این توضیح فعالیتهای اقتصادی بعد از درآمدهای ملی واقع شود که آن تکرار هم واقع نشود.) درست است، این یک اصلاح

لفظی است «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور تبعیض درکار نباشد ، بطوری که هر منطقه فراخور امکانات رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد». (منتظری — برای اینکه تبعیض درکار نباشد یک «باید» بگذارید.) (کیاوش — فراخورنیازهای رشدخود ، سرمایه و امکانات لازم...) مثل اینکه دوستانی که اسم نوشته‌اند فقط پیشنهادهای اصلاحی دارند. آقای یزدی بفرمائید. (یزدی — اصلاح شد.) آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — این جمله «تبعیض درکار نباشد» باید حذف شود برای اینکه درآمد ملی‌باید بین مناطق توزیع شود و اولویت هم به استانها و مراکزی داده شود که عقب افتاده‌اند و در ذیلش اضافه شود بطوری که نابرابریهای فاحش اقتصادی بین مراکز بوجود نیاید.

**نایب رئیس** — آقای خزعلی بفرمائید . (خزعلی — فراخور نیازهای خود سرمایه و امکانات لازم... امکان در برابر نیاز است .) این باید نوشته شود «بطوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود سرمایه و امکان...» آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی — مطلبی بود که آقای خزعلی فرمودند.) آقای طاهری گرگانی مطلبی هست؟ (طاهری گرگانی — به جای «تبعیض درکار» نوشته شود «رعایت عدالت و اولویت».) آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — من معتقدم که این اصل ظاهراً خوب است ولی اگر شکافته شوداشکالات ایجاد میکند، چون ما یک مملکت واحد داریم و استان بندی آن هیچ وقت برمبنای دقیق نبوده و نیست. اگرمنظور اینست که توزیع ثروت و سرمایه و توزیع خدمات در سراسر مملکت عادلانه باشد، این یک اصل درستی است، اما اینکه فرضاً ممکن است نفت زیادی درقم داشته باشیم و در خوزستان هم‌داشته باشیم ولی فعلا مصلحت کل مملکت ایجاب کند که نفت‌قم را بهره‌برداری نکنیم و از نفت خوزستان بهره‌برداری کنیم، چون ما کلا یک مملکت هستیم، حالا فردا بگویند که شما درقم نفت دارید و گفته‌اید که در بهره‌برداری از منابع طبیعی‌نبایستی تبعیض باشد و درقم هم شروع کنید و به همان شدت و به همان میزان استخراج کردن، اینست که اصل باید طوری نوشته شود که این منطقه بندی تضییعی کم‌کم صورت جدی به خودش نگیرد.

**نایب رئیس** — این اصل ابداً این رابطه را ندارد . بنابراین این اصل را با اصلاحات پیشنهادی برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۱۲۸ ( اصل چهل و هشتم )** — در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق کشور باید تبعیض درکار نباشد ، بطوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی ، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و سه نفر ، شماره کل آراء شصت و سه رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی ، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع چهار رأی. بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۹ — طرح اصل ۱۲۹

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۹ قرائت می‌شود.

اصل ۱۲۹ — در بخش عمومی، دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات از طرف دولت ممنوع است، مگر به حکم‌ضرورت و یا تصویب مجلس شورای ملی.

**نایب رئیس** — در این زمینه یک موافق و یک مخالف صحبت کند. بنابراین اسامی را می‌خوانم که ببینیم موافق و مخالف کیست که به ترتیب نوبت میتوانند صحبت کنند.آقای منتظری (منتظری — مخالف هستم) آقای سبحانی (سبحانی — مخالف هستم) آقای کیاوش (کیاوش — مخالف هستم) آقای عضدی (عضدی — موافق مشروط هستم) آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — من راجع به تغییر این ماده ازماده‌ای که درطرح پیشنهادی بوده استسؤالی دارم. در آنجا اینطور بوده است «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجارتی و صنعتی وکشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است» درآنجا مؤسسات عمومی و شرکتها جدا گفته شده است وامور تجارتی و صنعتی وکشاورزی نیز مطلبی است جدا، ولی دراینجا تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی را ادغام کرده‌اند. آنوقت اگر یک شرکتی و یا یک مؤسسه‌ای برای‌جاده‌سازی، پل سازی باشد درکدامیک از اینها داخل می‌شود ؟ شامل آن می‌شد ولی این‌شامل نمی‌شود.

**نایب رئیس** — اینهم شامل می‌شود زیرا تجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات که یکی از اینها است. (خزعلی — جاده‌سازی مربوط به صنعت نیست.) یکی از اینها است. (یکی از نمایندگان — خدمات.) (خزعلی — خدمات را امور اداری میگویند و این اموراداری نیست.) خیر، و اگرآقایان اجازه بدهند به‌جای «در»، «برای» بگذاریم بهتر است. در بخش عمومی،دادن‌امتیازتشکیل‌شرکتهاومؤسسات‌برای امورتجارتی... آقای‌دکتراوشانا (بیت‌اوشانا— مخالف هستم) آقای دکتر غفوری (گلزاده غفوری — مخالف هستم)آقای دکتر آیت بفرمائید. (دکتر آیت — من چند تا توضیح داشتم.) موافقید یا مخالف؟

**دکتر آیت** — نه مخالفم و نه موافق بلکه چند توضیح دارم بنابراین یکی آن راکه‌مهم نیست میگوییم آن اینست که جای این اصل در قسمت مقننه است ولی توضیحات بعدی را اگر صحبتهای موافق و مخالف روشن نکرد میگوییم.

**نایب رئیس** — آقای حجتی کرمانی (حجتی کرمانی — مخالفم) آقای دکتر قائمی (دکتر قائمی — مخالف مشروط هستم) آقای رشیدیان (رشیدیان — موافق هستم) آقای ضیائی (ضیائی — موافق هستم) آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — من مطلبی داشتم که در جلسه گروهها هم مطرح بود و آن اینست که راجع به خارجی مطلقاً نفی شود و آقایان هم که میگویند مخالفند منظورشان همین استبنابراین نباید معطلش کرد. (نایب رئیس — پس‌شما هم بفرمائید مخالفید.) میخواهم‌بگویم کشدارش نکنید. همه میخواهند نسبت به خارجی مخالفت بکنند اگر این را اصلاح کنید همه موافقت میکنند. (تهرانی — آن چیزی که مورد مخالفت است نسبت به خارجیها است.) اصلاحش کنید

همه موافقت می کنند.

**نایب رئیس** — آقای مراغه‌ای (مراغه‌ای — موافق هستم) آقای قرشی. (قرشی — مخالفت راجع به خارجیها است اصلاح بفرمائید.) یک نفر به عنوان مخالف صحبت میکند و نفر اول که به عنوان مخالف اسم نوشته‌اند آقای منتظری هستند. آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. مخالفت من به نحو مترتب است اگر میشود بطور کلی خارجی‌اش ممنوع باشد و برفرض که بگوئید ممکن است یک وقتی در یک صورتی ضرورت پیدا کرد و نبایستی دست قوهٔ مقننه را بست، بنابراین باید نسبت به خارجی‌اش اگرلازم است قید گذاشته شود که باید به تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان به عنوان موافق بفرمائید. (رشیدیان — من با نظرات آقای منتظری موافقم.) پس شما هم با نظر آقای منتظری موافق هستید. (تهرانی — همه همین را می‌خواهند.) در مورد امتیاز برای خارجیها که خاطرهٔ شومی در وجدان و ضمیر سیاسی این ملت دارد، عرض میشود. دربارهٔ این دو نظر هست یک نظر اینکه مطلقاً ممنوع باشد و یک نظر اینکه مشروط به تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس باشد. حالا ما با دست رأی میگیریم ببینیم نسبت به اینها... (موسوی قهد ریجانی — نفی امتیاز به شرکت خارجی اصلا غیرممکن است.) آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. شکی نیست و هیچکس موافق نیست که ما به‌یک شرکت خارجی امتیازی بدهیم و به همین جهت است که ما میخواهیم اینجا دست قانونگذار را باز بگذاریم. نمایندگانی هم که درمجلس شورای ملی بعداً خواهند آمد آنان هم مثل ما هستند نمایندگان ملت هستند حکم ضرورت را هم اینجا آوردیم. ما الان از نظر تکنولوژی به بعضی از دولتهای‌خارجی احتیاج‌داریم مثلا در صنایع الکترونیک و غیره متأسفانه کمپانیهای چند ملیتی یک انحصار خاصی را بوجود آورده‌اند حتی روسیه شوروی هم احتیاج به تکنولوژی بعضی از دول غرب و امریکا دارد و مجبور میشود که کمپانیهای چند ملیتی مثل آی‌بی‌ام وارد آن کشور میشوند. (گلزاده غفوری — اصلا امتیاز چیست؟) مسائلی را که میخواستم عرض کنم اینست که حکم ضرورت پیش می‌آید و با آنچه که جناب آقای منتظری فرمودند موافق هستیم که با تصویب سه چهارم یا دو سوم باشد.

**نایب‌رئیس** — حالا با دست نظرخواهی میکنم. (گلزاده غفوری — امتیاز دادن اصلا خلاف شرع است برای اینکه مستلزم محروم کردن است، اینها باید توضیح دا ه شود.) آقای آیت بفرمائید. (دکتر آیت — امتیاز با انحصار فرق دارد.) آقای غفوری بفرمائید اینجا توضیح بدهند. (گلزاده غفوری — این مطلب باید شرح داده شود) تشریف‌بیاورید اینجا وشرح بدهید.

**گلزاده غفوری** — من حرفهائی دارم راجع به اساس تشکیلات مملکتی که اگر نام اسلام را بر آن می‌خواهید بگذارید این امتیاز دادن خلاف شرع است.

**نایب رئیس** — به شما نوبت داده‌ایم که تشریف بیاورید اینجا و مطلبتان را در مورد مخالفت با این امر بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — استثمار و استعمار بین‌المللی دیگر الان به صورت تحمیلهای خارجی نیست الان ازطریق شرکتهای چند ملیتی این کار عملی میشود حتی توسط ایادی داخلی.دادن امتیاز به هر صورت باید در اینجا مطلقاً ممنوع باشد بعد آنوقت نسبت به داخلیها مجلس‌شورای

ملی ضرورت و عدم ضرورت آن را تشخیص خواهد داد. ما به‌عنوان قانون اساسی و به مصداق «الاسلام یعلوا ولا یعلی‌علیه» باید بگوئیم که استخدام متخصص غیر ازدادن امتیاز است. من با همین چند کلمه مخالفت خود را اظهار کردم.

**نایب رئیس** — آقای ضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — به این نحوی که ایشان مخالفت میفرمایند و اگر اینطور تصویب بشود معنایش اینست که ما باید کشور را به همین حال نگهداریم و محتاج کشورهای دیگر باشیم مثلا الان خود آمریکا امتیاز به ژاپنیها داده. الان ما برای پیدا کردن بعضی از منابع احتیاج به بعضی از شرکتهای خارجی داریم...

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر بفرمائید. (مکارم شیرازی — آقا فرق است میان امتیاز و انحصار. آقای غفوری خیال کرده‌اند امتیاز به‌معنای انحصار و خلاف شرع است. این امتیاز است نه بحث انحصار.)

**بنی‌صدر** — ما اینجا جمع شده‌ایم تا آنچه را که صحیح است تصویب بکنیم نه اینکه حرفهائی بزنیم که عده‌ای را خوش بیاید ما باید واقع‌بین باشیم. اولا ما دردنیائی زندگی میکنیم که اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم که از عمامه تا جوراب و کفش و عینک تا بقیه همه فرنگی است، ما میخواهیم به‌این ننگ خاتمه‌بدهیم. الان یک مطلبی برای‌شماعرض میکنم. ما قبل از اینکه با اروپا روابط اقتصادی داشته باشیم نود و هشت درصد بازرگانی خارجی ما با حوزه اسلامی بود و امروز یعنی این دوران معاصر مطابق محاسبه‌ای که انجام داده‌ایم برای مطالعه روابط ایران و اسرائیل تمام بازرگانی ما با قلمرو اسلامی برابر اسرائیل هم نبود حالا اگر ما با این دولتهای اسلامی یک حوزه بزرگ اقتصادی بوجود بیاوریم قطعاً بدانید که ما نمی‌توانیم با این اقتصادمان جلوی سلطه اقتصادی غرب را بگیریم. الان دنیای‌واحدهای کوچک نیست دنیای واحدهای بسیاربزرگ است. این واحدها بزرگ را شما میخواهید با سیاست نفتی داشته باشیم با سیاست اقتصادی آمریکا و روسیه و اروپا با این اقتصادمان بایستیم، اگر اینطور فکر کنیدخوش خیالی می‌فرمائید اما اگرهمه کشورهای نفت‌خیز با هم جمع شویم و با هم یک برنامه اقتصادی را اجرا کنیم، آری این درست است یک قدرتی به دست می‌آوریم که جلوی سلطه غرب را می‌توانیم بگیریم. میفرمائید که یک منعی بگذاریم که هرگونه رابطه اقتصادی را با خارج ایران قطع کنیم (غفوری — امتیاز ندهید.) ما با کشورهای اسلامی باید براساس قرار و مدار، راه همکاری اقتصادی را باز کنیم وهمچنین اگر توانستیم بابقیهٔ کشورهای‌مستضعف دنیا، پس ناچار دراینجا نمی‌توانیم منع کلی بیاوریم. شما یک چیزی در ذهنتان رفته و چون از دوره قاجارنوشته‌اند امتیازات و تاریخ امتیازات، شما خیال می کنید امتیاز دادن معنایش اینست که فلان شرکت بیاید درایران و معادن را استخراج کند و ببرد، امتیاز تنها اینها نیست. شما اگر بخواهید یک فنی را استفاده کنید یا باید امتیازی بدهید و یا باید یک امتیازی بگیرید این هم جزء امتیازات است، همه امتیازات که امتیاز استخراج معادن و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیست، امتیاز یعنی اجازه بدهید یا اجازه بگیرید که از یک امری و یک عامل اقتصادی استفاده کنید. یکی از عوامل اقتصادی هم نیروی انسانی است فن و تکنیک هم هست و مواد اولیه هم هست، شمااگر منع کلی بگذارید این منطبق با منطق نیست. شما اگربخواهیدبادولتهای اسلامی قرارداد ببندید براساس اینکه نه آنها برما مسلط باشند و نه ما بر آنها مسلط باشیم باید

داد و ستد اقتصادی بکنیم و روابط تجاری داشته باشیم. پس ما بنویسیم امتیازی که موجب سلطه باشد مطلقاً قدغن است که این را قبلا گفتیم. (گلزاده غفوری — امتیاز موجب سلطه است؟) نه، هرامتیازی موجب سلطه نیست، امتیازات ضدسلطه هم فراوان است و ما نمی‌توانیم یک منع کلی این‌جا بگذاریم این از بدیهیات است. حالا اگر شما می‌خواهید استدلال کنید تشریف بیاورید اینجا و دلیل مخالفت خودتان را اینجا بفرمائید تا ما قانع بشویم. (گلزاده غفوری — تا به حال همه بحث شما این بود که ما باید مستقل باشیم بخصوص در مسائل اقتصادی ، حالا شما اینجا دارید امتیاز را به شکل دیگری تعریف میکنید.) ما اینجا نشسته‌ایم که یکدیگر را هو کنیم؟ ما اینجا با کشورهای مسلمان دنیا باید داد و ستد داشته باشیم و با مستضعفان دنیا هم باید روابط اقتصادی داشته باشیم. اینهمه اشخاص صاحب فن در غرب هست ومردم آزاده‌ای هم هستند ما باید با اینها قرارداد داشته باشیم. شما میگوئید که ما یک منع کلی داشته باشیم که دست‌وبال ملت بسته شود و کاری نتواند بکند. (گلزاده غفوری— تمام دارائی مملکت به‌وسیله امتیاز از بین رفت.) عزیز من، ما گفتیم امتیازاتی که موجب سلطه باشد مطلقاً ممنوع است. به‌هرحال از نظر من این بند علیه سلطه است و برای حفظ استقلال مجموع کشورهای اسلامی و مستضعف دنیا است.

**نایب رئیس** — قرار شد که وقتی موافق و مخالف صحبت کردند با دست نسبت به چند پیشنهادنظرخواهی بکنیم.(حجتی کرمانی— الان رأی نگیرید، الان مخالف زیاد دارد آقا وباید بیشتر روی آن صحبت شود .) آقای حجتی اجازه میفرمائید تا به حال چهار نفر صحبت کرده‌اند میفرمایند باز هم صحبت کنید . (حجتی کرمانی — مسأله امتیاز مهمتر از اینست آقا.) اجازه بفرمائیدموافقین بااین‌اصل به‌همین صورتی که الان‌هست «در بخش عمومی‌دادن‌امتیازتشکیل شرکتها ومؤسسات برای امور تجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن وخدمات ازطرف دولت‌ممنوع است مگر به حکم ضرورت و با تصویب مجلس شورای ملی» موافقین با این اصل به این صورت دست‌بلند کنند (سی ویک نفردست‌بلند کردند) کافی نیست حالاموافقین بااین‌طوری که‌میخوانم «دربخش عمومی دادن امتیازتشکیل شرکتها و مؤسسات برای امورتجارتی،صنعتی، کشاورزی، معادن، خدمات از طرف دولت ممنوع است مگر به حکم ضرورت و با تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی».

**منتظری** — اجازه بدهید پیشنهادم را خودم بخوانم میگویم به جای امتیاز لفظ اجازه بنویسیم «دربخش عمومی دادن اجازه تشکیل شرکتها» و بعد هم با تصویب سه چهارم باشد.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید بنویسیم «در بخش عمومی، دادن امتیاز تشکیل‌شرکتها و مؤسسات برای امورتجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات ازطرف دولت ممنوع است مگر به‌حکم ضرورت با تصویب دوسوم نمایندگان مجلس‌شورای‌ملی برای خارج و با تصویب اکثریت برای داخل» موافقین دست بلند کنند (چهل و شش نفر دست بلند کردند) بنابراین دوسوم را تبدیل میکنیم به‌سه‌چهارم و رأی میگیریم. موافقین دست بلند کنند(حجتی کرمانی— به منع کلی امتیاز هم رأی بگیرید) بسیار خوب توجه فرمائید میخوانم: «در بخش‌عمومی‌دادن امتیازتشکیل شرکتها ومؤسسات برای امورتجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن وخدمات ازطرف دولت به خارجیها بکلی ممنوع است و به داخل به حکم ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی» موافقین دست بلند کنند (بیست و یک نفر دست بلند کردند) حالا این آخرین راه است

بنویسیم «... با تصویب سه چهارم نمایندگان برای خارج و اکثریت برای داخل» موافقین دست بلند کنند. (رأی کافی نیاورد) در میان اینها به آن صورتی که از همه بیشتر رأی دارد با ورقه رأی میگیریم. این اصل را برای رأی با ورقه میخوانم:

اصل ۱۲۹ — در بخش عمومی دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات برای امور تجارتی،صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات ازطرف دولت ممنوع است مگر به حکم ضرورت و با تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی برای خارج و اکثریت برای داخل.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق چهل و هفت رأی، آراء مخالف نه رأی، آراء ممتنع هشت‌رأی، رأی کافی نیاورد. تصویب نشد.

## ۱۰ — طرح و تصویب اصل ۱۳۰ (اصل پنجاهم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۰ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۱۳۰ (اصل پنجاهم)** — در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز ونسلهای فردا باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفهٔ عمومی تلقی میگردد ازاین‌رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق شصت و چهار رأی، آراء مخالف هیچ، بنابراین تصویب شد.

## ۱۱ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — چون دیگر کاری نداریم جلسه را ختم میکنیم، جلسه آینده فرداخواهد بود. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

## جلسهٔ پنجاه و پنجم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده‌وپنج‌دقیقه روزهفتم‌آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با هفتم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست‌آقای دکترسیدمحمدحسینی‌بهشتی (نایب‌رئیس) تشکیل‌شد.

**فهرست مطالب:**


۱ — بیانات قبل از دستور آقایان مقدسی شیرازی و منتظری و خانم گرجی.
۲ — طرح و تصویب بندهای ٤ و ۹ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم). . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۱ (اصل چهل و پنجم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۲ (اصل چهل و نهم). . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۳ (اصل چهل و ششم). . . . . .
٦ — طرح و تصویب اصل ۱۳۸ (اصل یکصد و پنجاه و دوم). . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۳۹ (اصل یکصد و پنجاه و چهارم). . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۱٤۱ (اصل یکصد و پنجاه و پنجم). . . . . .
۹ — طرح و تصویب اصل ۱٤۰ (اصل یکصد و پنجاه و سوم). . . . . .
۱۰ — طرح اصل ۱۲۷/٤. . . . . .
۱۱ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقایان مقدسی شیرازی و منتظری وخانم گرجی

**نایب رئیس**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نطق قبل از دستور شروع می‌شود. آقای مقدسی شیرازی بفرمائید.

**مقدسی‌شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. حسبنا‌الله‌و نعم‌الوکیل، نعم‌المولی ونعم‌النصیر. چند موضوع لازم بود که در اینجا تذکر داده شود ، موضوعی که خیلی هم لازم بود تذکر داده بشود موضوعی است که مربوط به خود ما هست ، چون باید درکارها مسأله اهم و مهم را در نظر گرفت. فعلا اهم کار ما این است که این قانون اساسی به تصویب برسد. برادران هم این مختصر اصولی که از قانون اساسی مانده سعی و کوشش بکنند که زودتر تمام بشود مخصوصاً راجع به قوهٔ قضائیه که گروه نوشته‌اند از نظر جامع بودنش هیچ حرفی نیست،بسیار خوب نوشته شده است. میشود آن را یک روز نشست و تمام کرد چون مطالبش صحیح است زودتر میشود تمامش کرد، چون این قانون با محتوایش به دست مردم برسد خود مردم از عبارت آن آگاه میشوند. بمحض رسیدن این قانون به دست مردم ، اولا از چگونگی آن اطلاع حاصل میکنند که این قانون بسیار قانون مترقی و اسلامی است که به تمام معنا درست نوشته شده، که اگر این قانون در تمام دنیا ارائه داده شود تصدیق میکنند که یک قانون اسلامی، انسانی و مردمی است . اما آن کسانی که می‌نشینند و در اطراف و اکناف صحبتهای متفرقه میکنند، آنها کسانی هستند که نمی‌خواهند دولت انقلاب پیشرفتی داشته باشد و در گوشه و کنار دست به تحریکات میزنند و مخالف با حکومت اسلامی هستند. توطئه میکنند، اخلالگری می‌کنند، میخواهند دولت جمهوری اسلامی را تضعیف کنند، حقیقت را نمی‌پذیرند و طالب حق و حقیقت و طالب اسلام نیستند، والا این قانون بهترین قانون است و اگر نسبت به خوبی آن شک و تردید دارند می‌توانند بیایند و مشاهده کنند که خوبی آن برایشان ثابت بشود. امیدواریم ان‌شاءالله هرچه زودتر این قانون از تصویب مجلس بگذرد و در دسترس مردم قرار بگیرد و ملت به خوبی آن واقف گردند وکارها بزودی انجام بگیرد و این دولت اسلامی ما رو به تکامل و تداوم و اعتلاء پیش برود. موضوع دیگری که خواستم عرض کنم و بایدبه‌آن اهمیت بدهیم و توجه داشته باشیم این‌است که ما کارهای‌واجبی‌دربیرون و درشهرستانها ودر مملکت داریم باید بدانیم این ملت مستضعف چه دردی دارند و چه نیازی دارند، نیازشان را برطرف کنیم. و اما وظیفه مهمتر از همه این است که در میان مستضعفین برویم و با درد دل آنها و با گرفتاری آنها از نزدیک آشنا بشویم، دردهای آنها را درمان بکنیم چون آنها بودند که باعث پیشرفت انقلاب شدند و این کشاورزان و روستائیانی که در زمان طاغوت استثمار شده بودند و در مقابل زحمات و دست رنجشان هیچ چیزی عایدشان نمی‌شد و همیشه در حال اضطراب بودند، بایستی به‌آنان توجهی بشود و دست آنها رابگیریم و نگذاریم درفلاکت‌باشند.

برادران، دوستان و همکاران عزیز، موقعی که از قانون اساسی فارغ شدید خواهش میشود به روستاها و بین کشاورزان تشریف ببرید و آنها را ارشاد بفرمائید و رهنمون آنها باشید چون وظیفهٔ ما و وظیفهٔ حکومت و دولت اسلامی است که دست افتادگان را بگیریم واقعاً زندگی روستائیان خیلی فلج شده، چون سالهای متمادی است که اینها تحت استثمار و فشار طاغوت بودند و نمی‌توانستند به زندگی خودشان التیام و سازمان دهند. این یک کار واجبی است برما که تا آنجا که می‌توانیم روستاها را احیا بکنیم. شما هم پشت‌سر رهبر عزیزتان حرکت بکنید و ببینید چطور رهبر عزیز و پدر بزرگوار ما برای بهتر شدن کار مستضعفین و روستاها شب و روز در تلاش می‌باشند و هم و غم ایشان براین است که این گروه مستضعفین که سالهای طولانی در زیر چکمهٔ مستکبرین بسر می‌برده و دست و پا میزدند، آنها را نجات داده و به‌زندگی آنان سر و سامان بدهند، ما هم به تبعیت از رهبر عظیم‌الشأن مان باید در حال تحرک باشیم و قاطع باشیم و همه ملت باید جدیت کنند. بارها امام امت در فرمایشاتشان فرموده‌اند برای نجات این ملت ستمدیده و زجر کشیده همگی بایستی تلاش و کوشش بکنیم. تذکر سوم من این است که آباد کردن و به مردم رسیدن و زندگی مردم را احیا کردن بودجه لازم دارد. باید یک ثروت و یک بودجه‌ای در دست انسان باشد تا بتواند این کار را انجام بدهد و این بستگی دارد به دو وحدت انقلابی و دو حرکت انسانی که بوجود بیاید. یکی مسأله ثروتمندانی که در موقع پیروزی انقلاب رفته‌اند و نشسته‌اند در گوشه و کنار مخصوصاً شمال تهران و یا در هرکجا که هستند. اینها مثل اینکه هنوز اسلام را نشناخته‌اند هنوز حرکت انقلابی اسلام را نفهمیده‌اند. آنان رفته‌اند گوشه و کنار نشسته‌اند گاهگاهی هم در میان آنها تعدادی ضد انقلابی دیده شده است. باید آنها بیایند در مقابل قانون عدل اسلامی، اگرنیامدند، دولت موظف است. رهبر قطعاً نظریه‌اش همین است. این همه ثروت جمع کرده‌اند، احتکار ثروت کرده‌اند، حبس کرده‌اند چرا نمی‌آیند حقوق الهی را بدهند؟ مگر خمس یکی از حقوق مسلم قانون اسلام نیست؟ اینها را اگر بخواهیم محاسبه بکنیم و باید هم محاسبه بشوند، همین ثروت ملت است که آنان جمع کرده‌اند. همین ثروتهائی است که یا از راه غیر مشروع به‌دست آمده و اگرکه از راه غیر مشروع باشد باید مصادره بشود. حالا اگر بعضی‌ها هم میگویند در اسلام مصادره نداریم، مصادره یعنی چه؟ مصادره یعنی مال غیرمشروع که از راه غیرمشروع به دست آمده است باید اینطور ثروتها گرفته شود اگر صاحبان اصلی آنها معلوم باشد به آنها داده بشود و اگر صاحبان اصلی آنها معلوم نیست برای بهبودی وضع زندگی نیازمندان و مستضعفین به بنیاد مستضعفین و بیت‌المال برگردانده شود و صرف طبقات محروم و مستضعف گردد و به مصرف روستاها برسانند. این پول‌ها چرا بایستی روی هم انباشته شود و به مصرف محرومین و به فریاد مردم نرسد؟ این کارها و این احتکارها طبق قانون اسلام درست نیست مخصوصاً قانون خمس محاسبه نشده و باید محاسبه بشود و تنظیم گردد. طبق اسلام قانون خمس وضع گردیده و تحقیقاً مطابق قرآن و سنت است. اگر تمام اموال غیرمشروع گرفته بشود چنانچه صاحبش معلوم است به صاحبش برسد و اگر مجهول است به بیت‌المال عودت داده مصرف طبقه محروم و فقرا گردد، مخصوصاً برای بهترکردن روستاها و آباد کردن و کشاورزی و آباد کردن مملکت مصروف دارند. این یک وظیفه است و اگر هم آن ثروتهائی که جمع کرده‌اند از راه حلال وحرام به‌دست آمده بایستی دوخمس گرفته بشود، یک خمس، خمس مال

مخلوط به حرام اگر صاحبش و مقدارش معلوم نباشد و یک خمس، خمس پس‌انداز که مال را ذخیره کرده است و یا رفته املاکی و یا اشیاء دیگری خریده و یا در بانکها گذاشته‌اند. این باید دو نوع خمس بدهد که در حقیقت چهل‌درصد باید خمس بدهد. اگر این نوع مالها داده میشد وبی‌آمدند در مقابل‌حکم قانون اسلام قرار می‌گرفتند و آنطوری که قانون عدل‌اسلام معنا کرده حق ضعفا را می‌دادند، اقتصاد براه می‌افتاد و گرفتاریها برطرف میشد. ثروت مملکت را ضدانقلاب و ضد اسلام غارت‌کردند و برای خوشگذرانی خودشان به‌کشورهای خارج برده‌اند وامروز دولت انقلاب اسلامی در یک فشار اقتصادی قرار گرفته و خزانه دولت تهی مانده. غیر از راه گرفتن خمس راههای دیگری هم هست که آنها را هم من تذکر میدهم تا بفهمند که اگر قانون عدل اقتصادی اسلام اجرا بشود، هیچکس در جامعهٔ ما فقیر و تهی‌دست نخواهد بود. همه استقلال پیدا می‌کنند و همه در حال رفاه میباشند و همه خانه‌دار میشوند و اگر ثروتهای اندوخته و ذخیره شده از راه مشروع به دست آمده، و سالها است که صاحبان‌آنها اصلا خمس نداده‌اند تا توانسته‌اند برای جمع کردن اموال کوشیده‌اند و به دنیاپرستی سرگرم شده‌اند و فکر بیچاره و مستضعف نبودند، فقط این را یاد گرفته و اندیشیده‌اند که پول را جمع کنند و روی هم انباشته کنند، اینها باید خمس مالشان رابدهند و سالهائی که خمس نداده‌اند و با این پول‌ها به داد و ستد و تجارت پرداخته‌اند و از این پول‌ها که بایستی بابت خمس بدهند سودی کرده خمس آنها را به اضافه در این مدت تعلق میگرفته نداده‌اند، بایستی‌بدهند. به خاطر اینکه خمسی که در مال آنها بوده و سود کرده در این سالها خمسش را نپرداخته‌اند. بنابراین باید آنطوری که قانون عدل اسلام معین کرده‌که بایستی هرکسی دارای ثروت ومال هست حق مساکین و ضعفا را بدهد، این قانون به مرحله اجرا درآید و عملی بشود. حالا حکومت، حکومت اسلام است. آنوقت، یعنی در دوره طاغوت و در رژیم نمی‌توانستیم قانون اسلامی را عملی کنیم. حالا این دولت، اسلامی شده از برکت وجود رهبری لایق و مرد خدا و قاطع و انقلابی که این ملت مستضعف را از اسارت و ذلت نجات داد و ملت هم در اثر آن شرافت و آگاهی و بیداری که داشت پشت سر رهبرقرار گرفت و با رهبر بیعت کرد و رهبر هم دست استقامت به آنها داد و گفت که من همیشه با شما هستم، و هست. هم ملت عزیز ما انقلابی است و هم رهبرعظیم‌الشأن و گرامی ماانقلابی است. رهبران و روحانیان مبارز ومجاهد هم حقاً انقلابی بوده‌اند و هستند و آن ثروتمندانیکه در گوشه و کنار نشسته‌اند چه می‌گویند و چه حقی از این انقلاب ما دارند؟ آنها برای مملکت چکاری کرده‌اند؟ و آنها به‌کجای مملکت کمک کرده‌اند؟ اما بایستی کمک بکنند و دولت هم بایستی کمک بکند و دولت بایستی از حالت سستی بیرون بیاید و یک حرکت انقلابی در دولت بوجود بیاید و این ثروتمندانی که مال زیاد جمع کرده‌اند و حق خدا را هم نمی‌دهند بایستی دولت اسلامی از اینها بگیرد. در شریعت اسلام، پیغمبر اسلام (ص) کسانی را بین این ثروتمندان می‌فرستادند، آن مقدار مالی که حق خدا و قانون اسلامی بود از آنها اجباری می‌گرفتند. تعدیل ثروت‌همینطور با زبان درست نمی‌شود. باید تعدیل ثروت جامهٔ عمل بپوشد و در اختیار همه قرار بگیرد، نه اینکه یک گروه خاصی ثروت را روی هم انباشته کنند و از تمام خوشیها برخوردار باشند و بقیهٔ مردم در عسرت و تنگدستی بسر ببرند و در فشار و مضیقه باشند. باید دولت هم قاطع حرکت کند و هم قاطع عمل کند، تا کی نشسته است؟ بایدهم دراموردا‌خلهٔ کشورش ودراداراتش تصفیه کند

و هم ثروتهائی را که میشود برای مملکت تهیه کرد اقدام بکند. ثروتهائی برای مستضعفین، فقراء بیچارگان تهیه کند که همه در زندگی در حال رفاه و آسوده‌خاطر باشند. همه بایستی دست به دست هم بدهند وسعی و کوشش و مجاهدت نمایند تا اینکه این حرکت انقلابی، فیوضات و برکات خودش را به همه ارزانی نماید.

این خلاصه مطالب بنده بود که خدمت آقایان عرض کردم دیگر بیش از این مصدع اوقات نشوم و وقت من هم تمام شده است و چیزی از وقتم باقی نمانده و از رفقا هم خواهش میشود برای بهبودی وضع عموم از کوشش و تلاش خودداری ننمایند. و عرض مختصر دیگر بنده خدمت نمایندگان محترم این است که در مورد چیزهائی که راجع به‌قوهٔ قضائیه نوشته‌اند و من امروز آن را مطالعه کردم حقاً خوب نوشته‌اند و اصلا درباره آن گفتگوی زیادی ندارد. همگی یک روز از صبح تا شب بنشینید و آن را خوب بررسی نمائید و در بعضی جاهائی که در آن مکرر شده است حذف بشود تا اینکه ان‌شاءالله در ظرف این چند روزه این امر خطیر را تمام کنیم. گرفتاری مردم خیلی زیاد است. فردا که زمستان فرا برسد اصلا نمی‌شود در مناطق کوهستانی و سردنشین کاری انجام داد. بنابراین از رفقا خواهش میکنم یعنی خود رفقااحتیاج به گفتن ندارد خودشان وظیفه‌شناس هستند، می‌فهمند، میدانند اهم و مهم خوانده‌اند. اهم کارها این است که این قانون به دست‌مردم برسد وحرکت اسلامی ان‌شاءالله کاملابه‌حرکت در بیاید و زودترکارها انجام بگیرد و مردم هم بفهمند و دیگر اینکه بایستی در جمع روستا رفت، نمی‌شود همینطور دست روی دست بگذاریم و بنشینیم. کشاورزی ما اگر آباد نگردد، اقتصاد مملکت ما فلج‌است. خلاصه بایدرفقادست‌به‌دست بدهیم وتمام‌مردم‌بایستی‌دست به‌دست هم بدهند و برای آبادی کشور عزیزمان که فعلا اقتصادش و کشاورزیش و سایر امورش سخت آشفته است سعی وافری نموده ازاین ورطه هلاکت ونابسامانی نجات داده وبه‌یک کشور خیلی مترقی تبدیل نمائیم تا اینکه این انقلاب اسلامی ما ان‌شاءالله به پیروزی نهائی برسد. پس در اینمورد بایستی همگی وظایفی را که به آنها محول شده به خوبی انجام بدهند و دولت هم باید در برابر وظایف خطیر خودش هیچگونه کوتاهی ننماید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من فقط یک پیام کوچکی دارم و آن این است که دو سه روز است از بیرون برای من خیلی تلفن میشود و این‌طور در بیرون شایعه‌پردازی کرده‌اند که در مجلس خبرگان لایحه‌ای راجع به نکاح و طلاق تصویب کرده‌اند. لذا برای خاطر این موضوع خواهران و زنان قرار است که فردا در خیابانها تجمع نموده و دست به تظاهرات بزنند و تظاهرات کنند. بدینوسیله از اینجا به اطلاع تمام خواهران و برادران میرسانم که مسألهٔ قانون ازدواج و طلاق مربوط به قانون مدنی است و به هیچ وجه مسألهٔ ازدواج و طلاق در مجلس خبرگان نه گفتگو و نه مطرح شده است و مطرح هم نخواهد شد. علی‌ایحال اگر درخارج شایعه‌ای در این مورد و درباره قانون نکاح و طلاق هست بدینوسیله تکذیب میشود.

**دکترقائمی** — روزنامه اطلاعات همین‌الان درهشتمین‌صفحه‌اش راجع به همین مسأله تحت این عنوان وصف کرده «اعتراض اتحاد ملی زنان به قانون نابرابری زن و مرد». من بمحض مطالعه این عنوان‌تعجب شدیدی کردم که چه‌زمانی‌این قانون درمجلس خبرگان به‌تصویب

رسیده و نوشته که « اتحادیه ملی زنان طی اطلاعیه‌ای به تصویب قانون نابرابری حقوق زن و مرد در مجلس خبرگان به بهانهٔ رعایت قوانین اسلام و بالاخره به بهانهٔ احیای مواد لغو شده قانون مدنی، نظیر آزادی تعدد زوجات، سپردن حق طلاق انحصاری به مرد، سلب حقوق سرپرستی فرزندان از زن ، سلب حق انتقال مسکن و شغل اعتراض کرده» آنوقت به دنباله‌اش نوشته که «زنان در این انقلاب سهیم بوده‌اند، چرا این قانون در مجلس خبرگان به تصویب رسیده است؟» آدم تعجب میکند این قانون در چه‌زمانی و در کجا به تصویب رسیده؟ (منتظری — شاید دربارهٔ این قضیه، اعلامیه‌ای پخش کرده‌اند.)

**کیاوش** — عرض میشود که ما همیشه صحبت از قاطعیت می کنیم، از جمله بعضی از رفقا هم از ما می‌خواهند در کارهایمان قاطعیت داشته باشیم و از دولت و از رفقا میخواهم در کارهایشان قاطعیت داشته باشند. بنابراین من میخواهم بدانم آن دفعه همینطور ازروزنامه اطلاعات راجع به‌این مسأله یک‌چیزهائی خوانده شد هیچگونه عکس‌العملی‌انجام نشد.بالاخره تا چه‌زمانی جلواینطورشایعه‌ها را نباید گرفت؟ وچه کسی‌بایدجلودروغ اینها رابگیرد؟(چند نفر از نمایندگان — خود ملت باید جلو این دروغها را بگیرند.) چه کسی باید بگیرد؟ (چند نفر از نمایندگان — خود ملت.) این دفعه باید تکلیف اینها معلوم بشود و این را میخواهم عرض کنم اگر خبرنگار اطلاعات این دروغ را از اینجا به بیرون برده ، دیگر نباید این خبرنگار خاطی را به مجلس خبرگان راه داد و باید علیه اینها در یک دادگاه انقلابی یا غیر انقلابی اعلام جرم بکنند و یا اینکه خود ملت باید به این دروغگویان جواب بدهند. چرا بایستی بیخودی از خودشان دروغ بسازند و ملت عزیز را ناراحت کنند؟ اینکه نمی‌شود هر روز در روزنامه‌ها یک توهینی نوشته شود و تهمتی بزنند و همه ما نمایندگان ملت این همه دروغ و افترا را بشنویم و ببینیم و بی‌تفاوت بمانیم و از خودمان هیچگونه عکس‌العملی نشان ندهیم و صرفنظر بکنیم؟ یک تدبیری بشود که اینها محاکمه بشوند و از این تهمت و افترا دست بکشند، یا واگذار کنید به ملت، ملت جواب اینها را بدهد.

**یزدی** — گفته میشود که از این تهمت و دروغ سوءاستفاده کرده‌اند و فردا ساعت سه بعدازظهر جهت یک تجمع و راهپیمائی خانم‌ها را دعوت کرده‌اند. و این پیامی که‌آقای کیاوش می‌فرمایند برای فردا از تجمع آنها نمی‌توانند جلوگیری کنند چون وقت خیلی کم دارند . بنابراین بایستی از رسانه‌های خبری قبل از ساعت سه بعدازظهر فردا به‌اطلاع مردم‌برسانند‌این یک توطئه بیش نیست ومردم به‌این سوء استفاده‌ها و به‌این توطئه‌ها توجهی نکنند ودرخیابانها تجمع ننمایند.

**هاشمی‌نژاد** — آقا بفرمائید این خبر را از طریق رادیو به سمع ملت برسانند و از رادیوهم فردا قبل از ساعت سه بعدازظهر چند بار گفته بشود و مردم به حقیقت آگاهی پیدا نمایند.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید فعلا خانم گرجی صحبتی دارند. خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. السلام علیکم ورحمةالله و برکاته. اللهم‌الحلمی والحکم‌بالصالحین. اما راجع به اصطلاح وضع خانم‌ها و راجع به نقش من که در این مجلس خبرگان دارم و اشکالی که خواهران عزیز و بعضی از برادران دارند، و من تا به پایان رسیدن این مجلس انشاءالله مأموریت و مسئولیت خودم را با سایر برادران عزیز به پایان برسانم طبق آیه «یا ایهاالرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» تا آنجا که در اینجا وظیفهٔ ما هست‌به‌امید

خدا می‌گوئیم. اما درباره پیرامون این مجلس و آنچه که تا حالا در این مجلس از تصویب گذشته است میتوانم به جرأت قسم بخورم که آنچه که تا حالا تصویب شده و به‌تصویب‌میرسد انشاءالله اگر بگذارند این درخت توحیدی که غرس شده به ثمر برسد و برمردم هست که انشاءالله این درخت طیبه توحیدی را به ثمر برسانند، مثلها، کمثل «کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء» این به دست خود مردم است که باید این درخت توحیدی را به ثمر برسانند و یاهمزمان در عالیترین اوج آسمانها به جهان عرضه کنند. و اما خطاب من به برادران عزیز این است که به عنوان «انتم امناءالرسل» و به قول حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها«وانتم‌عبادالله‌یوثق امره و وحیه یوثق امره ونهیه» شما بندگان خدا که‌پرچمداران امر و نهی الهی هستید با این برهه از زمان و با این وضعی که خواهران و مادران و نگرانی و ترسی که راجع به این قانون دارند و نگرانی و ترسی که در وجود خواهران ما هست و این واقعیتی است. من به بعضی از برادرانم که در اینجا تشریف دارند عرض کردم که علت این نگرانی و ترس چیست و اثر سوء این ترس درنسل آینده‌چیست. ترس از اینکه‌فردابچه‌هایشان را میگیرند، ترس از اینکه فردا مالک زندگی خودشان نیستند، ترس از اینکه تمام زندگیشان و تمام زحمتشان در یک لحظه و با یک تصمیم ناجوانمردانه (مردی که می‌توان گفت فاقد ارزش مرد بودن است) می‌تواند عمر و تلاش و زحمت زندگی یک انسان را به باد فنا بگیرد، و یا از راه عجولانه و یا از راه تعصب و یا از ازراههای دیگر، تمام هستی او را بگیرد. طبق آیه شریفه در جلوگیری از اینگونه تصمیمات قرآن میفرماید «وقد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظا» یک چنین کشیده‌هائی که از دست مجریان عدل بر صورت اینگونه مردان زده میشود باعث میگردد زندگی آنان از هم متلاشی بشود و همهٔ اینها در مقابل تصمیمات عجولانه و ناجوانمردانه صورت میگیرد و آن میثاق و پیمانی که در ابتدای ازدواج‌با یکدیگر بسته شده بود از بین میرود و آن پیمان زناشوئی را زیرپا بگذارند و کوچکترین توجهی به آن ننمایند. پس برادران عزیز، زنها ترس از این اتفاقات ناگوار و از این واقعه‌های غیرقابل‌تحمل دارند فریاد می‌زنند به هر صورت این ترسها امروز هست و نمی‌توان منکر آن شد. و من در آن روزی که در آن اصلی که راجع به ولایت فقیه از تصویب میگذشت در آنجا هم عرض کردم و حالا در اینجا هم میگویم وقتی که مردان ما مانند کوهی در مقابل سنگر دشمن ایستادگی کردند و هیچ از غرش توپها و مسلسلها نترسیدند، و سمبل واقعی انقلاب اسلامی گردیدند «المؤمن کجبل راسخ» وقتی که اینگونه در مقابل ابرقدرت بودند وقتی در اینجا و از پشت‌این تریبون ترس آنها را دیدم، آیا این ترس زائیده و مولود چیست؟ و آیا ولایت فقیه حق است یا خیر؟ و شماها که در مقابل سلاحهای ابرقدرتها ایستادگی نمودید از چه چیز ترس دارید؟ و اگر ترس از این است که جامعه نمی‌پذیرد، در هیچ موقعی و در هیچ زمان هم حق را جامعه نپذیرفته است از صدراسلام تا کنون مگر این معنی به حقیقت پذیرفته شده است؟ حالا ترسی داشته باشیم که جامعه ما پذیرای این حقیقت باشد. جامعهٔ ما منظوراز یک‌جامعه‌خاصی‌هست. هرگز آنها نمی‌پذیرند چون آنها گوششان حاضر به شنیدن حرف حق و حقیقت و حرف حسابی نیست منظور ما این است گروه مستضعفین ما نجات پیدا کنند و بر مستکبرین پیروز بشوند. منظور ما فقط همین است و اگر گروه مستضعفین هستند آنها همیشه در مقابل حرف حقیقت مطیع بوده‌اند و خواهند بود. اما من به طوری که بررسی میکردم‌این ترس یک عامل دیگری دارد

همانطوری که خود شماها هم میدانید و من نمی‌خواهم برای شما توضیح بدهم. نقش مادر در تربیت فرزند از دوران بارداری و در دوران کودکی و در دوران تربیتش وجود دارد چون قطعاً فرزند پاره‌ای از پیکر مادر هست و ما باید ریشه و عامل ترس را پیدا کنیم که چطور شد برادران عزیز ما در مقابل ابرقدرتها ایستادگی کردند و در این انقلاب پیروز شدند و نترسیدند حالا درمقابل این حق ولایت فقیه ترسیدند. ما باید ریشهٔ این ترس را در وجود مادران و خواهران پیدا کنیم چون آنها همیشه نگرانی داشته‌اند. وقتی که می‌بینیم خداوند میخواهد موسی در مقابل آنطور ابرقدرت بایستد و ایستادگی نماید، خطاب به‌پدر موسی نمی کندواینطور خطاب میکند «واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی‌الیم ولاتخافی ولا تحزنی» آن روز خداوند به زن یعنی به مادر موسی خطاب میکند که فرزندت (موسی) را برای نجات از دست فرعون به دریای خروشان نیل بسپار و من او را نجاتش میدهم و به دست نامردان این «ابرقدرتهای فرعون» نسپار. اینجا است که موسی درمقابل فرعون قدعلم میکند و نمی‌ترسد و من به شما که امین انبیاء و حامی گروه مستضعفین هستید خطاب میکنم می‌توانید موقعیت خانمها را بررسی کنید و می‌توانید مشکلات و ترس آنان را برطرف سازید. این کار را بکنید نگذارید از ناجوانمردان ما برای رسیدن به مقاصد غلط خودشان زنان ما را به دست فراموشی بسپارند و از زندگی ساقط نموده و دربدر وسرگردان نمایند. و اگر عواملی را می‌شناسید، برای ریشه کن کردن آن اقدام قاطع بفرمائید در ایجاد جامعه توحیدی بکوشید و نیمی از جامعه‌ما را زنان تشکیل میدهند، و اضافه براینکه نیمی دیگر جامعهٔ ما هم در دامان پرمحبت همین گروه رشد و پرورش پیدا کرده و تحویل جامعه میگردند ، در این موضع توجهی معطوف داشته و دقیقاً حساس باشید و این امر را همین‌طور سرسری نگیرید و شوخی نپندارید. و این قانون که به تصویب میرسد یقیناً میدانم صددرصد حمایت از جامعه زنان میکند و یکی دیگر اینکه مسلم است در طول تاریخ جز برهه‌ای کوتاه از زمان زنان شدیداً استضعاف شدند. درصدر اسلام که نقش زن و حقوق زن شناخته شده بود که متأسفانه برای اینکه آن رهبریت حق زن را از طریق قرآن و احادیث صحیح ارائه دهید و به این شایعات پایان دهید قرآن تنها کتابی است که از دامن اصیل خاندان پاک پیغمبر کنار رفت باز هم جامعه به راه انحراف کشانده شد و اولین ضربه را در این نظام زن دید ، زنی که پا بپای پیغمبر و پا بپای برادران مجاهد در تمام نظام در هجرت، در بیعت، حتی در جنگ عامل مؤثری بود و قرآن‌گواهی به‌این امر میدهد. اما کار زنان به آنجا کشانده شد که حتی حق سخن گفتن را از او گرفتند و همه را پای اسلام نوشتند . شما که امروز برای رهائی خلقهای مستضعف بخصوص زنان اجتماع کردید امروز ضامن استقلال آزادی و حریت انسانها است. من میخواهم شما توجه به قرآن کنید که در کجای قرآن هست که زن حتی مالک فرزندش نیست. من نمی‌گویم شما این را میگوئید من این را قبول دارم چون شما امروز تنها کسانی هستید که وارث انبیاء هستید که حامی ضعفا میباشید. امروز تنها ملجأ مستضعفان هستید این فریاد خواهران و شعارشان امروز خوب تشخیص داده‌اند که فریاد میکشند، خبرگان، حامی مستضعفان، حامی مظلومان،حامی محرومان. این واقعیتی بوده که در بیانشان ودرشعارشان، درمان دردهایشان و پناهندگیشان را در کنار شما احساس می کنند. در هرصورت یک رسیدگی دقیقی باید به این معنا در قرآن‌بشود. از نظر مادر بودن، من نمی‌دانم به چه عنوانی می‌آیند بدون مجوز شرعی و عرفی و وجدانی بچه

را از آغوش پاک مادر جدا می کنند و به دست کسی که هیچگونه صلاحیت نگهداری وتربیت آن را ندارد می‌سپارند. بیش از یکصد و پنجاه نامه برای من رسیده بیشترین آن روی این‌موضوع است. زن در تمام دنیا تنها ثمرهٔ جانش، فرزندش است و می‌آیند ناجوانمردانه بچه‌ها را از آغوش مادران می‌گیرند و به صرف اینکه یا می‌خواهند مادرانشان را طلاق بدهند یا اینکه پدرانشان از دنیا رفته‌اند به دیگران می‌سپارند و اگر هم نگهدارند با چه فلاکت و نکبت و چه محرومیت‌هائی بچه را نگهداری می کنند. و آقایانی که اینجا تشریف دارند به این مسأله مهم توجه نمایند ان‌شاءالله به آیهٔ «فی‌مقعد صدق‌عند ملیک ومقتدر» توجه داشته باشید که‌در کجا نشسته‌اید و در چه موقعیت حساسی هستید. در آن دفعه بنده عرض کردم که جامعهٔ ما بوسیله خون جوانان پاک شده قرآن را بررسی کنید و خوب بررسی کنید. مادر موسی آیا سرپرست این بچه هست یا نیست؟ پدر موسی در آن موقع کجا بود که مادر، این بچه را به دریا می‌سپارد و یا مادر مریم به‌چه‌مجوزی تصمیم قاطعانه می‌گیرد؟ «اذقالت امرات عمران رب‌انی‌نذرت‌لک مافی بطنی محرراً». بینش عظیم این زن با چه تصمیمی است و با چه برنامه‌ای است؟ در آن برنامه های سیاسی، اجتماعی در قرآن هست و آن زیر شکنجه قرار گرفته، همسر فرعون به‌چه مجوزی است؟ و آن هجرت زنان در صدر اسلام از مکه به سوی مدینه و بیعت کردنشان با حضرت رسول (ص) آیه‌ای که در اول سوره مجادله آمده است به چه مجوزی است؟ مهاجرت زنها وگفتگو درمقابل انصارومهاجردرباره طلاق با رسول اکرم(ص)مجادله نموده «قد سمع الله قول التی تجادلک فی‌زوجها و تشتکی الی‌الله». ما زنها در انقلاب سهیم بودیم و دوش بدوش با برادران مجاهد برای به ثمر رسیدن این انقلاب و این نهضت عظیم همگام شدیم. حالا بعضی اخلالگرها اینطور وانمود میکنند که در جامعهٔ ما زنها حق سخن گفتن ندارند و کاری نکنید که دوباره ما زنان برای احقاق حق، شما را به مجادله دعوت کنیم و دربارهٔ این موضوع فقط و فقط به قرآن رجوع کنید و این را خدمت خواهران عزیز عرض بکنم که در این قانون‌به‌اندازهٔ سرسوزن حق زن پایمال نشده و این آقایان نیز حامی و مدافع حقوق زن می‌باشند. چون در این سن و سالی که هستم و تا اینجا عمری بسر کردم آن کسانی که من را می‌شناسند، که می‌شناسند و آن کسانی که نمی‌شناسند بدانند که عقیده من غیر از راه خدا و راه انبیاء طریق دیگری نیست. منظور من فقط خدمت به‌خلق است وبس منظور دیگری ندارم وجزحکم خداوند را نمی‌خواهم ولی موضوع دیگر حکم طلاق که در سوره بقره اشاره شده. شما آقایان‌توجه کنید بیش از دوازده مرتبه تکرار میکند که «سرحوهن بالمعروف اومتعوهن بالمعروف» این کلمه معروف را که تکرار می کند که طلاق زنان به گونه‌ای باشد که عرف انسانیت و اسلام می‌شناسد. من خدمت برادران هم عرض کردم مردانی که پناه مظلومان هستند، خانمی که بعد از پنجاه سال همسرش او را طلاق داده و مقداری هم فرضاً مهریه‌اش بوده بگیرد و برود. آقایان چگونه این زن بعد از پنجاه سال زندگی توأم با رنج و زحمت و چشم‌پوشی این خانه را ترک بکند و بچه هایش را رها بکند؟ در خود سوره طلاق آمده است «واتقواالله ربکم لاتخرجوهن‌من بیوتهن ولایخرجن الاان یاتین بفاحشه» دو مرتبه تکرار می کنند از خانه خارج نمی‌شوند مگر اینکه فحشای مبین انجام داده باشند. قرآن را بررسی کنید، بخصوص امروز که اسلام دومرتبه شناخته شده است. این واقعیت دارد، اگر اسلام قبلی بود، اسلام نظام سلطنتهای ننگین‌امویان، عباسیان، سپس صفوی، قاجاری و دوباره سلطنت ننگین پهلوی. اسلام چهارده قرن راه انحرافی

رفته است، ما امروز آن اسلام را می‌خواهیم که در صدر اسلام ظهور کرده و تأسیس شده است و این چهارده قرن را می‌خواهیم برگردیم و از شاهراه اسلام تغذیه کنیم و اسلامی که تا این حد مقام زنها را بالا برده است آیه‌ای هم به این مناسبت هست «من عمل صالحاً من ذکر اوانثی و هومؤمن» هردوی این موجود «زن و مرد» در این مسیر خدائی و اسلامی حرکت می کنند فقط ملاک، عمل و ایمان است و چگونه شد که ما را به این صورت در جامعه کنار گذاشتند و چگونه شد که حق همه چیز را از ما سلب کردند؟ بنابراین خدمت آقایان عرض بکنم و در آن مورد با آقای دکتر صحبت کردم البته چیز تازه‌ای نیست خواهران توجه داشته باشند که این اصول در این قانون اساسی مطرح شد در اصل ۳ و در اصل حقوق ملت تمام حق و حقوق زن و مرد تصویب شد ولی مطمئناً خواهران عزیز بدانند این درخت پاک توحیدی در اینجا ودراین مکان‌مقدس‌غرس خواهدشد وخواهران وبرادران ما ازحراست وحفاظت وحمایت وبه‌ثمررساندن درخت توحیدی خودشان هیچگونه دریغ نمی‌ورزند و همینطور که درآیهٔ شریفه قرآن میفرماید «یا ایهاالذین آمنوا کونواقوامین بالقسط شهداءلله» شما بایستی ضامن اجرا باشید ودرباره‌احیای حقوق‌زن ازنظر فرهنگی‌این‌مهمترین چیزی است که امروزبایدتوجه کامل داشت. پیش‌ازحقوق سیاسی و اجتماعی ما بایستی به فرهنگ‌سان توجه کنیم چون در فرهنگ خیلی عقب هستیم و سالیان و بلکه قرنها کوشیده‌اند که فرهنگ ما را از دستمان بگیرند و ما را عاری از فرهنگ بکنند. اگر این چنین نبود واقعهٔ پنجاه سال یا چهل سال قبل و به کوچه و خیابان کشاندن زنان پیش نمی‌آمد و آنطور ماهیت زن را از زن بودن خارج نمی کردند. راجع به‌خبری که در روزنامه درج شده عرض کنم چند روز پیش به من گفتند که درمدارس‌خانمهای دبیروخانم‌های ادارات و سایر اجتماعات می‌خواهند راهپیمائی کنند برای اینکه در مجلس خبرگان به عنوان قانون اساسی حقوق زنان را نادیده گرفته‌اند و فلانی هم (خانم گرجی) در آنجا ساکت نشسته و رویش را گرفته است و ننگ زده به هر چه زن است. من در جواب به آنها گفتم من با این چادرم به شما ننگ نزدم، من با این چادرم شرف زنها را از بین نبردم بلکه ما با این چادرسان از شرف و حیثیت از دست رفته خواهران دفاع کردیم آن شرف و آبرو پنجاه سال پیش ازدست رفت. آن موقع اسضاء کردند و ملیت و فرهنگ را به‌فروش رساندند، آن موقع شرف از دست رفت. ما با این چادرسان ننگ به شرف اسلام‌نزده‌ایم و این صحبت در همه‌جا، دانشگاه ، مدارس و سایر محلهای فرهنگی به میان آمده که فلانی رفته در آنجا نشسته و رویش را گرفته و این قانون هم تصویب شد و رفت. والله من از اینکه چرا خواهران ما در جریان امور دخالت نمی کنند ناراحت شدم. هنوز هم نویسندگان ما، رسانه های‌گروه خبری، ازطریق‌رادیوتلویزیون، از طریق آن روزنامه هائی که لااقل خود فروخته نیستند و چون آیات قرآن «ن، والقلم و ما یسطرون» هنوز هم حرمت قلم را و این امانت را حفظ می کنند و از این‌پایگاه‌حراست‌می کنند، و هر حرفی که در اینجا گفته میشود در بین مردم پراکنده میشود. چرا نباید خواهران بدانند در مجلس چه میگذرد؟ و اگر چنانچه چهار نفر آدم شرور بخواهند شایعه‌سازی کنند، دنبال شایعه آنها بروند؟ این یک مسأله، مسأله دیگر اینکه خواهران که ارج و مقامی درتمام علوم وفنون دارند ودر فرهنگ پیشرفت کرده‌اند چرا نبایستی بدانند مجلس خبرگان‌فقط محل تصویب قانون اساسی است و جای بحث و گفتگو درباره مسائل مربوط به قانون عادی و مدنی نیست؟ چگونه توجه نمی کنند که در مجلس خبرگان چهارچوب خط و مشی فرهنگ و خط مشی

حکومت یک نظام طرح میشود؟ اما من مسأله تعدد زوجات را نه به‌عنوان قانون بلکه به‌عنوان یک مسأله موجود طرح می کنم و آن اینکه تنها آیه درباره تعدد زوجات همین یک آیه است «و ان خفتم الاتقسطوافی الیتامی فانکحوا ماطاب لکم من‌النساء» که برای برقراری نظام عدل شارع مقدس مباح می کند و من پیش از برادران، خواهران را در رابطه با ازدواج متعددزنان محکوم می کنم. چرا آنقدر فرهنگ ما عقب است؟ دیروز که عده‌ای خانم‌ها آمده بودند پیش من گفتم که چرا اینقدر ما مردان را داریم محکوم میکنیم؟ خوب است که بیائیم خودمان را محکوم بکنیم. به چه دلیل آن خانم و دختر خانم که می‌داند مردی دارای همسر وفرزندهست آمادگی خود را برای ازدواج اعلان می کند؟ این برای ما زشت است که درچنین زمانی‌به‌جای بررسی درست از قوانین و مصالحی که شرع مقدس اسلام در نظر داشته اینگونه مغرضانه و بی‌توجه به آن قضاوت کنیم. به این سوره نساء که مهمترین سوره قرآن از نظر اجتماعی،سیاسی، فرهنگی، نظامی است چرا ما خانمها توجهی نداریم؟ چرا به مسئولیت خطیرمان که یک دست به حرکت گهواره و دست دیگر به‌حرکت جامعه باید داشته باشیم توجه نمی کنیم؟ چرا ما نمی‌دانیم‌چه کسی هستیم؟ من که به‌خدا ناراحت هستم ازاینکه اینقدرفرهنگمان عقب رفته. به جای واقعیت فهمیدن و جریان گذشته‌ها و جبران خسارتها می‌آئیم شایعه‌پردازی می کنیم می‌بینیم اسلام ازدواج متعدد را برای برقراری عدل دستور می‌دهد برای اینکه از یتیمان و از بی‌سرپرستان خوب حمایت بشود لذا برای زنهائی که همسر مرده و بچه یتیم دارند برای نفی ظلم و برای ریشه کن کردن فقر و برای ریشه کن کردن فساد این‌حکم داده شده‌است وبلافاصله قرآن میگوید «وان خفتم‌الا تعدلوا فواحدة» برای برقراری عدل و تشکیل خانواده اگر بنا باشد پایه‌های خانه اول خراب بشود به چه‌جهت می‌خواهید خانه دوم را و برچه اساسی بنا کنید؟ در هر صورت این یک بررسی کامل لازم دارد. من باز خطاب به برادران تذکر می‌دهم که خواهران ما حاضر نیستند به خانه شوهر بروند و در خانه می‌مانند که تشکیل خانواده ندهند چون با ازدواج کردن آنان خیلی از مزایای خودشان را از دست میدهند. آقایان در این مورد بررسی کنید. این استقلال و آزادی یک چیزی است که خدا به هرانسانی داده است. چماقی بر سر هر زن کوبیدند و زنان را از تمام شئون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره... محروم کردند. و خوب، دخترها تن به ازدواج نمی‌دهند و اگر هم بدهند ترسی در دل آنها هست که آیندهٔ ما بعد از بچه‌دار شدن چه میشود؟ وقتی ما در مورد روزه گرفتن می‌بینیم که اگر باعث شود که مرد در نظام زندگی سستی نشان بدهد و نظام زندگیش از نظر کار و از نظر درآمد رو به سستی برود این حکم از قاطعیت می‌افتد، چگونه برای اجرای امر مستحب این‌طور خانواده‌ها از هم پاشیده میشود؟ مسأله دیگر راجع به‌پرورش فرزندان و مسئولیت زنان در پرورش آنان است. آن اصل که دادم به برادر عزیزمان بایستی بررسی بشود هشت تا بنددارد البته یک چیز مهم و تازه‌ای نیست در قانون گذشته هم بود برای تأکید بیشتر است که در قانون مدنی در مجلس شورای ملی بررسی بشود و نظارت کنند آن قانون پیاده بشود . به‌جای اینکه اینقدر فریاد میزنند بگذارید این کار تمام بشود و این قانون در مجلس شورای ملی بررسی بشود و به‌ثمر برسد. بنابراین باز هم تذکر میدهم اینجا بحثی از طلاق نیست، اینها شایعات است. به‌جای اینکه دست به شایعات بزنیم، خوب است بیائیم خودمان را اصلاح بکنیم و خودمان را بررسی کنیم. باز آیه «الرجال قوامون‌علی‌النساء...» را می‌خواستم خدمتتان

عرض کنم این کلمه «قوام» معنای برپائی جامعه است. در جامعه هر کسی که قدرتش و مسئولیتش بیشتر است همینطوری که خود قرآن میگوید «بما فضل‌الله بعضهم علی بعض وبما انفقوا من‌اموالهم». ما دراسلام تسلطی‌نداریم این موضوع را هم بررسی کنند طبق‌آیه «ماکان لمؤمن علی مؤمنة اذا قضی‌الله» بر طبق فتوای این آیهٔ شریفه حق نظام حاکمیت مرد و زن معلوم شده تمام اینها درآنجا تصویب شده نه‌اینکه تصویب نشده. وقتی در اینجا مطرح است که آیا زن میتواند رئیس‌جمهور بشود یا نه در صورتی که ولایت فقیه مطرح است وزارت و مدیریت همه جنبهٔ اجرائی و وکالت دارد لذا زن و مرد مطرح نیست. عرض آخر بنده این‌است که بایستی حریت و استقلال زنان حفظ بشود. شما به عنوان «امناءالرسل» کاری را که‌پیغمبر اسلام (ص) در صدر اسلام کرد یک بار دیگر شما در این زمینه انجام بدهید. فرمودند که‌وقت من تمام شده است اجازه بفرمائید این را هم من عرض کنم. اعلامیه‌ای که جهت تظاهرات زنان از ناحیه زنان ناشناس صادر شده، دیروز که عده‌ای از زنان آمده بودند مربوط به بعضی از گروهها و می‌گفتند که ما می‌خواهیم این کار را انجام بدهیم، در جواب آنها گفتم که با این کارتان جز اینکه آبروی خودتان را ببرید چیز دیگری انجام نمی‌دهید و آخر سر چه چیزی را ثابت می‌کنید؟ جزاینکه بگویند آنچه درقانون اساسی میگذرد و مطرح میشود ما زنان فرصت بررسی آن را پیدا نکردیم. این قدر شایعه در این کشور و دراین برهه‌ای از زمان اوج گرفته و بازارش گرم است که بدون بررسی چنین مسئولیت خطیر، آمدند راهپیمائی می‌کنند و تظاهرات براه انداخته‌اند. چنین کاری نه در خور زنهای ما هست و نه با آن فهم و شعور فرهنگی که زنهای ما دارند سازگار هست و خلاصه این راهپیمائی دور از مقام زنهای انقلابی ما هست‌ولی ممکن است زنهائی که حمایت از قانون اساسی کردند و تظاهرات راه انداخته‌بودند باز هم در چنین شرایطی به راهپیمائی ادامه دهند. اما آن خواهرانی که برای به ثمر رسیدن انقلاب از هیچ چیزی دریغ نکردند و بهترین جوانانشان را فدای انقلاب کردند تا این انقلاب بارورگردد فکر نمی‌کنم آن طور زنان برای تضعیف کردن انقلابشان در خیابانها تظاهرات نمایند فکر نمی‌کنم چنین زنانی دست به‌این کارها بزنند. یکی دیگر اینکه به‌طوری که یکی ازدانشجویان تعریف میکرد تظاهراتی کردند و هتل‌ها را گرفتند. من برای محفوظماندن سهم خواهران عزیز در این انقلاب شکوهمند و پی‌بردن به مسئولیت در این زمان این آیه را از قرآن می‌خوانم: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها» که در این آیه ارزش خانواده و مسئولیت طرفین زن ومرد بیان می‌شود. مادران و همسران باید به این وظیفهٔ خطیر احترام کنند و مراقب باشند، زنها دراین موقعیت خطیر و حساس بایستی نقش سازنده عمیقی داشته باشند. من از همان اوایل انقلاب که بعضی راه انحراف و تخلف از راه امام را پیش گرفته به‌خواهران عزیز عرض کردم که مصداق آیه «ونفاثات فی‌العقد» نباشید و به این گره‌های کور در انقلاب ندمید و سرانجام پیام من به خواهران اینست که شماها با نقش مهمی که در ساختن جامعه و پرورش فرزندان و پاسداران دارید این جوانان را طوری آگاهی دهید که مکتب انقلاب راخوب درک کرده و جهت خلاف را انتخاب ننمایند والسلام علیکم، ان‌شاءالله موفق باشید.

**نایب رئیس** — البته مطلب برای همه خواهران با ایمان و مبارزمان روشن است حتی من این نگرانیم را خیلی بجا نیافتم که بعضی از برادرها نگران شده بودند که ممکن است خواهران ما تحت تأثیر اینگونه مطالب قرار بگیرند، ولی به هرحال لازم دانستیم خواهران

عزیز در سراسر ایران این تذکر را توجه داشته باشید آنچه که در اینجا میگذرد بررسی قانون اساسی است و قوانین مربوط به ازدواج و طلاق و امثال اینها اصولا در این مجلس مطرح نمی‌شود ، بنابراین فرصت به کسانی که از هر جریانی می‌خواهند علیه انقلاب خود شما سوءاستفاده کنند ندهید و راه را براین توطئه‌گران ببندید که شما هستید نیروی‌عظیم انقلاب و دیروز شما ستون پرتوان انقلاب بودید امروز و فردا هم خواهید بود. امیدوارم با هوشیاری و آگاهی خودتان نشان بدهید که نمی‌توانند از احساسات پاک شما علیه جریان اصیل انقلاب کمترین بهره‌برداری غلط را داشته باشند. تجربه تاریخی در این دوران ما نشان داده است که زن مسلمان با ایمان ازنوعی آگاهی سرموز و روشن‌ضمیری خاص برخوردار بوده و هست، این تجربه را همچنان ادامه بدهید و نشان دهید نورانیت اسلام ونورانیت آشنائی با تعالیم قرآن و پیوند با آن را، که در این راه خدا حافظ شماست، انشاءالله.

**کیاوش** — شکایت ما در این وسط مثل اینکه لوث شد. یا باید مجلس شکایت بکند یا خودم علیه روزنامه اطلاعات اعلام جرم میکنم.

**نایب رئیس** — راجع به روزنامه اطلاعات اجازه بفرمائید دقیقاً بررسی بشود و با خودآنها هم در میان گذاشته شود چون آن چیزی که الان اینجا هست عبارتست از یک اعلامیه‌ای که یک جمعیتی به آنها داده است، فعلا مستقیماً هیچ ارتباطی به خبرنگارشان در اینجا و امثال اینها در آن به چشم نمی‌خورد. (کیاوش — پس اجازه بدهید اعلام جرم علیه همان جمعیت بشود.) بسیارخوب راجع به‌آن جمعیت هم بایدرسیدگی کرد. (دکترقائمی— ضمناً دراطلاعات فقط به صورت اطلاعیه ذکر شده است.) بلی اطلاعیه‌ای است از آنها که چاپ شده و نمی‌تواند ارتباطی با خبرنگار اطلاعات دراینجا و امثال آن داشته باشد. اجازه بفرمائید وارد دستور جلسه بشویم.

**اکرمی** — باید اضافه بکنیم که به جای اینکه مطالب بنده را مفصل ذکر بکند اینجا مسأله‌ای را نوشته که به همه نمایندگان‌برخورد دارد. گفته است که در این ایام رفتاری با مطبوعات کرده‌اند که شایستهٔ دشمنان ملت بوده نه نمایندگان واقعی است و زبان ملت.

**نایب رئیس** — این را از قول شما نقل کرده است؟ (اکرمی — مطالبی که بنده‌گفته‌ام فقط یک تکه‌اش را آورده است.) خوب اجازه بفرمائید وارد دستور بشویم.

**صافی** — این مجلس، مجلسی نیست که زن و مرد درمقابل هم قرار گرفته باشند اگر زن هم در این مجلس نبود، مردها همانطورکه وظیفه دارند و مسئولیت دارند احکام خدا را بیان می‌کردند و ما از احکام خدا سرموئی حاضر نیستیم کم بشود که مردها خوششان بیاید یا بدشان بیاید و یا اینکه زنها ناراحت بشوند یا نشوند البته آن زنهائی که ایمان ندارند ومسائل فقهی هم که مطرح شد بر این پایه‌ها نیست. قرآن، طلاق، تعدد زوجات، تمام اینها را فقها در یک محیط بسیار بسیار دقیق و تحقیقی بررسی می کنندو در دسترس‌مردم‌قرار میدهند ومسلمانها هم قبول می کنند. اگر آن آیات در قرآن هست این آیه هم هست که «واذا سألتموهن متاعا فسئلوهن من وراء حجاب» و این آیه هم هست که «و قرن فی‌بیوتکن» آن روایات هم همه‌شان ضعیف نیستند روایات را محققین و آنهائی که متخصص در حدیث‌شناسی هستندآنهابایدتصدیق بکنند و در محیط فقه نه در اینجا این مطالب گفته شود اینها را خواهش می کنم تذکر بدهید که مردم اشتباه نکنند. در اسلام زن و مرد در مقابل هم نیستند و ما همه طرفدارحقوق

زن و مرد هستیم بدون استثناء.

**نایب رئیس** — درست است به همین دلیل هم خواهرمان خطاب به همه آقایان این مطلب را گفتند که شما هستید همگی پاسداران اسلام و تعالیم او و بر طبق آن وظیفه، خواست‌هائی را اینجا مطرح کردند و نه تنها در اینجا بلکه در جامعه‌اسلامی اصولا زن و مرد مکمل یکدیگر هستند نه در مقابل و مخالف یکدیگر. حالا اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل قرائت می‌شود.

غایبین، آقایان: سحابی، حائری، فاتحی، مدنی، هاشمی‌نژاد.

دیرآمدگان، آقایان: انواری ۳۰ دقیقه، باهنر بیست و هشت دقیقه، بنی‌صدر بیست و دو دقیقه، حسینی هاشمی چهل و پنج دقیقه، خادمی پنجاه و پنج دقیقه، رشیدیان بیست و یک دقیقه، رحمانی بیست و سه دقیقه، مراغه‌ای نود دقیقه، موسوی اردبیلی بیست و یک دقیقه، نوربخش بیست و هشت دقیقه.

## ۲ — طرح و تصویب بندهای ٤ و ۹ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)

**نایب رئیس** — وارد دستور میشویم بند ٤ اصل ۱۲۷ مطرح است که قرائت میشود.

**بند ٤ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)** — رعایت آزادی انتخاب شغل وعدم اجبارافراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی ازکار دیگری.

**هاشمی‌نژاد** — «بهره کشی» را «بهره‌گیری» بنویسید بهتر نیست؟

**نایب رئیس** — بهره کشی جالب تر است. دربارهٔ این بند بحث به اندازهٔ کافی شده است. لطفاً گلدان‌ها را برای رأی‌گیری نزد دوستان ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق پنجاه و چهار رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع شش رأی تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند). بند ۹ اصل ۱۲۷ قرائت میشود.

**بند ۹ اصل ۱۲۷ (اصل چهل و سوم)** — تأکید برافزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحلهٔ خودکفائی برساند و ازوابستگی برهاند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، آراء موافق پنجاه و نه رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع یک رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند). به امید روزی که در ایران دیگر هیچ دامی را نخواهیم وارد بکنیم و هیچ نانی. (نمایندگان — انشاءالله).

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۱ (اصل چهل و پنجم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷/۱ قرائت میشود.

اصل ۱۲۷/۱ — انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها وسایر آبهای‌عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های

طبیعی ، مراتعی که حریم نیست ، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد میشود، در اختیار حکومت اسلامی است که در راه مصالح عامه از آنها بهره‌برداری میشود. تفصیل هر یک را قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — یک سؤال کتبی شده که توضیح میدهم . آقای کیاوش سؤال کرده‌اند که زمینهای موات یا رها شده چیست . باید عرض کنم که منظور از زمین رها شده زمینی است که قبلا کسی آبادش کرده ولی بعد او را رها کرده و رفته. (کیاوش — این کلمه رسانیست.) (ربانی شیرازی — بنویسید «زمینهای متروک» ) بنابراین اگر موافق باشید «رها شده» را تبدیل به «متروک» بکنیم. (اشراقی — بنویسید «اعراض شده».) دقت بفرمائید آقایان، وقتی‌ماگفتیم تفصیل هر یک را قانون معین می کند این دیگر بعداً معین می‌شود که کدام، با چه مقدار، سه سال یا پنج سال یا بدون مدت، و کدام رها شده است و نیست. به هر حال توضیح دادیم رها شده به این منظور گفته شده است.

**مکارم شیرازی** — عبارت نارساست. فرضاً بنده یک زمینی دارم دو سال است که کشت نکرده‌ام و رها شده، آیا معنی‌اش این است که معرض عنها، انجلی اهلها، باد اهلها؟

**نایب رئیس** — بیش از اینها هم هست، سه سال آن را رها کردن هم هست. حالااجازه بفرمائید با نوبت صحبت بشود. آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولا این خصوصیاتی که به ذهن آقایان می‌آید مثلا رها شده ممکن است کمی در آن اجمالی باشد یا جاهای دیگر، در واقع آن قسمت آخری که گفتم «تفصیل هر یک را قانون معین میکند» همه این مشکلات را برطرف می کند. اما اشکالی که من به ذهنم می‌آید این است که این عبارت نارسا است درآخر «در اختیار حکومت اسلامی است که در راه مصالح عامه از آنها بهره‌برداری میشود» این به این صورت ظاهرش اینطور است که مثلا فرض بکنید که حکومت باید اجازه بدهد و هیچ درآمد و تملیکی هم از آن استفاده نکند. پیشنهاد من این است که این عبارت را بایستی‌اینطور نوشت که «تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از آنها را قانون معین می کند» و صبح هم عبارت به این شکل مطرح بود. (طاهری اصفهانی — «بهره‌برداری» حرف شما را میرساند.)بهره‌برداری ظاهرش این است که باید اجازه بدهد و درآمدش را بگیرد بنابراین «عمل می‌نماید» واضح تر است.

**نایب رئیس** — همانطورکه مکرراً گفته شده ما بحث لفظی نداریم هیچ اشکالی ندارد اگر این عبارت روشن‌تر به نظر دوستان میرسد بنویسیم «در اختیار حکومت است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفضیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می کند» آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — به نظر من یک «در» باید به اول حریم اضافه شود یعنی «در حریم ملک کسی».

**نایب رئیس** — خیر سرتع، حریم روستا و اینها مطرح است. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — بنده دو پیشنهاد دارم یکی این اموال عمومی که از غاصبان مسترد میشود این برداشته شود چون در اصل بعدی می‌آید مانند اختلاس، غصب، رشوه، سرقت، قمار و نظایر اینها. دیگر اینکه اموال مجهول‌المالک جزو انفال نیست. (نایب رئیس — عطف

کرده‌ایم انفال و ثروتهای عمومی.) اموال مجهول‌المالک در راه مصالح عامه نیست بلکه یک مصرف بخصوصی دارد.

**نایب رئیس** — خیر مصرف بالخصوص ندارد، یا جور دیگر هم می‌تواند در اختیار بیت‌المال بگذارد. آقای کیاوش بفرمائید. (کیاوش — بنده هم در مورد «رها شده» حرف داشتم که اصلاح شد.) آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای**— اشکال بنده یکی «رها شده» بود که اصلاح شد یکی «دریاها» است. دریاها را اگر جزو انفال بدانیم به معنای ملک امام با دریاهای آزاد که مسأله بین‌المللی و سیاسی است معارضه دارد این باید حل بشود و دیگر اینکه دریاها و ثروت‌های دریا این را شامل نمی‌شود، در دریا و عمق زمین دریا و معادن و چیزهائی که جزو مستملکات است و در فقه هم تصریح شده.

**نایب‌رئیس** — واما راجع به‌قسمت بین‌المللی آن بحث دیگری است که اصولا برطبق مبانی اسلام چه‌جور است، به‌هر حال قسمتی از دریاها که می‌توانند تصرف بکنند اینها به‌نظر من روشن است.

**خامنه‌ای** — این «در اختیار حکومت» را چرا ما «بیت‌المال» ذکر نمی‌کنیم؟ اگر اینها که اسم برده شده جزء بیت‌المال است آن مسأله مالکیت هم در آن ذکر بشود، معنی این «در اختیار حکومت» در اینجا اینست که ما دیگران را مالک می‌دانیم ولی امام را که مالک هست ما اینجا فقط حق تصرف یا حق اولویتی چیزی ....

**نایب‌رئیس** — اصطلاحاً بیت‌المال در فرهنگ اسلامی اخص از اینها است وبه‌اینها بیت‌المال گفته نشده است. به‌هر حال آقایان پیشنهاد کفایت مذاکرات داده‌اند موافقین بااین پیشنهاد دست بلند کنند (اکثر نمایندگان دست بلند کردند.) تصویب شد. (ربانی شیرازی— وذخائر موجود در آن.)

**حیدری** — عرض میشود اینجا نوشته شده است انفال، موات بر دوقسم است موات اصلی وموات عارضی. موات اصلی انفال است ولی زمینهای عارضی زمینهائی است که قبلاآباد بوده ومثلا درزمان جنگ برآنها خرابی وارد شده. آیا اینها جزء بیت‌المال وجزء مال همه مسلمین است؟

**نایب‌رئیس** — این پاسخ را دادیم که‌ثروتهای عمومی عطف شد به انفال وآن‌قسمتهائی که جزو انفال نیست مثل مال مجهول‌المالک. (حیدری — این عطف بیان نیست؟)خیرآقا عطف بیان نیست.

**حیدری** — اشکال دیگر اینکه اموال مجهول‌المالک، البته بنده راجع به‌این موضوع صبح خدمت آقای منتظری عرض کردم که اینها موردش، مورد صدقه به‌فقرا است ،مال عامه که نیست وموردش مخصوص است، چطور اینجا در اختیار حکومت قرار می‌گیرد؟

**نایب‌رئیس**— اولا صدقه فقط مربوط به فقرا است؟ یا «یتصدق انصاحبه، یتصدق یؤتی الفقرا» نیست آقا؟ (حیدری — ولی در اینجا، مورد صدقه هست )ببینید آقا یتصدق در روایت داریم و این معنایش یوتی الفقرا نیست.(ربانی شیرازی — فی سبیل‌الله است.) می‌تواند در راه خدا بدهد بنابراین همان موارد ذکوة وانفال‌هست. اصل ۱۲۷/۱ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**اصل ۱۲۷/۱ (اصل چهل و پنجم)** — انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده ، معادن ، دریاها ، دریاچه‌ها ، رودخانه‌ها وسایر آبهای عمومی ، کوهها ، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول‌المالک واموال عمومی که از غاصبین مسترد میشود ، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به‌آنها عمل نماید . تفصیل وترتیب استفاده از هر یک را قانون معین میکند.

(اخذ رأی به‌عمل آمد ونتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس**— عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت ودونفر ، تعداد کل آراء شصت ودو رأی ، آراء موافق پنجاه وهفت رأی ، آراء مخالف هیچ ، آراء ممتنع پنج رأی، بنابراین اصل ۱۲۷/۱ تصویب شد، تکبیر ( حضار سه‌بار تکبیر گفتند ) .

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۲ (اصل چهل و نهم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷/۲ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۲۷/۲ — دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا ، غصب ، رشوه ، اختلاس ، سرقت ، قمار ، سوءاستفاده از موقوفات وسوء استفاده از مقاطعه کاریها ومعاملات دولتی ، فروش زمینهای موات ومباحات اصلی ، دائر کردن اماکن فساد وسایر موارد غیر مشروع را گرفته وبه صاحب‌حق رد کند ودرصورت معلوم نبودن به‌بیت‌المال بدهد. این‌حکم باید بارسیدگی وتحقیق وثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود .

**نایب‌رئیس** - فقط با اجازه دوستان در آن سطر ماقبل آخر نوشته شود« ودر صورت‌معلوم نبودن او» یک کلمه «او» اضافه میشود . خوب اینجا عده‌ای از دوستان اسم نوشته‌اند و ... (دکترشیبانی— آقارأی‌بگیرید‌چون‌عده زیادی کتباً نوشته‌اندوپیشنهاد کفایت‌مذاکرات‌داده‌اند.) (سبحانی — اگر یک ابهاماتی باشد واین ابهامات رفع نشود چه‌اشکالی‌دارد؟) فعلا دونفر از آقایان که نوبت گرفته‌اند ودر ردیف اول ودوم اسم نوشته‌اند صحبت می کنند. آقای مکارم بفرمائید .

**مکارم شیرازی** — عرض بنده‌این است که این اصل هم ریشه قرآنی دارد «وان‌تبتم‌فلکم رؤس اموالکم » اموال ربوی باید به‌صاحبانش برگردد وهم ریشه حدیث دارد علی‌علیه‌السلام وقتی که به‌خلافت رسیدند فرمودند تمام اموالی که از بیت‌المال به‌غارت رفته همه آنها را من برمیگردانم ولواینکه اینها به‌مهریه زنان رفته باشد واز آن استفاده‌های مختلف کرده باشند واز نظر فقهی هم مسلم‌است اموالی که از طریق حرام به‌دست بیاید گذشت زمان ایجاد مالکیت نخواهد کرد وهمه در قسمت‌اول این اصل متفق‌القول هستیم که بحثی ندارد ، ولی بحثی که بنده دارم براساس وضعی که در خارج می‌بینیم وتجربه‌ای‌است که کرده‌ایم. آن‌اینست که گاهی یک قانون خوب است همانطور که صبح هم عرض کردم ولی درشرایطی اگر نحوه اجرای آن‌را بررسی نکنیم ومحکم کاری نکنیم ممکن است وسیله هرج ومرج وسوء استفاده بشود. همانطور که در مسأله رباخواری بااینکه مبارزه با رباخواری وگرفتن اموال مردم از رباخواران یکی از مترقی‌ترین قوانین اسلامی بوده وهست، عده‌ای سوءاستفاده کردند وآمدند همکارهای مسلمی را وافرادی را که به‌عمرشان یک ریال رباخواری نکرده بودند یقه‌شان را گرفتند وزندان هم‌رفتند وحتی عده‌ای به تازگی بابلندگو در اطراف شهرها دادوبیداد کردند که هرکسی از این‌شخص

شکایتی دارد بیاید وآنوقت یک نفرآمده گفته فلان کس از من رباخواری کرده، یکی دیگر می‌گوید هفده سال قبل این‌شخص فلان جنس را به‌من فروخته وگران فروخته وبعداً که تمام دفاتر را بررسی کرده‌اند دیده‌اند دروغ است در حالی که طرف هم زندان رفته وهم در شهر آبرویش رفته است. عرض بنده این‌است که نفرمائید قانون باید خوب اجرا بشود ویااینکه ما لازم نیست نحوهٔ اجرای قانون‌را دراینجابنویسیم. اگرما بدانیم که یک‌قانونی‌بدون‌محکم کاری در نحوهٔ اجرایش باعث تضییع حقوق عده‌ای میشود باید نحوهٔ اجرایش را محکم و صریح بنویسیم تا آن عوارض جنبی را نداشته باشد. به‌همین دلیل بنده عرض کردم در ذیل‌این اصل نوشته بشود « ثبوت نامشروع بودن باید تنها بوسیله محاکم صالحه وطبق موازین شرعی‌صورت گیرد وبوسیله دولت اجرا شود. دخالت افراد غیر مسئول در این کار مجازات دارد» اگر جمله آخر را هم نمی‌خواهید بنویسید لااقل جمله قبل را یک‌مقدار بازتر ومشخص‌تر بنویسیدتااینکه باعث هرج ومرج نشود. الان ما می‌بینیم یک‌دستهائی هست وبه‌عنوان اینکه درمجلس‌خبرگان درباره طلاق زنان صحبت شده است می‌خواهند مردم را ناراحت کنند فردا در دهات می‌گویند گفته شده که باید اموال حرام را برگردانید ومردم را به‌جان هم می‌اندازند مابیائیم اینجامحکم کاری‌بکنیم.این اصل خوب است می‌خواهیم از آن سوء استفاده نشود.

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید ملت ما باید بداند که‌اگر می‌خواهد این انقلاب بخوبی به‌ثمر برسد بیش از هر چیز باید اجرای همه قوانین انقلابی از راه قدرت قانونی وقدرت انقلابی ویا نظم الهی انقلابی وانقلابی الهی اسلامی صورت بگیرد وهرگونه خودکامگی حتی در راه اجرای آن چیزی که حق بنظر برسد حق را پایمال خواهد کرد. به‌همین منظوروبرای رعایت‌این نکته هست که در پایان این اصل این جمله آمد « این حکم باید بارسیدگی وتحقیق وثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود» آقای ضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — ماقتصاد نظام گذشته را بیشتر از جانب ثروتمندان وبازرگانانی‌می‌بینیم که ازبانکها اعتبار وپول گرفتند وتجارت خارجی کردند مثلا شیشه‌متری شانزده‌تومانی رامتری هشتاد وپنج تومان فروختند وبقیه اجناس هم همینطور واینها از اعتبارات بانکی استفاده کردند یعنی از اعتبار ملت وجنسی راهم که‌آوردند ده‌برابر فروختند وتورم‌ایجاد کردند، کیسه‌خودشان راپر کردند واختلاف طبقاتی‌ایجاد کردند ودرنتیجه این اعتبارات یک‌مقدارزیادی هم‌به‌بانکها ربا دادند که آن حرام بود، قسمت‌اولش هم حرام بود. الان با این قانون شمادولت را ملزم می کنید علاوه براینکه آن بازرگان ، آن ثروتمند ، آن کاسب ، آن‌تاجر که آنجور برملت‌اجحاف کرده آن مقدار پولی را که به‌عنوان‌ربا به‌بانک پرداخته دوباره بازگرداند به خود این تاجر و کاسب وبازرگان.

**نایب‌رئیس** — آقای ضیائی ، عنایت بفرمائید مسلماً وقتی که بخواهد همهٔ این اصل اجرا بشود چون جنابعالی به یک‌گوشه‌اش توجه فرمودید در نتیجه به‌خوداوبرنمی‌گردد برای اینکه‌همانطور که درصدر فرمایشتان فرمودید با اجحافها وتعدی‌ها باید آن مقداروچندین برابر آن برگردد به بیت‌المال، این است که این اصل‌را ازصدر تا ذیل آن یک‌جا عنایت بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — یعنی اگر یک مستضعفی وامی از بانک رهنی گرفته است وسودی‌داده است آن سود را باید ازبانک بگیریم وبه‌او بدهیم ؟

**نایب‌رئیس** — اگر مستضعف هست بله. آقای‌نبوی بفرمائید.

**نبوی** — عرض شود تمام مردم این کشور با این بانکها معامله داشته‌اند ربح داده‌اند و ربح گرفته‌اند، فردا چه مشکلی ایجاد می‌کند؟

**نایب رئیس** — امروز تمام بانکها در اختیار دولت است حل این مسأله ساده‌تر از آن خواهد بود که آقایان میفرمائید وبعدهم عنایت بفرمائید مکرر عرض شد قانون اساسی مادام که رویش یک قانون عادی در مجلس باتوجه به‌تمام خصوصیات وجزئیات تنظیم نشود که اجرا نمی‌شود. در آن قوانین عادی به‌تمام این جزئیات توجه خواهد شد اگر می‌بینید در این اصل چیزی هست که مزاحم تنظیم یک قانون عادی قابل اجرا است ، تذکر بفرمائید ولی اگر می‌بینید حتی کمبودهائی دارد درجزئیات، آن را موکول بفرمائید به‌قوانین عادی. واما این دوستانی که اینجا اسم نوشته‌اند اگر می‌بینند که شبهه فقهی دارند بفرمایند تا توضیح داده شود ولی اگر شبهه فقهی نیست بنابراین دیگر رأی بگیریم .( سبحانی — شبهه فقهی دارم . ) بفرمائید.

**سبحانی** — عرض کنم سوء استفاده از موقوفات دوجور است یکی از آن در اینجا درست است یکی ازآن درست نیست چون یک موقع یک کسی وجه اجاره موقوفه راگرفته وخورده است آن را باید پس بگیرید ، یک موقع اینطور نیست یک کسی در یک زمین موقوفه زراعت کرده و کارهای کشاورزی انجام میدهد وثروتی از آنجا به‌دست آورده‌ما در اینجا نمی‌توانیم آن ثروت را از او بگیریم باید اجرت‌المثل از او بگیرید. دراین اصل نوشته شده ثروتهای ناشی از سوء استفاده از موقوفات ، شق اولش درست است اما اگر کشت وزرع کند وثروتی به‌دست بیاورد او بایداینجا اجرت‌المثل بدهد .

**نایب رئیس**—آقای سبحانی بطورکلی عرض می‌کنم اینکه می‌گوئیم تفصیل این مسائل در قوانین عادی می‌آید برای همین است چون این جزئیات جایش اینجا نیست. (صدوقی — آقا رأی برای کفایت مذاکرات گرفتید پس چرا هنوز صحبت می‌کنید؟ ) پس آقایان معتقد هستند اینکه من هنوز میدان بحث داده‌ام برخلاف رأی اکثریت است . ( تهرانی — آن ذیلی را که آقای مکارم فرمودند بنویسید ورأی بگیرید.) آن‌ذیل خیلی بی‌معنا است. بنابراین اصل ۱۲۷/۲ برای رأی‌گیری خوانده میشود .

**اصل ۱۲۷/۲ (اصل چهل و نهم)** — دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه ، اختلاس ، سرقت ، قمار ، سوءاستفاده از موقوفات ، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی ، فروش زمینهای‌موات ومباحات اصلی ، دائرکردن اماکن فساد وسایر موارد غیرمشروع را گرفته وبه صاحب حق رد کند ودر صورت معلوم نبودن او به‌بیت‌المال بدهد.این حکم باید با رسیدگی وتحقیق وثبوت شرعی به وسیله‌دولت اجرا شود .

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و دونفر، تعداد کل آراء شصت و سه رأی ، یک رأی به‌قید قرعه خارج شد، آراء موافق چهل و هشت رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع سیزده رأی. بنابراین اصل ۱۲۷/۲ تصویب شد. تکبیر ( حضار سه مرتبه تکبیر گفتند) .

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۳ (اصل چهل و ششم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷/۳ مطرح است ، از آقای آیت خواهش می‌کنم اصل را

قرائت بفرمایند.

**اصل ۱۲۷/۳ (اصل چهل و ششم)** — هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

**نایب رئیس** — در بارهٔ این اصل در جلسات صبح بحد کافی بحث شده است. آیا نظر دیگری دارید؟ (نمایندگان — چون به‌اندازهٔ کافی بحث و اظهارنظر شده، لطفاً رأی بگیرید.) بدین ترتیب لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید. ازآقایان منشی‌ها خواهش می کنم درشمارش آراء نظارت بفرمائید.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و دونفر، شماره کل آراء شصت و دو رأی، آراء موافق شصت رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع یک رأی. بنابراین اصل ۱۲۷/۳ تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌بار تکبیر گفتند). یک اصل را صبح دوستان در آخر جلسه مشغول تنظیم آن بودند و مثل اینکه در پایان هم به‌نتیجه رسیده‌اند ولی برای چاپ در دستور جلسه امروز نرسیده است این اصل را به‌عنوان اصل ۱۲۷/٤ می‌نامیم که فردا آماده میشود و در دستور جلسه قرار خواهد گرفت. از اینجا یک بخش جدیدی در قانون اساسی‌شروع میشود که مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. (یزدی — اگر متن خطی آن اصل که فرمودید، حاضر باشد می‌توانید بیاورید در جلسه امروز و مطرح بفرمائید.) اثری در کار ما ندارد و می‌توانیم فردا هم در جلسه علنی مطرح کنیم. بنابراین اجازه بفرمائید در دستور جلسه فردا چاپ و گنجانده شود.

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۳۸ (اصل یکصد و پنجاه و دوم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۸ مطرح است که خوانده میشود.

**اصل ۱۳۸ ( اصل یکصد و پنجاه و دوم )** — سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.

**تهرانی** — در باره این اصل هم همه صحبت‌ها شده، رأی بگیرید.

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید ببینیم سؤالی هست یا نه. آقای خالاتیان شما فرمایشی دارید ؟

**خالاتیان** — پیشنهاد می کنم بعد از عبارت «دفاع از حقوق همه مسلمانان» کلمه «مستضعفان» هم اضافه شود.

**نایب رئیس** — در اصل بعد ، یعنی در اصل ۱۳۹ مفصلا پیشنهاد شما آمده است . اگر نظر دیگری نیست، نسبت به‌این اصل با ورقه اخذ رأی بشود (اظهاری نشد) لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید .

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر هنگام اخذ رأی شصت نفر، شمارهٔ کل آراء شصت رأی، آراء

موافق شصت رأی، بنابراین، این اصل به‌اتفاق آراء تصویب شد. تکبیر (حضار سه‌بار تکبیر گفتند).

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۱۳۹ (اصل یکصد و پنجاه و چهارم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۳۹ قرائت می‌شود.

اصل ۱۳۹ — جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و رسیدن به‌استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امر داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزهٔ حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هرنقطه از جهان حمایت می‌کند.

**دکتر شیبانی** — رأی بگیرید.

**مکارم شیرازی** — من یک عرض کوچکی دارم. (نایب رئیس — بفرمائید.) «رسیدن به استقلال» درست نیست، پیشنهاد می‌کنم کلمه «رسیدن به» را حذف کنید و مطلق «استقلال» را بنویسید. ممکن است اشخاص استقلال داشته باشند ولی به‌مخاطره بیفتند، بازهم باید دفاع کنند.

**نایب رئیس** — تذکر بجائی است «رسیدن به» هیچ چیزی را اضافه نمی‌کند و این ابهامی هم که فرمودند دارد. پس اگر موافقید استقلال مطلق بنویسیم. (خزعلی — «در امور داخلی ملت‌های دیگر» باید نوشته شود یا «در امور داخلی کشورهای دیگر»؟) ما مخصوصاً مقید هستیم که هرچه بیشتر رابطه‌مان با ملت‌های دیگر استوار باشد تا کشورهای دیگر. بنابراین چون نظر دیگری نیست این اصل را با توجه به‌اصلاحی که در آن به‌عمل‌آمد، برای رأی‌گیری با ورقه یک‌بار دیگر می‌خوانیم.

**اصل ۱۳۹ (اصل یکصد و پنجاه و چهارم)**— جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزهٔ حق طلبانهٔ مستضعفین در برابرمستکبرین در هرنقطه از جهان حمایت می‌کند.

**نایب رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید. از آقایان منشی‌ها هم خواهش می‌کنم در اخذ و شمارش آراء کمک و نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی به‌عمل آمد و نتیجه به‌شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، شماره کل آراء شصت و یک رأی، آراء موافق شصت و یک رأی، بنابراین، این اصل به‌اتفاق آراء تصویب شد، تکبیر (حضار سه‌مرتبه تکبیر گفتند).

**موسوی تبریزی** — تصویب این دواصل آن هم یکی با شصت رأی و دیگری با شصت و یک رأی، خود شاهدی است براصالت انقلاب ما (نمایندگان — صحیح است، احسنت).

**نایب رئیس** — نفرمائید شصت رأی یا شصت و یک رأی، بلکه بفرمائید به‌اتفاق آراء تصویب شد چون عدهٔ حاضر درجلسه هنگام اخذرأی باتعداد آراء موافق هردو یکی بوده است. همانطورکه فرمودید این اتفاق آراء دلیل و شاهد براصالت انقلاب ماست و نیز به جهانی‌بودن

انقلاب و اینکه انقلاب آنطور هم که بعضی‌ها می‌گویند قرار نیست در داخل مرزها محصور بماند، البته به‌یک شرط، به‌شرط اینکه با فداکاری و گذشت و اتحاد و همبستگی و درایت و آگاهی و استقامت همگی بتوانیم آن جامعه نمونه را بسازیم. (نمایندگان — ان‌شاءالله)

## ۸ — طرح و تصویب اصل ۱۴۱ (اصل یکصد و پنجاه و پنجم)

**نایب رئیس** — اصل بعدی یعنی اصل ۱۴۱ مطرح است که آقای آیت قرائت می‌فرمایند.

اصل ۱۴۱ — دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه برطبق قوانین کشور خائن و تبهکار شناخته شوند.

**نایب رئیس** — آقای منتظری فرمایشی دارید بفرمائید.

**منتظری** — اولا اینجا که نوشته شده «پناهندگی سیاسی بخواهند» نباید نوشته شود «پناهندگی سیاسی می‌خواهند»؟ ثانیاً عبارت «مگر اینکه برطبق قوانین کشور خائن و تبهکار شناخته شوند» ممکن است خواننده به‌ذهنش بیاید که مقصود شما کشوری است که آن شخص در آن زندگی می‌کند. باید در اینجا تصریح شود که مقصود کشور ایران است.

**نایب رئیس** — پس بجای «قوانین کشور» می‌نویسیم «قوانین ایران». (رحمانی—امکان دارد که مجازات آنها با مجازات اسلامی متفاوت باشد.) ما که نمی‌خواهیم مجازاتشان کنیم، ما می‌گوئیم در چه‌صورت به‌آنها پناهندگی می‌دهیم.

**رحمانی** — وقتی شما به‌چنین شخصی پناهندگی می‌دهید بالاخره او به کشور خودش برمیگردد و برخلاف اسلام مجازات میشود. (هاشمی‌نژاد — از جائی دیگر پناهندگی می‌گیرد.) پس در این مواردی که مجازات آن کشورها برخلاف اسلام است، شامل نشود. (نایب‌رئیس— پس در نتیجه سبب میشود که او را به‌این دلیل مظلوم تلقی کنند.) حرف من در موقعی است که اختلاف در مجازات باشد. مثلا آن شخص، خائن و تبهکار است و مجازاتش در کشور خودش قتل میباشد. در این موقع ما نباید او را به کشورش بازگردانیم که او را بکشند. چه‌بسا جرم او در اسلام قتل نباشد و مثلا باید فقط دستش را برید.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای سؤالی دارید؟

**خامنه‌ای** — پیغمبر اکرم (ص) در مدینه مسلمان مسلمی را که پناهندگی می‌خواست به‌صرف قرارداد با قریش او را مسترد کرد. ما الان با کشورهائی قرارداد داریم و می‌توانیم که چنین قراردادهائی هم داشته باشیم. ما به‌صرف اینکه کسی تقاضای پناهندگی کرد، به‌او پناهندگی می‌دهیم... (نایب رئیس — نوشته‌ایم «می‌تواند».) بلی، نوشته‌ایم می‌تواند ولی همین «می‌تواند» حقی ایجاد می‌کند. ما باید اینجا قید کنیم که‌قراردادی با دولت متبوع او نداشته باشیم، این مسأله لازم است که قید شود.

**نایب رئیس** — وقتی می‌گوئیم دولت می‌تواند پناهندگی سیاسی بدهد، یعنی دستش باز است و هرطور صلاح می‌داند رفتار می‌کند.

**خامنه‌ای** — چرا شما دست دولت را باز می‌گذارید؟ اگر یک‌نفر از اعضای دولت در یک زمانی پیدا شد که با این «می‌تواند» آنجائی را که شما الان میفرمائید «نمی‌تواند» او چنین برداشتی نداشت. چرا شما روزه شک‌دار می‌گیرید؟ این را قید کنید تا تصریح شود.

**نایب رئیس** — جنابعالی می‌فرمائید که آن طرف قرارداد بسته است، اگر قرارداد بسته

باشد که دیگر نمی‌تواند.

**خامنه‌ای** — اگر یک دولتی از دول همسایه قرارداد داشته باشد که اینها پناهندگان را مسترد کنند و پناهندگی ندهند...

**نایب رئیس**— اولا هیچوقت چنین قرارداد غیرعادلانه‌ای در دنیا سراغ نداریم که باشد. قرارداد استرداد مجرمین هست ولی استرداد پناهندگی نیست.

**خامنه‌ای** — به هر حال این نظر من است، و مطلب دیگر اینکه کلمهٔ «تبهکار» یا «خائن» شامل جرائمی که ممکنست قوانین ما آن را نپسندند، نمی‌شود. کلمه «مجرم» جامع معنای کلمات خائن و تبهکار است.

**نایب رئیس** — کلمه «تبهکار» فارسی کلمه «مجرم» است. آقای کیاوش مطلبی بود؟

**کیاوش** — اولا دولت‌های عادل، برخلاف گفتهٔ آقای خامنه‌ای نباید قراردادهای غیرانسانی داشته باشند. ثانیاً پیشنهاد می‌کنم به جای عبارت «کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند» نوشته شود «به همه مستضعفان یا مظلومان که پناهندگی سیاسی بخواهند».

**نایب رئیس** — آقای مکارم مطلب تازه‌ای دارید؟

**مکارم شیرازی** — یک مطلبی هست که به نظرم آقای رحمانی فرمودند و آن اینکه یک نفر در یک مملکت مرتکب گناهی میشود. مثلا فرض بفرمائید در آن مملکت سرقتی کرده، و مستحق اعدام نبوده است، اما اگر در آنجا بماند قوانین آنجا... (نایب رئیس — این همان مطلبی است که آقای رحمانی فرمودند.) خوب، در این مورد چه فکری کرده‌اید؟ ممکنست تبهکار باشد اما می‌خواهند او را به اشد مجازات غیر عادلانه مجازات کنند. ما او را در کشورمان پناه می‌دهیم که نابودش نکنند.

**رشیدیان** — تمام این مطالبی که میفرمائید درعبارت «برطبق قوانین کشور ایران» هست.

**نایب رئیس** — تذکر آقایان رحمانی و مکارم این است که موضوع این اصل پناهندگی سیاسی است و اینطوری که آقایان میفرمایند، آن پناهندگی غیرسیاسی میشود البته این اصل نفی هم نمی‌کند به دلیل اصل ۱۳۸ و ۱۳۹ بخصوص اصل ۱۳۹ ایجاب میکرده که ما متعرض پناهندگی سیاسی بشویم این است که مسأله پناهندگی سیاسی...(رحمانی — در آن مطلبی که ما گفتیم فرقی نمی‌کند.) (دکتر شیبانی — اصل را بخوانید و رأی بگیرید.)

**طاهری گرگانی** — ما اگر پناهندگی سیاسی را بزنیم و بنویسیم «... پناه دهند مگر اینکه بر طبق قوانین اسلام استحقاق پناهندگی نداشته باشند» عبارت بهتر میشود.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید عین متن را با آن تغییر «قوانین ایران» برای رأی‌گیری بخوانیم.

**اصل ۱۴۱ ( اصل یکصد و پنجاه و پنجم )** — دولت جمهوری اسلامی ایران میتواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و نه رأی، آراء موافق پنجاه و چهار رأی، آراء مخالف هیچ، آراء ممتنع پنج رأی تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۹ — طرح و تصویب اصل ۱۴۰ (اصل یکصد و پنجاه و سوم)

**نایب رئیس** — یک اصل دیگر مربوط به همین بخش سیاسی آماده و تنظیم شده است که قرائت میشود.

اصل ۱۴۰ — انعقاد هرگونه قراردادی که موجب سلطه یک یا چند کشور خارجی بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور و ارتش و دیگر قوای مملکتی گردد ممنوع است.

**منتظری** — بنویسید موجب سلطه بیگانگان یا بیگانه برمنابع طبیعی...

**نایب رئیس** — قرار بود متن اصلاح شده مطرح بشود چون گفته بودیم سلطه بیگانه به‌صورت مفرد بهتراست «ی» قراردادی هم زائداست. متن را با اصلاح می‌خوانم: «انعقاد هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور و ارتش و دیگر قوای مملکتی گردد ممنوع است.» (منتظری — مملکتی هم نباشد.) «دیگر قوای کشور گردد ممنوع است» (چند نفر از نمایندگان — فرهنگی واجبتر است.) (منتظری — و اقتصادی و ارتش و دیگرقوای کشور...) و «دیگر شئون کشور...» اگر به این صورت باشد «برمنابع طبیعی و اقتصادی و ارتش و دیگر شئون کشور...» همه آنها را در بر می‌گیرد. (چند نفر از نمایندگان — فرهنگی را اضافه بفرمائید.) یعنی «برمنابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگ و ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است». بنابراین متن را با اصلاحات برای گرفتن رأی میخوانم:

**اصل ۱۴۰ ( اصل یکصد و پنجاه و سوم )** — هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون گردد ممنوع است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و دو رأی، یک رأی اضافی به قید قرعه خارج شد، آراء موافق شصت و یک رأی، بنابراین، این اصل به اتفاق آراء تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۱۰ — طرح اصل ۱۲۷/۴

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷/۴ قرائت میشود.

اصل ۱۲۷/۴ — نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس سه بخش استوار است: دولتی، تعاونی و خصوصی. قلمرو و ضوابط هر یک را قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — چون در جلسه امروز ده دقیقه بیشتر وقت نداریم فقط یک نفر پیرامون این اصل میتواند صحبت بکند و ادامه بحث و رأی‌گیری نسبت به این اصل به جلسه بعد موکول میشود. متنی که الان به عنوان دستور جلسه بین دوستان توزیع شده است دو سه کلمه اضافه برمتنی که صبح در جلسه گروهها تأیید شده بود دارد و آن کلمات در پرانتز نوشته شده است. (صافی و طاهری اصفهانی — سه نوع مالکیت باید بنویسید.) (یزدی — دربارهٔ این اصل بحث فراوان است.) (موسوی تبریزی — معنای مالکیت تعاونی هم باید روشن بشود.) فعلا آقای هاشمی‌نژاد به عنوان مخالف صحبت‌میفرمایند.

**هاشمی‌نژاد** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در این واقعیت جای تردید نیست که همه‌مان می‌خواهیم برطبق موازین اسلامی نظام اقتصادی جمهوری‌اسلامی ایران را مشخص کنیم‌وتصور

میکنم که کسی حق ندارد حداقل نسبت به تعدادی یا اکثریت کسانی که در اینجا هستند خودش را به‌اسلام و درک‌خود را به‌اسلام نزدیکتر بداند. درکل قضیه که ما بخواهیم فقه اسلام را پیاده کنیم جای تردید نیست ولی این مسأله باید مشخص باشد بعضی از مسائل جزو ضروریات فقه اسلام است و بعضی از مسائلی که این قید در آن بکار رفته که استنباط یک فقیه و یک مجتهد از اسلام چنین است باید گفته شود که استنباط یک نفر از اسلام اینطور است. در بعضی ازمسائل هیچگونه اختلافی بین فقها وجود ندارد پس این‌مسائل‌جزو ضروریات فقه است و بطور قاطع آنها را به اسلام نسبت میدهند . در اینجا ما باید خط مشی کلی اسلام را مشخص کنیم. آن خط مشی که برای ما جای تردید نیست و آن این است که همه‌حرکتهای کلی اقتصادی اسلام در راهی است که حمایت از مستضعفین در آن عدل است و مسلم درهیچ جا حمایت از مستکبرین جزو مسائلی نیست که مابتوانیم به‌اسلام نسبت بدهیم.تصور نکنیدمن قصدم این است که بگویم اصل مالکیت هیچ مطرح نیست و در اسلام برایش هیچ جائی نیست چون یک کارگری که کار میکند اگر مالک محصول کارش نباشد پس در دنیا استثمار چراغلط باشد؟ و رابطه استثماری چرا یک رابطه ظالمانه بشمار رود؟ این واقعیتی است که هیچکس نمی‌تواند انکار بکند ولو ممکن است گروهی برخیزند و شعار دهند که مالکیت خصوصی یا شخصی بطور کلی ملغی است اما این حرفی است که نه تنها در اسلام بلکه مبنای دیگری هم نمی‌تواند داشته باشد چون حداقل این است که همان گروه ناچار است این را بپذیرد که کارگر مالک محصول کار خودش هست. در اینجا مخالفت من از چند نظراست، یکی اینکه مالکیت تعاونی چیزی است که بطورکلی ما نمی‌توانیم در اینجا طرح کنیم یک قید و شرطی باید به آن بزنیم به این معنا مالکیت تعاونی عبارت از این است که چند نفر با هم جمع بشوند سرمایهٔ مشروعی را بگذارند و براساس سرمایهٔ مشروعی که گذاشته‌اند یک کارتولیدی راشروع کنند، چه در زمینهٔ صنعتی یا در زمینهٔ کشاورزی. این به این کیفیت الان در اجتماع طرح بشود ولو نویسندگان نظرشان این بود کسانی که مالکیت مشروعشان نسبت به مالی مسلم است اینها سرمایه بگذارند در همان حد مشروع و مشغول کار بشوند و این در این جامعه عرضه بشود در جامعه‌ای که ما میدانیم بافت اقتصادیش در سطح اکثر مسائل یک بافت سرمایه‌داری است کاملا شامل تعاونیهائی میشود که فردا تعدادی از سرمایه‌داران در همین شرایط موجود کشور بخواهند دست به انجام آن بزنند. فردا یک تعدادی ازکسانی که دارای سرمایه‌های نامشروع هستند برطبق همان اصلی که ما قبلا تصویب کردیم و هنوز به ثبوت شرعی هم نرسیده و هنوز دولت دست به بازگشت اموال آنها و استردادآنها به‌صاحبان‌اصلی‌شان یا رد کردن آنها به‌بیت‌المال نزده، برطبق این اصل‌می‌توانند یک شرکت تولیدی درصنعت یا کشاورزی تأسیس کنند و این اصل هم شامل حال آن میشود در حالی که نظر نویسندگان مسلم چنین چیزی نبوده است. دراینجا باید یک قیدی زده بشود. مطلب دیگر مالکیت‌خصوصی در برابر مالکیت شخصی است اما چون در این جو با آن سوابق که داریم بسر میبریم این‌اصل را باید یک مقداری محدودتر کنیم. من تکرار میکنم نمی‌خواهم بگویم که نظر نویسندگان‌این اصل این بوده است که این مسأله بطور نامحدود و بدون هیچ قید و شرط در اینجا مطرح شده نه، عبارت ناقص است جوسا جوناسالمی است. به‌نظرمن همان طوری که بعضی ازآقایان از این طرف قضیه تکرار می کنند که اگر فلان کلمه رابگوئیم‌ممکن‌است‌راه‌سوء استفاده‌مکاتب‌انحرافی

را باز بکند خوب است این احتیاط را در اینجا به کار ببرند که افرادی تعبیراتی به صورت قانون بکار نبرند که در یک جوی که بافتش بافت سرمایه‌داری است روابط گذشته تثبیت بشود و از آن سوء استفاده بشود. (یزدی — جمله آخر نظر شما را در هر دو مورد تأمین میکند.) نمی‌کند، من تصور میکنم ما که سرمایهٔ سرمایه‌داران را نامشروع می‌دانیم یک مقدار قیود و حدودش را مشخص‌تر بکنیم که فردا جلو سرمایه‌گذاری تعاونی را بگیرد و نظر نویسندگان محترم را در مورد مالکیت خصوصی مورد توجه قرار دهیم و خصوصیاتی را که آنها در نظر داشتند در اینجا مشخص کنیم والا این، عکس‌العملهای سوئی دارد و سوء استفاده‌هائی از آن میشود.

**نایب رئیس** — برادرمان آقای هاشمی‌نژاد دربارهٔ شرکت تعاونی مثل اینکه ذهنشان رفته است سراغ شرکتهای سهامی خاص، حتی شرکت‌سهامی عام هم‌نه، شرکت‌سهامی تضامنی و شرکت سهامی با مسئولیت محدود، این انواع شرکتها درحالی که در اینجا اصطلاح تعاونی، اصطلاح اقتصادی خاص است چون دو نوع تعاونی هست یکی تعاونی خیریه‌ای یکی تعاونی‌های اقتصادی. بعضی از دوستان هم دیده میشود که تعاونی خیریه‌ای را که در حقیقت اعانه‌ای است با تعاونیهای اقتصادی که انواع و اقسام دارد مثل تعاونی تولید، تعاونی مصرف، تعاونی تولید و مصرف، باز آنها هم اینها را اشتباه میکردند. به‌هر حال اصطلاح تعاونی در اینجا ناظر است به اولا تعاونی اقتصادی نه تعاونی اعانه‌ای و خیریه‌ای که غیرانتفاعی است و ثانیاً هیچگونه پیوندی ندارد با اینکه چند تا سرمایه‌دار بیایند و یک شرکت درست بکنند.

**هاشمی‌نژاد** — نظر نویسندگان میدانم مشخص است ولی ملاحظه بفرمائید اصلی که قبلا تصویب کردید با این مطلب درست در می‌آید؟

**اشراقی**— عده‌ای رفته‌اند گمان نمی‌کنم این اصل با این عظمت تصویب شود.

## ۱۱ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — حالا وقت نماز است اگر دوستان اجازه بفرمایند جلسهٔ امروز را ختم میکنیم. آقای حجتی هم متن خوبی تهیه کرده‌اند فردا صبح در جلسهٔ گروهها مطرح میکنیم.

(جلسه ساعت هفده و سی دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

## جلسهٔ پنجاه و ششم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده‌وده‌دقیقه روزهشتم‌آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با هشتم ذیحجهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست‌آقای دکترسیدمحمدحسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل‌شد.

**فهرست مطالب :**


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای مؤبد شهزادی. . .
۲ — طرح اصل ۱۲۷/٤ . . . . . .
۳ — طرح اصل ۱۲۷/٥ . . . . . .
٤ — پایان جلسه . . . . . .

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای مؤید شهزادی

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. رسمیت جلسه اعلام میشود. آقای حجتی کرمانی اگر فرمایشی دارید نوبت شما است میتوانید صحبت کنید. (حجتی کرمانی — فعلا حالم مساعد نیست اجازه بفرمائید بماند برای بعد.) بسیار خوب، آقای مؤید شهزادی بفرمائید.

**رستم شهزادی** — به نام ایزد بخشایندهٔ بخشایشگر مهربان. این جانب از طرف اقلیتهای مذهبی و دینی یکبار دیگر پیوستگی و همبستگی خود و اقلیتها را به امام و امت اعلام میدارم و امیدوارم بزودی جمهوری اسلامی ایران مستقر گردد و هرگونه تشنجاتی که امروز بوسیله ضد انقلابیون دامن زده میشود بزودی از بین برود.

موضوعی را که می‌خواستم به پیشگاه ملت ایران و همکاران محترم عرضه کنم این است که پس از ورود مشعشعانه حضرت آقای امام خمینی به خاک میهن و در دست گرفتن زمام امور کشور، نخستین کاری که کردند منع فروش نفت به دو دولت بود که یکی جمهوری افریقای جنوبی بود، چرا؟ برای اینکه این ملت گرفتار یک نوع تعصب نژادی شده بود که اهالی آنجا که سیاه پوستان بودند از اشغال هرگونه مقامات لشکری و کشوری منع شده بودند. ما اقلیتها با امید فراوانی به‌جمهوری‌اسلامی‌ایران رأی دادیم، من‌خودم بخشی از آن رأی‌منفی را که پاره کرده بودم نگه داشتم و بخشی را هم در صندوق انداختم و به‌هم‌کیشان خودم نشان دادم و گفتم من رأی به نفع جمهوری اسلامی داده‌ام چون ما خداشناسیم، به مبدأ ومعاد و روز رستاخیز معتقدیم و هیچ نوع حکومتی بهتر از حکومت جمهوری اسلامی نیست زیرا این جمهوری همان حکومتی است که ما به آن معتقدیم یعنی همان عقیده‌ای را که ما داریم اسلام به خداپرستان به یک چشم نگاه میکند، در این جمهوری اسلامی عدل و قسط و برادری و برابری در کاراست وخوشبختانه هم‌کیشان من وسایر اقلیتهای مذهبی هم به جمهوری اسلامی رأی موافق دادند ولی وقتی که به قانون اساسی رسیدیم در اصل ۱۳ که در مجلس مطرح و و تصویب شد دیدیم در آنجا یک نوع دیگر تعصب حکمفرما است یعنی مانند سابق به‌اقلیتها با یک تنگ‌نظری نگاه کرده میشود، یعنی تصور میکنید که اقلیتها تمام کفار ذمی صدر اسلام هستند که تا دیروز علیه اسلام می‌جنگیدند و از امروز صبح اسلحه را کنار گذاشتند و در پناه اسلام درآمدند که فعلا حق هیچگونه اشغال پستهای لشکری و کشوری را نباید داشته باشند، در صورتی که همه میدانیم در ایران قبل از حملهٔ تازیان، زرتشتیان و مسیحی‌ها و یهودی‌ها ساکن بودند و این اعراب بودند که به ایران حمله کردند و ما هم اگر اسلحه برداشتیم برای دفاع و جنگ با اعراب بود هیچوقت ایرانی علیه اسلام اسلحه بکار نبرده،متعرض هم نشدیم بلکه هر وقت جنگی در کار بوده دفاع می کردیم . چه شد که در اصل ۱۳ گنجانده شد حتی در انجام مراسم دینی‌مان هم آزاد نیستیم و در حدود مقررات اسلامی باید این اعمال را انجام

بدهیم؟ مرتباً هم کیشان ما اعم از زرتشتی و مسیحی و یهودی نامه‌هائی به‌مجلس نوشته‌اند و به روزنامه اعتراض داده‌اند که آیا این کلمهٔ مبهم مقررات اسلامی چیست؟ با اینکه خود من لیسانسیه حقوق در رشتهٔ قضائی از دانشگاه تهران هستم و فقه و شرعیات و احکام اسلامی را تا آنجا که بایستی امتحان میدادم، خوانده‌ام والحمدلله نمره خوبی هم گرفتم، ولی هرچه خواستم بفهمم مقررات اسلامی در اصل ۱۳ چیست و به هم کیشانم بفهمانم نتوانستم. به‌آقایان هم که رجوع کردم هرکدام به یک نحوی به من فهماندند و چند نفری هم حاضر شدند که مقررات اسلامی را بنویسند و به بنده بدهند که معلوم نیست در چند صفحه نوشته بشود. حالا آیا موضوع مقررات اسلامی در این است که ما هر وقت بخواهیم دست نماز بگیریم، وضو گرفتنمان باید بر طبق مقررات اسلامی باشد، و آن هم معلوم نیست مانند اهل تسنن باشد یا اهل تشیع؟ یا اگر میخواهیم به نماز بایستیم باید در حدود قبلهٔ مسلمین بایستیم و یا اگر سی روز ماه رمضان را در حدود ده یا پانزده روز روزه بگیریم اشکالی دارد؟ این کلمه «مقررات» خیلی ابهام‌آمیز است زیرا ممکن است دوست و دشمن هر یک به‌نحوی تفسیر و تعبیر کنند. از مجلس خبرگان و پیشگاه ملت تقاضا می‌نمائیم و همچنین از هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان تقاضا داریم که یا این جمله را بکلی بردارند یا اقلا مرقوم بفرمایند برطبق مقررات قانون یا با احترام به‌شئون اسلام. در هر صورت ابهام این کلمه برداشته بشود. حالا ما اگر از اهل مجلس خبرگان و از اهل ملت بپرسیم که چرا به‌ما اقلیتها اجازه داده نمیشود رئیس‌جمهور بشوند، میگویند ما برطبق مقررات رفتار می‌کنیم، حرفی نیست و اگر بگوئیم ما میتوانیم مقام صدارت (نخست‌وزیری) را اشغال کنیم نه، وزارت نه، سفارت نه، امارت یا فرماندهی لشکر نه، تا اینجا حرفی نداریم ولی آیا این سیر نزولی تحریم تا کجا باید پائین برود؟ آیا فردا یک مقام اداری، یک پستی را به‌ما اجازه میدهند؟ در صورتی که باید در نظر داشته باشیم یک هزار و چهار صد سال است داریم با هم زندگی میکنیم. اگر درصدراسلام درعربستان بین یکی از اقلیتها با اسلام جنگ و دعوائی بوده است و علیه اسلام دست به‌اسلحه برده‌اند، آن حساب‌شان با ایرانیان جدا است. ما با ایرانیها یک هزار و چهار صد سال است که داریم زندگی میکنیم. اگر شغل مسئولیت داری به ایرانیان داده بشود یقین بدانید که این مسئولیت باعث خواهد شد که منتهای امانت و فعالیت و درستکاری بکار برده بشود و مطابق میل اکثریت انجام بگیرد. در جمهوری هندوستان که ما اهالی هند را کافر و بت‌پرست میدانیم در قانون اساسی‌شان که بسیارقانونی مدرن و پیشرفته است یک مسلمان، یک اقلیت حق دارد تا مقام ریاست‌جمهوری ارتقاء یابد. هم افسران ارشد، افسران کل ممکن است که هم هندو و هم مسلمان و هم از اقلیتهای دیگر ملی و دینی باشند و چون اینها از دولتشان رضایت و خشنودی کامل را دارند هیچوقت خیانت نمی‌کنند کمااینکه درجنگ بین هندوستان و پاکستان باوجودی که لشکر هندوستان چندملیتی و چند مذهبی بود معهذا چون از دولتشان راضی بودند موفق شدند و با وجودی که‌دولت‌آن‌روز ایران کمک شایانی هم به‌پاکستان کرد معهذا هندوستان پیش برد. اینجا است که فرمایش امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید «الملک یبقی‌مع‌الکفر ولا یبقی مع‌الظلم» مصداق پیدا میکند. اخیراً، انقلاب شروع شد دیدیم بعضی از جوانان پرشور، که البته احساسات مذهبی و عواطف دینی‌شان خیلی شدید بود ولی تعقل و تفکرشان کمتر بود، پیش‌بینی نمی‌توانستند بکنند به خانه‌ها و مساجد و اماکن متبرکه ریختند و حتی به بعضی از مقابر اقلیت‌های دینی تجاوز

کردند یا حتی بعضی‌ها را از ادارات خارج کردند مثلا در شیراز رئیس آموزش و پرورش دستور داد اقلیتهای مذهبی در سال آینده حق تدریس در مدارس را ندارند. البته اگر موضوع تعلیمات دینی و قرآن باشد که درست ولی یک اقلیت مذهبی اگر پس از تحصیلات زیاد و دارا بودن مدارک تحصیلی کامل به عنوان دبیر فیزیک یا شیمی یا زبان خارجی آمادگی داشته باشد و استخدام شده باشد، ما نباید مانع درس دادن او بشویم. ازاین جهت تقاضا می‌نمائیم که دولت ایران که به رهبری حضرت آقای امام خمینی تا اینجا انقلاب را پیش برده است و امیدواریم که مجلس خبرگان بزودی کار خودش را تمام بکند و جمهوری اسلامی در ایران مستقر بشود و اینگونه آشوبها و آتشهائی که در هر گوشه و کنار توسط ضدانقلابیون دامنگیر شده است، بزودی از بین برود وخاموش شود و نسبت به‌اقلیتهای مذهبی هم آن‌احترام و شایستگی که تا حالا داشته‌اند، ادامه پیدا بکند تا برادروار همه بتوانیم تحت لوای اسلام و جمهوری اسلامی خوشبخت و کامروا باشیم. حافظ دانشمند فرماید:

حافظا گر وصل خواهی صلح کن با خاص و عام  با مسلمان الله الله با برهمن رام رام

متشکرم.

**مکارم شیرازی** — کسی مانع نشده است که اقلیتهای مذهبی دبیر باشند و معلم باشند حالا اگر کسی این حرف را زده است ربطی به اینجا ندارد.

**سبحانی** — ابهام آن جمله را هم بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — سوء تفاهم شده است آقا.

**نایب رئیس** — عرض میشود که آنچه روشن است این است که هم میهن‌عزیزمان‌جناب مؤید شهزادی خواسته بودند مطالبی را که موکلین ایشان از ایشان خواسته بودند بیایند و بگویند و خوشوقت هم هستیم که در این‌مجمع نمایندگان منتخب‌مردم این فرصت را پیدا کردند و گفتند منتها برای رفع هر نوع سوء تفاهم ناشی از مطالب، دو نکته را عرض می کنم تااینکه بعدها فرصت بیشتری باشد و یکی از دوستان بیشتر توضیح بدهند.

۱ — آنچه در اصل ۱۳ آمده است «در حدود مقررات اسلامی» درست معنایش همانست که نوشته‌اند در حدود قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران، معنائی متفاوت با آن ندارد، لذا اگر هم نوشته بشود در حدود یا با رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران نه معنائی از آن کم میشود و نه معنائی بر آن افزوده میگردد، چون قرار براین است که قوانین ایران قوانین اسلام باشد.

۲ — آنکه آن زندگی همراه با احساس عاطفه و محبت و سعادت وسلامت که هم‌میهنان عزیز زرتشتی ما در رابطه با هم میهنان عزیز مسلمان در ایران میخواهند ، یک چنین زندگی‌ای به یاری خداوند خواهند داشت که در کمال صلح و صفا و دوستی‌باشد و جای نگرانی نیست. اقلیتهای مذهبی رسمی، کلیمی، مسیحی، زرتشتی من نمی‌خواهم باایشان‌تعارف بکنم واقعاً بر طبق موازین اسلام بلکه خواستم بگویم اینان در یک کشور اسلامی‌در امن و امان و صلح و رفاه زندگی خواهند کرد بنابراین در این‌زمینه هم جای هیچگونه‌نگرانی‌ودغدغه دیده نمی‌شود . امیدواریم بزودی تجربهٔ عینی و عملی این مسأله را روشن کند که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بر پایهٔ قانون اساسی، و بحمدالله نظام جمهوری اسلامی که‌برقرار شده است منتها چون هنوز رئیس جمهوری نداریم نمی‌گوئیم جمهوری اسلامی. (یزدی —

لطفاً به مسألهٔ عبادات که ایشان گفتند اشاره بفرمائید.) بله متشکرم، در این‌باره هم توضیح خواهم داد. امیدوارم تجربه نشان بدهد که اقلیتها هیچگونه تنگنائی حس نکنند،نه وضویشان را باید مثل مسلمانها بگیرید و نه قبلهٔشان باید قبلهٔ مسلمین باشد و نه امور دیگر. وقتی گفته میشود مراسم‌دینی خودشان خوب، به‌مراسم دینی خودشان‌عمل‌می کنند. این نگرانی‌ها بیمورد است و امیدواریم تمام زرتشتیان و مسیحیان و کلیمیانی که این سخنان را می‌شنوند مطمئن باشند که در این قانون به حقوق آنان احترام کامل گذاشته شده است. (نبوی — برای‌مسلمانها هم گاهی چنین پیش‌آمدهائی میکند.) نکته‌ای که فرمودید ما همواره از انقلابیون ایران این خاطره را داشته‌ایم که اینها انقلابی بودنشان با حفظ آگاهی ممتازی همراه بوده است. اگر در برخی موارد معدود حوادثی رخ داده باشد از این استثنائات در هر جریان اجتماعی هست بنابراین اینها را به حساب آهنگ کلی انقلاب نمی‌توان گذاشت. در عین حال ما از همه انقلابیون پر ارجمان بخصوص جوانان انقلابی عزیز خواستاریم که بیش از پیش مراقب این نکته باشند که چهرهٔ زیبای اسلام در گفتار و رفتار و برخورد آنها نمایان باشد و هر سخن و هر عملشان برای اسلام جاذبهٔ جدیدی داشته باشد که خدای نکرده کمترین دافعه‌ای در آن‌دیده نشود (ان‌شاءالله).

## ۲ — طرح اصل ۱۲۷/٤

**نایب رئیس** — حالا بااجازهٔ دوستان وارد دستور جلسه میشویم. اصل ۱۲۷/٤ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۱۲۷/٤ — نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ سه بخش: دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱ — بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع بزرگ و مادر و معادن بزرگ و فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری و تجارت خارجی ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و آبرسانی و وسائل‌خطوط ارتباطی و مانند آن میشود که به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است.

۲ — بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید و توزیع میباشد.

دولت موظف است نسبت به انفال و ثروت‌های عمومی مذکور در اصل... حتی‌المقدور به صورت تعاونی عمل کند.

۳ — بخش خصوصی شامل مالکیت آن دسته از صنایع کشاورزی، دامداری، بازرگانی و خدمات میگردد که خارج از محدودهٔ فعالیت بخش دولتی و تعاونی است. این بخش تا جائی که از محدودهٔ قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی میگردد.

تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد.

**نایب رئیس** — من امروز صبح در جلسه نبودم که ببینم آیا این اصل با چه‌مقدار صحبت تنظیم شده است ولی نزدیک ظهر که آمدم دیدم هنوز دارند دربارهٔ این اصل بحث میکنند و رویش زیاد صحبت شده است و حالا هم می‌بینم آقایان از جمله آقای منتظری، آقای عضدی، آقای موسوی تبریزی، آقای یزدی، آقای رشیدیان، آقای دانش راد، آقای ربانی املشی، آقای موسوی زنجانی، آقای موسوی جزایری ، آقای اشراقی ، آقای حسینی‌هاشمی ، آقای خامنه‌ای ،

آقای مکارم ، آقای حجتی، آقای کیاوش، آقای اکرمی که البته تمام آقایان تصمیم صحبت کردن دارند. آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — صحبتهائی که دربارهٔ این اصل باید بشود سه، چهار مرتبه تکرار شده است.

**موسوی تبریزی** — فقط اگر تذکر داده شود اشکالی ندارد ولی صحبت زیاد شده است.

**نایب رئیس** — بله، اگر فقط یکی دو تذکر باشد که مانعی ندارد. (سبحانی —غلطهائی دارد که باید اصلاح بشود.) بسیار خوب آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من یکی دو تذکر دارم که اگر اصلاح بشود بهتر است. یکی اینکه «فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری» در اختیار دولت باشد این منجر به این نمیشود که چون دولت سرمایهٔ زیادی دارد ممکن است به تدریج امور کشاورزی و دامداری را در دست بگیرد. خلاصه بخشهای خصوصی منحل بشود و از میان برود، یا اینکه در این طرح سرمایه‌های بزرگ کشاورزی و دامداری را جزو بخش دولتی قرار نداده بودیم. (نایب رئیس — در این باره بحث شده است.) اجازه بفرمائید ما یک‌متنی قبلا تهیه کرده‌بودیم بعد این متن را آوردیم و نشستند و این طوری تعبیر کردند. متنی که ما تهیه کرده بودیم درآن فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری نبود و همچنین تجارت خارجی هم همانطورکه آقای صافی فرمودند نبود.

این فعالیتهای‌بزرگ کشاورزی ودامداری... (همهمه‌نمایندگان) مرحوم‌آیت‌الله‌بروجردی رحمةالله‌علیه فرمودند و به بنده هم‌امروز اشکال کردند که دیروز اینطور گفتید. مرحوم‌بروجردی هم فرموده بود «انا کل یوم رجل» و من هم حالا میگویم «انا فی کل ساعة رجل». (نایب رئیس — و فی کل دقیقه.) بله «وفی کل دقیقه رجل» متنی راکه من تهیه کرده بودم درآن فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری در بخش‌دولتی نبود. بخش‌دولتی مثل بیمه، بانکداری، نیرو و کشتیرانی و این قبیل چیزها البته بایستی مربوط به دولت باشد که خطوط هوائی و کشتیرانی ذکر نشده است ولی در آن متنی که من تهیه کرده بودم ذکر شده بود اما فعالیت بزرگ کشاورزی ودامداری، دولت در اثر قدرت تمام امورکشاورزی و دامداری را ممکن است قبضه بکند و در نتیجهٔ آن بخشهای خصوصی و تعاونی از بین میرود خلاصه تبدیل به یک سوسیالیست میشود. (مکارم شیرازی— در نوشته گروه هم نبود.) اجازه بدهید من اشکالم را بگویم بعد آقایان فرمایش کنند . اشکال دیگری که در بخش تعاونی به ذهن من میرسد، دو نوع تعاونی داریم یکی «شرکتها و مؤسسات تعاونی تولیدی و توزیع» این درست، شرکت تعاونی دوجورداریم یک‌نوعش مالکیت خصوصی‌است درحقیقت یک عده‌ای‌می‌آیندسرمایه‌ای روی‌هم می‌گذارند وشرکتی درست میکنند که به نام شرکت‌تعاونی و تولید وامثال این‌است.

یک نوع دیگرش این است که دولت موظف است که نسبت به ثروتها و انفال عمومی که در اصل ۱۲۷/۳ آمده است حتی‌المقدور به صورت تعاونی عمل کنند. آنهم درست است و تعاونی است اما این ممکن است که سرمایه‌اش مال ملت باشد و در اختیار دولت و درحقیقت آنهائی که برای دولت کار میکنند اجیر باشند برای دولت این یک نوعش هست. نوع دیگر اینکه ممکن است دولت زمینها را تملیک کند و به یک عده‌ای بگوید شما بیائید اینجا شرکت تعاونی کشاورزی تأسیس بکنید، و احتمالا ببینیم این ثروتهای تعاونی راکه دولت انجام‌میدهد مثل همانست که سهیمند یا مالکیت خصوصی است و یا اینکه به‌شکل دیگری است.(یزدی—

هر دویش میتواند باشد.)

**نایب رئیس** — آقای عضدی بفرمائید. (عضدی— من با این شکل مخالفم و پنج، شش اشکال هم دارم.) پس جنابعالی به‌عنوان مخالف میخواهید صحبت کنید. آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

**موسوی تبریزی**— همهٔ ما این راامیدانیم این نظامی که فعلا در مملکت ما داردحکومت میکند این یک نظام ظالمانه و غلط است و هیچ مسلمانی از نظام اقتصادی حاکم برمملکت ما که اینطور ایجاد اختلاف کرده است راضی نیست بطوری که یکی در زندگی رویائی و یکی هم به حداقل مواد اولیه و سطح پائین دارد زندگی میکند. این نظام یک نظامی است باطل و از نظر اسلام محکوم است. (تهرانی — به اسلام نسبت ندهید آقا.) اجازه بدهید. این یک مطلبی است که همهٔ آقایان قبول دارند اما اینطرفش را هم بیائیم ببینیم . مالکیت در اسلام محترم است این مطلبی است که تمام آقایان قبول دارند، مالکیت شخصی محترم است و اسلام هم برایش حد و مرزی قائل نشده است (همهمه نمایندگان) منتها طوری عمل شده‌است یعنی نظام اقتصادی را طوری برنامه‌ریزی کرده است که این مقدار اختلاف طبقاتی جور در نمی‌آید وعملا محکوم است، این‌دومطلب. مطلب‌سوم‌اینکه امروزصبح وقتی آئین‌نامه رادیدم سراپا اشکال بود به اضافه آن اشکالی که آقایان فرمودند زمام کار را به دست دولت داده‌اید که در صورتی که در تجارت خارجی دولت هم باید باشد و خصوصی هم باید باشد. در این بخش خصوصی بخشی است مشترک میان سه چیز، یکی اینکه مادام که از محدودهٔ قوانین اسلام خارج نشود و باعث رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور گردد و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود مورد حمایت است ، آن دوبخش دیگر هم همینطور هست اگر مسألهٔ قاعده «لاضرر ولاضرار فی‌الاسلام» هست مسألهٔ اینکه هیچکس نباید حق خودش را وسیله اضرار به غیرقرار بدهد، دولت هم در مورد این امور نباید کاری بکند که مورد اضرار جامعه باشد، وانگهی شما گفتید دامداری و بازرگانی و فلان خارج از محدودهٔ فعالیت بخش دولتی و تعاونی است. یک جائی را پیدا بکنید که خارج از محدودهٔ فعالیتهای دولتی وتعاونی باشد. کشاورزی را که کلا به دولت داده‌اید اصلا اسم «بزرگ» حدیقف ندارد شما خدمات‌را به دولت، معادن بزرگ را به دولت، بازرگانی و تجارت خارجی را به دولت داده‌اید، تولید و توزیع و کشاورزی کوچک را هم به شرکتهای تعاونی واگذار کرده‌اید، پس در بخش خصوصی چه مانده است؟ شما بفرمائید جز اینکه فلان کارفرما یک دستگاه قالی را بگذارد جلو عده‌ای و بگوید تو این را بباف، از دستمزد این چه عاید آن کارگر شده است؟ با این همه منتی که‌میخواهید بر سربخش خصوصی بگذارید که بخش خصوصی هم شرعاً مالکیت دارد باید سرمایه‌اش را بکار بیندازد ، پولش را به کار بیندازد، در این اصل موردی برایش پیدا نمی کنیم خواهش میکنم برای‌بنده توضیح بدهید.

**نایب رئیس** — آقای موسوی تبریزی شما به بنده نفرمائید توضیح بدهم. بنابراین آن دوستانی باید توضیح بدهند که صبح این متن را تنظیم کرده‌اند و داده‌اند. بنده‌فکرمیکردم‌اصلا احتیاجی به این اصل نیست، به دلیل اینکه ما در اصول قبل آنچه لازم بوده گفته‌ایم.

**موسوی تبریزی**— نظام اقتصادی اسلام را باید معین‌بکنیم زیرا ما تمام‌نظام کاپیتالیستی و سوسیالیستی را زدیم چون این دو نظام غلط است، اما نظام اقتصادی اسلام را باید به ملت

و دنیا عرضه بکنیم.

**نایب رئیس** — بر فرض هم که اینطور بود شاید همان دو سطر اول کافی بود که پیشنهاد خیلی ازدوستان هم بود. آقایان فرمودند، تذکر دادند ولی من در سخن هریک از آقایان به اندازهٔ یک موافق یا مخالف مطلب می‌بینم. عده‌ای که اسامی محترمشان در اینجا مرقوم شده و هنوز صحبت نکرده‌اند جمعاً بیست نفر هستند. حالا میفرمائید که وقت جلسهٔ امروز صرف گوش کردن به مطالب آقایان شود؟ (صدوقی — یک عده هم ذخیره هستند.) یعنی میفرمائید هنوز یکعده‌ای هم اسم ننوشته‌اند؟

**صدوقی** — اگرحرفها برطبق مقررات وموازین شرعی تمام شد منهم عرایضی دارم که خواهم گفت.

**نایب رئیس** — آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — عرض من در حدود تذکرات است. چون در اصل بعدی مالکیت شخصی هم به رسمیت شناخته می‌شود، بنابراین، این اصل بر پایهٔ سه بخش نیست بلکه با مطلب اصل بعدی چهار بخش میشود ولی ما گفته‌ایم سه بخش. این تذکر برای اینست که طوری شود که تناقض به نظر نرسد و توضیح داده شود. (موسوی جزایری — بخش این نیست.) بسیار خوب، میدانیم که بخش این نیست ولی یک رشتهٔ دیگری است.

**نایب رئیس** — اینکه نوشته‌اید مالکیت شخصی یعنی وقتی خارج از آنها شد، خانه و وسیله می‌شود.

**سبحانی** — اینجا کلمهٔ تولید نداریم. نکتهٔ دیگر همان کشاورزی و دامداری است که آقای منتظری فرمودند و من در آن مورد عرضی ندارم. دیگر اینکه وسائل خطوط ارتباطی عبارتست از کشتیرانی و هواپیمائی یا وسائل ارتباط جمعی که سبهم است.

**نایب رئیس** — شخصی که این اصل را تنظیم کرده است لطفاً برای جواب دادن تشریف بیاورد.

**تهرانی** — آقای مکارم حاضرند به عنوان موافق صحبت کنند و جواب همه را بدهند.

**نایب رئیس** — آقای مکارم اگر شما آماده‌اید به سؤالات دوستان جواب بدهید، تشریف بیاورید.

**پرورش** — جواب و سؤال ندارد، یک موافق و یک مخالف باید صحبت کند.

**سبحانی**— اگر تذکرات عملی شود، نظرات همه تأمین است.

**نایب رئیس** — اینها تذکرات نیست بلکه همه تغییرات اساسی است.

**سبحانی**— جنابعالی با همان شیوهٔ خاصی که در بقیهٔ اصول داشته‌اید جمع بندی‌بفرمائید. اگر دراین اصل هم آن شیوهٔ پسندیدهٔ الهی را اعمال بفرمائید، مشکلات حل است. منظور از این خطوط ارتباط چیست؟ سوم در این بخش سه بخش خصوصی...

**نایب رئیس** — آقای مکارم پس جنابعالی تشریف داشته باشید و سؤالات را یادداشت کنید که در اینجا معطل نشوید و بعد جواب بدهید. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — دیگر اینکه «بخش خصوصی شامل مالکیت آن دسته از صنایع» در اینجایک «،» میخواهد یا نمی‌خواهد؟ چون صنایع کشاورزی خوانده می‌شود. (تهرانی — یک «،» افتاده است.)

**نایب رئیس** — بلی در این مورد صبح هم گفته شد و اتفاقاً من این قسمت را بودم که آقای منتظری گفتند در اینجا یک «،» میخواهد. آقای عضدی شما به عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

**عضدی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . ما همانطور که در مبنای حکومت روشن کردیم و در اصل چهارم آمده است، حاکمیت از آن خدا است و همهٔ ما به ولایت فقیه معتقدیم و اگر به حاکمیت الله معتقد نباشیم بالطبع به ولایت فقیه هم معتقد نیستیم. در اینجا هم باید مبنای مالکیت بیاید، یعنی اصل خدا مالکی باید در اینجا بیاید و در ابتدای اصل نوشته شود که مالکیت از آن خدا است. مسألهٔ دوم صنایع بزرگ است، منظور از صنایع بزرگ چیست؟ چون صنعت کفش ممکن است بزرگ باشد بنابراین باید صنایع اساسی و مادر ذکر شود و به بزرگی و کوچکی نیست چون یک صنعت ممکن است کوچک باشد ولی اساسی باشد و نبض اقتصادرا در دست بگیرد که باید در دست دولت باشد. فعالیتهای کشاورزی و دامداری را که‌جناب‌آقای منتظری گفتند کاملا درست است ونباید دولتی‌باشد، چون در اینصورت‌همان اقتصاد کشاورزی متمرکز در روسیه می‌شود که دیدیم شکست خورده است. در مورد تجارت خارجی جناب آقای صافی فرمودند که اولا این باید بازرگانی خارجی شود نه‌تجارت خارجی وحتماً هم باید دردست دولت باشد چون میدانید این دو اصطلاح ترجمه «Trade» و « Busines » است. تجارت شامل واردات و صادرات می‌شود و بازرگانی اعم است و در اینجا باید بازرگانی دولتی‌بیاید که شامل سرمایه‌گذاری درکشورهای خارج و یا احیاناً سرمایه‌گذاری دیگران در داخل باشد. پس این باید بازرگانی شود و حتماً در دست دولت باشد. این بخش باید ذکر شود بهره‌برداری از منابع طبیعی زمین، آب و فضا چون فردا ممکن است استفاده از انرژی خورشید باشد بنابراین‌باید روشن بکنیم، و یا گازهائی که در هوا است و در صنعت مصارف دارند که در اینجا حتماً فضا هم باید ذکر شود و جنگلها و مراتع عمومی و وسائل ارتباطی و ارتباط جمعی، کشتیرانی، هواپیمائی و راه‌آهن حتماً باید در بخش دولتی ذکر شود، و همچنین زمینهای موات و بایر، در بخش تعاونی هم آن نکته‌ای که جناب آقای منتظری گفتند صحیح است یعنی تعاونی عمومی است و در اینجا باید اضافه کنیم تولید و توزیع و مصرف. در صنعت، کشاورزی، دامداری که به صورت مالکیت گروهی و شورائی اداره می‌شود در قلمرو بخش عمومی ذکر شود که دولت باید به تدریج ادارهٔ واحدهای تولیدی و خدمات در مورد انفال و ثروتهای عمومی مذکور در اصل ۱۲۷/۱ را به استثنای صنایع اساسی مادر، یعنی در اینجا هم باید صنایع اساسی مادر استثنا شود، به تعاونیها واگذار کند که به صورت مالکیت گروهی و شورائی اداره می‌شوند، ودر اینجا باز هم من یک تذکری دارم که اضافه شود «فعالیت در این سه بخش نباید با اصل ۱۲۷ و ضوابط مندرج در آن مخالف باشد» که این یک تأکیدی است که به نظر من ضروری است.

**سبحانی** — شما مخالف نبودید بلکه تذکراتی داشتید.

**عضدی** — عرض کردم بنده مخالف مشروط هستم و با این اصل با این شکل موافق نیستم.

**نایب رئیس** — آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — من دو مطلب دارم که به صورت خلاصه بیان میکنم، یکی اینکه حاصل‌بحث

این شده که فعالیتها را دو قسم کرده است، بزرگ و کوچک و علت اینکار این بوده که هم رغبت افراد را جلب کند و هم جبران خسارتی که در اثر خرد شدن بوجود می‌آید. بنابراین با این قسمتش موافق هستم که فعالیتهای بزرگ، مادر و حتی غیر مادر آنطورکه ایشان فرمودند. من معتقدم حتی غیرمادرش را هم دولت می‌تواند تصدی داشته باشد و به این دلیل است که تجارت باید قید شود و تجارت خارجی بزرگ را دولت می‌تواند انجام دهد و کوچکش را ملت و بخش خصوصی هم میتوانند انجام دهند که این یک مطلب است که اصلاح میشود. مطلب دیگر اینست که «بابرنامه‌ریزی منظم و صحیح» این یک مفهوم کلی و مجملی است که قبلا بوده وهمیشه باید درقانون از کلمات مجمل پرهیز کنیم. این جمله‌اگر نباشداشکالی‌ندارد، «دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است» و به جملهٔ «با برنامه‌ریزی...» احتیاجی ندارد. (منتظری — یعنی‌بودنش ضرردارد؟) بلی چون مجمل‌است. (منتظری — آقای‌رشیدیان جنابعالی موافقید یا مخالف؟)

**رشیدیان** — من چند نکته داشتم که آقای عضدی گفتند و خود جنابعالی هم فرمودید. یکی اینکه خطوط ارتباطی یعنی خطوط دریائی، هوائی، زمینی و وسائل ارتباط جمعی که‌منظور رادیو و تلویزیون است (منتظری — وسائل ارتباطی تلگراف و تلفن است.) در پیش‌نویس گروه هفت همهٔ این مسائل آمده و بعد نمیدانم به چه علت حذف شده است و گمان میکنم که جنگلها و غیره هم در آن بوده است. در این اصل در آن جمله آخر «رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و سبب ضرر و زیان» بگوئیم «و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود با رعایت مصالح عمومی» و این «با رعایت مصالح عمومی» اضافه شود. یک مسألهٔ دیگر هم که اشاره شد من فکر میکنم این مالکیت در اسلام مشروط است یعنی تحت ضوابط و شرایطی است که قبلا گفته شده احتکار، ربا وغیره بنابراین دریک جامعه اسلامی همانطورکه آقای دکترعضدی گفتند مالکیت از آن خدا است و حق بهره‌برداری و مالکیت اعتباری از آن همهٔ مسلمانهاست.

**نایب رئیس** — آقای مهندس دانش‌رادبفرمائید.

**مهندس دانش‌راد**— من اصولا با این اصل موافقم ولی نظراتی هم‌دارم. یکی اینکه در جائیکه نوشته‌اند معادن بزرگ، بهتراست بنویسند منابع زیرزمینی و دریائی کشور چون منابع دریائی هم باید رویش دقت شود. یکی هم مسألهٔ بازرگانی خارجی است که به خاطرمسائل ارزی و به خاطر تنظیم سیاست دولت باید حتماً در دست دولت باشد منتها آنجاهائیکه دراختیار مردم قرار میگیرد با تعرفه‌های گمرکی وتنظیم مقررات سالیانه سهمیه، دولت میگوید مردم با با این شرایط می‌توانند این کالا را وارد بکنند یا وارد نکنند. بنابراین اصولا مقررات بازرگانی خارجی باید با نظارت دولت باشد والا تمام سرمایه‌های مملکت ازکشور خارج می‌شود و آنجائیکه نوشته‌اند «آبرسانی» آبرسانی ممکن است باعث یک سوء تفاهمی بشود و مثلا بگویند واحدهای کوچک، بنابراین درآنجا باید نوشته شود «سدها و شبکه‌های عمومی تأمین آب و آبیاری» که جزء فعالیت دولت است و آن قسمتی که مربوط به وسائل ارتباطی است همانطور که آقای رشیدیان گفتند باید ذکر شود راه‌آهن، کشتیرانی و وسائل ارتباط جمعی که منظور رادیو و تلویزیون است. در بند ۳ هم من پیشنهادم اینست به جای اینکه مالکیت را در اول مطلب بنویسیم، چون بخش خصوصی شامل فعالیت آن دسته از صنایع کشاورزی است اینجا مالکیت را برداریم و در سطر سوم بگذاریم که مالکیت این بخش تا جائیکه از محدودهٔ قوانین

اسلام خارج نشود، حمایت می‌شود. مطلب دیگر فعالیتهای بزرگ کشاورزی که جناب آقای منتظری ایراد دارند. به نظر من شاید منظور این بوده است که این واحدهای بزرگ کشت و صنعت که الان دارد ملی می‌شود که واحدهای خیلی بزرگی است اینها را دولت اداره بکند و بنابراین ، این فعالیتها است که بخش خصوصی با سرمایه‌های کوچکش نمی‌تواند اداره کند بنابراین قاعدتاً اینها باید در اختیار دولت باشد.

**نایب رئیس** — آقای ربانی املشی بفرمائید.

**ربانی املشی** — یک مقدار زیادی از مطالب من گفته شد فقط یک اصلاح راجع به‌بخش خصوصی دارم که قید شده اگر این بخش تاجائیکه از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود به‌جای «سبب ضرر زیان» بگذاریم «و به نظام عدل اسلامی زیان وارد نیاورد» چون تا موقعی‌بخش خصوصی میتواند فعالیت بکند که نظام اقتصادی اسلام را آنطور که اسلام می‌خواهد برهم نزند و اگر بنا باشد که بر هم بزند، حکومت جلویش را می‌گیرد.

**نایب رئیس** — آقای موسوی زنجانی بفرمائید.

**موسوی زنجانی** — «تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد» در اینجا اضافه شود «هر سه بخش را با هم بر طبق موازین عدل اسلامی معین خواهد کرد».

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — من اول در مورد فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری‌میخواستم مطالبی بگویم که آقای مهندس دانش‌راد گفتند.

**نایب رئیس** — اگر مطلب تازه‌ای دوستان دارند بفرمایند ، چون اگر دوستان بگویند که قبلا گفته شد که خودش مقداری وقت میگیرد.

**موسوی جزایری** — دوم در مورد بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید و توزیع میباشد که یک کلمه «از قبیل» یا «مانند» بایداینجا گفته‌شود که منحصرنشود و شامل‌خدمات یا چیزهای دیگر بشود که انحصار در این دو قسم ندارد.

**نایب رئیس** — آقای پرورش بفرمائید.

**پرورش** — در این اصل که مالکیت سه بخش دارد با اصل بعدی منافات دارد، برای اینکه ذکر شده برپایه سه بخش است در حالیکه یک بخش دیگر هم اضافه شده است. جواب دادند که مالکیت شخص همان مالکیت خصوصی است یعنی اگر جواب میدهند که مالکیت شخص همان مالکیت خصوصی است، باید عرض کنم که ذکرش به عنوان یک اصل هیچ نیاز نیست، و اگر آن نیست پس مالکیت در نظام اقتصادی برپایه چهار بخش است.

**نایب رئیس** — خیر، این اصطلاح نیست البته اصطلاح خصوصی و شخصی دو اصطلاح است، اما آن بالا ننوشته‌اند که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ چند نوع مالکیت است آنها نوشته‌اند نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی است یعنی بخش اقتصادی خصوصی، نه مالکیت خصوصی. بنابراین در ابتدای اصل اصولا مقسم عبارتست از نوع فعالیتهای اقتصادی. اگردر بالا روی اصل مالکیت صحبت شده شده بود، این نقد آقای سبحانی و حضرتعالی بجا بود ولی در بالای اصل گفته شده است «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش است». آقای حجتی بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — ایراد به بالا منتقل میشود.

**پروش** — یعنی قبلا قرار بود دربارهٔ مالکیت اصلی نوشته شود که نظام مالکیت معین بشود اگر ذکر نشده این اشکال باید به خود اصل وارد شود. یکی دیگر در بخش دولتی ذکر شده است «که به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است» و با توجه به اصل های قبل که تصویب شد بایستی ترتیبی اتخاذ شود که اصل عدم تمرکز برای دولت باشد. ذکر اینکه دردست دولت متمرکزاست با اصول قبلی منافات دارد. اشکال دیگر اینکه دربخش خصوصی بعد از «و سبب ضرر و زیان اقتصادی» ذکر شود «استقلال کشور را هم به خطر نیندازد».

**نایب رئیس** — آقای اشراقی بفرمائید.

**اشراقی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من خیال نمی‌کردم این اصل اسلامی یعنی این مسأله اینقدر مطرح شود و مورد نقض و ابرام آقایان بشود. البته در خارج به اسلام و قوانین عمل نشده است و بی‌سروسامانیهای زیادی ما داریم نه تنها در قسمت مالکیت بلکه در تمام شئون حیاتی ما یک اشکالات و نابسامانیهائی هست و اینها هیچکدام راجع به قانون و شرع اسلام نیست . قوانین اسلامی بطوری است که تمام حدود و قیود را ملاحظه کرده و برای هر عصر و امتی صلاحیت دارد تنها عمل نشده است. حالا شکوه و گلهٔ آقایان از اینکه ماندیم و بیچاره شدیم و بی‌خانه هستیم و بی‌ملک و فلان اینها خیال میکنند که از ناحیه مالکیت شخصی در اسلام آمده است، در حالیکه اسلام قائل به مالکیت است و محدود نیست و از این نترسید. آقایانی که فقه اسلام را می‌شناسند میدانند که مالکیت در اسلام محدود نیست و انسان میتواند روزی پانزده تومان، هزار تومان و یا یک‌میلیون تومان دخل کند. ضوابط این را کتب فقهیه در باب معاملات نه یکباب نه دو باب بلکه ابواب فقه همه‌اش ناظر به این است که مملکات و نواقل شرعی چیست و آنها حدود و قیودی دارد و در آنها هم اختلافی نیست اگر اختلافی باشد در یک جزئیاتی است وفقه شیعه را که دردست ما است یک فقیه ننوشته است و امروز هم ننوشته‌اند، از عصرائمه است. در واقع در چهارده قرن زیر رو شده و جاده‌اش کوبانده شده است. اگر ما در پیاده کردن این اصول و این قوانین اشتباهات و مسامحاتی داشته‌ایم در تحقیق مبانی فقه‌مان هیچگونه سستی نکردیم، حتی بعضی از مسائلی که امروز به درد ما نمی‌خورد آنها را هم همین روزها بحث میکنیم، مسألهٔ عبید و عباد و مانند این مسائل. این مسائل طوری نیست که مثلا به‌ترتیبی که جناب آقای ربانی شیرازی صبح مستوفی‌اشاره کردند و به بهترین طرزی جواب دادند به پاره‌ای احادیثی که بعضیها در کتب مواعظ واخلاق می‌بینند و به علما و فقها می‌تازند و خیال میکنند که اینها ندیده‌اند. (ربانی املشی — این مطالب که مطرح نیست.) پس مالکیت اسلام محترم است، و بعد از این جدالها و بحثها که شد فقط اینرا به صراحت اینجا بنویسید و نترسید. اگر از یک جماعتی میترسید جماعت دیگری هم آنطرف است و به ما اعتراض خواهند کرد و خواهند گفت ایتهاالعصابه، علمای اسلام آنجا رفتید و نشستید و راجع به مالکیت اسلام هرچه گفتند گوش دادید. این را به صراحت در این قانون بنویسید. آنوقت برای دولت انفال را نوشته‌اید و حدود و قیود را هرچه بوده تعیین کرده‌اید. در این اصل مسامحه نفرمائید ما هم اینجا گفتیم خدا هم شاهد است و شما و یک عده‌ای هم که شنیدند شاهدند که ماقصوری نکردیم. مالکیت در اسلام هست و محدودنیست، ولی ظلم نیست و حدودش درکتب فقهیه موجود است. (خامنه‌ای — شما سخنگوی اسلام

هستید وآقایان‌اطلاع ندارند.)(یکی‌ازنمایندگان— محدود به‌حدود شرعی‌است.) (هاشمی‌نژاد— محدود است برادر.) مالکیت در اسلام محدود نیست و حدود و ضوابط آن در ابواب فقه است.

**نایب رئیس** — اجازه‌بفرمائید مثل‌اینکه بازجلسه ما تبدیل میشودبه‌یک سمینار مفصل بحث پیرامون اینگونه مسائل گسترده.

**ربانی املشی** — از بحث خارج میشوند وحضرتعالی کنترل نمی‌فرمائید، قرار بود هر کسی ایرادی و اشکالی دربارهٔ این اصل دارد آنرا ذکر کند، درباره تاریخچهٔ اقتصاد اسلام و مالکیت اسلام و فقها و رساله و غیره نباید بحث کرد.

**نایب رئیس** — آقای حیدری بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — پنجاه ویک نفر صبح امضاء کردند که این را قبول داریم‌دیگرخواندن اینها لزومی ندارد و همین آقای حیدری نوشته‌اند و امضاء کرده‌اند.

**نایب رئیس** — شما خودتان هم امروز اول جلسه نیامدید. در اول بحث شد و من از آقایان سؤال کردم که آیا این اصل به صورتی آماده شده که ما بتوانیم با یک موافق و یک یا حداکثر دو موافق و دو مخالف تمام کنیم. (یزدی — به اضافه یک اصلاحات جزئی میتوانیم تمام کنیم.) ولی من هنوز اصلاحات جزئی ندیده‌ام غیر ازیکی دو نفرکه‌اصلاحاتشان جزئی بود بقیه همه اصلاحاتشان مطلبی بود، چون اصلاحات جزئی یعنی اصلاح عبارتی نه اصلاح مطلبی و آقایان اصلاحاتشان مطلبی است و این نشان میدهد که اصل آنطورکه باید آماده نشده است و فعلا بیست و سه نفر برای صحبت نامنویسی کرده‌اند و به قول آقای صدوقی یکعده‌ای هم رزرو هستند یعنی همینطوریکه جلو میرویم به پنجاه و هشت نفر میرسیم. (ربانی شیرازی — اسم مرا هم بنویسید که به عنوان موافق صحبت کنم.) آقای‌حیدری‌بفرمائید.

**حیدری** — خیلی‌از مطالب راآقایان گفتند وبعد هم ممکن است آقایان بفرمایند. من دربارهٔ این اصل و اصل بعدی موافقم الا اینکه دو نکته‌ای که فعلا به نظرم باقیمانده است عرض میکنم. یکی این است که این سه بخش باید از حمایت قانون جمهوری اسلامی‌برخوردار باشند و آیا این جمله‌ای که در آخر آمده است یعنی این شرایطی که برای بخش سوم نوشته شده به نظر میرسد که این هر سه بخش مقید به این قیود بشود تا از حمایت قانون جمهوری اسلامی برخوردار شود ، که عبارت اینطور نوشته شود «فعالیت در هریک از این سه بخش تا جائیکه از محدوده قانون الی آخر... مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی میگردد» اینجا اضافه شود که این قیود به هر سه بخش بخورد و مطلب دیگر این است که چون در بعضی موارد ضرورت اقتضا میکند بر حسب مصالح مسلمین مقام رهبری در حدود ولایت فقیه تصرفاتی در هر یک از این سه بخش بنماید . درآخر اصل این جمله اضافه شود «مقام رهبری در حدود ولایت فقیه برحسب ضرورت و مصالح مسلمین در هر یک از این سه بخش‌حق اظهارنظر و تصرف دارد».

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای**— شما میفرمائید چرا بعد ازمذاکرات صبح دوباره بحث میشود، برای‌اینکه این متن آن چیزی که صبح بحث و توافق شد نیست . (نایب رئیس — مگر این متن همانی که صبح بحث شد نیست؟) نه اینطور نبود چون من صبح در جلسه بودم و متن به این صورت‌نبود و آقایان هم شاهدند .

**نایب رئیس** — پس شما برای چه رأی دادید؟

**طاهری اصفهانی** — متن خوانده شد و رأی آورد و این متن غیر از آن است.

**نایب رئیس** — چطور چنین چیزی میشود؟

**منتظری** — من حاضرم متنی که نوشته‌ام بخوانم و رأی بگیریم. (تهرانی — بفرمائید.) من هر وقت اجازه دادند متن را میخوانم.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — غیر از تذکراتی که آقایان دارند، ما راجع به مالکیت عمومی انفال بحث کرده‌ایم مالکیت خصوصی هم حدودش معلوم بوده یا یک اصل خاصی خواهد آمد. به نظر میرسد تمام محور برآنست که بخش تعاونی که یک چیز جدیدی است، اینجا ابداع شود و یا اگر وجود خارجی دارد ما این را تصویب و قانونی کنیم و در تمام اینها از همه مجمل‌تر و لرزانتر و ضعیفتر همین است برای اینکه بخش تعاونی برخلاف آنچه که من صحبت کردم و صبح هم با آقای دکتر اوشانا صحبت کردم مطالب ایشان راجع به شرکت تعاونی بود و شرکت تعاونی نوع خاصی در شرکتها است یک جور انتفاعی است و یک‌جور تعاونی است و مبنایش مالکت خصوصی است و قابل انتقال است برخلاف نظر آقایان که میخواستند یک‌چیز واسطه‌ای باشد. بنابراین بخش تعاونی اصلا ماهیتش معلوم نیست‌یا چیزی که آقای ربانی خواندند «کلخوز و سلخوز» امثال اینها آنهم باز یک شکل خاصی دارد که میدانم منظور آقایان نیست. ما اگر اینجا یک چیزی را بدون اینکه هویتش و شکل حقوقیش معلوم باشد بگذاریم، نتیجه‌اش این میشود که بخش اول و سوم برخلاف نظرما عملی خواهد شد و درآینده بخش عمده‌ای که بسیار حساس است و محور ارتباط این دو تا هست و فوق‌العاده هم مهم است، به علت اینکه عملی نبوده و سؤال انگیز بوده و متقن بعدی نتوانسته منظور ما را درک کند و رویش قانون بگذارد، معوق خواهد ماند. بنابراین بخش‌تعاونی بیش از همه مورد نظر است و بیش از همه ضعیف است. ما باید اینجا این را جدا کنیم و نیازی به آن دو بخش قبلی نداریم و یک اصل جداگانه بکنیم یا اینکه آنرا تعریف کنیم که بخش تعاونی آیا قابل انتقال هست یانیست؟ استیجاری است؟ تملیک دولت است؟ چون بعدمیخواهیم ما اراضی دولتی و سرمایه دولتی را در اختیارشان بگذاریم، قابل انتقال هست‌یانیست؟

**نایب‌رئیس** — آقای حجتی بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — عرض کنم من درباره این‌اصل که بطورکلی نظام اقتصادی را معین میکند قبلا دو ماده خدمتتان داده بودم که امروزصبح به آقایان دادم که در این منظور شود ولی مچاله شده‌اش را به من دادند، مثل اینکه نخوانده بودند. عرض کنم اگر بخواهد صحبت شود من میخواهم این‌جا روی این طرح خودم صحبت کنم و روی این اصل من صحبتی ندارم.

**نایب رئیس** — آقای موسوی بفرمائید. (موسوی — نظر من توسط دیگران گفته شد.) آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش**— اگر دراین اصل مراد انواع مالکیتها است که این بخش دوم یعنی بخش تعاونی روشن نیست. تعاونی معمولا نوع اجرای مالکیت است نه نوعی از مالکیت، به این ترتیب اگر منظور از بخش تعاونی انفال است و «واو» هم «واوعطف» نیست که ثروتهای عمومی پشت سرش آمده باشد، اینجا روشن قید شود که مراد از بخش دوم مالکیتهای ملی

است وطرز مصرفش هم کاملا روشن بشود .

**نایب رئیس**— آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی— اشکال من هم مطرح شد.) آقای بشارت بفرمائید .

**بشارت**— اگر عبارت اول یعنی دوسطر اول اصل را رأی بگیرید خیلی خوب است ودیگر این بحثها هم نمی‌شود وانگهی بندهای یک وسه را ما دراصول قبلی موردبحث قرارداده‌ایم. بند مربوط به تعاون که به قول برادر خامنه‌ای باید یک مقدار توضیح داده شود و اینکه اگر انفال و ثروتهای عمومی را به صورت تعاون قرار بدهیم، صبح گفتند که تعاونیها به صورت ارث به وراثشان می‌رسد. آیا انفال را اگردولت به‌صورت‌تعاونی قرارداد بعداً از راه‌ارث به‌بچه‌هایشان می‌رسد یا نه ؟

**نایب رئیس**— آقای ضیائی بفرمائید .

**دکتر ضیائی**— من همانطوری که امضاء‌هم کرده‌ام بااین اصل موافقم، لیکن درانسجام وبافت آن تذکرات یا سؤالاتی دارم. یکی همان «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» منظور هدف است وپایه یا مراد نظام مالکیت است که دراینجا دولتی مخلوط شده است با خصوصی و تعاونی ، چون اصولا تعاونی که الان درکشور است یعنی تعاونی تولید و توزیع که با تعاونی مصرف دوتا است، تعاونی تولید و توزیع ملکیت و قابل ارث و امثال آن است ولی تعاونی مصرف قابل انتقال نیست وفقط منظور این است که جنس ارزانتر ومرغوبتر به‌دست شرکاءبرسد. اگر منظورفعالیت است، ازهم جدا بشود، مالکیت و فعالیت. یک‌مطلب‌دیگراینکه آقایان هم تذکر دادند یعنی خطوط ارتباطی، کشتیرانی یا مثلا فعالیتهای وسیع نه فعالیتهای بزرگ و این قسمت‌هم که خارج ازفعالیت بخش دولتی و بخش تعاونی است یعنی بند۳، باید بکلی حذف بشود برای اینکه معنی این بند این است که اگر در آن قسمتی که دولت یک سرمایه‌دار بزرگی است می‌تواند فعالیت بکند، ماشین وارد بکند، فرش وارد بکند و شما حق ندارید و این چون سوهم این معنی است، فکر می‌کنم زائد است وباید به صورتی انسجام پیدا کند و عرضه بشود .

**نایب رئیس**— آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید .

**هاشمی‌نژاد** — یک مطلب راجع به تعاونی بود که آقای خامنه‌ای تذکر دادند که باید کیفیت کارش روشن شود، دومی نگرانی است که من قبلا عرض کردم وحالا تشدید شده است ملاحظه بفرمائید الان درست مثل مالکیت زمین می‌ماند، آیا شما می‌توانید بطور کلی یک کلمه مالکیت زمین دراین جامعه طرح کنید ؟ در جامعه‌ای که هنوز خالص نشده و جو ناسالمی دارد؟ دیروز ما تحت شماره ۱۲۷ اصلی گذراندیم که ثروتهائی که ازطریق ربا، روابط‌نامشروع، وابستگی با رژیم وسوء استفاده به دست آمده باید خالص بشود پس زمینه نا خالص در جامعهٔ ما وجود دارد ودراین شرایط ناخالص این‌را بدون قید وشرط طرح کردن معنایش این است که فردا بازهم جور دیگری می‌تواند ازاین مطلب سوءاستفاده بکند. این یک موضوع وآنچه‌نگرانی بنده را اضافه کرده این است که انفالی که دیروز تصویب کردیم ، جزء ضروریات فقه اسلام است و اینکه اینها جزء ثروت عمومی است و باید دراختیار دولت قرارگیرد ولی امروز آمدیم و اینرا برگرداندیم به این صورت که درانفال هم دولت باید به صورت تعاونی عمل کند، در حالیکه وضع تعاونی هنوز روشن نیست‌وبه نظر من برای سرمایه دارانی که سرمایه‌هایشان را

ازطریق نامشروع جمع کرده‌اند، قابل سوء استفاده است و در واقع با چسباندن این مسأله به‌آن اصل، خاصیت آن‌را هم کم کردیم. مسألهٔ سوم این است که درآنجائی که بخش خصوصی مالکیت را مشخص می کنیم چند تا قید گذاشتیم ولی من دراینجا یک وسوسه‌ای دارم نظیر وسوسه‌ای که یکی از برادرانمان قبلا داشتند که درهمه جا بنویسیم با تصویب رهبر. دراینجا هم مبنای مالکیت را البته بطور عمده ما چون روی آن دومحور مشخص کردیم راجع به انفال اصل بعد ومسأله‌ای که هرکس مالک کار خودش است، بنابراین اضافه بکنیم با توجه به اصول فلان وفلان که دراین جامعه سوءاستفاده نشود. خلاصه همانطوری که مانگرانیم وبعضی‌ازدوستانمان به‌حق نگرانند که عوامل افراطی سوءاستفاده نکنند، این نگرانی راهم باید داشته باشند که‌در این جو ناخالص اگراین اصول پیاده شود، فردا تعاونی می‌افتد به‌دست عده‌ای سرمایه‌دار وآنها بهره‌برداری‌میکنندواین خلاف‌آن‌چیزی‌است که‌آقایان‌میخواهند بنویسنداین راامشخص باید بکنیم.

**نایب رئیس**— آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری**— من همین متن را اصلاح کرده‌ام و میخوانم تا ببینیم نظر آقایان چیست.

**نایب رئیس**— لطفاً یک لحظه تأمل بفرمائید. دوستان بعضی‌ها نظر داده بودند که متن، غیر از متنی است که صبح تهیه و برای چاپ داده شده است. این متن دست‌نویس را میخوانم لطفاً تطبیق کنید ببینیم تغییر کرده یا عین همان است. (منتظری — متنی که ما تنظیم کرده بودیم با این فرق دارد.) منظور من متنی است که به دبیرخانه داده‌اید، میخواهیم ببینیم جریان چه بوده است، صحت جریان مجلس به‌نظر من یکی از مهمترین مسائل است و نباید خدشه‌دار بشود پس من میخوانم تا معلوم بشود که آیا تغییری پیدا شده است یا نه:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱— بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع بزرگ و مادر و معادن بزرگ و فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری و تجارت خارجی، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و آبرسانی و وسائل خطوط ارتباطی و مانند آن میشود که به‌صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است.

۲— بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید و توزیع میباشد. دولت موظف است نسبت به انفال و ثروتهای عمومی مذکور در اصل... حتی‌المقدور به صورت تعاونی عمل کند.

۳— بخش خصوصی شامل مالکیت آن رشته از صنایع کشاورزی، دامداری، بازرگانی و خدمات میگردد که خارج از محدودهٔ فعالیت بخش دولتی و تعاونی است. این بخش تاجائی که از محدودهٔ قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعهٔ اقتصادی کشورگردد وسبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی میگردد.

تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد» هیچ تفاوتی که نکرده است؟ (ربانی املشی— هیچ تغییری نکرده است.) (همهمهٔ نمایندگان) (تهرانی— صبح یک عده‌ای جلسه را زود ترک میکنند و آخرین متن تنظیم شده را نمی‌بینند.) آقای دکترضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی**— صبح همین متن خوانده شد.

**ربانی شیرازی**— همهٔ پنجاه‌و یک نفر هم امضاء کرده‌اند که موجود است.

**منتظری**— اجازه بدهید من توضیح بدهم.

**مکارم شیرازی**— بنده اسم نوشته‌ام اجازه بدهید من توضیح بدهم.

**رشیدیان**— اسضاها جدا از متن بود.

**نایب رئیس**— علت اینکه من در این مسائل معتقد به دقت هستم همان است که عرض شد. مهمترین مسأله در واحدهای جمهوری اسلامی این است که کار آن واحد روی صحت عمل و دقت باشد بنابراین دوستان اگر از مطلبی دقیقاً اطلاع ندارند، مطرح نکنند.

**منتظری**— اجازه بدهید من توضیح بدهم (همهمهٔ نمایندگان) .

**خامنه‌ای**— اولا نباید وانمود شود که اینجا اتفاقی افتاده و این مسأله در بیرون مورد سوء استفاده واقع شود چون ما صبحها در جلسات مشترك کار میکنیم و در جلسه علنی بر اساس آن تصویب میکنیم و اگر تغییری هم کرده باشد باز جلو اظهار نظر ما را نگرفته‌اند و اظهارنظر هم میکنیم اما اینکه من این حرف را زدم و شما دنبالش راگرفتید، زیاد دربارهٔ این اصرار نداشته باشید چون یک مورد حتی مورد مخالفت همه واقع شد و حتی منتهی به ترك جلسه از طرف آقای طاهری اصفهانی شد و آقای مکارم فرمودند این را اختصاصاً آقای دکتر بهشتی نوشته‌اند و ما هم چیزی نگفتیم به دلیل اینکه سوءنیتی احراز نمیشد و من هم سوء نیتی نداشتم (نایب رئیس— من اصلا توجه نداشتم که شماگفتید.) ثانیاً صبح آقایانی که تشریف داشتند و به قول خودشان بیرون نرفتند و من هم خودم در تمام جلسه حضور داشتم و اصل پیشنهاد دو تا بود جدا از هم، یکی سه نحو مالکیت ویکی آن حدودی که ما اول بحث کردیم وگفتیم آخرش ولایت فقیه هم بگذاریم هر دو جداگانه دست آقای منتظری بود بر اساس دومی بحث شد و رأی‌گیری شد و بعد تنفیذ کردند. در ضمن آقای ربانی شیرازی یک چیزی از یک کتاب خواندند که موردتوجه قرار گرفت، مجموعه این‌بحثها... (ربانی شیرازی — اینطور نیست. ) (یزدی — بهتر است این بحث را ختم کنیم) (همهمه نمایندگان — زنگ رئیس.)

**نایب رئیس** — اجازه بدهید آقای منتظری توضیح بدهند.

**منتظری** — اجازه بدهید من توضیح بدهم.

**صافی** — ما صراحت را از دست داده‌ایم. اینجا هر متنی که می‌نویسیم بازهم تحت تأثیر جو خارج خراب و خلاف‌شرع میشود. آن اصلی که‌اول نوشته بودیم مختصر بود، نظام مالکیت دولتی را وقتیکه شرح میدهید می‌بینید که اینها درست نمیشود شما بیائید همان صراحت را پیشه کنید و اسلام را بنویسید وعرضه بکنید این اشکالات هم مرتفع میشود. وقتی امضاءمیکنیم باز می‌آئیم مطابقت میکنیم و می‌بینیم درست نیست آخر واقعاً یک فکری بکنید.

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید. (ربانی شیرازی — عده‌ای از امضاء کنندگان قید کرده‌اند با اصلاحات لفظی.) آقایان هم با اصلاحات لفظی موافقند. بفرمائید آقای منتظری.

**منتظری** — در اینکه ما مطمئن هستیم متنی که به دبیرخانه مجلس داده میشود، همان متن را تکثیر میکنند و در اختیار میگذارند، شکی نیست. اول من خودم راجع به‌این سه بخش متنی تهیه کرده بودم وقتی برای آقایان خواندم اصلش مورد موافقت آقایان قرار گرفت منتها سر جزئیات اختلافاتی بود و آنوقت هم که من خواندم اولش آقای ربانی تشریف نداشتند بعد هم مطابق آنچه خواندم رأی گرفتیم، رأی‌دادند و بعدآقای ربانی آمدند و متنی را از یک کتاب خواندند و بعد آقای دکتر بیت اوشانا یک متنی را تهیه کردند یعنی همان را به‌عبارت‌دیگری نوشته بودند، آقای ربانی املشی آمدند و خواندند و گفتند این بهتر است و دادند به آقای‌ربانی

آقای مکارم هم آنجا بود من هم یک مقدارش را بودم و بعد رفتم که اینها با هم آن سه‌بخش را تنظیم کردند بعد من دیگر نبودم که آنچه را که تنظیم کردند برای آقایان خواندند یانه، اینرا نمی‌دانم... آنرا که من اول خواندم و رأی گرفتم کمی با این فرق میکرد، حالا اگر آقایان اجازه میدهند من همین متن را بااصلاحات لفظی میخوانم اگرآقایان صلاح میدانند،رأی‌بدهند. آقای عضدی یک متن دیگری را داده‌اند ولی من همین متن را با اصلاحات‌میخوانم .

**نایب رئیس** — با آن اصلاحات که مورد نظر دوستان است بخوانید.

**حجتی کرمانی** — آن اصلاحی که من گفتم با مقدمه بود که آقای‌ربانی اشاره کردند یک مقدار مفصلتر از این اصلاحات است.

**نایب رئیس** — اجازه بدهید آقای منتظری بخوانند.

**منتظری** — «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱ — بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع مادر و معادن بزرگ و بازرگانی‌خارجی،بانکداری، بیمه، تأمین‌نیرو، آبرسانیهای‌بزرگ، هواپیمائی، کشتیرانی و وسایل ارتباطی و رسانه‌های گروهی و مانند آن میشود که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار دارد.

۲ — بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید و توزیع در شهر و روستا میباشد. دولت نیز موظف است (نیز را برای این اضافه کردیم که بگوئیم دو نوع تعاونی است) نسبت به انفال و ثروتهای عمومی مذکور در اصل... حتی‌المقدور به صورت تعاونی عمل کند.

۳ — بخش خصوصی شامل مالکیت آن رشته از کشاورزی، دامداری، صنعت، بازرگانی و خدمات میگردد. (به جای بازرگانی، تجارت بگذاریم بهتر است) که از محدودهٔ فعالیت‌بخش دولتی و تعاونی...» بقیه‌اش را من تغییری نداده‌ام. (موسوی تبریزی — این خوب است.) من میگویم این متن رأی می‌آورد.

**نایب رئیس** — اگر آقایان نقد و تذکر تازه ندارند...

**موسوی جزایری** — آقا این بحث شده و اضافات هم در ورقه آمده و این ورقه درست‌است.

**هاشمی‌نژاد** — تعاونی یک عنصر تازه‌ای است که میخواهد در این کشور بوجود بیاید. وقتی در قانون اساسی اساس کارش مشخص نباشد، چطور میتوانند بعداً مشخص کنند؟

**ربانی شیرازی** — بعد از تعاونی در پرانتز بنویسید (یا گروهی) که معلوم بشود مراد از تعاونی چیست؟

**نایب رئیس** — نه‌آقا غیر از آن میتواند باشد. آقای مکارم شما مطالب تازه‌ای دارید یا همان نقطه‌نظرهائی است که دوستان گفتند؟

**مکارم شیرازی** — عرض بنده دوسه مطلب مختصر است . یکی فلسفهٔ این اصل است که برای همه آقایان واضح بوده میخواستند یک اقتصاد اسلامی بنویسند که نه سرمایه‌داری و کاپیتالیسم غربی باشد و نه سوسیالیسم شرقی و این سه‌بخش برآن اساس تنظیم شده و همه در این سه‌بخش موافقند و اما جریان اینکه این مسأله تنظیم شد ، همان است که قبلا این متن نوشته شد و بعد آقای دکتر متن دیگری تهیه کرد و بعد هردو با هم تلفیق شد بعد نتیجه‌برای همه خوانده شد منتها چون بحث طول کشید و آقایان خسته بودند بعضی‌ها توجه نکردند که دوتا متن با هم تلفیق شده است و این سوءتفاهم پیش آمد.

**کریمی** — من به‌این مطلب آقای مکارم اعتراض دارم.

**نایب رئیس** — آقای کریمی اجازه بفرمائید.

**مکارم شیرازی**— آقایان منتظری و ربانی شیرازی پاکنویس شد و داده شد به‌دبیرخانه و تغییری هم پیدا نکرد. و اما ایرادی که آقایان میکنند، بعضی ایرادها هست که اصلا وارد نیست.

**نایب رئیس** — پس بفرمائید پشت تریبون وآن ایرادهائی را که واردنمی‌دانیدبه‌عنوان موافق دفاع کنید تا اصل را بتوانیم به رأی بگذاریم.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همانطوریکه عرض کردم فلسفهٔ تنظیم این اصل این بوده است که اقتصاد اسلامی مطرح شود و زیر بنای آن نشان داده شود و ثابت شود که اقتصاد اسلامی نه اقتصاد کاپیتالیستی است و نه سوسیالیستی و نه تلفیقی از آن دو، منتها ایراداتیکه آقایان کردند بعضی‌ها اصلا وارد نیست مثلا عده‌ای از آقایان گفتند با اصل بعد منافات دارد، چرا؟ به‌علت اینکه سه‌نوع مالکیت در این اصل آمده و نوع چهارمی دراصل بعدی، در حالیکه در این اصل اصلا انواع مالکیت مطرح نیست‌بلکه انواع فعالیتهای‌اقتصادی مطرح است. اصل بعدی مسأله مالکیت شخصی است، این اصل مربوط به فعالیتها و کارهای اقتصادی از قبیل کشاورزی، تجارت وصنایع است و اصلا هیچ ارتباطی به‌آن اصل ندارد... (سبحانی — نوشته «بخش خصوصی شامل مالکیت آن دسته از صنایع...») در اصل نوشته شده است اقتصاد جمهوری اسلامی در این سه‌بخش خواهد بود، یعنی فعالیت اقتصادی. اگر در لابلای بحث اشاره به مالکیت شده، مسألهٔ حصر مالکیت بهیچ‌وجه مطرح نیست بلکه حصر فعالیتهای اقتصادی در این سه‌بخش مطرح است. یکجا هم اشاره به‌کلمهٔ مالکیت شده اما غیر از مسألهٔ حصر، مالکیت در سه‌نوع است، از جمله بعضی از آقایان فرمودند چرا مسألهٔ خدا مالکی در اینجا مطرح نشده است. این مسأله قبلا صحبتش شد و روی آن رأی گرفته شد و آقایان اظهارنظر کردند که خدا مالکی یک مالکیت تکوینیه الهیه است غیر از مالکیت‌تشریعیه اعتباری قراردادی است و لذا چون دونوع مالکیت است، در این عبارت نگنجاندیم. این چیزی است که قبلا هم روی آن بحث شده بود برخی از آقایان گفتند که مقام رهبری را اضافه کنیم که اصلا وارد نیست ولو اصل مطلب درست است، به‌علت اینکه اینجا همهٔ ذیلش نوشته شده برطبق قوانین، قوانین می‌رود مجلس و از مجلس می‌رود به شورای نگهبان و کنترل اسلامی میشود و اگر احتیاج به‌چیزی داشته باشد در مجلس آینده و شورای نگهبان اضافه میشود، بنابراین یک سلسله اشکالات وارد نیست، اما یک سلسله اشکالات فقط تغییر عبارتی بود بدون اینکه محتوا چندان تغییری پیدا بکند که بنده آنها را یادداشت کرده‌ام. یکی از آقایان فرمودند که بنویسیم با رعایت مصالح عمومی، یکی از آقایان گفتند «بطوری که اقتصاد به‌خطر نیفتد» خوب، این دوعبارت‌یکی است وفرقی با هم ندارند، یکی‌ازآقایان فرمودند «به‌نظام اقتصاد عدل اسلامی زیان وارد نشود» خوب، زیان وارد نکند، به‌خطر نیفتد، مصالح عمومی رعایت بشود، این عبارتها از تغییرات آسانی است که در هراصلی میتوانیم بدهیم بنابراین، این دسته... (موسوی تبریزی — آقای مکارم جواب اشکال من چه شد؟) داشتم عرض میکردم. من همهٔ اشکالات را در سه‌بخش خلاصه کردم، آنهائیکه وارد نبود، آنهائیکه صرفاً تغییر عبارت بود و الفاظ را تغییر میداد و محتوا یکی بود و بخش سوم اشکالاتیکه در حدود اصلاح عبارات و

همان چیزهائی که تابه‌حال داشتیم. ما دراینجا خیلی از اصول را خواندیم، یک‌جمله اضافه یا کم کردیم، یک استثناء زدیم، یک قید اضافه کردیم. از جمله اشکالاتیکه کردند این است که گفتند بعد از تعاونی تولید و توزیع، مصرف هم اضافه بشود. بعضی از آقایان گفتند که مسألهٔ تجارت خارجی تبدیل به بازرگانی خارجی بشود که بازرگانی اشاره به‌سرمایه‌گذاری در خارج است ولی تجارت همین است که الان معمول است و تجار از خارج واردات و صادراتی دارند، خوب این اصلاحات حق است و وارد، ما هم که این اصل را با همکاری آقایان تنظیم کردیم الان که می‌خوانیم می‌بینیم یک جاهائی از آن کم و زیاد بشود لیکن این درحد اصلاح است، این قسمتش را بنده وارد میدانم که باید اصلاح بشود، آنهم که تفاوت تعبیر است لزومی‌ندارد، آنهم که اصلاح غیر وارد است میگذاریم کنار، فلسفه اصل هم که معلوم است چیست . این خلاصهٔ عرض بنده بود. (هاشمی‌نژاد — آقای مکارم جواب سؤال بنده را ندادید.) میگویند دونوع تعاونی داریم، بسیار خوب یک نوعش را هم اضافه میکنیم.

**موسوی تبریزی** — این قید راکه در بخش خصوصی آورده‌اند که باید مضر بر اقتصاد نباشد باید یا حذف شود یا در هرسه، قید شود.

**مکارم شیرازی** — ما مگر همیشه از این اصلاحات نداشتیم؟ اینها را هم اصلاح میکنیم.

**هاشمی‌نژاد** — آقای مکارم این مسأله را چکار میکنید؟ جامعهٔ ما یا خالص است یا ناخالص، اگر خالص است این اصل ۱۲۷ راکه دیروز تصویب کردیم چه میشود؟ اگرناخالص است اینرا اگر بدون قید و شرط تصویب کنیم و بفرستیم فردا ممکن است بیفتد دست کسانیکه سوءاستفاده میکنند همانطوریکه در گذشته کردند ، یعنی میشود یک سیستمی مثل سیستم گذشته. چه‌اشکالی دارد اضافه شود که «این بخش که مالکیت گروهی است باید با نظارت دولت بگونه‌ای عمل شود که کسانیکه مالکیت اموال آنها براساس اصول ۱۲۷/۲ و ۱۲۷/۳ و اصول دیگر اقتصادی مطرح درقانون اساسی محرز شناخته شده است، شرکت داشته باشند» که جای سوءاستفاده هم نباشد؟

**نایب رئیس** — آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — با یک کلمه مشروع که ما در بخش ۳ بگذاریم کار درست میشود ، همهٔ مسأله حل میشود یعنی «اموال مشروع را بکار بیندازند» با عده‌ای از دوستان معتقدم که غرض از این اصل زیر بنای اقتصاداسلامی کشور است همانطوری که هاشمی‌نژاد از یک‌امواجی میترسند. (هاشمی‌نژاد — ما از هیچ امواجی نمی‌ترسیم فقط از این میترسیم که این جامعه سیستمش باقی بماند و باز انفال وتعاونی بیفتد به‌دست دیگران.) همهٔ ما میخواهیم طوری‌بشود که نه شرق استفاده کند و نه غرب و نه تمایلی به سوسیالیست پیدا کنیم و نه تمایلی به کاپیتالیست. بنده نظرم اینستکه این عبارات را به هرصورتی که میخواهید اصلاح کنیداشکالی ندارد ولی زیر بنای اقتصاد اسلامی اگر نباشد و ما از این بحث بگذریم فردا ممکن است کسانی بیایند و اقتصاد مملکت را به‌این سمت یا به‌آن سمت بکشانند و ما مسئولیت داریم در مقابل این امر، زیرا مسألهٔ اقتصاد از بسیاری مسائل لااقل مهمتر است و باید محکم کاری کرد.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید به‌یک جمع‌بندی برسیم دوپیشنهاد خوانده میشود یکی پیشنهادی است فشرده که میخوانم: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی برپایه سه‌بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استواراست. تفصیل ضوابط و قلمروهرسه را قانون معین خواهد کرد.» این

یک پیشنهاد، یکی هم پیشنهاد آقای منتظری که با تفصیل میباشد و با اصلاحاتی که آقایان صبح مذاکره کرده‌اند.

**ربانی املشی** — اصلاحات آقای منتظری نظریات خودشان است. ملاحظاتی که دیگران داشتند هیچ در نظر نگرفته‌اند.

**نایب رئیس** — بسیار خوب من اینها را با دست به‌رأی میگذارم اول این مسأله را... (حجتی کرمانی— این پیشنهاد من اولویت ندارد؟) اولویت که خیر ولی قرار بود سرکار صبح در گروه بخوانید.

**حجتی کرمانی** — صبح مجال صحبت به‌ما نرسید نوشته را هم دادم به آقای دکتر آیت و ایشان هم دادند به آقای مکارم.

**نایب رئیس** — حالا همان‌پیشنهاد را بخوانید.

**حجتی کرمانی** — من اینطور پیشنهاد کردم که ما این اصل را در دواصل خلاصه بنویسیم، اول نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ عدالت اجتماعی و تأمین حقوق و آزادی فرد استواراست یا آزادی فردی، و هرگاه آزادی فردی به‌حقوق وعدالت اجتماعی صدمه بزند آزادی فردی محدود میگردد. این دید اصلی اقتصاد است حالا اصل بعدی را برپایه این استوار میکنیم. اصل بعدی اینست: سرمایه‌داری و فئودالیزم در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی محکوم است. این را به‌صراحت اعلام میکنیم که این دوتا محکوم است همین سرمایه‌داری که درکتابهای اقتصادی توقیف شده و نظامی است که با صنعت جدید آماده است همان که در اقتصاد هست دولت باید «نظام اقتصادی جدید را» که این جمله مشخص میکند که ما نظام اقتصادی سابق را واژگون میکنیم یک نظام جدیدی بوجود می‌آوریم و آن نظام براساس مالکیتهای دولتی، عمومی و خصوصی برطبق قانون استقرار بخشد که ما اینجا چون نظام سرمایه‌داری را نفی کردیم معلوم است که این مالکیت خصوصی که می‌آوریم آن مالکیت خصوصی است که در اسلام است نه درنظام فاسد امروز. یک چنین طرحی است و حاضرم از این دفاع کنم و صحبت کنم.

**مکارم شیرازی** — همانطوریکه سرمایه‌داری محکوم است سوسیالیسم هم محکوم است.

**نایب رئیس** — دوستان عنایت بفرمایند، دوستانی که...

**هاشمی‌نژاد**— آخراضافه کردن این پیشنهاد من چه ضرری میزند؟ این را توضیح بفرمائید پیشنهاد اینست که این قیدها اضافه شود که همان مالکیتی که این‌جا رویش انگشت گذاشتید آنها میتوانند شرکت کنند همان قیودی که گذاشته‌اید، قید اینست «بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید وتوزیع میباشد، این بخش که مالکیت گروهی است باید با نظارت دولت آنگونه عمل شود که‌تنها کسانی که مالکیت‌اموال آنهابراساس اصول ۱۲۷/۲ و۱۲۷/۳ و اصول دیگر اقتصادی مطرح در قانون اساسی محرز شده است از آن بهره‌برداری کنند».

**نایب رئیس** — بخش سه هم همینطور است.

**هاشمی‌نژاد** — یعنی بخش خصوصی آنجا را هم که عرض کردم مقید بکنیم با توجه به اصول چند و چند، اینها چیزهائی است که تا اینجا مشی کردید و جلوی سوءاستفاده را هم گرفته‌اید، اضافه کردن این چه اشکالی دارد؟

**نایب رئیس** — از آقایان بپرسید به‌من ربطی ندارد از من سؤال نفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — کسیکه به‌من جواب نمیدهد، چه اشکالی دارد که جلوی سوءاستفاده گرفته شود؟

**نایب رئیس** — بحث سراین نیست که اشکال دارد ، بحث‌سراین است که ضرورت دارد یا نه. آقایان میگویند وقتی ما در اصل قبلی نوشتیم که دولت موظف است اینگونه با سرمایه‌ها عمل کند دیگر اصل بعدی معلوم است که با آن اصل نمی‌تواند منافاتی داشته باشد.

**هاشمی‌نژاد** — شما دو سه‌تا اصل طرح کردید که این جامعهٔ کنونی را از نظام و بافت قبلی پاك کنید اگر برای این طرح کردید من هم میگویم همان چیزی که شما تصویب کردید مقید کنید تعاونی با شرکت کسانی باشد که مالکیت آنها براساس این اصول است.

**نایب‌رئیس** — این روشن است. (هاشمی‌نژاد — اگر روشن است بنویسید.) آقایان اجازه بفرمائید اکنون به یکایک از بندها دوستان نظرشان را خواهند فرمود. موافقین با اصل به‌همین شکلی که در متن چاپ شده بدون هیچگونه تغییر دست بلند کنند. (قرشی — آقای بهشتی این را بند بند رأی نگیرید.) (عده کمی دست بلند کردند) رأی کافی نیاورد حالا موافقین با این متن که میخوانم دست بلند کنید: «نظام اقتصادی جمهوری‌اسلامی‌ایران برپایهٔ سه‌بخش دولتی و تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱ — بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع مادر، معادن بزرگ و بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه ، تأمین نیرو و آبرسانی‌های بزرگ ، هواپیمائی و کشتیرانی و وسائل ارتباطی و رسانه‌های گروهی و مانند آن میشود که به‌صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار دارد».(سبحانی— آقا بندبند رأی نگیرید.) موافقین با این بند با اصلاحاتی که شد دست بلند کنند (سی و هفت‌نفر دست بلند کردند) حالا اجازه بفرمائید یکبار دیگر بخوانم (خامنه‌ای — اگر فعالیتهای کشاورزی را هم اضافه کنید رأی می‌آورد.) پس حالا یک مرتبه دیگر میخوانم: «بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع مادر و معادن بزرگ و بازرگانی خارجی و فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری و بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و آبرسانیهای بزرگ، هواپیمائی، کشتیرانی و وسائل ارتباطی و رسانه‌های گروهی و مانند آن میشود که به‌صورت مالکیت عمومی دراختیار دولت قرار گیرد.» موافقین دستشان را بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) اینهم رأی کافی نیاورد.

**دکترضیائی** — اولی خوب بود شاید در شمارش رأی اشتباه روی داده باشد. با حذف کشاورزی و دامداری یکبار دیگر بخوانید و رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — از آقایان منشی‌ها تقاضا میکنم که آراء را در دوبخش شمارش کنند که اشتباهی پیش نیاید. دومرتبه میخوانم:«بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع مادر و معادن بزرگ و بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و آبرسانیهای بزرگ ، هواپیمائی، کشتیرانی و وسائل ارتباطی و رسانه‌های گروهی و مانند آن میشود که به‌صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قراردارد.» موافقین دست بلند کنند (چهل و هفت نفر دست بلند کردند.) (دکتر ضیائی— دخانیات جزو کدام یک از این دوبخش است؟ زیرا بعد از نفت پردرآمدترین شرکتها است.) این را قانون بعداً معین میکند. آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری**—گواینکه این طرح مستقلی است، این مسألهٔ رسانه‌های گروهی در نظام جدید را نباید دراختیار دولت بگذارید. اگر این مطلب را حذف کنید شاید یکی دورأی اضافه بیاورد که ملت بتوانند خودشان رادیو تلویزیون مستقل داشته باشند.

**نایب رئیس** — شما آقای دکتر کم توجهی نفرمائید، رادیو و تلویزیون که یک چیز ساده نیست بنابراین وقتی میخواهند درستش کنند... (گلزاده غفوری— راهش را باز بگذارید.) این میشود مثل دستگاههای تبلیغاتی کشورهای سرمایه‌داری که فقط با پول آگهی‌ها وتبلیغات تجارتی معرفی و اداره میشود. حالا شما چه‌پیشنهادی دارید مگر این کار میسر است؟

**مکارم شیرازی** — آقا بین مدیریت و سرمایه‌گذاری فرق است، سرمایه‌گذاری را دولت میکند اما مدیریتش ممکن است زیر نظر مجلس شورای ملی باشد.

**نایب رئیس** — بند ۲ را میخوانم:

«بند ۲ — بخش تعاونی شامل شرکتهای تعاونی تولید و توزیع در شهر و روستا میباشد دولت نیز موظف است نسبت به‌انفال و ثروتهای عمومی‌مذکور در اصل ۱۲۷/۱ حتی‌المقدور به‌صورت تعاونی عمل کند» موافقین دست بلند کنند. (سی و شش نفر دست بلند کردند) پس این را نمی‌توانیم بگذاریم جزو این اصل.

**دکتر ضیائی** — اگر راجع به‌این موضوع توضیح داده شود رأی می‌آورد.

**نایب رئیس** — هم صبح آقایان توضیح دادند و هم امروز. (یکی از نمایندگان — راجع به‌تعاونی یک توضیحی بدهید شاید رأی بیاورد.) آقایان اگر راجع به‌تعاونی توضیح میخواهید یک بحث خیلی مفصل باید بشود زیرا تعاونی‌ها انواع و اقسام گوناگون دارند، البته‌تعاونیهای اقتصادی را میگوییم نه مؤسسات اعانه. در نظامهای مختلف با مقررات مختلف ولی همه اینها یک قدر مشترک دارد، و قدر مشترک درهمهٔ اینها اینست که انگیزهٔ اقتصادی‌اشخاص رابتواند برانگیزد و احساس کنند که به‌سود خودشان وآنهائیکه باهم درآن تعاونی فعالیت میکنند، گام برمیدارند بنابراین‌انگیزه درآنها بوجود بیاید و ضمناً درآنطرف به‌تمرکز ثروت‌هم نیانجامد بنابراین، این درطرف انواع و اقسام تعاونی‌ها است دیگر اگر بخواهید سراغ یکی یکی واحدهایش درنظامهای مختلف با قوانین مختلف بروید عرض کردم یک بحث خیلی مفصلی است. منظور از اعانه عبارتست از مؤسسات غیرانتفاعی، ولی اینها این‌جوری نیست مثلا زمینی را دولت در اختیار یک‌گروهی میگذارد یااینکه یک کارگاهی را دراختیار یک‌گروهی میگذارد و میگوید بطور جمعی روی‌این کار کنید وباید باچه مقرراتی کار کنید و بازدهٔ کارتان هم مال خودتان. اینها ازنظر توارث ومالکیت وحق‌فروش محدودیت‌هائی دارد ویا اصلاندارد بنابراین مقدار زیادی محدودیت درآن است‌اما برانگیختن اینکه اشخاص کار بیشتر وبهتری بکنند درآن وجود دارد، درحقیقت مقدار زیادی ازنتایج اقتصادی به‌اصطلاح فعالیتهای‌خصوصی را دارد و مقدار زیادی از مضار آنرا هم ندارد، به‌این‌گفته میشود باشکلهای بسیار مختلف چون شکلهای بسیار مختلف دارد. (همهمه نمایندگان) عرض کردم فعالیت و آقایان نباید این رابا مالکیت مخلوط کنید.

**پرورش** — دراینجا سه‌بخش است که در دوتای آن مالکیت ذکرشده است.

**نایب‌رئیس** — اصلا هیچ کدامش احتیاج به‌قید مالکیت ندارد. خوب اجازه بفرمائید من بار دیگربا این توضیح که داده شد از دوستان خواهش کنم رأی نهائی‌تان رابدهید یا میماند یا باید جور دیگر رویش عمل بشود. حالا میخوانم:

«بند۲- بخش تعاونی شامل شرکت‌های تعاونی تولید وتوزیع درشهر و روستا میباشد دولت نیز موظف است نسبت به‌انفال‌و ثروتهای عمومی مذکور در اصل ۱۲۷/۱ حتی‌المقدور

به‌صورت تعاونی عمل کند» موافقین دست بلند کنند(سی وشش نفر دست بلند کردند.) پس رأی کافی نیاورد. بند ۳ را میخوانم:

«بند۳- بخش خصوصی شامل مالکیت‌آن رشته از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت وخدمات میگردد که خارج از محدودهٔ فعالیت بخش دولتی وتعاونی است.»

**صافی** — تا همین‌جا رأی بگیرید .

**نایب‌رئیس** — بسیارخوب موافقین با این قسمت دست بلند کنند(سی‌وپنج نفر دست‌بلند کردند) حالا ذیلش را میخوانم:«این بخش تاجائی که از محدودهٔ قوانین اسلام خارج نشود وموجب رشد و توسعهٔ اقتصادی کشورگردد و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی میگردد». موافقین با این ذیل دست بلند کنند(سی‌وپنج نفر دست بلند کردند) ملاحظه میفرمائید که این اصل بند اولش چهل وهفت وبند دومش سی‌و شش و بند سومش سی وپنج رأی با شقوق مختلف دارد. خوب ما با صرف بیش از نزدیک به دوساعت روی این اصل نتوانستیم به‌نتیجه برسیم. حالا این متن را میخوانم و به‌رأی میگذارم:

«نظام اقتصادی جمهوری‌اسلامی‌برپایهٔ سه‌بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استواراست. تفصیل ضوابط وقلمرو هرسه را قانون‌معین خواهد کرد» موافقین بااین دست‌بلند کنند (سی‌وسه نفر دست بلند کردند) .

**موسوی تبریزی** — پیشنهاد من راهم به رأی بگذارید.

**نایب‌رئیس** — برای‌اینکه آقای موسوی هم صبح و هم حالا روی این پیشنهاد تأکید داشتند وبرای اینکه بدانند آراء ازنظر مطرح شدن دراین مجلس فرقی نمیکند پیشنهاد ایشان را میخوانم:«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ سه‌نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. تفصیل ضوابط و قلمروهرسه را قانون معین خواهد کرد» موافقین بااین دست بلند کنند(سی‌ویک نفر دست بلند کردند) رد شد.

## ۳ — طرح اصل ۱۲۷/۵

**نایب‌رئیس** — اصل ۱۲۷/۵ که علی‌کل‌حال باید مطرح شود قرائت میشود.

اصل ۱۲۷/۵ — مالکیت شخصی که از طریق مشروع بدست آمده است محترم است . شرایط آنرا قانون معین میکند.

**نایب‌رئیس** — دراین اصل بحثی نیست؟(یزدی— باید بنویسیم «مالکیت اموال‌شخصی ازطریق مشروع» تا درست باشد.) مالکیت را از طریق مشروع بدست می‌آورد یعنی کسب مالکیت میکند. بعضی از آقایان میگویند بنویسید «حدود وشرایط‌آن را قانون معین میکند» اجازه بفرمائید یکی یکی‌رأی بگیریم. (حجتی کرمانی — مالکیت غیرمشروع اصلا نداریم.) حالا میخوانم«مالکیت شخصی که ازطریق مشروع بدست‌آید» آقای مرادزهی بفرمائید.

**مرادزهی** — مالکیت که یک رابطه است چه‌جور بدست می‌آید؟

**نایب رئیس** — آقای مرادزهی انسان نمی‌تواند این رابطه رابه‌دست‌بیاورد اجازه‌بفرمائید آقا اگرشما «وبدست آمده‌است» را بردارید معنی کاملا همان است‌یعنی «مالکیت شخصی‌ازطریق مشروع محترم است شرایط آنرا قانون معین میکند» .

**منتظری** — بنویسید «مالکیت شخصی که از طریق مشروع بدست می‌آید محترم است.

حدود آنرا قانون معین میکند» یعنی به‌جای «شرایط»، «حدود» بنویسیم.

**نایب رئیس** — حالا بنده این را به‌رأی میگذارم «مالکیت شخصی از طریق مشروع محترم است. حدود آنرا قانون معین میکند» موافقین دست بلند کنند.(عده کمی دست‌بلند کردند) این در همهٔ قوانین حتی درقانون اساسی شوروی هم هست.

**انواری** — آقای بهشتی اینطور بنویسید «مالکیت شخصی نسبت به‌اموالی که از طریق مشروع به‌دست آمده است».

**نایب رئیس** — این هم که‌رأی کافی نیاورد.

**یزدی** — اگر یک کلمه اضافه شود اشکال برطرف میشود.

**دکتر آیت**— آقای یزدی اشکال درکلمه نیست اشکال در مجموعه است آن اصل‌بالائی مجموعه‌اش با این میتواند تصویب شود یعنی این اصل با اصل بالائی مربوط است.

**نایب رئیس**— اصل ۱۲۷/۵ مالکیت شخصی که ازطریق مشروع به‌دست آمده است.

**موسوی‌تبریزی**— به‌عقیدهٔ بنده این را بگذارید برای فردا صبح که این دوتا اصل را با تنظیم بکنیم و تصویب بشود وبعداً روی این بحث کنیم.

**نایب‌رئیس**— آقای موسوی این چه‌فرمایشی است؟ اگر فرداهم آوردیدو این تصویب نشد کار مجلس را تمام میکنیم؟ کارمجلس که نباید معطل بماند.

**اشراقی** — اگر این دواصل به‌تصویب نرسد سابه‌آنها رأی نمی‌دهیم.

**مکارم شیرازی** — ما نظام مالکیت اسلام را میخواهیم درست کنیم.

**نایب‌رئیس**— کسی که مخالف این نیست آقایان دیروز و امروز وقت راتلف کردید و نتوانستید تنظیم کنید.

**موسوی اردبیلی** — شما چرا تحمیل میکنید؟ بگذارید اکثریت هرچه‌گفت تبعیت بشود.

**مکارم شیرازی** — این اصل چهل و هفت رأی‌آورد . مسأله اینست که آیا میخواهیم ازاین بگذریم؟

**نایب‌رئیس** — خیر، امشب دوسه نفر را مسئول کنید باتوجه‌به‌جمیع این تذکراتی که داده شد اصلی را آقایان تهیه کنند وفردا هم مطرح کنند وبیاورند به‌جلسه، اما این مطلب غیراز اینست که حالا این وقتی راکه داریم یک اصل دیگر را مطرح نکنیم این پیشنهاد راگفتم معنی ندارد. حالا وقت نماز است واگرآقایان‌موافقت دارند (یزدی — بگذاریدبرای‌فردا) آنکه خواهد بود نظر اینست که اصل بعدی را بخوانیم یا جلسه را تعطیل کنیم. (اکثر نمایندگان — جلسه را تعطیل کنید)

## ٤ — پایان جلسه

**نایب‌رئیس** — خوب با اجازهٔ دوستان جلسه را تعطیل میکنیم. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت هفده و سی‌دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی‌نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ پنجاه‌و هفتم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه روز نهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با نهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب


۱ — تمدید مهلت مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به مدت ۱۵ روز. .
۲ — بیانات نایب رئیس به مناسبت عید سعید قربان. . . . . ..
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/٤ (اصل چهل و چهارم). . . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/۵ (اصل چهل و هفتم). . . . . .
۵ — طرح اصل ۱٤۲ . . . . . .
۶ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — تمدید مهلت مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به مدت ۱۵ روز

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. امروز مهلت تمدید شدهٔ جلسه ما تمام میشود و آنچه از کار ما باقی مانده عبارتست از بخش قوهٔ قضائیه و دو سه اصل از تتمهٔ بخش اقتصاد که امیدواریم این اصول دنباله بخش اقتصاد امروز تصویب شود و ان‌شاءالله بخشی از قوهٔ قضائیه هم به تصویب برسد. به‌هرحال ممکنست ده پانزده اصل دیگر مانده باشد. پانزده‌اصل هم در اثنای بررسیها به دلیل اینکه به اشکالاتی برخورد کرد و حل قسمتی از این اشکالات متوقف بود بر فصول بعدی، ترجیح داده شد که مسکوت‌عنه بماند تا وقتی که فصول بعدی تصویب شود ، که بحمدالله تصویب شده است و حالا بر پایه آنچه در فصول بعدی تصویب شده میتوانیم برگردیم و مجدداً آنها را مورد بررسی و رأی‌گیری قرار بدهیم. مقدمه هم که باز بخشی از آن متوقف بود براینکه ببینیم فصول و محتوایش چه است، باید به صورت نهائی تکمیل و دراینجا مطرح شود. چند روز هم برای بررسی نهائی لازم داریم، به‌این ترتیب‌برای رعایت احتیاط یک مهلت معینی را باید تمدید کنیم.

**طاهری اصفهانی** — زمان معین نکنید آقای بهشتی، هر چند روز که برای بررسی مواد و اصول باقیمانده لازم بود استفاده خواهیم کرد.

**دستغیب** — حداقل مدت را تعیین بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — بدون زمان اینجا، جا خوش میشود.

**طاهری اصفهانی** — همهٔ ما صدها کار و گرفتاری داریم، اینطور نیست آقای مکارم که اینجا، جا خوش کنیم. (صحیح است)

**سبحانی** — تمدید بلا مدت درست نیست، یک حداقل و حداکثری معین کنید.

**تهرانی** — یک هفته آقا، یک هفته بس است.

**نایب رئیس** — آقای تهرانی ، حدود ۲۵ اصل جمعاً باقی مانده است. به هر حال ما با بعضی دوستان که شور میکردیم و الان هم با آقای منتظری صحبت کردیم، به نظرمان رسید که پانزده روز تمدید کنیم و بعد، دیگر به همت والای دوستان وابسته است که این پانزده‌روز را به چهارده روز یا ده روز کاهش بدهند.

**ربانی املشی** — فقط یک هفته وقت صرف قوهٔ قضائیه میشود. (دکترضیائی— دوهفته خوبست.)

**نایب رئیس**— بنابراین اگر دوستان موافق باشند همان پانزده روز را معیار قرارمی‌دهیم. یک محاسبه تقریبی نشان میدهد که تا پانزده روز ان‌شاءالله تمام میشود و اگرتوانستیم زودتر تمامش خواهیم کرد. (نمایندگان — ان‌شاءالله) پس موافقین با تمدید مهلت مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به مدت پانزده روز دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) با اکثریت

بنجاه رأی تأیید شد.

## ۲ — بیانات نایب رئیس به مناسبت عید سعید قربان

**نایب رئیس** — فرصت‌را غنیمت می‌شمارم و عید بزرگ اسلامی، عید قربان را به حضور دوستان و به حضور ملت مسلمان ایران و همهٔ ملتهای مسلمان جهان و به امام امت تبریک می‌گویم وامیدوارم که این عید برای ملت ما وامت بزرگ اسلامی برکات فراوان همراه‌داشته باشد و حجاج امسال ایران حامل پیامهای نوینی برای همهٔ حجاج سراسر جهان در میعادگاه و میقات الهی، سرزمین پاک مکه باشند، انشاءالله.

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/٤ (اصل چهل و چهارم)

**نایب رئیس** — چون دوستان از وقت قبل از دستور استفاده نفرموده‌اند وارد دستور میشویم. ما این اصلی راکه دیروز تهیه شده بود، امروز صبح با همکاری دوستان به این‌صورت درآوردیم که ملاحظه میفرمائید و امیدوارم تصویب شود. (منتظری — هیچ امیدوار نباشید.) و امیدوارم دوستان توجه بفرمایند که این اصول را قبلا مورد بررسی قرار داده‌ایم و به‌حد کافی بحث کرده‌ایم ولی به هر حال چون تعداد نمایندگان حاضر در جلسه پنجاه و دو نفر بیشترنیست، اگردوستان فکرمیکنند که بازهم این‌اصول رأی کافی برای تصویب نخواهد آورد فعلا برویم سراغ اصول قوهٔ قضائیه و بعد دوستان هر مقدار وقتی که میخواهند صرف تغییر و تبدیل‌وتکمیل اینها بفرمایند تا وقت این مجلس را تلف نکنیم.

**منتظری** — به هر حال من با این اصول، به این ترتیب که اینجا نوشته شده مخالفم و میخواهم دلایل مخالفتم را بگویم. من حق ندارم صحبت کنم؟

**نایب رئیس** — چرا، البته همه کس حق دارد صحبت کند و هیچ مانعی وجود ندارد.

**مکارم شیرازی** — آقای منتظری با آن اصلی که بر این اصول اضافه شد، در جلسه صبح موافقت کردند حالا دبه می‌کنند.

**تهرانی** — خوب آقای منتظری اگر مخالف‌اند یک رأی هم بیشتر ندارند، رأی مخالف بدهند.

**موسوی قهدریجانی** — اول با دست رأی بگیرید اگر رأی آورد آنوقت با ورقه رأی گیری شود.

**نایب رئیس** — اصولی که برای بخش اقتصاد، البته به‌دنبال اصل دیروز طرح و تهیه شده به این صورتی است که ملاحظه می‌فرمائید. پس اجازه بفرمائید خوانده شود.

اصل ۱۲۷/٤ — اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارای سه بخش است:

دولتی ، تعاونی یا گروهی ، خصوصی.

ضوابط، قلمرو و شرایط مالکیت در هر یک از این سه بخش را با رعایت تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی و گروهی قانون معین میکند.

اصل ۱۲۷/٥ — مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است . ضوابط‌آن را قانون معین میکند.

اصل ۱۲۷/٦ — صنایع مادر، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی و آبیاری بزرگ، پست و تلگراف و تلفن، رسانه‌های گروهی ، هواپیمائی ،

کشتیرانی و راه‌آهن و مانند اینها بخش دولتی را تشکیل میدهد.

**نایب رئیس** — با اینکه به اندازه کافی روی این اصول صحبت شده باز عده‌ای ازدوستان برای صحبت و اظهارنظر اسم نوشته‌اند که من از خود آقایان نظرشان را می‌پرسم.آقای منتظری صحبتی دارید؟ (منتظری — من مخالفم.) آقای دکتر آیت (دکتر آیت — مخالفم.) آقای عضدی (عضدی — مخالف.) آقای حسینی هاشمی (حسینی هاشمی — موافق.) آقای ربانی شیرازی (ربانی شیرازی — من یک تذکری دارم.) آقای حجتی کرمانی (حجتی کرمانی — من شدیداً مخالفم.)آقای خامنه‌ای(خامنه‌ای— من هم یک تذکری‌دارم.) آقای‌حیدری (حیدری— موافق مشروط.) آقای دکتر غفوری (گلزادهٔغفوری — سه نکته بود که میخواستم یادآوری کنم.) آقای دکتر نوربخش (دکتر نوربخش — تذکر دارم.) آقای مقدم مراغه‌ای (مقدم مراغه‌ای — مخالفم.) آقای طاهری اصفهانی.

**طاهری اصفهانی** — زمینه نشان میدهد که این اصول رأی نمی‌آورد پس بروید سراصول مربوط به قوهٔ قضائیه.

**نایب رئیس** — فعلا دوستانی که اینجا اسم نوشته‌اند پنج نفر مخالف هستند...

**منتظری** — ممکنست با صحبت من و اصلاحی که در آن میکنید عده بیشتری موافق شوند و رأی کافی برای تصویب بیاورد.

**ربانی املشی** — اگر آن پنج نفر هم رأی مخالف بدهند، باز رأی به حد نصاب می‌آورد.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، پس اجازه بدهید یک نفر مخالف صحبت کند و تذکرات را هم بشنویم و اصلاح کنیم و بعد رأی بگیریم. آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ما در اینکه در اسلام برنامه اقتصادی داریم شکی نیست. حالا ما بیائیم اینجا بنویسیم اقتصاد اسلامی بر سه نحو است: دولتی، گروهی، خصوصی. بعد یک اصل درست کنیم و برای نوع دولتی آن یک چیزهائی را بشماریم ولی‌برای تعاونی‌اصلا انواعش‌را ذکر نکنیم، درصورتی که میدانیم دردنیا تعاونیهای مختلفی وجوددارد و بعضی تعاونیها هست که اصلا مالکیتش مربوط به اشخاص نیست همینطور مالکیت خصوصی روشن نیست که چگونه است. آیا مردم میتوانند مالکیت خصوصی داشته باشند؟ یعنی می‌توانند کشاورزی و تجارت خصوصی داشته باشند یا نه؟ اگر ما انواع اینها را در اینجا ذکر نکنیم نمی‌گویند این چه قانون ناقصی است که در بخش دولتی انواع آن را ذکر کرده‌اند ولی در بخش خصوصی اصلا یک نوع آن را هم نیاورده‌اندو یا بخش تعاونی را تعریف نکرده‌اند؟ به هر حال ما با توجه به اشکالات دیروز و امروز آقایان در مورد این اصول یک متنی را تنظیم کردیم ولی در جلسه امروز صبح، چون عده‌ای ازآقایان قضات دادگستری برای بررسی اصول مربوط به قوهٔ قضائیه به مجلس تشریف آورده بودند و دوستان ما هم پیش آنها تشریف بردند، اصلا فرصت نشد که من این متن پیشنهادی را که در حقیقت اصلاح همان متن دیروز است بخوانم که هر سه بخش را شامل است و به نظر من دیگر اجمالی هم ندارد و مطمئنم با اصلاحات مختصر همه آقایان موافق خواهند شد و نظرشان تأمین میشود. اگر اجازه بدهید آن را بخوانم. (عده‌ای از نمایندگان — قرائت بفرمائید.) بسیار خوب میخوانم: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ سه بخش: دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱ — بخش دولتی — شامل کلیه صنایع مادر و اساسی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی و آبیاری بزرگ، پست و تلگراف و تلفن ، رسانه‌های گروهی، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها میشود که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار داد.» مسأله تمرکز هم نیست.

**دکتر قائمی** — بازرگانی خارجی را فراموش کردید، دیروز بود .

**منتظری** — بله، اگر موافق باشند بازرگانی خارجی را هم اضافه میکنیم.

**ربانی شیرازی** — بنویسید «بازرگانی بزرگ خارجی».

**دکتر آیت** — بازرگانی کوچک خارجی که نداریم.

**منتظری** — معمولا وقتی میگویند بازرگانی، مراد همان تجارتهای بزرگ است.

**نایب رئیس** — نه آقا، اینطور نیست با هم فرق دارند.

**منتظری** — آنچه که خواندم مربوط به بخش دولتی بود و اما بخش تعاونی با کم و زیاد کردن جملات به این صورت درآمد که میخوانم:

«بخش تعاونی — شامل شرکتها ومؤسسات تعاونی تولید و توزیع که باسرمایه‌گذاریهای کرچک گروهی مردم و یا با مشارکت دولت برطبق ضوابط اسلامی در شهر و روستا تشکیل میشود.»

**هاشمی‌نژاد** — یک قید در اینجا اضافه کنید، بنویسید «با رعایت اصولی که در مالکیت در قانون اساسی مطرح شده».

**منتظری** — ننویسیم برطبق ضوابط اسلامی؟

**خامنه‌ای** — نحوهٔ مالکیت تعاونی معلوم نیست. (منتظری — چرا؟) برای اینکه گاهی خصوصی میشود گاهی عمومی، شق ثالثی ندارد.

**منتظری** — ملاحظه بفرمائید ما نوشته‌ایم «که با سرمایه‌گذاری کوچک گروهی مردم و یا با مشارکت دولت بر طبق ضوابط اسلامی در شهر و روستا تشکیل میشود».

**نایب رئیس** — باز دوستان در مورد تعاون به آن جنبه خاص تعاونی مثل اینکه کمتر توجه می‌فرمائید. منظورازواحدهای تعاونی، واحدی است که درآن صاحب سرمایه و کارفرمائی جز خود آنهائی که در آن شرکت به‌شکلی سهیم‌اند، ندارد. مهم‌در جنبه تعاونی بودن شرکت وقتی در اینجا مقابل خصوصی و دولتی گفته میشود این نکته است که در آنجا مالکیت سرمایه یا حق استفاده از سرمایه در دست خود آنهائی است که در آن شرکت سهیم هستند وکاری می‌کنند چون گاهی مالکیت نیست مثلا دولت زمین را دراختیار یک واحد تعاونی کشاورزی قرار میدهد ولی در ملک آن تعاونی درنمی‌آورد بلکه به‌او برای مدت نامحدودی حق استفاده کردن از آن زمین میدهد. به هر حال اختیار سرمایه، یا مالکیت سرمایه و مدیریت در دست کسانی است که در همان شرکت با کمک همدیگر کار میکنند. این است که این نباید با شرکت سهامی اشتباه شود، بلکه یک نوع خاص دیگری است.

**تهرانی** — همان متنی را که خواندند بفرمائید رأی بگیرند.

**منتظری**— یک جمله بود که من چون احتمال میدادم آقایان با آن مخالف باشند،حذفش کردم و آن جمله این است «دولت نیز موظف است نسبت به انفال و سرمایه مذکور (در آن اصل) حتی‌المقدور با رعایت مصالح عامه به‌صورت تعاونی عمل کند». (نمایندگان — حذفش

کنید.) بسیار خوب، حذفش میکنیم. پس اجازه بفرمائید بخش سوم آن را هم بخوانم:

«بخش خصوصی — شامل آن رشته از کشاورزی، دامداری، تجارت، صنایع و خدمات میگردد که مکمل فعالیتهای دولتی و تعاونی است و بوسیله بخش خصوصی انجام میگیرد. تفسیر ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین میکند.» البته من دوجمله دیگر هم هم اضافه کرده بودم که اگر لازم است بنویسیم وگرنه بسته به نظر آقایان است. (نمایندگان — بخوانید ببینیم چیست؟) آن جمله این است که «... دراین بخش و دوبخش دیگر تا جائی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و باعث زیان و ضرر جامعه نگردد، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران میباشد.»

**عده‌ای از نمایندگان** — این جمله را دیگر لازم ندارد حذف کنید.

**عرب** — کشاورزی و دامداری را در بخش دولتی ذکر کردید؟

**منتظری** — نکردیم.

**ربانی املشی** — جناب منتظری، جان مطلب در همین‌جاست. (منتظری — جان مطلب درکجاست؟) اگر این ذیلی را که خواندید و عده‌ای گفتند حذف شود، حذف کنید با وضع موجود هیچ فرقی نمی‌کند. ما تنها قیدی را که اصرار داشتیم بنویسیم همین بود که نوشته شود:

«این بخش تا جائی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد و باعث ضرر و زیان جامعه نگردد، موجب حمایت قانون جمهوری‌اسلامی ایران است.»

**منتظری** — من نگفتم حذف شود، گفتم که من این قید را قبلا آورده بودم حالا اگر میخواهید باشد یا نباشد بسته به نظر و رأی آقایان است. (دکتر آیت — ما با بودن این ذیل رأی میدهیم.) من هم با ذیل رأی میدهم.

**سبحانی** — یک اشکال اینجا هست، من نمی‌دانم مقصود شما از بخش‌خصوصی چیست؟ منظور شما از بخش خصوصی اینست که یک نفر با سرمایه خودش شرکتی را اداره کند؟ اگر سه نفر با هم شریک شدند دیگر بخش خصوصی نیست، تعاونی است.

**نایب رئیس** — یک وقتی است چهارنفر خودشان سرمایه میگذارند و خودشان هم کار میکنند البته با رعایت مقررات تعاونی این میشود تعاونی ، ولی اگر یک وقتی این چهار نفر ، یک نفر کارگر هم برای اداره کارشان بگیرند، دیگر تعاونی نمی‌شود.

**دستغیب** — آقا همین را به رأی بگذارید.

**مکارم‌شیرازی**— این متن هم همان بحث دیروز است فقط چهارتا کلمه را عوض کرده‌اند، همین حالا به رأی بگذارید و تمامش کنید.

**نایب رئیس** — چون میخواهیم رأی بگیریم، آیا دوستان نسخ دیروز را دارند؟

**نمایندگان** — بله، نسخه‌های دیروز را داریم.

**طاهری‌اصفهانی**— آقای بهشتی، شما آن نظام اقتصادی که در رژیم گذشته بودمیخواهید به‌هم بزنید یا نمی‌خواهید؟ (منتظری — میخواهیم به‌هم بزنیم.) پس یک کار بکنید، اقلا یک نظام جدیدی عرضه کنید. (همهمه نمایندگان).

**حجتی کرمانی** — در تأیید فرمایش جناب آقای طاهری اصفهانی، اصل مطلب همین است که آنچه ما می‌نویسیم مشخص کند که داریم نظام جدید اقتصادی را در مملکت بوجود

می‌آوریم.

**نایب رئیس** — دوستان توجه بفرمائید اگر نسخه‌های قبلی، نسخه‌های دیروز خدمتتان هست من این نوشته را میخوانم شما اصلاح بفرمائید تا بعد با دست رأی بگیریم ببینیم تکلیف این اصل چه میشود «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۱ — بخش دولتی شامل کلیه صنایع مادر و اساسی، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، پست و تلگراف و تلفن، رسانه‌های گروهی، هواپیمائی، کشتیرانی، راه، راه‌آهن و مانند اینها میشود که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار دارد.

۲ — بخش تعاونی شامل شرکت‌ها ومؤسسات تعاونی تولید وتوزیع که با سرمایه‌گذاری کوچک گروهی مردم یا با مشارکت دولت بر طبق ضوابط اسلامی در شهر و روستا تشکیل میشود.

۳ — بخش خصوصی شامل آن رشته ازکشاورزی، دامداری، تجارت، صنایع و خدمات می‌گردد که مکمل فعالیتهای دولتی و تعاونی است و بوسیله بخش خصوصی انجام میگیرد. مالکیت در این بخش و دو بخش دیگر تا جائی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و باعث ضرر و زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی می‌باشد. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه‌بخش را قانون معین خواهد کرد».

حالا با دست رأی میگیریم و خواهش میکنم آقایان دقیقاً بشمارند...

**ربانی شیرازی** — اجازه بدهید اگر مخالفی دارد صحبت کند یک موافق هم جواب بدهد بعد رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — این متن چیز تازه‌ای نسبت به متن دیروز ندارد.

**ربانی املشی** — اینجا که نوشته شده است «مالکیت در این بخش و دو بخش دیگر» این بخش، آن دو بخش دیگر را هم قاطی کرده است.

**حجتی کرمانی** — شما میتوانید بگوئید در اینجا در بخش دولتی چه چیزی را اضافه کرده‌اید که در بخش دولتی رژیم گذشته نبوده است ؟ ببینید اینطور عرض میکنم اگر چنانچه این فرمولی را که شما اینجا نوشته‌اید طوری باشد که به شکل دیگری در رژیم سابق بوده با همین اسامی و با همین ترتیب و با همین شکل و شما نفی رژیم گذشته را هم نکنید این مسأله را مشخص نمی‌کند که آیا شما به صورتی انقلابی عمل کرده‌اید، یک نظام جدید آورده‌اید یا اینکه تداوم همان نظام است وهنوز جای بحث دارد. اقلا این موضوع برای خود من روشن نیست یک توضیحی به من بدهید.

**نایب رئیس** — بنده توضیح میدهم، توضیح من این است که این اصل تفاوتی با رژیم گذشته از نظر نظام و مقررات، نه ازنظر عمل ندارد و در مقایسهٔ این اصل با آنچه که در گذشته بوده چیز تازه‌ای نمی‌بینم. (حجتی کرمانی — من هم همین را میگویم.) اجازه بفرمائید درعمل را ما نمی‌گوئیم. (یزدی — تقیید به‌اینکه زیان برای جامعه نداشته باشد و طبق مقررات اسلام باشد.) آقای حجتی من فکر میکنم آنچه راکه ما در اقتصاد می‌توانیم بگوئیم که مسائل

تازه‌ای دارد در اصول قبلی آمده است. بنده معتقدم در اصول قبلی مسائلی را آوردیم که در نظام قبل نبوده و اینها با مشخصات و ویژگیهای اقتصاد اسلام هم کاملا انتخاب شده آن اصول روشنگر نکات تازه‌ای هست ولی من در این اصل چیز تازه‌ای نمی‌بینم.

**منتظری** — اینجا می‌خواهیم نظام اقتصادی اسلامی را معرفی کنیم.

**حجتی کرمانی** — ایراد همین است که شما وقتی میخواهید استخوان بندی را بنویسید میگوئید فرقی با گذشته ندارد. اگر آن سری مطالبی که دراصول گذشته هست جزء استخوان‌بندی هست و به‌نظام شکل میدهد، خوب دراینجا باید بیاید و اگرنیست خوب درمشخصات اصلی...

**نایب رئیس** — آقای ربانی شیرازی می‌خواهند به سؤال شما جواب بدهند بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — اگر ما با قطع نظر از اصول قبلی نگاه کنیم همان نظام سابق است ولی اگر آن اصول سابق را رعایت کنیم کاملا متفاوت با آن است. در رژیم قبلی چه چیز موجب استثمار مردم شده بود؟ انحصار بود، احتکار بود، تمرکز ثروت بود، معاملات نامشروع بود، رباخواریها بود، تبذیر واسرافها بود که اینها موجب شده بود که یک جامعه نامتعادل‌اقتصادی را تشکیل بدهد ولی ما با آن ضوابط و ضوابط دیگری که آوردیم مانند اموال عمومی و انفال و غیره و اینها را تمام در دست دولت قرار دادیم و دیگر فردا مردم نمی‌توانند زمینهای بایر را بگیرند و به اسم خودشان ثبت کنند، نمی‌توانند مراتع و جنگلها را بگیرند و سایر منابع‌طبیعی را، نمی‌توانند معادن را به‌اسم اینکه درزمینمان واقع شده اینها را بگیرند، اینها بود که موجب استثمار و سرمایه‌داری و سرمایه‌های کلان میشد ما در اصول قبلی آمده‌ایم جلوی آنها را گرفته‌ایم و بعد آمده‌ایم یک سیستم مردمی—اقتصادی را بیان کرده‌ایم که برپایه آن اصول‌است و به این ترتیب نظام اقتصادی سابق تکرار نخواهد شد.

**حجتی کرمانی** — کل مطلب آقای ربانی در یک کلمه خلاصه میشودیعنی احتکار و ربا و آنهائی را که فرمودند در کتابهای اقتصاد این رژیم را میگویند سرمایه‌داری‌این رژیمی که تمام این محسنات را دارد اسمش سرمایه‌داری است از نظر اصطلاحی برای اینکه کلمه سرمایه‌داری وضع ثانوی دارد، از نظر وضع ثانوی، سرمایه‌داری و آنچه در کتاب لغت اقتصادی هست آن با اسلام مخالفت دارد، نه به معنی ثروت نه به معنی تجارت آزاد نه به معنی بخش خصوصی آن سرمایه‌داری...

**موسوی اردبیلی** — این دستوری را که نوشته‌اید و به دست ما داده‌اید اگر نمی‌خواستید به رأی بگذارید چرا به ما دادید؟

**نایب رئیس** — به رأی میگذاریم.

**حجتی کرمانی** — من میخواهم بگویم آنچه که آقای ربانی فرمودند که نهی شده و در رژیم ما نیست این در یک کلمه خلاصه میشود و آن سرمایه‌داری است. شما اینجا بنویسید نظام سرمایه‌داری در رژیم جمهوری اسلامی ملغی است یا محکوم است یا هر چیز دیگری،وقتی اینطور شد آنوقت دیگر کل آن مسائلی را که شما اینجا می‌آورید معلوم است که در یک نظام جدید است و همانطور هم که من دیروز پیشنهاد کردم نوشته شود دولت...

**موسوی تبریزی** — اگر نوشته شود مالکیت در نظام جمهوری اسلامی ملغی است شما راضی می‌شوید؟

**نایب رئیس** — اینطور برخورد با آراء و افکار را قرار شد نداشته باشیم. سه‌دقیقه وقت

به آقای حجتی میدهیم تا حرفشان را بزنند، بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، السلام علیکم وعلینا. عرض کنم در اینجا من فکر میکنم یک مقداری سوء تفاهم شده هیچکدام از آقایان طرفدار رژیم گذشته و طرفدار نظام اقتصاد رژیم گذشته نیستند در این شکی نیست و اما وقتی که ما صحبت از سرمایه‌داری میکنیم آقایان اشتباه میکنند با مالکیت خصوصی، با اینکه ما میخواهیم مالکیت را از آن محتوای اسلامیش خارج کنیم و شکل غیراسلامی به آن بدهیم، در صورتی که اینطور نیست اگرجسارت نشوداین‌به‌خاطرعدم آشنائی با اصطلاح است. اجازه بدهید این را ازدو، پنج، ده‌نفر اقتصاددان بپرسیم بگوئیم آقا سرمایه‌داری یعنی چه . (یزدی — اقتصاددانان و متخصصین اقتصادی اینجا تشریف دارند.) من برای اینکه این مطلب را توضیح بدهم تا روشن بشود و آن‌چیزی را که عقیدهٔ خودم هست بگویم عرض میکنم این بچه‌هائی که الان با یک‌المفردات و با یک معجم‌المفهرس خودشان را مفسر قرآن میدانند اینها را ما مفسر قرآن نمی‌دانیم خیلی هم‌زحمت می‌کشند ولی چون آن تحصیلات لازم را برای استنباط قرآنی ندارندگیرم که‌مخلص هم باشند ولی استنباطهای قرآنی شان غلط در می‌آید همانطورکه در نوشته‌هایشان دیده‌ایم، خوب همچنین است استنباطهای اقتصادی ما که به نظر من تخصص اقتصادی به آن صورت نداریم، به صورتی که یک اقتصاددان امروزدارد نداریم . من یک وقتی‌گفتم که عیب ومشکل کار ما اینجا این است که فقهای ما به معنی امروزیش اقتصاددان نیستند و اقتصاددانهای ما حتی بچه مسلمانهایشان فقیه نیستند و لذا نه ما این مسأله را درست میتوانیم حل کنیم و نه آنها، این درواقع مسأله‌ای جدی است این را حالا میخواهید بپذیرید میخواهید نپذیرید. اگر مابیائیم برای حل مشکل مسأله اقتصادی (حالا مقصود این دو خط قانون اساسی نیست که البته پایه هست) ولی اساساً برای این مشکل باید بیائیم با هم تفاهم کنیم و یک سمینارهای مفصلی داشته باشیم و حرفهای یکدیگر را بشنویم. الان عده‌ای از دانشجویان یک سمینار داشته‌اند و یک طومار آورده‌اند اینجا که آقای عضدی میخواست وقتی میخواهد صحبت کند آن طومار را بیاورد و آنها یک پیشنهادهائی دارند گفته‌اند براساس اسلام اینطور بنویسید، اصرار هم دارند که اینطور باشد خوب این باید تجزیه و تحلیل بشود چون آن فرد ممکن است از نظر فقاهتی مسأله بکلی خارج باشد و فقط یک سری مسائل دیگری را در نظر گرفته باشد و ما هم ممکن است فقط جنبه فقاهتی مسأله را مورد بررسی قرارداده‌ایم و در نظر گرفته‌ایم، لذا اگر چنانچه یک‌متخصص اقتصاد، یک‌اقتصاددان‌مسلمان‌آمدبه‌ما گفت که‌آقانظام گذشته، نظامی است که‌اسمش سرمایه‌داری هست‌وقائم است‌به‌ربا، قائم است‌به‌احتکار وقوامش اصولا این است، پیکره‌اش اینست‌و استخوان‌بندی‌اش اینست‌است، و نظامی که‌استخوان‌بندیش رباباشدواحتکار باشدوغش درمعامله باشدواستثماریاشدوعدم‌رضایت کارگر وهمه‌اینهاباشداین نظام‌به‌اتفاق‌علماءو به‌ضرورت‌فقه‌اسلامی ملغی است بنابراین اگر موضوع این مسأله را اقتصاد دان مسلمان و حتی غیر مسلمان مثل بیماری که موضوع روزه را برایتان روشن میکند و روزه واجب در اینصورت برایتان حرام‌میشود ولو طبیب ارمنی باشد یا کلیمی باشد یا زرتشتی باشد برای مسلمان سند است. این در فتاوی ما هم هست که اگر یک طبیب غیر مسلمان آمد به شما گفت فلان چیز ضرر دارد شمافتوای فقهی میدهید؟ الان اقتصاددان موضوع را معین میکند میگوید آقا این رژیم گذشته با این استخوان‌بندیش یک نظامی است ضرربخش حالا اگر دونفر آدم خوب در این نظام باشند آنهارا

که ما نفی نمی‌کنیم آنهادرکل نظام هضم هستندکل نظام یک نظام ضرربخش و ضد اسلام است این را اگر برایتان مشخص کردند آنوقت من فکر نمی‌کنم هیچ تردیدی داشته باشید براینکه بگوئید نظام سرمایه‌داری در جمهوری اسلامی مردود، ملغی و محکوم است یا به‌هر عبارت دیگرکه بخواهید بگوئید و برای اینکه روشن هم بشودکه ما یک نظام کمونیستی را نمی‌خواهیم در اینجا برقرار بکنیم ، میگوئیم‌که سرمایه‌داری و اقتصادکمونیستی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی محکوم است. وقتی این توافق شد پایه یک اقتصاد جدیدی را ما ریخته‌ایم بعد میگوئیم دولت باید نظام اقتصادی جدید را (تصریح میکنیم‌به اینکه‌این اقتصاد جمهوری اسلامی یک اقتصاد نو هست، یک اقتصادی‌است‌که‌کل آن استخوان‌بندی را به‌هم میریزد) دولت باید نظام اقتصادی جدید را براساس مالکیت‌های دولتی،عمومی و خصوصی برطبق قانون استقراربخشد. همانطور هم‌که صبح درجلسه عرض‌کردم ما باید درضمن، مالکیت را در اینجا بیاوریم چون در این متنی‌که الان رویش بررسی میشود به مسأله مالکیت اصلا توجهی نشده است. درضمن مالکیت اسلامی را مشخص بکند که‌این مالکیت دراسلام سه‌بخش اساسی دارد دولتی و عمومی و خصوصی برای اینکه تعاون در آن بخش می‌گنجد، یک قسمتش ممکن است در بخش دولتی باشد و یک قسمتش ممکن است در بخش خصوصی‌باشد و شکل خاصی از مالکیت جدا از آن دوشکل دولتی و خصوصی نیست. من پیشنهادم اینست و ما نباید بترسیم از اینکه سرمایه‌داری را در نظام آینده محکوم بکنیم همانطور هم که صبح عرض‌کردم مطالبی هست‌که انسان وقتی میخواهد صحبت‌کند از یادش میرود اگر من می‌دانستم‌که برای صحبت اینجا می‌آیم خیلی‌مطالب مفصل‌تر و منظم‌تری داشتم‌که درباره آنها می‌توانستم صحبت‌کنم. این مختصری درباره اصول و کلیات بود با عرض معذرت از همه آقایان.

**مکارم شیرازی** — ما قبلا این را گفته‌ایم‌که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی نه سرمایه‌داری کاپیتالیستی است نه اقتصاد سوسیالیستی کمونیستی.

**نایب رئیس** — عرض میشود که صرفنظر از آن مطالب جنبی برادر بسیار عزیزمان‌آقای حجتی و صرفنظر از اینکه میخواهم به ایشان یادآوری‌کنم‌که در میان دوستان کسانی‌که در زمینه اقتصاد مطالعات گسترده کرده باشند هستند و چنان نیست‌که از اصطلاح و یا روندفکری مکتبهای اقتصادی اطلاع کمی داشته باشند و بعد در آن‌باره نظر بدهند همچنین قرار شد ما آنقدر تیتر زده نباشیم و روی این اصطلاحاتی هم‌که فرمودید و تطور این اصطلاحات در طول تاریخ فرهنگ و اقتصاد بازکارها و مطالعات شده ومیشود بحث‌کرد ولی جایش اینجا نیست. بنابراین از بیان برادرمان آقای حجتی من فهمیدم‌که اصلا برای اینکه بخش اقتصاد قانون اساسی نوشته شود لازم است ما یک دانشکده درست‌کنیم و چند نفر از بهترین افراد را برای مدتی آنجا ببریم تا اگر فقیه هستند تحصیل علم اقتصاد کنند و اگر اقتصاددان هستند تحصیل فقه اسلامی کنند تا به مرحله فقاهت برسند. (حجتی‌کرمانی — من فقط گفتم موضوعش را اقتصاددان معین‌کند.) شما فرمودید که کسی در اثنای صحبت شما صحبت نکند حالا خودتان دارید صحبت می‌فرمائید؟ چون این مطالب باز برای مردم ایجاد سوء تفاهم میکند و فکر می‌کنندکه اینجا اصولی تنظیم میشود بدون اینکه جوانب فقهی یا علمی و اقتصادی آن بررسی شده باشد و این خلاف واقع است چون اینطور نیست. به‌هر حال صرفنظر از این جواب آقای

حجتی سرمایه‌داری را که می‌فرمائید نفی شود همه ما میدانیم که این وضع موجود اقتصادی که درایران هست مخالف اسلام است و به اتفاق آراء قبول داریم، آقایان نمایندگان همینطور نیست؟ (نمایندگان— همینطور است.) برای اینکه خود جنابعالی می‌فرمائید که ما اینجا اصلی‌را نوشته‌ایم که نفی کامل ربا را میکند و ما میدانیم که یکی از ارکان اساسی وضع موجود ربا هست. همه فقهاء ما هم دراین موضوع اتفاق نظردارند. بنابراین اینکه می‌فرمائیدنفی کنیم اگر منظورتان نفی مسمی است یعنی آنچه ما میگوئیم خلاف اسلام است به قول خودتان بعداً هم نفی کرده‌ایم پس پیشنهاد آقای حجتی برمیگردد به یک کلمه و آن اینست که در مطلع و در آغاز فصل اقتصاد یک جمله‌ای بنویسیم که آنچه که در این فصل از قانون اساسی به عنوان اقتصاداسلامی می‌آید، اقتصاداسلامی استنه‌اقتصاد کاپیتالیستی است ونه اقتصاد مارکسیستی است بسیار خوب. آقا اگر واقعاً دوستان هم مثل آقای حجتی ضرور میدانند که درآغاز این‌فصل اقتصاد این جمله گنجانده شود به رأی خواهیم گذاشت اگر رأی آورد در آغاز این جمله را میگذاریم این دیگر جای بحث نیست. آقای موسوی بفرمائید.

**موسوی قهد ریجانی** — چون جناب آقای حجتی مطالبی‌فرمودندمن هم‌خیلی مختصرعرض میکنم که همه آقایانی که مورد نظر ایشان هست که در مسائل اقتصادی دعوت از آنها بشود می‌خواستم بگویم آنها درمورد پیش‌نویس نظراتشان را قبلا نوشته بودند و اینجا هم آن‌نظرات بررسی شده است و بعد هم که کمیسیون تمام شد یک روزی که آقای بنی‌صدر و دیگران هم بودند باز از یک عده اقتصاددانان دعوت شد و آمدند روی اصولی که نوشته شده بودنظراتشان را دادند. دیگر چه حرفی دارند؟

**تهرانی** — چهار هزار گزارش رسیده بود که همه خوانده شد و بررسی شده.

**طاهری گرگانی** — ایشان درسخنانشان می‌فرمایند نترسید، آخر ما ازچه کسی بترسیم؟ از خودمان بترسیم؟ از افرادی که درمقابل مسلسلها بودند و آنهمه فداکاری ها کردند و بعد هم با اینهمه حملاتی که ازخارج میشود مثل کوه نشسته‌اند و مطالب خودشان را بیان می کنند؟ ما چه ترسی داریم؟

**حجتی کرمانی**— اجازه بفرمائید مطلب را روشن کنم. من گفتم آقایان باید بترسند از اینکه از اصول اسلام منحرف بشوند واقعش اینست نه اینکه ازکسی می‌ترسند.

**نایب‌رئیس** — ما برای اینکه آقای حجتی وهمه بدانند که رأی ایشان و پیشنهادایشان مثل پیشنهادهای دیگرمحترم است. مطلب ایشان را به رأی می‌گذاریم تا ببینیم این مطلب لازم است در اینجا آورده بشود یا نه. نمایندگانی که موافقند به اینکه اینجا بنویسیم «اصولی که در این فصل می‌آید برپایه اقتصاد اسلامی است که نظامی است مستقل نه سرمایه‌داری است و نه مارکسیستی» دستشان را بلند کنند بنده خودم هم موافقم (سی و چهار نفر دست بلند کردند.) بنابراین تأیید نشد. حالا یک موضوع دیگر پیش می‌آید آقای حجتی و آن اینست که به احترام حفظ آزادی رأی ما روی این موضوع پافشاری نکنید.

**موسوی تبریزی** — توضیح بفرمائید بقیه که مخالف هستند برای این نیست که با این موضوع مخالف هستند برای اینست که اگر این مطلبی را که آقای حجتی میفرمایند اضافه شود این اصل جنبه شعاری پیدا می کند و ما می‌خواهیم که واقعیت‌ها در قانون اساسی گنجانده شود نه اینکه شعار بدهیم که نه سرمایه‌داری هست و نه‌مارکسیستی.

**نایب رئیس** — بله همینطور است.

**حجتی کرمانی** — به خاطر اینکه یک کلمه توحیدی حذف شد آن اصل یک رأی کم آورد و باعث آن ماجراها شد که هنوز باید در آخرسر تجدیدنظر کنیم و جای آن کلمه رابیاوریم اینجا مسأله سرنوشت مطرح است شما مطمئن باشید...

**هاشمی‌نژاد** — محتوا حذف نشد، لفظحذف شد.

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد اجازه بفرمائید صحبتشان را تمام کنند.

**حجتی کرمانی** — من استدعا میکنم اجازه‌بدهید این‌مسأله را بیشتر توضیح بدهیم‌و کسان دیگری هم صحبت کنند. دیروز آقای قرشی مطالب بسیار عالی و ارزنده‌ای در جلسه کمیسیون مشترک گفتند من پیشنهاد میکنم دو مرتبه اینجا بفرمائید چون‌من جداً حیفم می‌آید مردم آن حرفها را نشنوند، همه آقایان واقعاً محترمند و زندگی مردمی دارند امروز هم در یک مصاحبه گفتم ولی...

**یزدی** — جناب دکتر بهشتی، اگر قرار است اینجا از این بحثها بشود ما بلند شویم از جلسه بیرون برویم.

**نایب رئیس** — لطفاً رعایت نظم جلسه را بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — اجازه بفرمائید نکاتی مطرح و اشکالات آن اینجا برطرف شود شایداصل رأی کافی بیاورد.

**موسوی تبریزی** — ما می‌دانیم همه مسلمانند، همه اهل علم هستند، همگان اقتصاد اسلامی می‌خواهیم لعنت‌براین نظام کذائی که درسملکت ما حاکم است، لعنت‌برنظام‌پهلوی...

**یزدی** — بفرمائید بنشینید، شعار ندهید حرفهای آقای قرشی را هم همه‌مان شنیده‌ایم حرفهای بقیه را هم شنیده‌ایم بفرمائید بنشینید اجازه بدهید جلسه جریان عادی خودش را طی بکند.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید از این مطلب رد و وارد دستور جلسه بشویم، بار دیگر تأکیدمیکنم که همه کسانی که اینجا هستند این...

**حجتی کرمانی** — چرا شعار میدهید؟ همه کسانی که اینجا هستند چه؟ شما می‌فرمائید که این نظام گذشته‌ای که فلان بوده، فلان بوده محکوم است، بسیار خوب این یک کلمه میخواهد «نظام سرمایه‌داری بوده که محکوم است». (همهمه نمایندگان)

**حسینی هاشمی** — ایشان متوجه مطلب نیستند.

**یزدی** — پیرامون همه این مطلب صحبت شده است.

**دکتر ضیائی** — کسانی که مخالف هستند الان بیایند جلو مردم ایران حرفشان رابزنند تا روشن بشود که الفبای اقتصاد را هم نمی‌دانند، چرا شلوغ میکنید؟

**نایب رئیس** — آقا بفرمائید بنشینید، بار دیگر تأکید میکنم که از نظر همه دوستانی که اینجا نشسته‌اند اقتصاد کاپیتالیستی، اقتصاد ضداسلامی است و محکوم است ولی نظر دوستان بر این است که در قانون اساسی که می‌خواهند بنویسند، می‌نویسند ما چه داریم ما هم در اصولی که آورده‌ایم نوشته‌ایم چه داریم و دیگر به اینکه بگوئیم آن نیست و یا این نیست عده‌ای این نیاز را نمی‌بینند...

**حجتی کرمانی** — اول نفی است بعد اثبات، تازه اینهائی که شمانوشته‌اید روشن نمی‌کند.

**نایب رئیس** — آقای حجتی شما نمی‌خواهید روی نوبت صحبت بکنید؟ (همهمه نمایندگان) (حجتی کرمانی — آقای یزدی هم بی‌نوبت صحبت میکنند.) خواهش میکنم جلسه را به‌تشنج نکشانید. یک اصل از دستور جلسه را میخوانم:

اصل ۱۲۷/٤ — نظام اقتصادی جمهوری اسلامی‌ایران برپایه سه‌بخش: دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

دوستانی که موافق هستند قسمت اول این اصل با همین عبارت به همین صورت باشد دست بلند کنند. (پنجاه نفر دست بلند کردند) این قسمت تأیید شد. قسمتهای دیگر این اصل را می‌خوانم:

۱ — بخش دولتی شامل کلیه صنایع مادر و اساسی، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، پست و تلگراف و تلفن، رادیو و تلویزیون، هواپیمائی، کشتیرانی، راه، راه‌آهن و مانند اینها میشود که به صورت مالکیت عمومی است و دراختیار دولت قرار دارد.

دوستانی که با این قسمت موافقند دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تأیید شد قسمت دوم را میخوانم:

۲ — بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع میباشد.

**رشیدیان** — شرکتهای تعاونی هدف سودجوئی ندارند؟

**نایب رئیس** — یک وقت است می‌خواهید بگوئید کار، کار انتفاعی است یا غیرانتفاعی؟ جواب اینست که کار انتفاعی است ولی استثمار در آن نیست، این را با هم اشتباه نفرمائید.

**رشیدیان** — اگر هدف تعاونی این باشد باید دست واسطه‌ها و دلال‌ها وبورس‌بازان را از آن کوتاه کنند و خودشان مستقیماً مایحتاج خریداران را تولید یا توزیع کنند.

**نایب رئیس** — این یکی ازشقوق تعاونی است ولی به‌آن شرکت تعاونی در مقابل خصوصی و دولتی نمی‌گویند. آن عبارت از این است که در یک واحدی عده‌ای کار میکنند با سرمایه‌ای که متعلق به خودشان است، خودشان هم کار میکنند اعم از اینکه ملک، ملک خودشان یا دولت باشد، فقط همین که یک واحدی طوری کار میکند که بازده آن واحد برمیگردد به جیب همانهائی که در آن واحد کار میکنند به این میگوئیم تعاونی، خصوصیت و ویژگی اصلی تعاونی در این قسمت است. بنابراین، این نکته منظور است عرض کردم تعاونی یک اصطلاحی است تطور پیدا کرده از آن وقت که نخستین شرکت تعاونی در انگلستان درست شده به‌آن معنی که جنابعالی گفتید که آن عبارتست از کم کردن دست واسطه‌ها و چه و چه... تا وقتی که منجر شده است به پیدایش نوع تعاونی و اینجا بیشتر نوع تعاونی منظوراست. حالا آقای عضدی هم نظری دارند بفرمایند. (عضدی — همین مطالبی که شما توضیح دادیدبه‌اضافه اینکه مالکیت هم گروهی است.) بنابراین اگر دوستان موافقند بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع، که آن دیگر ذیلش لزومی ندارد. می‌خواهید فقط بنویسید: «بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که درشهر وروستا برطبق‌ضوابط اسلامی تشکیل میشود.» این دیگر قید سرمایه دولت و اینها را حذف کنید موافقین با این متن لطفاً دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تأیید شد. قسمت سوم را می‌خوانم:

۳ — بخش خصوصی شامل آن رشته از کشاورزی، دامداری، تجارت، صنایع و خدمات

میگردد که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است و بوسیله بخش خصوصی انجام میگیرد. مالکیت در این سه بخش تا جائی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و باعث ضرر و زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی می‌باشد. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد.

موافقین با این قسمت دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد.

**موسوی‌تبریزی**— اگر اینطور بنویسیم مورد موافقت عده بیشتری خواهد بود «در این سه بخش تا جائی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود مورد حمایت قانون...».

**سبحانی** — کلمه تجارت، صادرات را هم دربر میگیرد یا نه؟

**نایب رئیس** — بلی، همه را میگیرد. بعضی از دوستان روی جمله‌ای که به نظر ماضرورت ندارد تا آنجا ایستاده‌اند که رأیشان درگرو آن است. اینجا میتوانیم برایشان این جمله را اضافه کنیم «مالکیت در این سه بخش تا جائی که مطابق اصول آینده باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود.» نظر آقایان را تأمین میکند؟ (نمایندگان — بلی تأمین میکند.) (دکتر آیت — اصول آینده چیست؟) اصولی که قبلا تصویب شده است بعد که تنظیم میشود بعد از این اصل قرارمیگیرد.

**دانش‌راد** — مالکیت در شکل دولتی را که نمی‌شود حمایت نکرد، در دو شکل اخیر فقط، چون اگر حمایت نکنیم به دست چه کسی بدهیم؟

**نایب رئیس** — منظور این است که مورد حمایت قانون است نه دولت. بنابراین کار دولت هم باید مطابق با قانون باشد.

**دکتر نوربخش** — عرض کنم آن چیزی که برای ملت ما واقعاً از نان شب هم واجبتر است این است که سرمایه‌گذاری وابسته را خرد کنیم. الان شما با این اصولی که تصویب کرده‌اید آن کارخانجاتی که عملا وابستگی ما را به خارج تأمین میکردند اینها دوباره دست صاحبانش می‌افتد.

**نایب رئیس** — شما چند جلسه تشریف نداشتید اینها اصولش تصویب شده است. (دکتر نوربخش — تأکید گذاشته‌اید.) تأکید که بالاتر است.

**ربانی املشی** — ایشان اشکالشان این است که در پیش‌نویس قبلی متن اصل اینطوربود «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر...» الان بزرگ را زده‌اید فقط مادر را گذاشته‌اید و دنبالش اساسی را نوشته‌اید. ایشان میخواهند بگویند که کارخانه پیکان الان طبق این قانون مال کیست؟ در اختیار دولت است یا در اختیار مردم؟

**نایب رئیس**— آقای نوربخش شما نظرتان این بود؟ (دکتر نوربخش — بلی) خوب این چکار داشت به صنایع وابسته؟ (دکتر نوربخش — کارخانجات وابسته همین‌ها هستند.) خیر آقا، ممکن است اینها در دست اشخاص باشد و وابسته هم نباشد. الان صنایع بزرگ آمریکا در دست سرمایه‌دارها هست و وابسته هم نیست ولی ما آن را هم رد میکنیم.

**دکتر نوربخش** — الان صنایع اتومبیل سازی اینجا را فکر میکنید میتواند بدون وابستگی کار بکند؟ (نایب رئیس— مال دولت هم باشد نمی‌توانیم.) بنابراین تحت نظارت دولت باشد خیلی فرق میکند تا بخش خصوصی.

**نایب رئیس** — آن که عمل انجام شده است این صنایع در دست دولت هست. اگر

منظورتان راجع به‌عبارت آقای ربانی است که گفتند صنایع بزرگ اصلا اینجا نیامده خوب، این یک حرفی است چون از نظر اصطلاح صنایع مادر به اینها گفته نمی‌شود و آیا صنایع اساسی که نمی‌دانم اصطلاح اقتصادی است یا نه... (مکارم شیرازی — اساسی را بنویسید صنایع بزرگ.) قبلا اصلا همینطور بود. (موسوی تبریزی — صنایع بزرگ یک مفهوم کشداری است همان مادر بهتر است.) به تعبیر دوستان آن چیزی که والذی یسهل‌الختم آنچه این مسأله‌مهم را آسان میکند اینست که یک «و مانند اینها» اینجا هست. قوانین تفصیلی درآینده می‌آید یکی یکی اینها را روشن میکند.

**سبحانی**— من یک سؤال دارم. بازرگانی خارجی را آقای منتظری آنجا در دولتی‌نوشته‌اند اینجا هم تجارت نوشته‌اند، آیا این تجارت، واردات وصادرات است؟ این با بازرگانی خارجی چه فرقی میکند؟

**دکتر آیت** — بازرگانی، تجارت بزرگ خارجی است تجارت، کوچک است.

**نایب رئیس** — متن منقح شده را برای رأی‌گیری کتبی میخوانم:

**اصل ۱۲۷/٤ (اصل چهل و چهارم)** — نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش: دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است:

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ومادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ،بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف وتلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و دراختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی‌تولید و توزیع است که در شهر و روستا برطبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت ازکشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات‌میشود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جائی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و ازمحدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گرددومایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین میکند.

لطفاً برای رأی‌گیری با ورقه گلدان‌ها را حضور دوستان ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری را به استحضار می‌رساند. عده حاضر در جلسه موقع اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، کل آراء پنجاه و هفت‌رأی، آراء موافق پنجاه رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع شش رأی. بنابراین، این‌اصل تصویب شد تکبیر (حضارسه‌مرتبه تکبیرگفتند).

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۲۷/٥ (اصل چهل و هفتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۲۷/٥ را می‌خوانم:

**اصل ۱۲۷/٥ (اصل چهل و هفتم)** — مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین میکند.

روی این اصل قبلا بحث شده است لطفاً نسبت به آن با ورقه رأی بگیرید.
(اخذ رأی و شمارش آراء انجام شد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)
**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه و پنج رأی، آراء موافق پنجاه و سه رأی، آراء مخالف یک رأی، آراء ممتنع یک رأی، بنابراین تصویب شد تکبیر، (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).
**رشیدیان** — چند اصل دیگر از اصول اقتصادی تصویب نشده است.

## ۵ — طرح اصل ۱۴۲

**نایب رئیس** — آنها هنوز آماده نیست. اصل ۱۴۲ شروع قوهٔ قضائیه را می‌خوانیم.
اصل ۱۴۲ — قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل و به عنوان پشتیبان حقوق فردی واجتماعی عهده‌دار تحقق بخشیدن به عدالت و اهداف زیر است:
۱ — رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، فصل خصومات واخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین میکند.
۲ — اقدام متناسب در احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
۳ — نظارت بر حسن اجرای قوانین موضوعه.
۴ — کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.
۵ — اقدامات متناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
**نایب رئیس** — آقای خزعلی تذکری دارید بفرمائید.
**خزعلی** — تذکرمن این است که نوشته شده «عهده‌دارتحقق بخشیدن به عدالت‌واهداف زیر است» اول رسیدگی، دوم اقدام، سوم نظارت، ... اولا تحقق بخشیدن به رسیدگی و تحقق بخشیدن به اقدام تناسب عبارتی ندارد، دوم اینکه هدف...
**نایب رئیس** — آقا این را بنویسید «عهده‌دار» یعنی عهده‌دار تحقق بخشیدن به‌عدالت و عهده‌دار اهداف زیر.
**خزعلی** — اولا اینها اهداف نیستند بلکه قسط اسلامی و اهدافی است برای رسیدن‌مردم و اجتماع به حقوقشان. در واقع اینها همه‌اش راه است لذا باید بنویسیم که «موظف به امور زیر است».
**نایب رئیس** — بنویسیم «عهده‌دار تحقق بخشیدن به عدالت و امور زیر است».
(مکارم شیرازی — مگر امور زیر غیر از عدالت است؟) نه، آنها عدالت را تحقق می‌بخشد.
(مکارم شیرازی — بنویسیم از طریق امور زیر است.) ما آن‌روز صحبت کردیم برای‌اینکه ممکن است یک کارهای دیگری در آینده برعهده قوهٔ قضائیه باشد آن را به عنوان یک عنوان عام می‌نویسیم و اینها را فعلا ذکر می‌کنیم.
**فارسی** — فکر می‌کنم کلمه «به عنوان» هم زاید است و خوشایند نیست «قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی که برای تحقق بخشیدن به عدالت عهده‌دار امور زیر است».
**نایب رئیس** — توجه نفرمودید به آنچه که من عرض کردم، این بود که خواستم اگر

غیر از امور زیر کار دیگری هم هست به آن اضافه شود.

**ربانی شیرازی** — فکر می‌کنم این اصلی را که آقایان تنظیم کرده‌اند تمام این مسائل را دربر دارد، هم عبارتش خوب است و هم مؤجزتر است. درضمن می‌توانیم متن را به این‌صورت اصلاحش بکنیم «قوهٔ قضائیه مرجع تظلمات عمومی است که به‌منظورتمیز حقوق و قطع و فصل دعاوی وشکایات و رفع تعدیات و گسترش عدالت و احیای حقوق عامه و نظارت برحسن اجرای قوانین براساس اصول و مبانی اسلامی تشکیل میشود».

**نایب رئیس** — توجه‌بفرمائید آقای‌خزعلی وآقای‌فارسی، متن را به‌این‌صورت می‌خوانم:

اصل ۱۴۲ — قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و عهده‌دار تحقق بخشیدن به عدالت و انجام وظایف زیر است.

آقای منتظری فرمایشی دارید؟

**منتظری**— اولا کلمه «مستقل» درعبارت «قوه‌ای است مستقل» بایدعرض کنم که ما یک مسأله‌رهبری داریم که همه قوا زیرنظراوست. شما می‌گوئید که‌دادستان‌ورئیس دیوانعالی کشور باید ازطرف رهبر معین بشود ولی این مسأله مستقل که نوشته‌اید معنایش این است که ازهمه کس مستقل است و این درست نیست یا لااقل تصریحش بکنید که مستقل از قوهٔ مجریه و مقننه باشد. دوم اینکه نوشته شود «قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل و پشتیبان حقوق فردی و و اجتماعی و عهده‌دار تحقق عدالت ازطرق زیر است» برای اینکه تمام اینهائی که در زیر آمده است مقدمهٔ تحقق عدالت است.

**نایب رئیس** — آقای فارسی مطلب تازه‌ای دارید؟

**فارسی** — این اصلاحی که جنابعالی به عمل آوردید این مفهوم را تغییر نمی‌دهد «عهده‌دار وظایف زیر است» یعنی غیر از این دیگر وظیفه‌ای ندارد؟

**نایب‌رئیس**— خیر برای اینکه‌نوشتیم «عهده‌دار تحقق بخشیدن به‌عدالت و انجام‌وظایف زیراست» عطف کرده‌ایم که می‌توانید چیزهای‌دیگر راهم بیاورید. آقای مکارم فرمایشی‌دارید؟

**مکارم شیرازی** — بنده عرضم این است که باز همان عدالت را با انجام امور زیر مقابل هم انداختید با اینکه‌انجام امور زیر طریق عدالت است، عدالت را بیاورید جلو تا اینکه این مشکل حل بشود.

**نایب رئیس** — پس اینطور می‌شود «قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و عهده‌دار تحقق بخشیدن به عدالت‌است و وظایف زیر را برعهده دارد».

**خانم گرجی** — آیا قوهٔ قضائیه ضامن عدل اجتماعی نیست؟ (نایب رئیس — چرا.)پس بنویسید ضامن عدل اجتماعی و فردی و عهده‌دار تحقق بخشیدن به عدالت و اهداف زیر.

**گلزاده غفوری** — بنویسید «مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار انجام‌امورزیر».

**نایب رئیس** — پس بنویسیم «مسئول تحقق بخشیدن به عدالت...»

**مکارم شیرازی** — منظور از نظارت حسن اجرای قوانین موضوعه که نه‌داخل در تعدیات است، نه تظلمات است، نه کشف جرم است، نه تعقیب و مجازات مجرمین است یعنی چیزی جدای ازآنها،دیگرچه هست؟ (نایب‌رئیس— کدام را میفرمائید؟) بند ۳ نظارت‌برحسن‌اجرای قوانین‌موضوعه، آیا این‌چیزی غیر ازکشف جرم وتعقیب‌و مجازات‌مجرم و...غیرازاین چیست؟ یعنی غیرازآنها این نظارت چه‌چیزی برایش مانده است، کشف جرم است؟مجرم است؟ یا...

**نایب‌رئیس** — این را موافق جواب میدهد. آقای یزدی فرمایشی دارید؟

**یزدی** — بنده یک تذکر جزئی داشتم که منتظر بودم اصلاح بشود یکی اینکه «قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل» اینطور بنویسیم که بشود «قوهٔ قضائیه مستقل است» دیگر اینکه کلمه «عدالت» با همه اصلاحاتی که در آن شد باز می‌بینیم که در بند ۲ یعنی «اقدام متناسب در احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع» این جز مسأله عدالت چیز دیگری نیست، این کلمه هم در رأس آمده و هم در اینجا.

**نایب رئیس** — دقت بفرمائید اصلاحی که ما کردیم دیگر اشکالی در آن نیست، عبارت را توجه بفرمائید می‌خوانم: «قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی واجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است.» (یزدی — یکی از وظایف زیرش باز «عدالت» است.) عیبی ندارد این که ضرر ندارد، آنهم گسترش عدالت است به‌این ترتیب دیگر اشکالی بوجود نمی‌آورد ، اگر می‌نوشتیم «از راه» فرمایش شما صحیح بود. آقای خامنه‌ای فرمایشی دارید؟

**خامنه‌ای**— این کلمه «پشتیبان» به‌معنای حفظ نیست و پشتیبان اینجا برای دادگستری متناسب نیست و در بند ۱ که نوشته شد «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات، شکایات و...» باید عرض کنم که تعدیات و شکایات مسائل کیفری و جزائی هستند و وظیفه دادگستری منحصر به‌رسیدگی و صدور حکم نیست. گاهی لزوم ندارد حکم صادر بکند، یک تکلیفی است که قرار صادر میکند و یا دستوری میدهد که رفع ظلم میشود و صدور حکم برای فصل خصومات مناسب‌تر است، ازطرف دیگر تمیز حقوق که در بند ۲ است منظور همین‌حقوق خصوصی است یعنی حقوق افراد است که مناسب است با فصل خصومات. بنابراین مناسب‌این است که بگویند فصل خصومات و تمیزحقوق ـ تمیز حقوق یک امر حقوقی و مدنی است و یک امر جزائی نیست. و دیگر اینکه حفظ قوانین درست نیست و دادگستری حفظ قوانین نمی‌کند بلکه حفظ قانون می‌کند یعنی دیوان کشور موظف است برای آنجائی که قانون در خطر است و یک محکمه برخلاف قانون رأی داده و کسی هم اعتراض نکرده دخالت کند و قانون را اصلاح کند و حفظ قانون و نظارت برحسن جریان بکند.

**نایب رئیس** — آقای دکتر قائمی بفرمائید.

**دکتر قائمی** — به نظر من در بند پنج، پیشگیری از وقوع جرم در اختیار سازمان‌قضائی نمی‌تواند باشد معتقد هستم که پیشگیری از وقوع جرم در برنامه‌های کوتاه مدت از وظیفهٔ دستگاههای انتظامی یعنی شهربانی و ژاندارمری است و در برنامه‌های بلند مدت از وظیفهٔ آموزش و پرورش کشور و سازمان مربوط به‌مسائل ارتباط جمعی می‌باشد که از طریق سازندگی مردم باید در این زمینه اقدام بکند.

**نایب رئیس** — به فرمایشاتتان آقای طاهری جواب خواهند داد. آقای دکتر ضیائی فرمایشی دارید؟

**دکتر ضیائی** — اولا این بحث‌ها دوباره تکرار میشود و من خواهش می‌کنم ورقهٔ سبزی که خدمت آقایان دادم آن را به رأی بگذارید چون به عقیده خیلی‌ها منظم‌تر است، و این‌لفظ «شکایت» که در اینجاست ظاهراً اضافه است و باید حذف بشود و در مورد پیشگیری جرم که آقای قائمی فرمودند این وظیفه دادگستری است برای بعضی از اماکن چون قدرت حاکم شرع

را دارد و در حقیقت ناظر بر جمیع امور است. در هرجائی که احتمال بدهد که اینجا ممکن است جرمی واقع بشود وظیفه یک حاکم شرع است به انحاء مختلف بدون متوسل شدن به قوهٔقهریه از قبیل نظامی و انتظامی جلوگیری بکند.

**نایب رئیس** — آقای قائمی در حقیقت این پاسخ شماست که دادستان یا بازپرس ببینیم آیا برای پیشگیری مثلا از یک‌جا خبربدهند که الان اینجا ممکن است قتلی واقع بشود هنوز جرم واقع نشده ولی مقدمات و آثاری به چشم میخورد که اگر یک نفر دارد تدارک‌قتل یک نفر دیگر را می‌بیند اگر بازداشتش نکنند این ممکن است به قتل منتهی بشود.

**دکتر ضیائی** — و اما مسأله‌ای که آقای مکارم فرمودند راجع به نظارت برحسن جریان این در دادگستری‌ها اصولا یک مقاماتی هستند که اینها باید ناظر برحسن جریان باشند که در حقیقت تعبیر می‌شود از آنها به دیوانعالی کشور.(نایب رئیس — نه اداره کل بازرسی کشور.) آنها ازناحیه شورایعالی وظایف تعیین می‌شوندولی اینها موظف‌هستند ببینند که آیا خوب انجام شد یا نشد، یا سر مدعی را شیره مالیدند یا نه، و اینها وظایفی است از وظایف امور دادگستری. و همچنین راجع به اشکال آقای یزدی راجع به «احیای حقوق عامه» باید عرض کنم که اگر کسی آمد و خواست اجحاف بکند در اینصورت دادستان موظف است برای احیای حقوق عامه جلو اجحاف را بگیرد.

**نایب رئیس** — پس آقای ضیائی به عنوان موافق در حال نشسته صحبت کردند. آقای دکتر غفوری فرمایشی دارید؟

**گلزاده غفوری** — اینجا اصطلاحاتی هست ازنظرحقوقی که مسأله اقدامات تأمینی مطرح است. مسأله اقدامات تأمینی بهداشت است که ما نباید بگذاریم بیماری پیدا بشود تا بعد معالجه‌اش بکنیم و این قسمت عمده‌اش ازاختیارات دادگستری است بخصوص که پلیس‌قضائی و ضابطین دادگستری، ژاندارمری و شهربانی در خدمت اینها هستند و در اصول بعدی می‌آیند، بنابراین به نظر نمی‌رسد غیر از اصلاح عبارتی اشکال دیگری وجود داشته باشد و آن نظارت‌بر حسن جریان هم از وظایف واقعی دادگستری است برای اینکه نگذارد ظلم درعدم اجرای‌قانون یا اجرای بدقانون بوجود بیاید تاظلمی به کسی بشود، وآقایان باید توجه‌بکنند که دادگستری جمهوری اسلامی ان‌شاءالله آن دادگستری سابق نیست که منتظر بشود تا شکایت بشود. اگر دادگستری سالم و صحیح باشد تمام دستگاهها خوب کار خواهند کرد.

**نایب رئیس** — آقای صافی درجواب آقای منتظری پاسخی فرستاده‌اند و آن این است که «استقلال قاضی برطبق مبانی اسلام عبارت از این است که قاضی در دادن حکم برطبق تشخیص خودش عمل می‌کند و مثل سایر کارمندان دولت نیست که اگروالی دستوری به او داد اوباید آن دستور را انجام بدهد، سمت او عبارت است از اینکه به دعوا رسیدگی کند و با بیطرفی و استقلال کامل رأی بدهد» آنوقت این مقدار را ایشان مرقوم فرمودند حالا ، آن چیزی که اضافه میشود این است که برای اینکه این استقلال واقعیت و عینیت پیدا بکند باید یک مقدار از نظر قوانین شغلی و اداری و مالی زمینه‌هائی فراهم کرد مثلا در برخی ازکشورها قاضی حقوق معین ندارد بلکه آن چیزی که نیاز دارد بیت‌المال در اختیارش میگذارد، برای او وضعی فراهم می‌کنند که نیاز مالی او را به عدم استقلال نکشاند . (هاشمی‌نژاد — در انگلستان اینطور نیست.) در بارهٔ سمت قاضی و محل کار قاضی گفته میشود که اگر قاضی الان اینجا

دارد قضاوت میکند و خواستند سمت او را تغییر بدهند مثلا بگویند بلند شو و برو فلان شهر، در اینجا اگر خیلی راحت بتوانند بگویند برو به‌آن شهر، این ممکن است منشأ و روزنه‌ای باشد برای اعمال نفوذ یعنی او اگر جلوتر بداند که اگر این حکم را صادر بکند فوراً شهرش را عوض می‌کنند، بنابراین زندگی همه را باید به‌هم بزند و بلندشود و برود ببیند آیا برایش محظوراتی دارد، آنوقت می‌گویند استقلال قاضی را حفظ کنیم و بگوئیم که جابجا کردنش به این آسانی نباشد مثل یک کارمند معمولی. (صافی— این را ولی امر می‌تواند یک ضوابطی قرار بدهد.) آنچه اینجا به عنوان قانون اساسی می‌نویسیم در حقیقت استنباط و منظم کردن و فورموله کردن همان چیزهائی است که والی باید انجام بدهد یعنی اگر والی بخواهد قاضیش مستقل بماند میگوئیم که باید اینکار را بکند در حقیقت بسیاری از مسائل قانون اساسی از همین قبیل است و ما باید با یک روال برویم جلو.

**منتظری** — قاضی بالاخره منصوب است یا نه؟

**نایب رئیس** — منصوب که هست. (منتظری— پس مستقل نیست؟) استقلالی که در دنیا میگویند مگر... (منتظری — استقلال یعنی کسی حق ندارد که...) نه آقااین دیگر یک اصطلاحی است و بیش از آنچه که در سایر جاهای دنیا میگویند، نیست.

## ۶ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — خوب با اجازه دوستان جلسه ما با وقت نماز مغرب پایان می‌پذیرد انشاءالله صبح شنبه برای ادامه بحث و عصر آن هم جلسه علنی خواهیم داشت، جلسه راختم می‌کنیم.

(جلسه ساعت هفده و بیست و سه دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ پنجاه وهشتم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۵ و ۱۰ دقیقه روز ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری‌شمسی برابر با دوازدهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب:


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای نایب رئیس و آقایان انگجی و موسوی تبریزی درمورد شهادت آیت‌الله قاضی طباطبائی در تبریز و همچنین شهادت ۱۲ نفر سرباز و یک سرهنگ در بانه کردستان. .....
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۴۱ (اصل یکصد و پنجاه و ششم). .....
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۴۲ (اصل یکصد و پنجاه و هفتم). .....
۴ — طرح و تصویب اصل ۱۴۳ (اصل یکصد و پنجاه و نهم). .....
۵ — طرح اصل ۱۴۴ .....
۶ — طرح و تصویب اصل ۱۴۵ (اصل یکصد و شصتم). .....
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۴۶ (اصل یکصد و پنجاه و هشتم). .....
۸ — طرح اصل ۱۴۷ .....
۹ — طرح و تصویب اصل ۱۴۸ (اصل یکصد و شصت و یکم). .....
۱۰ — پایان جلسه .....



دبیرخانهٔ مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای نایب‌رئیس و آقایان انگجی و موسوی تبریزی در مورد شهادت آیت‌الله قاضی طباطبائی در تبریز و همچنین شهادت ۱۲ نفر سرباز و یک سرهنگ در بانه کردستان

**نایب‌رئیس**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. باز هم درجامعه انقلابی ما چهره‌های برجسته‌ای را که در طول سالیان دراز، در به‌ثمررساندن این انقلاب نقشهای مؤثری ایفا کرده‌اند به‌شهادت می‌رسانند، شهادتیکه برای آنها سعادت است و برای انقلاب افتخار است. شهادت مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی در تبریز برای همهٔ کسانیکه به این انقلاب عشق می‌ورزند مایهٔ تأسف و تأثر فراوان‌است. ما این ضایعه دردناک را به حضور رهبر و امام است و به روحانیت‌مبارز ایران و روحانیت مبارز و متعهد آذربایجان و به خانوادهٔ آن مرحوم تسلیت میگوئیم و از خدای متعال برای ایشان طلب رحمت و مغفرت و مزید اجر و کرامت داریم. همینطور شهادت‌برادران ارتشی ما درکردستان، که در حالیکه از میان مردم عبور میکرده‌اند مورد حمله کسانی که خودشان را پشت سر مردم پنهان کرده بودند قرار گرفته‌اند . این حملات روز بروز نشان میدهد که همهٔ قوای انقلابی ما با دشمنانی سروکار دارند که از هر وسیله‌ای برای هدف شوم خودشان بهره‌برداری می کنند. درسی است برای بیدارترشدن ودرسی است برای هشیارتربودن، ولی همانطورکه امام فرمود انقلاب است و خون وشهادت می‌طلبد، نه فقط تا دیروز و نه فقط امروز بلکه فردا و فرداها هم انقلاب به خون احتیاج دارد. خوشبختانه مردم ما نیز برای ایثار خون و برای سعادت شهادت آمادگی دارند نه‌فقط آمادگی بلکه استقبال گرمی هم می کنند و همینطوریکه مکرر عرض شده مادام که آمادگی و استقبال از شهادت در ملت ما باقی است انقلاب همچنان رو به پیروزی، گامهای سریع و بلند برخواهد داشت و روند یک انقلاب الهی به هیچ‌عنوان بااین وسیله هادچار شکست وکم‌وکاست نخواهدشد. به‌امید روزیکه‌پیروزیهای درخشان بعدی انقلاب ملت انقلابی ما را درآن مرحله قرار دهد که حتی از این گزندها هم مصون و محفوظ بماند. می‌خواستم اعلام خواندن فاتحه‌ای برای شهدا بکنم، اما چون دونفر ازدوستان آذربایجانی‌ما هم می‌خواهند دراین زمینه صحبت بکنند این قسمت را به‌آخراین‌بخش جلسه‌موکول می کنم. اول‌جناب آقای‌انگجی وبعد هم جناب آقای موسوی‌تبریزی میخواهند صحبت بکنند، بفرمائید.

**انگجی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم «ولاتحسبن‌الذین قتلوا فی‌سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون» بار دیگر دست‌های جنایتکاران برای ریختن خون یک شخصیت دینی وملی از آستین بیرون آمد. آیت‌الله قاضی طباطبائی هنگام مراجعت از نماز مغرب و عشا در نزدیکی منزلش با چند نفر موتورسوار مواجه میشود که آن مرحوم را هدف گلوله قرار داده و بلافاصله متواری میشوند. جلادان شاه مخلوع و حامیان خون‌آشامش تصور میکنند با ترور شخص ها

و شخصیت‌ها می‌توانند شکست خود را جبران نمایند ولی سخت دراشتباه هستند. انقلاب ایران بقدری عظیم و پرقدرت است که با نظیر این‌گونه شهادت‌ها رخنه به ارکان آن وارد نمی‌شود. در این ضایعه ناگوار به محضر زعیم عالیقدر و مراجع عظام تقلید همچنین به جوامع روحانیت ایران و بازماندگان محترم آن فقید سعید تسلیت عرض نموده و از خدای متعال مسئلت دارم که آن شهید راه حق و آزادی را غریق رحمت واسعه خود قرار داده و با اجداد طاهرینش محشور فرماید. مصراً ازدولت تقاضا داریم دستوراکید صادرنماید هرچه زودترقاتل و یا قاتلین‌آن‌مرحوم را دستگیر و به‌مجازات قانونی برسانند. استدعا دارم برای احترام روح آن مرحوم یک دقیقه قیام نموده و با قرائت سوره حمد و توحید یادش فرمایند. (نمایندگان به احترام آن مرحوم در حال قیام یکدقیقه سکوت نمودند و سوره حمد و توحید را قرائت کردند.)

**نایب رئیس** — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

**موسوی تبریزی**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم «من‌المؤمنین رجال صدقوا ماعاهدوالله علیه و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظرو مابدلواتبدیلا». دنیا ثابت کرده است، ضد انقلاب، حالا هر انقلابی میخواهد باشد بعد از اینکه خودش را در ضعف و زبونی احساس بکند، بعد ازاینکه در وادی یأس غوطه‌ورگردد به کارهای ناشایست و کارهای ناجوانمردانه درتاریکی شب و در دل شب که دلیل ضعف آنها است دست میزنند. اولا این را ضدانقلاب بداند، دنیا بداند، ملت مسلمان ایران به رهبری ابرمرد تاریخ، به رهبری مرد تاریخ ساز، به رهبری مرد انقلابی به تمام معنا، ملت مسلمان شهادت را از ائمه اطهارشان و از پیغمبرانشان تعلیم‌گرفته‌اند. شهادت یعنی در راه خداکشته شدن و در راه خدا شهید شدن‌برای ما ملت مسلمان ارزش بسیار والائی دارد بطوریکه رهبران دینی ما، ائمه اطهار علیهم‌الصلوة والسلام و اکثر پیغمبران عظام الهی به‌وسیلهٔ شهادت، دارفانی را وداع نمودند. اگر ضدانقلاب خیال می‌کند و اگر دنیای امپریالیسم‌خیال می‌کند، اگر دنیای آمریکای بی‌عرضه خیال می‌کند با ترور شخصیتهائی مثل آیت‌الله قاضی طباطبائی و یا سایر شخصیتهای دیگر، این انقلاب کوچکترین وقفه یا بقدر پرکاه وقفه خواهد شد، به خدای عالم وقفه نخواهد شد. از نظر منطقه آذربایجان، من آن عده افرادی را که در آذربایجان می‌شناسم، با آن عده افرادی که من شناسائی نزدیک دارم بدانندضدانقلاب با ترورمثل آن شخصیت‌آذربایجان بلکه نسبت‌به‌انقلاب و برای مسائل انقلاب حادتر میشوند و روز بروز فداکاری خودشان را آشکارتر می‌کنند، مگر علماء نبودند؟ شهید اول رضوان‌الله تعالی علیه آنطوریکه نقل کرده‌اند یک سال تمام شبها را احیاء و شب زنده‌داری کرد، و از خدا می‌خواست تا شهادت را نصیبش بکند. نه آیت‌الله قاضی، نه علماء متعهد، نه آن ابر مرد تاریخ، ما از شهادت نمی‌ترسیم. کسانیکه‌بدین انقلاب وارد شده از اول شهادت را جلو چشم خودشان مجسم کرده، از اول این راه خدا را و این راه مستقیم را که «وان هذا صراطی‌مستقیماً، فاتبعوه ولا تتبعواالسبل فتفرق بکم» این راه را در جلو چشمش تجسم کرده است. دیروز شما برادران و خواهران، شما ملت عزیز ایران، شما ملت شریف و مبارز ایران، شما در برنامه تلویزیونی دیشب صحنه‌های مراسم تشییع جنازه مرحوم آیت‌الله شهید قاضی طباطبائی را مشاهده نمودید. تمام جوانهای آذربایجان، تمام علماء متعهد آذربایجان آنهائیکه واقعاً درخط سیر امام هستند و آنهائیکه واقعاً احساس مسئولیت می‌کنند این راه را جلو چشم خودشان نهادند. ما اینطور ترورناجوانمردانه

شخصیت علمی و شخصیتی را که از نظر خانواده و تمام جهات در آذربایجان کم‌نظیر بودند، محکوم‌می کنیم، وبرضدانقلاب‌اعلام‌می کنیم که ما هم تا آخرین قطره خون، تا آخرین امکانات خودمان دراین خط سیری که امام هست، امام است ما هست، خواهیم رفت و این ترورهای ناجوانمردانه و در مقابل اعمال ناشایسته آنان، ما را از خط سیر امام بقدر پر کاهی هم وقفه ایجاد نخواهد کرد. از آقایان معذرت میخواهم برای خودم وظیفه دانستم با اینکه نوبت نطق قبل از دستور بنده بوده است خواستم چند جمله‌ای برای همکاران محترم و برای ملت عزیز ایران، برای ضدانقلاب و برای عاملین کثیف و ننگین آمریکا و ننگین شاه مخلوع بگویم تا بدانند با ترور اشخاص، شخصیت اسلامی از بین نمی‌رود، شخصیت انقلاب ما از بین نمی‌رود. اشخاص فدای شخصیت انقلاب ما هستند. به‌هرحال از خداوند متعال میخواهیم تمام شهدای راه انقلاب، تمام شهدای راه حقیقت، تمام این جوانانیکه درسملکت جان بر کف به‌استقبال‌مرگ رفتند، به‌این هدف و عقیده «الذین قاتلوا قتلوا یاقتلوا» که هر دوتایش‌ثواب دارد، آیه‌ای‌قریب به این مضمون است به آن دسته از افرادیکه جان‌بر کف استقبال از مرگ کردند در این مکان، در محضر آقایان محترم و در محضر نمایندگان محترم مجلس خبرگان از خداوند متعال طلب مغفرت بکنم. خداوند روح تمام شهدا را با شهدای کربلا محشورگرداند (ان‌شاءالله) مخصوصاً پریشب که آیت‌الله قاضی طباطبائی ترور شده است و در مقارن ترور او چندین نفر از برادران سرباز و ارتشی ما آنهائی که بازنده سر یعنی سرباز در انقلاب هستند، که در کردستان عزیز و در آنجائیکه دمکراتها، افراد کثیف و عنصر ناپاک اقدام برعلیه امنیت میکنند و اقدام برعلیه انقلاب ما کردند و میکنند، این بازندگان سر، سربازان، که واقعاً از ما هستند و ما هم از آنها هستیم که به درجهٔ شهادت رسیده‌اند به همهٔ آنها برای تمام شهدای انقلاب مقدس اسلامی طلب آمرزش وطلب مغفرت میکنم. خداوند با اجدادش محشور بدارد (ان‌شاءالله) والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۱۴۱ (اصل یکصد و پنجاه و ششم)

**نایب‌رئیس**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم. دستورجلسه بعدازظهر امروز را آغاز می کنم. اصل ۱۴۱ را در جلسه قبل که اصلاحاتی رویش شده بود دراین ورقه که چاپ شده، آن اصلاحات وارد نشده است، من اصلاح شده این را آرام میخوانم و دوستان‌هم در نسخه خودشان اصلاح بفرمایند و روی آن رأی بگیریم:

اصل ۱۴۱ — قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است.

**ربانی املشی** — چرا آقا اینطوری شده؟ و نسخه‌ای که در دست ماست با آن فرق‌دارد؟

**نایب رئیس** — این را ما دیگر اینطور تصمیم گرفتیم اصلاح بکنیم:

۱ — رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین‌می کند.

۲ — تمیز حقوق و اقدام متناسب در احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — عبارت «تمیز حقوق و اقدام متناسب در احیای حقوق عامه» در جلسه صبح حذف شد و به‌جایش عبارت «احیای حقوق عامه» در نظر گرفته شده.

**نایب رئیس** — پس شمارهٔ ۲ از اصل ۱۴۱ اینطور اصلاح میشود:

۲ — احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳ — نظارت برحسن اجرای قوانین.

٤ — کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای حدود و مقررات جزائی مدون اسلام.

**خزعلی**— کلمهٔ «مدون» را حذف کنید چون این یک تعبیری است و احتیاج به آن‌نیست.

**نایب رئیس** — عنایت بفرمائید آقا، آنروز ما روی این بحث کردیم و امروز صبح هم روی آن گفتگو شد. گفتیم این چیزی است که هیچ منافاتی هم ندارد و بخصوص وقتی ولی امر تعزیرات را تنظیم کند و حدود تعزیرات را مشخص کند، این دیگر از آنجاهاست که اعمال ولایت و مصادیر مسلم اعمال ولایت است برای اینکه در محاکم مختلف و نقاط‌مختلف برای جرم واحدی کیفر واحدی باشد، کاملا بجاست که ولی امر تعزیرات را مشخص و مدون کند و ابلاغ کند، کاری که الان هم در دادگاههای انقلاب انجام دادند که ابلاغ کنند.

**منتظری** — پس تعزیرات براین شد که در مناطق و در شرایط منطقه‌ها فرق بکند مثلا یک وقتی در یک منطقه‌ای یک جرمی خسارتش و ضررش زیادتر است و حاکم شرع در آنجا تشخیص میدهد که پنج تا تازیانه به‌گناهکار بزنند، این یک تأدیب نمی‌شود یا اینکه در مقتضیات اصل است که تعزیرات را به نظر تشخیص حاکم گذاشته‌اند که برحسب منطقه‌ها و برحسب شرایط زمانی وبرحسب جو زمانی فرق می‌کند. حالا اجازه بفرمائید هم تعزیرات و هم مدون اسلامی باشد.

**نایب رئیس** — این در همه قوانین هست روی این نگران نباشید در همه قوانین‌مدون چیزهائی که نوسان دارد و چیزهائی که تشخیص آن را به عهده قاضی گذاشته باشند هست. این هیچ عیبی ندارد، ولی همین را مدون می‌کنند.

**منتظری** — پس اگر عیبی ندارد کلمهٔ «مدون» را حذف کنید.

**نایب رئیس** — عیبی ندارد ما هم که نوشتیم «حدود» به جای «تعزیرات» و «مدون اسلام» که غلط است به‌جای «تعزیر»... آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — آقا، «مدون» نمی‌خواهد، شما همان کلمه «حدود و تعزیرات‌اسلامی» بنویسید و هیچ اشکالی هم ندارد چون زمان و مکان در آنجا گفته شده.

**نایب رئیس** — هیچ اشکالی ندارد. آقای دکتر قائمی بفرمائید.

**دکتر قائمی** — عنایت بفرمائید، اگر یک کلمه را جابجا کنید نظر همهٔ آقایان تأمین میشود و آن به این صورت نوشته شود «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات جزائی مدون اسلام» که دست قاضی در آنجا باز باشد.

**نایب رئیس** — اصلا کلمه «مجازات» نمی‌خواهد، بنابراین معنی مجازات همان تعزیر است و این هیچ عیبی ندارد. «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای‌حدود اسلام» یعنی کلمه «حدود» ...

**انواری** — کلمه «تعزیرات» بعد از کلمه «حدود» باشد بهتر است، یعنی «اجرای حدود و تعزیرات».

**یزدی** — تعزیرات در اختیار قاضی هست، و اگر چنانچه تعزیرات در اختیار قاضی باشد و اختیار حدود نداشته باشد دراین صورت درمناطق مختلف کارهای ناشایسته انجام میشود. ما میگوئیم در تعزیرات حد معینی معلوم بکنند مثلا در زدن صد ضربه شلاق یا چند سال زندان یعنی باید حدود تعزیرات معلوم باشد یعنی معلوم بشود برای مجرم چه مجازاتی معین شده است، حدود داشته باشد یعنی برای آن یک یا دو سال و چند سال زندان معلوم شود ما این را میگوئیم همین اختیار در «حد» هم باشد که هم «حد» خوب اجرا بشود و هم آن اشکالی که در نوسان مناطق مختلف هست برطرف بشود.(نایب رئیس — ما هم همین را میگوئیم و نظرما هم همین است.) عرض میشود معنی کلمه «مدون» یعنی طوری نباشد که جلو آزادی‌ها رابگیرد و این نباشد که در مناطق مختلف فرقی داشته باشد و خوب اجرا نشود.

**مکارم شیرازی** — چرا امروز بحث ما نظمی ندارد؟

**نایب رئیس** — درست می‌فرمائید. اگر دوستان اجازه بفرمایند و مقید باشند، بجا هست که در اصطلاح فقهی تعزیر بیاید و همینطور اگر با نظر آقای دکتر قائمی موافق باشید، آنوقت مطلب ما منظم میشود یعنی «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات جزائی مدون اسلام» باشد.

**گلزاده غفوری** — بایستی کلمه «مدون» باشد و همه‌چیز بایستی همینطور مدون باشد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری عنایت بفرمائید، با این تعبیری که در اینجا نوشتم، بدانید آن تعزیر چیزی را اضافه نکرده، برای اینکه تعزیر یعنی همان مجازات است، همین‌طوری که عبارت قبلی بطور کافی به نظر میرسید حالا هم در اینجا فرقی نکرده است ، فقط تعبیر تعزیر اصطلاح فقهی است چیز دیگری نیست. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — عرض میشود که قانون مجازات در اسلام یعنی قوانین کیفری در اسلام یعنی آن‌ها که منصوص است و تشخیص داده میشود کدام است ما به این، در اصطلاح فقهی حدود میگوئیم و تعدادی هست که در اختیار قاضی گذاشته میشود ، آزاد است و این درجات مختلف دارد، و ممکن است تنبیه شفاهی داشته باشد و این را ما تعزیر می‌گوئیم. پس شما حدود را مخصوصاً اگر مجازات کیفری هم داشته باشد در اینصورت‌شامل حدود هم میشود و ما احتیاطاً برای اینکه تنظیمی و تنسیقی و تفسیری شده باشد، حدود و مقررات کیفری را مدون بگوئیم، به تمام این قوانین کیفری اسلامی شامل میشود.

**نایب رئیس** — ما هم همین را میگوئیم از این نظر دوستان خواستند که این تعبیر باشد بهتر است . تعزیر یعنی مجازات ، تعزیر یعنی از نظر اصطلاح لغوی یعنی مجازات ، و آن تنبیه هست که یک کمی با مجازات فرق می کند.

**صدوقی** — آقای دکتر بهشتی، بعضی جاها هست که تعزیرات هم محدود است یعنی برای آن هم حدود قائل شده‌اند مثل افطارکردن در ماه مبارک رمضان بدون عذر خمسه و عشرین سوطا که بیست و پنج تازیانه است یعنی برای تعزیر حد و اندازه قائل شده‌اند.

**نایب رئیس** — بله، همین‌طور است برای تعزیر هم حدی قائل شده‌اند.

**صدوقی** — یعنی برای تعزیر حدی معین کرده‌اند و اگر بنا شد برای آن حدی باشدحداقل

۲۵ تازیانه میشود و دیگر صحبت ۷۵ و غیره نیست.

**نایب رئیس** — اینها در حقیقت حد است و حدی است که به اصطلاح لغوی معنی تعزیر را دارد. حالا مثل اینکه با این صورت نظر دوستان از هر دو جنبه تأمین بشود. خوب، اجازه بفرمائید اگر دیگر بحثی نیست این اصل را برای رأی‌گیری بگذاریم. (همهمه نمایندگان) پس اجازه بفرمائید برای اظهارنظر در پیرامون این اصل با نوبت اسم‌نویسی بشود. آقای دکتر آیت لطفاً اسم داوطلب صحبت را بنویسید. آقای طاهری گرگانی شما سؤالی دارید بفرمائید.

**طاهری گرگانی** — عدالت هم در اهداف آمده و بلافاصله جزو وظایف آمده است.

**نایب رئیس** — این سؤال شد و جواب داده شد که آنجا گسترش عدل داریم و منافاتی ندارد. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — در آن بند ۳ دادگستری برحسن جریان قوانین حق نظارت دارد و بعداً می‌آید که نسبت به محاکم هم دارد، اما نظارت بر حفظ قوانین یعنی چه؟

**نایب‌رئیس**— این تبدیل‌شده‌است‌به‌نظارت‌برحسن‌اجرای قوانین. آقای خامنه‌ای‌بفرمائید.

**خامنه‌ای** — این جمله «حفظ قوانین» که بوده گمان میکنم که نظر به حفظ قانون هست که قبلا هم همیشه از وظایف دادگستری بوده است و این را که ما حذف کردیم، یکی از وظایف دیوانعالی کشور را حذف کردیم. دیوانعالی کشور یک عملی داشت به نام حفظ قانون که اگر حکمی برخلاف قانون صادر می‌شود و معترضی پیدا نمی‌شود، به‌صرف اینکه خلاف قانون است و ناقض قانون و قانون ممکن است به خطر بیفتد و این حکم مبنای حکم محکمهٔ دیگری شود، دادستان کل کشور موظف بود اعتراض بکند و آنرا اصلاح کند و این را نه حفظ قانون و نه قوانین میگفتند بنابراین باید لفظ «حفظ قانون» را بگذاریم.

**نایب‌رئیس** — پس دیگر به آن نظارت نمی‌گویند بلکه میشود حفظ قانون و نظارت‌بر حسن جریان قوانین و آنکه جلوتر بود نظارت بر حفظ قوانین بود.

**خامنه‌ای** — حفظ قانون، فقط کلمه قانون.

**مکارم‌شیرازی** — آنهم نظارت بر حفظ قانون نیست، آن نظارت میکند که دراحکام‌درست پیاده بشود.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای دوستان میخواهند بگویند در اینجااگر قانونی در جریان قضا درست اجرا نشده این با همان نظارت...

**خامنه‌ای** — حکم دادگستری غیر از اجرای آن حکم است.

**نایب رئیس** — خود قضا هم یکنوع اجرا است.

**خامنه‌ای**— من توجه دارم که شما خود حکم را یک نحوه اجرا میدانید ولی آن‌اصطلاح خاصی است.

**نایب رئیس** — قبول داریم ولی دوستان میگویند به همین میشود اکتفا کرد. آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — نوشتن کلمه مدون درعین حال که خیلی ضروری است ولی تا زمانیکه‌قانون به صورت مدون در نیامده، تکلیف مردم چه میشود؟

**نایب رئیس** — اجرا می‌کنند چون منافات ندارد. آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — آن موقعی که در کمیسیون مشترک بود، بندی داشتیم که روی آن بحث

شد حالا اگر آن بند را بطور کامل هم نگذاریم، من معتقدم «اصلاح مجرمین» را بگذاریم چون در دادگستری این مسأله هست.

**منتظری** — داریم «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

**دکتر آیت** — در این بند که من نمی‌بینم.

**نایب رئیس** — در این اصل نیست، از اینجا برداشتیم. (منتظری — خیر، گذاشته‌شد.) (خانم گرجی—بند پنج ازچاپ افتاده است.) درست است، بند پنج افتاده است، اضافه بفرمائید: «ه — اقدام مناسب برای پیشگیری ازوقوع جرم واصلاح مجرمین» که بند پنج این اصل است. آقای پرورش بفرمائید.

**پرورش** — در بند ٤ که «مجازات» آمده لغت مجازات یک لفظ عام است که هم حدود را میگیرد و هم تعزیرات را، بنابراین با وجود لفظ «مجازات» احتیاجی به آن دو نیست و اگرآن دو ذکر بشود دیگر لفظ مجازات لازم نیست.

**نایب رئیس** — همانطوریکه تذکر داده شد، ما می‌گوئیم تنبیه و مجازات و در حقیقت تعزیر، تنبیه و تأدیب است و تنبیه و مجازات و عطفش اشکالی ندارد. اجازه بدهید که برای رأی‌گیری بخوانیم. (کرمی — جنابعالی اول با دست رأی‌گیری کنید شاید رأی نیاورد.) فکر میکنم آقایانی که هستند رأی بدهند چون همه قبول کرده‌اند. (عده‌ای از نمایندگان — با دست رأی بگیرید.) عیبی ندارد، دوستانی که با این اصل موافقند دست بلند کنند. (اکثر نمایندگان دست بلند کردند) پس برای رأی‌گیری میخوانم.

**جوادی** — در پنج بندی که در این اصل ذکر شده موقعیت طبیعی اقتضاء می‌کند که که آن قسمت که مربوط به احیای حقوق عامه و گسترش عدل است و اقدامات متناسب برای پیشگیری از وقوع جرم، در جلو قرار بگیرند بعد مسأله نظارت برحسن جریان قوانین در مرحله سوم و در مرحله چهارم و پنجم رسیدگی به شکایات و مجازات و اجرای آن.

**نایب رئیس** — همانطوریکه مجدداً عرض شده تصویب این اصول بیشتر از نظر محتوا است، تنظیم اصول را در مرحله نهائی و با فرصت بیشتر و با مشورت محدودتر در کل قانون رعایت می‌کنیم. (جوادی — امیدواریم این مسأله از یادتان نرود). یادمان نمیرود، خود شما هم شرکت بفرمائید. (خزعلی — مدون را جلوش بگذارید.)

**تهرانی** — اگر مقررات مدون شده جزائی اسلام بگذاریم، دیگران هم رأی میدهند.

**نایب رئیس** — اینها اصلاحات جزئی است خواهش میکنم وقت نگیرید.

**صافی** — آقا اگر این مقررات تا ده سال دیگر هم مدون نشد این احکامی که الان شما در دادگاههای انقلاب اجرا میکنید، این احکام معلق شده.

**نایب رئیس** — اینطورنیست آقای صافی چون جلوتر داریم کشف جرم و تعقیب ومجازات و تعزیر مجرمین منتها برای اینکه معلوم باشد که باید ما اقدام به تدوین کنیم، اینطور نوشتیم. (تهرانی— اگر بنویسیم «مقررات مدون شده» نظرآقای صافی هم تأمین میشود.) آقای تهرانی مدون، همان تدوین شده است، اسم مفعول است. (صافی— ایشان خودشان این اشکال را دارند، نهایت اینکه به نام بنده میفرمایند.) این همینطور که هست، خوب است اصل ۱٤۱ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**اصل ۱٤۱ (اصل یکصد و پنجاه و ششم)** — قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان

حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین میکند. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین.

کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر بر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی، عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و سه نفر، شماره کل آراء پنجاه و سه رأی، موافق پنجاه نفر، مخالف هیچ، ممتنع سه نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۴۲ (اصل یکصد و پنجاه و هفتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۲ قرائت میشود. (یکی از نمایندگان — این اصل هم اصلاح لازم دارد.) اینهم اصلاح شده. (موسوی — اصلاح نشده را چاپ کرده‌اند.) خیر این اصل اصلاح شده و مطابق آنچه در جلسه اصلاح شده، اصلاح کرده‌ایم.

اصل ۱۴۲ — به منظور انجام مسئولیتهای قوهٔ قضائیه شورائی به نام شورایعالی قضائی تشکیل میگردد که بالاترین مقام قوهٔ قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر میباشد:

۱ — ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل ۱۴۱.

۲ — تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ — استخدام قضاوت عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون.

**عده‌ای از نمایندگان** — رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی بفرمائید. (دکتر ضیائی — تربیت کادر قوهٔ قضائیه نوشته نشده.) تربیت کادر قوهٔ قضائیه نیست، آنرا دانشکده حقوق ونظایر آن تربیت میکنند. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — مسئولیت قوهٔ قضائیه گفته شده است که چیست، لیکن ترفیع قضات داخل در مسئولیت نیست، میگوید به خاطر این مسئولیت قضائی، این کارها بردوش او گذارده شده دیگر ترفیع داخل در آن مسئولیتها نیست، مسئولیتش عبارت است از فصل خصومات و شکایت و غیره و اگر این علت باشد، ترفیع نمیتواند معلول آن مسئولیت باشد. (مکارم شیرازی — تا قضات را ترفیع ندهند که کار نمی کنند.)

**نایب رئیس**— آقای سبحانی، آقایان میخواهند بفرمایند که خود این یکی از مصادیق تحقق بخشیدن به عدالت است. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — در بند یک که مربوط به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری است، اشاره‌ای به اداره نشده و اینجا من با این اصل هر چند تکرار است مخالفتی ندارم و اگر قرار است باشد بعد از ایجاد یک لفظ «اداره» اضافه بشود و دیگر اینکه این کلمه‌ای که آقای دکتر ضیائی فرمودند ...

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای شورایعالی خودش که اداره‌نمیکند،شورایعالی‌تشکیلاتی را که خودشان ، خودشان را اداره میکنند ایجاد میکند.

**خامنه‌ای** — این در رأس قوهٔ قضائیه است. (نایب‌رئیس — اسانه به صورت مدیر.) کار دیگری نیست غیر از آن، تمام کار دادگستری عبارت است از بودجه، لوایح ، ترفیعات،انتقالات و امور اداری...

**نایب رئیس** — منظور این است، شما میخواهید شورایعالی قضائی نقش مدیر را ایفا بکند؟) (خامنه‌ای — دخیل در اداره که هستند.) نقش مدیر را دارند؟ (خامنه‌ای — مدیر هستند چون کس دیگری وجود ندارد.) خودشان مدیرند یا واحدهای «خود اداره» را بوجود می‌آورند؟

**خامنه‌ای** — گمان نمیکنم اینطور باشد، بالاخره باید جائی تمرکز داشته باشد وکلمه اداره جایش اینجاست.

**نایب رئیس** — این مقدار در بند ۳ هست ملاحظه کنید، نوشته‌ایم «و مانند اینها از امور اداری».

**خامنه‌ای** — بنده عرض کردم که تکرار است ولی اگر بنا است که باشد جایش اینجاست که ایجاد تشکیلات را با اداره منضم کنیم. نکته دیگر اینکه اشاره شده به استخدام قضات عادل. تا به حال دانشکده‌های حقوق ما لیسانسیه حقوق بیرون میدادندواین دانشکده‌ها ارتباط کامل بادادگستری و قوهٔ قضائیه نداشتند یعنی قاضی مناسب تربیت نمی کردند فقط لیسانسیه بیرون میدادند و اینها می‌بایستی میرفتند و دوره‌ای میدیدند شش ماه یا سه سال یا دوسال،ما کلمه تربیت را که اضافه کنیم دادگستری موظف خواهد شد یک دانشکده برای تربیت قضات عادل و مجتهد،با برنامه خاصی ایجاد بکند و عمل انقلابی همین است.

**مکارم شیرازی** — دانشکده حقوق انقلابی میشود و تربیت میکند.

**دکتر قائمی** — بسیاری‌ازسازمانها اینکاررا میکنند ودانشجویانی را که می‌خواهند به‌آن سازمان جذب بشوند شخصاً زیر نظر دارند.

**نایب رئیس** — دوستان لازم است به‌یک نکته‌ای توجه بفرمایند. ما خیال میکنیم ذکر نکردن یک امری در اصول قانون اساسی به معنی نفی آن است ولی اینطور نیست. ما اینرا میگذاریم برای بعد و هیچ اشکالی هم ندارد چون در این مورددونظر وجود دارد. آیاواحدهای یک کشور مستقلا مدرسه ایجاد کنند، یاواحدهای مختلف‌یک کشور نیازهایشان‌را به‌یک‌واحد آموزشی بدهند تا او مدرسه ایجاد کند؟ این دونظر و دو مبنا است در سازمان تربیت هرجامعه. (خامنه‌ای— شما قوهٔ قضائیه را استثناء بفرمائید چون مستقل است.) آقا سر ما دارید مصیبت می‌آورید.

**میرمرادزهی** — با آن ترتیبی که ما در نظر داشتیم که دادگستری مستقل بشود لیکن می‌بینیم که درعمل اینطور نخواهد شد به‌علاوه رابطی خواهد داشت با دستگاههای دیگر وآن رابط را وزیر نام گذاشته‌ایم و فکر میکنم آن مناسب است.

**نایب رئیس** — ایشان میگویند وزیر مناسب است.

**تهرانی** — چرا خلاف آئین‌نامه عمل میکنید؟ هرکس هرچه میگوید، بگوید شما رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — بسیار خوب آقای دکترآیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — در این بند ۳ استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب، یک «مجازات» هم اضافه کنید برای اینکه قضات فقط عزل و نصب که نمی‌شوند بلکه ممکن است یکی توبیخ و تشویق بشود مجازات لازم است. (مکارم شیرازی — مجازات آن بالا هست.) من بالا مجازات ندیدم. (مکارم شیرازی — مجازات در اصل بالا هست.) قضات فرق دارند.

**نایب رئیس** — مثل اینکه اصول دیگر هم در آینده داریم. (دکترآیت — اگر داریم پس هیچ.) (یکی از نمایندگان — دادگاه انتظامی قضات داریم.) خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — در متن قبل نوشته بود «بررسی وتنقیح قوانین گذشته» این لازم است و باید باشد.

**نایب رئیس** — اینرا برداشتند، ما صبح بحث کردیم و تصمیم گرفتیم.

**خانم گرجی** — من که صبح نبودم ولی این لازم است و قوانین باید عوض بشود یعنی تنقیح بشود نه عوض شود.

**گلزاده غفوری** — ما صبح گفتیم که اولین کار وزارت دادگستری تنقیح قوانین گذشته است ولی حالا آقایان آنرا برداشته‌اند.

**نایب رئیس** — صبح صحبت شد و مثل اینکه شما نبودید. (خانم گرجی — من در مسافرت بودم). قرار براین گذاشتیم دوستانی که به مسافرت میروند و کار مجلس خبرگان را... (خانم گرجی — آنهم کاری است مربوط به این.) نه، نمی‌شود به همه ما اصرار میشود که این‌طرف و آن‌طرف برویم و قرار براین شد که ما حضور دراینجا را در مدت کارمان مخصوصاً حالا که مدت هم به آخر رسیده به عنوان یک واجب ترک مقدم رعایت کنیم. (خانم گرجی — در هرحال لازم است که آن قسمت باشد.) صبح صحبت کردیم و گفتیم ما این را میگذاریم جزو قسمت کلی «تهیه لوایح» یعنی این را به عنوان یک کار جداگانه تلقی نکنیم و بگوئیم که شورایعالی قضائی باید لوایح قضائی را تهیه کند اعم از اینکه تنقیح لوایح قدیم باشد یا یک لایحه جدید، جدا کردنش لزومی ندارد. خوب همه دوستانی که اسم نوشته بودند، صحبت کردند آقای ربانی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — مسائل مالی را در اینجا ذکر نکرده‌اید. (نایب رئیس — اینها قرارشده بعد بیاید.) عهده‌دارش کیست؟ همین شور است؟

**نایب رئیس** — عرض کردم بعد می‌آید، این یک کار اداری است، وقتی گفتیم «و مانند اینها» همه‌اش شامل میشود. اجازه بفرمائید آقای آیت برای رأی‌گیری میخوانند.

**اصل ۱۴۲ (اصل یکصد و پنجاه و هفتم)** — به منظور انجام مسئولیتهای قوهٔ قضائیه شورائی به نام شورایعالی قضائی تشکیل میگردد که بالاترین مقام قوهٔ قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر میباشد:

۱ — ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل ۱۴۱.

۲ — تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ — استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و پنج نفر، شماره کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق پنجاه و چهار نفر، مخالف هیچ، ممتنع یک نفر، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱٤۳ (اصل یکصد و پنجاه و نهم)

**نایب رئیس** — اصل ۱٤۳ قرائت می‌شود.

اصل ۱٤۳ — مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

**نایب رئیس** — آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — این «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است» چه مطلبی را میرساند که سابقاً نبود؟ قبلاً که ما گفتیم دادگستری برای این کارهاست. اگر بخواهیم بگوئیم هیچ مرجع دیگر غیر از این تشکیل نمی‌شود، میتوانیم نص صریح بنویسیم، که ننوشتیم وخود این هم قبلا بوده و چه مطلب تازه‌ای را میرساند؟

**نایب رئیس**— اینرا البته باید آقایان جواب بدهند اما چون کوتاه است من خودم جواب میدهم. اینجا نوشته، مرجع رسمی یعنی تظلمات یک راه برطرف کردن غیررسمی هم دارد که ما خواستیم جلوآنرا نبندیم ولی میگوئیم آنجائی که می‌خواهد رسمیت پیدا کند که آقای خامنه‌ای هم صبح توضیح دادند. (خامنه‌ای— یک کلمه «منحصراً» اضافه کنید.) می‌نویسیم «تنها مرجع رسمی» آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — من یک تذکر کوچک داشتم اینکه به عنوان یک اصل قانون اساسی نوشته شود، مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است، این سابقاً هم بود و چیز تازه‌ای نیست و این یک اصل قانون اساسی نمی‌تواند باشد مسلم است که دادگستری به تظلمات رسیدگی میکند.

**نایب رئیس** — «دین رسمی اسلام است» هم در قانون اساسی قبلی بوده است.

**طاهری اصفهانی** — یکی هم جمله «منوط برحکم قانون است» قبلا مشابه نداشته می‌نوشتیم «برطبق قانون» چرا منوط به حکم قانون؟

**نایب رئیس** — از نظرعبارت می‌فرمائید؟ شما نمی‌خواهید تنوعی در عبارت باشد؟ آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — یکی همان مسأله‌ای که آقای مکارم فرمودند دیگر اینکه «تعیین صلاحیت» یا «تعیین وظایف»؟

**نایب رئیس** — معمولا آن چیزی که در دادگاه خیلی مطرح است اینست که آیا این دادگاه صلاحیت رسیدگی به این دعو را دارد یا خیر، که هم مصطلح است و هم واقعیت. خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — در متن قبلی بود که هیچکس در هیچ مقامی به هیچ عنوان نباید...

**نایب رئیس** — این را صبح حذف کردیم چون دیدیم هیچ ضرورتی ندارد.

**خانم گرجی** — یعنی تشکیل دادگاههای دیگر ضرورتی ندارد؟

**نایب رئیس** — نه گفتیم برای اینکه قاضی تحکیم را فعلا اینجا محفوظ نگاه داریم دیگر

لزومی ندارد به آن شکل بنویسیم چون ممکن است کسی در فهم کلمه دادگاه دقت کافی نکند آن را برداشتیم. آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — دو مطلب است یکی راجع به «رسمی» که خیلی مهم است برای اینکه اگر اینرا ننویسیم فردا ممکن است یکی، یک‌حکمی بکند و بعد بخواهد جنبه‌اجرائی هم‌به‌آن بدهد دوم‌اینکه ما «آن دادگاههای‌انقلاب» را داریم‌وبایداینراتصریح کنیم‌وجودش را تا موقعیکه...

**نایب رئیس** — آورده‌ایم. (منتظری — نیاوردیم.) در یکی از اصول دیگر آورده‌ایم.

**دکتر آیت** — من تا حالا که نگاه کردم ندیدم. (یکی از نمایندگان — دادگاههای انقلاب که قانونی است.) قانونی است، ولی باید اینجا اضافه بشود تا وقتیکه وجودش لازم‌است و دادگاههای دیگر... (منتظری — در هیچکدام از این اصول نیست.)

**نایب رئیس** — پس در یک طرح دیگری بوده، شاید در طرح دیگری که دوستان تهیه کرده‌اند بوده و من خیال کردم در این طرح بوده، من صبح خواندم و به نظرم در آن طرحی است که به‌امضاء دونفرازآقایان است در ده ماده. (دکترآیت— بلی‌منهم خواندم.) آنجا گفته شده است که دادگاههای انقلاب تا زمانیکه رهبر انقلاب یا مجلس‌شورای ملی عدم نیاز به‌آنها را اعلام نکرده است به انجام وظایف خود ادامه خواهند داد. (منتظری — پس این باشد.) (مکارم شیرازی — ذیل اینجا کافی است.) (تهرانی — احتیاجی هم نیست.) (دکتر آیت — احتیاج هست.) تشکیل دادگاههای انقلاب برطبق قانون است و به‌عنوان یک بخشی از قوهٔ قضائیه است و فقط این وزارتخانه نسبت به آن مستقل است و الان بخشی از قوهٔ قضائیه است و اشکالی هم بوجود نمی‌آورد. (منتظری — اشکال بوجود می‌آورد.) چرا، قانونی است و با قانون برقرار شده است.

**ربانی شیرازی** — این قانون نفی آنست. (دکتر آیت — بلی این قانون نفی آنست.) تنها مرجع دادگستری است و به حکم این قانون دادگاههای انقلاب دیگر رسمیت ندارد.

**نایب رئیس** — عنایت نفرمودید.

**دکتر آیت** — این شکی که الان ایجاد شده خودش دلیل براین است که میشود بعداً از آن استفاده کرد.

**ربانی شیرازی** — شما این را اثبات می‌کنید مخصوصاً اگر تنها مرجع هم باشد. آنرا که ازش صحبت نمی‌کنید و اینجا اثباتاً فقط می‌گوئید فقط دادگستری است.

**یزدی** — ولی همین مرجع میگوید اگر قانونی تصویبش کرد صحیح است.

**نایب رئیس** — یک سؤال هست زیرا اینجا نوشته شده مرجع رسمی تظلمات و شکایات.

**یزدی** — این مربوط به حکم قانون است همین مرجع ولو مرجع واحد...

**نایب رئیس** — خیر آن که چیز دیگری است. (یکی از نمایندگان — اگر کلمه «تنها» را برداریم.) «تنها» را نگذاشتیم. (طاهری گرگانی — «تنها» اگر برداشته شود ذیلش کافی است.) یک توضیح میدهم که ما یک اصل دیگر راجع به دادگاههای نظامی می‌آوریم. (منتظری — نه معلوم نیست چنین اصلی داشته باشیم.) اجازه بفرمائید برای رسیدگی به جرائم نظامیان. (منتظری — خیر نداریم.) بحث سر قبول داشتن و نداشتن شخصی نیست. میخواهم عرض کنم که آیا این اصل با آن اصل منافات دارد؟ (سبحانی — قرار شد جزء دادگستری باشد.) (دکتر آیت — آن استثناء است.) اینجا که استثناء نکردیم.

**دکتر آیت** — نه آن یک چیز دیگری است و آن هم قانون دارد و هم این مسأله‌است، ما الان دو دادگستری داریم.

**ربانی شیرازی** — اگرآن اصل‌را نیاورید منافات‌دارد شمامنافات ندارید چون ذکرنکردید ولی اینرا که ذکر نمی‌کنید.

**نایب‌رئیس** — ولی معنای ذکر اینست‌که بگوئید بین این اصل ۱۴۳ و اصل ۱۰۰ که می‌آید تنافی است .

**منتظری** — نه، عام و خاص است.

**دکتر آیت** — شما یک اصل راجع به دادگاههای انقلاب بیاورید ما حرفی نداریم.

**نایب رئیس** — عنایت بفرمائید. من اصلا میخواهم بگویم تنافی هست یا تنافی نیست.

**منتظری** — تنافی عام و خاص است.

**طاهری گرگانی** — به گفتهٔ آقایان بین صدر و ذیل این اصل تناقض است.

**نایب رئیس** — خیر. اینکه تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به‌حکم‌قانون است یعنی در همین چهارچوب صدر.

**طاهری گرگانی** — چه کسی باید تشکیل بدهد؟

**نایب رئیس** — این در چهارچوب صدر است یعنی دادگاههای دادگستری هرکدامش صلاحیت مشخصی دارد. (ربانی شیرازی — این را باید ذکرکنیم.) بعداً ذکر میکنیم. پس با ذکر بعدی می‌فرمائید اشکالی ندارد بعداً اضافه می‌کنم.

**هاشمی‌نژاد** — دادگستری مرجع تظلمات و شکایات است دادگاه انقلاب که اینکارها را نمی‌کند.

**نایب رئیس** — چراگاهی میکند. آقای باهنر بفرمائید.

**دکتر باهنر** — مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگاههای مربوط به قوهٔ قضائیه‌است، چون دادگستری ممکن است شامل دادگاههای نظامی نشود و بعد هم تشکیل‌دادگاهها وتعیین صلاحیت آنها به عهده قانون است، مسأله را حل می‌کند.

**خامنه‌ای** — دادسرا و دادگاههای انقلابی تا پایان مأموریت خود به وظایف خودعمل خواهند کرد.

**نایب رئیس** — یک چیز دیگری است. یک نکته‌ای را توجه بفرمائید. امروز دادستان دادسرای نظامی و معاون حقوقی وزارت دفاع آمده بودند و چیزی را آورده‌اند که فردا خدمت دوستان به موقع مطرح میشود، نکاتی را آورده بودند مربوط به آن اصل تشکیل دادگاههای رسیدگی به جرائم نظامی نه دادگاههای به آن معنی شوسی که قبلا بوده است. اینها یکی از پیشنهادهائی که آورده‌اند اینست‌که همین دادگاههای مربوط به جرائم نظامی هم به قوهٔ قضائیه وابسته باشد ولی در آنجا باشد که عزل و نصب قضات به دست اینها باشد و در آنجا هم استقلال قضائی محفوظ بماند. اگر اینطورنوشته شود پیشنهاد آقای دکتر باهنر را حل‌میکند که ما بنویسیم مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگاههای قوهٔ قضائیه است. اگراینطوربنویسیم طبق قانون هر دادگاهی را برای قوهٔ قضائیه مشخص کردیم، مشخص میشود.

**منتظری** — دادگاه همیشه مربوط به قوهٔ قضائیه است.

**گلزاده غفوری** — بعد از اینکه شکایت به دادگاه تسلیم شد و مقدماتش انجام شددادگاه

تشکیل می‌شود، یعنی دادگستری یک مرجع رسمی است و به عنوان یک قوه بزرگ که باید تکلیفش را انجام بدهد، بنابراین به این شکل که شما می‌فرمائید اشکال دارد.

**نایب رئیس** — این رفع اشکالش خیلی ساده است چون‌می‌نویسنددادسراها ودادگاههای مربوط به قوهٔ قضائیه.

**گلزاده غفوری** — قبل از دادسرا مثلاً کلانتری است.

**نایب رئیس** — آنها تابع دادسرا هستند. ما در دادگستری دو بخش بیشتر نداریم یعنی غیر از بخش اداری و مالی یک دادسرا داریم و یک دادگاه.

**گلزاده غفوری** — دادگاه حقوقی را چه میگوئید چون همه‌اش که جزائی نیست.

**نایب رئیس** — آنها هم همینطور چون دادسرا است.

**گلزاده غفوری** — دادگستری که بگوئیم اسم عام است و شامل همه‌اش می‌شود. اگر دادسرا هم بگوئیم باز محدود میشود.

**نایب رئیس** — چه‌محدودیتی‌دارد؟ توضیح بدهید که‌ما یاد بگیریم، ما میتوانیم‌بنویسیم دادسراها و دادگاهها تابع قوهٔ قضائیه است.

**منتظری** — من پیشنهاد میکنم بعد از «دادسرا و دادگاهها» بنویسیم «تشکیل و تعیین صلاحیت آنها منوط به‌حکم قانون است». آنوقت، دادگاه انقلاب هم میتواند جزء آن قراربگیرد «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادسراها و دادگاهها است، تشکیل و تعیین صلاحیت آنها منوط به‌حکم قانون است» این متن شامل همه میشود و دست قانون را هم نبسته است و «قوه مربوط به قضائیه» را نمی‌خواهد.

**گلزاده غفوری** — در پیش‌نویس هم همینطور بوده است. اشکال فنی پیدا می‌کند. (نایب رئیس — چه اشکال فنی پیدا میکند؟) همین است که دادگستری اسم عام قوه است. هر جایش برای هرکاری به تناسب مسئولیتی که دارد مرجع رسمی تظلمات و شکایت است. شما وقتی محدودش کردی یک جایش لنگ می‌شود.

**نایب رئیس** — دادسراها و دادگاهها، همه دادگستری را در برمی‌گیرد.

**گلزاده غفوری** — کسی به دادسرا نمی‌رود شکایت کند.

**طاهری اصفهانی** — ایشان میگویند کلانتری در دایرهٔ دادگستری است چون ضابطاست.

**نایب رئیس** — کلانتری الان تابع وزارت کشور است ولی ضابط دادگستری است یعنی همه میدانند که امروز...

**گلزاده غفوری** — ما پلیس قضائی را درآینده پیش‌بینی کردیم.

**نایب رئیس** — حالا را می‌گوئیم. اگر بعداً بکنید که تابع او است، بنده گمان می‌کنم که مسأله را حل کنیم به اینکه در اصول بعدی یک اصل راجع به آن می‌نویسیم چون وقتی آقایان میگوئید منافاتی ندارد دیگر اشکالی ندارد. پس با اجازه آقایان دیگر اشکالی نکنید وهمین‌متن رابه‌رأی می‌گذاریم.(دکترآیت— آن‌ذیل رابعدمی‌نویسیم؟) بلی‌یک‌اصل‌جداگانه‌ای می‌نویسیم. بنابراین بگذارید این اصولی که همیشگی است مستقل بماند و آن اصل که موقت است جداگانه می‌گذاریم «که مادام که نیازی به دادگاهها و دادسراهای انقلاب هست اینها به قوت خودش باقی». (سبحانی — اعتراضات اضافه شود چون در تنظیم قبلی اعتراضات بود.) اجازه بدهید همین متن را به رأی بگذاریم چون هرچه جلوتر میرویم‌خلاصه‌تر می‌شود. اصل

۱۴۳ را برای رأی‌گیری می‌خوانیم.

**اصل ۱۴۳ (اصل یکصد و پنجاه و نهم)** — مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه در هنگام اخذ رأی پنجاه و چهارنفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و چهار رأی، موافق پنجاه و سه نفر، ممتنع یک نفر، مخالف هیچ، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۵ — طرح اصل ۱۴۴

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۴ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۱۴۴ — دادگستری در امور مالی و اداری و قضائی استقلال دارد. لوایح قضائی آن مستقیماً و بودجهٔ آن مستقلا مورد بررسی و تصویب مجلس شورای ملی قرار میگیرد.

**مکارم شیرازی** — عبارت را اصلاح نکرده‌اند.

**نایب رئیس** — نه، قرار شد اصل را به همین صورت بیاوریم.

**مکارم‌شیرازی**— بنویسیم «برای بررسی وتصویب به‌مجلس‌شورای ملی فرستاده میشود».

**نایب رئیس** — بلی، عیبی ندارد. پس می‌نویسیم «برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود» آقای صدوقی بفرمائید.

**صدوقی** — بنده کمتر حرف میزنم و نمی‌خواهم وقت مجلس را بگیرم ولی در باب قضا اشکالی درخاطردارم و آن اینکه یکی از مسلمات اجورالقضاء سحت، مزد گرفتن در برابرقضاوت حرام است نمی‌شود قاضی را اجیر نمود و اجرت معین برای او قرارداد ولی در زمینه احتیاج‌قاضی را میشود از بیت‌المال مسلمین روزی به‌مقدار احتیاج داد که از آن در فقه شیعه تعبیر میشود به ارتزاق که قاضی از مرتزقه در بیت‌المال است پس‌اگر قاضی غنی و بی‌نیاز باشد حق ارتزاق را ندارد و در زمینه احتیاج به مقدار نیازش‌حق ارتزاق دارد خواه کمتر از اجرة‌المثل تا زائد براجرة‌المثل باشد پس استیجار قاضی خواه غنی یا فقیر باشد مبلغ معین یعنی چه؟ و جهت‌دیگر قاضی‌مجتهد جامع‌الشرایط باشدوحکمی راداد نمی‌توان نقض کرد پس‌استیناف وتمیز دیوانعالی کشور چه معنی دارد؟

**نایب رئیس** — این مورد بعداً می‌آید . آن اولی که فرمودید من توضیحی برایش دارم ولی اجازه بفرمائید خود آقایان توضیح بدهند اگر کافی بود که هیچ ولی اگر کافی نبودمن عرض میکنم. (یکی از نمایندگان — توضیح بدهید.) ملاحظه بفرمائید. این که ما داریم اجور است، اجور یعنی اینکه متداعیان یا کسانیکه در رابطه هستند بخواهند به قاضی مزدی بدهند، بیت‌المال که پرداخت میکند ببینیم که آیا بیت‌المال به عنوان اجرت پرداخت میکند؟ (تهرانی — به عنوان ارتزاق.) بلی به عنوان ارتزاق.

**صدوقی** — اگر به عنوان زندگیش است پس باید به مقدار زندگیش باشد. اگر برای او معین بکنند که مثلا ده هزار تومان در ماه به او بدهند منعی ندارد فقط باید به اندازه‌ای که احتیاج دارد به او بدهند. (مکارم شیرازی — استخدام است نه استیجار.) خوب اینجا هم دارد استیجار می‌کند و ماهی ده هزار تومان می‌گیرد که آنجا بنشیند.

**دکتر ضیائی** — بعدها قضات ما کسانی خواهند بود ولو کم باشند واجد آن شرایطی که در دین اسلام برایشان مقرر است. بنابراین قاضی خودش وظیفه‌اش چیست و از طرف چه کسی منصوب می‌شود؟ آن کسانیکه او را منصوب میکنند آنها با آن مقداری که او نیاز دارد و آن قاضی میداند که بیش از آن نیاز ندارد به او میدهند.

**صدوقی** — اینطور نیست و اینکار را نخواهند کرد. سه هزار تومان میدهیداعم از اینکه احتیاج داشته باشد یا نداشته باشد و یا غنی یا فقیر باشد.

**نایب رئیس** — شهریه‌ای که به طلاب از بیت‌المال داده می‌شود و منظم هم هست و مقدر به قدر هم هست برای اینست که تنظیم اینکار را میکند، این از ارتزاق است یا ازاجور؟ (صدوقی — ارتزاق است.) با اینکه ارتزاق است حدود مشخصی دارد.

**صدوقی** — مقداری که به آنها میدهیم کفاف نمی کند. بقدر کفاف نیست.

**گلزاده غفوری** — منحصراً به حضور قاضی نیست دادگستری مخارج دیگری دارد.

**نایب‌رئیس**— آقای خامنه‌ای بفرمائید. (خامنه‌ای — مخالفم.) آقای منتظری (منتظری— من با این ترتیب که هست مخالفم.) آقای آیت (دکتر آیت—مخالفم) آقای دکتر قائمی (قائمی— من مخالفم) آقای ربانی شیرازی (ربانی شیرازی — من راجع به عبارت یک صحبت داشتم.) بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — «مستقیماً» دو تا نمی‌خواهد یکی که بیاوریم هر دو را شامل میشود.

**نایب رئیس** — یکی مستقلا است و یکی مستقیماً. آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — اگر بخواهید مشکل آقای صدوقی حل شود استخدام به عنوان نصبش است و مقابلش عزل است. نصب قضات و عزل آنها را که ایشان اشکال میکنند آنوقت استخدام هم میخواهد.

**صدوقی** — ما در فقه اجرت برای قضاوت نداریم.

**یزدی** — کار قضاوت چون واجب است و اجرت در مقابل کار واجب صحیح نیست همین است و آنکه اینجا به عنوان مالی گفته می‌شود مربوط به کلیه تشکیلات قضائی است که قاضی غیر از قضاوتش، کار تشخیص، مطالعه پرونده، آماده کردن پرونده و چیزهای دیگری هم هست در برابر کار قضاوت اگر بخواهد اجرت بگیرد سحت دارد و حرمت ملاکش این است. پس بنابراین راه دارد.

**نایب رئیس** — آقای عضدی (عضدی — مخالفم) آقای میرمرادزهی. (میرمرادزهی — من در پاسخ صحبت آقای صدوقی مطلبی عرض کنم.) بفرمائید.

**میرمرادزهی** — قطعنامه مالک‌اشتر در مورد قضات که حضرت امیرالمؤمنین فرمودند من اجازه میخواهم یک قسمتش را بگویم. (نایب رئیس — بفرمائید.) گفته است پس باید همواره ناظر و مراقب کار قاضی باشید و از طرف دیگر در حق او چنان سخاوت و گشاده دستی از خودنشان دهید که نیازش تأمین و بهانه‌اش برطرف شود تا دست نیازش به سوی مردم دراز نباشد.

**یزدی** — منافاتی با فرمایش ایشان ندارد.

**نایب‌رئیس**— توجه می‌فرمائید که آنچه آقای صدوقی و بعضی دوستان می‌فرمایند مخالفت با حقوق‌بگیر بودن قاضی است نه با تأمین نیازهایش، می‌گویند فرمول را عوض کنید و تبدیل

کنید به تأمین نیاز.

**میرمرادزهی** — استیفاء یکی از مواردی است که در مقابل انجام کارش باید مزدبگیرد.

**یزدی** — در کار واجب اجرت نمی‌شود گرفت و قضاوت واجب است.

**نایب رئیس** — آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — این اصل را از نظر مفادی که دارد اشکال ندارد ولی اعتراض جناب آقای صدوقی وارد است چون اعتراض ایشان به تعیین حقوق قاضی است که باید فقط از احه علت و تأمین زندگیش بشود اما اینجا راجع به تعیین حقوق صحبتی نشده است.

**نایب رئیس** — چرا دوستان صحبت میفرمائید؟ آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — دادگستری در امور مالی و اداری و قضائی استقلال دارد و بودجه‌اش را باید بطور مستقل بگیرد اما در قانون عادی بایستی منظور شود که برای قاضی طبق دستور اسلام تأمین زندگی شود نه تعیین حقوق بنابراین در اینجا اشکالی نیست ولی قانون‌عادی باید رعایت بشود.

**نایب رئیس** — بلی میدانید آن استخدام هم به معنای در برابر فرد نیست‌یعنی‌به‌خدمت دعوت کردن بنابراین هیچ اشکالی ندارد. آقای مشکینی بفرمائید.

**مشکینی** — یک مسأله رشوه داریم و یک مسأله اجورالقضاة و یک مسأله استخدام. آنکه مسلماً حرام است رشوه است، اما اجر و مزد از متحاکمین گرفتن مورد اشکال است، فلذا عده‌ای از علما برای کارهائی مثل تحریر و وسیله و امثال اینها میگویند، احوط اینست که اجرت نگیرد. بعد میگیرد بلکه اقوی حرمت است بالاخره مربوط است به‌اینکه از متداعیین بگیرد، اما اگر حاکم استخدام کند ولو اجرت هم باشد ظاهراً ضرری ندارد.

**نایب رئیس** — آقای مشکینی ببینید همانطورکه فرمودید در اصل، دوشقش محل‌بحث است ولی من هم عرض کردم ظاهراً ادله آنجائی است که از متداعیین باشد، یعنی تعمیم به‌غیر متداعی واقعاً خیلی زور میبرد.

**تهرانی** — همین‌جا را رجوع بکنید تا ببینید روایت خاص هم هست.

**گلزاده غفوری** — این اصل قاضی و غیرقاضی را شامل می‌شود و منحصر به‌قاضی نیست. اگر قاضی عادل و شایسته باشد که مقرراتش تضمین می‌شود. (عده‌ای از نمایندگان — در این اصل اصلا مسأله اجور نداریم.)

**نایب رئیس** — بلی در اینجا فعلا مسأله اجور نداریم. یک مخالف و یک موافق صحبت میکنند و بعد رأی می‌گیریم بنابراین آقای خامنه‌ای اولین مخالف‌هستند، بفرمائید صحبت کنید و آقای دکتر غفوری هم به عنوان موافق صحبت می کنند.

**خامنه‌ای** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قوهٔ قضائیه را ما وقتی به طرزکار و ماهیتش‌آشنا شویم می‌بینیم که واقعاً با اینکه به قول بعضی از برادران یک عمل اجرائی هم انجام میدهد یک شق خاصی از کارهای اجرائی مملکتی است که گاهی میتواند معارض با قوای دیگر قرار بگیرد. دادگستری و قضائیه دو نحوه عمل دارد که با دولت در اصطکاک واقع می‌شوند یکی اینکه طبق وظایفی که دارد برای همین چیزهائی که ما امروز تصویب کردیم، هر انحراف و تغییر روشی را ازطرف کسانیکه درقوهٔ مقننه و بخصوص درقوهٔ مجریه هستند که بیشتر عملیات اجرائی دست آنها است و احتمال خطا و لغزشی هست جلوگیری از آنرا به دست

قوهٔ قضائیه داده‌اند. بنابراین کمترین انحراف رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزراء و آنهائیکه اسلحه می‌بندند و آنهائی که قدرت دارند و آنهائی که حاکمیت مردم به دست آنهاست که همه کاری می کنند، مختصر لغزشی اینها را یک مقام گوشه نشینی به نام قوهٔ قضائیه می‌آورد ومحاکمه میکند و به‌صلابه میکشد و گاهی اعدام میکند اشال بوتو و اینها را و جاهائیکه قوهٔ قضائیه مستقل است مثل امریکا و غیره از دادستان یا از مقامی که رأس قوه است یا از نفس قوه به شدت میترسند چون تمام این اقتدارات می‌تواند در محکمه به هیچ تبدیل شود. این نحوهٔ عمل است که قوهٔ قضائیه دارد و برای قوهٔ مجریه و حتی قوهٔ مقننه محتمل‌الخطا یک خطربزرگی است و اینها از آن اول سعی میکنند اینرا در مشت خودشان بگیرند. دوم اینکه قوهٔ مجریه برای اعمال نفوذ خودش گاهی اوقات مجبور است کتف اشخاصی را به‌وسیله دادگستری ببندد، دادگاههائی به نام دیوان کیفر درست کرده‌اند که هرکس در ادارات تخلف می کرد به آن دادگاه میدادند و ثابت میکردند که متخلف بوده و به زندان می‌انداختند و یا مختلسین راتبرئه میکردند و آزاد میکردند و این امور به نظر دولت سابق بود. از این قبیل شاید بشود شقوق دیگری هم فرض کرد ولی عمده‌اش همین دو تا است بنابراین حیث قوهٔ قضائیه حیث مقابله باظلم است ولو اینکه قوهٔ مجریه باشد. حالا قوهٔ مجریه را اگرمعصوم فرض میکردیم مسأله‌ای نبود ازآنجائیکه نه‌فقط معصوم نیستند بلکه احتمال خطا درشان زیاداست به‌لحاظ تسلط زیاد برقدرت، یک قوهٔ قضائیه مستقل خوب در اینجا یک فرض‌معقول است و باید مورد توجه باشد. قوهٔ مجریه هیچ موقع از کمترین حقی که داشته باشد و امکاناتی که داشته باشد نمی‌گذرد درصواقعی که منافعش در خطر باشد، تعبیر بعضی از برادرانمان این بود که بودجه اگر به‌دست دولت باشد سر قوهٔ قضائیه دائماً زیربغل اوست برای اینکه قوهٔ قضائیه نیازهای مختلفی دارد که یکی از آنها نیاز قضات است و بقیه مسائل هم هست و سازمانهائی که باید تأسیس کنند، کارهائی که باید بکنند ولو اینکه در اصطکاک با دولت هم نباشد ولی دولت به صرف اینکه از این دستگاه راضی نباشد و یا این را نگهدارد تا راضی شود که فلان عمل را متقابلا انجام بدهد بدش نمی‌آید که از این استفاده کند، استقلال قوهٔ قضائیه که در اینجا پیشنهاد شده بودجه مستقلا ولوایح مستقیماً به‌مجلس شورای ملی‌برود. من‌می‌خواهم عرض کنم مستقلا و مستقیماً در بودجه معنی ندارد، اگر مستقیماً نباشد مستقلا هم نیست و تمام صحبتهائی که در یکی دو جلسه شد، براین مداربوده که دولت‌باید بودجه تمام‌ادارات‌را تعادلش‌را برقرار کند و اینها را سبک و سنگین کند و با توجه به درآمدهائی که دارد بسنجد و زیادی‌هایش را بزند و به مجلس بدهد. این را دولت در تمام دستگاههای اجرائی خودش باید بکند برای اینکه آموزش و پرورش را با ارتش باید موازنه کند. یک روز هست که آموزش و پرورش باید عمل انقلابی انجام بدهد و خرج زیاد دارد آن کار را میکند و از تسلیحات کم میکند و گاهی جنگ است و به عکس عمل میکند و اینها اساسش براینست که تمام سازمانها در اختیار دولت است و خودش میداند. چون این حاکمیت حقش هست و ضرر به جائی نمیزند سیاست عمومی‌اقتضا میکند، و اما اگر بودجه قوهٔ قضائیه یا قوهٔ مقننه که مستقل هستند در اختیار دولت باشد و مستقلا یعنی خودشان پیشنهاد کنند این معنا نمیدهد، زیرا مستقلا یعنی خودشان بنشینند و صورت‌بدهند.خوب‌صورت را تمام ادارات‌میدهند.معنی‌مستقل اینست که‌بتوانددورازدستبرد وحذف کردنها و ایراد و اعتراضات دولت به مجلس بدهد و مجلس که نماینده همه ملت است بگوید

ما این قوهٔ قضائیه‌را با این مخارجش میخواهیم یا نه، و به هیچ وجه مجلس مجبور نیست که اگر بیش از حد نیازش صورت داد تصویب بکند. اینطور نیست بعضی مواقع هست که لوایح دولت را تصویب می کند یا رد میکند و نقد میکند وقدرت بررسی هم دارد ومیتواند بین خرج و دخل معادله برقرار کند و بفهمد که‌چه مقدار زیاد است‌حالا اگر دولت این کار را میکند برای خودش حق دارد این کار را بکند و زیانی نمی‌زند برای اینکه مجموعش سیاست عمومی است ولی اگر قوهٔ قضائیه را دست او بدهیم همان مستقلا هم که میفرمائید از بین میرود برای اینکه اگر مستقل نباشد مستقلا هم نیست و این قید در اینجا یک قید بی‌معنی است. در مورد بودجه مستقلا یا مستقیماً به‌مجلس دادن معادل با یک معنا را میدهد. شما مستقلارا بردارید ومستقیماً را بگذارید و اما اگر هر دو باشد پیشنهاد من این بود و صبح هم که ما طرح کردیم براین‌قرار گرفت ما دو عمل اداری و ارتباطی که قوهٔ قضائیه با مجلس دارند یعنی تقدیم لوایح وبودجه را یک چیز میدانیم یعنی استقلال این اقتضا را دارد که لوایحی را که تشخیص میدهد بدهد و از این لوایحی که این حق را به‌او داده‌اید لایحه بودجه خودش هست، و این بودجه را به لحاظ اهمیتی که دارد به دست دیگری نمی‌دهیم و از نظر اینکه فرع براین بودجه مالیات هست مجلس حق دارد نظارت بکندو کم و زیاد بکند بنابراین مستقلا بدون مستقیماً در مورد بودجه معنی ندارد و این دو باید با هم باشند و ضمانت اجرائی استقلال قوهٔ مجریه به‌آن‌ترتیبی است که ما گفته‌ایم یعنی نیاز به دولت نداشته باشد و دولت نتواند به عنوان اینکه ما پول نداریم و یا نمی‌توانیم مردم را برایشان مالیات وضع کنیم قبل از اینکه به مجلس برود مقداری از آنرا بزند چون مجلس بیشتر از آنچه که به او میدهند تصویب نمی کند بلکه همیشه کم میکند نه زیاد. عرض دیگری ندارم.

**نایب رئیس** — مثل اینکه آقای خامنه‌ای موافق به توان دوم بودند یعنی اینکه‌این اصل باید باشد و فقط باید مستقلا و مستقیماً در هر دو باشد.

**خامنه‌ای** — بنده مخالف با این اصل بودم به لحاظ اینکه اینجا لوایح قضائی مستقیماً و بودجه آن مستقلا باشد. (نایب‌رئیس — یعنی میفرمائید هر دو باید مستقیماً باشد؟) چون به نظرم میرسد یک شبهه‌ای شده که درلحظات آخر وارد کرده‌اند و ضربتی به‌تمام مخالفت‌های بنده میشود در جواب باید عرض کنم...

**نایب رئیس** — خیرآقا، منظور ضربه نیست من از نظر اداره مجلس خواستم بدانم که بعد از شما موافق صحبت کند یا مخالف.

**خامنه‌ای** — من عقیده‌ام این است که بیانات بنده مخالفت با این تلقی میشود زیرا مستقلا منافات دارد با مستقلا و مستقیماً نه اینکه یک چیزی اضافه کنید بلکه این آن مفهوم را نمی‌رساند.

**صافی** — آن تذکری که بنده خدمتتان عرض کردم بفرمائید.

**نایب رئیس** — خوشبختانه در اینجا یک مأخذ فقهی جناب آقای صافی در اختیار ما گذاشته‌اند که آنرا میخوانم:

اختلفوا فی جواز اخذالاجرة عی‌القضاء من‌المتخاصمین، أواحدهما، اوغیرهما، مطلقاً اومع‌الضرورة، أومع عدم‌التعین علیه، أومع‌الامرین، وعدم جوازه مطلقاً علی أقوال. فعن‌جماعة الجواز مطلقاً کماحکی عن‌القواعدوالنهایة والقاضی، وعن‌المفاتیح نقله عن بعضهم، و عن‌شرحه

اسناد جوازالاخذ الی‌المشهور، وظاهره اطلاق الجواز، وعن‌جماعةالمنع مطلقاً، بل عن‌المبسوط انه قال: عندنا لایجوز بحال. وظاهرهالاجماع علیه، و عن‌المعتمدالاجماع علیه مع عدم‌الحاجة وعن‌الکفایة نفی‌الخلاف فیه مع‌وجودالکفایة من‌بیت‌المال قال: ومع عدمها و وجودالحاجةقولان اشهرهماالمنع. وکذا عن‌المسالک، وعن‌بعضهم‌الجواز مع عدم‌التعین والضرورة، ومع‌التعین والکفایة لایجوز قولا واحداً، وفی‌المستند دعوی ظهورالاجماع علی عدم‌الجواز مع‌الکفایة.

بعد نظر خود مرحوم سید:

والاقوی: هوالجواز مطاقاً، للاصل والاطلاقات، وعدم‌الدلیل علی‌المنع سوی بعد میرسد به استدلال به‌روایت، نعم ربما ستدل علی‌الجواز فی‌المقام للصحیح بن سنان عن‌قاض بین‌فریقین و در وسائل بوده، بین‌الفریقین یأخذ من‌السلطان علی‌القضاالرزق و قال ذلک‌السحت و فی ان ظاهره خلاف‌الاجماع فانه لامانع لارتزاقه من بیت‌المال و دعوی ان‌الظاهر من قوله الی‌القضأ کونه عوضاً عنه لارتزاقاً کماتری فهواما محمول الکراهة و ان کان بعیداً اوعلی کونه من‌قضاة الجور و کون حرمة ارتزاقه من‌جهة عدم اهلیته للقضاء و علیه یحمل ایضاالخبرالمروی‌فی‌الخصال السحت انواع کثیرة و منها اجور القضاة.

مسأله بعد: یجوز ارتزاق القاضی من بیت‌المال مع حاجته بالاجماع لانه معدلمصالح المسلمین و هذا منهالتوقف انتظام‌امورالمسلمین علیه بل‌الاقوی جوازه مع عدم حاجته ایضاً کما هوالمسند الی‌المشهور حیث قالوا بکراهته مع عدم‌الحاجة و ان الا ولی ترکه توفیراً علی‌سائر المصالح و یدل علیه اطلاق مرسلةالجماد‌الطویله و فیها و یاخذالباقی‌فیکون ذلک ارزاق‌اعوانه علی دین‌الله و فی‌مصلحة ماینوبه من تقویةالاسلام... تا آخر

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — بنده معتقدم که صدر این اصل که نوشته شده «دادگستری در امور مالی و اداری و قضائی استقلال دارد» زیادی است برای اینکه در مورد قضائی را که جلوتر گفته‌ایم استقلال دارد. در مورد اداری هم که هر اداره‌ای برای خودش مستقل است و گفتن ندارد ودر امور مالی هم مستقل هست و لازم نیست که مستقیماً به مجلس شورای ملی ببرد برای‌اینکه همه بودجه را دولت باید ببرد ولی باید مستقل باشد به این معنا که دولت نتواند در آنجا دخالت کند و باید اینطور بنویسیم «بودجه دادگستری مستقلا و لوایح آن‌مستقیماً تنظیم وبرای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده میشود».

**نایب‌رئیس** — خوب حالا دوستانی که این اصل را پیشنهاد کرده‌اند مثل اینکه آقای غفوری می‌فرمایند هنوز موافق صحبت نکرده بفرمائید شما صحبت‌تان را بکنید.

**کرمی** — ایشان با آقای خامنه‌ای یک رأی دادند.

**گلزاده غفوری**— سالهای سال آرزوی مردم این بود که یک‌دادگستری‌مستقل وبه‌معنای صحیح دادگستری داشته باشند و از افتخارات اسلام این است که دادگستری به تمام مسائل جامعه اشراف‌دارد و دلیلش هم همان است که دوستان چندبار گفته‌اند و هرآدمی که‌مختصری اطلاعات از اسلام دارد شنیده است که قاضی در اسلام حق احراز بالاترین مقام را دارد برای اینکه جامعه احتیاج به پشتیبان و پشتوانهٔ عدالت دارد با توجه به این برای اینکه این‌مسأله تأمین شود در اینجا سه مسأله است یکی مال است، یکی اداره است و یکی قضا. در قضا قاضی با آن شرایط که گفتم هیچ چیزی نباید جلوی او را بگیرد، ولذا من آنجا اعتراض کردم که

اگر قاضی حکم کرده علیه رئیس جمهور دیگر نباید معطلش شد. مسائل کشور را خود قاضی صحیح رعایت میکند و استقلال مالی هم به خاطر این است که همانطور که صحبت کردم به خاطر محدودیت مالی جلوی برنامه‌ها را نگیرند، این به آن معنا نیست که قاضی داردحکم میدهد دستگاه عدالت قضائی غیر از مسأله قاضی است، قاضی اگر شایسته شد خیلی از جاها به‌او چک سفید میدهند و او خیلی درویشانه زندگی میکند و قاضی واقعی آنست و ما امیدواریم‌چنین دادگستری داشته باشیم اما در دادگستری خرجهای دیگری دارد. دادگستری یک صنباطی دارد که یک عدهٔشان جزو وزارت کشور بودند حالا با چه تشریفاتی نمیدانم و لذا در این مملکت دادگستری وجود نداشت به تصدیق تمام کسانیکه با دادگستری رابطه داشتند به‌خاطر اینکه ما قضات خوب نداشتیم بلکه دستشان بسته‌بود. بنابراین اینجا سه‌مسأله است. اگر با آن دیدی که ما ازقوانین دادگستری داریم و با توجه به‌اینکه در بعضی ممالک مستقیماً قضات را انتخاب میکنند به خاطر اینکه عدالت پشتیبانی داشته باشد باید در امور مالی مستقل باشد و و خود قضات دادگستری‌خیلی مناعت طبع‌بیشتری دارند از اینکه بخواهند تحمیل بکنند به بودجه مملکت و از لحاظ اداری هم پلیس قضائی مستقل دارند که ضامن اجرای عدالت باشند و از نظر قضائی هم مستقل هستند، هیچ چیزی جلوی آنها را نمی‌گیرد. این است که این جمله اگر حذف بشود یک اشکال فنی پیدا میکند و راجع به تقدیم لایحه هم همانطور که‌گفتیم منافات ندارد که لوایح دیگر هم تقدیم شود ولی لوایح قضائی به طور مستقل و مستقیم حق دادگستری است زیرا مسئول تحقق بخشیدن به‌عدالت است. شما اگر این شغل را به او بدهید باید وسائل هم در اختیارش بگذارید بنابراین در اینجا باید مسأله لوایح مستقلاومستقیماًباشد و هیچ منافات ندارد با آن مسائلی که بعضی دوستان گفتند، چون نماینده آنها در هیأت‌دولت مثل وزیر دادگستری است و یک نماینده پارلمانی دارد برای تقدیم لوایح و به نظر میرسد این اصل با مطالعه تدوین شده است.

**نایب رئیس** — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

**موسوی اردبیلی** — این سه نفر آقا که صحبت کردند تأیید کردند که مستقل باشدبدون توجه به آن اشکالی که پیش ازظهر شد، این عمل آخر در تنظیم بودجه کار مملکت را مختل میکند. آقای غفوری میگویند خیر قضات فرشتگانی هستند که ازآسمان آمده‌اند زیرا آقای‌غفوری با حسن ظنی که دارند این مطالب را میگویند. این شعارها را بگذارید کنار و واقعیت‌ها را نگاه کنید. آخر اگر این را در قانون اساسی بنویسیم بعداً اشکال پیدا میشود.

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۴ برای رأی‌گیری با ورقه خوانده میشود.

اصل ۱۴۴ — دادگستری در امور مالی و اداری و قضائی استقلال دارد. لوایح آن مستقیماً و بودجه آن مستقلا برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده میشود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی، عده حاضر پنجاه و پنج نفر، شماره کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق سی و پنج نفر، مخالف هفت نفر، ممتنع سیزده نفر تصویب نشد.

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۴۵ (اصل یکصد و شصتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۵ قرائت میشود.

اصل ۱۴۵ — وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوهٔ قضائیه با قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه را برعهده دارد و از میان کسانیکه شورایعالی قضائی به نخست‌وزیر پیشنهاد میکند انتخاب میگردد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — من فکر میکنم با آن تصویری که ما از وزارت دادگستری آینده‌داشتیم اولا حذف پست وزیر دادگستری به آن ترتیبی که دادستان معرفی میکرد و مسائل دیگری که بود ماواقعاً دادگستری نداشتیم‌ما خواستیم دراینجا یک‌خدمتی بکنیم ولی مسخ شد. دراینجا نوشته شده «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط...» ما گفتیم شورایعالی قضائی‌مرجع تمام مسائل قضائی باشد و دو نماینده داشته باشد یکی با قوهٔ مجریه در ارتباط با تقدیم‌مسأله بودجه...

**نایب رئیس** — شما به عنوان مخالف صحبت میکنید. (گلزاده غفوری — میخواهم بگویم این اصل مسخ شده.) پس با این اصل مخالف هستید.

**گلزاده غفوری** — به اینصورت که هست بلی چون ما یک صورت دیگری پیشنهاد کرده بودیم که مسخ شده.

**نایب رئیس** — این اصل را می‌گوئیم. به هرحال یک نفر به عنوان مخالف صحبت میکند. بفرمائید آقای دکتر غفوری.

**گلزاده غفوری** — به هر حال مسأله روابط با قوهٔ مجریه به انتخاب شورایعالی قضائی و احیاناً یکی ازخود اعضای شورایعالی قضائی حالا اسمش را قاضی دادگستری میخواهیدبگذارید یا هراسم دیگری، این با قوهٔ مجریه است و رئیس آن هم نخست‌وزیر است و بعد هم روابطش با قوهٔ مقننه همان روابط پارلمانی است که لوایح را تقدیم میکند. بنابراین‌شورایعالی قضائی یک هیأت مستقلی است مسئول تأمین عدالت در جامعه و طرفدار مردم بر ضد هر ظلمی و از طرف هر کسی وهمانطور که‌میدانید علیه امیرالمؤمنین حضرت‌علی(ع) هم که‌شکایت شد رسیدگی شد. بنابراین مسأله این است که عنوان وزیر نباید باشد و باید یک رابط با قوهٔ مقننه و یک رابط با قوهٔ مجریه باید باشد، و آن اصل قبلی که نوشته شده بود تلفیقی است از این موضوعات و به نظر من کافی است.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای شما مخالفید یا موافق؟ (خامنه‌ای — مخالف.) مخالف که صحبت کرد، آقای کیاوش شما؟ (کیاوش — من راجع به وزیر میخواهم صحبت کنم.) یک موافق صحبت میکند آقای مرادزهی به عنوان موافق بفرمائید.

**میرمرادزهی** — به نام خدا، موقعی که کمیسیونها کار میکردند برنامه کمیسیون۶ این بود که یک طرحی بدهد که آن طرح براساس استقلال قوهٔ قضائیه باشد که آنهم ناشی میشد از تفکیک قوا باتوجه به‌اینکه‌ما درایران تفکیک‌قوا نداریم وعملا این قوا تحت‌الشعاع قرار میگیرد با اصل ولایت فقیه که تصویب شد و فقیه نظارت دارد، لذا مسأله تفکیک قوا به استقلال قوهٔ قضائیه بـه آن تـرتیب خود بخود مفهومی پیدا نخواهد کـرد ولی مسأله‌ای که مطرح میشود استقلال قاضی است و استقلال قاضی هم ارتباطی به‌استقلال خود قوهٔ قضائیه‌ندارد و اینها دو مسأله جداگانه است، اینست که به این ترتیب با توجه به اصل پیشنهادی گروه که به این ترتیب بود که دستگاه قضائی کشور روابط خود را با قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه بوسیله

نماینده‌خود عمل میکند این‌درعمل مواجه بااشکالاتی خواهد شد واین ماده پیشنهادی فعل این رابط را درواقع به این ترتیب تأمین کرده است که وزیر دادگستری‌در اینجا قرار داده شده و این به نظر من بهتر است برای اینکه آن‌رابط چنانچه در هیأت وزیران بخواهد به عنوان نمایندهٔ قوهٔ قضائیه شرکت بکند عملا حق رأی ندارد و مسئولیتش هم مشخص نیست ولی چنانچه یک نفر باشد که عضو هیأت وزیران باشد مسلماً مسئولیت هم دارد و نتیجه اینکه‌حق رأی هم دارد و رابط هم هست و مسأله مهمتر اینکه این رابط که همان وزیر دادگستری باشد از بین کسانی انتخاب میشود که شورایعالی قضائی به نخست‌وزیر پیشنهاد میکند و به نظر من جنبه‌های مختلف رعایت شده و هم استقلال قضائی هست چون شورایعالی قضائی را در اینجا برای رأیش اهمیت قائل شده‌اند برای اینکه کسی را که موردنظرش هست پیشنهاد میکند واز طرفی این رابط هم یک شخص مسئولی خواهد بود در هیأت وزیران و به نظر من این اصل یک اصل بسیار خوبی است.

**گلزاده غفوری**— آقای میر مرادزهی، وزیر دادگستری تحت نفوذ نخست‌وزیر است. وقتی نخست‌وزیر او را تعیین میکند او چطور میتواند درقوهٔ قضائیه استقلال ایجاد کند؟

**میرمرادزهی** — شما اگر این اصل را مطالعه بفرمائید در ذیل آن گفته شده این شخص از بین کسانیکه شورایعالی قضائی به نخست‌وزیر پیشنهاد میکنند انتخاب میگردد. این وزیر دادگستری یک ویژگی خاصی دارد.

**گلزاده غفوری** — شورایعالی قضائی که او را انتخاب نمیکند لابد یک غرضی دارد در رابطه با اختیارات قوهٔ مجریه. درحقیقت یک نوع اشکالی است که قوهٔ مجریه برای قوهٔقضائیه ایجاد میکند.

**میرمرادزهی** — آقای دکتر غفوری اجازه بفرمائید همان کسی را که شما به عنوان رابط مورد نظرتان هست همان وزیردادگستری است که اسم وزیرش رویش هست ومیشود گفت شما روی اسم وزیر دادگستری حساسیت دارید، والا آن رابط در دستگاه دولت هیچ نقشی نمی‌تواند داشته باشد یعنی آن رابطی که مورد نظر شما است یعنی شورایعالی قضائی یک رابط بفرستدمگر اینکه این شخص در هیأت دولت نقش داشته باشد و درواقع همان رابط خواهد بود.

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۵ را برای رأی‌گیری میخوانم.

**طاهری گرگانی** — آقای دکتر بهشتی یک جمله‌ای آقای میرمرادزهی گفتند که بهتراست خودتان جواب بفرمائید. راجع به استقلال قوهٔ قضائیه نصب رهبر با فرض اینکه‌عدل را آنجا نگذاشتید و با فرض اینکه نظارت بر اموال رهبر از قوهٔ قضائیه است هیچ صدمه‌ای به‌استقلال قوهٔ قضائیه نمی‌زند.

**نایب رئیس** — این یک بحث اصطلاحی است و ایشان گفتند مسأله مهم استقلال قاضی است و گفتند استقلال قاضی می‌تواند با اینهاتأمین شود. ایشان فرمودند استقلال قوهٔ قضائیه در جاهائی است که دستگاه قضائی منتهی شود به‌انتخاب مستقیم مردم و این تعبیر صحیحی است.

**خامنه‌ای** — شما بدینوسیله دخالت قوهٔ قضائیه را در قوهٔ مجریه تأیید میکنید.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای اجازه بفرمائید نظام جلسه را رعایت کنیم. حالا اصل ۱۴۵ را قرائت میکنم:

**اصل ۱۴۵ (اصل یکصد و شصتم)** — وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط

به روابط قوهٔ قضائیه با قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه را برعهده دارد و از میان کسانیکه شورایعالی قضائی به نخست‌وزیرپیشنهاد میکند انتخاب میگردد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه پنجاه و هشت‌نفر، شماره کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف یک نفر، ممتنع شش نفر، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۱۴۶ (اصل یکصد و پنجاه و هشتم)

**نایب رئیس** — از دوستان خواهش میکنم موقع اخذ رأی حضور داشته باشند و مشکلی که وقت تلف کن هست بوجود نیاورند. اصل ۱۴۶ قرائت میشود.

اصل ۱۴۶ — شورایعالی قضائی از پنج عضو تشکیل میابد.

۱ — رئیس دیوانعالی کشور.

۲ — دادستان کل کشور.

۳ — سه نفرقاضی شایسته منتخب قضات تمام کشورکه مجتهد وعادل باشند.اعضاءاین شورا برای مدت پنج سال طبق قانون انتخاب میشوند وانتخاب مجددشان بلامانع است. شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — یک تذکر اصلاح عبارتی در بند ۳ است ملاحظه بفرمائید اگربنویسید «... سه نفر قاضی شایسته مجتهد و عادل به انتخاب قضات تمام کشور» بهتر است برای آنکه معلوم نیست آن «که» به قضات برمیگردد، یا به آن سه نفر. (صافی — به انتخاب، همه که نمیشود.) وقتی میگویند به‌انتخاب یعنی با اکثریت. می‌نویسیم سه نفر به‌انتخاب قضات کشور. خوب، آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — در آخر آن بنویسید یا «مأذون از طرف مجتهد» اگر این سه نفر نتوانستند... (صافی — نه آقا اینطور نمیشود.)

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید. این پیشنهادی است که ایشان می‌فرمایند.

**یزدی** — این ذکر اعضای شورایعالی قضائی باید دنبال اصل دیگری باشد.

**نایب رئیس** — اینها را ما بعداً تنظیم خواهیم کرد. آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — اینجا نوشته شده است «... برای مدت پنجسال طبق قانون...» طبق کدام قانون... ؟

**نایب رئیس** — یک قانون دیگری کیفیت انتخاب آنان را مشخص میکند. (خزعلی — این پنج سال مربوط به انتخاب است؟) بلی. آقای دکتر آیت بفرمائید. (دکتر آیت — من مخالف هستم.) بفرمائید.

**دکتر آیت** — در اینجا چند مورد هست یکی تعداد است که به نظر من پنج نفر کم‌است برای اینکه کار قوهٔ قضائیه آنقدر زیاد است که پنج نفر به اینهمه کارها نمی‌رسند وتجربه هم نشان داده است. الان دیوانعالی کشور با اینکه اینقدر هم وظایف ندارد ازعهده‌اش ساخته نیست. مسأله دیگر اشاره به انتخاب سه نفر مجتهد و عادل است خوب قبول است قاضی‌باید درمراحل بالا مجتهد و عادل باشد اما من درمفهوم مجتهد بحث دارم. یکی اینکه مجتهدین

یا عالم و فقیه و وارد هستند ولی کار قضائی نکرده‌اند تا حالا، یعنی سوابق قضاوت ۱۰ یا ۱۵ ساله ندارند. تصدیق میفرمائید که در این کار تجربه خیلی ضروری و لازم است و مجتهد هرچه عالیمقام هم باشد در امور اداری و امور قضائی چون تجربه ندارد بعداً دچار اشکالات فراوان خواهیم شد چنانکه همین الان همانطورکه در دادگاههای انقلاب گاه و بیگاه دچار این اشکالات شده‌ایم و باز مسأله دیگر اینست که ما الان نظام کشورمان اسلامی است قبلا غیراسلامی بود ودانشکده حقوق قاضی و وکیل تحویل جامعه میداد، آیا ما میخواهیم این دانشکده قبلی را به همان شکل قدیم حفظ کنیم که این یک موجود بیفایده‌ای میشود یعنی یک‌عده فارغ التحصیل میشوند که نه‌می‌توانند قاضی شوند نه کاری دیگرانتخاب کنند. بنابراین باید دانشکده حقوق را کاری کنیم که مثل حوزه‌های علمیه مجتهد ازآنجا فارغ التحصیل بشود. پیشنهاد من اینست که سه‌نفرقاضی مجتهد و عادل همانطورکه در شورای نگهبان هم بود سه نفر حقوقدان هم که سابقه طولانی در قضاوت داشته باشند به این جمع اضافه بشود.

**نایب رئیس** — آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ایشان سه اشکال داشتند اول اینکه پنج نفر اعضای شورایعالی قضائی کم‌است‌چون الان می‌بینیم برای تصمیم‌گیری امثال‌اینها دچاراشکال میشویم. جواب این‌مطلب یک جمله است و آن اینست که‌این پنج‌نفرلازم است همه کارها را به تنهائی انجام بدهند هرکدام ممکن است یکی دو تا سه تا پنج تا ده تا معاون داشته‌باشند و بوسیله معاونین بارشان را سبک کنند و تعداد کم برای تصمیم‌گیری و سرعت عمل بهتر است. بنابراین مشکلی از لحاظ سنگینی کار باقی نمی‌ماند و اما اشکال دوم ایشان این بود که سه نفر مجتهد عادل کار قضائی نکرده‌اند و دلیل آوردند دادگاههای انقلاب راکه مواجه با مشکلات شده. دوجواب دارد اول اینست که آن مجتهدینی که وارد میشوندبه‌شورایعالی‌قضائی اینها بصیر و آگاه هستند مشاوره میکنند در آن مسائلی که جنبهٔ اداری و سیستم‌حقوق امروز را دارد علاوه بر آنکه از میان افراد آگاه انتخاب میشوند اینها یک آدمهای خاصی نیستند که مستبد به رأی هرکار خواستند بکنند و هرچه خواستند بگویند مسلماً درامورمشورت میکنند این سه‌نفر را ازمیان آنها انتخاب میکنند و مشورت میکنند. و اما درمورد مسأله دادگاههای‌انقلاب میخواهم عرض کنم که دادگاه انقلاب عکس این را ثابت کرده‌حالابعضی‌جاهادر دادگاههای انقلاب قاضی‌اش جامع شرایط نبوده یک مسأله‌ای است اما آنهائیکه مجتهد بودند عملا ثابت کردند که دستگاههای قضائی را میتوانند اداره بکنند، ودر بعضی موارد دیده شده‌بهتر از قضات رأی‌هائی داده‌اند نبایداز انصاف گذشت منتها ماهیت دادگاه انقلاب با دادگاههای معمولی تفاوت دارد و آن ویژگیهای خودش را دارد. اما سومین اشکال ایشان این بود که دانشکده حقوق با شکل فعلی فایده‌ای ندارد. در جواب باید بگویم...

**نایب رئیس** — این مسأله مربوط به‌جای دیگر است. خوب یک موافق و یک مخالف صحبت کرده و برای رأی‌گیری میخوانم... آقای میرمرادزهی بفرمائید.

**میرمرادزهی** — من پیشنهاد میکنم در بند ۳ سابقه لااقل ده سال برای قضات پیش‌بینی بکنیم.

**نایب رئیس** — آنرا نوشتیم قانون معین کند برای اینکه در شرایط مختلف فرق میکند و بعد ما نوشته‌ایم سه نفر قاضی، پس شرط اول آنستکه قاضی باشند یعنی حتماً باید درقانونی که

بعداً در مجلس تصویب میکند اینها را پیش‌بینی بکند . آقای اکرمی بفرمائید.

**اکرمی** — اینجا شرایط انتخاب شونده را که مرقوم فرمودید بعد گفته‌اید که مجتهد و عادل باشد دو شرط را ذکر کردید شرایط دیگر را هم بنویسید.

**نایب رئیس** — مثل اینها است چند سال سابقه قضاوت داشته باشد (اکرمی — نوشته است شرایط دیگر) شرایط دیگر همان است که گفتم... اجازه بدهید برای رأی‌گیری بخوانم.

**طاهری اصفهانی** — فرمایش آقای اکرمی البته وارد نیست ولی چیزی است که تو ذهن میزند و این مشکل با یک « واو » حل میشود بنویسیم « برای مدت پنج سال و برطبق قانون...».

**نایب رئیس** — عیبی ندارد تذکر خوبی است برای رأی میخوانم: «اصل ۱۴۶ ...» آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — چون ما در اینجا نوشته‌ایم که شرایط را قانون معین میکند و ازطرف قضات هم آمدند اینجا صحبت کردند و گفتند در قانون اساسی دست و پای ما را نبندید.

**نایب رئیس** — اگر یادتان باشد ما صبح اشکال داشتیم در عزل و نصب قضات و به اندازهٔ کافی هم صحبت شده. اصل ۱۴۶ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۴۶ (اصل یکصد و پنجاه و هشتم)** — شورایعالی قضائی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱ — رئیس دیوانعالی کشور.

۲ — دادستان کل کشور.

۳ — سه نفر قاضی مجتهد عادل به انتخاب قضات کشور.

اعضاء این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب میشوند و انتخاب مجددشان بلامانع است.

شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین میکند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر پنجاه و هشت نفر، شماره کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافق پنجاه و دو نفر، مخالف دو نفر، ممتنع چهار نفر، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۸ — طرح اصل ۱۴۷

**نایب رئیس** — دو تذکر داشتم یکی آنکه آقایانی که پس از رأی وارد جلسه میشوند دیگر رأی ندهند برای اینکه قرار ما براین است که کسی که موقع اخذ رأی در جلسه نیست در رأی شرکت نکند که اشکالی پیش نیاید. تذکر دیگر اینست ما بنا داریم به‌امید خدا کار جلسه را به پایان برسانیم فردا صبح ساعت هشت دوستان تشریف بیاورند تا بتوانیم بحث قضا را تمام کنیم. (علی تهرانی — هنوز ساعت شش نشده.) اگر دوستان موافق‌باشندجلسه‌را ادامه میدهم چون اول وقت مغرب‌هم گذشت جلسه را ادامه میدهیم.اصل ۱۴۷ را میخوانیم.

اصل ۱۴۷ — رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و بوسیله رهبر از میان کسانی که مورد تأیید اکثریت قضات کشورند تعیین

میشوند. ترتیب این تأیید را قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — آقای د کترآیت؟ (د کتر آیت— من مخالفم) آقای منتظری (منتظری— من هم مخالفم) آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — در این اصل قبلی دست و بال قضات را بستند در اینجا هم دست و بال مقام رهبری را بستید بعد گفتند بوسیله رهبر از میان کسانیکه مورد تأیید اکثریت قضات باشند.

**طاهری اصفهانی** — چه اشکالی دارد؟

**نایب رئیس** — چه اشکالی دارد؟ آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — در اصلی که درباره وظایف رهبر به تصویب رسید یکی از وظایفش نصب عالیترین مقام قضائی است.

**نایب رئیس** — مقامات قضائی گفتیم، مقام درست است که به معنای مقامات باشد آقایان همان روز بحث کردند و گفتند که مقامات باشد قرار شد مقام را طوری استعمال کنیم که معنای اسم جنس بدهد یعنی یک نفر باشد یا چند نفر. (طاهری خرم‌آبادی — بعد از آن گفتیم که نصب...) شما مخالفید موافق باید جواب این اشکال را بدهد. قبل از شما مخالف نوبت گرفته، آقای د کتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — مثل اینکه در این عبارت یک کلمه افتاده است. قبلا بوده است «امور اداری و قضائی...» چونکه دادستان ریاست دادسراها را دارد باید آگاهی اداری هم داشته باشد عادل و آگاه به‌امور اداری و قضائی. یکی هم باید تعیین مدت هم بشود مثلا اگر بشود برای مدت سه سال یا پنج سال بدنیست. بعد هم آن مورد تأیید اکثریت‌را اگر بنویسید منتخب برای احترام و پرستیژ قضائی که میخواهند با نظر رئیس دیوانعالی کشور کار بکنند و رهبر هم تأیید و تصویب میکند به نظر میرسد عملی‌تر است.

**نایب رئیس** — مثل اینکه قبلا پنج سال بوده است و ما انداخته‌ایم برای مدت پنج‌سال (منتظری — اعضای این شورا برای مدت پنج سال انتخاب میشود.) خوب ممکن است که به عضویت شورا پنج سال در می‌آیند ممکن است خود دادستان را عوض کنند یا بمیرد این عبارت آن معنی را نمی‌رساند. (گلزاده غفوری — بنویسید منتخب قضات کشور.) همینطور نوشتیم، آقای مکارم بفرمائید.(مکارم‌شیرازی— موافق هستم.) آقای د کترآیت به‌عنوان مخالف و آقای مکارم به عنوان موافق صحبت خواهند کرد.

**طاهری اصفهانی** — اینجا نوشته است رئیس دیوانعالی کشور و دادستان جزوشورایعالی قضائی هستند.

**نایب رئیس** — عضویت شورا مدتش پنج سال است، غیرازآنست که سمت دادستان هم پنج سال باشد، یا نه ممکن است ده سال سمت دادستانی داشته باشد، پنج سال عضویت شورا. آقای د کتر آیت بفرمائید.

**د کتر آیت** — ما اولا در اصل مربوط به اختیارات رهبری نوشتیم رئیس دیوانعالی کشور را او انتخاب میکند. در اینجا آمدیم آن اختیار را محدود کردیم به انتخاب قضات یعنی در حقیقت هر پنج نفر را قضات تعیین میکنند، در حالیکه آن دو نفر را باید به‌طور کلی انتصابی بگذاریم که او بتواند انتصاب کند و بخصوص که کار مشکل میشود که دوباره انتخابات‌بشود

و اکثریت قضات چند نفر را تعیین کنند این کار خیلی مشکل میشود و انتخابی بودن مقام ریاست دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور از طرف قضات یک کمی از استقلال آنها کم میکند. من معتقدم آن تأیید اکثریت قضات راحذف کنید بخصوص که سه نفر قاضی را آنها انتخاب میکنند و اکثریت هم در آن شورا به عهدهٔ آنهاست. پنجسال را هم من معتقدم در این مورد...

**نایب رئیس** — آقای منتظری جهت مخالفت شما همین است؟

**منتظری** — این عبارت آخری همین است سه نفر قاضی به‌انتخاب قضات کشور و دادستان و باز به انتخاب قضات کشور این درست نیست.

**نایب رئیس** — آقای مکارم به عنوان موافق بفرمائید.

**مکارم شیرازی**— در فلسفه‌این اصل امروز صحبت‌شد. دادستان کل کشور و نیزدیوانعالی کشور این دو باید یک ارتباطی با دستگاههای قضائی کشور داشته باشند اگر خود قضاوت هم در پیشنهاد کردن دخالت داشته باشند این پیوند و رابطه برقرار میشود و سبب میشود که دستگاه قضائی مملکت منسجم و بهم پیوسته باشد گو اینکه آقایان میگویند ، با اصل سابق منافات دارد به‌هیچ وجه منافات ندارد. در آن اصل انتخاب در مرحله اول با رهبر است دراین هم انتخاب را با رهبر میداند منتها یک قیدی اضافه میکند که به پیشنهاد قضات کشور این به قول خودتان از مقوله مطلق است و مقید آنجا مطلق است که رهبر باید انتخاب کند اماآیا پیشنهادی هم بشود یا نشود از این نظر باز است نه نفی کرده است و نه اثبات، بنابراین یک قیدی اضافه شده است و منافات با حق او هم ندارد.

**ربانی شیرازی** — پیشنهاد اشکالی ندارد.

**نایب رئیس** — آقایان مثل اینکه برای بعضی از دوستان مسأله تأیید مشکل است این را از میان کسانیکه با رأی اکثریت قضات کشور پیشنهاد میشوند تعیین میشود. (منتظری — اکثریت یعنی چه؟) یعنی از راه انتخابات من یکبار دیگر اصل را برای رأی‌گیری میخوانم این اصول را قرار شد بعد از صحبت یک موافق و مخالف رأی بگیریم بنابراین...

**حسینی‌هاشمی**— همیشه غیرازیک نفرموافق و یک‌نفر مخالف به‌سؤالات هم به‌شهادت صورت جلسهٔ‌مجلس جواب داده میشده، اگر بنا هست آنها نادیده گرفته بشود من عرضی ندارم.

**نایب رئیس** — اگر سؤال بشود جواب میدهم.

**حسینی هاشمی** — من عرضم اینست که اگر از نظر شرع مقدس اسلام، این مسأله قطعی است که قاضی باید منصوب مستقیم یا غیر مستقیم ازطرف رهبر باشد چگونه سازگار است،بااینکه انتخابات از پائین به بالا ازقوهٔ قضائیه باشد و رهبر در مضیقه قرار بگیرد .

**نایب‌رئیس** — اینکه ظاهراً سؤال نبود این میشود همان مخالف. ما گفتیم که به‌سؤالات جواب بدهیم حالا که سؤال فرمودید جواب اینست که مکرر با آقایان صحبت شده که بسیاری از اصول قانون اساسی در حقیقت تعیین رویهٔ ثابتی است برای اعمال ولایت والی منتها فرض اینست عین این مسأله درمسأله پارلمان است. اگر تعیین نخست‌وزیر از حقوق والی است پس این که باید اکثریت نمایندگان مجلس منتخب مردم رأی بدهند یعنی چه اینها یک‌پاسخ دارد و اینست که ولایت والی بهترین راه اعمالش آنست که‌جابیفتد زیرا عملا ما گرفتار این مسأله بوده‌ایم و بدانید اگر اینرا اینجا هم ننویسید یک چیزی است که عملا هم اینطورمیشود چون ما در مورد همین دادسرای انقلاب می‌دیدیم که چگونه وقتی افراد درمیان آن کسانیکه

بایداداره‌شان بکنند پایگاهی ندارند نمی‌توانند کاری کنند و بایدعوضشان کرد. بنابراین این از اول باید ثابت‌تر و محکمتر و بهتر انجام شود. چرا ما نمی‌خواهیم انتخاب والی با یک مقدماتی باشد که آن مقدمات نقش او را سنگین‌تر و اصیلتر و مؤثرتر بکند؟ به هرحال...

**منتظری** — حال اگر از طرف قضات تعیین شدند ولی از نظر رهبر واجد شرایط نبودند این جاچکار باید کرد؟

**نایب رئیس** — یکنفر دیگر را در نظر میگیرند. (منتظری — پس هر روز انتخابات است.) چاره‌ای نیست در همه‌جا گفتم. آقای جوادی بفرمائید.

**جوادی** — در طی وظایف رهبر گفته شد که تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به پیشنهاد شورایعالی باشد اینجا هم به پیشنهاد شورایعالی است.

**یزدی** — در اینجا بنویسیم به‌وسیله مقام رهبری.

**نایب رئیس** — بنویسیم بوسیله رهبری. (هاشمی‌نژاد — بوسیله رهبری.)

**کرمی** — یک کلمه نصب هم این‌جا اضافه بشود بهتر است. چون در اینجا نصب عالیترین مقام قضائی است و این کلمه نصب را اینجا اضافه کنید.

**نایب رئیس** — آیا این کلمه که هست معنی نصب را نمی‌رساند. (کرمی — کلمه نصب باشد بهتر است) می‌نویسیم «منصرف می‌شود».

اصل ۱۴۷ — رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و بوسیله رهبری از میان کسانیکه با رأی اکثریت قضات کشور پیشنهاد می‌شوند برای مدت پنج سال منصوب میگردند ترتیب این تأیید را قانون معین میکند.

**یکی از نمایندگان** — به جای «تأیید» باید «پیشنهاد» نوشته شود.

**نایب‌رئیس** — صحیح است «ترتیب این پیشنهاد را قانون معین میکند.» لطفاً رأی بگیرند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد.)

**نایب رئیس** — عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، شماره کل آراء پنجاه و هفت رأی، موافق چهل و شش نفر، مخالف پنج نفر، ممتنع شش نفر، بنابراین اصل رد شد.

## ۹ — طرح و تصویب اصل ۱۴۸ (اصل یکصد و شصت و یکم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۸ قرائت میشود.

**اصل ۱۴۸ (اصل یکصد و شصت و یکم)** — دیوانعالی کشور به منظورنظارت براجرای درست قوانین در محاکم و ایجادوحدت رویه قضائی و انجام مسئولیت‌هائیکه طبق قانون‌به آن محول میگردد براساس ضوابطی که شورایعالی قضائی تعیین میکند تشکیل میگردد.

**نایب رئیس** — جای بحث نیست لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر پنجاه و هفت نفر، شماره کل آراء پنجاه و هفت رأی، موافق پنجاه و هفت نفر تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**بعضی از نمایندگان** — اصل بعدی را هم مطرح کنید.

## ۱۰ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — اصل بعدی حرف زیادی دارد. فعلا چون کاری نداریم جلسه را ختم میکنیم، جلسه ختم می‌شود.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ پنجاه و نهم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۷ دقیقه روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با سیزدهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — بیانات رئیس راجع به‌سالگرد شهادت عده‌ای ازمحصلین در دانشگاه تهران و اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری کارکنان آن سفارت‌خانه به عنوان اعتراض به دسیسه‌های دولت آمریکا در ایران به‌وسیله گروهی از دانشجویان. .

۲ — طرح اصل ۱۴۷ .....

۳ — طرح اصل ۱۴۹ .....

۴ — طرح اصل ۱۵۰ .....

۵ — طرح و تصویب اصل ۱۵۱ (اصل یکصد و شصت و ششم). .....

۶ — طرح اصل ۱۷ .....

۷ — پایان جلسه. .....

## ۱ — بیانات رئیس راجع به سالگرد شهادت عده‌ای از محصلین در دانشگاه تهران و اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری کارکنان آن سفارتخانه به عنوان اعتراض به دسیسه‌های دولت آمریکا در ایران به وسیله گروهی از دانشجویان

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در تاریخ یک قوم و در تاریخ نهضت‌ها ایامی فراموش نشدنی هست و گاهی یک نهضت و یک انقلاب آنقدر پرحادثه بوده که هرروزش یومی است مخصوص و روزی است پرخاطره. سیزده آبان ماه در انقلاب پیروزمند و شکوهمند اسلامی ملت ما خاطره‌ای پرشکوه را زنده نگه میدارد که یک پیشوا و رجل دینی، یک عالم متعهد و مسئول و یک رهبر محبوب در راه آرمان و هدف الهی و اسلامی که انتخاب کرده از زندان‌ها و تبعیدها و هر فشار دیگر هیچ مخیله‌ای برخودش راه نداده است.

سیزدهم آبانماه، خاطرهٔ تبعید امام و خاطرهٔ نوجوانان شجاع و با ایمان و فداکار و قهرمانی را زنده میکند که با چشم خود باران گلوله را از طرف پلیس مزدورآن زمان شاه دست نشانده آمریکا (که حالا هم ناسلامتی میهمان پشتیبانش شده است) به‌سوی خود می‌دیدندولی بی‌پروا از مرگ، با فریاد الله‌اکبر هنگام اذان ظهر وقت اعلام نام خدا و یاد خدا شجاعانه ایستادند و قربانی دادند و با ریخته شدن خونشان انقلاب را جان دیگری بخشیدند و ما یاد این شهیدان عزیز را گرامی میداریم و امروز در سرتاسر ایران برای گرامیداشت یاد آنها غلغله و ولوله‌ای است. وظیفه همگی ما بود که در مراسم امروز دانشگاه شرکت می‌کردیم ولی متعهدانه به این انقلابیون‌گفته‌ایم میخواهیم بکوشیم هرچه زودتر مسأله [illegible]ون اساسی را تمام کنیم، البته دو سه نفر از دوستان ما آقایان دکتر باهنر و دکتر غفوری و تهرانی‌هم آنجا سخنرانی کرده‌اند. به هر حال امیدواریم این انقلاب که با اینهمه خون به ثمر رسیده از هر نوع گزندی سالم بماند و به هرقیمتی که شده ولو با قیمت خونفشانی‌ها و جانفشانیهای فراوان دیگر به پیروزی برسد چون پیروزی آن، پیروزی اسلام، آئین مقدس خدا و قرآن کتاب راهنمای ماست. ضمناً امروز لابد ازطریق اخبار رادیو مطلع شدید که عده‌ای از جوانان با ایمان‌وبرآشفتهٔ ملت که پذیرش شاه جنایتکار را از طرف آمریکا به حق توهین بزرگی به‌انقلاب وملت انقلابی ما میدانند، بیش از این تاب نیاوردند و به عنوان اعتراض سفارت امریکا را تصرف کردند و چند نفر ازکارکنان آنجا را به گروگان گرفتند، ما همیشه به عنوان کسانیکه‌احساس مسئولیت می‌کردیم به‌امریکا و سایر قدرتهای استعمارگر گفته‌ایم که بدانید با فرد طرف نیستید با افراد هم طرف نیستید، با شخص امام هم طرف نیستید، با علمای انقلابی و رجال انقلابی طرف نیستید، با شورای انقلاب و دولت موقت انقلاب طرف نیستید بلکه با یک ملت طرف هستید موفقیت ایران را درک کنید و بدانید که «ایران» ملتی دارد که خط انقلاب خودش را شناخته است، حتی پیش از ۲۲ بهمن مکرر به‌اینها گفته میشد اگر همه چهره‌هائی را که شما به عنوان

چهره‌های مؤثر میشناسید بگیرند و اعدام ونابود کنند انقلاب با توان بیشترجلو میرود، حالا هم برایشان می‌گوئیم که شما انتظار نداشته باشید کسی بتواند ملت بپاخاستهٔ ما را در برابر همه کارهای ناپسند و زشت شما مهار کند ملت در برابر برخی از این توهین‌ها مهار شدنی نیست، گویا امریکا و قدرتهای دیگر جهانی فقط زبان دیپلماسی را بلد هستند و هنوز زبان انقلاب‌را یاد نگرفته‌اند و با این زبان آشنا نشده‌اند ولی مردم ما ودوستان ما به‌برکت این انقلاب به‌خوبی با این زبان آشنا شده‌اند و میدانند که هر کلمه‌ای و هر سخنی، هر نوشته‌ای در انقلاب چه‌معنی میدهد. ما درعین اینکه می‌پذیریم که سفارت یک کشور و اتباع یک کشور باید دریک کشور دیگر امنیت داشته باشند و در عین اینکه قانون اسلام چنین امنیتی را تأکید و تضمین میکند، درعین حال می‌خواهیم بگوئیم این زبان انقلاب هم یک زبان راست و صریح و روشن است و چیزهائی را بیان میکند. اگر امریکا و کشورهای دیگر جهان زبان انقلاب ایران را هنوز یاد نگرفته‌اید و نمی‌توانید درک کنید خوب است سر عقل آئید و درک کنید. همان وقتی که گفتید این بیمار هیچ جای دنیا جز امریکا برای معالجه‌اش نبوده (آنهم اگر واقعاً بیمار باشد) که او را پذیرفتید باید می‌دانستید که پی‌آمدهای سختی به دنبال خواهد داشت. جوانهای ما امروز به سفارت امریکا رفته‌اند و گفته‌اند که این شاه خائن و دشمن ملت را بدهید و این کارکنان سفارت را که به گروگان گرفته‌ایم از ما بگیرید، چون هرچه به زبان منطقی گفتند که دشمن ملت را چرا در خانه خودتان پناه دادید؟ گفتند این از لوازم اومانیسم است و یک نفر بیمار به‌ما پناه آورده است، انساندوستی و اومانیسم جهانی و اخلاق انسانی ایجاب میکند که ما بیمار را پرستاری کنیم. آیا شما هنوز هم نفهمیده‌اید و نمی‌توانستید بفهمید که محمدرضا دشمن خون‌آشام یک خلق‌است و او باید به‌دست دادگاه عدل وانتقام سپرده شود؟ بسیارخوب. نتوانستید بفهمید، جوانان انقلابی کشور ما ناچار میشوند که با این زبانها به شما بفهمانند، امید ما این است که درس عبرت بگیرید و با ملت انقلابی ما طوری برخورد نکنید که دیگر ملت ما برای گفتگو با شما ناچار به استفاده از این زبانها بشوند و اگر شما همچنان به‌لجاجت خودتان ادامه بدهید هیچ کس نمی‌تواند به شما تضمین بدهد که مردم انقلابی ما دیگر ازاین زبان استفاده نمی کنند، ما هم تأکید می کنیم که وظیفه‌انسانی‌وانساندوستی امریکا (اگرامریکا براستی انساندوستی را میفهمد) اینست که‌این‌دشمن‌خلق را تحویل دادگاه عدل و انتقام‌اسلامی ایران بدهد و بیش ازاین خودش و ملت ما را به‌دردسر نیندازد این تشخیص ما است. نمیدانم نمایندگان محترم ملت هم تشخیصشان همین است یا نه (نمایندگان — همین است).

**صدوقی** — همان انساندوستی‌بود که یک‌مشت‌اعراب بیچاره‌را بیرون کردند وفلسطینی‌ها را آواره کردند و یک عده اسرائیلی را آوردند جایشان نشاندند ، آیا آنهم انساندوستی است یا نه؟

**مشکینی** — آیا این اومانیسم درجمعهٔ سیاه میدان ژاله عملی نبود؟

**نایب رئیس** — کشتار بیرحمانهٔ جوانان ما اومانیسمشان بود و حالا هم قاتل این جوانان را در پناه حمایت خود قرار داده‌اند که یک یک مادران و خواهران وپدران و فرزندان این شهیدان در انتظارکیفر او هستند ، اینطور به یک چنین ملت و مردم انقلابی داغدیده بی‌اعتنائی کردن اینهم اومانیسمشان است و هر دو جناب آقای مشکینی یک نوع اومانیست است.

## ۲ — طرح اصل ۱۴۷

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان وارد دستور میشویم. اصل ۱۴۷ مطرح است قرائت میشود.

اصل ۱۴۷ — رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و بوسیله رهبری برای مدت پنجسال به این سمت منصوب میشوند.

**یکی از نمایندگان** — مسأله عزل را هم قرار بود متذکر بشوید.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری فرمایشی دارید بفرمائید.

**دکتر غفوری** — همانطور که میدانید، گروهها همهٔشان برای تدوین و تنظیم اصول از نظریات اهل فن استفاده کرده‌اند و از جمله گروه شش برای امور قضائی از نظریات بسیاری از استادان حقوق و قضات استفاده کرد چون قانون اساسی فقط برای امروز و فردا که نیست... به هرحال درانتخاب رئیس دیوانعالی کشور چون اعضاء دیوانعالی کشور او دادستان کل کشور را انتخاب میکند عقیدهٔ همه بر این بود برای اینکه قضات احساس شخصیت بکنند و از این ببعد قضات شایسته‌ای داشته باشیم و مسألهٔ اعتماد که سرمایه کلی دستگاه عدالت قضائی است وجود داشته باشد، خلاصه این‌جور بی‌توجهی به انتخاب قضات نشود، پیشنهاد شده بود که نوشته شود از میان منتخبین قضات یعنی آنها انتخاب بکنند آنوقت چون شرط اجتهاد و عدل و آگاهی در امور قضائی و اداری هست ، آنوقت بوسیله رهبر نصب بشود که در واقع یک پشتوانهٔ محکمی باشد که مردم احساس کنند که دستگاه عدالت واقعاً پشتوانه محکمی دارد بنابراین از میان منتخبین قضات بوسیله رهبری برای مدت پنجسال به این سمت منصوب میشوند. این پیشنهادی بود از طرف اکثر قضات و بعد هم در این نوشته که حدود شصت‌نفر امضاء کرده بودند به‌این مسائل اشاره کرده بودند حالا هرطور که فکر میکنید که دوام بیشتری دارد و اعتماد بیشتری به دستگاه قضائی میدهد، در واقع شخصیت قضات را بالامیبرد و استقلال به آنها میدهد و با حسن اعتماد می‌توانند قضاوت بکنند، همانطور عمل بکنید.

**نایب رئیس** — در حقیقت آقای دکتر غفوری به عنوان مخالف با این اصل صحبت کردند. از دوستانی که بعد اسم نوشته‌اند بپرسیم هرکدام موافق هستند صحبت کنند، آقای دکتر ضیائی؟ (دکتر ضیائی — موافق هستم.) پس بفرمائید به عنوان موافق صحبت کنید.

**دکتر ضیائی** — چون در کمیسیون مشترک مفصل بحث شد و همانطور که جناب آقای دکتر غفوری فرمودند با بسیاری از قضات به‌خصوص قضات عالیرتبه مذاکره شد و ایشان هم تشریف داشتند و پیش‌نویس هائی از قضات عالیرتبه و حقوقدانان درخواست شد و آنها هم پیش‌نویسهایشان رافرستادند، درحدود شصت و سه نفر ازقضات ایستاده و نشسته دادگستری و بازپرس و امثال اینها نظرشان را دادند، ولی بیانی که جناب آقای دکتر غفوری فرمودندمن نمیدانم ایشان چه جور احساس میکنند، همانطور که صبح هم بحث شد اگر قضات تصورمیکنند یک رئیس دیوانعالی کشور و یا دادستانی که مجتهد و عادل و آگاه به زمان است اگر از طرف رهبر یا مقام رهبری نصب بشود، این برای قضات شکست و تحقیر است، تف براین تصور و این‌دید! قضات یا مسلمانند یا مسلمان نیستند، درک می کنند یا نمی کنند. اگرواقعاً مسلمان هستند باید تسلیم مقام رهبری بشوند که یک مجتهد عادل و جامع‌الشرایط و آگاه به امور و

زمان است. این چطور تحقیری است برای قضات؟ چطور کسر شأنی است برای قضات که نمی‌خواهند قبولش بکنند؟ و همچنین برای دادستان؟ این آقای دادستان که از نظر اسلامی یک مجتهد جامع‌الشرایط است یعنی تمام حقوق اسلامی را بارها و بارها تدریس کرده و حاضر الذهن است، قضاتی که مسلمان هستند قهراً او را قبول میکنند، همانطوری که رهبری راقبول کردند و رهبر را قبول کردند و اگر از نظر انسانی بنگریم این از نظر روانشناسی ثابت شده که هرکسی در هر موقعیتی از اجتماعی یا اقتصادی که باشد از نظر علمی وقتی که مورد پسند دانشجویان و حقوقدانان و اساتید قرار بگیرد همه نسبت به معلومات او تعظیم و احترام میکنند بنابراین یک دادستانی که مجتهد و جامع‌الشرایط و عادل و آگاه است چطور انسانهای حقوقدان از انتصابش و همکاری با او احساس حقارت میکنند؟! اگر ما چنین قضاتی داشته باشیم که احساس حقارت بکنند ما نسبت به‌اینگونه افراد هیچگونه اطمینانی نداریم که مردم را درمقابل آنها ودسترس آنها قراربدهیم. بنابراین ما برای‌اینکه وزنه‌ای برای دادگستریمان داشته باشیم، برای اینکه مورد اطمینان قاطبهٔ ملت ایران، چه مسلمان و چه غیرمسلمان باشد و برای اینکه پشتوانه‌ای برای ملتهای دیگری که بخواهند به دادگستری ما اطمینان بکنند، داشته باشیم باید افرادی که مورد اطمینان ملت ایران است و مورد اطمینان مقام رهبری است و از نظر دینی به او اعتماد داریم در رأس این دادسراهای گستردهٔ ما قرار بگیرند چون‌اگر دادگستری اصلاح بشود شاید خیلی از چیزها اصلاح‌بشود. تا حالا همه مردم نسبت به روش کار قضات و دادگستریها خوش‌بین نبودند و انتظار داریم بعدها خوشبین بشوند، حالا اگر رژیم قبلی رژیم طاغوتی بود ما که نمی‌خواهیم دنباله‌رو آنها باشیم. بنابراین چون بحث کافی هم شده و ازنظر واقع‌بینی هم این اصل باید حتماً این‌طور باشد و از نظر شرعی هم حکم اینجور افراد برای ملت ایران قابل پذیرش است والا طبق آیهٔ صریح قرآن طاغوت است و این آیه را هم همه آقایان می‌دانند.

**نایب رئیس** — خوب، یک موافق و یک مخالف صحبت کردند و من اینجا یک استدراکی از سخن برادر عزیزمان آقای دکتر ضیائی میکنم که در دستگاه قضائی کشورانسانها و عناصر شریفی وجود دارند و فراوان هم هستند که اینها در نظام فضیلت دولت فضیلت‌پرور می‌توانند سرمایه و نیروهای ارزنده و مؤثری باشند. خیلی از اینها به‌دلیل اینکه در نظام غلط فرار گرفته بودند استعدادهایشان نمی‌توانست شکفته و نشان داده بشود و این منحصر به قضات نیست در همه قشرهای دیگر هم وضع همینطور است. امید ما این است که این انقلاب بتواند با دست همین مردم نظامی سالم، اداری و قضائی، سیاسی واقتصادی و آموزشی و پرورشی،حتی خانوادگی بوجود بیاورد تا معلوم بشود که گنجینه ایران گنجینه پر و با ارزشی که انسانهای شایسته در آن فراوان هستند و این فرصت تاریخی برای نشان دادن آثار و ارزشهای گرانبهائی که در این گنجینه هست مورد استفاده قرار بگیرد. این استدراک من بود برچیزی که ممکن بود از تعبیر سر کار خلاف آنچه که مقصودتان بود فهمیده بشود.

**موسوی قهدریجانی** — ما همه به سبک صحبتشان اعتراض داریم . تمام این قضات و وکلا در شهرهای ایران سهم بزرگی در انقلاب داشتند . این حرفهائی که زدند شایسته نبود .

**نایب رئیس** — آقای دکتر آیت فرمایشی دارید بفرمائید.

**دکتر آیت** — توجه بفرمائید منهم به عنوان موافق ثبت‌نام کرده‌ام و چون مطلبی گفته شد که گوینده هم مقصودشان آن نبود قطعاً اکثریت قریب به اتفاق ما نسبت به قضات احترام قائل هستیم و اینها سنگری بودند که تا آخرین مراحل هم در مقابل آن طاغوت مقاومت می‌کردند و به‌همین دلیل شاه و عواملش همیشه ازدادگستری ناراضی بودند، اما علت موافقت من با این اصل این نیست که بگوئیم قضات شخصیت ندارند، بلکه قضات شخصیت دارندولی انتخاب رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور دلیل بر این نیست که‌بگوئیم چون قضات شخصیت دارند آنها را انتخاب کنند. به چه دلیل من موافقم که به همین صورت انتخاب رئیس دیوانعالی ودادستان کل کشور باشد؟یکی اینکه آن اصل قبلی عملی نبود یعنی بنا بود که اکثریت قضات دو نفر را انتخاب بکنند و رهبر، آن انتخاب را تأیید بکند. اگر منظور این بود که آنها انتخاب بکنند خوب چرا اختیار رهبر را پیش بکشیم ؟ و اگر منظور اینست که رهبرحق داشت پیشنهاد آنها را نادیده بگیرد، که این اهانت بیشتری است و بعد هم تجدید انتخابات کار بسیار مشکلی است، گذشته از آن انتخاب سه نفر از آن شورایعالی قضات هم که به عهدهٔ قضات است و از همهٔ اینها گذشته حتی در امریکا که یک کشور پیشرفته‌ای است، نه نفر اعضای دیوانعالی کشور آنجا را رئیس‌جمهور مادام‌العمر انتخاب میکند. این رامخصوصاً گفتم که این مسأله پیش نیاید که آقای دکتر غفوری اشاره کردند به اروپا و امریکا. آنجا هم می‌بینیم که اعضای دیوانعالی کشورشان انتصابی است و نه انتخابی خود قضات. بنابراین با توجه به اختیاراتی که قبلا به رهبری داده شده و با توجه به اینکه رهبری حتماً نظر قضات و مردم را در نظر خواهد گرفت و این مسأله به نفع مات ایران است و صحیح است که این دو مقام مهم را همانطورکه در اسلام هم هست که امام قضات عالیمقام را انتخاب میکرده است این دو مقام مهم به عهدهٔ رهبر باشد که بتواند از این جهت ولایت خودش را بر قوهٔ قضائیه و سایر قوه‌ها اعمال بکند.

**نایب رئیس** — اگربحث کافی‌است‌اصل رابرای‌اخذرأی بخوانیم؟ (طاهری خرم‌آبادی— مسأله عزل را اینجا قرار نمی‌دهید؟) به‌طورکلی ما راجع به عزل قضات بندی را آورده‌ایم وآن اصل ۱۴۹ است.

**طاهری‌خرم‌آبادی**— عزل از مقام دادستانی و رئیس دیوانعالی کل کشور، نه از منصب قضا. آن چیزی که داریم راجع به قاضی است. (نایب رئیس — اینها هم قاضی هستند.) بله قاضی هستند اما یک منصب خاصی دارند، نسبت به این منصب خاص در این پنج سال...

**نایب رئیس** — آنها هم تا مادام که محاکمه نشده‌اند کسی حق عزل ندارد. (دکتر آیت — من معتقد هستم که عزل را جدا بکنیم.)جدا هم هست.به هر حال این بحث بعدی است فعلا به این اصل رأی میگیریم و در اصل بعد صحبت میکنیم که آیا این شامل آنهابشود یا نشود. (حجتی کرمانی — من هم مطلبی دارم اگر اجازه بفرمائید مطرح بکنم.) خیر آقای حجتی خیلی‌ها اسم نوشته‌اند و اگر قرار بشود شما صحبت‌بکنید همه اینها باید صحبت بکنند. به هر حال یک موافق و یک مخالف صحبت کردند.

**حجتی کرمانی** — اینکه درست نیست، این مسأله‌ای است که باید مردم صحبتشان را بکنند، شما هر جا لازم میدانید مسأله یک موافق و یک‌مخالف را عمل میکنید و هرجا لازم نمی‌دانید عمل نمی‌کنید.

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۷ را برای رأی‌گیری میخوانم. (حجتی کرمانی — آقا عرض کردم بنده مطلبی دارم.) (یکنفر از نمایندگان — آقای رئیس اجازه بدهید ایشان صحبت کنند.) قبل از ایشان پنج نفر نوبت گرفته‌اند.

**دکتر قائمی** — ایشان می‌فرمایند آقایانی که قبل از آقای حجتی اسم نوشته‌اند وقتشان‌را به آقای حجتی واگذار کنند تا ایشان حرفشان را بزنند.

**ربانی املشی** — آقا این صحیح نیست، چرا دیگران وقتشان را به ایشان واگذار بکنند؟ برای اینکه اگر به ایشان اجازه صحبت ندهند ممکن است عکس‌العمل داشته باشد؟

**مکارم شیرازی** — به پیشنهاد کفایت مذاکرات رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — آقای حجتی راجع به مطلبی که جنابعالی فرمودید شکی نیست هر کس که مسئول ادارهٔ جلسه باشد حتماً قبلا نظر او در بارهٔ کیفیت اداره جلسه در چارچوب آئین‌نامه است.

**حجتی کرمانی** — عمل نمی‌کنید آقا، هرجا که لازم میدانید عمل میکنید و هرجا که لازم نمی‌دانید عمل نمی‌کنید.

**نایب رئیس** — شما اجازه بفرمائید صحبت من تمام بشود بعد. آئین‌نامه میگوید حداقل یک موافق و یک مخالف اگر لازم بود صحبت کنند بیش از آنهم تا دو نفر گفتیم در چنددقیقه کوتاه بعدش هم با تصویب جلسه. به هر حال یک موافق و یک مخالف صحبت کردند وآقای دکتر آیت هم توضیحی میخواستند بدهند که دادند پیشنهادی رسیده راجع به کفایت مذاکرات من تا کنون با رأی جلسه عمل میکردم حالا هم تابع رأی جلسه خواهم بود. (حیدری — پس بفرمائید که بیشتر از چهارنفر اسم ننویسند.) آقای حیدری گاهی دوستان فقط سؤالاتی دارند و توضیح میخواهند و یا جلوتر گفتیم اگر کسی توضیحی میخواهد که این اصل برایش مبهم است میتواند مطرح کند ولی معلوم است موافق و مخالف ده نفردر یک جلسه نمی‌توانند صحبت کنند. (حجتی کرمانی— بنده هم توضیح میخواستم.) توضیح دربارهٔ صحبت‌مطلب می‌خواهید یا توضیح دربارهٔ اصل؟ (حجتی کرمانی — دربارهٔ اصل توضیح میخواهم.)

**کرمی** — منظور آقای غفوری و آقای حجتی دیروز درمعرض آراء گذاشته شده بود ورأی نیاورد، منظور ایشان مگر دیروز همین‌جا مطرح نشد؟

**نایب رئیس** — آن اصل دیگری بود آقای کرمی. (دکتر غفوری — به هر حال ما نظر خودمان را گفتیم.) آقای موسوی تبریزی شما توضیحی میخواهید بدهید یا مخالف و موافق هستید ؟ (موسوی تبریزی — اگر اجازه بدهید این اصل که منصب قضاوت است...) اجازه بدهید بنده سؤال کردم که توضیحی می‌خواهید بدهید یا موافق و مخالف می‌خواهید صحبت بکنید؟ (موسوی‌تبریزی — خیر به عنوان موافق میخواهم صحبت کنم.) بسیار خوب اسمتان را می‌نویسم . آقای ربانی شیرازی سؤالی دارید؟ (ربانی شیرازی — من به نظرم جواب آقای غفوری داده نشد ومی‌خواستم پاسخ بدهم.) آقای‌حیدری‌شما سؤالی‌دارید یا مطلبی؟(حیدری— موافقم وتوضیحی‌دارم برای روشن شدن جواب آقای دکترغفوری.) آقای مکارم مطلبی‌دارید؟ (مکارم شیرازی— من‌موافقم.) آقای میرمرادزهی نظری دارید؟ (میرمرادزهی— من مخالفم.) آقای حجتی نظری دارید؟

**حجتی کرمانی** — من توضیح میخواهم و سؤالم این است که آیا این تعیین دادستان و

رئیس دیوانعالی کشور بوسیله رهبری، آیا از نظر فقه ما راه دیگری وجود دارد که اگر منتخبین قضات به عرض فقیه رسید و فقیه آنها را انتخاب کرد این طرز، آیا از نظر فقه ما اشکال دارد که ما آن کار را نمی کنیم یا می‌ترسیم ازاینکه خدای نکرده قضات ما یک کس بدی را انتخاب کنند ومیخواهم اضافه بکنم این مسأله را که جایش اینجاست آقای احمد خمینی پیشنهادی داد راجع به همین مسألهٔ طرز اجرای ولایت فقیه، به جای اینکه جواب داده شود که به چه صورت آیا واقعاً طرزی که ایشان گفته یا طرزی که ما داریم به صورت شورای ریاست جمهوری که می‌خواهیم ارائه بدهیم آیا به آن صورت اگر ما اجرا بکنیم برای فقیه، آیا این ولایت فقیه اجرا نخواهد شد؟ و تنهاراهش همین است که شما می‌نویسید؟ جواب بگوئید به ما ولی مافکر میکنیم که این مناصب را میتوانیم تحت نظر صحیح ولی‌امر قرار بدهیم و رهبر هم نظارت داشته باشد بدون اینکه شخصیت دیگران را ما خرد بکنیم.

**نایب رئیس** — آقای اسلشی نظری دارید؟ (ربانی املشی — بنده موافقم.) آقای جوادی فرمایشی دارید؟

**جوادی** — تذکری و پیشنهادی دارم. این مسألهٔ قضا که مجتهد میتواند قاضی باشد، نیازی به رهبر ندارد ولی این مسألهٔ ولایت است و به یک سمتی منصوب شدن است که بایدبا نصب رهبر باشد. در غیر دوره اول باید بعد از پیشنهاد شورایعالی قضائی باشد.

**نایب رئیس** — بسیار خوب دوستان مطلبشان‌را بیان کردند.(تهرانی — احتیاجی نیست جواب آقای غفوری داده شود؟) نوبت اول با آقای موسوی تبریزی است بفرمائید.

**موسوی تبریزی**— منصب قضاوت منصبی است که برادرمان آقای حجتی هم می‌دانند که در اسلام مال مجتهد جامع‌الشرایط است و اما این برادران قضات و وکلائی که در دادگستری داریم همهٔشان برای ما محترمند برای اینکه همهٔشان مسلمان هستند و برادرما هستند ولی به اعتراف خودشان یک دادگستری طاغوتی ما داشتیم که به اصطلاح اکثرشان طاغوتی‌بودند و خودشان هم از این چیزها بیزار بودند، اگر بخواهیم واقعاً منصب قضاوت را به یک کسی بدهیم که بخواهد قاضی باشد ما باید این روایت را نصب‌العین بکنیم که امام میفرمایند: «جلست مجلسالایجلس فیه‌الانبی او وصی نبی اوشقی» . رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور اینها به اصطلاح قاضی‌القضات هستند که به‌امور قضائی‌مملکت در شئون‌مختلف‌رسیدگی میکنند. این‌حق مسلم مجتهد عادل است (با حفظ شخصیت آنها) که اگر واقعاً اجتهاد دارند و و حقاً اشغال منصب قضاوتشان تا حالا شرعی بوده‌است و اشکالی ندارد با اجازهٔ مجتهد عادل باشد، بنابرآنکه توکیل درقضایا مثلا مأذون ازطرف مجتهد بودن جائز باشد کما اینکه بعضی ازآقایان دراین اصل از نظر محتوا مطابق حاق حقیقت اسلامیش در باب قضا میدانند،نمی‌دانم آقای حجتی کجایش اشکال دارد؟

**نایب رئیس** — لطفاً بحث دو نفری نفرمائید . به هر حال به نظر من آقای موسوی هم نکته را پاسخ ندادند اگر آقای ربانی جنابعالی توضیحی دارید بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — در اصل ۸۷ تصویب کردیم که نصب عالیترین مقام قضائی با رهبر است این چیزی‌است که تصویب‌شده و گذشته‌و رفته است. آقای‌دکتر غفوری به‌نظر من چیزی مخالف نمی‌گویند طریق نصب این را بیان میکنند. رهبر اگر بخواهد دادستان کل کشور یا رئیس دیوانعالی کشور را نصب کند بی‌حساب (گتره‌ای) که نصب نمیکند مسلماً قضات‌آگاه

به امور قضائی را علاوه بر عدالت و اجتهاد در نظر میگیرد یعنی از بین قضات او را انتخاب میکند، قهراً رهبر با قضات عالی کشور تماس میگیرد و با آنها مشورت میکند و فردی که واجد شرایط و صلاحیت باشد از بین آنها انتخاب میکند. جنابعالی فقط میگوئید طریق را اینجابنویسید ما میگوئیم طریق دیگر احتیاج ندارد، خود ایشان عاقل است طریقش را میداند چگونه عمل کند. (همهمه نمایندگان).

**نایب رئیس** — ما مطابق آئین‌نامه به دوستان نوبت صحبت میدهیم اما به شرطی که جداگانه با هم مباحثه نفرمائید.

**کرمی** — این اصل دیروز مطرح شد (نایب رئیس — این اصل، اصلا مطرح نشده است) اگر آقایان در اینجا هم مخالفت میکنند و دیروز هم رأی نیاورد بدیهی‌است که این اصل از کار می‌افتند. کاری بکنید که این اصل تصویب بشود.

**طاهری اصفهانی** — خواستم خدمت آقای کرمی توضیح بدهم دیروزکه رأی نیاورد شاید به خاطر همان جمله‌ای بود که امروز در کمیسیون اصلاح شد.

**نایب رئیس** — من که عرض کردم این اصل دیروز مطرح نشد چون به این شکل نبود گفتم. اصل ۱۴۷ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۱۴۷ — رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور باید مجتهد، عادل و آگاه به‌امور قضائی باشند و بوسیلهٔ رهبری برای مدت پنجسال به این سمت منصوب میشوند.

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام رأی‌گیری پنجاه و چهار نفر، تعداد کل آراء پنجاه و چهار رأی، آراء موافق چهل و شش رأی، آراء مخالف سه رأی، آراء ممتنع پنج رأی، تصویب نشد.

**هاشمی‌نژاد** — اگر اضافه بفرمائید «با مشورت قضات» این اصل تصویب میشود.

## ۳— طرح اصل ۱۴۹

**نایب رئیس** — پیشنهادها فردا صبح در جلسهٔ گروهها مطرح میشود. اصل ۱۴۹ قرائت میشود.

اصل ۱۴۹ — قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد. نقل و انتقال دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین میکند صورت میگیرد.

**نایب رئیس**— دوستانی که اسم نوشته‌اند من می‌پرسم ببینم مخالفند یا موافق یا سؤال دارند. آقای منتظری شما؟ (منتظری — من مخالفم.) آقای رحمانی شما؟ (رحمانی — منهم مخالفم.) آقای مکارم نظر شما چیست؟ (مکارم شیرازی — من موافقم.) آقای صافی شما؟ (صافی — بنده هم سؤالی دارم که تقریباً مخالف هستم.) آقای پرورش؟ (پرورش — من در قسمتی از این اصل اشکال دارم.) آقای اشراقی؟ (اشراقی — من موافقم.) آقای دکترغفوری؟ (گلزاده غفوری — درمورد قضات محاکمش صحیح است یا غیر محاکمش مخالف هستم.)

آقای بنی‌صدر؟ (بنی‌صدر — اینطور که معلوم است امروز این اصل رأی کافی نمی‌آورد.) اینجا شش نفر مخالف اسم نوشته‌اند که اگر بقیه موافق باشند اصل تصویب میشود.

**طاهری اصفهانی** — چند نفر شاید رأی ممتنع بدهند بنابراین تصویب نمی‌شود و وقت را میگیرد.

**سبحانی**— اشکال عمده برسر محاکم است. شما اگر قضات محاکم را بفرمائید اشکال برطرف میشود.

**ربانی املشی** — این اصل را به دو قسمت تقسیم کنید تا بتوانید رأی بگیرید. یکی‌مربوط به‌قضات محاکم یکی‌هم مربوط به قضات تحقیق. اگر بخواهیداین‌دوتارا مخلوط کنید یک‌عده به‌خاطر این که با آن طرف مخالفند رأی نمی‌دهند وعده دیگر برعکس. (سبحانی — اشکال‌سر همین است.)

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قضاتی که از طرف شورایعالی قضائی منصوب‌میشوند مثل سایر مقاماتی که از بالاتر منصوب میشوند آن مقام بالاتر که نصب میکند همیشه محیط است به‌وضع شورایعالی قضائی، به تمام اوضاع قضائی کشور احاطه دارد میداند که مثلا کجا احتیاج به قاضی دارد و کجا احتیاج ندارد کمبود دارد، کمبود ندارد، خود قضات را می‌شناسد، روحیهٔ قضات‌را تشخیص‌داده، آنوقت همانطورکه من عرض میکردم ممکنست که یک قاضی در یک منطقه‌ای کاری که سبب انفصال از خدمت بشود یا جرم باشد، نداشته باشد اما در عین حال سرامش جوری است که اکثریت مردم‌آنجابا اخلاقش جوردرنیامده‌اند و آن‌شورایعالی قضائی تشخیص میدهد که اگر او را بفرستددر یک استان دیگری با مردم آن استان روحیه‌اش بهتر وفق میدهد و یا مثلا شورایعالی قضائی تشخیص میدهد در فلان استان کارهای حساسی را انجام میدهد درصورتیکه وجودش در فلان استان الان معطل است و اگر شما میگوئیدقضات بایستی تأمین داشته باشند یک وقت بود که یک وزیر دادگستری تنها تصمیم میگرفت یک قاضی را جابه‌جا بکند آنهم در زمان طاغوت بود مثلا ممکن بود اینجا برخلاف منطق اعمال نفوذ بکند اما حالا شما فرض کرده‌اید که شورایعالی قضائی دارید و پنج نفر مجتهد عادل هستند. اگر پنج نفر مجتهد عادل آگاه به اوضاع قضائی کشور تشخیص بدهند که فلان قاضی در فلان منطقه وجودش ضرر دارد ولو اینکه گناهی هم نکرده باشد، اخلاقش با مردم آنجا جور در نمی‌آید یا وجودش درفلان منطقه ضرورت دارد. اینجا با اینکه پنج نفر مجتهد عادل و آگاه تشخیص دادندمعذالک ما میگوئیم نه، این قاضی در آن منطقه که هست مردم هم ازدستش ناراضی هستند، همینطور بماند تا دوره‌ای بخواهند قضات را نقل و انتقال بدهند یا مثلا آن منطقه که احتیاج بوجود این قاضی دارد و این قاضی با آن درایتی که دارد اگر آنجا برود اوضاع آن منطقه را سر و سامان میدهد ما بگذاریم اوضاع آنجا همینطوردرهم ریخته باشد؟ آن قاضی هم آنجا ساکن باشد؟ این به نظر من درست نیست و باید بنویسیم اگر مجرم یا متهم شد به اتفاق آراء اگر شورایعالی قضائی که پنج نفر مجتهد عادلند تشخیص دادند که این‌قاضی بایستی محلش تغییر کند، دولت بتواند تغییرش بدهد. مثلا فرض کنید یک قاضی در یک منطقه‌ای است رئیس دادگستری آن منطقه میخواهد او را تغییر بدهد نه، اینجور نباشد. بنویسیم تغییر محل مأموریتشان جایز نیست مگر جائی که شورایعالی قضائی به اتفاق آراء

تشخیص بدهند که محل خدمتش باید تغییر بکند. اگر این‌جور نباشد به نظر من درست‌نیست.

**نایب رئیس** — آقای مکارم به عنوان موافق صحبت می‌فرمایند.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بحثی که داشتند در دو قسمت بنده جواب‌عرض می‌کنم. اول این است که عزل و نصب قضات به دست آن شورایعالی با مقام عالی‌هست و نقل و انتقالش هم همچنین، و ما چه دلیلی داریم که آن شورایعالی را مخلوط کنیم به اینکه از این اختیارش صرفنظر کند. جواب این مطلب همان است که در جلسهٔ مشترک گروهها هم گفته شد و آن این است که حتی ولی‌امر مسلمین که اختیار بسیاری از مسائل را دارد آنچنان نیست که اختیارش بی‌قید و شرط باشد، هر کار که دلش خواست بکند بلکه‌او مصلحت است و غبطه مردم را در نظرمی‌گیرد. اگر یک‌جا دیدیم مصلحت است ایجاب میکند که قاضی‌رابه‌آسانی از سرجای خودش تکانش ندهند و حتی مسأله را به صورت‌یک ضابطهٔ کلی در بیاورند تا یک امنیت خاطری به قضات بدهند ، مصلحت است این را ایجاب میکند اما در عصر و زمان ما اینچنین است که ما باید به‌قاضی امنیت بدهیم ولی‌این‌مصلحت ایجاب میکند که به‌صورت‌قانون کلی دربیاید. بنابراین شخص ولی‌امر هم اگر بخواهد چنین کاری را بکند شرعاً موظف است رعایت این مصلحت است را بکند و اختیار مطلق در این مسائل‌را ندارد این یک مطلب. اما مطلب دیگر که ایشان فرمودند، خوب گاهی یک قاضی را در یک نقطه‌ای اگر مردم نپسندیدند و این پنج نفر مجتهدی که در شورایعالی قضائی هستند مصلحت می‌بینند بجای دیگری برود. خوب این بیانی که ایشان کردندیک مصلحت نادری است، نادر هم نباشد در مقابل آن مصلحت امنیت قضات قابل مقایسه نیست. ما همیشه در مسائل اجتماعی‌گرفتار امر بین‌المحظورین هستیم باید اهم و مهم را در نظر بگیریم، مسلم مصلحت امنیت قضات‌خیلی بالاتر از این مصداقی است که آقای منتظری فرمودند و اما آخرین جمله‌ای که فرمودند این جمله بود که آنجا پنج نفر مجتهد عادل نشسته‌اند خوب، آنها معصوم که نیستند اگر مابخواهیم قضات رامدام تکان بدهیم‌مردم یک‌محل برخلاف این قاضی که رعایت عدالت کرده است مدام به‌شورایعالی طومار رد می‌کنند، شورایعالی هم بشری است مثل بقیهٔ بشرها، اگرتحت تأثیراین طومارها واقع شد و این قاضی را تغییر مکان داد، امنیت قضات از بین میرود ولو آنها مجتهد و عادل بوده باشندبنابراین، این اصل‌مصلحت‌است که به‌همین صورت باشدو قضات یک‌امنیتی داشته باشند. حالا آقایان درکلمهٔ قاضی محاکم و قاضی ایستاده و قاضی نشسته بحث دارند آن یک مسأله‌ای است قابل بحث و من پیشنهاد میکنم روی آنهم ما با دست رأی بگیریم که ما ببینیم اگر اشکال مخالفین این است، این‌مشکل هم حل بشود.

**سبحانی** — قضات محاکم و غیر محاکم را به رأی بگذارید تا مسأله روشن بشود والا این اصل تصویب نمی‌شود.

**نایب رئیس** — پس ناچاریم این اصل را برگردانیم و دو اصل بکنیم و بیاوریم اینجا مطرح بکنیم. (ربانی املشی — اصل پیشنهادی از اول دو قسمت بود.) الان اصلی که اینجا مطرح است اصل پیشنهادی به حساب می‌آید. (تهرانی — اول به محاکم رأی بگیرید.)

**یزدی** — دراسلام قاضی نشسته و ایستاده فرقی با هم ندارند. آنها که مخالفند از نظر شرعی دلیلشان را بگویند تا ما تصمیم بگیریم.

**نایب رئیس** — آقایان دکتر غفوری و خامنه‌ای به‌عنوان مخالف و موافق در این زمینه

صحبت می کنند. آقای دکتر غفوری شما بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — توجه کنید معنی ایستاده و نشسته این است که ما یک قضائی داریم که به آن میگویند تحقیق، یعنی بازپرس، دادیار حتی خود دادستان وقتیکه کیفرخواست میدهد در مجلس محاکمه می‌ایستد، حرفش را میزند نشسته، حق رأی دارد، همه را گوش میکنند موافق و مخالف و وکیل و غیر وکیل را آخر سر با متانت خودش و با عدالت خودش رأی صادر میکند آن قضات محاکم چون تصمیم نهائی را میگیرند چون در یک شهری و در یک پستی حافظ عدالت هستند اگر دستخوش تغییرات بشوند نقض غرض میشود. این برای اینکه پرونده دست نخورد و به هم نخورد و عدالت دستخوش تغییرات متنفذین نشود، میگویند قاضی نشسته یعنی قاضی صاحب رأی یعنی در یک محکمه یک کسی که رأی میدهد (یا سه نفر، بستگی به وضع دارد) قضات ایستاده یعنی بازپرس، دادیار، دادستان، اینها که تحقیق کرده‌اند پرونده را تا حد محکمه آورده‌اند، در محکمه هم دفاع می کنند، یعنی یکی ازطرف این، یکی از طرف آن خلاصه مدافع یک طرفه است قاضی نشسته بیطرف است، همه اینها را رعایت میکند بازپرس مثلا طرفدار حکومت است میگوید این آقا جرم برخلاف مصلحت عامه کرده است، دادستان کیفرخواست میدهد ولی قاضی بیطرف است یعنی متهم که آنجا نشسته است نسبت به قاضی به نظرم احترام نگاه میکند، حرف دو طرف را گوش میکند و رأی میدهد اما قضات تحقیق مثل سایر مأموران دولت هستند... (یزدی — در شرع وضع قضات یکسان است.)

**نایب رئیس** — منظور آقایان این است که شما استدلال فقهی و حقوقی و اجتماعی‌تان براینکه چرا باید قضات ایستاده انتقالشان به دست رؤسا و مسؤولان باشد ولی قضات محاکم یا قضات نشسته انتقالشان به دست آنها نباشد چیست؟ آقایان فرق بین قاضی نشسته و ایستاده را می‌دانستند می‌پرسیدند چه تفاوتی اینها دارند از آن نظر که اینها میخشان محکم باشد ولی بازپرس را مثل توپ فوتبال هر وقت خواستند اینطرف، آن طرف ببرند.

**یزدی** — همهٔ این تعریف‌ها معلوم است، این آقای بازپرس از نظر شرعی قاضی است یا نه؟

**خامنه‌ای** — اولا همانطور که آقای یزدی گفتند در اسلام بین درجات و مراحل قضاوتی فرقی نگذاشته‌اند، در اسلام قاضی تحقیق از اول شروع به رسیدگی میکندتا تمام شود حالا می‌توانند دو تا قاضی اینکار را بین خود تقسیم کنند مرحله دادسرائی و مرحله دادیاری باشد این یک نوع تخصص است و پا در فقه فرقی بین این دو تا نداریم و محکومیم که این وحدت راحفظ کنیم، ثانیاً بازپرس یا دادیار تحقیق یا دادستان این اشتباه است که بگوئیم حکم نمیکند، حکم قطعی به صورت اصطلاحی دادگاهها که بلافاصله مجازات میکنند آنرا صادر نمی کنند والا مقامات دادسرائی یعنی این قضات تحقیق قرار صادر میکنند و این خود یک‌نوع رأی هست رأی معنای اعمی دارد و به موجب این قرار یک متهم را آزاد میکنند دیگر شماچه میخواهید؟ قرار منع تعقیب صادر میکنند و آزاد میکنند موقوفی تعقیب صادر میکنند و آزاد میکنند اینها همه مراحل حکم است یکی از مراحلش این است که قرار مجرمیت صادر میکنند و او را تحویل دادگاه میدهند، پس آن شخصی که اینکار را میکند از لحاظ معلومات قضائی از لحاظ صلاحیت قضائی با آنها هیچ فرقی ندارد این از نظر تئوری، اما از نظر عملی ما هرجا

دیدیم آنکه بیشتر در معرض فشار دولتها و نیروهای حاکم بود، بازپرسها بودند.

در سال سی و چهار یا سی و پنج بود که یکی از بازپرسها که خیلی معروف است و اغلب او را میشناسید ایشان به صرف اینکه یکی از شاپورها را احضار کرده بود او را از مقامش منفصل کردند یا یکی از مفاخر دادگستری گفت من دادستان شهر خودم بودم عموی من مالک آنجا بود و یکی از رعایای آنجا را کشته بودند و عموی من میدانست که من حکم برحق خواهم داد به پول آنزمان مقدار هنگفتی در تهران پول داد و مرا عوض کردند این اعترافی بود که قاضی میکرد و اگر قاضی نشسته بود عوضش نمی‌کردند قاضی ایستاده بود عوضش کردند و پرونده لوث شد رفت این علاوه براینکه مدرک شرافت بسیاری از قضات هست این خطر را نشان میدهد که دادسرائی‌ها همیشه در معرض این خطر انتقال بوده‌اند علیهذا علاوه براین که در فقه بین قضات تفاوتی نیست این خطری که ما از آن میترسیم در بازپرسهای دادسرا بیشتر بوده است سنتها بعضی از آقایانی که قضات نشسته بودند خوب چون چهل، پنجاه سال عادت کرده‌اند یک خورده برایشان نا مأنوس بود که برای دادسرا، هم این حق را قائل بشویم و به نظر من اول دادسرا است، بعد آنها برای اینکه مراحل اولیهٔ بازپرس را آنها انجام میدهند در سال پنجاه و هفت هم بنده خودم دیدم که به علت همین امکاناتی که دولت داشت بسیاری از کارهای ظلم را انجام داد.

**نایب رئیس** — خوب، اصل ۱۴۹ برای رأی‌گیری با ورقه خوانده میشود.

اصل ۱۴۹ — قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین میکند، صورت میگیرد.

**نایب رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هشت‌نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و هشت رأی، آراء موافق چهل و پنج رأی، آراء مخالف هفت رأی، آراء ممتنع شش رأی، رد شد.

## ۴ — طرح اصل ۱۵۰

**نایب رئیس** — اصل بعدی یعنی اصل ۱۵۰ مطرح است از آقای دکتر آیت خواهش میکنم قرائت بفرمایند.

اصل ۱۵۰ — محاکمات، علنی انجام میشود و حضور افراد برای تماشا بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا اخلاق حسنه یا نظم اجتماعی باشد، یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**نایب رئیس** — آقای تهرانی پیشنهادی نوشته‌اند که: «محاکمات علنی انجام میشود» کافی است و جملهٔ «حضور افراد برای تماشابلامانع است» زائد به نظر میرسد. اگر دوستان هم موافقند که این جمله زائد است آن را حذف کنیم.

**طاهری اصفهانی** — وقتی می‌گوئیم محاکمات علنی است، یعنی تماشاچی هم میتواند در

آن جلسات شرکت کند، بنابراین موافقیم که آن جمله حذف شود.

**نایب رئیس** — آیا دوستان دیگر هم همین نظر را دارند؟ یعنی با پیشنهاد آقای تهرانی موافقند؟ (اکثر موافق بودند) بنابراین می‌نویسیم «محاکمات علنی انجام میشود مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی الخ...» آقای رحمانی فرمایشی دارید؟ (رحمانی — این اصل وجه شرعی ندارد.) آقای کرمی شما؟ (کرمی — عرض میشود که...) آقای کرمی موافقید یا مخالف؟ (کرمی— با یک قسمتش مخالفم.) بسیارخوب،آقای دکتر غفوری؟ (دکتر غفوری — به این صورت مخالفم.) آقای تهرانی؟ (تهرانی — همان پیشنهاد بود که تصویب‌شد.) آقای پرورش؟ (پرورش — با قسمتی از آن مخالفم.) آقای منتظری؟ (منتظری — من پیشنهاد اصلاح عبارتی دارم.) آقای دکتر ضیائی؟ (دکتر ضیائی — موافق.) آقای خامنه‌ای؟ (خامنه‌ای — پیشنهاد اصلاحی دارم.) آقای مکارم شما؟ (مکارم — بنده یک تذکر دارم.) آقای دکتر آیت؟ (دکتر آیت — تذکر دارم.) آقای کریمی؟ (کریمی — سؤال دارم.) آقای فوزی؟ (فوزی — همان مطلبی بود که گفته شد.) آقای حجتی شما؟(حجتی کرمانی «نظم اجتماعی» که در اینجا آمده به نظر من کشدار است.) (دکتر آیت— پس شما مخالفید؟) آقای حیدری؟

**حیدری** — من پیشنهاد میکنم عبارت بدینصورت نوشته شود: «علنی بودن محاکمات بلامانع است».

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای رحمانی به عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

**رحمانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این اصل ریشه فقهی و قرآنی ندارد، و اینگونه اصول در قانون اساسی ذکر نمی‌شود. محاکمه علنی باشد یا نباشد، فرضاً لازم باشد که علنی باشد، چه کاری با قانون‌اساسی‌دارد؟ برای‌اینکه تالی‌فاسد رفع شود عبارت «وحضور افراد برای‌تماشا بلامانع است» را حذف کردند. بعد دیدیم آقایان میگویند این عبارت زائداست و علنی هم‌همان معنی را می‌دهد. پس وقتی می‌گوئیم محاکمات علنی است این، به طور مطلق است یعنی همهٔ محاکمات علنی خواهد بود، واگرهمه محاکمات علنی باشد اشکالاتی دارد که عرض می‌کنم. اول اینکه هرچه افراد بیکار در شهرها هستند از فردا که محاکمات علنی شد برای تماشا می‌روند و دادگستری باید محلی باشد که برای حفظ انضباط خودش احتیاج داشته باشدبه‌بسیج نیروهای انتظامی شهر، چون همهٔ افراد بیکار شهرکه کاری ندارند چیزی بهتر از این سراغ ندارند که بروند محاکمهٔ مثلا یک دعوائی را تماشا کنند.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی الان هم که بعضی محاکمات علنی است مردم چنین نمی‌کنند، چرا؟

**رحمانی** — برای اینکه تا به حال درقانون اساسی تصریح نشده بود. (دکتر آیت —چرا، در قانون قبلی هم بود.) اکنون که شما در قانون اساسی این را تجویز و تشویق میفرمائید مردم خیال میکنند این کار یکی از وظایفشان است. به هرحال بنظر من این اصل هیچ‌شرعیت ندارد. یعنی اگر شما بخواهید در اینجا قید کنید که محاکمه باید علنی باشد، چنین چیزی در فقه و اخبار اصلا وجود ندارد. (بنی‌صدر — آقا در اصل ۷۶ متمم قانون اساسی سابق هم آمده که محاکمات علنی است.) دوم اینکه با توجه به اجتماع مردم در دادگاه امکان اینکه طرفین دعوا به طور عادی بتوانند از خود دفاع کنند، احقاق حق کنند، در یک محضری که عدهٔ

زیادی آنجا اجتماع کرده‌اند، امکان‌پذیر نیست. یعنی ممکنست برای طرفین، طرح دعوابصورت مطلوب و احقاق حق و دفاع غیرمقدور باشد. وجه دیگر اینست که ما کاری نداریم که تا کنون محاکمات علنی بوده، چون به نظر من آن محاکماتی که باید علنی باشد علنی نبوده ولی آن محاکماتی که نباید علنی باشد، علنی بوده است. محاکمات سیاسی باید علنی باشد آنهم در مواردی که حق از کسی که او را به بند و زنجیر کشیده‌اند، تضییع نشود.

**یزدی** — اگر میفرمائید که علنی بودن محاکمات وجه شرعی ندارد، پس علنی بودن محاکمات سیاسی هم که تأکید میکنید باید علنی باشد، وجه شرعی ندارد.

**رحمانی** — من نظرم به این نبود که بگویم محاکمات نباید علنی باشد. این را بگذارید که بعداً مجلس شورای ملی تحقیق کند و مواردش را معین کند. شما اینجا در راه ایجاد محاکمات مانعی به وجود نیاورید، اجازه بدهید موارد آنرا قانون معین کند. مثلا اگر لازم‌بداند محاکمات سیاسی را علنی اعلام کند و بعضی مواردهم بطور مطلق باشد.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، متشکر... (رحمانی — اجازه بفرمائید مطلب تمام شود.) هنوز مطلب هست؟

**رحمانی** — بله، اگر چنانچه این اطلاق را بگذارید که محاکمات باید علنی باشد، ازشما سؤال میکنم که اگر فردا «علنی بودن» اینطور توجیه شود که مردم باید در محاکمات برای تماشا بروند، آیا اجازه می‌دهید که بانوان بروند و در معرض تماشای مردم بدون جهت قرار بگیرند و بانوان دیگری که تقیددارند نتوانند بروندو با کمال آرامش و امنیت از حقوق‌خودشان دفاع کنند؟

**یزدی** — این مطلب را در ذیل همین اصل استثناء کرده‌اند. (رحمانی — کجا استثناء شده است؟) مسائل خانوادگی مستثنی شده است آقای رحمانی.

**رحمانی** — در کجا مسائل خانوادگی استثناء شده؟

**هاشمی‌نژاد** — در ذیل همین اصل گفته شده که محاکماتی که منافی عفت عمومی یا اخلاق حسنه باشد، استثناء است یعنی علنی نخواهد بود.

**نایب رئیس** — اجازه بدهید ایشان حرفشان را تمام کنند. آقای رحمانی اگر مطلب جدیدی دارید، ادامه بدهید.

**رحمانی** — مقصود شما از اینکه بگوئید محاکمات‌باید علنی باشد، اینست که اعلام کنید که به ملت آزادی داده‌ایم و کسی نمی‌تواند ظلم کند ولی این، آزادی نیست اختناق است. شما الزام کرده‌اید که باید محاکمه علنی باشد. آخر چرا باید علنی باشد؟ حقش را برده‌اند و فردا هم مردم جمع شوند و از در و دیوار بالا روند که محاکمه‌اش را تماشا کنند و او نتواند از حقش دفاع کند؟ چرا؟ مخصوصاً بعضی قشرها که تقید دارند. (نایب رئیس — آقای رحمانی وقت شما تمام است.) مطلب دیگر اینکه تناقضی است بین اینکه در اینجاهتک حرمت میشود و اینهم قابل انکار نیست و واضح است. حداقل متهم است و این متهم، به همین نسبت مورد هتک حرمت و احترام واقع میشود که مردم را دور او جمع کرده‌اند و او را در چنین وضعی محاکمه می‌کنند، درحالی که حفظ حرمت حیثیت و حقوق مجرم را هم دراصل ۴۳ رعایت کرده‌اید. این، مطلبی بود که عرض کردم و بعد خودتان میدانید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی به عنوان موافق بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — چون به حد کافی بحث شده است من از همین جا چند کلمه‌ای عرض می‌کنم. علت اینکه این جمله حذف شد، چون علنی بودن محاکمات و اینکه تماشاچی خواسته باشد حضور پیدا کند یا نه، مستلزم این معنی نیست و حذف شد. و اما اینکه فرمودند دلیل شرعی و ریشه فقهی ندارد، ما آنکه می‌خواهیم منع شرعی است و الا اصل فقه، جوازاست و اصالت الجواز و اصالت‌الاباحه. این یک دلیل، و دلیل دوم، یکی از دلایل فقهای است بعد از زمان پیغمبر اکرم تاکنون، سیره است،سیرهٔپیغمبر(ص) و سیرهٔ ائمه‌طاهرین نه‌فعلشان یعنی تقریر. سیرهٔ قضات بعد از پیغمبر اکرم هم همینطور بوده که محاکمات سری نبوده است. بنابراین روش پیغمبر (ص) و روش علی (ع) و همچنین روش قضات بعد از ایشان، برای ما یک دلیلی فقهی خواهد بود. و اما اینکه فرمودند اجتماع افراد بیکار برای تماشای... (سبحانی — آقای رحمانی که مخالف بودند رفتند بیرون!) (همهمه نمایندگان) (عده‌ای از نمایندگان — پس دراین مورد دیگر جواب لازم نیست!) اجازه بفرمائید، این هم که فرمودند نمی‌شود احقاق حق کرد، کسی که دلیل کافی داشته باشد اگر افرادی هم حضور داشته‌باشند خیلی بهتر می‌تواند احقاق حق کند و از خودش دفاع نماید. اینکه میفرمایند این اصل دلیل شرعی ندارد پس چطور آقای رحمانی می‌گویند که در بعضی موارد علنی بودن محاکمات لازم است؟! اگر حرام است و دلیل شرعی ندارد پس در همهٔ موارد حرام‌است و دلیل شرعی ندارد. و اما مطلب دیگری که در مورد شرکت بانوان در محاکمات فرمودند، در همین اصل قید شده است که اگر برخلاف عفت عمومی و یا خانواده و یا اطفال یا برخلاف اخلاق حسنه باشد، قاضی برای حفظ شئون خانواده، چنین محاکمه‌ای را سری اعلام می‌کند و اتفاقاً این استثنای خوبی است که در این اصل گذاشته شده. و مطلب آخر که فرمودند تناقض خواهد بود، و اگر محاکمه‌ای علنی شود برای متهم هتک‌حرمت‌میشودمن‌نمی‌دانم کسی که‌متهم‌شده،بازپرسی شده و به کلانتری رفته و پرونده‌ای برای او تشکیل شده، اگر در محکمهٔ عدل و در حضورعده‌ای حاضر شود و از حق و حقوق خودش دفاع کند، به حیثیتش لطمه می‌خورد و هتک حرمت میشود؟!

**منتظری** — پس حالا که جواب همه را دادید، جواب اشکال مرا هم بدهید. (ضیائی — بفرمائید، اشکالتان چیست؟) در اینجا آمده که: «... یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» حالا اگر یکی از طرفین هم تقاضا کند، چون دعوای خصوصی است باید حقش رعایت شود.

**دکتر ضیائی** — همیشه کسی که متهم یا مجرم است، قهراً یک دلایلی برای اتهام‌وجرم او در دست محکمه خواهد بود و بدیهی است که متهم معمولا نمی‌خواهد مردم قضیه رابفهمند و در نتیجه می‌خواهد که محکمه سری باشد، و در اینجا وقتی که اختیار در دست او نباشد، در دست قاضی باشد و بداند که این شخص متهم موقعیتش طوری است و یا جرم به‌گونه‌ایست که اگر مردم جمع شوند در حضور آنها نمی‌تواند از خود دفاع کند و دلایل کافی اقامه‌نماید، حدود گناه و حدود مورد اتهام و جرم نمی‌گردد و «اتقوا من مواضع التهم» را مراعات می‌کند. ولی اگر دعوای خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محکمه سری باشد، قبول یا عدم قبول‌این تقاضا، باز به نظر قاضی است. البته اگر افراد دیگر ملت در این دعوا سهمی نداشته باشند،

و چنین تقاضائی هم از طرفین دعوا شده باشد، چه اشکالی دارد که قاضی دعوت آنها را دربارهٔ سری بودن محاکمه قبول کند؟

**منتظری** — شما همیشه متهم را گناهکار فرض می‌کنید؟ ممکن است متهم گناهکارنباشد.

**دکتر ضیائی** — متهم گناهکار است دیگر!

**نایب رئیس** — متشکر، آقای مکارم تذکر شما چه بود؟

**مکارم شیرازی** — بنده راجع به «اخلاق حسنه» می‌خواستم عرض کنم که این مطلب با این وسعت، دست قضات را در سری کردن محاکمات باز می‌گذارد. باید بگوئیم چیزی که مضر است و موجب فساد در جامعه میشود، والا «اخلاق حسنه» به طور مطلق معیار و ضوابطی نمی‌تواند داشته باشد و هر کسی از «اخلاق حسنه» تعبیری می‌کند.

**نایب رئیس** — یعنی پیشنهادتان اینست که بنویسیم: «مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن موجب فساد اخلاق و منافی عفت عمومی یا نظم اجتماعی باشد»؟ (یزدی — موجب فساد غلط است، اشاعه فساد صحیح است.) آقای دکتر آیت تذکر شما چیست؟ (دکتر آیت — تذکر من در مورد محاکمات سیاسی است.) اینکه بعد می‌آید. (دکتر آیت — اگر بعداً آمده حرفی ندارم.) آقای کریمی سؤال جنابعالی چیست؟

**کریمی** — عرض من این بود که از سیرهٔ متشرعه، جواز علنی بودن دادگاه را استفاده کردیم و مصلحت است ومصلحت قضات وعدالت علنی بودن را ایجاب کرد، پس چرانوشته‌اید «محاکمات علنی انجام میشود»؟ باید بنویسید «محاکمات باید علنی باشد» یعنی الزام به علنی بودن باشد.

**نایب رئیس** — وقتی می‌گوئیم محاکمات علنی انجام میشود، همین معنی را می‌دهد. (منتظری — آقای کریمی جمله خبریه که تأکیدش زیادتر است.) آقای حجتی کرمانی تذکر شما چه بود؟

**حجتی کرمانی** — عرض من این بود که «نظم اجتماعی» ممکنست بهانه‌ای باشد برای عده‌ای که محاکمات را سری اعلام کنند.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای پیشنهاد اصلاح‌عبارتی شما چیست؟

**خامنه‌ای** — عرض کنم که اولا شما فرض کرده‌اید که دعاوی دو طرف داشته باشد، در صورتیکه بعضی‌دعاوی است که یکطرف بیشتر ندارد، ولی دم هم ندارد، قاتلی است که دادستان او راتعقیب کرده، در اینجا رضایت طرفین چگونه اجرا میشود؟ متهم هم که احتمالا محکوم خواهد شد ذینفع است در اینکه محکمه سری باشد. برای اینکه بعد از محکومیت‌بیاید و ندانند که او چه کرده است. ثانیاً اصل این اصل برای محاکمات کیفری و جزائی است،یعنی در محاکمات جنحه و جنایت است که تماشاچی برای تماشا میرود والا دو نفر که سرطلبی باهم دعوا دارند، این مسأله دیگر مطرح نیست که تراضی باشد. البته محاکمات خانوادگی‌استثناء است یعنی با وجودیکه دعوای خانوادگی حقوقی است، حرمت خانواده اقتضا می‌کند که سری باشد. بنابراین در دعاوی خصوصی که طرفین دعوا می‌توانند تقاضای سری بودن بکنند، هیچ خاصیتی‌ندارد. چون اولا اعم ازخانواده است و به‌علاوه شمول ندارد، زیرا شمولش درمحاکمات کیفری معلوم نیست که شاکی خصوصی و به اصطلاح طرف دوم داشته باشد.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای! نوشته شد: «اگر در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا

کنند.» پس اصلا دعاوی غیر خصوصی خارج است. عرض کنم که آقای خادمی یک تذکری صبح فرمودند و حالا هم مرقوم فرموده‌اند که باید در جوابشان عرض کنم وقتی می‌گویند محاکمات علنی است یعنی به ترتیبی برگزار میشود که حضور افراد در آن بلامانع است. عبارت «محاکمات علنی انجام میشود» خبر در مقام انشاء است و معنایش اینست که باید علنی باشد، یعنی درست معنی این جمله را می‌دهد که محاکمات به صورتی باشد که حضور افراد در آن بلامانع باشد. این مطلب برای دوستان ایجاد شبهه نکند.

**صافی** — اگر عبارت را اینطور اصلاح کنیم که «انجام محاکمات به‌طور علنی، بدون‌مانع است مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی و موجب هتک شرف اشخاص باشد الخ...» همه رأی می‌دهند و جمله هم بهتر خواهد بود. (نایب رئیس — این متن هم درست همان‌است که میفرمائید.) شما نوشته‌اید «محاکمات علنی انجام میشود» واین مثل خبر در مقام انشاء است.

**نایب رئیس** — خوب، خبر در مقام انشاء یعنی چه؟ (صافی — خبر در مقام انشاءیعنی «باید» ) باید علنی باشد یعنی چه؟ یعنی باید در دادگاه برای همه باز باشد.

**صافی** — بنده عرض می‌کنم که انجام محاکمات به طور علنی بدون مانع است. باید اینطور نوشته شود.

**نایب رئیس** — جناب صافی، این درست مثل این است که من بگویم نوشیدن آب در اینجا باید مباح باشد. این «باید» به اباحه برمی‌گردد. وقتی می‌گویند محاکمات‌بایدعلنی‌باشد، یعنی باید حضور افراد در آن مباح باشد.

**مکارم شیرازی** — ایشان چیز دیگری می‌گویند. می‌گویند مجازات سری باشد.

**نایب رئیس** — ما می‌گوئیم محاکمات باید علنی باشد مگر وقتی که هتک حرمت افراد پیش می‌آید.

**صافی** — قاضی اگر خواست باید بتواند محاکمه را سری اعلام کند. (نایب رئیس — یعنی به میل خودش؟) بله، اگر مصلحت دانست.

**نایب رئیس** — آخر مصلح غیر از میل شخصی است. ما هم در اینجا نوشته‌ایم که‌اگر مصالح نظم عمومی، اخلاق عمومی یا هتک حرمت اشخاص در میان باشد، قاضی می‌تواند محاکمه را غیرعلنی اعلام کند. درغیراینصورت شما می‌گوئید که باید مباح باشد، اصلا «باید علنی باشد» یعنی باید حضور دیگران در آن مباح باشد.

**طاهری اصفهانی** — این، بستگی به قاضی دارد . یعنی قاضی می‌تواند علنی اعلام کند یا نکند. (نایب رئیس — به میلش یا به مصلحت؟) ایشان می‌گویند به میل خودش.

**نایب رئیس** — نه، ایشان می‌گویند اگر مصلحت دانست. آقای جوادی شما فرمایشی دارید؟

**جوادی** — اینکه می‌گوئید محاکمه علنی باشد یعنی اگرعده‌ای برای‌تماشا نیامدندآنوقت آن محکمه صلاحیت و رسمیت ندارد.

**نایب رئیس** — هرگز معنایش این نیست. (جوادی — همه آنها اهل عرفند.) عرف قضائی چنین چیزی نیست.

**دکتر ضیائی** — الان در همین مجلس ما که جلسه‌ای است علنی اگر عده‌ای برای تماشا

نیایند جلسه ما رسمیت ندارد؟

**جوادی** — اگر اعلام می کردید و نمی‌آمدند رسمی نبود.

**نایب رئیس** — نه آقای جوادی، چنین چیزی نیست. فرمایش شما را دوستان نمی‌فهمند که اگر در باز است و کسی نیامد، علنی نیست (همهمه نمایندگان) فقط یک نکته اینجا است، دوستان تکلیف این نکته را روشن کنید. (کرمی — مگر من نگفتم که مخالفم؟) آقای کرمی اسامی مخالفین زیاد است و اسم شما هم اینجا نوشته شده و به نوبت صحبت میفرمائید، و اما آن نکته این است که در اینجا نوشته‌اند «طرفین دعوا بخواهند» صبح ما نظرمان این بود که یک طرف دعوا هم این حق را داشته باشد، چون اگر قصه حق اشخاص است که یک طرف هم حقش محترم است و اگر قصه تراضی است، یعنی فکر می کنید حق این یکی مزاحم حق دیگری است، خوب، باید روشن شود که چگونه مزاحم است ؟ آقای کرمی حالا نوبت شماست مطلبتان را بفرمائید.

**کرمی** — ما در باب قضاء داریم صحبت می کنیم، یعنی در باب تداعی. ماهیت تداعی به ماهی، هیچ ارتباطی به سروعلن ندارد. تداعی یعنی من به اقامهٔ دعوی برطرف می کنم. سرش یا علنش از اعراض غریبه است. بحث کردن از اعراض غریبه در صلب موضوع، این دخالت یک مطلب اجنبی بر صلب موضوع است و غلط است، و اما ثانیاً شما اینجا گفتید و یک نوع سفسطه شده است، اشکال آقایان صحیح است. جملهٔ خبری، یعید صلاته، یعیدغسله، این جمله خبری، مفید انشاء و ایجاب است. معنایش این است که جلسات محاکمه باید علنی باشد. این ایجاب را شما از کجا آوردید؟ آنچه شمامی‌توانید از ادله‌عامه به دست بیاورید،اباحه است. معنای ایجاب این است که اگر این قاضی با خود آنها تبانی کرد یا خودش حاضر نشد و گفت من حاضر نیستم ما بین شماها قضاوت علنی بکنم، آیا این قاضی خلاف شرع عمل کرده است؟ این یک سؤال است.

**نایب رئیس** — آقای کرمی، من این را توضیح دادم و گفتم بله اینهم مثل یعید صلاته است یعنی باید اعاده کند، یعنی باید مباح بماند وقتی می‌گوئیم باید علنی باشد...

**کرمی** — شما این سفسطه را اینجا نیاورید معنی مباح یعنی متساوی‌الطرفین است شما علنی را ایجاب می کنید.

**یزدی** — با همین اصطلاح جوابشان را بفرمائید جمله خبریه در مقام انشاء هست و افاده ایجاب می کند.

**نایب رئیس** — من هم همین را گفتم. آقای کرمی فقط شما یک سؤال مطرح کردید که به‌این سؤالتان باید جواب‌داده شود چون سؤال جدیدی است و آن این است که اگرقاضی به میل خودش و نه به‌حساب مصلحت گفت من قضاء نمی کنم و متصدی قضاء نمی‌شوم مگر اینکه جلسه سری باشد، آیا قاضی برای قضائش حق چنین شرطی را دارد یا نه. من از شما سؤال می کنم آیا قاضی برای ایفاء این قضاء واجب بر او چون قضاء واجب است آیا قاضی برای انجام این واجب حق شرط سری بودن دارد؟

**کرمی** — توجه بفرمائید آنچه بر او واجب است قضاء کردن است اما در عمل یک کیفیت خارجی دارد و آن کیفیت خارجی موجب می‌خواهد ، در اینجا موجب ندارد.

**نایب رئیس** — آقا ببینید منظور این است که اگر متداعیان گفتند ما می‌خواهیم قوم و

خویشانمان بیایند اینجا...

**طاهری گرگانی** — مباح بودن، علنی بودن مجلس چرا واجب است؟ یعنی واجب است که علنی مباح باشد تعبیری که شما میفرمائید این است.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید مثل اینکه به اندازه کافی بحث شد فقط راجع به این یک نفر و دو نفر، دوستان نظرشان را بفرمایند.

**کرمی** — شما می‌توانید با تعدیل عبارت، آراء ممتنعین را به دست بیاورید اینطوراصلاح کنید«محاکمات علنی بلامانع است مگر اینکه...»

**بنی‌صدر** — آقای منتظری که صبح موافق بودند حالا چطور شده ؟

**نایب رئیس** — ایشان همینطور که میفرمائید کل ساعة و کل دقیقة رجل، جالب این است که من صبح نوشته بودم «یکی از متداعیان» ایشان گفتند باید دو تا باشد، قبول کردیم، آقای بنی‌صدر به عنوان موافق بفرمائید و جواب آقای منتظری را هم بدهید.

**بنی‌صدر** — غالباً طرفی که حق با او نیست دلش می‌خواهد که جلسه سری باشد این آشکار و معلوم است وکسی هم که حق با اوست دلش می‌خواهد که دادگاه علنی باشد بنابراین شما قبول می کنید که ما دائم حق را بدهیم به کسی که طرفش حق نیست ؟ (مکارم‌شیرازی — درمسائل خصوصی چه عیب دارد؟) تزاحم بین دو نفر است یک طرف حق با او است می‌خواهدعلنی باشد و یک طرف هم حق با اونیست نمی‌خواهد علنی باشد شما حق را میدهید به کسی که حق با او نیست؟

**ربانی شیرازی** — امر دائر است بین نفع و ضرر، ضرر یک طرف و نفع دیگری، هیچوقت نمی‌آیند مزاحمت ایجاد کنند بین این دو نفر، چون ضرر آن طرف مقدم است.

**نایب رئیس** — دعاوی، دعاوی خصوصی است نه‌عمومی،در دعاوی عمومی که گفته‌ایم علنی باشد در دعاوی خصوصی آقایان اینطور می‌گویند که...

**بنی‌صدر** — یک نفر که حق دارد، در همان دعوای خصوصی می‌گوید علنی باشد لابد نفعی برای خودش می‌بیند.

**نایب رئیس** — نه، لزومی ندارد این باشد واقعاً یک کسی یک دعوای خصوصی دارد و نمی‌خواهد کسی از آن اطلاع پیدا کند. یعنی شما خودتان ممکن است با یک دوستی یک گلایه‌ای از هم داشته باشید و شما نخواهید که این موضوع علانیه بشود.

**بنی‌صدر** — من دوست ندارم ولی طرف من میخواهد علنی باشد اگر حق با او است چرا نباشد؟

**صدوقی** — باید طرفین باشد.

**نایب رئیس** — پس نظر شما این است که طرفین باشد بنابراین اصل ۱۵۰ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

اصل ۱۵۰ — محاکمات علنی انجام میشود، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا اخلاق حسنه یا نظم اجتماعی باشد، یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذرأی پنجاه و پنج نفر ، تعداد کل آراء پنجاه و پنج رأی ، آراء موافق سی و دو رأی ، آراء مخالف پنج رأی، آراء ممتنع هجده رأی، بنابراین اصل ۱۰۰ با سی و دو رأی موافق تصویب نشد.

**هاشمی‌نژاد** — تذکر لازمی دارم بعضی از آقایان معتقد بودند که این مسأله باید در کمیسیون مشترک طرح بشود، درست من معتقدم که این باید در جلسه علنی طرح بشود که ملت درجریان این مطلب باشند. ملاحظه بکنید الان تعداد حاضرین در جلسه پنجاه و پنج نفر هست از ابتدا که رأی گرفته بودند برای تصویب اصول دو سوم کل نمایندگان باید رأی بدهند، البته در آنموقع تعدادی از ما راجع به این موضوع مخالفت کردیم، چون نپذیرفتید بسیار خوب قبول کردیم بعد هم چند بار خواستیم پیشنهاد بدهیم که این موضوع اصلاح بشود گفتند چون اصول مهمه‌ای در پیش است نمی‌شود اصل مربوط به رهبری بود، اصول‌مربوط به ریاست جمهوری بود، ارتش بود، اقتصاد بود اینها گذشت الان اصول باقیمانده اصول‌قضائی است. در اصول قضائی ما نفعی نداریم که فردابگویند چون گرایش چنین‌و چنانی داشتند به‌این علت آمدند و تصویب کردند که دو سوم کل نمایندگان به این اصول باید رأی بدهند اگر بنا بشود که با این کیفیت جلو برویم بدون شک مجلس به بن‌بست خواهد رسید تعداد زیادی به علت عذر مشروع و بعضی را هم که‌بنده واقعاً نمی‌دانم که‌عذرشان مشروع است‌یانامشروع، در هر حال در مجلس نیستند بنا نیست که ما از وجود آنها در اینجا استفاده نکنیم ولی نبودن آنها مضر باشد، یعنی الان دو سه‌اصل مطرح شد و با کمبود دو سه رأی رد شد الان ده دوازده نفر نیستند اینها موجب میشوند که وقت چهل، پنجاه نفرتلف بشود. این موضوع باید در جلسهٔ علنی مطرح بشود ما تا اینجا تأمل کردیم برای اینکه اصول، اصول مهمه‌ای بود البته اصول قضائی هم مهم است ولی مسأله‌ای را که عرض کردم دیگر متهم نمی‌شویم که گرایشهای چنینی وچنانی داشته‌ایم. بنده پیشنهادی دارم و طبق آئین‌نامه تقاضا دارم این پیشنهاد مرا طرح بفرمائید، اگر دوسوم حاضرین رأی دادند این موضوع عمل بشود اگر رأی ندادند هیچ والا وقت همه ما گرفته خواهد شد. (دکتر غفوری — این اصول قضائی مهم‌تر از قبلی است.)آقای دکتر غفوری بحث برسر این نیست که اینها اصول غیرمهمی است‌بحث در این است که اینجا دیگر آقایان متهم نمی‌شوند به اینکه گرایشی بوده است.

**خزعلی** — امام فرمودند کناره گرفتن از مجلس خبرگان کناره گرفتن از اسلام است آقایان این موضوع را در نظر دارند ما حتی روز ۱۳ آبان را تعطیل نکردیم با وجود اینکه‌روز مهمی است میخواستم یک تذکر لااقل به آقایانی که در مرکز هستند بدهید که این پیام امام را فراموش نکنند.

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد، عرض میشود نمی‌دانم جنابعالی همین چند روز قبل در جلسهٔ صبح تشریف داشتید یا خیر، اگرتشریف نداشته‌اید باز از جمله دوستانی می‌شوید که درآنموقع تشریف نداشته‌اند. این مسأله در جلسه به پیشنهاد دوستان مطرح شد و رأی نیاورد و رد شد و به این دلیل ، دیگر اینجا مطرح نشد اگر در آنجا رأی آورده بود طبعاً این پیشنهاد دراینجا مطرح می‌شد. بنابراین حالا هم اگر دوستان لازم می‌دانید، این مسأله مجدداً در جلسهٔ گروهها مطرح بشود تا اگر آنجا زمینه رأی داشت، اینجا وقت صرف آن بکنیم.

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۱۵۱ (اصل یکصد و شصت و ششم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۵۱ مطرح است که قرائت می‌شود.

اصل ۱۵۱ — احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

**نایب رئیس** — آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — این عبارت «براساس آن حکم صادر شده است» انسجام ندارد. براساس آن میتوان حکم صادر کرد یا میشود حکم صادر کرد؟ (نایب رئیس — حکم صادر شده.) این غلط است، عنایت بفرمائید احکام دادگاهها باید مستند باشد به قانون و اصولی که براساس آن حکم صادر شده است؟

**نایب رئیس** — بله اگر یک اصلی را داریم که قابل استناد است و برای اولین بار بنده می‌خواهم رویش حکم بکنم این عبارت بر آن صدق میکند. آقا، دقت بفرمائید به جوابش گوش کنید، معنایش این است که در متن حکم می‌نویسند که فلان کس به استناد اصل فلان یا به استناد مادهٔ قانون فلان به این محکومیت محکوم شده است. بنابراین احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که این حکم براساس آن قانون یا اصول صادر شده و حتی باید در متن حکم هم استثناء قید بشود. (یزدی — پس منظور ذکر مستند هست.) هم عملا و هم ذکر، عملش هم باید اینطور باشد.

**دکتر آیت** — من معتقدم مثل قانون اساسی سابق اضافه کنیم «وعلناً باید قرائت شود».

**طاهری خرم‌آبادی** — اگر حکم را مستند نکرد ضامن اجرای آن کیست؟

**نایب رئیس** — اجرا نمیشود. اصل ۱۵۱ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**اصل ۱۵۱ (اصل یکصد و شصت و ششم)** — احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجهٔ رأی‌گیری را اعلام می‌کنم. عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی، آراء موافق پنجاه وهفت رأی. بنابراین اصل ۱۵۱ با پنجاه و هفت رأی موافق تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح اصل ۱۷

**نایب رئیس** — آقایان اجازه بفرمائید چون ما امروز چند اصل داشتیم و زیاد مورد بحث قرار گرفت و کاربان در مورد این اصول پیش نرفت چند اصل دیگر داریم که خدمتتان هست و به‌نظر میرسد که درمورد این اصول اختلاف‌نظر کمتری وجود دارد اینها را مطرح می‌کنیم اصل ۱۷ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۱۷ — قضات دادگاهها مکلفند ازاجرای تصویبنامه ها وآئین نامه ها ونظامنامه های دولتی که مخالف با قوانین ومقررات اسلامی یا خارج ازحدوداختیارات قوهٔ مجریه است خودداری کنند و هر کس میتواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

**منتظری** — ما قبلا از دیوان عدالت اداری اسمی نبرده‌ایم، من مخالف هستم.

**نایب رئیس** — اگر آقایان دقت کرده باشند ما جلوتر اینطور گفتیم که اگر یک واحدی در اینجا از آن اسم برده شده که در اصول آینده باید تکلیفش مشخص بشود اگر در اصول بعد دیدیم آن واحد مورد تصویب اکثریت قرار گرفت که مسأله تمام است. یعنی بر فرض اینکه دیوان عدالت اداری مورد تأیید اکثریت باشد ولو جنابعالی با اصلش مخالف باشید اما بعداً با چهل و هشت رأی دیوان عدالت اداری تثبیت شد، اگر تثبیت شد شما با اینکه مردم این ابطال را از او بخواهند باز هم مخالف هستید؟ (منتظری — نه) بنابراین اگر بعد این موضوع تثبیت شد که هیچ، اگر رد شد به‌ناچار باید یک جانشینی برای او فکر کنید آن جانشین را اینجا میگذاریم.

**منتظری** — شما بعد با استناد به اینجا میگوئید که ما دیوان عدالت اداری را قبلا تصویب کرده‌ایم.

**نایب رئیس** — هیچوقت اینطور نیست اصلا رویه اینطور نیست. (هاشمی‌نژاد — آن قسمت آخر را حذف کنید.) باز آقایان کم‌لطفی کردند. ببینید آقا، یک وقت است اصولا شما میخواهید مسأله اینکه افراد ابطال اینگونه مقررات را بخواهند، اینجا ذکرنشود (تهرانی— اینجا ذکر نشود، اصلش مشخص است)اگر آقایان موافق باشند ما میتوانیم کار دیگربکنیم. میتوانیم این ذیل را اصلا ببریم، بعداً توی خود اصل مربوط به دیوان عدالت اداری، آنجا اضافه میکنیم «و همچنین تقاضای ابطال مقررات موضوع اصل ۱۷».

**هاشمی‌نژاد**— مهمش این است که اینها آن آئین‌نامه ها را اجرا نکنند چون‌موظف‌هستند که اجرا کنند.

**نایب رئیس** — ما میتوانیم این مطلب را عیناً در اصل بعد بیاوریم چون ضرری نمی‌زند درصورتی که بنده معتقدم اگراینجا هم‌می‌آوردیم هیچ اشکالی نداشت. (ربانی املشی —بگذارید باشد ، چرا برمیدارد؟) آقای ربانی چون یکی هست و من معتقدم واقعاً بودن یا نبودنش اینجا فرقی ندارد چون میتوانید شما این مطلب را در اصل مربوط به دیوان عدالت اداری بگذارید.

**دکتر غفوری** — اگر بخواهیم پشتوانهٔ حقوقی این مسأله مشخص بشود، یا باید مقررات مسلم اسلامی باشد یا باید ملاک و مرجع تشخیصش را معین کنید.

**نایب رئیس** — اگر خودش مجتهد نباشد نمی‌تواند بگوید که این خلاف اسلام است.

**دکتر غفوری** — مرجع تشخیص را باید مشخص کنید بنویسید مرجع تشخیص آن را قانون معین میکند، شورای نگهبان یا یک جای دیگر.

**خزعلی** — در اصل چهارم گذراندیم که مرجع تشخیص مخالفت، فقهای شورای نگهبان هستند.

**نایب رئیس**— اگرآقایان موافقت کنند بنویسیم «مرجع صالح برای تشخیص این‌مخالفت را قانون معین میکند».

**طاهری خرم‌آبردی**— نه آقا، در اصل چهارم گفته شده که مرجع تشخیص مخالفت، فقهای شورای نگهبان هستند.

**یزدی** — شورای قضائی که تصویب شده است و وضعش روشن است، ابطال را به‌عهدهٔ او بگذارید اشکالی هم پیش نمی‌آید.

**ربانی املشی** — نکته اینست که در پیش‌نویس این بود که قضات میتوانند تقاضای

ابطال کنند در اینجا به این صورت آمده است که هر کس میتواند تقاضای ابطال کند.

**نایب رئیس** — عرض میکنم که بحث جلسه فعلا روی این موضوع نیست بحث روی این مطلب است که آیا این مسأله که میگوئیم «مخالف با قوانین و مقررات اسلامی است» مرجع صالح برای تشخیص این مخالفت خود قاضی است یا مرجع صالح دیگری را درنظرمیگیرید. (منتظری — خود قاضی است.) اگر مرجع صالح دیگری است باید بنویسیم مرجع صالح برای تشخیص این مخالفت را قانون معین میکند.

**منتظری** — نه نظر من اینست که خود قاضی است. (نایب رئیس — ولو مجتهد نباشد؟) نه ممکن است مجتهد باشد، قاضی اگر تشخیص داد که این حکم برخلاف اسلام است حق ندارد دیگر جای دیگری برود.

**نایب رئیس** — میگویم ولو غیر مجتهد باشد؟

**منتظری** — اگر یقین کرد برخلاف اسلام است نمی‌تواند حکم به غیر ماانزل‌الله بکند.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — چون قاضی مستقل هست نظر قاضی برای خودش در آنجائی که هست حاکم است و موظف نیست برای تشخیص خلاف به کسی دیگر مراجعه کند، بنابراین مرجع خود قاضی است و چیز دیگری را هم نمی‌خواهد اضافه کنید.

**مکارم شیرازی** — ما در اصل چهارم مرجع را نوشته‌ایم.

**صافی** — مثل اینکه بناهست ما هرامر بدیهی را مشکل بکنیم. این امرش با خود قاضی است. قاضی اگر تشخیص داد که این قانون برخلاف حکم خدا است دیگر نباید به‌محکمهٔ دیگری ارجاع کند.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر بفرمائید.

**بنی‌صدر** — عرض کنم دستگاه قضائی باید قوانینی را اجرا کند که مدون و در دسترس او هست اگرآن قوانین برطبق‌مقررات اسلامی تدوین شده است اینجا دیگر چرا این مطلب را آورده‌اید برای اینکه این موضوع دامنه را وسیع میکند و فردا هرقاضی چون تشخیص با خودش است می‌آید میگوید فلانجایش مخالف مقررات است، ما نباید درمملکت مقامات میزی‌متعددی داشته باشیم.

**نایب رئیس** — آقای صافی دقت بفرمائید فرض اینست که ما قبلا برای تشخیص اسلامی بودن یا نبودن قوانین و مقررات طرقی تعیین کرده‌ایم، بنابراین اگر ما بخواهیم این مطلب را به این صورت درآوریم که بعد از اینکه آنها نظرشان را داده‌اند، از شما سؤال میکنم اگر حتی جمیع مراجع تقلید دربارهٔ یک مطلبی گفتند این مطابق اسلام است، شما میگوئید الان یک‌قاضی که ممکن است مجتهد هم نباشد ایشان حق‌دارد بگوید من این حکم را نمی‌دهم، چون به‌نظر من مخالف قواعد اسلام است. (منتظری — بله.)

**صافی** — حکم قاضی فتوای مرجع تقلید را لغو میکند الان هم درمحاکم هست درهمین قوانین فعلی هم هست. قاضی باید به‌اجتهاد خودش عمل کند، اگرچنانچه طبق اجتهاد خودش موضوعی را خلاف اسلام دانست باید حکم بدهد.

**مکارم شیرازی** — یعنی برخلاف قانون حکم بدهد؟

**نایب رئیس** — دوستانی که اینجا اسم نوشته‌اند صحبت کرده‌اند. آقای سبحانی

بفرمائید.

**سبحانی**— این اصل ۱۷ با آن اصل ۲۰ باید یک‌اصل باشد، این‌دواصل را ادغام کنید.

## ۷ — پایان جلسه

**نایب‌رئیس**— بسیارخوب پس این‌اصل را فردا با اصل ۲۰ ادغام میکنیم. دراینصورت با اجازهٔ دوستان‌جلسه را تمام میکنیم، چون پیدا است که کارمان آماده نیست. انشاءالله فردا ساعت هشت جلسهٔ گروهها تشکیل میشود.

(جلسه ساعت هفده و سی دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی‌بهشتی**

جلسهٔ شصتم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه روز ۱۴ آبانماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با چهاردهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای کیاوش در مورد اشغال سفارت امریکا. . . . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۵۴ (اصل یکصد و شصت و سوم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۵۲ (اصل یکصد و هفتادو دوم). . . . . .
۴ — طرح و تصویب اصل ۱۴۹ (اصل یکصد و شصت و چهارم). . . . . .
۵ — طرح اصل ۱۵۰ . . . . . .
۶ — طرح و تصویب اصل ۱۴۷ (اصل یکصد و شصت و دوم). . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۵۶ (اصل یکصد و شصت و هفتم). . . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۲۳ (اصل یکصد و هفتادو سوم) . . . . . .
۹ — طرح و تصویب اصل ۱۵۸ (اصل یکصد و هفتاد م). . . . . .
۱۰ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای کیاوش در مورد اشغال سفارت امریکا

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قبل از اینکه تعداد به حد نصاب برسد آقای کیاوش چند کلمه صحبت دارند که ایراد خواهند کرد.

**کیاوش** — الحمدلله‌رب‌العالمین، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، «اذاجاء نصرالله‌والفتح ورأیت الناس یدخلون فی‌دین‌الله افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا». امروز صبح برای اعلام همبستگی همراه برادرمان آقای پرورش به لانه جاسوسی آمریکا رفتیم، که فقط همان لغت سزاوار این سفارتخانهٔ خائن است. دیدیم که این لانه، نه فقط لانهٔ جاسوسی برای ایران است، بلکه با شواهدی که آنجا بود حتی لانهٔ جاسوسی بزرگی است برای کشورهای همجوار ما. در حقیقت این فتح و این پیروزی که به فتح خیبر میماند ، توسط عزیزترین و فداکارترین و ملکوتی‌ترین چهره‌های انقلاب اسلامی، فقط با سلاح ایمان به خدا و رسول خدا و رهبر انقلاب صورت گرفت، این در حقیقت شکستن روابط دیپلماتیک نیست زیرا این ما نیستیم که برای اولین بار به این لانه جاسوسی پامیگذاریم، بارها و بارها بکرات این شکستن و نقض پیمان از طرف امپریالیسم در دنیا اجرا شده است. دانشجویان در حقیقت در مملکت خود به یک‌لانهٔ جاسوسی پاگذاشتند که سرنوشت این ملت و مملکت و ملل مستضعف به اینجا بستگی داشته است. چیزی که جلب توجه میکرد، این بود که دانشجویان فریاد میزدند که ما به هیچ عنوانی و تحت هیچ شرایطی و به خواهش هیچ کسی اینجا را تخلیه نخواهیم کرد و شعارشان این بود که باید شاه پلید و جلاد به ما پس داده شود. در آنجا اسناد فراوانی را دیدیم که در کمترین مدت تبدیل به خاکستر شده بود نوارهای فراوانی همچنان، و راه مخفیانه‌ای که از شیروانی به راههای دوردست منتهی میشد وجود داشت. دانشجویان از این مسأله بسیار خوشحال بودند که همهٔ اقشار بدون استثناء پشتیبان آنها هستند زیرا این یک عمل ملی‌است و به همین جهت میگفتند ما برای هر مشقتی همچون مشقات دیگری که از طرف امپریالیسم همیشه متوجه ما بوده، آماده هستیم. به این جهت می‌دیدیم که در داخل سفارت دختران زهراگونه و دانشجویان حسین‌گونه‌جان برکف، پاس میدادند . اما آنچه آمریکا باید بداند این است که ملت ایران با نیروی خدائی تمام مراکز جاسوسی را که به زیان انقلاب اسلامی و در هر مرحله‌ای گام بردارند، یکی بعد از دیگری فتح و اشغال خواهد کرد و به زودی از آن‌مقدار اسنادی که باقی مانده کوس رسوائی خیانتگران زده خواهد شد و در آن مشغول بررسی هستند. ما ضمن تأیید عمل شجاعانهٔ این قهرمانان مسلمان، این فتح و پیروزی بی‌نظیر دانشجویان‌پیرو خط امام را به ملت رشید ایران و بعد به همهٔ دانشجویان خط امام تبریک میگوئیم و به‌دولت آمریکا اخطار میدهیم که این تازه اولین ضربه است که وارد میکند، و اولین فتح است که‌ملت انجام میدهد. ملت ایران باید بداند که این اولین نتیجه انقلابی است که در سطح گسترده

آغاز شده است.

باش تا صبح دولتت بدمد  این هنوز از نتایج سحر است

والسلام علیکم و رحمة‌الله وبرکاته

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۱۵۴ (اصل یکصد و شصت و سوم)

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دیروز اصل ۱۴۷ مطرح شد و جایش خالی مانده که با اصلاحی که امروز شده مطرح کنیم، و در صورت جلسه آمده ولی اجازه بدهید بعداً مطرح کنیم تا دوستانی که در بحث شرکت داشتند بتوانند در تصویب نیز شرکت کنند. اصل ۱۴۸ را قبلا مطرح میکنیم.

**ربانی املشی** — از اصل ۱۵۴ که خیلی هم ساده است شروع کنید.

**نایب رئیس** — بسیار خوب اصل ۱۵۴ قرائت میشود.

اصل ۱۵۴ — صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین میشود.

**نایب رئیس** — هیچ بحثی ندارد؟ (تهرانی — رأی بگیرید) (منتظری — هیچ بحثی ندارد.)

**دکتر غفوری** — با وجود شورایعالی قضائی که عزل و نصب قضات را به عهده دارد وجود این اصل لازم است؟

**نایب رئیس** — نظر دوستان این است که لازم و وجودش مفید است. اصل ۱۵۴ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۱۵۴ (اصل یکصد و شصت و سوم)** — صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین میشود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و سه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و سه رأی، موافق پنجاه نفر، مخالف یک نفر، ممتنع دو نفر، تصویب شد، تکبیر (حضار سه بار تکبیر گفتند).

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۵۲ (اصل یکصد و هفتاد و دوم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۵۳ قرائت می‌شود.

**دکتر آیت** — اصل ۱۵۲ قبل از این و مربوط به این است اول آن را بخوانید.

**نایب رئیس** — درست است، اصل ۱۵۲ قرائت میشود.

اصل ۱۵۲ — «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل میشود ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی میشود.» و اصل ۱۵۳ بدین ترتیب است که «دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوهٔ قضائیهٔ کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند». بنابراین از زیر پوشش شورایعالی قضائی دور نیست و زیرپوشش شورایعالی قضائی قرار میگیرد.

**منتظری** — من نظرم این است که این دو اصل با هم یکی بشود.

**نایب رئیس** — این به دلیل خاص مهمی نیست ما نظرمان این بود که دو اصل بشود بهتر است.

**طاهری اصفهانی** — صبح هم پیشنهاد شد که یک اصل باشد حالا چه لزومی دارد که دو اصل باشد، نمیدانم.

**نایب رئیس** — آقای سبحانی بفرمائید. (سبحانی— موافقم) آقای دکترغفوری بفرمائید.

**دکتر غفوری** — با مشاوره‌ای که با عده زیادی از قضات شد گفتند که از نظر اسلامی هم اگر این دو اصل را یکی بکنیم فکر میکنم به همهٔ حرفها خاتمه داده شود چون فرق است بین محکمهٔ اختصاصی و محکمه‌ای که تحت عنوان وزارت دادگستری است اما مشاورین خاصی به تناسب آن محاکمه دارد، این باید از دادگاههای عمومی خارج نباشد، منتها مشاورین و قضاتش شرایط خاصی دارند. بنابراین اگر این دومی را که میگوید دادگاههای نظامی هم بخشی از قوهٔ قضائیه است، ضمیمه اولی کنیم، آن شبهه را برطرف میکند وگرنه تالی فاسدخیلی زیادی دارد و آنهائیکه وارد بودند پیش‌بینی میکردند که اوضاع و احوال مشوش میشود و بعد تشخیص مشکل است، پس اگر دو تا اصل را یکی کنید بهتر است.

**نایب رئیس** — فرقی ندارد اگر آقایان تشخیص میدهند که یک اصل باشد بهتر است هر دو را یک اصل قرار میدهیم. آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — محاکم نظامی که در اینجا آمده اگر به جایش محاکم اختصاصی یا خصوصی گفته شود بهتر ست.

**نایب رئیس** — خیر محاکمه نظامی مشخص است.

**یزدی** — منظور من محاکمه نظامی نبود بلکه به خاطر تداعی خاصی که دارد بهتراست عوض شود.

**نایب رئیس** — تداعی نمیکند. اینجا مشخص شده که فقطنظامیان و آن‌هم در موارد خاص مربوط به امور نظامی، غیرنظامیان به هیچ وجه مشمول این اصل نیستند. (غفوری — محاکم نظامی باز این مسأله را تداعی میکند) برای مردم معنی میکنیم شما میگفتید که چرا عدد سیزده نحس است و چرا نحسش کرده‌اند باید معنی کرد که این یک معنی صحیح داشته و اینجا هم معنی شده است آقای ربانی املشی بفرمائید. (ربانی املشی — من موافقم.) آقای خامنه‌ای تذکر شما چه بود؟

**خامنه‌ای** — من نظرم این بود که دادستان ارتش که بالاترین مقام دادگاه نظامی است با توجه به اینکه فرماندهی هم در اختیار ولایت است، جزو مقامات، منتصب از قبل ولی‌قرار بدهیم و انتخابش به دست دادگستری نباشد.

**نایب رئیس** — اینها که همه می‌آید به‌شورایعالی قضائی و این را شما اینقدر بالا نبرید، همهٔ اینها می‌آید زیرنظر شورایعالی قضائی، مثل دادستان محکمه انتظامی قضات.

**خامنه‌ای** — بستگی دارد به نظر ما، تا کدام را بخواهیم.

**منتظری** — دیگر آن اهمیت سابق را ندارد.

**نایب رئیس** — این خیلی روشن است و برای اینکه ذهن ملت ایران هم روشن شود به دنبال مطلبی که آقای یزدی گفتند، یادآوری میکنیم که این اصل صرفاً برای رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی نوشته شده است. وظایفی هست که خود نظامیان ومأموران

مسلح دیگر در ارتباط با مسؤولیتشان آنهم از نظر وظایف خاص نظامی، انجام‌میدهند و اگر اداری هم باشد در این دادگاه رسیدگی نمی‌شود و غیرنظامیان و سردم‌عادی طبق این اصل و قوانین عادی سروکارشان به هیچ عنوان با دادگاههای نظامی‌نخواهد بود.

**کیاوش** — به جای «نظامی» اگر «نظامیان» بنویسیم بهتر نیست؟

**نایب رئیس** — نه آقا بدتر میشود، این باید محدود باشد. خوب اگر دوستان ترجیح میدهند که این یک اصل باشد، این دو اصل را در طی یک اصل قرار میدهیم و ضرر هم به جائی نمیزند.

**حجتی کرمانی** — تذکر آقای یزدی را در مورد تغییر نام مورد توجه قرار دهید.

**نایب رئیس** — این تذکر رد شد آقای حجتی.

**حجتی کرمانی** — از نظر اصلاح عبارتی میگویم یعنی عبارت هم طوری باشد که معلوم باشد دادگاه خاصی نیست بلکه شرایط دادگاه است، وقتی میگوئیم محاکم نظامی یعنی دادگاه اختصاصی...

**نایب رئیس** — خیر آقای حجتی، حوزه مسؤولیت کاملا مشخص شده.

**حجتی کرمانی** — بلی، اما اشکال آقای یزدی در نامگذاری بود که تداعی میکند دادگاههای نظامی سابق را.

**نایب رئیس** — اجازه بدهید که ما این تداعی‌های لفظی بی‌جا را اینقدر در اصطلاحات دخالت ندهیم.

**ربانی املشی** — اگر تداعی را حساب کنیم، دادگاههای اختصاصی که بدتر برای‌سردم تداعی میشود.

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان اصل را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۵۲ (اصل یکصد و هفتاد و دوم)** — برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل میشود، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که درمقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی میشود.

دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوهٔ قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیراعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام رأی‌گیری پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه و شش رأی، موافق پنجاه و چهار نفر، مخالف هیچ، ممتنع دو نفر، تصویب شد، تکبیر. (حضار سه بار تکبیر گفتند.)

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱٤۹ (اصل یکصد و شصت و چهارم)

**نایب رئیس** — اصل ۱٤۹ قرائت میشود.

اصل ۱٤۹ — قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت‌جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای‌شورایعالی

قضائی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین میکند صورت میگیرد.

**تهرانی** — رأی بگیرید، در جلسه مشترک هم رأی آورده است.

**نایب رئیس** — آقای پرورش در عین حال که صبح تشریف نداشتید، اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

**پرورش** — اگر اجازه نمی‌دهید صحبت نکنم.

**نایب رئیس** — نه بفرمائید، چون میخواهیم شما هم در رأی شرکت کنید.

**پرورش** — دربارهٔ عبارت «بدون رضایت او» خیلی صحبت شده است و فقط یک اشکال به نظر من میرسد که دیروز هم صحبت نشد و آن اینکه قاعدتاً در موقع استخدام وقتی که بخواهند محل شغل قاضی را تعیین کنند، ممکن است از رفتن امتناع کند یا به علل دیگر محل مورد نظر را قبول نکند، در این مواقع مخارجی که برای او شده در دانشکدهٔ حقوق یا در حوزهٔ علمیه یا هرجائی که باشد و یا چیزی میان این دو معمولا ریش استخدام اینجا درگیر است و با توجه به این مسأله قدرت دستش است و ممکن است نرود، خیلی اشکال ایجادمیکند.

**نایب رئیس** — موقع استخدام که هنوز قاضی نیست. این اصل مربوط به بعد از صدور حکم است وقتی که میخواهند استخدامش کنند، میگویند ما فلان جا احتیاج به قاضی داریم اگر آماده‌اید حکم شما را به عنوان قاضی صادر کنیم.

**پرورش** — پس مخارجی که شده برای این آقا تا به این مرحله رسیده چه میشود؟

**نایب رئیس** — آن یک مسأله دیگر است و اینقدر مشکل ایجاد نمیکند، مشکل بعد از این است.

**میرسرادزهی** — قبل از استخدام که اصلا سمتی ندارد و وضعش مشخص نشده‌است.

**نایب رئیس** — ما هم همین را عرض کردیم و خواستیم مشکل آقای پرورش حل بشود. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — من راجع به قاضی نشسته و ایستاده می‌خواستم سؤال کنم که بین این دو چه تفاوتی است؟

**نایب رئیس** — صبح این را صحبت کردیم و انگار خود شما امضاء جمع کردید؟ آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — مخالفم. (نایب رئیس — دیروز مگر علت مخالفتتان را نفرمودید؟) آن راجع به اصل دیگر بود. (نایب رئیس — بفرمائید.) اینکه بدون رضایت قاضی محل خدمت یا سمتش تغییر نکند، چند مفسده دارداول دادگستری را در بن‌بست قرار میدهد، دوم اینکه تبعیض در بین کارمندان دولت است و این برخلاف عدالت است، سوم اینکه دیکتاتوری قضات را به وجود می‌آورد، این خلاصه مطلب است اگر اجازه بفرمائید برای شرح این فهرست بیایم صحبت کنم.

**نایب رئیس** — مرحبا بر شما که فهرست‌وار بیان کردید. (رحمانی — خلاصه من با این اصل مخالفم.) پس مطمئناً یک رأی کبود خواهد داشت. (ربانی املشی — اگر قضات بیمار را عوض کنید ایشان رأی موافق میدهند.) آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — اگر مصلحت جامعه اقتضاء کرد که بعضی از اعضاء شورایعالی

یا دادستان یا رئیس دیوانعالی کشور تغییر پیدا کند این مرجعی که صلاحیت تغییر آنها را دارد کیست؟ این سؤال را من دیروز و صبح امروز هم داشتم جواب فرمودید طبق تنظیمی که دیروز از اصل شده بود ولی با تغییری که داده شد که قضات دیگر در صورتی که مصلحت اقتضاء کند، تغییر و تبدیل پیدا کنند، باید برای آنها هم فکری بکنید.

**نایب رئیس** — آن موضوع فعلا منافاتی با این اصل ندارد آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — کلمهٔ قاضی آنقدر وسعت دارد و شامل دسته‌های مختلفی میشود، آن قاضی که قاضی محکمه است با آن شرایطی که طبق موازین فقهی انتخاب میشود انسانی است که پناهگاه عدالت در جامعه است و خودش هم تکلیفش را میفهمد این جمله آخر که اینجا نوشته شده فرض براین است که بدون رضای او میخواهند جایش را عوض کنند. یکی از مصالحی که در تدوین این اصل بوده و در جاهای دیگر هم هست که قاضی محکمه را بدون رضایت نمیشود جایش را عوض کرد، این است که او اجباراً در جائی وادار به کار نشده باشد، چون میخواهد تعیین تکلیف سرنوشت دماء و نفوس و اموال و اعراض مردم را بکند این است که شما تصور کنید آن وقتی را که با تصویب اعضاء شورایعالی قضائی به اتفاق آراء یک قاضی محکمه را بدون رضای خودش جائی ببرند و ثانیاً اینکه ما گفتیم اگر اعضاء این شورایعالی قضائی منتخب مستقیم خود قضات بودند، در واقع به طور غیرمستقیم این اختیار را به آن شورا داده‌ایم که هر وقت خواست جای کسی را عوض کند این به نظر میرسد که در اجرا هم با آن وسعتی که کلمهٔ قاضی دارد و هم با توجه به این نکته‌ای که گفتم ممکن است اجباراً جائی برود، نمی‌شود گفت آن قاضی مطمئن‌الحالی است که بشود براساس قضاوت اجباری جامعه به او اطمینانی داشته باشد و بعد هم در مورد قضات تحقیق آنهائی که در دادگستری هستند میدانند که اگر دست دادگستری را در مورد قضات تحقیق ببندند اشکالاتی به وجود می‌آید یک بازپرسی در یک شهری متخصص بازپرسی است و ممکن است جایش را عوض کنند و به شهری که یک جنایتی رخ داده بفرستند تا بتواند رسیدگی کند.

**نایب رئیس** — آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — بنده میخواستم جواب این دو بزرگوار را بدهم.

**نایب رئیس** — جواب داده شده است. بنابراین اصل ۱۴۹ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۴۹ (اصل یکصد و شصت و چهارم)** — قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورایعالی قضائی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین میکند صورت میگیرد.

(اخذ آراء به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و نه رأی، موافق پنجاه و چهار نفر، مخالف یک نفر، ممتنع چهار نفر، تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند.)

خوب امیدواریم که بازپرسها و دادیارها و دادستانها که تاکنون از تزلزل موقعیتشان نگران بودند از این به بعد با تقوا و فضیلت و عدالت‌خواهی کامل و با قاطعیت بتوانند وظایف

خودشان را همچون قضات محاکم انجام بدهند و همهٔ قضات در آن مقام رفیع قاضی وظیفهٔ منبع قاضی را برگزار کنند. (نمایندگان — انشاءالله)

## ۵ — طرح اصل ۱۵۰

**نایب رئیس** — اصل ۱۵۱ را قبلا داشته‌ایم بنابراین اصل ۱۵۰ مطرح است که قرائت می‌شود

«اصل ۱۵۰ — احکام و تصمیمات مراجع قضائی درهرمورد لازم‌الاتباع است و هیچ فرد یا مقامی حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است ندارد. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — برای این اصل دوستان زیادی اسم نوشته‌اند. آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — بر این اصل باید دو استثناء بخورد. استثنای اول دادگاههای مقدماتی است که صبح بحث کردیم و فردا هم بحثش خواهد آمد. برای اینکه کار در شهرستانها و قراء و قصبات متراکم نشود یک دادگاههای مقدماتی داریم که کار را فیصله میدهند که جزء دادگاه و قوهٔ قضائی نیست اما میتواند با کدخدا منشی مسائل و مشکلات را حل و فصل کندو تمام کند. این اصل صبح خوانده شد اما هنوز رویش رأی ندادیم. اگر آن اصل تصویب شود این اصل یک تخصیص میخورد. (موسوی جزایری — آنهم یک مرجع قضائی است.) نه، مقدماتی است و با کدخدامنشی مسائل را حل میکند، مگر اینکه جز مراجع قضائی بشود.

**نایب رئیس** — توجه بفرمائید این یکی از دو حال است، یا اینکه از امور اختصاصی محاکم نمی‌شوند یا آنکه جزء محاکم میشوند.

**سبحانی** — جزء امور قضائی است و وابسته به دادگستری است.

**نایب رئیس** — او قضا نمیکند چون شما میفرمائید با کدخدامنشی صلح میدهد، بنابراین اصلا قضا نمیکند.

**سبحانی** — قضا است چون حل و فصل میکند. مطلب دوم اینکه قاضی تحکیم باید استثناء شود چون در اسلام قاضی تحکیم داریم و قاضی تحکیم میتواند در مسائل قضائی یعنی در مسائلی که ماهیتش قضائی است وارد شود و به رضایت طرفین مسأله را حل کند.

**نایب رئیس** — آن مرجع قضائی است.

**سبحانی** — این اصل معنایش این است که تمام پرونده‌ها بایددر دادگستری حل‌وفصل شود. حالا در یک دهی یا منطقه‌ای یک عالمی هست که دو نفر راضی هستند و حکم او را قبول دارند، آیا طبق این اصل آن شخص چون در امور قضائی وارد شده مسؤول است؟

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید یک چیزی اینجا بنویسم چون اگر اینجا باشد «در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است» یک چیزهای مشترک هست که آنوقت این شبهه‌ها پیدا میشود ولی اگر بنویسم « در اموری که منحصراً در صلاحیت مراجع قضائی است» آنوقت مشکل آقایان حل میشود، چون همهٔ این مسائلی که می‌فرمائیدمنحصراً در قلمرو قضا نیست اما قاضی، بعضی امور است که میتواندانجام دهد مثل صلح که قاضی هم میتواند مبدأ ومنشأ صلح باشد.

**موسوی تبریزی** — اصل (حکمت) اینکه حکم بکنند و حل و فصل بکنند، این از امور

منحصر در صلاحیت است.

**نایب رئیس**— اجازه بفرمائید من زیاد وارد بحث نشوم چون من طرف بحث میشوم. آقای آیت (دکتر آیت — مخالفم) خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — دربارهٔ این قسمت که هیچ فرد و مقامی حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است ندارد، با اینکه هیچ مرجعی هم برای تمیز، جز اجتهاد آنان نیست. آیا اگر مقامات مسؤول دیگری هم اشتباه کردند حق دخالت ندارد اینها جز اجتهاد چیزدیگری هم هست؟ در این صورت خیلی مشکل میشود چون هیچکس حق ندارد به هیچ عنوان دخالت کند.

**نایب رئیس** — «دخالت» که گفته میشود یعنی تصدی کند نه اینکه اگر خلاف کردند جلویشان را نگیرد در این‌صورت محکمه عالی قضات هست.

**خانم گرجی** — تمام احکامشان واجب‌الاتباع است، درست است؟

**نایب رئیس** — بلی.

**خانم گرجی** — آنوقت، هیچ مقامی هم حق دخالت در امور را ندارد. با اینکه هیچ مرجع تمیزی هم نیست غیر از همان اجتهاد قضات، این چطور میشود؟ میخواهم بگویم اگر منحرف شدند چطور میشود؟

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید برای اینکه خودم پاسخ نگویم اول مخالف و موافق را سؤال کنم. آقای مکارم (مکارم — موافقم) پس شما که اولین موافقی هستید که اسم نوشته‌اید نقدهائی که میشود یادداشت کنید، تاجواب بدهید، آقای ربانی‌املشی (ربانی املشی — موافقم آقای طاهری اصفهانی.

**طاهری اصفهانی** — برای اینکه اشکال خانم گرجی و مشابه آن وارد نشود، من معتقدم عبارت «هیچ فرد و یا مقامی» مقید شود یعنی نوشته شود «هیچ فرد یا مقام غیرصالح» برای اینکه مرجع یا فقیه مقام صالح است و حق دخالت هم دارد.

**نایب رئیس** — آقای مکارم ملاحظه میفرمائید که باید سؤال آقای طاهری اصفهانی را جواب بدهید. آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — سؤالی دارم راجع به تصمیمات. فرق میان تصمیمات و احکام چیست؟ و چطور لازم‌الاتباع است؟

**نایب رئیس** — آقای مکارم پاسخ خواهند داد. آقای منتظری بفرمائید. (منتظری — من مخالفم) آقای موسوی تبریزی (موسوی تبریزی — مخالفم) آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — من یک تذکری در لفظ «هر مورد» دارم، چون ما هنوز نگفته‌ایم دادگاهها یکدرجه‌ای یا دو درجه‌ای است «در هر مورد» مفهومش این است که هر دادگاهی در هر مرحله یکدرجه‌ای است در حالیکه منظور ما در موقع نوشتن اصل چنین نبوده است و اینرا اگر حذف کنیم یعنی بگوئیم «احکام و تصمیمات مراجع قضائی لازم‌الاتباع است» هیچ فرقی نمیکند. دوم حکم «لازم‌الاتباع» را اگر بخواهیم مصطلح باشد «لازم‌الاجراء» باید بگوئیم، چون «اتباع» معلوم نیست که به چه صورت باید تبعیت کرد در حالیکه اجرا آنرا می‌فهماند.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — شما وضع دادگستری را به آسمان برده‌اید. ثانیاً منظورتان از مراجع قضائی و

تصمیم‌گیری که می‌فرمائید تصمیم‌گیری و احکام آنها است؟ آن وقتی که احکام اسلام و قضای اسلام پیاده میشود مطلق است یا شامل وضع موجود هم هست؟ وقتیکه فردا این قانون اساسی پیاده شد وضع موجود را با این مقرراتی که غیراسلامی است در برمیگیرد. حداقل در قوانین فعلی به پژوهش و اعتراض قائل شده‌اند ولی با این اصل تصمیمات هر قاضی قابل هیچگونه اعتراضی نیست.

**نایب رئیس** — آقای کرمی شما موافقید یا مخالف؟

**کرمی** — من تذکرات لازمی در دو جای این اصل دارم. یکی اینکه «هیچ فرد یا مقام غیرمسؤول حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است ندارد» بنابراین، این «غیر مسؤول» باید باشد، و دوم اینکه این اصل شامل قاضی تحکیم نمی‌شود، زیرا قاضی تحکیم میتواند در کلیهٔ شهرستانها و قصبات باشد و مطلبی است شرعی و صحیح و باید تثبیت شود.

**نایب رئیس** — آقای تهرانی بفرمائید.

**تهرانی** — اگر کلمه «تصمیمات» برداشته شود و همچنین جمله «به غیر دخالت در تصدی امور که منحصراً» را بگذارید اشکالها برطرف میشود و رأی بیشتری می‌آورد.

**نایب رئیس** — آقای اشراقی بفرمائید.

**اشراقی** — قضاوت فقها را شرع تنفیذ کرده است. اگر ما بیائیم به این صراحت نفوذ قضای آنها را منع کنیم، این عمل خیلی نابجا است، چون ذکرش به این صراحت که آنها حق قضاوت ندارند درست نیست و باید در این مورد چاره‌ای اندیشید.

**نایب رئیس** — احکامشان را هم تنفیذ خواهند کرد ولی قرار شد ما نظمی داشته‌باشیم.

**اشراقی** — این نظم را هر طوری درست کنید به این نحو نمی‌شود.

**نایب رئیس** — قاضی تحکیم جدا است. آقای مشکینی بفرمائید.

**مشکینی** — در قضاوت، اینکه قاضی شروع کرده است به یک‌امری ویا به یک قضاوتی، قاضی دیگر حق دخالت در آنرا ندارد. نه اینکه هر امری که یک قاضی میتواند دخالت کند قاضی دیگر نمی‌تواند دخالت کند.

**نایب رئیس** — اصلا نگفتیم قاضی دیگر نمیتواند. اینجا گفته شده غیرقاضی به‌طور کلی. (مشکینی — غیر قاضی گفته نشده.) چرا چون نوشته‌اند «هیچ فرد یا مقامی حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است» این بحث دیگری است. آقای آیت به عنوان اولین مخالف بفرمائید. (صافی — منهم مخالفم.) بسیار خوب آقای صافی هم مخالفند.

**دکتر آیت** — قسمتی از مطالب من را آقایان سبحانی و خزعلی و خامنه‌ای گفتند، اما این اصل به این صورت نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه ضرر هم دارد. چون شما اینجا غیر ازحکم نوشته‌اید «تصمیمات» لازم‌الاتباع است و اینهم مطلق در هر مورد است، مثلا قاضی تصمیم بگیرد نخست‌وزیرمعزول شود یا قاضی تصمیم بگیرد مجلس شورای‌ملی منحل شود. (نمایندگان — اینطور نیست) عبارت معنی‌اش اینست ، (همهمه نمایندگان) معنی این عبارت همین است داد و قال نکنید.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید یک تذکری بدهم . قرار بود گوش کنیم و ببینیم افراد چه میگویند ولی ایشان تحمیل هم میکنند و میگویند هرکسی این اصل را ببیند میداند این معنی را میدهد در حالیکه این آقایان هم کسی هستند که اینجا نشسته‌اند و میگویند این

معنی را نمیدهد. (دکتر آیت — این جمله فارسی است نه چینی است و نه ترکی.) همه فارسی زبان هستند و میگویند این معنی را نمیدهد.

**دکتر آیت** — بسیار خوب. اگر بگویند که نمیدهد که من تعجب میکنم، برای اینکه این یک جمله فارسی است.

**موسوی تبریزی** — منظور شما اینست که اگر قاضی تصمیم گرفت میتواند حتی یک رئیس جمهور را هم معزول کند؟

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید بحث نکنیم.

**دکترآیت** — به هر صورت این جمله خیلی مطلق است به خصوص کلمهٔ «تصمیمات» حالا «حکم» یک جوری میشود ولی «تصمیمات» را قطعاً باید برداشت و بعد هم باید نوشت‌در حدود اختیارات و در حدود صلاحیتی که قانون به او اعطا کرده است و بعد هم جمله‌ای که نوشته‌اید «یا لااقل در مسائلی که منحصراً مربوط به قضات است» وگرنه این عبارت خیلی تعجب‌آور است که اینجا نوشته شده است. و مسألهٔ دیگری که ما هنوز در اینجا تصمیم نگرفته‌ایم مسألهٔ یکدرجه‌ای بودن و مسألهٔ دو درجه‌ای بودن است، درست است که ممکن است «اکثر موارد یکدرجه‌ای تصمیم بگیریم»، اما خواه ناخواه شاید در موارد خیلی مهم مثل اعدام و نظائر آن یکنوع دو درجه‌ای بودن را قائل بشویم، یا اگر دو درجه‌ای هم نباشد مسألهٔ دیوانعالی کشور را که ازطریقی به‌مسأله رسیدگی میکند که اگر شکل جریان آئین‌دادرسی کیفری رعایت نشده باشد حکم را نقض میکند. آنهم در اینجا تقریباً پایش قطع شده است ومن معتقدم این اصل را یا اصلا نداشته باشیم چون به‌طور خیلی دقیق روشن است که قوهٔ قضائیه و اگر قاضی حکمی کرد و از مراحل قطعی گذشت «مسأله قطعیتش است» لازم‌الاجرا است، یا اصل نباشد یا به‌طور کلی به‌نحوی دگرگون شود که این سوءاستفاده‌هائی که گفتیم از آن‌نشود.

**نایب رئیس** — آقای طاهری اصفهانی شما وجه مخالف دیگری دارید یا همین است؟

**طاهری اصفهانی** — من صحبت دیگری ندارم.

**نایب رئیس** — آقای منتظری شما وجه مخالفت دیگری دارید؟

**منتظری** — امور حسبیه گفته نشد و جلوتر گفتیم قاضی در حکم حاکم شرع دخالت میکند. ویکی دیگری مسأله قضاوت است که یک مجتهد عالی‌مقام و مرجع تقلید هم حق ندارد قضاوت‌بکند، و اینرا ما نمی‌توانیم بگوئیم برای اینکه قضاوت اولازم‌الاتباع است. مطلب‌دیگر کلمه «تصمیمات» است که گفتند.

**نایب رئیس** — آقای موسوی تبریزی شما مطلب تازه‌ای دارید یا همین مطالب است؟

**موسوی تبریزی** — مطالب من گفته شد.

**نایب رئیس** — آقای صافی شما مطلب تازه‌ای دارید؟

**صافی** — همین مطالبی بود که آقای منتظری گفتند.

**نایب رئیس** — آقای مکارم بفرمائید و به عنوان موافق به این مسائل پاسخ بدهید. اگر پاسختان کافی نبود آقای ربانی املشی هم صحبت می‌فرمایند.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اشکالاتی که آقایان مطرح کردند یک‌اشکالش مهم است که خیلی ازآقایان آن رامطرح کردند، واساس اشکال‌هم‌همان است و آن اینست که‌ما معتقدیم هرجامع‌الشرایطی حق قضاوت دارد. حالا اگراین‌اصل را تصویب کنیم این حق مجتهد

جامع‌الشرایط برای قضاوت گرفته میشود جز آنهائیکه در دائرهٔ تشکیلات قضائی مملکت‌هستند، این اشکال اساسی آقایان است.

**نایب رئیس** — اینکه میگوئید هرمجتهدی حق قضاوت به صورت قاضی تحکیم دارد یا نه؟ اصولا هر مجتهدی ولو متداعیان به‌او مراجعه نکنند ، اگر یکی از آنها به اومراجعه کرد حق دارد دیگری را الزاماً احضار کند، اینرا شما می‌خواهید بفرمائید؟

**مکارم شیرازی** — جواب این مسأله دو چیز است. اول فرض اینست که ما میخواهیم یک جامعه‌ای درست کنیم خالی از هرج و مرج و منزه و اگر بنا شود هر کسی ولو هر مجتهدی در نظام یک مملکت برای خودش دادگاه مستقلی تشکیل بدهد، کما اینکه بعضی از نمونه‌هایش مشاهده شده است این باعث میشود که هماهنگی در این مملکت پیدا نشود و این از اختیارات ولی امر است. باید برای حفظ نظم و جلوگیری از هرج و مرج یک انضباطی درکار قائل بشویم و نمونه‌هایش را امام الان انجام میدهد مثلا مسأله نصب امام جمعه یا مسائل دیگری از این قبیل را ایشان برای اینکه وحدت مسلمین حفظ شود عملی کردند و کسان‌دیگر هم در این مسائل دخالت نمی‌کنند و حتی می‌بینیم مراجع هم به همین مطلب برای حفظ وحدت رویه احترام‌می‌گذارند و چه مانعی دارد که ولی‌امر مسلمین،این کار را بکند و این‌چیز تازه‌ای نیست و نمونه‌هایش را در جاهای دیگر داشته‌ایم. و ثانیاً آیا اینکه هر قاضی، هرمجتهد بدون مراجعه به او حق دارد دنبال متداعیین بفرستد یا دنبال افراد بفرستد؟ این اول کلام‌است از نظر فقهی هم قاضی تحکیم مسلم است و کاری به این ندارد. اما اینکه‌در هر مورد بدون اینکه به او مراجعه کنند مستقیماً بخواهد دخالت کند قابل بحث است. و اما از اینکه بگذریم اشکالات دیگر مثلا اشکال خیلی جالبی که آقای آیت داشتند و ایشان می‌گویند این کلمه «تصمیمات» عام است. این درست مثل این است که ما بگوئیم هر تصمیمی فرمانده لشکربگیرد برای تمام نظامیان واجب‌الاتباع است، یا بگوئیم ایشان‌امسال تصمیم‌گرفته است که همه به مکه بروند، اینهم واجب‌الاتباع است، آخر چه ربطی دارد، تصمیم یعنی در دائره‌فرماندهی لشکر، این همان چیزی است که ما مرتب در فقه و اصول میگوئیم «تعلیق الحکم علی‌الوصف دلیل علی‌العلیة مناسبة‌الحکم والموضوع قرائن‌الحالیه والمقالیه» این چیزهائی است که مرتب داشته‌ایم و الان هم در اینجا منعکس شده. و اما اینکه بعضی ازآقایان می‌گویند مسأله صلح و امثال اینها را اینجا شامل میشود؟ بلی و بعد سؤال کردند این تصمیمات، غیر از احکام چیست؟ قاضی غیر از احکام تصمیمات دیگری دارد،مانند قیم برای صغار، ولی برای غیب‌وقصر تعیین میکند و امثال اینها، یا مثلا قرار بازداشت که این احکام گفته می‌شود مربوط به قضاوت است یک چیزهائی است که مفهوم قضاوت ندارد. و اما اینکه آقای رحمانی گفتند این اصل وضع دادگستری را به‌آسمان می‌برد و یک حق وسیعی به‌دادگستری می‌دهد و شامل‌دادگستری فعلی هم می‌شود، جوابش اینست که ما می‌دانیم نظام دادگستری با تصویب این قوانین و با مجلس آینده باید به کلی دگرگون بشود و در این مرحله برزخ هم همانطوریکه الان به حکم نظام جمهوری اسلامی فعلی احکام دادگستری را لازم‌الاتباع میدانیم، وحتی وضع بانکها را با اینکه غیراسلامی هست به‌حکم دوران انتقالی هنوز محترم می‌شماریم. خوب در دوران‌انتقالی مسلماً چنین وضعی خواهیم داشت از این وضع نامطلوب به‌وضع مطلوب می‌رویم و در این‌وسط هم مسلماً یک اوضاعی هست که باید گذرا محسوبش بداریم. این جواب مجموع ایراداتی‌بود

که آقایان فرمودند.

**موسوی تبریزی**— اینکه ایشان می‌فرماید قاضی تحکیم، قاضی تحکیم معنایش اینست که متداعیین بر قضاوت او راضی بشوند و اینهم در قاضی غیر مجعول هست و آنهم «یختص به حال حضورالامام» (مکارم — «لایختص» ) از لفظش معلوم است.

**نایب رئیس** — حتی در خارج دنیای اسلام هم محسوس نیست. قاضی تحکیم یک‌امر سنتی دنیائی است.

**موسوی تبریزی** — مجتهد در زمان غیبت از طرف امام است منصوب است (همهمه نمایندگان).

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید یک سؤالی را مطرح می‌کنم بعد حضرتعالی پاسخ بدهید و آقای ربانی املشی هم یادداشت کنند که پاسخ بدهند. آقای صافی و دوستان عنایت‌بفرمائید این مسأله‌ای که آقایان می‌فرمایند که فقیه قاضی است، شأنی از همان شؤون ولایت است، بگوئیم فقیه والی است و ازجمله اینکه والی می‌تواند متصدی قضا شود و یا حداقل متصدی امور حسبیه ، مسأله جداگانه‌ای نیست حالا سؤال اینست که بالاخره در یک نظام اسلامی می‌خواهید به‌این قسمت سروسامانی بدهید، می‌خواهید بگوئید که اینها وقتی نظام اسلامی هست بازاحتیاج به‌حکم دارند یا ندارند. الان از آقایان سؤال می‌کنم. شما امروزمی‌گوئید که هرکس مجتهد وعادل است می‌تواند هرجا دلش بخواهد دادگاه انقلاب تشکیل بدهد و یا می‌گوئید مشروط است به‌اینکه امام به او حکم بدهد. آقایان دقت بفرمائید این مسائل دراینجا آنقدر ظریف میشود که یک طرفش درست مطابق با موازین میشود منتها نتیجه‌اش این‌می‌شود که بگوئیم مادام که نظام، اسلامی نیست مرکزیت اسلامی و امامتی وجود ندارد طبعاً هر فقیهی درقلمرو نفوذش باید آنچه از حکومت شرعیه می‌تواند اعمال کند، اما بعد از تحقیق یک حکومت دارای رهبری عالی و متمرکز آیا در قلمرو آن رهبری عالی و متمرکز هر فقیه مجتهد واجد شرایطی میتواند اعمال ولایت کند؟ این را آقایان جواب بدهید.

**کرمی** — اگر دو نفر پیش مجتهد عادلی رفتند در مورد آنها قضاوت شد، آن حکم نافذ هست یا نه؟

**نایب رئیس** — آقای کرمی پیشنهادی دارند می‌گویند «در موردی که متداعیان به‌یک فقیه مراجعه کنند» این را بیاورید ولی در مازاد آن بسط ندهیدبگذاریدهمینطور باشد(منتظری— این از امور حسبیه است) اگر آقایان موافق هستند این را ما درآن‌مورد که متداعیان مراجعه کنند باید بیاوریم ومن تأیید می‌کنم که جائیکه متداعیان به‌یک فقیه مراجعه می‌کنند آنجا حتماً استثناء بشود.

**اشراقی**— وقتی که‌متداعیان به‌فقیهی مراجعه می‌کنندآیا دولت‌حکم فقیه را تنفیذ می‌کند یا نه؟ آیا حکومت وقت، حکم فقیه را تنفیذ می‌کند یا نه؟

**نایب‌رئیس** — بلی آقا، این را برایش راه حل درست کرده‌اند. می‌گویند اگر متداعیان مراجعه کردند برای اینکه بعداً یکی ازآنها انکار نکند قبلا بروند به‌مقامات رسمی این توافق را بگویند بعداً مقامات رسمی تنفیذ می‌کنند.

**منتظری** — در امور حسبیه چه؟ یعنی مجتهد نمی‌تواند دخالت کند؟

**نایب رئیس** — چرا مگر با اجازه‌والی، اینها با تعیین والی باید باشد.

**صافی** — قضاوت واجب کفائی است وقتی یک نفر دریک شهری ازطرف‌رهبر یا آن کسی که ولی‌امر معین شده باشد که قضاوت را انجام بدهد دیگری هرگز نمی‌آید که دخالت در کار او بکند و ثانیاً اینکه در نظام ما اینطور است که حکومت قضاتی را که صلاحیت دارد آنان را شناسائی می کند مگراینها چندنفرهستند، بازهمانطور است آنوقت احکام آنها را اجرا می کند چیزی که ما الان دراینجا می‌خواهیم آنست که نفی این امرنشود اثبات نکنیم، نفی هم نکنیم همین. در این قانون نمی‌خواهیم بالصراحه نفی یا اثبات باشد.

**ربانی شیرازی** — در مسأله حکومت اعمال ولایت کردن از طرف دیگری مخالف نظم است و مخالف یکپارچگی مملکت است برخلاف مسأله قضاوت که تعدد آن نزاعها را زودتر فیصله می‌دهد الان مقدار زیادی پرونده در دادگستری انباشته شده است وعلتش اینست که مرجع رسیدگی فقط دادگستری است اگرچنانکه دیگران هم می‌توانستندرسیدگی کنند حل‌وفصل می‌شد. لذا شما روی همین اصل می‌گوئید در دهات بیائیم یک‌دادگاههای مقدماتی تشکیل بدهیم یعنی به کسانی که صلاحیت ندارند می‌گوئید بیایند حل و فصل کنند و این منصب را به آنها که اهلیت ندارند می‌دهیم ولی این منصب را از مجتهدین که اهلیت قضات در شرع دارند می‌گیریم.

**نایب رئیس** — نمی‌گیریم. آقای یزدی بفرمائید.

**یزدی** — باید حکم اجرا شود اگر قاضی شرع حکم بدهد و اجرا نشود این ارزشی ندارد هرقاضی حتماً باید مجتهد باشد وهرقاضی می‌تواند حکم بدهد و قضاوت کنداین کلمه«می‌تواند» اگر با توافق طرفین شد همان قاضی تحکیم است که فرمودید بدون‌ضمانت قوهٔ مجریه اگرخواست با ضمانت قوهٔ مجریه باشد درست همان طور که اشاره فرمودند براساس ولایت باید بیاید توی نظام‌والاجامعه بی‌نظام می‌شود.

**نایب‌رئیس**— آقایان دارید دو مسأله را با هم مخلوط می کنید البته این اصل‌اصلاحاتی لازم دارد و آن اصلاحات به عمل خواهد آمد ولی راجع به این مطلب اقلا به توافق برسیم که قاضی تحکیم مطمئناً باید طوری نوشته شود که او خارج نشود یعنی قاضی تحکیم بتواند وجود داشته باشد این را همهٔ ما اتفاق داریم و بحثی هم ندارد.

**جوادی** — این شخص یا مجتهد است یا مجتهد نیست قاضی تحکیم همانطورکه گفتند سال زمان حضور امام است اگر مجتهد نباشد که قضای او نافذ نیست، اگر مجتهد باشد که قاضی منصوب ازطرف امام است. شما ولایت را با قضا فک نکنید قاضی تحکیم مال زمان غیبت است. این شخص اگرمجتهد نباشد می‌شود داور وفی‌المجلس می‌شود حکم او را رد کرد اگر قاضی‌گفت (حکمت) حکم او قابل رد نیست.

**نایب رئیس** — اشکال کار آقایان اینست که این زمان حضور را می‌گوئید زمان حضور امام، درحالی که اینطور نیست این زمان حضور امامت اسلامی است.

**کرمی** — منظور از تحکیم در اینجا در مقابل قاضی رسمی است، داور شرعی است نه داور عرفی.

**نایب رئیس** — آقای صدوقی بفرمائید.

**صدوقی** — بنده اجازه گرفتم برای صحبت ولی شما هیچ توجه نکردید حالا من بحثی ندارم بحث من نسبت به اصل بعد از اینست (نایب‌رئیس — بسیارخوب) (طاهری اصفهانی—

رأی بگیرید.)

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای فرمایشی دارید؟

**خامنه‌ای** — جمله «هیچ مقامی حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است ندارد» معنایش این می‌شود که قاضی حق دخالت در قضاوت دیگری را ندارد اشکال من این بود.

**نایب رئیس** — اگر حکم دو درجه هم باشد با این مطلب منافاتی ندارد برای اینکه این قسمت قضائی است (خامنه‌ای — نظر من دربارهٔ کلمه لازم‌الاتباع بود).

**مکارم شیرازی** — ولی قبلا آقایان یک اصلی را تصویب کرده‌اند که مرجع رسمی تظلمات دادگستری است (صافی — شما می‌گویید مرجع رسمی.)

**نایب‌رئیس** — دوستان توجه بفرمائید ببینیم می‌شود این اصل را به اینصورت اصلاح کرد دقت بفرمائید «احکام قضات لازم‌الاجراست و هیچ فرد یا مقامی نمی‌تواند در کار قضا و یا کارهای دیگر که مخصوص قضات است دخالت کند مگر اینکه به صورت قاضی تحکیم باشد.»

**منتظری** — کافی نیست بنویسیم «احکام مراجع قضائی لازم‌الاجرا است».

**نایب رئیس** —اینکه معلوم است حالا اجازه بدهید رأی می‌گیریم چون به‌اندازهٔ کافی در مورد آن بحث شده است.

**دکتر ضیائی** — این کلمهٔ «تصمیمات» را که از اصل حذف کردید مصلحت نیست برای اینکه گاهی قضات برای پیشگیری تصمیماتی می‌گیرند مثلا برای جلوگیری از مواد مخدر امثال این مطالب، اینها لازم‌الاتباع است.

**نایب رئیس** — آقای ضیائی الان درعرف فعلی می‌گویند حکم بازداشت، حکم توقیف، حکم قیمومت الان به‌همهٔ اینها اطلاق حکم می‌شود مثل حکم احضار، همهٔ اینها حکم است. کلمه احکام تمام تصمیمات قانونی قضات ایستاده را حتی شامل می‌شود مثل حکم جلب چون می‌گویند حکم قیمومت یا حکم جلب صادر شده. آقای دکتر غفوری.

**دکتر غفوری** — یک مطلب خاص هم هست که فقط تسلیم حکم نیست مثل نیابت قضائی و احضار شهود، حکم نمی‌کند میگوید فلان کس را بیاورید فلان کار را بکنید.

**نایب‌رئیس**— اینها را عرفاً حکم می‌گویند ، می‌گویند قاضی حکم داده که شاهد آنجا برود عرفاً به‌همهٔ اینها حکم گفته می‌شود پس با اجازهٔ دوستان این اصل را به همین صورت به رأی می‌گذاریم اگر رأی نیاورد که برمی‌گردد به‌گروه (ضیائی— حق دخالت را حق تصدی بگذارید) اجازه بدهید کلمه دخالت را تبدیل به‌تصدی می‌کنیم «... حق تصدی اموری که در صلاحیت مراجع قضائی‌است ندارد» که آن شائبه‌ها ازبین برود. (غفوری— این استقلال قضائی را تأمین نمی‌کند این مثل‌سابق میشود که قاضی استقلال نداشت ملاحظه کاری وتهدید بود). این آن مطلب را نمی‌گوید، آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — ما نباید منع بکنیم حق دخالت را و بگوئیم دخالت فرد یا مقامی در اموری که‌درصلاحیت‌مراجع قضائی است رسمیت ندارد چون دادگستری مرجع رسمی بود اینها رسمیت ندارند، درعین اینکه شرعیت دارند رسمیت ندارند.

**موسوی اردبیلی** — اختلاف نظریه‌ها زیاد است شما همین را به رأی بگذارید.

**نایب رئیس** — با اجازهٔ دوستان این اصل را که می‌خوانم به رأی می‌گذاریم:

«اصل ۱۰۰ — احکام و تصمیمات مراجع قضائی لازم‌الاجرا است و هیچ فرد یا مقامی حق دخالت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است ندارد مجازات تخلف از این اصل را قانون معین میکند»، لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هشت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافق سی و شش نفر، مخالف ده نفر، ممتنع دوازده نفر، بنابراین این اصل رد شد.

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۴۷ (اصل یکصد و شصت و دوم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۴۷ که قبلا آمده بود و حالا اصلاح شدهٔ آن آمده است قرائت می‌شود.

**اصل ۱۴۷ (اصل یکصد و شصت و دوم)** — رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوانعالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

**نایب رئیس** — راجع به این اصل به اندازهٔ کافی بحث شده است و قرار شده کسی هم صحبتی نکند (صدوقی — من اجازه گرفته‌ام برای صحبت به شرطی که کسی حرف نزند اگر کسی حرف نزند من هم حرفی ندارم) کسی نظری ندارد؟ بسیار خوب لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و نه رأی، موافق پنجاه و هفت نفر، مخالف یک نفر، ممتنع یک نفر بنابراین اصل ۱۴۷ تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**نایب‌رئیس**— عرض میشود یک اصل را آقایان، برای جلسهٔ علنی آماده کرده بودند که اینجا نیامده اجازه بفرمائید که این اصلی را که صبح هم به اندازهٔ کافی رویش بحث شده بخوانیم:

«دادگاهها و دادسراهای انقلاب اسلامی تا زمانیکه رهبر انقلاب یا مجلس شورای‌ملی عدم نیاز به آنها را اعلام نکرده است به انجام وظایف قانونی خود ادامه میدهند».

**کرمی** — این اصل ارتباطی به قانون اساسی ندارد.

**نایب رئیس** — چون روی آن بحث شده رأی میگیریم. لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هشت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافق چهل نفر، مخالف هفت نفر، ممتنع یازده نفر، بنابراین این اصل هم رد شد.

**موسوی جزایری** — عده‌ای که رأی ممتنع دادند دلیلشان این بود که نیازی نیست این اصل در قانون اساسی باشد.

**کرمی** — ما که رأی ممتنع دادیم به اعتبار گنجاندن آن در این قانون بود نه به اعتبار خودش.

**نایب رئیس** — بسیار خوب ما نتیجهٔ رأی را اعلام کردیم آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد**— حالا که این اصل تصویب نشد پس تکلیف دادگاه انقلاب چه‌می‌شود؟

**نایب‌رئیس**—آقای هاشمی‌نژاد این بحث را اجازه بدهید در کمیسیون انجام‌شود ما صبح یک اصل را مطرح کردیم که من‌داشتم آن را تکمیل می‌کردم.«براساس اینکه‌جرم ومجازات شخصی است بستگان و کسان مجرم که دخالتی در ارتکاب جرم ندارند به دلیل انتصاب به مجرم مجازات نمی‌شوند». این مطلب به عنوان یک اصل آورده شده بود و یک مقدار هم رویش بحث شد و به‌نتیجه نهائی نرسید. حالا اینرا اینجا مطرح می‌کنم اگر که‌دوستان بحث تازه‌ای رویش ندارند به رأی می‌گذاریم. (همهمه نمایندگان)

**مکارم شیرازی** — آقای دکتر در این اصل به آقایان تذکر بدهید اگر اینجا این اصل تصویب بشود می‌بریم آنرا در باب حقوق‌ملت، چون این اصل مربوط به‌قانون اساسی که‌نیست.

**ربانی شیرازی** — آقای دکتر بهشتی این اصل برائت را ما در حقوق ملت آورده بودیم و به‌طور کلی چیزی که اینجا شامل می‌شود در آنجا نیست ، آن مربوط به حقوق ملت و حقوق بشر است.

**نایب رئیس** — آقایان عنایت فرمایند این جزو حقوق قانون اساسی است، این غیر از آن مسأله اصل برائت است بنابراین، این بدان معنا است که مسأله مجازات گروهی، مجازات خانوادگی اینها در اسلام نبودنش از بدیهیات است، اما در فرهنگ بشر از بدیهیات نیست‌یعنی درتمدنهائی بوده است، خودمان میگوئیم در جاهلیت یعنی کسی، کسی را می‌کشته قوم او را می‌کشتند بنده ازنظرقانونی می‌گویم عرض‌می‌شود که بنابراین جزو قانون اساسی است خودمان در اسلام می‌گوئیم ما خودمان وقتی دراسلام می‌خواهیم بحث کنیم می‌گوئیم درجاهلیت اگر یکنفر ازقبیله‌ای کسی را می‌کشت می‌رفتند همهٔ قبیله را دراین‌جرم سهیم می‌دانستند و اصولا آیهٔ شریفهٔ: «ولکم فی‌القصاص حیوة...»بیشترهم ناظر به نفی همین است یعنی قصاص و کیفر هم عرض و کیفر هم حد نه بیشتر از حد، در حقیقت نفی می‌کند آن حالت آن کیفر بی‌حدیکه را در جاهلیت بوده است.

بنابراین، این یک اصلی است که از اصول حقوق قانون اساسی است. حالا امروزه اگر در عالم اسلام برای ما بدیهی و روشن است آن یک امری و مطلب دیگر است. پس این اصل‌را که در ترکیب اصلهای ۱۵ و ۱۶ می‌خواستیم، آقایان نمایندگان بایستی زودتر به جلسه تشریف می‌آوردند که ما اینجا می‌توانستیم کاری انجام بدهیم.

**پرورش** — اجازه بفرمائید، بنده بروم اطلاع بدهم آقایان به جلسه تشریف بیاورند.

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۱۵۶ (اصل یکصد و شصت و هفتم)

**نایب‌رئیس**— دوستان اجازه بفرمائید ما دوتا اصل داشتیم به‌شماره‌های ۱۵ و ۱۶ در طرح پیشنهادی با این‌شماره‌ها البته اگرتنظیم می‌شد درردیف‌اصلهای ۱۵۳ و ۱۵۴ قرارمی‌گرفت، این دو اصل این بود که: «قاضی موظف است نهایت کوشش را دریافتن حکم هر دعوی از قوانین و منابع معتبر حقوق اسلامی بنماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص و یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه ازرسیدگی و صدورحکم امتناع ورزد» و بعد دراصل بعدی داشتیم «در مواردی که قاضی نتواند حکم دعاوی را در قوانین موضوعه اسلامی بیابد با استناد به منابع

معتبر و قواعد اسلامی حکم قضیه را صادر می‌نماید» قرار شد که این دو اصل ترکیب بشود و بدین صورت در بیاید «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین موضوعه بیابد و اگر نیافت با استناد به منابع معتبر اسلامی حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به‌بهانهٔ سکوت، یا نقض، یا اجمال، یا تعارض قوانین از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزد». اینکه معلوم است آقا. (عده‌ای از نمایندگان — آقای دکتر بهشتی، این اصل را به رأی بگذارید)

**ربانی شیرازی** — آقای دکتر بهشتی در آنجائیکه باید مراجعه به منابع بکند «مراجع» را هم زیاد بکنید مراجع تحقیق اگر پیدا نکرد به مراجع تقلید مراجعه بکند.

**نایب رئیس** — عیبی ندارد اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه می‌کند. آقای صافی، صبح توضیح و توجیه آن در همهٔ جوانب خدمتتان داده شده بنابراین اینجا نوشتیم «با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر» این که صبح خدمتتان توضیح و توجیه گردید این یکی از آن دو حال است، یعنی اگر واقعاً نظرش احتیاط است، پس فتوای به احتیاط دارد و روی آن عمل کند و اگر بی‌نظر و فاقد فتوا است میتواند یک فتوای معتبر را ملاک قضا قرار بدهد اینکه اشکالی ندارد چون این روش مجری است.

**تهرانی** — آقا، رأی بگیرید و روی این فکر میکنم. آقایان دیگر بحثی ندارند.

**نایب رئیس** — خوب، پس اگر در این زمینه بحثی نیست اجازه بفرمائید به رأی بگذاریم.

**دکترغفوری** — همانطوریکه شما و سایردوستان مسبوق هستید حدود شصت وسه نفر از قضات کشور یک نامهٔ بسیار مفصلی نوشته‌اند که خلاصهٔ آن دو مطلب است یکی اینکه البته یک مقدارش مربوط به شورایعالی قضائی بود که آن از تصویب گذشت حالا به آن قسمت‌اشاره نمی‌کنم. دیگر اینکه، دو تا اصل خیلی اساسی در مسأله قضا هست که قانون بودن جرم و مجازات، به‌اصطلاح همان قبح بلابه‌بیان خودمان و شخصی‌بودن آن، این را گفتند که ازاساس به اصطلاح جزء اصول قانون اساسی بایستی باشد و بعضی‌ها دربارهٔ این نظر دادند که لزومی ندارد. این‌ها راکه مطرح می‌فرمائید اینها در قانون‌های دادرسی و مدنی و در قانون کیفری مطرح است دراینصورت اینها زیاد اهمیت ندارد که در قانون اساسی نباشد و این یک توصیه‌ای است که دربارهٔ آن کوشش کند و عمل کند. همانطوری که گفتم توصیه میکنم که دوستان باز روی این مسائل قانون بودن مجازات و جنحه و امثال آن فکر کنند و روی مسائلی که‌امروز نرسیدیم صحبت کنیم بحث و گفتگو کنید، همانطور که آندفعه هم مسألهٔ کاپیتولاسیون گفته‌شد. اینستکه لطفاً روی این فکر کنند و تبادل‌نظر کنند بعداً مطرح بشود.

**نایب رئیس** — آقای دکتر غفوری بسیار متشکرم، خوب، آقایان اجازه بفرمائید من این اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۱۵۶ (اصل یکصد و شصت و هفتم)** — قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانهٔ سکوت یا نقض، یا اجمال، یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر، شمارش کل آراء شصت و یک رأی، موافق چهل و نه رأی، مخالف چهار رأی، ممتنع هشت‌رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**نایب‌رئیس** — آقای منتظری اصل مربوط به دیوان عدالت اداری را می‌خوانند اجازه بفرمائید چون برای من یک کار فوری آورده‌اند که باید رسیدگی کنم پس ازچنددقیقه‌خدمتتان می‌رسم (در این موقع آقای منتظری ریاست جلسه را به عهده گرفتند).

## ۸ — طرح و تصویب اصل ۲۳ (اصل یکصد و هفتاد و سوم)

**رئیس** — اصل ۲۳ که آخرین اصل تنظیمی آقایان است قرائت می‌شود.

اصل ۲۳ — به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به‌مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق به حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری تأسیس می‌گردد، حدود و اختیارات ونحوهٔ عملی این دیوان را با رعایت استقلال قوهٔ قضائیه قانون تعیین می‌کند.

**ربانی املشی** — و نحوهٔ عمل این دیوان را با رعایت استقلال قوهٔ قضائیه قانون تعیین می‌کند.

**رئیس** — بله آقا، عنایت بفرمائید «حدود واختیارات ونحوهٔ عمل‌این دیوان را با رعایت استقلال قوهٔ قضائیه قانون تعیین می‌کند». (نمایندگان — آقای منتظری ، روی این اصل رأی بگیرید) آقای مکارم شما با این اصل موافقید یا مخالف هستید؟

**مکارم شیرازی** — اجازه بفرمائید اول خوب مفهوم عبارت این اصل برای همه روشن بشودبعد روی آن رأی بگیرید.منظوراز «با رعایت استقلال قوهٔ قضائیه» دراینجا چیست؟

**رئیس** — عرض می‌شود که یعنی این هم از شعب دادگستری است یک چیز جدائی نیست. (مکارم شیرازی — پس به‌این‌صورت نبایستی نوشته بشود چون این معنی را نمی‌رساند.) بله، در حقیقت دادگاه اختصاصی است که مربوط به دادگستری است. (مکارم شیرازی — پس این به‌این صورت نمی‌شودنوشت.) (همهمه نمایندگان) آقایان اجازه فرمایند صحبت آقای‌مکارم تمام بشود بعد نظر خودشان را بیان فرمایند.

**مکارم شیرازی** — بایستی عبارت این قانون را طوری نوشت که همه بفهمند.

**ربانی املشی** — بایستی مضمون این اصل خوب روشن بشود طوری نباشد که آخرسر در مفهوم این اصل برای مجریان امور اشکال ایجاد کند و گنگ باشد منظور من این است که رسیدگی به شکایات طوری نباشد که به استقلال قوهٔ قضائیه لطمه بزند یعنی دادگستری این مملکت دو مرکز داشته باشد یعنی یکی قوهٔ قضائیه و دیگری دیوان عدالت هر دوی اینها کارشان معلوم باشد و هر دوی‌اینها مربوط به دادگستری است.

**رئیس** — آقایان اجازه بفرمایند منظور ما این است که از شعب دادگستری است. آقای خامنه‌ای سؤالی داشتید؟ بفرمائید .

**خامنه‌ای** — اشکالی داشتم که برطرف شد.

**رئیس** — آقای آیت شما صحبتی داشتید؟

**دکتر آیت** — البته من با عباراتش موافقم اگر کسی مخالفت کرد من به عنوان موافق

جواب میدهم.

**رئیس** — پس آقای آیت شما موافقید. (دکتر آیت — بله، من موافقم.) آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — اجازه بفرمائید برای رفع این مشکل و اشکالات دیگر پیشنهاد می‌کنم که دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورایعالی قضائی یا دیوانعالی کشور باشد که معلوم بشود که این دیوان مستقیماً تحت نظر کدام یکی از آنها است.

**رئیس** — پیشنهاد خوبی است. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — با این اصل موافقم روی آن رأی بگیرید. (نمایندگان — آقا به رأی بگذارید.)

**رئیس** — آقایان اجازه فرمایند متن این اصل به همه روشن بشود بعد رأی بگیریم.

**ربانی املشی** — پیشنهادی هم آقای دکتر کاشانی در مورد این قانون که تحت نظر دیوانعالی کشور باشند کرده‌اند پیشنهاد خوبی است که نزد آقای میر مرادزهی است.

**رئیس** — بله، پیشنهاد خوبی است. آقای خامنه‌ای بفرمائید سؤالی داشتید؟

**خامنه‌ای** — آقای منتظری رئیس شورایعالی قضائی کیست؟

**رئیس** — یعنی شورایعالی قضائی که همان پنج نفر است آنها یک قسمتی را و یک‌اداره را دایر کرده‌اند که به شکایات مردم رسیدگی می‌نمایند. کار خوبی هم است که تحت نظر شورایعالی قضائی در این اداره انجام وظیفه می‌نمایند. (تهرانی— آقای منتظری لطفاً این اصل را به رأی بگذارید.)

**رئیس** — اجازه بفرمائید خودم روی این اصل یک سؤالی دارم و آن را عرض کنم، از آنها که عبارت را نوشته‌اند سؤالی دارم. «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات واعتراضات مردم نسبت به مأمورین، یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی» آنوقت احقاق به‌حقوق آنها عطف به کجا است؟

**مکارم شیرازی** — احقاق به حقوق آنها عطف به «رسیدگی» است. (رئیس — آیا لازم است که این عبارت، وسط این متن باشد؟) بلی، لازم است. (تهرانی— بایستی رسیدگی بشود.)

**ربانی شیرازی** — بایستی نوشته شود «به منظور رسیدگی و احقاق حقوق آنها.»

**انواری** — «به منظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم از واحدها» چیست؟

**رئیس**— واحدها یعنی واحدهای دولتی و ادارات، پس حالا این اصل برای رأی‌گیری یک دفعه دیگر قرائت می‌شود.

**اصل ۲۳ (اصل یکصد و هفتاد و سوم)** — به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیرنظر شورایعالی قضائی تأسیس می‌گردد. حقوق و اختیارات و نحوهٔ عملی این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آراء به شرح زیر اعلام گردید)

**رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هشت نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه‌و هشت رأی، موافق پنجاه و شش رأی، مخالف هیچ، ممتنع دو رأی بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۹ — طرح و تصویب اصل ۱۵۸ (اصل یکصد و هفتادم)

**رئیس** — خوب، حالا دوستان اجازه بفرمایند، اصل ۱۵۸ که قبلا هم مطرح شده است‌در اینجا قرائت می‌شود.

اصل ۱۵۸ — قضات دادگاهها مکلفند ازاجرای تصویبنامه‌ها وآئین‌نامه‌ها ونظامنامه‌ها دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی ، یا خارج از حدود اختیارات قوهٔ مجریه است خودداری کنند.

**عده‌ای از نمایندگان** — آقا رأی بگیرید.

**هاشمی‌نژاد** — آیا ضرورت دارد در قانون اساسی ذکر کنیم که قضات اگر چیزی را که اینها برخلاف قانون پیشنهاد کردند از اجرای آن خودداری کنند؟

**رئیس** — آقایان اجازه فرمایند ، آقای مکارم اجازه فرمائید هرکس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند پس ما یک ادارهٔ عدالت دیوانی هم پیدا کردیم .

**مکارم شیرازی** — آقایان توجه کنید ما اینجا چه داریم می‌نویسیم.

**رئیس** — آقای مکارم تشریف بیاورید اینجا.

**مکارم شیرازی** — همین‌جا خوب است، آقایان توجه کنند، فرض کردیم مملکتی است قوانینش به‌مجلس شورای ملی می‌رود و بعد می‌رود زیرنظر شورای نگهبان، شما باز فرض می‌کنید این قانونی که از زیر نظر شورای نگهبان گذشته باز برخلاف اسلام است، این درست نیست.

**نمایندگان** — ما اینطور فرض نکردیم و اما آئین‌نامهٔ داخلی که توی‌قانون اساسی‌دخالت داده نمی‌شود و نمی‌تواند ارتباطی داشته باشد.

**مکارم‌شیرازی**— آقایان اجازه بفرمایند خدمتشان عرض می‌کنم وآن این است ما اصل چهارم راکه تصویب کردیم اینطور بود «کلیه قوانین...»

**رئیس** — آقایان اجازه فرمایند چرا اینقدر شلوغ میکنند. بگذارید صحبتش را بکند. هی میگویند مطالب اسلامی. آقایان شلوغ نکنند بگذارند آقای مکارم مطلبش را بگوید، آقای طاهری اجازه بفرمائید حرفش را بزند آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — آقا، اصول متضاد که اینجا نمی‌توانیم بنویسیم این اصلی را که دارید مطرح می‌کنید با اصل چهارم متضاد است بنده به آقایان ثابت میکنم متضاد است. شما درآنجا اینطور تصویب کرده‌اید «کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی‌همهٔ اینها بایستی طبق قوانین اسلام باشد» و آخر این هم نوشتید «تشخیص این امر برعهدهٔ فقهای شورای نگهبان است» در اینجا تشخیص را به عهدهٔ جناب قاضی گذاشته‌اید.

**ربانی شیرازی** — آقای‌مکارم آن راکه شما می‌فرمائید آن آئین‌نامه است و متون آئین‌نامه که نمی‌تواند در قانون اساسی کشور دخالتی داشته باشد.

**رئیس** — آقایان عنایت فرمایند، آقای مکارم در جواب مطالبی که فرمودید باید بگویم هنوز اکثر قوانین دادگستری اجرا می‌شود تا حالاکه ابطال نشده است و هنوز به‌قوهٔ خودش

باقی است (همهمه نمایندگان) بسیار خوب، آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**دکتر غفوری** — این کلمه مقررات اسلامی در ذهن افرادیکه مطلع و آگاهند یک جور معنائی دارد و در اذهان اکثر مردم یک برداشت دیگری دارد ما باید قطعی و مسلم بگذاریم یا ضروریات است و یا مدون است والا هرج و مرج ایجاد میشودزیرا هرکس به اجتهاد خودش می‌گوید مقررات من اسلامی است وآنوقت دادگاهها اختلاف رویه پیدا می کنند وهرکس ازجائی مأیوس شد میرود جائی دیگرکه اجتهادش طوری دیگر است بنابراین برای جلوگیری ازهرج‌و مرج یا «مقررات مدون اسلامی» بگذارید یا «مسلم» بگذارید و در این اصل بیاورید.

**رئیس** — شما الان یک اصلی گذراندید که قاضی نمی‌تواند از رأی دادن و حکم کردن امتناع کند اگر در قوانین مدون حکم را نیابد، باید به منابع معتبر اسلامی مراجعه کند پس قاضی حق دارد به منابع معتبر اسلامی مراجعه کند و لازم نیست مدون باشد، زیرا آن اصلی که تصویب کردید به قاضی حق اجتهاد دادید و قاضی تا اندازه‌ای حق دارد که به منابع اسلامی مراجعه کند. آقای جوادی بفرمائید.

**جوادی** — قوانینی راکه مجلس‌شورای‌ملی تصویب می کندباید شورای‌نگهبان‌تشخیص بدهد ولی آئین‌نامه‌های داخلی که شورای نگهبان را لازم ندارد.

**رئیس** — آقای طاهری خرم‌آبادی.

**طاهری خرم‌آبادی** — عرض کنم که ما برای اجرای قوانین اسلام مرحله به مرحله‌باید محکم کاری کنیم در مرحلهٔ قانونگذاری این پیش‌بینی شد که تمام قوانین و مقررات به شورای نگهبان برود و آن شورا نظارت بکند و این در مرحلهٔ اجرا است که اگر خدای نکرده قانونی برخلاف اسلام بود و یا آئین‌نامه و نظام نامه‌ای که‌مربوط به وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولت بود و خواست اجرا بشود، اگر برخلاف اسلام بود در مرحلهٔ اجرا این محکم‌کاری بشود که قاضی موظف باشد اجرا نکند و در نتیجه ما بتوانیم احکام و قوانین اسلام را اجرا بکنیم و این منافات ندارد که برای آن مرحله ما این پیش‌بینی را کرده باشیم.

**رئیس** — من کمک میکنم به آقای طاهری و اضافه میکنم هم‌چنین اگر ته مانده‌های سابق مانده باشد. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — قوانینی که درمجلس شورای ملی میخواهد تصویب بشود باید زیرنظر شورای نگهبان باشد و مسؤولش آن شورا است در اینجا منظور آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌هائی است که دراصلی که الان رسیدگی شد ذکر شد و مرجعش دیوان عدالت بود و این ازمصادیق این قانون است.

**مکارم شیرازی** — در کجای آن مجلس شورای ملی نوشته شده است.

**رئیس** — آقای صافی بفرمائید.

**صافی** — عرض کنم خود آن اصل اصالت دارد و با قطع نظر از اصول سابق باید این‌اصل صحیح باشد. آن اصل را ما از این نظر گذراندیم که اگر ما به طور اشتباه یک اطلاق عمومی براین‌اصول داشتیم که خلاف شرع بود آن اصل، آن‌اطلاق‌عموم را تصویب یا تأیید کند ولی این چه‌اصلی است که هرجا اسم اسلام آمد بعضی آقایان میگویند هرج‌ومرج می‌شود؟ احکام اسلام کـه هرج و مرج نمی‌آورد احکام اسلام نظم می‌آورد آقای مکارم این عبارتی که شما خواندید جنابعالی خودتان قضاوت بفرمائید که کجای آن غلط است و تکرار است.

**رئیس** — آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — اصل ۷۷ چنین است «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها شورائی به نام شورای نگهبان تشکیل میشود» این راجع به مصوبات مجلس شورای ملی است بعد یک اصل ۱۱۳ داریم که چنین است:

«اصل ۱۱۳ — علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین می‌شود هیأت‌وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به‌وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد هریک از وزیران نیز درحدود وظایف خویش ومصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه وصدور بخشنامه را دارد». به‌طوریکه ملاحظه میشود در اینجا دیگر اسمی از شورای نگهبان نیست، قهراً قاضی نباید اینها را اجرا کند.

**رئیس** — در جواب آقای مکارم باید عرض کنم چیزی که ما در کلیات نوشتیم ملاک نیست برای اینکه چیزی که در کلیات می‌نویسیم، تفصیل آنرا در فضول بعد می‌نویسیم آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — اگر بخواهیم واگذار کنیم به نظر خود قاضی یعنی طبق تشخیص او آنوقت مسأله اختلاف نظر در فتوا هم مشکل است و چه بسا خود آن قاضی نظرش مخالف‌نظر مرجع تقلید معروف یا هرچند مرجع دیگر که هست باشد. بنابراین باید روشن شود که مسأله اختلاف نظرقضائی را چکار باید بکنیم.

**رئیس** — اگر یک قاضی مجتهدی باشد و حکمی را برخلاف اسلام بیابد شما او را ملزم میکنید که باز هم برطبق آن حکم بدهد.

**موسوی جزایری** — در موقعیکه هرج و مرج شد چاره‌ای نیست.

**رئیس** — چطور چاره‌ای نیست؟ آقای دکتر آیت بفرمائید. (صدوقی — یک دفعه دیگر اصل را بخوانید تا این آقایان بفهمند.)

**دکتر آیت** — اصل اشتباه را آقای مکارم کردند چون ما یک قانون اساسی داریم و یک قانون داریم و یک تصویبنامه و آئین‌نامه و یک بخشنامه داریم. در مورد قانون اساسی معلوم است که قانون اساسی نباید با قوانین عادی مغایرت داشته باشد و برای این مرجع گذاشتیم ودر مورد مغایرت آئین‌نامه و بخشنامه و نظایر اینها ما مرجع کافی نگذاشتیم که کجا، البته در لغت چهارم هم که ایشان اشاره کردند فقط در مورد مغایرت بااسلام است نه‌مغایرت با قوانین مصوب‌مجلس شورای ملی، بنابراین یک مرجعی در اینجا تعیین شده است که این دیوان‌عدالت اداری باید تشخیص بدهد که‌اگرمن یا دیگری شکایت کردیم که فلان بخشنامه‌مخالف‌قانون است یا مخالف است آن دیوان رسیدگی میکند و خود قضات الان هم همینطور عمل می‌کنند.

اگر یک بخشنامه‌ای یا یک آئین‌نامه‌ای مغایر قانون باشد، حق اجرایش را ندارندچون آئین‌نامه و بخشنامه نمی‌تواند مغایر قانون باشد و این محکم‌ترین اصلی است که دارد اینجا می‌آید که ادارات و وزراء نتوانند به حقوق مردم تجاوز کنند.

**رئیس** — حالا برای رأی می‌خوانم:

**اصل ۱۵۸ (اصل یکصد و هفتادم)**— قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویبنامه‌ها

و آئین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوهٔ مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر علام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هشت نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافق پنجاه نفر، مخالف سه نفر، ممتنع پنج نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**۱۰ — پایان جلسه**

**رئیس** — چون دیگر مطلبی در دستور نداریم جلسه را ختم می‌کنیم.

(جلسه ساعت هفده و سی دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **حسینعلی منتظری**

## جلسهٔ شصت ویکم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۰۸ دقیقهٔ روز ۱۰ آبانماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با پانزدهم ذیحجهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

**فهرست مطالب:**


۱ — بیانات قبل از دستور آقایان بشارت، موسوی تبریزی و منتظری. . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۵۰ (اصل شصت و چهارم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۵۰ (اصل یکصد و شصت و پنجم). . . . .
٤ — طرح و تصویب اصل ۱۵۰/۱ (اصل یکصد و شصت و هشتم). . .
۵ — طرح و تصویب اصل ۱۶۰ (اصل یکصد و شصت و نهم). . . . . .
۶ — طرح و تصویب اصل ۱۶۱ (اصل یکصد و هفتاد و چهارم). . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۶۲ (اصل یکصد و هفتاد و پنجم). . . . . .
۸ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقایان بشارت، موسوی تبریزی ومنتظری

**رئیس** — آقای بشارت بفرمائید.

**بشارت** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اقدام انقلابی برادران و خواهران دانشجویان‌مسلمان پیرو خط امام و اشغال این لانه روباهان مکار آمریکا موجب شد که باز در سطح کشورما موجی ایجاد شودسوجی توفنده و انقلابی، این امر چون با خواسته قاطبه ملت سازگار بود، یکباره همه قشرها و گروهها و افراد مملکت را واداشت که مجدانه و قاطعانه حمایت خودشان را از این عمل انقلابی اعلام کنند. مردم عشایر کهکیلویه و بویراحمد که افتخار نمایندگی‌این‌مردم اصیل و شجاع و مسلمان نصیب بنده شده، ضمن تلفنها و پیغامهائی خواستند که در این امر و امور انقلابی دیگر سهم مؤثری داشته باشند، در دوران نهضت و انقلاب افراد مسلح‌آنها خواستاراین بودند که درپیشاپیش مبارزین به‌جهاد وپیکار بپردازند که الحمدلله بدون آن پیکار پیروزی‌نصیب ما شد نوشته‌ای که آنها خواستند تا من به‌محضردانشجویان‌ابلاغ کنم‌چنین‌است:

بسمه تعالی

محضر برادران و خواهران دانشجوی پیرو خط امام

سلام به شما که تبلوری از خشم و نفرت ملت آگاه و مؤمن ایران نسبت به امریکای جهانخوار و خیانت‌کار هستید. اقدام انقلابی و شجاعانه شما آنقدر با فطرت و طبیعت انقلابی‌ما مردم عشایر کهکیلویه و بویراحمد سازگار بود که یک‌باره شور و شعف تمام وجودمان را فرا گرفت و اشک شوق از دیدگانمان فروبارید، بی‌صبرانه در انتظار شنیدن اطلاعیه‌ها و آگاهی از اقدامات حساب شده شما هستیم و ازخداوند متعال مسئلت می‌نمائیم که وجودتان را از بلا یا و حوادث محافظت بفرماید و در ادامه اشغال این لانه‌روباهان امپریالیسم و صهیونیسم و بازداشت عناصر پلید ضد انسانی و ضد اسلامی و انجام اقدامات به‌جا و شایسته انقلابی تارسیدن به‌نتیجه نهائی به‌شما بصیرت وآگاهی کامل مرحمت بفرماید. مردم‌استان کهکیلویه وبویراحمد خصوصاً قشرجوان وآگاه و به‌خصوص ساکنان شهرستان‌گچساران این چشمه‌جوشان نفت که در رژیم منفور پهلوی پایگاه نفتخواران امریکائی و مزدوران ایرانی آنان واستثمار و استبدادفئودال وابسته به شاه بود بیشتر شاهد غارتگریها و خودکامگیهای آنان بوده، از اینرو عمل انقلابی شما را برای ریشه‌کن‌کردن نفوذ امپریالیسم، صهیونیسم وکسب استقلال‌کامل سیاسی، اقتصادی و استرداد جلاد خون‌آشام محمدرضا پهلوی، بهتر و بیشتر درک میکنند. برادران عزیز صدها هزار زن و مرد دلیر و اصیل عشایری که در پیشاپیش آنان جوانان غیور مسلح و مبارزپیروخط حضرت امام خمینی میباشندحمایت‌کامل خود را ازعمل‌بجا وشایسته شما اعلام داشته و با درخواست شما در اولین فرصت از پشت کوههای بلند و جنگلهای پیچیده بلوط به یاری شما خواهند شتافت و مجدانه اعلام میدارند که چنانچه مایل بودید به دانشگاه

بازگشته و به کارهای مهم خود ادامه دهید اجازه داده با نظارت و رهبری برخی از شما، جوانان مبارز ما جهت حفاظت و کنترل دقیق این لانه جاسوسان ضداسلام و مسلمین، به‌جای‌شما استقرار یابند و بدانید که سازش و محافظه کاری محکوم است و مطمئن باشید که فشار مردم امریکا دولت بیدادگر آنان را وادار خواهد کرد در برابر آزادی گروگانها ولو یک سگ آمریکائی باشد شاه خائن را تحویل دهد خداوند شما را در این جهاد بزرگ پیروز گرداند.

این مردم در دوران شاه رنج بسیار کشیده‌اند در حالتی که در بهترین خطه این سرزمین زندگی می کردند، در کنار چاههای نفت و دشتهای حاصلخیز وجنگلهای انبوه، فقر و بیچارگی و محرومیت کاملا بر آنها حاکم است منتها چون اصیل هستند و روح دینی برآنها حاکم است، هنوز تحت تاثیر عوامل ضدانقلاب قرار نگرفته‌اند و ما در آن موقع که شکایات زیادی به‌دولت و به محضر امام ارسال داشته بودند به آنها قول دادیم که با تدوین قوانین مترقی اسلام آنها به همه چیزخود خواهند رسید و آنها بحمدالله تاکنون صبر کرده‌اند. مطلبی را که در این‌فرصت کوتاه به محضر سروران عزیز عرض میکنم اینستکه پادر طی‌سخنرانیهائی که‌در تهران و سایر شهرستانها در این مدت داشتیم این مطلب و این حقیقت به چشم میخورد که این مردم لازم است که آموزش قوانین اساسی را ببینند این اصول مترقی را وقتی ما در پشت تریبون‌سخنرانی برایشان بازمی کردیم همه انگشت به‌دهان میشدند که عجب‌اصول مترقی است خصوصاً وقتی که مقایسه بشود با اصول قوانین‌اساسی سایر کشورها، ولی همینطور که درروزنامه هامی‌خوانند یا از رادیو می‌شنوند چندان توجهی به‌مفاد آن نمی کنند. اینست که باید ریاست محترم‌مجلس برنامه‌ای را ترتیب بدهند که در رادیو، تلویزیون به وسیله برادرانی که در مجلس خبرگان هستند این برنامه آموزش را برای عموم مردم کشور عملی کنند. در بررسی اصول حتی افرادی که با این مجلس میانه خوبی هم ندارند، اصول را درست بررسی نمی کنند چون هر اصلی را بررسی میکنند اشکالی در اصل نمی‌بینند ، به قدری این اصول چشم‌گیر و مترقی است که آنها می‌گریزند از اینکه چند اصل را در روزنامه یا درمقالاتشان مورد بررسی قرار بدهند، تنهافریاد میزنند که قشر ارتجاع می‌خواهد حاکم بشود یا ولایت‌فقیه دیکتاتوری است یا حرفهای دیگر که عجیب است مخصوصاً از یک گروه که خود را یک گروه سیاسی روشن میداند این مطلب خیلی ناراحت کننده است که می‌گوید ولایت فقیه به خاطر آنست که‌این قشر مذهبی، این‌فقها، اینها برای اینکه آزاد باشند و بتوانند بیت‌المال را هرطور که خواستند خرج کنند اینقدر تلاش کردند تا ولایت فقیه را تصویب کنند و حال اینکه اینها اگر کمی درباره روحانیت مطالعه‌ای می‌داشتند می‌دانستند که روحانیت‌هیچگاه ازبی‌پولی ننالیده‌است‌همیشه با خواست الله و کمک ملت مسلمان شریف ایران دستش پربوده و تازه نمیدانسته که پولها را در چه مسیری خرج کند چون هر اقدام انسانی و اسلامی که می‌خواست انجام بدهد رژیم سفاک پهلوی مانعش میشد مسأله خرج کردن پول بیت‌المال درکار نبوده و اینها اطلاع ندارند. یا مطالب دیگری که واقعاً هر مسلمانیکه یک مقداری با قوانین اساسی آشنائی پیدا کند خودش میتواندجوابگوی این عناصر باشد. یک خواهش هم از برادران، اساتید و سروران عزیزم دارم و آن اینست که برخی از اساتید درسخنرانیهائی که میکنند گمان میکنند سخنرانیشان فقط برای ۲۰۰ یا ۳۰۰ دانشجو یا فرد دیگری است و در جای دیگر این سخنرانی پخش نمی‌شود و حال‌اینکه ناگهان

ساعت یک بعدازظهر سخنرانی آقا را از رادیو پخش میکنند و وقتی انسان گوش میدهدمی‌بیند خدا توفیق بدهد به آنهائیکه درکسوت روحانیت نیستند چون آنانیکه این مسؤولیت بزرگ حمایت از روحانیت را به عهده ندارند، خیلی بهتر و شایسته‌تر از حریم مقدس روحانی مبارز و مترقی ایران دفاع میکنند وآنان با اینکه نظرشان اینست که می‌خواهند بعضی اشکالات رابیان کنند البته نظرشان محترم است،اما نمی‌دانند که الان جوی حاکم است که بعضی‌ها میخواهند نقاط منفی و مطالب منفی را بیشتر رویش مطالعه کنند، گوش میدهند و چشم بازکرده‌اند تا ببینند که یک روحانی در این لباس درسنگری که باید دفاع از روحانیت بکند مطلبی بگوید که بازیچه دست آنها بشود وآنها بلافاصله این را به‌سروکله دیگران می کوبند و با برنامه‌ای که دارند حتی این مطلب را خدمتتان عرض کنم که خطری است الان در بعضی از شهرها، این تبلیغات‌رابه‌راه انداخته‌اند که‌مرگ‌برارتجاع وارتجاع راهم‌جدا نمی کنند البته ماهم با افکار ارتجاعی مخالف هستیم. اسام ما با افکار ارتجاعی مخالف است. اما مصداق این ارتجاع را همه روحانیت میدانند و حتی به وسیله تلفن دیروز یکی از برادران مجاهد و یکی از مبارزین، یکی از روحانیون مترقی میگفت در برنامه سخنرانی که بود بعداز اینکه دو سه نفر به اصطلاح از افراد مدعی روشنفکری صحبت کردند نوبت که به من رسید با اینکه قبلا اعلام کرده‌بودند یک مرتبه مجلس را به‌هم زدند و بلند شدند و شعار دادند که مرگ بر ارتجاع و مجلس را ترک کردند وآنها برای اینکه مورد هجوم ملت ایران قرار نگیرند چون ملت ایران روحانیت را در قلب خود نگاهداشته مسأله‌ای هم پیش نیاید، پدر پدر هم میکنند و میگویند خدا رحمت کند مرحوم طالقانی رضوان‌الله علیه این مرد بزرگ را و این را بهانه قرار میدهند و از طرف دیگر به روحانیت اصیل و مبارزحمله می کنند من خواهش میکنم درسخنرانیها ولو نظرمحترمی دارید، ولو باید حرفتان را بزنید، به‌گونه‌ای باشد که آنها نتوانند به‌سایرحقایق‌دیگرحمله کنند. خواهش آخر من استمداد از سروران عزیز است در این روزهای آخر مجلس، شما که میتوانید، با سخنانتان با دلائلی منطقی‌تان خدمت کنید، آگاهی بدهید، من به‌نوبه خودم از تمام شماها دعوت میکنم که به نوبت وقتی بدهید تا در استان کهکیلویه و بویراحمد که تشنه حقایق‌دینی هستند هرکدام به نوبت تشریف بیاورید آنجا و در آن اجتماع پرشور عشایری سخنانی ایراد کنید، اینرا از همه سروران عزیز خواهش میکنم که وقتی را تعیین کنند تا من برنامه راتنظیم کنم تا ان‌شاءالله تشریف بیاورند و از نزدیک با برادران عشایری‌خودشان آشنابشوند وسخنرانی کنند و آنها را ارشاد بفرمایند، می‌بخشید.

**رئیس** — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

**موسوی تبریزی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من سه دقیقه از هیأت رئیسه محترم مجلس وقت خواستم تا احساسات برادران آذربایجانی و آقایان نمایندگان آذربایجانی راکه در اینجا هستند نسبت به این عمل انقلابی و اسلامی دانشجویان برادر و خواهر در خط امام اکه تحقیقاً باید این اعمال اینطور باشد، از پشت این میکرفون به گوش برادران و خواهران در خط امام برسانم. (رئیس — البته همهٔ ایران) بلی همهٔ ایران ، به خصوص آذربایجانیهای مبارز که واقعاً در دوران تاریخ ایران اگر ملاحظه بفرمائید اینها روحشان با انقلاب آمیخته است و اینرا خواستم عرض کنم که اسلام به معنای واقعیش همان انقلاب است و پیش‌رفتن پیشبرد اهداف است و دلیلش همان دوران ده سال‌ودبع از هجرت یا قبل از هجرت زندگی پیغمبراکرم

است که حدود هشتاد و خرده‌ای آنرا که من میدانم شصت و اندی است و بعضی از رفقا گفته‌اند هشتاد و اندی است که غزوه تشکیل داده و سرتاپا زندگانیش انقلاب بوده است‌علیهذا این انقلاب ما که واقعاً شبیه انقلاب پیغمبر اکرم بود در دوران جاهلیت اولی در جزیرة‌العرب که انقلابی انسانی و مردمی و اسلامی را ایجاد کرد و این انقلاب ما از چند جهت شباهت به آن دارد. باید مثل تاریخچه زندگانی پیغمبر اکرم باشد. لانه‌های فساد، عوامل ضدانقلاب وعواملی را که برای مردم مسلمان مستضعف روز به روز زورگوئی کرده‌اند باید یکی پس از دیگری کوبید و از بین برد و از هیچ چیزی نباید ترسید. واقعاً آفرین برکار برادران وخواهران مسلمان در خط امام که روح انقلاب با طبیعت انقلاب درآنها آمیخته شده است ومن برای آنها و تمام ملت ایران این عمل انقلابی را تبریک عرض میکنم والسلام علیکم ورحمة‌الله‌وبرکاته.

**یزدی** — من فکر میکنم رابطه بین مردم ایران و نمایندگانشان در استانی و منطقه‌ای بیش از استان و منطقه دیگری نیست و تمام مردم ایران همانطورکه در تلویزیون هم‌منعکس شده است نسبت به عمل دانشجویان عزیز اظهار موافقت کرده‌اند همانطورکه در جلسه هم اظهار شد و همه آقایان متفقاً تأیید کردند اگر صلاح بدانید خود جنابعالی بفرمائیدکه آنچه آقایان نسبت به دو منطقه راجع به این موضوع عرض کردند مربوط به سراسر ایران است.

**رئیس** — اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ضمن تأیید فرمایشات آقایان بشارت و موسوی و یزدی به اینکه این عمل انقلابی که جوانها با کمال متانت انجام دادند مورد تأیید همه ملت ایران و رهبر انقلاب و همه اقشار است همچنانکه روز اول مجلس خبرگان هم این عمل را تأیید کرد و امیدواریم که جوانان انقلابی‌ما همه برادران وخواهران اینک که دولت آقای مهندس بازرگان برحسب مصلحتی که خودشان می‌دانستند استعفاء دادند ورهبرانقلاب، امام هم‌استعفاء را پذیرفتند واداره کشور را به‌شورای انقلاب محول کردند این محول کردن اداره کشور موقتاً به شورای انقلاب معنایش محول کردن به همه برادران و خواهران و ملت ایران است. چنانچه همه توجه داریم همه اقشار ملت متفقاً با همبستگی و پیروی از امام این انقلاب را تا اینجا رسانده‌اید امیدوارم که با هم، متفقاً با پیروی از رهبر و اینکه روی‌خط رهبر باشیم ، این شورای انقلاب در حقیقت یعنی انقلاب ، یعنی اداره کشور را امام به همه برادران و خواهران محول کرده‌اندکه خودتان با کمال متانت کشور را اداره کنید تا اینکه این مراحلی که باید طی‌شود، رفراندوم برای مسأله قانون اساسی و بعدانتخابات مجلس و بعد انتخابات رئیس‌جمهوری، اینکار به دست همه ملت و برادران و خواهران انجام بگیرد چنانچه در همه‌پرسی راجع به جمهوری اسلامی، ما خودمان‌مشاهده می کردیم که‌جوانها و برادران و خواهران همه خودشان داشتند کار می کردند بدون اینکه انتظار مزدی داشته باشند یعنی درحقیقت دولت رفراندوم نکرد، ملت آن رفراندوم را انجام داد و منتظر حقوق هم نبودند با پول خودشان میرفتند در دهات، با ماشین خودشان و پول بنزینش را هم خودشان میدادند و صندوق رأی می‌بردند تا افراد رأی بدهند ان‌شاءالله امیدواریم که ملت به‌آن‌تصمیم انقلابی‌اش و به آن روحیه انقلابی‌اش باقی باشدو خود ملت کشور را اداره کند. شورای‌انقلاب از ملت جدا نیست، شورای انقلاب یعنی انقلاب. چند شب پیش دیدید که امام فرمودند خود جوانها خود ملت باید کشور را اداره کند، بایستی که الان متوجه باشیم به اینکه دشمنان در کمین هستند و میخواهند به بهانه‌های مختلف دست ما را بند بکنند و اختلاف درست بکنند

من ازطرف آقایان نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی ازهمه برادران وخواهران در هرجای ایران که هستند ازطبقات مختلف وازگروههای مختلف، ازعشایر، ازکردستان، از بلوچستان، از ترکمن صحرا، از خوزستان برادران عرب، عجم چون در اسلام عرب و عجم ندارد و درایران هم ما اصلا این حرفها را نداریم، از همه میخواهیم که کشور را مال خودشان بدانند و وظیفه انقلابی خودشان را نسبت به این مسائلی که در پیش است انجام بدهند تا ان‌شاءالله یک دولت مستقری که برطبق موازین اسلامی باشد روی کار بیاید خداوند ان‌شاءالله به همه ما توفیق بدهد تا بتوانیم به‌وظائفمان عمل بکنیم. ضمناً یک توضیحی در مورد مطلبی که آقای بشارت فرمودند، بدهم ایشان که گفتند روحانیت پول زیاد داشتند، منظورشان این نبود که روحانیون سرمایه‌دار بودند و میلیونر بودند و نمی‌دانستند که پولهایشان را چطور خرج بکنند، مراد ایشان این بود که در آن زمان اختناق، ملت با اینکه حاضر بودند که پول در اختیار روحانیون بگذارند ولی آن سازمان امنیت کذائی مانع بود از عملهای مثبت و کارهای مثبت، در مورد خودم عرض کنم‌افراد زیادی بودند که به من پیشنهاد میکردند که پولهائی برای تأسیس یک مؤسساتی بدهند ولی وقتی که می‌خواستیم وارد عمل بشویم سازمان امنیت مانع بود و جلوگیری میکرد، مطلب این نیست که خود روحانیت پول داشتند، یعنی ملت اعتماد داشتند و برای کارهای دینی و اصلاحی حاضر بودند که پولهایشان را در اختیار روحانیون بگذارند منتها چیزی که هست آن تشکیلات اختناقی حکومت سابق نمی‌گذاشت که آقایان کاری را انجام بدهند.

**بشارت** — نظر بنده هم همین بود.

**صدوقی** — راجع به بنده هم که میدانید من داشتم یک مؤسسه بزرگ عام‌المنفعه‌ای می‌ساختم آمدند جلویم را گرفتند و نگذاشتند.

**رئیس** — بلی مؤسسه بزرگ آقای صدوقی را نگذاشتند بسازند اکثر آقایان بودندوجاهای دیگری را هم سراغ دارم که می‌خواستند مؤسسات اصلاحی ودینی واجتماعی تأسیس بکنند ولی سازمان امنیت مانع میشد.

**صدوقی** — مردم پول در اختیار ما می‌گذاشتند برای تأسیس این مؤسسات، لیکن نمی‌گذاشتند ما کاری انجام بدهیم.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۰۰ (اصل شصت و چهارم)

**رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. وارد دستور می‌شویم اصل ۰۰ مطرح است که قرائت میشود.

اصل ۰۰ — عدهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس ازهر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه میشود، زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان‌آشوری وکلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال دو نماینده جداگانه‌انتخاب میکنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از این اقلیت‌ها به ازای هر یکصد و پنجاه هزارنفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می کند.

**رئیس** — آقای دکتر ضیائی شما موافقید یا مخالف ؟ (دکتر ضیائی — مخالفم) آقای

سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — من دوسؤال دارم در بخش اول در غیر اقلیتها، اگر ۱۰۰ هزار نفر اضافه‌شد یک نمایندهٔ اضافی خواهند داشت پس از گذشت دهسال، ولی در قسمت دوم در مورد اقلیتها این قید دهسال نیامده چطور شده که اول مقید به مرور دهسال هست اما در دومی مقیدبه‌مرور دهسال نیست یعنی اگر در ظرف یکسال هم این عمل انجام شد آنها میتوانند یک نماینده‌اضافی داشته‌باشند این یک سؤال، سؤال‌دیگراینست که‌آیااین اقلیتها علاوه براینکه نماینده خود را میتوانند انتخاب کنند آیا در انتخاب باقی نمایندگان محلی میتوانند شرکت کنند یانه کلمه «جداگانه» آمده است آیا معنی «جداگانه» اینست که مثلا مسیحیان جدا ازکلیمیان و زرتشتیان این قید مربوط به این است یا خیر «جداگانه» قید مربوط به همه است، کلیمی غیر مسیحی، مسیحی غیر زرتشتی و مجموع غیر اکثریت.

**رئیس** — آن اشکال اول شما مربوط به قید «هر دهسال» ظاهراً مراد تا آخر هست. (سبحانی — شما زرتشتیان را جدا میکنید.)

**دکترآیت** — آقای سبحانی صد سال هم که بگذرد ۱۰۰ هزار نفر به‌آنها اضافه نمی‌شود.

**دکتر روحانی** — با توجه به اینکه رشد سالیانه جمعیت کشور ما در حدود سه درصد میباشد لذا با توجه به فرمول دموگرافی (جمعیت شناسی) افزایش جمعیت و میزان جمعیت ما در حدود ۲۳ سال بعد دو برابر یعنی در حدود ۷۰ میلیون نفر خواهد بود و با در نظر گرفتن آنچه که در این اصل پیشنهاد شده یعنی برای افزایش هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، یک نماینده اضافه گردد، پس از ۲۳ سال تعداد نمایندگان بیش از ۵۰۰ نفر خواهد شد. سؤال من این است که آیا منظور ذکر شده در این اصل چنین افزایشی برای نمایندگان مجلس شورایملی است؟ از طرف دیگر پیشنهاد شده است در مقاطع ۱۰ سال این مسأله مورد بررسی قرار گیرد تا به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش جمعیت در هر منطقه به تعداد نمایندگان آن افزوده شود، این امر یعنی افزایش جمعیت در صورتیکه واقعه غیرمترقبه‌ای برای کاهش جمعیت پیش نیاید، علی‌الاصول قطعی است و با وجود برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده و با توجه به نهادهای خانوادگی حاکم برجامعه ما فرض اینکه جمعیت از سه درصد به‌طور عاجل کمتر گردد غیرعملی است. لذا این اصل با توجه به افزایش جمعیت ما در سالهای آینده باید مورد توجه نمایندگان محترم قرار گیرد و نظر مخالف و موافق خود را براین اساس بیان نمایند.

**صدوقی** — خواستم بگویم ما دیگر نمی‌گذاریم که ساواکیها جوانهای ما را بکشند تا جمعیت کاهش پیدا کند جمعیت روز به روز در افزایش است و دیگرکسی که ما را نابود کند وجود ندارد.

**رئیس** — آقای رحمانی شما موافقید یا مخالف؟

**رحمانی** — یک سؤال دارم می‌خواستم بدانم این ۲۷۰ نفر چگونه به شهرها و استانها توزیع میشوند چون حوزه‌هائی که الان جمعیتشان به ۱۰۰ هزار نفر نمی‌رسد آنها وکیل دارند شهرهای کوچک چه وضعی دارند؟

**رئیس** — این مطلب صبح هم مطرح شد این تعداد ۲۴۰ نفر را روی حساب نوشته‌اند منتها بعضی از شهرستانها که تعداد جمعیتشان کمتر از ۱۰۰ هزار نفر است و نماینده دارند در مجموع شامل آنها نمی‌شود و به این دلیل ۳۰ نفر اضافه شده است، بنابراین

شهرهائی که نماینده داشتند حالا هم دارند ولو جمعیتشان کمتر از ۱۰ هزار نفر باشد آن ۳۰ نفر به همین حساب اضافه شده است و هر منطقه‌ای که بعد از دهسال ۱۰ هزار نفر به جمعیتشان اضافه شده باشد یک نفر اضافه میشود این موضوع مربوط به اقلیتها هم میشود اگر چنانچه در این مورد عبارت رسا نیست میتوانیم اینجا هم در مورد اقلیتها اضافه کنیم «ودر صورت افزایش جمعیت پس از دهسال». آقای رشیدیان شما موافقید یا مخالف؟

**رشیدیان** — من به چند جهت مخالف هستم.

**یزدی** — اگر قرار است باز این بحثها مطرح بشود درست نیست. چون یک مرتبه که مطرح شده است.

**رئیس** — آقای دکتر آیت مخالفید یاموافق ؟ (آیت — من موافقم.) آقای مکارم شما؟ (مکارم— موافقم.)آقای‌عضدی شما موافقید یا مخالف؟ (عضدی— موافقم.) آقای‌خزعلی شما؟ (خزعلی — من مخالفم.) آقای دکتر شیبانی شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر شیبانی** — من تذکری میخواستم بدهم راجع به اقلیتها که صحبت شد. می‌خواستم بگویم اگر دهسال هم بگذرد به جمعیت آنها ۱۰ هزار نفر اضافه نمی‌شود.

**رئیس** — نوشتنش ضرری ندارد، آقای دکتر اوشانا شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر بیت‌اوشانا** — توضیحی داشتم می‌خواستم بگویم در آن اصل ۵۰ که در تاریخ ۱۳۵۸/۷/٤ به جلسه علنی ارائه داده شده بود برای زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان آشوری وکلدانی کشور هرکدام یک نماینده برایشان منظور شده بود با توجه به اعتراضاتی که بعضی از آشوریها کرده بودند و بیشتر درخواست این بود که آشوریها و کلدانیهای کشور هرکدام به تنهائی یک نماینده داشته باشند و صحیح این بود که دو نماینده بشود.

**رئیس** — مگر آشوری و کلدانی را، هر دو تا را در پرانتز نگذاشته است؟

**دکتر بیت‌اوشانا** — صحیح تر این بود که دو تا نماینده داشته باشند و هریک به‌تنهائی قید بشود ولی در این متنی که امروز به جلسه ارائه شده یک کلمه‌ای در مجموع اضافه شده است که در متنی که صبح تنظیم شده بود نبود یعنی به این صورت درآمده است که به آشوریها وکلدانیها مجموعاً یک نماینده داده میشود با توجه به اینکه همین الان تعداد این اقلیت در حدود ۲۰۰ هزار نفر هست عدل این بود که دو تا نماینده به آن‌ها داده بشود.

**رئیس** — جمعیت آشوریها و کلدانیها ۲۰۰ هزار نفر است؟

**دکتر بیت اوشانا** — همین‌الان جمعیت آشوریها و کلدانیهای ایرانی ۲۰۰ هزار نفر هست منتها بعضی از آنها ساکن ایران نیستند ولی تبعه ایران هستند.

**رئیس** — الان در ایران چند نفر هستند؟

**دکتر بیت‌اوشانا** — الان در ایران مثل برادران ارمنی‌مان در حدود ۸۰،۷۰ هزار نفر هستند و آنها دو نماینده دارند جمعیت ما در حدود ۲۲۰ هزار نفر است و آنها در حدود ۳۰۰ هزار نفر هستند از نظر اصول جمعیتی ارامنه ایرانی ۳۰۰ هزار نفر هستند. ما در حدود ۲۰۰، ۲۲۰ هزار نفر هستیم البته یک عده‌ای از آنها داخل ایران‌نیستند ولی‌ایرانی‌هستند وشناسنامه ایرانی دارند مثلا دهسال پیش که کنسولگری در شیکاگو باز شد اصلا به خاطر آشوریهای ایرانی بود برای اینکه در آنجا در حدود ۶۰ هزار نفر ایرانی بود که همه‌شان آشوری بودند، به خاطر حفظ منافع ایرانیهای آشوری بود که در آنجا دولت ایران کنسولگری بازکرد به‌هر

حال الان در حدود ۲۲۰ هزار نفر آشوری و کلدانی ایرانی هستند اگر می‌خواهید برابری و عدل را رعایت کنید بنویسید «به تنهائی هر کدام یک‌نماینده» یا بنویسید «مجموعاًدونماینده» تا هم راضی بشوند و هم رعایت عدالت شده باشد.

**رئیس** — امیدواریم الان هم راضی باشند.

**یزدی** — چون ملاک مذهب است، آن هر دو یک مذهب هستند. ملاک اقلیت‌های مذهبی است و جمعیت تنها ملاک نیست.

**رئیس** — آقای ضیائی به عنوان مخالف تشریف بیاورید صحبت کنید.

**خزعلی** — اگر اجازه بدهید من یک جمله عرض کنم. اگر بحث موافق و مخالف‌بخواهد مطرح شود و مدتی اینکار طول بکشد. به‌شما عرض بکنم که درمورد مخالف‌می‌خواهند بگویند که ۵۰ نفر، ۶۰ نفر یا به قول مرحوم مدرس ۸۰ نفر، اما هیچکدام مستند علمی ندارد. آنهم که در قانون اساسی سابق گفته‌اند ۱۶۲ نفر و بعد رسانده‌اند به دویست نفر، آنهم باز یک حساب عادی و عرفی داشته است. اگر عرفی است همین ۱۵۰ هزار نفر خوبست و قید کنید اما اگر نه، از روی حسابهای تقلیل یا تکثیر، بیجا خواهد بود، باید یک حساب و نظریه علمی درکار بیاید.

**رئیس** — بسیار خوب، اجازه بدهید آقای ضیائی که اول اسم نوشته‌اند صحبت کنند، ببینیم نظرشان چیست.

**پرورش** — ما الان میدانیم آقای ضیائی چه می‌خواهند بفرمایند.

**رئیس** — آقای ضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم. آقایان همه دیده‌اند که من کمتر در میان حرفها و سخنان دوستان صحبت کرده‌ام و ادب اسلامی آقایان هم اجازه میدهد که من با اینکه تا به حال یکبار بیشتر پشت تریبون نیامده‌ام، حالا که عرایض را خدمتتان عرض میکنم،وسط صحبتم چیزی نفرمائید. «وقل‌الحق من ربکم فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر و من شاءفلیقبل و من شاء فلیرد. قل‌الحق وان کان علیک». موضوع تفسیر عده نمایندگان، ببینیم تا چه اندازه پایه مصلحتی است را دارد و تا چه اندازه جنبه شرعی و تا چقدر مصلحت است در آن نهفته است. همه میدانیم که موضوع پارلمان را به‌زور به شرع چسباندند که در حقیقت اگر خوب بنگریم از نظر شرعی دلیلی نداریم. برای اینکه موضوع پارلمان، وضع قوانین است، وضع‌قوانین، در شرع به عهده کیست؟ آقایانی که به عنوان موافق بعد از عرایضم می‌آیند صحبت می‌فرمایند اگر ممکن است یک دلیل شرعی در این مورد ارائه بدهند تا وجدان من راحت‌باشد. دموکراسی یعنی آزادیخواهی، خواسته‌های ملت به منصه ظهور بیاید، تفاوتی که بامکتب الهی دارد این است که مکتب دموکراسی خواسته‌های مردم را قانونی میکند اما مکتب الهی مصالح مردم را. پاسداران مکتب دموکراسی به منزله مادری مهربان هستند اما پاسداران مکتب الهی به منزله اطبای حاذق مهربان. آنچه که مصلحت مردم است، آنرا ارائه‌می‌دهند و قانون وضع می‌کنند نه آنچه راکه مردم می‌خواهند. شما به عنوان نمایندگان ملت الان می‌خواهید قوانین را وضع کنید. میدانیم که نمایندگان ملت طبق وظیفه‌ای که از ناحیه مردم دارند، غاطبه مردم را باید درنظر بگیرند والا نماینده نیستند. حالا ببینیم غبطه مردم درچیست؟ درسیصد تا وکیل تراشیدن است؟ در پانصد تا وکیل‌تراشیدن است یا کمتر از آن؟ اگرمقصود

تطبیق آن با قانون الهی یا قانون است پس با حداقل ممکن، منظور حاصل میشود که هراستانی یک نفر یا لااقل هر پانصد هزارنفری، یک نفر، به عنوان نماینده مردم انتخاب کنند، و هر چقدر تعداد آنها کمتر باشد بهترین آنها روی کار می‌آیند، و آنها می‌توانند با عدد کم ولی با فهم بیشتر، بهتر تفاهم کنند و مسائل و مشکلات را حل نمایند. شما خیال میکنید آیندگان از نمایندگان ملت، مثل گذشتگان نخواهند بود؟ هرکسی که ذی‌نفوذتر است، هرکسی که محبوبیت بیشتر، ولو از جهت مادی یا معنوی داشته باشد، او را وکیل میکنند نه آن کسی که غم مردم را بیشتر میخورد و درایت‌بیشتر دارد. در گذشته شاید این جهت را ایجاب میکرد که وکلا یا صاحب نفوذانی، مثل مالک‌ها، بچه مالک‌ها و فئودالها را انتخاب میکردند و آنها هم می‌آمدند برای اینکه یک منصبی را اشغال کنند و بعد بتوانند جوازهابگیرند و اختلاسها و کثافت کاریها و قانون‌شکنیها بکنند، و بالاخره با پارتی بازی در حقیقت به نفع خودش حق موکلین و مردم مملکت خود را بقاپد. یعنی بودجه را بیشتر صرف عمران و آبادی منطقه بکند و زمینه را برای دوره بعد بسازد. شاهد حرف من بعضی از وکلای گذشته هستند که اگر می‌خواهید بروید ازآنها بپرسید. الان شما نماینده مردم هستید، با وضع مردم و ملت آشناهستید. مردم در فقر بسر میبرند به‌خصوص در گوشه و کنار مملکت و حتی در خود تهران، و احتیاج مبرم به رسیدگی به وضع آنها در حال حاضر حس میشود. شما آقایان که خیال میکردید سی و یک روز وقت شما صرف بررسی قانون اساسی میشود، ده میلیون تومان اعتبار را قبول نکردیدو در روز اول گفتید که ما خرج خودمان را خودمان متحمل میشویم، در خانه‌های دوستان ورفقا این مدت را سرمیکنیم وهمینجا روی موکتها می‌خوابیم اما دلمان نمی‌خواهد بودجه‌این‌مملکت را که احتیاج به آن دارند، صرف خودمان کنیم، اما وکلای آینده مثل وکلای گذشته شما هستند و اینها مخارجی خواهند داشت. حساب کرده‌ایم خرج مازاد از ۷۰ نفر وکیلی که میتواند از نظر قانونگذاری این مملکت را اداره کند، هر چهارسال که یک دوره است، بیش از بیست و چهار هزار خانه پنجاه هزار تومانی، چهل هزارتومانی میتوانیم برای این مردم بسازیم، یعنی اگر حساب بکنید در عرض چهار دوره در حدود صد هزار خانه برای این مردم ساخته خواهد شد. علاوه ازآن اگر سیصد نفر وکیل خواسته باشند به اینجا بیایند، باید سیصد خانه عالی هم اجاره کنند وکلی مخارج هم آنها دارند. من نمیدانم شما از روی چه معیار و میزانی میخواهید تعداد وکلا را اضافه کنید ؟ چرا هر پانصد هزار نفر جمعیت یک وکیل نداشته باشند؟ از مردم می‌ترسید؟ مصلحت مردم در این است که با خرج کمتر وکلای بهتر را انتخاب کنند. شما اگر الان از مردم بپرسید می‌فهمید،آن کاری را که آنها از نمایندگان انتظار دارند انجام بدهند، آن شوراهائی که درست خواهد شد، این کارهای عمرانی، اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی شهرها و دهات را انجام خواهند داد. دیگر وکیلی که بخواهید با اینهمه مخارج به مجلس بفرستید، و بعد هم خواه ناخواه شما میتوانید مثل آینه ببینید که چه کسانی انتخاب خواهند شد، ولو بعد از دورهٔ اول ، آیا شما راضی هستید؟ من فکر میکنم شما یک چنین وکالتی ندارید، صرف این بودجه هنگفت از بیت‌المال مردم و مملکت، به نظر من خالی از شبهه حرمت نیست. من معتقدم هر استانی یک نماینده یا در مقابل هر پانصد هزار نفر،یک نماینده کافی است، وگرنه همانطورکه جناب آقای دکتر روحانی فرمودند شما اگر بدین نحو بخواهید پیش بروید و هر چند سال تعداد نمایندگان را اضافه کنید، درست مثل منطق کسی

است که میگفت فلان شهر خیلی ترقی کرده گفتیم چرا؟ گفت به خاطر اینکه چهار تا سینما دارد، او پیشرفت و ترقی را در چهارتا سینما می‌دانست و حالا هم پیشرفت و ترقی را در چهار تا وکیل اضافی میدانند. در هندوستان چقدر وکیل دارند؟ در چین چند تا وکیل دارند؟ در آمریکا چند تا وکیل دارند؟ شما حساب کنید، با این کثرت جمعیت، با این فقر ملت و با این احتیاج مردم می‌خواهید مرتب عدد وکلا را بالا ببرید، من نمی‌دانم شما تا چه‌میزانی‌میتوانید به خودتان اجازه بدهید که عددوکلا را تا سیصد نفر یا بیشتر بالا ببرید؟ خیلی عذرمیخواهم، والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

**کرمی** — جناب آقای دکتر ضیائی، جنابعالی راه بهتری میتوانید داشته باشید، یعنی شما حقوق آنها را میتوانید پائین بکشید.

**رئیس** — آقای آیت به عنوان موافق صحبت می‌فرمایند.

**دکتر آیت** — قبل از اینکه حرفم را شروع کنم یک توضیحی دارم. آنجا که نوشته شده «مسیحیان ارمنی جنوب و شمال دو نماینده جداگانه انتخاب میکنند». معتقدم نوشته شود «هر کدام یک نماینده» که اشتباه حاصل نشود و بعد تفسیر کنند و بگویند آنها دو تا دارند وحال چهار تا بشود. و اما اصل مطلب، آقای دکتر ضیائی موقعی که این اصل مدتها قبل مطرح شد همین مسائل را مطرح کردند و امروز صبح هم در جلسه خصوصی گفتند که من در جلسه علنی چنین و چنان صحبت خواهم کرد که تمام مسأله زیر و رو شود، البته این طرزی که ایشان صحبت کردند من فکر میکنم از بس در فکر خودشان غرقه شدند این اشتباه‌برایشان حاصل شده است که شاید فکر جالبی است. در حالیکه شاید اگر محمدعلی‌شاه چنین تئوریسینی داشت احتیاجی به آن همه مبارزه با مشروطیت نداشت و میگفت همه مردم یک نماینده داشته باشند.

**دکتر ضیائی** — آقای آیت شما حق توهین ندارید.

**دکتر آیت** — توهین نیست آقا استدلال است.

**مکارم شیرازی** — شما جواب ایشان را بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — اگر توهین نیست پس شوخی است؟ (همهمه نمایندگان)

**مکارم شیرازی** — آقای آیت، شما جواب بدهید دیگر چکار به این حرفها دارید؟

**دکتر آیت** — جواب میدهم آقای مکارم، شما که خودتان مرتب حرف میزنید دیگروسط صحبت کسی الم‌شنگه راه نیندازید، من خودم دوست آقای دکتر ضیائی هستم. به هرحال اگر منطق ایشان را بپذیریم آنوقت میشد گفت که یک نماینده برای ملت کافیست و خرج کمتری دارد درحالی که ما باید فلسفه مسأله را در نظر بگیریم. اولا اینکه ایشان گفتند پارلمان‌وجه شرعی ندارد، اینطور نیست «امرهم شوری بینهم» مفهومش همین پارلمان است و پارلمان‌هم به آنصورتی که ایشان میگویند قانون، ابتدا وضع نمی‌کند. ما در همین قانون اساسی هم نوشته‌ایم که قوانین باید مطابق اسلام باشد و استخراج شده و تنظیم گردد و به تصویب مجلس شورا برسد پس باید یک مجلسی باشد که این تنظیم را تصویب کند. دیگر اینکه مسأله این هست که تنها قوانین کلی و اساسی مثل مدنی و جزائی مطرح نیست بلکه هزاران مسأله امروز وجود دارد که باید مقرراتش تنظیم شود و به تصویب مجلس برسد. مثل هزاران کاری که مردم میکنند، تقسیم آب در فلان محل، یا گذرنامه یا چیزهای دیگری در این

ردیف. حتی مسأله مخارج که ایشان مطرح کردند، باید بگویم که سیصد وکیل در مقابل بیش از یک میلیون کارمند دولت در حقیقت هیچ است. وقتی ارقام این مخارج را حساب میکنیم باید فایده آن را هم در نظر بگیریم و حساب کنیم که در هر شهر و منطقه‌ای، یک‌فرد بصیر، درست و امین را انتخاب میکنند تا به‌کار آنها برسد. یک نفر نمی‌تواند به‌کار پانصد هزار نفر وارد شود،اما به مسائل یک منطقه کوچک وارد است. مسائلشان را مطرح میکند و بیش از آنچه که حقوق میگیرد برای مردم منطقه‌اش کار میکند و در حقیقت از حیف و میل بودجه‌ها جلوگیری میکند. اگر گذشته مورد نظرشان است مثل اینکه ایشان هنوز نسبت به سرنوشت این انقلاب و خود انقلاب اعتماد و اطمینان ندارند. این انقلابی که شده است برای این است که مسائل گذشته را از بین ببرد، برای این است که در آینده ما مجلسی داشته باشیم که همه نمایندگانش مدرسها یا شبه مدرسها باشند. شما همین مجلسی را که الان مثال زدید و گفتید ازحق خودش گذشته و بودجه را پس فرستاده، این مجلس درچه دوره‌ای‌انتخاب شده است؟ در همین دوره انقلاب انتخاب شده است. بعد هم ما اینهمه تلاش وکوششی که میکنیم برای این‌است که این انقلاب تداوم داشته باشد و مسلماً با این نیروی ملت و با این ایمان ملت نه تنها انقلاب تداوم خواهد داشت و آنگونه مجلسی که آقای دکتر ضیائی‌نگرانش هستند، به وجود نخواهد آمد که همه‌شان جو، ازجو و جو ازبرنج بخواهند و زندگی شخصی خودشان را در نظر بگیرند، نه تنها این مملکت چنین مجلسی‌نخواهد داشت‌و مجلس خوب و عالی خواهد داشت، بلکه ما معتقدیم سایر مسلمین و جاهای دیگر دنیا هم از ما سرمشق خواهندگرفت وسرنوشتشان راخودشان به‌دست خواهندگرفت ومجالسی که واقعاً نمایندگانشان از بطن جامعه و مردم برخاسته باشند و ایمان داشته باشند، به‌وجودخواهدآمد. بنابراین مابابد کوشش کنیم که مردم هرچه بیشتر در مجلس نماینده داشته باشند. و اینکه اشاره کردند که چین و یا هندوستان و یا آمریکا چند تا نماینده دارند، من خدمتشان عرض می‌کنم که چین، در یکی از کنگره‌هایش حدود شش هزارنفر شرکت کردند.

**دکتر ضیائی** — در کنگره بله، ولی در مجلس چند تا نماینده دارند؟

**دکتر آیت** — در مجلسشان هم همینطور است . مجلس هند الان بیشتر از ۶۰۰ نفر نماینده دارد.

**دکتر ضیائی** — ۶۰۰ نفر نماینده در مقابل چقدر جمعیت؟

**دکتر آیت** — البته در بعضی مناطق هر ۱۰۰ هزار نفر و بعضی جاها هر سیصدهزار نفر، یک نماینده دارند، فرق می‌کند. به هر حال در مملکت ما که یک مملکت بسیار وسیعی‌است و جمعیت، فشرده و متراکم نیست، ملاک ۱۰۰ هزار نفر که ما در اینجا در نظر گرفته‌ایم،یک حداقلی است که معین کرده‌ایم. بسیاری معتقدند که حتی کمتر باشد. برای اینکه مملکت ما یک مملکتی است که /۰۰۰/۶۴۸/۱ کیلومتر وسعت دارد و ۳۵ میلیون جمعیت، و از نظر جغرافیائی تراکم، کم است، این است که هر منطقه جغرافیائی باید نماینده‌ای داشته باشد. باز مسأله دیگر که ما باید اینجا اشاره کنیم، این ۲۷۰ نفر نماینده بر مبنای ۷۲ سال تجربه است. جدولش تنظیم شده وکارهایش شده است اگر بخواهیم آن را به‌هم بزنیم باید مدتها وقت صرف کنیم و جدول جدیدی تنظیم کنیم آنهم با این حالت بحرانی، اگر فردا بخواهیم برای یک منطقه نمایندهٔ بیشتری درنظربگیریم، داد و فریاد بلند میشود و مناطق دیگر هم

می‌گویند که ما هم نماینده بیشتر می‌خواهیم و کلی دردسر ایجاد میشود. در حالیکه حالا این جدول تنظیم شده و قبول شده است و این دردسرها را ندارد، و با توجه به همهٔ مسائلی که در جامعه است اگر از مردم بپرسید، جامعه امروز هم قبول نمی‌کند، یعنی افزایش نمایندگان را قبول می‌کنند ولی کاهش نمایندگان را به هیچ وجه قبول نمی‌کنند. وقت مجلس ما هم الان کم است و می‌بینیم که تعداد نمایندگان حاضر در جلسه هم کم هست، دوستان این مصلحت مردم را هم در نظر بگیرند که ما مرتب یک اصلی را نبریم و برگردانیم.

**تهرانی** — مطمئن باشید همه به این اصل رأی می‌دهند.

**دکتر آیت** — و یک چیز غیر عملی پیشنهاد کنیم. این مسأله ۲۷۰ نفر نماینده یک‌امر معقولی است و با توجه به وضع مملکت ما که تقریباً یک واحد ۱۰۰ هزار نفری، واحدی‌است که مردمش همدیگر را می‌شناسند و مسائلشان بسیار با یکدیگر تلفیق شده است، این معیار ۲۷۰ نفر، معیار خوب و معقولی است و به همین دلیل هم من موافق این اصل هستم. آخر مطلبم هم‌اشاره می‌کنم که منظورم اهانت به‌آقای دکترضیائی نبود، من با ایشان دوست‌هستم، و این جمله فقط از این جهت بود که گفتم ایشان اینقدر غرق در افکار خودشان هستند که‌این مسأله را عنوان کردند.

**دکتر ضیائی** — فرمایش شما بالای سر من است، فقط خواستم بگویم که طوری صحبت نفرمائید که عده‌ای فکر کنند لحن کلامتان توهین‌آمیز است.

**رئیس** — مخالف و موافق صحبت کردند فقط آقای میرمرادزهی در آخر، اسم نوشته‌اند ببینیم چه فرمایشی دارند؟

**میرمرادزهی** — یک پیشنهاد دارم.

**رشیدیان** — آقا نوبت بنده است.

**رئیس** — یک موافق و یک مخالف صحبت کردند، دیگر کسی صحبت نمی‌کند.

**رشیدیان** — من مخالفتم از طرف دیگر است، باید صحبت کنم.

**رئیس** — آقای میرمرادزهی یک تذکر دارند، نمی‌خواهند صحبت کنند. مخالف هم که صحبت کرد، بفرمائید بنشینید.

**میرمرادزهی** — من صبح در جلسه حضور نداشتم، فقط یک پیشنهاد دارم و آن این‌است که حداقل از هر حوزهٔ فرمانداری یک نماینده انتخاب شود. برای اینکه به عنوان‌مثال عرض می‌کنم الان سه شهر بلوچستان، یعنی شهرهای زاهدان و خاش و سراوان، فقط یک نماینده دارند. به همین جهت من پیشنهاد می‌کنم که هر حوزهٔ فرمانداری یک نماینده داشته باشد و به نسبت جمعیت، از آن میزانی که در نظر گرفته‌اید، اضافه شود.

**دکتر بهشتی** — اجازه می‌فرمائید جواب ایشان را عرض کنم؟

**رئیس** — خواهش می‌کنم بفرمائید.

**دکتر بهشتی** — آقای میرمرادزهی، با همین عدد هم نظر شما تأمین است چون عدهٔ شهرهائی که فرمانداری دارد همانست که شوراهایش اعلام شد، یعنی ۱۶۴ فرمانداری. پس از این ۲۷۰ نفر، حدود ۱۶۴ فرمانداری داریم که ۱۰۶ نفر باقی میماند.منتهادر تقسیم بندی کنونی این اصل رعایت نشده، در اولین فرصت می‌شود عدهٔ نمایندگان را طوری تقسیم کرد که نقطه نظر شما تأمین شود.

**رئیس** — اجازه بفرمائید دو تا اصلاح عبارتی در اینجا باید بشود. یکی در مورد اشکالی که آقای سبحانی داشتند، ممکن است در اینجا اینطور نوشته شود «... در صورت افزایش جمعیت هر یک از این اقلیتها، پس از هر ده سال، به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی... الخ» یکی هم در مورد اشکالی که آقای آیت داشتند، می‌توانیم به این صورت آن را حل کنیم که در آنجا نوشته شده «... و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال دو نماینده...» دیگر لازم نیست که جنوب و شمال را ذکر کنیم بلکه به‌طور مطلق می‌نویسیم «مسیحیان ارمنی دو نماینده...»

**صدوقی** — عیبی ندارد، خوب است.

**دکتر آیت** — پس بنویسید: «جمعاً دو نماینده...»

**پرورش** — اصفهان، جزء جنوب است یا شمال؟

**دکتر آیت** — جزء جنوب بوده.

**رئیس** — تا به حال قانونش اینطور بوده که یکی از تهران و یکی هم از اصفهان انتخاب میشده، و از این به بعد هم اینطور خواهد بود. خوب، من این اصل را برای رأی گرفتن می‌خوانم

**رشیدیان** — من حرفی دارم که باید بزنم.

**رئیس** — آقای رشیدیان، این برخلاف آئین‌نامه است چون یکنفر موافق و یک نفر مخالف صحبت کرده‌اند.

**رشیدیان** — من مخالف آن مخالف هستم.

**رئیس** — شما آقای رشیدیان، متأسفانه صبح تشریف نداشتید.

**سبحانی** — چند روز است تشریف ندارند.

**رئیس** — بله چند روز است تشریف ندارید و یکبار هم صحبت شد که آقایانی که در جلسه صبح نیستند اگر بخواهنددر جلسه علنی هم صحبت کنند جز اینکه وقت گرفته شود نتیجهٔ دیگری ندارد.

**رشیدیان** — آقای مرادزهی هم صبح تشریف نداشتند و صحبت کردند.

**رئیس** — من قبلا از آقایان سؤال کردم که موافقند و یا مخالف، از شما هم که پرسیدم فرمودید مخالفم. مخالف قبل از شما آقای دکتر ضیائی بودند که صحبت کردند و آئین‌نامه هم می‌گوید یک موافق و یک مخالف صحبت کند و بعد رأی گرفته شود.

**رشیدیان** — پس اجازه بدهید یک کلمه عرض کنم.

**تهرانی** — این برخلاف آئین‌نامه است. (عده‌ای از نمایندگان — آقای رئیس، این برخلاف آئین‌نامه است که ایشان می‌خواهند صحبت کنند.) (همهمه نمایندگان)

**رشیدیان** — باید یک جمله صحبت کنم، شما باید یک کلمه دراین اصل اصلاح کنید این که درست نیست.

**تهرانی** — اصلاح را بگذارید برای چند روز آخر، حرفها زده شده، بخوانید آقای رئیس برای رأی‌گیری، چرا نمی‌خوانید؟

**رشیدیان** — شما وکالت شرعی ندارید نباید جواب بدهید. ما وکالت شرعی در محدوده و چهارچوب اسلام داشتیم و داریم...

**رئیس** — بفرمائید آقای رشیدیان، بفرمائید بنشینید. من اصل ۵۰ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

**اصل ۵۰ (اصل شصت و چهارم)** — عدهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به‌نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه میشود، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک‌نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال جمعاً دو نماینده جداگانه انتخاب میکنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از این اقلیت‌ها پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین میکند.

**رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — نتیجه رأی‌گیری، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و نه رأی، موافق پنجاه رأی، ممتنع هشت رأی و یک رأی مخالف. تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**رئیس** — از آقای دکتر بهشتی خواهش می‌کنم بقیه جلسه را اداره بفرمایند.

(دراین هنگام آقای دکتر بهشتی —نایب رئیس— ادارهٔ جلسه را بعهده گرفتند)

**نایب رئیس** — اصل ۵۰ که از اصول قوهٔ مقننه مانده بود تصویب شد. در دستور امروز چهار اصل دیگر از قوهٔ قضائیه هست، که مطرح می‌کنیم.

**تهرانی** — در مورد همهٔ این اصول صبح به‌حد کافی صحبت شد و رأی هم گرفتیم و از آقایان امضاء هم گرفته شد. شمابخوانید اگر صحبتی نبود، رأی بگیرید ان‌شاءالله تصویب میشود.

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۵۰ (اصل یکصد و شصت و پنجم)

**نایب رئیس** — همانطوریکه می‌فرمائید روی این اصول بحثهای فراوانی شده‌است. بااجازهٔ دوستان اصل ۱۵۰ را مطرح می‌کنیم و آقای آیت آنرا قرائت می‌فرمایند.

«اصل ۱۵۰ — محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است مگرآنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم اجتماعی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

عده‌ای از نمایندگان — رأی بگیرید.

**نایب رئیس** — اجازه بدهید طبق معمول من حداقل لازم را عمل کنم. آقای رحمانی شما موافقید یا مخالف؟ (رحمانی — طرح مجدد این اصل صحیح نیست، چون رد شده است.) آقای دکترنوربخش شما موافقید یا مخالف؟ (دکترنوربخش—تذکردارم.) آقای فوزی؟ (فوزی— تذکری داشتم. جملهٔ «حضور افراد بلامانع است» زائد است.) بسیار خوب، من اسمتان را یادداشت می‌کنم بعداً مطلبتان را بفرمائید. آقای خامنه‌ای شما چه نظری دارید؟ (خامنه‌ای— تذکردارم.) آقای اکرمی؟ (اکرمی— سؤال دارم.) آقای طاهری‌اصفهانی چه‌فرمایشی داشتید؟

**طاهری اصفهانی** — با این اصل موافقم، و در جواب اشکالی که آقایان فرمودند که «علنی انجام میشود» یعنی الزامی است علنی باشد، حاضرم به عنوان موافق جواب بدهم ضمناً جمله «حضور افراد بلامانع است» هم اضافی است.

**نایب رئیس** — متشکر، آقای مکارم؟ (مکارم شیرازی — تذکر دارم.) آقای دکترآیت

جنابعالی چه نظری دارید؟ (دکتر آیت — اگر کسی مخالف باشد، من به عنوان موافق صحبت میکنم.) خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — جمله «حضور افراد بلامانع است» لزومی ندارد که نوشته شود.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای دکتر نوربخش فرمایشی دارید بفرمائید.

**دکتر نوربخش** — عرض کنم که اینجا نوشته‌اید «محاکمات علنی انجام میشود مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یانظم‌اجتماعی باشد» این «نظم اجتماعی» معنای خیلی وسیعی دارد. قبلا هم همینطور بوده است هروقت نمی‌خواستند علنی باشد میگفتند منافی عفت عمومی و یا نظم اجتماعی است. اینست که باید در اینجا یک‌سرجعی باشد که تشخیص بدهد اگر این محاکمه علنی انجام بگیرد، چرا مخل نظم عمومی خواهدبود؟ به عقیده‌من بدینصورت که نوشته‌شده درآینده میتوانند سوءاستفاده کنند و به‌بهانه مخل نظم اجتماعی محاکمه را سری اعلام کنند.

**نایب رئیس** — آقای فوزی شما تذکرتان درکدام قسمت است؟

**فوزی** — عرض کردم که «حضور افراد بلامانع است» یک قید زائد است یکی هم جمله «یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد» باز قید بی‌فایده‌ای است. برای اینکه کسی که محق است همیشه می‌خواهد محاکمه علنی باشد ولی‌ممکنست که هر دو طرف خودشان را محق بدانند و در این صورت هر دو طرف بخواهند که محاکمه علنی باشد اینجا دیگر تقاضا نمی کنند که غیرعلنی باشد و محاکمه به صورت علنی انجام میگیرد.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای شما چه مطلبی داشتند؟

**خامنه‌ای** — عرض کنم که یک قسمت مطلب من مربوط میشود به بیانی که الان فرمودند. بنای این اصل بر حفظ حقوق عمومی است، یعنی جامعه حق دارد بفهمد کسی را که به دادگاه برای محاکمه میبرند، دادگاه وظایفش را انجام داده و یا بی‌جهت او را محکوم کرده‌اند. این جمله که شما مرقوم فرموده‌اید که«در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند» خوب اگر احد طرفین تقاضا کند، چه صورتی پیدا خواهد کرد؟این مطلب قبلا هم نبوده‌وصورت درستی ندارد. به علاوه دعاوی خانوادگی در قانون نبود که خصوصی باشد ولی به موجب بخشنامه وزارت دادگستری سری بود، به لحاظ فلسفه‌ای که در آن بود. ما در اینجا به جای دعاوی خصوصی، دعاوی خانوادگی و همچنین دادگاههای اطفال هم که تذکر دادند، بگذاریم. یعنی دعاوی خانوادگی و اطفال بنویسیم تا اشکال پیدا نکند.ضمناً این «نظم‌اجتماعی» یعنی چه؟ ما قبلا چیزی به نام «نظم عمومی» داشتیم که یک مفهوم و اصطلاح شناخته‌شده‌ای است. حالا باید روشن شود که نظم اجتماعی همان نظم عمومی است یا نه؟ همین الان‌دوستان در مورد «نظم اجتماعی» فرمودند که ممکنست درآینده چه اشکالاتی پیدا کند و به بهانه‌مخل نظم اجتماعی ، محاکمات را سری کنند. به نظر من اگر بنویسیم «منافی عفت یا نظم عمومی» کفایت میکند.

**نایب رئیس** — آقای اکرمی شما چه نظری دارید؟

**اکرمی** — مطلبی که میخواستم عرض کنم به‌وسیله یکی از دوستان گفته شد.

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای مکارم تذکرتان رابفرمائید ببینیم در چه مورد است.

**مکارم شیرازی** — عرض بنده این است که یک مسائل عمومی داریم و یک مسائل

خصوصی. در مسائل عمومی، خوب، حق جامعه هست ولی در دعاوی خصوصی فرض براین است که محدود به این دو طرف است. اگر ما بخواهیم موازین شرعی و اخلاقی و عدالت را رعایت کنیم باید اگر یکی از این دو طرف هم تقاضا کنند، حق او را حفظ کنیم. چرا؟ به‌خاطر اینکه ممکن است یکی با دیگری دعوای خصوصی داشته باشد و می‌خواهد آبرویش حفظ شود. ما نباید بگوئیم حالا که یک دعوائی کرده است آبرویش هم برود. فرض ما این است که مسأله خصوصی است و مربوط به جامعه نیست. به چه وجه وقتی یکی از دو طرف راضی نیست ما جامعه را در آن دخالت بدهیم در حالیکه جامعه هیچگونه حقی در این دعوا ندارد و یکی از طرفین خصوصی دعوا هم تقاضای سری بودن محاکمه را کرده است. مضافاً به اینکه چه بسا درمظان اتهام باشد و بعداً معلوم شود بی‌تقصیر است. ما الان اجازه بدهیم جمعی در محاکمه شرکت کنند که آبرویش برود؟ بعداً هم معلوم شود که گناهی نداشته است؟ بنابراین ازنظر شرعی یکی از طرفین کافیست. بنده اینطور نوشته‌ام «یا دعاوی خصوصی مخالف حفظ حیثیت یکی از طرفین دعوا باشد» عرض دیگری ندارم.

**نایب رئیس** — خانم گرجی جز آنچه فرمودید مطلب دیگری دارید؟

**خانم گرجی** — مطلبی که آقای خامنه‌ای در مورد دادگاههای خانوادگی فرمودند یک بحث جداگانه‌ای دارد، و در اینجا مربوط به دادگاه خانواده نیست. مطلبی هم که آقای مکارم فرمودند صبح بحث شد که اگر یک طرف بخواهد تقاضا کند آنوقت ممکن است به طرف دیگر لطمه بخورد. همه این بحث‌ها شده و جوابش هم قبلا گفته شده است.

**نایب رئیس** — متشکر، آقای میرمرادزهی شما چه فرمایشی داشتید؟ (میر مرادزهی — من نظرم را قبلا گفتم.)

**یزدی** — حرف خانم گرجی، اطلاق این عبارت مسائلی را که مربوط است میگیرد، ایشان مدعی هستند که مسائل خانوادگی جداگانه باشد و این خصوصی به معنای مسائل غیرخانوادگی است.

**طاهری اصفهانی** — محاکمات علنی انجام میشود که این را جناب آقای کرمی وعده‌ای دیگر اشکال داشتند، این به معنای این است که وجوباً علنی انجام میشود این با توجه به‌ذیل مطلب خیلی روشن است که علنی انجام میشود یعنی با درهای باز انجام میشود یعنی در دادگاه باید باز باشد، الا در موارد مستثنی ، نه اینکه الزام دارند مردم بیایند تماشا کنند، از این جهت که اشکالی نیست. در آن اصلی که گروه تنظیم کرده بودند اخلاق حسنه‌نوشته شده بود این اخلاق حسنه از باب اینکه می‌توانست کشش داشته باشد و واقعاً حتی برای خودافراد صالح هم گاهی مورد شک باشد از این جهت تقاضا شد یعنی اشکال شد و اشکال هم قبول شد که آنرا بیندازند و به‌جایش «منافی عفت عمومی» یا «نظم عمومی» گذارده شود من آن‌مقدار که یادم هست نظم عمومی بود ولی نظم اجتماعی هم با نظم عمومی گمان نمیکنم تفاوتی بکند الا این یک اصطلاح حقوقی باشد که من از این اصطلاح بی‌خبرم اگر نظم عمومی باشد معنایش خیلی روشن است جناب آقای دکترنوربخش فرمودند مرجع باید برای تشخیص گذارده شود والا ممکن است درآینده مثل زمان گذشته به‌بهانه اینکه این نظم‌عمومی را برهم میزند دادگاهی که باید علنی انجام بگیرد به عللی که خودشان دلشان می‌خواهد سری بکنند اگر ما این احتمالات را برای دادگاههای آینده‌مان دادیم و آن قید و بندهائی که در اصول قبلی داشتیم

که مجتهدین هستند، دادستان از قبل مجتهد است، عادل است، از قبل رهبر تعیین میشود، رئیس دیوانعالی کشور همینطور، سه نفر قاضی همینطور، قضات باید عادل باشند، مجتهدباشند، یا منصوب از قبل مجتهد باشند، به هر حال ما اگر با یک همچو دادگاههائی احتمال بدهیم بخواهند سوءاستفاده بکنند به دلیل اینکه مخالف نظم عمومی است و دادگاه را سری بکنند اساساً باید قیود دیگری را هم برایش بگذاریم. مطلبی که جناب آقای مکارم فرمودند این بود که دعاوی خصوصی مربوط به خود این دو نفر است و اجتماع پایش در میان نیست بنابراین چرا وقتی یکطرف از این دعوا تقاضا میکند که خصوصی باشد به حرفش گوش داده نشود چون پای منافع اجتماعی که در بین نیست. جوابی که برای ایشان هست این است که در دعاوی خصوصی هم ولو پای اجتماع «بالمعنی‌لکلمه» دربین نیست‌ولی پای گروه‌وابسته به‌طرف دعوای خصوصی در بین است شاید این آقا بخواهد اقلا به اجتماع وابسته به خودش در یک دادگاه صالح ثابت بکند که من مظلوم واقع شده‌ام و از این جهت پای اجتماع در بین می‌آید منتها یک اجتماع کوچک، در این زمینه همیشه آن کسی که خودش را محق میداندمیخواهد که دادگاه علنی باشد و آنکسی که خودش را خیانتکار میداند میخواهد دادگاه سری باشد، آن تقاضا میکند مخفی باشد دیگری تقاضا میکند آشکار باشد.

**نایب رئیس** — تزاحم دو حق است.

**طاهری اصفهانی** — بله تزاحم دو حق است از این جهت خواسته شد که در تزاحم‌دو حق ترتیب اثر داده نشود ولی وقتی طرفین تقاضا کردند سری باشد.

**نایب رئیس** — متشکریم، آقای کیاوش نوبت خواسته بودید اما لیست بسته شده است اصل ۱۵۰ برای رأی‌گیری قرائت میشود. توضیحاً عرض کنم نظم عمومی از نظم اجتماعی بهتر است. (نمایندگان — اصلاح کنید.)

**اصل ۱۵۰ (اصل یکصد و شصت و پنجم)** — محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**نایب رئیس** — لطفاً با ورقه رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به قرار زیر اعلام گردید)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه وهشت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هشت رأی، موافقین چهل و نه نفر، مخالفین دو نفر، ممتنعین هفت‌نفر، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۵۰/۱ (اصل یکصد و شصت و هشتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۵۰/۱ قرائت میشود.

«اصل ۱۵۰/۱ — رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد، شرایط و اختیارات هیأت منصفه و نحوهٔ انتخاب آنان را براساس موازین اسلامی قانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای نظر شما نسبت به این اصل چیست؟ (خامنه‌ای — مخالفم.) آقای خزعلی شما؟ (خزعلی — تذکری دارم.) آقای کیاوش شما؟ (کیاوش —

تذکر دارم.) آقای فوزی شما؟ (فوزی — تذکر دارم.) آقای خزعلی تذکرتان را بفرمائید.

**خزعلی** — در اول اصل نوشته شده است «رسیدگی به جرائم سیاسی» با اینکه برای جرائم سیاسی تعریف واضحی نشده است اینجا احاله به مجهول است مگر مرجعی را معین کنیم. دوم «شرایط و اختیارات هیأت منصفه و نحوه انتخابات آنان را براساس موازین اسلامی» یک قید آمده بعد از آن سه‌موضوع مسلم، انتخابات موازین اسلامی ندارد بعد قید هم قدر متقنش به‌مقید اخیر و جمله اخیرمیخورد بنابراین، این نحوه انتخاب را مقدم بدانیم نحوه انتخاب و شرایط و اختیارات براساس موازین که شرایط و اختیارات روی موازین باشد اما نحوهٔ انتخاب، دیگر احتیاجی به موازین اسلامی ندارد.

**نایب‌رئیس**— عیبی ندارد یک «آنان» هم اصلا صرفه‌جوئی میشود «نحوه انتخاب،شرایط و اختیارات هیأت منصفه را قانون براساس موازین اسلامی معین میکند.» دوستان با این اصلاح موافقند؟ (اکثر نمایندگان موافق بودند).

**طاهری گرگانی** — اشکالی که ایشان کردند وارد نیست باید مبتدا جای خبر باشد.

**نایب رئیس** — بعداً با ایشان صحبت کنید که آیا وارد است یا نیست. آقای کیاوش شما تذکرتان را بفرمائید.

**کیاوش** — علنی بودن محاکمات سیاسی گاهی به ضرر مملکت است مثلا ممکن است خدای نکرده شخصی یکی از اسرار مملکت را برای یک کشور خارجی آشکار کرده باشد دراین صورت محاکمه او اگر علنی باشد بیشتر به ضرر مملکت تمام میشود.

**نایب رئیس** — این جرم سیاسی نیست، جنائی است.

**فوزی** — در اینجا که نوشته است «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد» اطلاق آن منافات دارد با آن اصلی که قبلا تصویب شد که «رسیدگی به جرائمی که مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی‌است درمحاکم نظامی صورت میگیرد» مگر اینکه بگوئیم آن از قبیل خاص است و این ازقبیل عام، ولی اگر در همین جا به آن اشاره‌ای میشد بهتر بود.

**نایب رئیس** — این چه ارتباطی به هم پیدا میکند؟ جرائم خاص نظامی مربوط است به وظایفی که نظامیان دارند یک جرمهائی هست که اصلا غیرنظامی نمی‌تواند مرتکب‌بشود مثلا فرار از میدان جنگ، این جرمی است که برای غیرنظامی معنی ندارد فقط برای نظامی است ، این را میگویند جرائم خاص نظامی پس این چه ارتباطی با این اصل پیدا میکند؟ (فوزی — جرم سیاسی همین است.) خیرآقا، اینکه سیاسی نیست نظامی است. آقای مکارم نظر شما نسبت به این اصل چیست؟ (مکارم شیرازی — من با آن موافقم.) آقای آیت شما؟ (دکتر آیت — منهم موافقم.) آقای مشکینی شما چه‌نظری دارید؟

**مشکینی** — چون علنی بودن به نحو اطلاق در اصل قبلی گفته شده حالا این عبارت اینطور باشد چطور میشود «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه صورت میگیرد»؟

**نایب رئیس** — لااقل تأکیدی است، اگر یادتان باشد آقای ربانی شیرازی در آن اصل پیشنهاد میکردند که یک تأکیدی روی خصوص اینها بشود، حالا این تأکید است.

**دکتر آیت** — تأکید دارد. آن را میشود مخفی اعلام کرد، این را نمیشود.

**نایب رئیس** — آقای عضدی نظر شما چیست؟

**عضدی** — با این اصل موافقم.

**تهرانی** — خواستم بگویم هیأت منصفه سابقه اسلامی دارد و با این اصل هم موافقم.

**طاهری خرم‌آبادی** — در محاکمات سیاسی هم علنی بودن گاهی مخل به نظم عمومی است و چون دربالا آن استثناء را کردید در اینجا یا این علنی را بردارید یا به همان اطلاق اصل قبلی اکتفا کنید یا باید این‌جا این قید را هم بیاورید.

**نایب رئیس** — نفر اول موافق به هر دو این موارد جواب بدهد، آقای خامنه‌ای نظر شما چیست؟

**خامنه‌ای** — من مخالفم و عرض کنم که در آینده قوهٔ قضائیه برخلاف آن چیزی که در جاهای دیگر است ما قاضی را دارای شرایط اجتهاد و عدالت دانسته‌ایم از طرفی برخلاف آنچه که اظهار شد در فقه ما تأیید و تأکید مکرر در استقلال رأی قاضی هست، تا حدی که به دو درجه‌ای آن بسیاری از برادران ما تردید دارند قاضی در دادگاه چه‌میکند؟ او دو عمل را تأکید میکندو یک رأی در بین استخراج میکند مانند ترکیب صغری و کبری برای اخذ نتیجه، مقداری از کار قاضی تشخیص موضوع است برای اینکه با اطلاعی که برای استفاده از مقدمات اثبات جرم یا اثبات دعوا به هر حال کشف دلایل است او تکلیف خودش را میفهمد یعنی صغری را پیدا میکند و این کشف موضوع از دو حال خارج نیست یا استفاده از نظرخبره است یعنی یک چیزی را نمیداند که چیست، و احتیاج به کارشناس ، خبره، پزشک قانونی یا حسابرس و اینها دارد، به‌طورکلی هرکسی که اطلاعش به کمک قاضی می‌آید و موضوع را روشن میکند اینها را در اصطلاح خبره و کارشناس میگویند و هیچ جا قاضی اجبار ندارد که نظر کارشناس را درقسمتی از موضوع، تعبداً قبول کند بلکه این را کاشف میداند و هرجا تردید کند میتواند به خبره دیگری مراجعه کند تا آنجا که یقین کند موضوع کشف شد بنابراین هیأت منصفه در اینجا کار خبره را نمی‌کنند و تازه اگر بکنند یک موجوداتی هستند ضعیف اظهار نظر میکنند و میروند و قاضی میتواند قبول یا رد بکند . منظور شما همین است ؟ دیگر اینکه درکشف موضوع قاضی به دلایل و امارات نگاه میکند، شهود باید شرایطی داشته باشند. احراز این خودش علم میخواهد و قانون یعنی طرز رسیدگی، قانون شکلی، استنباط ازاین شهادت که مخدوش هست یا نیست، بازهم علم خاصی دارد که قاضی متخصص است وفرض این است که مجتهد است و عالم است، شاهد شهادت، دلایل لفظی، امارات، اسنادی که هست اینها را که همه کشف میکنند برای روشن شدن موضوع چه در دعاوی چه در جنایات و چه در جنحه‌ها بنابراین درکشف موضوع قاضی نیاز به یک دسته خاصی به عنوان شریک در حکم ندارد مگر اینکه مشاوره باشد و در قبول یا رد نظرش آزاد باشد در حکمی که من گمان نمیکنم بالکل کسی باشد که هیأت منصفه را در حکم شریک بداند و به‌قاضی بگوید موضوع را تو تشخیص بده حکم را اینها صادر میکنند برای اینکه اولا در دنیا کمتر این جور هست شاید فقط یک جااینطورباشد که حکم بکند و به علاوه ما مجتهد را عالم به احکام میدانیم و...

**نایب رئیس** — استقلالش یک‌جا است ولی شرکتش فراوان است.

**خامنه‌ای** — شرکت منافات با استقلال دارد شاید در مباحث آینده خود شما این راقبول نکنید که یک دعوارا در جمع به دو قاضی بدهیم به هرحال نه در موضوع و نه در حکم قاضی

مستقل نیاز به این ندارد که عده‌ای بنشینند و نظر بدهند. عرض میکنم تازه در همین‌جا خود ما الان نمیدانیم کدام یک از این هیأت منصفه‌هائی را که در دنیا معمول است می‌خواهیم بیاوریم، هیأت منصفه‌ای که معمولا، تا الان آنچه که بوده است و شما تعیین نکرده‌اید چه کسانی هستند از قضات هستند یا غیرقضات؟ هیأت منصفه در کشورهای دیگر عبارت است از یک نماینده ازمعتمدین بازار (محل) یک نماینده ازپزشکان، یک نماینده مثلا حقوقدان، یک ترکیبی، هشت نفر، ده نفر، بیست نفر هستند معرفی میشوند در یک انتخاباتی و هیأت منصفه نوبتی است می‌آیند می‌نشینند و اینها را در رژیم‌هائی که گرفته‌اند براین اساس بوده است که چون ممکن است بدون ضمانت اجرائی که تفوق بر این قاضی داشته باشد منافع مردم تضییع بشود یک عده‌ای باشند تشخیص بدهند و ببینند آیا این عمل منصفانه هست یا نیست در سیستم ما که قضاوت مستقیماً زیر نظر ولی امر است و تأیید شده و عملش تصویب شده است یک چنین محظوری در آن نیست که هیأت منصفه‌ای بنشینند، مگر اینکه اشخاص هیأت منصفه را ولی‌امر انتخاب بکند و از مجتهدین باشند و هیأت منصفه‌ای که اینجا هست مجمل است پس بنویسیم که هیأت منصفه هستند واینها ازمجتهدینی خواهند بود که صاحب‌نظرند لااقل به اندازه آن قاضی.

**نایب رئیس** — آقای مکارم به عنوان موافق صحبت میکنند.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولا فرمودند دراسلام هیأت منصفه نداریم، این کلمه را نداریم ولی محتوایش را داریم درفقه ما آمده است که یک عده‌ای از فضلا واهل علم در محضر قاضی حاضر باشند تا جلو اشتباهات قاضی را بگیرند و به او در تشخیص جرم کمک بکنند بنابراین، این ریشه فقه اسلامی دارد و بعد این مسأله، مسأله‌ای است مترقی و تعجب میکنم که چرا در آن تردید دارند ما درگذشته دیده‌ایم و در آینده هم پیش می‌آید، بالاخره مسائل سیاسی، مسائل مهمی است که مظنه لغزش هست همان قاضی که ایشان میفرمایند همه‌شان که فرشته آسمانی نیستند (ولو در یک نظام اسلامی) در صورتی که عده‌ای به اسم هیأت منصفه باشند و در آنجا نظارت و کمک کنند یا در تشخیص حکم، حالا به نحوی که با موازین اسلام تطبیق داشته باشد در این اصل‌قید شده است قید موازین اسلام تمام مشکلات را حل میکنند، وقتی که این باشد به نفع ملت و جامعه است بنابراین هم مصلحت اجتماعی دارد، هم کمک به احیای عدل میکند و هم موافق موازین اسلامی است و هم اینجا یک قیدی به آن زده‌ایم که این قید ما را از هرگونه وسوسه نجات میدهد پس جائی نیست که ما در این باره بخواهیم وسوسه بکنیم.

**طاهری خرم‌آبادی** — اشکال من جواب داده نشد.

**طاهری اصفهانی** — شما نوشته‌اید «شرایط و اختیارات... و نحوه انتخاب» این اشکال در بیانات آقای خامنه‌ای هم گفته شد، آخر از چه گروهی؟

**نایب رئیس** — یعنی عالم باشد یا نباشد، قاضی باشد یا نباشد شرایط آنها این است.

**طاهری گرگانی** — نحوه انتخاب هم هست.

**نایب رئیس** — هر دو آنها را در بر میگیرد ببینید، آقایان این تزاحم در مصالح را باید همیشه در این اصول رعایت بفرمائید همچنین که در قوانین، در مورد جرائم سیاسی ومطبوعاتی خود اینکه جرم سیاسی و جرم مطبوعاتی علناً محاکمه بشوداین جلوبسیاری از مفاسد ومضیقه‌ها

و دیکتاتوری‌ها را میگیرد بنابراین، این را اگر بخواهند دستش بزنند و بگویند هر وقت که خلاف نظم تشخیص دادند سری انجام بدهند واقعاً مثل این است که این اصل را اصلا ما نداشته باشیم این است که روی تزاحم، این کار را میکنند.

**ربانی شیرازی** — صبح گفتم این اصل سابق هم بود و هیچ نتیجه‌ای گرفته نشد وعلتش این بود که جرائم سیاسی معلوم نشده بود چیست و این را هم چنانچه مثل سابق بخواهیم معلوم بکنیم درست نیست.

**نایب رئیس** — این را در قانون اساسی نمی‌شود معین کرد جرائم باید در قوانین کیفری گروه‌بندی بشود و آنجا باید تعریف قانونی پیدا کند حتی میتوانیم اینطور بنویسیم «نحوه انتخاب شرایط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین میکند.»

**حیدری** — این هیأت منصفه اگر چنانچه از باب تشخیص موضوع و کارشناس باشد اختصاص به این دو مورد ندارد بلکه در همه دعاوی هست و اگر از باب مشاوره باشد که‌قاضی یک وقت اشتباهی نکند در همه دعاوی باید باشد.

**نایب رئیس** — این الزامی است. (حیدری — اختصاص به این دو مورد ندارد.) این الزامی است. آنها مستحب است اینجا ما واجب میکنیم. (حیدری — جواب از راه شرعی همان طور که آقای مکارم فرمودند باشد.) فرمودند مستحب است. اصل ۱۰۵/۱ برای رأی‌گرفتن قرائت میشود.

**اصل ۱۰۵/۱ (اصل یکصد و شصت و هشتم)** — رسیدگی به‌جرائم سیاسی ومطبوعاتی علنی است و با حضورهیأت‌منصفه درمحاکم دادگستری‌صورت‌میگیرد نحوهٔ انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین میکند.

**نایب رئیس** — لطفاً نسبت به این اصل با ورقه رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به قرار زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام رأی‌گیری شصت و یک نفر، تعداد کل آراء شصت و یک رأی، موافق پنجاه و هفت رأی، مخالف دو رأی، ممتنع دو رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۱۶۰ (اصل یکصد و شصت و نهم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۶۰ قرائت می‌شود.

«اصل ۱۶۰ — هیچ فعل یا ترک فعلی به‌استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.»

**نایب رئیس** — بیش از حد پیرامون این اصل‌بحث شده است. (چند نفراز نمایندگان — راجع به آن الان کسی مطلبی ندارد رأی بگیرید.) برای رأی گرفتن نسبت به این اصل یکبار دیگر قرائت میشود.

**اصل ۱۶۰ (اصل یکصد و شصت و نهم)** — هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمیشود.

**نایب رئیس** — لطفاً نسبت به این اصل با ورقه رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و نه رأی، موافق پنجاه و پنج رأی، رأی مخالف نداشت، ممتنع چهار رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۱۶۱ (اصل یکصد و هفتاد و چهارم)

«اصل ۱۶۱ — براساس حق نظارت قوهٔ قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به‌نام سازمان بازرسی کل کشور زیرنظر شورایعالی قضائی تشکیل میگردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — آقای خزعلی فرمایشی دارید؟

**خزعلی** — حسن جریان امور با اجرای صحیح قوانین تفاوتش چیست؟

**نایب رئیس** — گاهی اوقات قوانین اخص است، آقای موسوی جزایری فرمایشی دارید؟

**موسوی جزایری** — می‌خواستم عرض بکنم که رابطه این با دیوان عدالت اداری چه میشود؟ همان است یا چیز دیگر؟

**نایب رئیس** — دیوان عدالت در صورتی است که کسی شکایت بکند ولی این شکایت نیست، بنابراین برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۶۱ (اصل یکصد و هفتاد و چهارم)**— براساس حق نظارت قوهٔ قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیرنظر شورایعالی قضائی تشکیل میگردد، حدود و اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین میکند.

لطفاً گلدانها را ببرید و رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس**— نتیجه رأی را اعلام می‌کنم، عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت نفر، موافق پنجاه و هفت رأی، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۱۶۲ (اصل یکصد و هفتاد و پنجم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۶۲ مطرح است که قرائت می‌شود.

«اصل ۱۶۲ — دررسانه‌های گروهی رادیو و تلویزیون آزادی انتشارات وتبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود، این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه، قضائیه، مقننه، و مجریه اداره خواهد شد، ترتیب آن را قانون معین میکند.»

**کرمی** — آقای بهشتی تذکر بدهید به آقایان که رادیو و تلویزیون سه چهار اصل دیگر هم دارد و فقط این اصل نیست، البته امروز صبح صحبت این مطلب را کردیم به هر حال تعیین تکلیف رادیو تلویزیون همین‌جا باید معین بشود.

**نایب رئیس** — آقایان اجازه بفرمائید، اسامی چند نفر نوشته شده که من نظرشان را میپرسم آقای منتظری نظری دارید؟ (منتظری — مخالفم.) آقای مکارم نظری دارید؟ (مکارم موافقم.) آقای هاشمی‌نژاد نظری دارید؟ (هاشمی‌نژاد — تذکری دارم.) آقای سبحانی نظری

دارید؟ (سبحانی — موافقم.) آقای خامنه‌ای نظری دارید؟ (خامنه‌ای — تذکری دارم.)آقای اشراقی نظری دارید؟ (اشراقی— سؤالی دارم.) آقای عضدی نظری‌دارید؟ (عضدی— موافقم.) آقای پرورش نظری دارید؟ (پرورش — تذکراتی دارم.) آقای رشیدیان نظری دارید؟ (رشیدیان — تذکر دارم.) آقای ربانی شیرازی نظری دارید؟ (ربانی شیرازی — مخالفم.) آقای کیاوش نظری دارید ؟ (کیاوش — آقا از این اصل بگذرید.) آقای دکتر قائمی نظری دارید ؟ (دکتر قائمی — تذکراتی دارم.) آقای طاهری اصفهانی نظری دارید ؟ (طاهری اصفهانی — مخالفم.) آقای حیدری نظری دارید؟ (حیدری — پیشنهاد دارم.) آقای یزدی نظری دارید؟ (یزدی — موافق مشروط.) آقای آیت نظری دارید؟ (آیت — پیشنهاد اصلاحی دارم.) آقای شیبانی نظری دارید؟ (شیبانی — یک موافق و یک مخالف صحبت کند.) آقای هاشمی‌نژاد تذکر شما چیست؟

**هاشمی‌نژاد** — آیا این کیفیت کار در دنیا معمول است که رادیو تلویزیون زیر نظر قوهٔ قضائیه و مقننه و قوهٔ مجریه اداره بشود ؟ یا تلویزیون ملی است و دست مردم است و یا دست قوهٔ مجریه است، قوهٔ قضائیه و قوهٔ مقننه در زمینهٔ تلویزیون چه نوع نظارتی می‌تواند داشته باشد و این‌سبک، کجای دنیا وجود دارد؟ و بعد هم چون آقایان بحث نمایندهٔ امام را کردند اگر به اینصورتی باشد که الان دارد در مملکت ما عمل میشود بیفایده است، نماینده امام با نهایت آگاهی و دقت نظر و خوب‌هم می‌تواند مسائل را کاملا بررسی کند ولی کمترین قوه اجرائیه در آنجا ندارد و رادیو و تلویزیون هم دارد راه خودش را میرود و کار خودش را میکند.

**نایب رئیس** — آقا اینکه می‌فرمائید تا ظهر امروز اینطور بود ولی بعدازظهر امروزرادیوو تلویزیون در اختیار شورای انقلاب قرار گرفته و باید هر کاری که صلاح اسلام و انقلاب اسلامی است انجام بشود.

**هاشمی‌نژاد** — جواب سؤال بنده را بدهید که آیا این سبکی که عرض کردم در دنیا معمول است یا نه؟

**نایب رئیس** — خیلی چیزها ما اینجا داریم که معمول نیست، آقای خامنه‌ای تذکرتان را بفرمائید.

**خامنه‌ای**— همانطورکه اشاره کردند در هیچ جای دنیا زیرنظر مشترک ، آن معنائی را که نظر شماست معنی اداره و مدیریت را نمی‌رساند بنویسد«به وسیله شورائی مرکب از...» که زیر نظر مشترک نباشد. زیر نظر ، در واقع نظارت است و تذکر من این است که رادیو تلویزیون ملی است و جزء اموال عمومی است که دست دولت و قوهٔ مقننه است نظارت میدهیم به مناسبت این است که آن ملی است و مردم هم در یک جبهه دیگر حق نظارت و دخالت دارند و این دو تا کفایت میکنند در حفظالامر، منتها چون شورا باید تصمیم‌گیری بکند و مدیریتش قاطع باشد در واقع برای پیشگیری آن ، تساوی آراء و مخالفت یک مقام سومی را باید در نظر بگیریم و اینجا به نظر من بهتر از هر چیز نماینده رهبری است به‌جای قضائیه . البته آن صحبتی که در اول کردم مقدمه بود که در هیچ جای دنیا این کار را نکرده‌اند و من گمان نمیکنم «قضائیه» را قبول کنند که این چنین چیزی باشد.

**موسوی قهدریجانی** — در ترکیه هم همینطور بود.

**دکتر ضیائی** — ما مقید نیستیم هرچه دیگران کردند ما هم بکنیم.

**خامنه‌ای** — اگر در تمام کشورها هم بود ما شبهه را قوی می‌گیریم که همه‌جا هست ولی در سیستم ما ولایت و رهبری است که در جای دیگر نیست و این را در همه‌جا گذاشتید اینجا هم باید حق نظارت برایش بگذارید. کما اینکه بعضی از برادران هم اشاره کردند بنابراین «قضائیه» را بردارید و «رهبری» را بگذارید.

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — ما می‌دانیم که رادیوو تلویزیون چه نقش اساسی دارد در ساختن اجتماع و افکاراجتماع راهمیشه هدایت‌میکند. آنوقت‌رهبری و حوزه علمیه که بایستی‌جهات دینی مردم و جهات اسلامی مردم و اخلاق مردم و معنویات مردم را همیشه تأمین بکند آیا نگذاریم در رادیو تلویزیون؟ و رادیو تلویزیون را بگذاریم در اختیار قوهٔ مقننه و مجریه؟ در صورتیکه ما الان می‌بینیم تا حالا که تنها در اختیار مقام رهبری بود معذلک آنطوری که می‌بایستی‌مطابق موازین اسلامی باشد نشده بود حالا وامصیبتا آنوقتی که اصلا «رهبری» و «مراجع» را نگذاریم در رادیو تلویزیون، درثانی شما نوشته‌اید «تبلیغات طبق موازین اسلامی» اصلا تبلیغات‌مال مقام رهبری و حوزه علمیه است ، بنابراین قطعاً بایستی که در رادیو تلویزیون مقام رهبری دخالت داشته باشد و حالا نظارتش به چه نحوی باشد آنرا هم ما صبح نوشتیم با نظارت‌چهار نفر نماینده، و اگر بخواهید قوهٔ «قضائیه» را حذفش بکنید من مخالف نیستم ولی قطعاً بایستی از طرف رهبری یک نماینده باشد برای اینکه در آینده امیدوار هستیم که خود حوزه علمیه قم رادیو تلویزیون داشته باشد و وسیله تبلیغات داشته باشد اینطورکه شما نوشته‌اید اصلا ممکن است که به حوزه علمیه قم و مقام رهبری نه رادیو و تلویزیون در اختیارشان بگذارند و نه بگذارند که خودشان تأسیس بکنند.

**ربانی املشی** — جناب آقای بهشتی تمام شقوقی را که در اینجا متصور بود صبح رأی‌گیری شد تنها قسمتی که رأی بیشتر آورد و امکان طرحش در این جلسه بود همین است که اینجا نوشته شده است.

**نایب رئیس** — یک شق جدیدی که نمیدانم صبح پیشنهاد شده یا نه آمده است که گمان میکنم آقای دکتر اوشانا داده‌اند بخصوص آن نکته‌ای که ایشان تذکر داده‌اند نکته جالبی است و آن این است که اصلا شورا پنج نفری باشد، نماینده رهبر، نماینده کارکنان رادیو و تلویزیون و سه نماینده از سه قوهٔ قضائیه و مقننه و مجریه . (نمایندگان — این صبح مطرح شد و رأی نیاورد.) یک سؤال هم من میکنم، قوهٔ قضائیه را آقایان در این بحثی که فرمودید و مکرر رویش تکیه کردیدبه‌عنوان یک قوه مرکب از زبده‌ترین افراد صاحب‌صلاحیت علمی و تقوائی است که از آن یاد کرده‌اید و رویش حساب کرده‌اید به طوریکه واقع مسأله این است که نماینده قوهٔ قضائیه که معمولا نماینده دادستان و رئیس دیوانعالی کشور یا رئیس شورایعالی قضائی است این میشود نمایندهٔ رهبر...

**منتظری** — این مسأله صبح گفته شده و رأی نیاورد.

**نایب رئیس** — پس آقای مکارم به عنوان موافق صحبت بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — مسأله تلویزیون سه بعد دارد ، یک بعدش اینست که مربوط به ملت است و باید نمایندگان ملت از مجلس شورا نظارت داشته باشند ، دوم این است که

از نظر رهبری و از نظر حسن جریان امور و آنچه در اختیار قوهٔ قضائیه است و وسائل اسلامی و شرعی، شورایعالی قضاوت که پنج‌نفر مجتهد در آن است ازاین نظرهم نماینده رهبر است وهم جنبه اسلامی دارد و من نمیدانم که این پنج نفر مجتهد قبل از آنکه بیایند به شورایعالی اشخاص حسابی بودند، حالا آمدند دولتی شدند هیچ کس قبولشان ندارد نه نماینده رهبرشان میدانند و نه نماینده مذهبشان میدانند خوب، این ازرسوبات سابق است که هرکسی می‌آمد در دستگاه دولت از اعتبار می‌افتاد، خوب‌دادستانش نماینده امام است و رئیس دیوانعالی کشور نماینده امام است و سه نفر دیگر هم مجتهد هستند که آمده‌اند داخل این دستگاه، آیا معنایش این است که اینها محترم نیستند، آقای منتظری می‌فرمایند رهبر نباید در اینجا ازنظر شرعی... پس آنها چکاره هستند این پنج‌نفری که آنجا نشسته‌اند چکاره‌هستند؟ یک‌بعدش هم اگر دولت هیچگونه دخالت نداشته باشد نصف کارهای مملکت و یا به‌قول بعضی از دوستان ۸۰ درصد کارهایش را به‌وسیله این دستگاه انجام میدهد اگر آنهم نظارت نکند نمی‌شود این. سه تا بعد دارد که در اینجا به نحو احسن تأمین شده، و اما اینکه آقایان می‌فرمایند یک‌نماینده از رادیو و تلویزیون باید باشد، عرض میکنم که رادیو تلویزیون جنبه فنی مسأله را بایداداره بکند نه اینکه حق دارد دخالت بدهد نظر خودش را در برنامه‌ها، بلکه آنهم سازمانی است مثل سایر سازمانها، اگر سایر سازمانها دخالت مستقیم دارند آنهم دخالت مستقیم داشته باشد، پس این عادلانه‌ترین نقشی است که دراینجا تعیین شده‌است. (طاهری‌اصفهانی— من دودقیقه وقت می‌خواهم.)

**نایب رئیس** — البته با نوبت، خوب دوستان می‌خواهند بحث را ادامه بدهند یا رأی بگیریم (نمایندگان— رأی بگیرید.) موافق و مخالف هم صحبت کرده‌اند پس رأی می‌گیریم، با اجازه دوستان پیشنهاد میشود که اصل را برای رأی‌گیری بخوانم.

**صدوقی**— به آقای طاهری مجال بدهید دو دقیقه صحبت بکنند.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید بنده عدالت را رعایت بکنم قبل‌از آقای‌طاهری‌اصفهانی ۹ نفر نوبت گرفته‌اند، آقای اشراقی فرمایشی دارید؟

**اشراقی** — منظور از آزادی انتشارات و تبلیغات چیست؟ ولو دستگاه در دست مردم‌است و هر آن چیزی که صلاحیت دارد آنجا باید از همه بپذیرد و منتقل کند مثلا اعلام فاتحه ویا اعلامهای دیگر، البته طبق موازین اسلامی، تاکنون دیده‌ایم که در دستگاه گذشته خودش خواسته است و تاکنون هم هرچه خواسته خودش خواسته است، بعد از این ان‌شاءالله این موازین همه‌جا را میگیرد یا نه؟

**نایب رئیس** — قوانین بیشتر تابع عدل و فضیلت و درایت کسانی است که در شئون مختلف مسؤولیت اجرایش را به عهده میگیرند که مسؤول اصل، خود ملت هشیار و بیدار ماست ان‌شاءالله با ایفای این مسؤولیت از جانب مسؤول اصلی میتوانیم ما به این نتایج‌برسیم، آقای پرورش شما نوبتتان را به آقای طاهری اصفهانی میدهید؟

**پرورش** — بله، ما خانواده کرم هستیم (خنده نمایندگان).

**طاهری اصفهانی** — ما هم از همان خانواده هستیم.

**نایب رئیس** — «یا ایهاالذین امنوالا تبطلوا صدقاتکم بالمن‌والاذی کالذی ینفق‌ماله رئاءالناس ولا...»آقای طاهری بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — همانطور که همه آقایان و ملت عزیز ایران هم می‌دانند و جناب آقای منتظری هم اشاره فرمودند، رادیو تلویزیون در کشور برای ایفای رسالتهای ملت عزیز بالاترین مقام است، با یک کلمه تحریف و با یک کلمه زیر و رو میتواند مطلب را عوض بکند، در این اصل آقایان سه قوه را دخالت دادند، قوهٔ مقننه را برای اینکه ملی است و مال مردم است آوردند، و قوهٔ مجریه را مسلماً رادیو تلویزیون کارهای اجرائی دارد که اگر قوهٔ مجریه نباشد لنگ هستیم و به خاطر این مسأله آوردند، آمدند قوهٔ قضائیه را هم دخالت‌دادند به این عنوان که قوهٔ قضائیه چون نظارت برحسن جریان امور دارد در رادیو تلویزیون هم بیاید و همان نقش حسن جریان امورش را ایفا بکند ومی‌فرمایند چون متصل به رهبر است یعنی شورایعالی قضائی مستقیماً از طرف رهبر تعیین میشود آنها وقتی آمدند اینجا یا نماینده فرستادند این مستغنی میکند ما را از اینکه از طرف رهبر کسی باشد و نتیجه هم حاصل است، من عرض میکنم که ما در همین ۷ و ۸ ماه امتحان کردیم، افرادی که مستقیماً از طرف امام برای سمتهائی مبعوث شده بودند و افرادی که از طرف دولت موقت میرفتند در تحویل‌گیری مردم تفاوت داشته، تفاوت روشن، روی اصل ارادتی که مردم به رهبرشان داشتند و درآینده ان‌شاءالله به رهبران همچون امام خواهند داشت، لذا اگر هم از شورایعالی قضائی لازم است به عللی یک نماینده باشد، یک نماینده مستقیم هم در مرکز و شهرها از طرف رهبر در رادیو تلویزیون باشد کمااینکه نماینده است برای دادگاه و نماینده است برای سایر کارها، نماینده مستقیم امام هم باشد برای رادیو تلویزیون آیا رادیو تلویزیون اهمیتش از نماز جمعه کمتر است امروز برای بازسازی کشور؟ (صدوقی — ضرری هم که ندارد.)

**نایب رئیس** — دوستان عزیز توجه بفرمائید من عرضم این است که آقایان در این قانون اساسی تا حالا رابطه سازمان مملکت را با رهبری طوری تنظیم کرده‌اید که رهبری اقداماتش را از مجاری پیش‌بینی شده دنبال میکند و به ثمر میرساند اگر واقعاً بخواهیم به‌ثمر برسد این طرحی که در قانون اساسی برای اداره مملکت داریم صحیح این است که رهبر در هیچ جای دیگر مستقیماً وارد دخالت نشود، البته آنچه شما می‌فرمائید وآنچه من عرض میکنم هر دو یک مطلب است ولی می‌خواهیم اینرا بگوئیم که اگر ما تمام نیرویمان را به‌کار بیندازیم که بتواند همان چیزی که پیش‌بینی کرده‌ایم درست اجرا بشود، از این بی‌نیازهستیم و اگر هم آن چیزی که پیش‌بینی کردیم درست اجرا نشود ماده نقضش وضعی است که‌می‌بینید آقایان میدانید که یکی از برادران عزیزمان را به عنوان نماینده آنجا فرستادند و عملا ایشان خودشان مراجعه کردند که مرا چرا آنجا فرستاده‌اند برای اینکه من کاری نمی‌توانم انجام بدهم، به هر حال بنده می‌خواهم عرض بکنم که با ملتمان و با کسانی که در شئون مختلف کشور مسؤولیت برعهده دارند با کارکنان رادیو تلویزیون ما باید با اینها به یک تفاهم خلاق و سازنده برسیم در خط انقلاب، علاج آن است والا مطمئن باشید این چیزی را برحسب همین تجربه که می‌فرمائید تجربه در این چند ماه نشان داده است، این در جاهای دیگر کم‌و بیش نشان داده است، ولی در رادیو تلویزیون خودش را نشان نداد، در همین جا که مورد بحث است خودش را نشان نداد.

**صدوقی** — پس به این طریق کسی حریفشان نمیشود.

**نایب رئیس** — خیر اینطور نیست، بنده معتقدم که باید در دستگاه رادیو تلویزیون با

همه برادران و خواهرانی که آنجا زحمت می‌کشند نشست، گفتگو کرد و به توافق و تفاهم رسید، اول باید خطشان را مشخص کرد و باید گفت این خط، خط صدا و سیماست، کسانی که این خط را از صمیم قلب قبول دارند همکاری کنند و کسانی هم که از صمیم قلب قبول ندارند خوب نمی‌توانند همکاری بکنند، و باید در همه مؤسسات همین کار را کرد، پس جناب آقای صدوقی مسأله حریف و غیرحریف مطرح نیست کسی که به زور در هیچ جای مملکت نمی‌تواند کاری بکند.

**منتظری** — پس یک جای پائی برای رهبر بگذارید.

**نایب رئیس** — آقا هر سه قوه که اینجا گذاشته شده جای پای رهبر است.

**موسوی تبریزی** — همانطور که فرمودید نمایندهٔ مستقیم امام را وقتی کاری کردند که نتوانست کاری بکند وای به‌حال نمایندهٔ غیرمستقیم.

**ربانی شیرازی** — شما قوای سه‌گانه را که آوردید حوزه علمیه یکی از وظایفش تبلیغات است باید نماینده تبلیغات دینی در آنجا باشد اصلا تبلیغات دست حوزه علمیه است، به مقتضای شغلش باید در آنجا باشد. مسأله دیگر اینکه صبح راجع به مسأله امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر صحبت شد آن هم به مقتضای شغلش یک نماینده هم باید از آن باشد اگر آن سازمان را داشته باشیم کفایت از حوزه علمیه را هم میکند.

**نایب رئیس** — دوستانی که موافق هستند نماینده رهبری اضافه شود در این شورا،لطفاً دستشان را بلند کنند (فقط بیست و هشت نفر از پنجاه و نه‌نفر حاضر در جلسه‌دست‌بالند کردند.) موافقت نشد توجه بفرمائید این اصل پیداست که آن نماینده امام بیست و هشت نفر بیشتر طرفدار ندارد حالا دوستان می‌بینید که آن رأی نمی‌آورد، اگر این اصل را آقایان به خاطر این مسأله رأی ندهند بسیار خوب ما به رأی‌میگذاریم با ۳۰ یا ۳۲ رأی رد میشود و می‌ماند همینطور مطلق، پس بنابراین بنده اصل را برای رأی میخوانم و آقایان هم تکلیف شرعیشان را بدانند. (همهمه نمایندگان)

**ربانی شیرازی** — برگردد به کمیسیون.

**نایب رئیس** — ما اینقدر وقت نداریم که برگردد به کمیسیون، حالا موافقین با اینکه نمایندگان این سه قوه به اضافه نماینده وهبری و نماینده کارکنان یعنی شورای پنج نفری، دست بلند کنند. (سی و یک نفر دست بلند کردند) موافقت نشد، بنده اصل را برای رأی‌گیری می‌خوانم.

**خزعلی** — آقای بهشتی وقتمان کم است یک مقدار اصلاحات بکنید بعد رأی بگیریدتا نماند برای بعد.

**نایب رئیس** — اصلاح دیگری ندارد جز اینکه آقایان یک عده‌شان اصرار دارند روی اینکه نماینده رهبری باشد وعده‌ای می‌گویند نماینده رهبری نباشد.

**طاهری اصفهانی** — من هم که اصرار دارم به همین اصل رأی سفید میدهم.

**نایب رئیس** — خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — زیر نظر قوای مشترک آیا از طریق شورا باید اجرا بشود؟ اگر شورای‌این سه گروه سه نماینده است پس چرا در شهر خودش رادیو تلویزیون نباید داشته باشند؟ اگرشورا باشد اشکال فنی پیدا میکند اینها سخنهایشان را می‌گویند و آنها هم به‌خاطر اشکالات فنی

اجرا نمیکنند.

**یزدی** — مسأله روشن است که بحث در مدیریت رادیو تلویزیون است، رادیو تلویزیون معمولی‌ترین مؤسسه است که متعلق به همه گروهها است و بلاشک دخالت دولت هم در آن لازم است بنابراین سه نماینده باید باشد اگر آقایان قانع هستند که نماینده امام باشد چه بهتر آنوقت اضافه بکنید و اگر آنهائیکه میگویند نه، فکر میکنم آنها هم به این رأی بدهند.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید موافقین به اینکه بنویسیم «نمایندگان رهبری و مجریه و مقننه» دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) موافقت نشد.

**ربانی املشی** — در شورایعالی قضائیه وزیر دادگستری را هم شامل میشود.

**نایب رئیس** — نه آقا آنکه گفتیم در رأس قوهٔ قضائیه وزیر نیست گفتیم در رأس قوهٔ قضائیه شورای عالی قضائی است، اگر می‌خواهید می‌نویسیم ولی عبارت را خراب میکند. (مکارم — توی پرانتز بگذارید.) اجازه بفرمائید بنده اصل ۱۶۲ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۶۲ (اصل یکصد و هفتاد و پنجم)** — در رسانه‌های گروهی رادیو و تلویزیون آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود، این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه قضائیه (شورایعالی قضائی) و مقننه و مجریه اداره خواهد شد، ترتیب آنرا قانون معین میکند.

لطفاً گلدانها را برای رأی‌گیری ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به قرار ذیل اعلام گردید.)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی را اعلام میکنم،عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، شماره کل آراء پنجاه و نه رأی، موافق پنجاه و شش نفر، مخالف سه نفر، ممتنع هیچ، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

یک یادآوری تا آنجا که در خاطره ماست امروز روز میمون و مبارکی است برای اینکه دستور جلسه همه‌اش تصویب شد.

**پرورش** — روز ولادت حضرت هادی است.

## ۸ — پایان جلسه

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان جلسه را ختم می‌کنیم.

(جلسه ساعت هفده و سی و هشت دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ شصت‌ودوم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه روز ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با شانزدهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به‌ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

## فهرست مطالب :


۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای رشیدیان. . . . . .
۲ — طرح اصل ۱۵ . . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۱۸ (اصل شصتم) . . . . . .
۴ — طرح و تصویب اصل ۱۵ (اصل پنجاه و هفتم). . . . . .
۵ — طرح و تصویب اصل ۵۱ (اصل شصت و پنجم). . . . . .
۶ — طرح و تصویب اصل ۶۵/۱ (اصل هفتاد و هشتم). . . . . .
۷ — طرح اصل ۸۳/۱ . . . . . .
۸ — طرح و تصویب اصل ۸۷/۱ (اصل یکصد و یازدهم) . . . . . .
۹ — طرح اصل ۸۷/۲ . . . . . .
۱۰ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای رشیدیان

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. رسمیت جلسه اعلام میشود، آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بعد از هر انقلابی دشمن حملات خودش را متوجه ارکان انقلاب می‌کند. این یک فرمول طبیعی و بدیهی است. بعد از هر انقلابی معمولا مردم حکومت و قدرت را به دست می‌گیرند و این قدرتها معمولا به صورت کمیته‌ها و به شکل پاسداران ظاهر میشوند تا انقلاب را پاسداری نمایند. دشمن هم متوجه میشود و این حرفهٔ اوست که به حکم اساسی انقلاب پاسدار و کمیته با عناوین مختلف روبرو شود، آنها را ترور میکند، به آنها تهمت میزنند و حتی با اشاعهٔ تهمت‌ها از زبان و از چشم دوست می‌افتد و با زبان دوست تهمت میخورد. آنچه که برخط انقلاب است و آنچه که در خط امام است و آنچه که در خط است از بدو پیروزی نسبی انقلاب مورد تهاجم دشمن بوده است. از کمیته پاسدار و شورای انقلاب و بازوان انقلاب و شخصیتهای اصیل انقلابی، هم ترور شده‌اند و هم ترور شخصیت شده‌اند اگرتاریخ انقلابات را ورق بزنیم می‌بینیم دولتها، حکومتهای مردمی و انقلابی به‌محض اینکه روی کار آمدند کمیته‌هائی که نیروی خود مردم هستند آنها راتقویت می‌کنند. هم‌اکنون در نیکاراگوئه حکومتی که در روی کار هست دائماً توصیه می‌کند که کمیته‌ها و بازوان انقلاب را روز به روز بایستی تقویت کرد. این یک مسأله بدیهی و طبیعی است یکی از ارکان انقلاب ما مجلس خبرگان است، که نمایندگان آن با نوشتن قانون اساسی سرنوشت آتیه و سرنوشت نسلهای آینده مملکت را تعیین می‌کنند. قانون اساسی به روابط و قوانین و مقررات گذشته خاتمه میدهد. قانون اساسی ایران براساس مکتب اسلام و جامعیت اسلام، روابط طاغوتی را به زباله‌دان تاریخ می‌اندازد. قانون اساسی و اساس جامعیت اسلام، ضوابط اسلامی و موازین اسلامی را جایگزین روابط غیرانسانی و ضدمردمی می‌نماید قانون اساسی براساس کتاب و سنت همهٔ مقررات و روابطی که جامعه را در فقر، محرومیت و گرسنگی و بیچارگی و استعمار و استبداد می‌برد، همه آنها را در هم می‌پیچد و نظامی نو، تازه، الهی براساس علم و تقوی جایگزین آن می‌سازد. این است که دشمن دستپاچه و نگران بوده است. این است که دشمن با عجله و شتاب دسیسه و نیرنگ می‌کند و از بدو شروع این مجلس دسیسه‌ها و توطئه‌ها هرچه بیشتر اوج می‌گیرد. و از گوشه و کنار این مملکت هر عنصر ناپاکی، آنهائی که‌شناخته شده‌اند، عناصر معلوم‌الحال و وابسته به رژیم، سیا و ساواک‌دست به دست هم داده با تجدید سازمان و جذب سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و انگلیس سعی کرده‌اند اذهان عمومی را به زعم خود علیه این مجلس بشورانند و مشوب کنند. متأسفانه به قول اسناد دکتر شریعتی شهید، شعار را دشمن طرح می‌کند و روشنفکرنمای لوکس تکرار

می‌کند و عنوان می‌کند و دوست (یعنی دوست نادان) آن را رواج می‌دهد. حتی آنها که خود را در خط اسلام و در صف مسلمین می‌دانند از تهمت زدن و افترا بستن و مشوب کردن اذهان عمومی نسبت به انقلاب و مخصوصاً به مجلس خبرگان دست کمی از دشمنان نداشتند آنها کادر رهبری را و خط امام امت را که روحانیت مبارز هست مورد حمله قرار داده‌اند. اینکه اینطور من صحبت می‌کنم به علت این نیست که بیشتر شما روحانی هستید و در مقابل من قرار گرفته‌اید اگر اینطور تصور بکنم، این خودش شرک است اگر کسی اینطور براساس این موجودیتی که هست تظاهر کند واقعیت حقیقت را بعداً تاریخ نشان می‌دهد که باز به قول آن شهید راه آزادی، زیر یکی از این قراردادهای ننگین را یک آخوند از نجف برگشته، (این یک تعبیری است که او گفته است) و یک مرجع عالیقدر امضاء نکرده است ولی در عوض زیر تمام این قراردادهای استعماری را بعضی از دکترها و مهندسین روشنفکرنماهای غرب‌زده امضاء کرده‌اند، و اساساً بعد از انقلاب مشروطیت، با رهبری مذهبیون و مسلمانان و مراجع عالیقدر همین غرب‌زده‌های ازفرنگ برگشته، آنها که همواره درکنار گود بوده‌اند و آنهائی که همیشه درحال رفاه، امنیت و آرامش بودند برگشتند و با یک کودتا قدرت را از دست انقلابیون، ازرنجدیده‌ها، از زندان کشیده‌ها و از شکنجه دیده‌ها گرفتند. (با یک کودتا) اما نه با کودتای نظامی‌بلکه با یک کودتای نامرئی و با یک کودتای خزنده با یک کودتای روشنفکرانه(به اصطلاح روشنفکرانه) حکومت را گرفتند. و هم‌اکنون با عنوان کردن شعار استعمار دیکتاتوری تحت عنوان نعلین دیکتاتوری آخوندی و دیکتاتوری دینی و مذهبی و استبداد مذهبی باز هم این سیاسی کارها که نمی‌توان اسم آنها را سیاستمدار نامید، درصدد کودتا هستند، تا این ملت راو این امت را ازکادر رهبری و امام جدا کنند و باز هم آن روزی فرا رسد که این ملت، کشور را دو دستی تحت نام حقوق بشر و غیره تقدیم استعمار وتقدیم اربابان خود نمایند. اما خوشبختانه امروز تا نهضت مشروطیت از زمین تا آسمان فاصله است این ملت در اثر تجربیات تلخ تاریخی از نظر سیاسی آگاه و بیدار و متنبه شده است، و این است که فریادشان بلند است، و همه‌جا به دنبال علماء با عمل و روحانیت مجاهد و مبارز مخصوصاً رهبری امام مثل پروانه پرمی‌زنند و شعارشان این است که ما، مارگزیده هستیم و از طناب سیاه و سفید می‌ترسیم و به قول مثال معروف که میگویند. وقتی میگویند که چرا اعضاء مجلس خبرگان اکثراً روحانی هستند و نمایندگان مجلس خبرگان غالباً از قشر روحانی و علمای مذهبی هستند این سؤال را بایستی از ملت عزیز ایران بکنیم نه از آقایان که بیشتر ملت عزیز ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند اغلب از اقشار کارگر و زحمت کش بوده‌اند نه از آقایان و نه از روشنفکرنماها، همه کسانی که به روحانیت و به‌مجلس خبرگان رأی دادند ازطبقه کارگر، کشاورز، دانشجو، دانش‌آموز، دبیرستانی، دبستانی و از گروههای متعدد و مختلف بوده‌اند. از گروه خواهان استعمار و استبداد نبوده‌اند. آنها میگویند که ما از ریسمان سیاه و سفید میترسیم عنان اختیار حکومت را به دست روشنفکران لوکس دادیم آنها مسیر نهضت مشروطیت را تا کودتای رضاخانی و استبداد پسرش (محمدرضا) به انحراف کشاندند. آنها از زبان آن بازشکاری ومرغ خانگی چنین نقل قول می‌کنند که بازشکاری به مرغ خانگی گفت این همه آدمیان که به‌تو میرسند و آب و دانه میدهند وقتی هوس گرفتن تو را می‌کنند چرا از این بام به آن بام‌می‌پری؟ مرغ خانگی به بازشکاری جواب داد که اگر تومرغی را در تابه، بریان می‌دیدی، اگر من

بام به بام می‌پرم تو کوه به کوه می‌پریدی. عشق این ملک را در نتیجه عشق این ملت، نتیجه تجربیات براساس واقعیت تاریخ است آنها دیده‌اند که همواره در صف مقدم مبارز مذهبیون، علماء و دانشمندان اسلامی بوده‌اند. آن کسانی که می‌گفتند «دین» افیون ملت است آنها که «در سال ۱۳۴۲» آن اصلاحات فریبنده وار و دیکتاتورگونهٔ پسر رضاخان را تعقیب میکردند و آن‌را اصلاحات ارضی می‌نامیدند و آن عمل را عمل مترقی و یک قدم جلوتر به‌حساب‌می‌آورند امروزه الحمدلله حرف خودشان را پس گرفته‌اند، عوض کردند و میگویند روحانیان و مذهبیون اینها برای مبارزه در مقابل ظلم و بی‌عدالتی خیلی خوب می‌جنگند. تا زمانی که یک رژیم مستبد و متجاوز باشد اینها می‌جنگند. اما به محض اینکه به پیروزی نهائی رسیدند و رژیم منفور و منحط و مستبد را شکست دادند دیگر بعد از آن روحانیت برنامه‌ای ندارد. چیزی و اندیشه‌ای برای حکومت ندارد گروه روحانیون و مذهبیون نمی‌تواند مملکت را اداره نمایند و اینها عاری از سیاست مملکت‌داری هستند. از اول آنها می‌گفتند «دین» افیون ملت است و حالا واقعیت دین و روحانیت برای آنها روشن شده و یقین حاصل کردند که فقط و فقط روحانیت و مذهب بزرگترین سد و سنگری است در مقابل استبداد و استعمار و استثمار، ناچار حرف خودشان را براساس واقعیت عوض کردند. اما باید به آنها نشان بدهیم، ما به دنیا گفته‌ایم و وعده‌ای بزرگ داده‌ایم وادعای بزرگی کرده‌ایم با مفهوم کلمات: حکومت اسلامی، عدالت اسلامی و براساس موازین قرآن که میفرماید شما بهترین ملت و امتی هستید که‌خروج می‌کنید وخودتان را نشان می‌دهید و سرمشق جهان بشری قرار می‌گیرید. بنابراین نباید در عملتان مغرور بشوید در رابطهٔ قدرتی که به دست آورده‌ایم که این قدرت نیست به دست آورده‌ایم بلکه قدرت خدائی است که با لطف خدای متعال به ملت برگردانده شده است نباید درکارمان مغرور باشیم و نباید درکارمان لحظه‌ای غفلت نمائیم و باید تا آنجا که ممکن‌است آن مکتب مترقی اسلام و این اصولی که ارائه می‌کنیم متجلی سازیم. بنابراین من توصیه می‌کنم به برادران عزیز چه در داخل این مجلس و چه در خارج این مجلس که تشکیلات زمان انقلاب و طول انقلاب را از دست ندهند. باید دوباره به انقلاب سازماندهی کرد. باید دوباره برای پیشبرد این اهداف مقدس ملی، قلم‌ها را به دست گرفت دشمن در مقابل انقلاب ما نه تنها جبهه خودش را از دست نداده است بلکه خیلی کوشیده است که از گذشته هم بیشتر تقویت نماید و بلکه تجدید قوا نموده و سازماندهی کرده است.

بنابراین،این ما هستیم‌این‌اسلحه قلم را واین اسلحه سخن راکه مال ماست ودرتاریخ فرهنگ عمیقی بنا نهاده شده است باید دوباره به دست بگیریم و در مقابل دشمنی که به‌طرق مختلف و نیرنگهای گوناگون برای تضعیف این انقلاب کوشش و تلاش نموده و میخواهد با دست زدن به چنین نیرنگهای پلید و با دست زدن به سلاحهای گرم به آن مقاصد شوم‌وخبیث خودش برسد و انقلاب را خدای نکرده پس بزنند و یا اینکه از هم متلاشی بکند پس آقایان، برماست که در مقابل این شیاطین دست به دست هم داده و سنگر مقدس خودمان را هرچه بیشتر از پیش مستحکم‌تر بسازیم. اگر فعالیت نکنیم و تحلیل برویم و سرد بشویم آنوقت بایستی فاتحه این انقلاب، نه فاتحه این انقلاب، بلکه فاتحه اسلام را هم بخوانیم. ما دریک برهه زمانی حساس قرار گرفته‌ایم. حالا موقع شعار و تظاهرات نیست بلکه اکنون موقع عمل‌و کار و جهاد سازندگی است امروز مرحله بیداری است. وقتی رهبر عزیزمان با آن سن و سال در

شبانه‌روز بیش از دو ساعت یا کمتر و زیادتر نمی‌خوابد و استراحت نمی‌کند، این وظیفه ماست که از امام امت پیروی نموده و دست به فعالیت بیشتری بزنیم. ای عالم و ای روحانی و ای فقیه، درست است که من لیاقت آن را ندارم که شماها را پند و اندرز بدهم ولی قرآن شریف به ما یاد میدهد و میفرماید: «وتواصوابالحق، وتواصوا بالصبر» . «فذکرفان‌الذکری تنفع المؤمنین». هر مؤمنی کوچک یا بزرگ میتواند یادآوری کند. مؤمنین مانند بازوان و دستهای یکدیگرند این اجازه را خدا به من داده است که هشدار به برادران و خواهران خود بدهم اول خطاب به روحانیت ، هر روحانی که صدای مرا میشنود و دلش برای اسلام می‌طپد و احساس نسبت به این انقلاب دارد و احساس مسؤولیت میکند و برای انجام وظایفش احساس مسؤولیت میکند و برای پیشبرد این هدف مقدس برای رضای خدا و برای ملت گام برمیدارد، مبارزه میکند و مبارزه کرده است باید هوشیار باشیم و باید دائماً خودمان را نسبت به پیروزی نهائی انقلاب بسازیم و این راه را انشاءالله تا آخر برسانیم. باید خودمان را به سلاح روز مجهز نمائیم باید اخلاق خود را مخصوصاً روحانیت، براساس موازین اسلام بسازد. تا الگو برای جهان بشری بشود. در خاتمه توجه شما را به بعضی مطالب و اکاذیب و شایعه پراکنی‌هائی که در روزنامه‌ها درج میگردد، جلب میکنم، متأسفانه ما فکر میکردیم آنها، همان عده معدودی هستند اما ملاحظه می‌کنیم بعضی از نوجوانان ما ناآگاهانه، که بیشتر جنبه کنجکاوی دارد، انتقادی میکنند و این تا اندازه‌ای خوب‌است پیشنهاد میکنم که اولا همه گویندگان مجلس خبرگان بعد از پایان قانون اساسی هر روز به یک شهر تشریف ببرند و قانون اساسی را برای ملت تشریح و توجیه نمایند که آنها از ماهیت و محتوا و از کیفیت آن مطلع باشند و روشن باشند، تا بدانند که اسلام چه قوانینی مترقی و مقدس دارد که نه وابسته به‌شرق است و نه وابسته به غرب است بلکه طبق موازین اسلام مدون گردیده و در اختیار مردم گذاشته شده است. دوم اینکه به‌آنهائی که اهل‌قلم هستند و قلمی دارند، به‌آنها توصیه‌میشود، قلم بردارند و در مقابل این روزنامه‌ها و این سمپاشی‌ها بنویسند ولو اینکه موجز و مختصر باشد. حتی چرا ما خودمان روزنامه نداشته باشیم که آنچه حقیقت دارد در روزنامه خودمان منعکس نمائیم. چرا حوزه علمیه قم و همچنین حوزه‌های دیگر علمیه و جاهای دیگر از خودشان نشریه‌هائی برای افشاگری و روشن‌گری نداشته باشند و همچنین توجه شما را به منطقه‌خوزستان که بارها برادر عزیزم جناب آقای کیاوش اشاره‌ای فرمودند و همچنین جناب حجت‌الاسلام کرمی فرمودند، معطوف میدارم که ایشان و خودم در سفر اخیر از آنجا برگشتیم با همه این بودجه‌ای که از نفت به خوزستان اختصاص داده‌اند، یعنی یک روز پول نفت را به منطقه مذکور منظور داشته‌اند، متأسفانه باز دیدم که وضع زندگی مردم به همان چهره و همان‌صورت و روش سابق است . همان زن بیچاره بیابان‌گرد و همان سرد و زن بیچاره مشک را به دوش میگیرد و هنوز به آنجا کوچکترین توجهی نشده است . باید آقایان به درد دل آنها برسیم و به درد دل تمام اقشار مستضعفین داروی مؤثری بگذاریم . اگر شورای انقلاب صدای مرا میشنوند که در این مورد پیشنهاد کرده‌ایم و باز هم پیشنهاد میکنیم که مسؤولیت و این پست‌های حساس را به دست عناصر انقلابی واقعی در سراسر مملکت بگذارید افرادی که خودشان دلسوخته ودلسوزند وتفکرند و پای مکتب حقیقت سوخته‌اند این کارهاومسؤولیت‌ها و پستهای حساس را به دست آنها بسپارید. نه به دست بیگانه از مکتب و بیگانه از انقلاب

که اساساً انقلاب را قبول ندارند، به دست آنها نسپارید آنها خیال میکنند که این انقلاب که صورت گرفته است یک انقلاب ساده است. و آنها خیال میکنند ، که یک انقلاب بعدی بایستی بیاید و آنها را نجات بدهد، و همچنین در پیش خودشان تبلیغ میکنند امید ملت ایران. من نمی‌دانم این مطلب را یک آدم عادی و یا یک سرهنگ به‌چه جرأت میتواند بگوید. امید ملت ایران تنها امام خمینی است. امید ملت ایران تنها کادر رهبری است ایدئولوژی، عامل مکتب و مذهب است نه من. امید ملت ایران فقط امام خمینی است و کادر رهبری است. خدا آن روز را نیاورد مادامی که این مرد زنده باشد و امید ملت ایران نباشد که «امام» است .

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

**منتظری** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. کارکنان مجلس بررسی قانون اساسی برحسب نوشته‌ای که نوشته‌اند، همبستگی خودشان را و پشتیبانی خودشان را از عمل انقلابی دانشجویان که پیرو امام و رهبر بزرگ ملت ماست اعلام کرده‌اند و تقاضا کرده‌اند که این پشتیبانی و همبستگی آنان به سمع همه آقایان نمایندگان و به همه ملت ایران اعلام بشود.

## ۲ — طرح اصل ۱۵

**نایب رئیس** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دستور جلسه را آغاز میکنیم، اصل ۱۵ مطرح است که قرائت میشود.

«اصل ۱۵ — قوای حاکم درجمهوری اسلامی عبارتند از: قوهٔ مقننه، قوهٔ قضائیه، قوهٔ مجریه، که تحت ولایت رهبری اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگر میباشند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس‌جمهوری برقرار میگردد.»

**نایب رئیس** — اگر دوستان اجازه فرمایند و موافق باشند این عبارتی را که خدمتشان میخوانم یک اصلاح خوبی است اگر آقایان موافقند. «زیر نظر رهبری برطبق اصول آینده این قانون».

**سبحانی** — اینجا هم بایستی «زیر نظر ولایت امر و امامت امت» باشد. وزیر نظر ولایت امر و امامت امت اعمال میگردد.

**نایب رئیس** — ما هم همین را گفتیم «زیر نظر ولایت امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون» آقایان با این عبارت موافقند؟ (نمایندگان — بلی) آقایان اجازه فرمایند حالا که اصلاح شد، دیگر روی آن صحبتی نشود و به رأی‌گیری گذاشته شود . اصل ۱۵ را برای گذاشتن به رأی میخوانم بعضی از آقایان دوستان مثل اینکه تشریف نیاورده‌اند.

**سبحانی** — آقای مکارم و صافی مریض هستند.

**عده‌ای از نمایندگان** — آقای دکتر بهشتی لطفاً تا آمدن همکاران و دوستان اصل بعدی را مطرح بفرمائید تا آنها هم تشریف بیاورند.

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۱۸ (اصل شصتم)

**نایب رئیس** — دو سه نفر از دوستان بایستی به این زودی به جمع ما ملحق بشوندپس اجازه بفرمائید حالا متن اصل ۱۸ را مطرح و قرائت نمایند و روی آن هم بحث و بررسی بشود تا دوستان ما در جلسه شرکت کنند پس اگر موافقید اصل ۱۸ را بخوانند و روی آن هم بحث

و بررسی بشود تا آقایان برای رأی تشریف بیاورند. پس اصل ۱۸ قرائت میشود:

«اصل ۱۸ — اعمال قوهٔ مجریه از طریق رئیس‌جمهور و هیأت وزیران است.»

**نایب رئیس** — روی این اصل آیا در جلسه صبح بحث شده است یا نه؟ (نمایندگان — خیر روی این بحث نشده است.) در این اصل در جاهای دیگر اشاره شده که به رهبری اختیاراتی داده شده است، و در مورد ارتش هم گفته شده است.

**سبحانی** — مفهوم این اصل نسبت به آن ناقص است این مثل آن میماند که در اصل ۸۷ بگذاریم: ۱ — وظایف و اختیارات رهبری ۲ — نصب مقامات عالی چیست؟ ۳ — فرماندهی کل نیروهای مسلح تحت نظر کیست؟ بنابراین بایستی نواقص این اصل ۱۸ برطرف گردد و تکمیل بشود.

**رحمانی** — اعمال قوهٔ مجریه مثل اینکه گفته شده است از طریق قوهٔ مجریه است. این یک دور است و صحیح نیست قوهٔ مجریه همان هیأت وزیران است و رئیس آن رئیس‌جمهور است.

**سبحانی** — این عنوان از طریق اشخاص است؟ جوابش را بدهید.

**نایب رئیس** — اصل ۸۸ تکلیف این اصل ۱۸ را معین کرده است بنابراین اصل ۱۸ باید با رعایت مفاد اصل ۸۸ تنظیم بشود. (کرمی — باید با در نظر گرفتن اصل ۸۸ نوشته بشود.) اصل ۸۸ را برای دوستان میخوانم: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسؤولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوهٔ مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود...» بنابراین اگر اینجا ما بنویسیم «اعمال قوهٔ مجریه جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود از طریق رئیس‌جمهور و هیأت وزیران است».

**جوادی**— این اصل ۱۰ که باید الان تصویب بشود نباشد که این سه‌قوه زیرنظر ولایت امر اجرا بشود لذا در آنجا مسأله رهبری مطرح نشد.

**نایب رئیس** — ما وقتی در اصل ۸۸ نوشتیم که ریاست قوهٔ مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود برعهده دارد دیگر بحثی نمی‌ماند بنده میگویم که اصل ۱۸ با اصل ۸۸ که قبلا تصویب شده هماهنگ باشد چون در آنجا میگویند ریاست قوهٔ مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود به عهده دارد این «جز» باید در اینجا بیاید والافرقی بین این اصل و آن اصل هماهنگی نخواهد بود.

**جوادی** — اگر در اصل ۱۸ بگوئیم رئیس قوهٔ مجریه، رئیس‌جمهور را باید استثناء بکنیم ولی اینجا به عنوان یک مجرا و یک راه اعمال ذکر شده و در اصل ۱۰ آمده که تمام این سه قوه زیرنظر ولایت امر است بنابراین نیازی به استثناء نیست.

**نایب‌رئیس** — توجه بفرمائید از این طریق نیست، وقتی شما میگوئید نصب رئیس‌ستاد یا فرماندار کل این دیگر از طریق آن هم نیست پس باید استثناء باشد چون قوهٔ مجریه است.

**رحمانی** — نظارت ولی‌امر از طریق رئیس‌جمهوری اعمال میشود این زائد است و باید اصلاح شود.

**نایب رئیس** — بنویسیم: اعمال قوهٔ مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس‌جمهور و هیأت وزیران است اصل ۱۸ را برای

رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۸ (اصل شصتم)** — اعمال قوهٔ مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس‌جمهور و هیأت وزیران است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و پنج نفر، تعداد کل آراء پنجاه و پنج رأی، موافق چهل و هشت رأی، مخالف سه رأی، ممتنع چهار رأی، تصویب شد تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ٤ — طرح و تصویب اصل ۱۵ (اصل پنجاه و هفتم)

**نایب رئیس** — اصل ۱۵ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۵ (اصل پنجاه و هفتم)**— قوای حاکم در جمهوری اسلامی عبارتند از : قوهٔ مقننه، قوهٔ قضائیه ، قوهٔ مجریه ، که زیر نظر ولایت امر و امامت است برطبق اصول آینده این اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس‌جمهور برقرار میشود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه و شش رأی ، موافق پنجاه و یک رأی ، مخالف یک رأی ، ممتنع چهار رأی . بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

ملاحظه میکنید این اصولی که الان تصویب میشود اینها از اول ناتمام مانده بود در حقیقت ما بررسی قانون اساسی را تمام کرده‌ایم فقط در اثناء برخی از اصول بود که اتخاذ تصمیم درباره آنها موکول میشد به اتخاذ تصمیم درباره اصول بعد از آنها حال که توانسته‌ایم درباره اصول بعد از آنها رأی بگیریم این است که اظهارنظر و رأی‌گیری در مورد این اصول آسان شده و روی آنها قبلا مفصل بحث شده است علاوه براینکه امروز صبح ساعتها پیرامونش بحث شده مخصوصاً این اصل ۱۸ بود که مربوط به اصل ۸۸ میشد که توانستیم به‌راحتی تکمیل وتصویب بکنیم و نیز اصل پانزده ، اکنون اصل ۳۱ خوانده میشود:

«اصل ۳۱ — مطبوعات و نشریات آزاد است غیر از کتب و نشریات مضره به‌دین اسلام یا استقلال و امنیت کشور یا عفت عمومی یا مشتمل بر نشر اکاذیب و ترویج فساد یا اهانت به مقدسات دینی و آبرو و حیثیت اشخاص. جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی به آنها راقانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — آقای جوادی (جوادی — سؤالی دارم.) آقای بنی‌صدر (بنی‌صدر — مخالف هستم.) آقای رحمانی (رحمانی — تذکر دارم.) آقای نوربخش (نوربخش — مخالف هستم.) آقای رشیدیان (رشیدیان — تذکر دارم.) آقای یزدی (یزدی — اصلاح عبارتی) آقای دکتر قائمی (دکتر قائمی — تذکر دارم) آقای موسوی زنجانی (موسوی زنجانی — تذکر دارم.) آقای علی تهرانی (علی تهرانی — موافق.)آقای پرورش (پرورش — تذکر.) آقای بشارت (بشارت — مخالف.) آقای عضدی (عضدی — مخالف.) آقای خامنه‌ای (خامنه‌ای — تذکر.) آقای موسوی تبریزی (موسوی‌تبریزی — موافق.) آقای موسوی اردبیلی (موسوی اردبیلی —

مخالف.) آقای موسوی اصفهانی (موسوی اصفهانی — تذکر.) آقای غفوری (غفوری — مخالف.) آقای ربانی‌شیرازی (ربانی شیرازی — تذکر دارم.) آقای هاشمی‌نژاد (هاشمی‌نژاد — با شکل عبارت مخالفم.) آقای تهرانی.

**تهرانی** — اگر اجازه بفرمائید این اصل را بگذاریم برای آخر جلسه زیرا بحث زیادی‌دارد.

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۵۱ (اصل شصت و پنجم)

**نایب رئیس** — با اجازه دوستان بررسی این اصل را به آخر جلسه موکول می‌کنیم حالا اصل ۵۱ را میخوانیم:

«اصل ۵۱ — پس از پایان انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت مییابد وتصویب لوایح، طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام‌می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد.»

برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم مجموع لازم است.

**نایب رئیس** — آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — اینجا که نوشته‌اید پس از پایان انتخابات مجلس تشکیل می‌یابد ممکن است در یک شهر به مناسبت نامساعد بودن اوضاع انتخابات انجام نگیرد یا از نظر امنیتی انتخابات تمام نشود آن وقت لازمه‌اش این است که مخصوصاً در دور اول مجلس تشکیل نشود برای این مورد وضع کردستان را میتوانیم در حال حاضر مثال بزنیم.

**نایب رئیس** — می‌توانیم بنویسیم پس از برگزاری انتخابات که دیگر این مفهوم را نداشته باشد و دغدغه‌ای به‌وجود نیاورد دوستان موافقید این را «برگزاری» بنویسیم (بعضی از نمایندگان — بلی).

**فوزی** — پس بهتر است بنویسیم «به نحوهٔ تصویب لوایح» نه تصویب لوایح.

**نایب رئیس** — بسیار خوب اگر عبارت‌به همین شکل باشد بهتر است، دیگر نحوه را اضافه کردن نیازی ندارد اگر بگویند نماز طبق احکام شرع انجام میشود یعنی چه؟ این هم همانطور است و عیبی ندارد و اشکالی ایجاد نمی‌کند آقای سبحانی.

**سبحانی** — همانطوری که آئین‌نامه داخلی اهمیت دارد انتخاب هیأت رئیسه هم اهمیت دارد اینها در کنار هم است یعنی انتخاب هیأت رئیسه و تصویب آئین‌نامه داخلی...

**نایب رئیس** — در هیچ مجمعی و مجلسی چنین چیزی نیست. اهمیتی ندارد.

**سبحانی** — برای اینکه هیأت رئیسه برگزیده اکثریت باشد نه برگزیدهٔ پنجاه و یک نفریا چهل و نه نفر.

**یزدی** — عبارت این است که مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب تعیین شده باشد باید بنویسیم «نصاب خاصی» تا درست شود.

**نایب رئیس** — ما از اول که اصل را خواندیم ضمن خواندن تصحیح کردیم و نوشتیم نصاب خاصی و شما آن را اضافه کنید. آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — این‌جمله «مگردرمواردی که‌نصاب تعیین شده باشد» این‌مواردرکجاست؟

**نایب رئیس** — در اصل بعد در اصل ۶۵/۱ است و در اصلهای بعدی هم هست.

**رحمانی** — خوب طبق آئین‌نامه مصوب داخلی شامل نصف به اضافه‌یک هم هست‌پس

اینجا اکثریت مطلق ندارد. (نایب رئیس — پس شما مخالفید؟) عرض کنم که اکثریت به معنای نصف به اضافه یک را اجازه بدهید این درست نیست.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان.

**رشیدیان** — یکی اینکه دو سوم مجموع نمایندگان، منظور نمایندگان در مرکز است یا شهرستانها؟

**نایب رئیس** — خیر مجموع نمایندگان در تمام مملکت که انتخاب شده‌اند یعنی دوسوم کل نمایندگان منتخب.

**رشیدیان** — دیگر اینکه تمام جلسات مجلس شورای ملی با دو سوم رسمیت پیدا میکند یا فقط جلسه اول؟

**نایب رئیس** — تمام جلسات، دوستان اجازه بفرمائید که ممکن است ابهام داشته باشد یعنی دوسوم دویست و هفتاد نفر میشود یکصد و هشتاد نفر با اینکه دوسوم نمایندگان انتخاب شده چون اگر ده نفر، هشت نفر انتخاباتشان به‌اشکالی برخورد کند تکلیف چیست؟ نظردوستان چیست؟ مثلا اگر دویست و پنجاه نفر هم انتخاب شده‌اند و انتخاب بیست نفر به اشکال برخورد کرده از آن دویست و پنجاه نفر باید یکصد و هشتاد نفر حاضر باشند تا مجلس رسمیت پیدا کند یک وقت است میخواهید بگوئید اگر دویست و پنجاه نفر انتخاب شده دو سوم دویست و پنجاه نفر یعنی یکصد و شصت و هفت نفر؟ (پرورش — اینجا مجموع نوشته شده است) پس باید بنویسیم دو سوم مجموع نمایندگان انتخاب شده اجازه بفرمائید اول این سؤال مشخص بشود (علی تهرانی — ممکن است بعداً به جمعیت تهران تعداد زیادی اضافه شود آن وقت ممکن است این حرف شما ایجاد اشکال بکند.) هیچ اشکال ندارد ده سال دیگر میشود دویست ونود نفر را حساب میکنند و اشکالی هم ندارد ما می‌گوئیم ممکن است در یک انتخاباتی سه نفر نماینده امکان انتخاباتشان فراهم نباشد.

**طاهری خرم‌آبادی** — آنهائی که انتخاب نشده‌اند که نماینده نیستند پس قهراً منحصر میشود در تعداد انتخاب شدگان.

**ربانی شیرازی** — اگر حد نصاب برای تصویب لوایح در اینجا ذکر بشود بهتر است.

**نایب رئیس** — این را خود آئین‌نامه مجلس آینده مشخص خواهد کرد احتیاجی‌نیست که در قانون اساسی مشخص شود آقای موسوی زنجانی بفرمائید.

**موسوی زنجانی** — بنده در این مورد آئین‌نامه داخلی دو سوم مجلس خواستم بگویم که این حد نصاب زیاد است.

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید به نظرم اشکال ایشان ناشی از این کلمه است اشکال مربوط به این کلمه «مجموع» است که نوشته است برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم نمایندگان حاضر لازم است نه مجموع نمایندگان یعنی اگر مجلس با یکصد و هشتاد نفر رسمیت پیدا میکند آنوقت برای آئین‌نامه باید یکصد و هشتاد رأی داشته باشیم این باید باشد اگر یکصد و هشتاد نماینده داریم دو سوم یکصد و هشتاد نفر کافی است منظور آقایان هم علی‌القاعده همین بوده است و همین خوب است که آئین‌نامه محکم باشد دو سوم حاضرین عیبی ندارد خوب است برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضرین لازم است.

**موسوی تبریزی** — اگر نمایندگان دویست و هفتاد نفر باشند و یکصد و بیست نفردر

مجلس حاضر شد هشتاد نفر برای تصویب آئین‌نامه داخلی کافی است؟

**نایب رئیس** — ما الان نوشتیم رسمیت جلسه با یکصد و هشتاد نفر آنوقت معنایش این است که اگر یکصد و هشتاد نفر هستند یکصد و بیست نفرشان که رأی دادند برای تصویب آئین‌نامه کافی باشد (موسوی تبریزی — اگر نصف هم کمتر رأی دادند کافی است) خیرآقا گفتم از دویست و هفتاد نفر یکصد و هشتاد نفر حاضر باشند حالا اصل ۵۰ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۵۰ (اصل شصت و پنجم)** — پس از برگزاری انتخابات جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام میگیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضرین لازم است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، شماره کل آراء پنجاه وهفت رأی، موافق پنجاه و شش رأی، مخالف هیچ، ممتنع یک رأی . بنابراین تصویب شد. تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۶۰/۱ (اصل هفتاد و هشتم)

**نایب رئیس** — اصل ۶۰/۱ مطرح است که قرائت میشود:

«اصل ۶۰/۱ — اصلاحات جزئی خطوط مرزی و تعیین حدود درصورتی که به‌استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند، با تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی امکان‌پذیر است.»

**یزدی** — بحثی ندارد.

**سبحانی** — کلمه اسلام را هم بگذارید.

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید. (هاشمی‌نژاد — مخالفم.) آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — کلمه تعیین حدود با کلمه تمامیت ارضی منافات دارد اگر تمامیت ارضی مشخص است، تعیین حدود یعنی چه؟ اگر تعیین حدود میکنید، معلوم میشود تمامیت ارضی مشخص نیست، این کلمه تعیین حدود باید برداشته شود.

**نایب رئیس** — به نظر میرسد که تذکر به جائی است برای اینکه در حقیقت معنایش همان اصلاحات جزئی است، پس بنویسیم «اصلاحات جزئی خطوط مرزی در صورتی که به استقلال و تمامیت ارضی...» به نظر میرسد که این عبارت میخواهد یک معنی دیگری را برساند که مراد آقایان نیست.

**منتظری** — اصل تفصیلی است.

**سبحانی** — نه آقا با تمامیت سازگار نیست.

**دکتر ضیائی** — یک نقشه هوائی در هرکشوری وجود دارد که حتی سانتیمترش هم مشخص شده‌است منتها ازنظرمصداق که آیا این حد است یا آن حد است، احتیاج به کارشناسانی از دو طرف دارد که تطبیق بکنند با آن نقشه هوائی، تعیین حدود از ضروریات اصلاحات‌است،

بدون تعیین حدود اصلاحات جزئی معنی ندارد. (تهرانی — ضرر ندارد بگذاریم.)

**دکتر قائمی** — در اصلاحات حد جدیدی معین میشود ولی تعیین حدود...

**نایب رئیس** — این دیگر احتیاجی نیست این اصل موهم است، اگر این اصل باشد برای یک معنی دیگر هم ابهام به وجود می‌آورد، ولی اگر نباشد الزاماً فهمیده میشود. (رحمانی — گاهی مثل چرم گاو حسن صباح میشود.) آقای حیدری بفرمائید. (حیدری — با این تعبیرات مخالفم و صبح هم مطالبی عرض کردم.) خانم گرجی بفرمائید. (خانم گرجی — این جزئی بودن را چه کسی میتواند تشخیص بدهد.) خود آن سه چهارم نمایندگان مجلس تشخیص میدهند. (خانم گرجی — تشخیص جزئی بودن را چه کسی میدهد.) آن را هم آنها تشخیص میدهند یعنی اگر مفهومی است... (پرورش — اگر مرجعی باشد دیگر اشکالی نیست.) آقای عضدی بفرمائید. (عضدی — موافقم.) آقای فوزی بفرمائید. (فوزی — اصلاحات با تعیین حدود چه فرقی دارد؟) گفتیم که تعیین حدود نمی‌خواهد، اصلاحات جزئی کافی است آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — من با این کلمه «جزئی» مخالفم چون در خود معنی اصلاح جزئی بودن و مضر نبودن نهفته است و با توجه به‌اینکه اضافه شده «که به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند».

**نایب رئیس** — اینکه مخالف آن نیست، لااقل آن را روشن میکند.

**موسوی جزایری** — مستهجن است، اصلاح یعنی خوب کردن و این منافات دارد با اصلاح.

**نایب رئیس** — انشاءالله امیدوارم به خاطر اینکه دیگران مستهجن نمی‌دانند، شما رأی ممتنع یا کبود ندهید. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — موافقم و باید هر دو جمله باشد، هم جزئی و هم استقلال و تمامیت.

**نایب‌رئیس** — «استقلال و تمامیت» که هست، «تعیین حدود» قرارشد نباشد. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — اگر مستلزم جدا شدن چیزی باشد چون از آن سوء استفاده میشود و خیلی خطرناک است، باید حتماً به آراء عمومی گذاشته شود.

**نایب رئیس** — خوب معلوم است که مستلزم جدا شدن نیست، اصلاحات جزئی است. (منتظری — قید «تمامیت ارضی» دارد.)

**گلزاده غفوری** — اصلاحات جزئی در تفسیری که بعدها میشود ممکن است مورد سوء استفاده واقع شود.

**نایب رئیس** — نوشته «به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند»، پس معلوم‌میشود که شما مخالفید. (گلزاده غفوری — بلی مخالفم.) آقای هاشمی‌نژاد به عنوان مخالف صحبت میکنند و آقای عضدی به عنوان موافق، آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — مسأله مرزها مسأله‌ای است که افراد ملت ایران نسبت به آن حساسیت زیادی دارند و باید هم چنین باشد. شبیه این اصل را در پیش‌نویس قانون اساسی هم‌داشتیم و در جلسات بحث آزادی که من در شهرستانها قبل ازانتخابات مجلس خبرگان داشتم میدیدم که مردم به جهتی که گفتم با همین صورت حساسیت عجیبی نشان میدادند و به‌خصوص با

توجه به اینکه کلمه «به استقلال مملکت و تمامیت ارضی لطمه نزند» چیزهائی بوده که در گذشته هم داشتیم و دیدیم که رژیم سوءاستفاده کرد و در مصالحه با عراق دهها کیلومتر از قسمتهای حساس مملکت را در اختیار آنها قرار داد و یک معامله سیاسی کرد پس استقلال و تمامیت ارضی نمی‌تواند کافی باشد حتی مسأله کلمه جزئی و تغییرات جزئی هم کافی نیست چون تشخیص اینکه جزئی چه چیز است و چه چیز نیست خودش مسأله‌ای است.

چون معلوم نیست و میتوانند از آن علیه مملکت استفاده کنند ولو پای مجلس درکار باشد چیزی که من پیشنهاد کردم این است که اصل به این صورت نوشته شود که «هرگونه تغییر در مرزهای کشور ممنوع است». این اصل اولیه است، و البته در مواقعی است تغییرات جزئی و مطابق با مصالح کشور باشد و موجب از دست دادن یک طرفهٔ هیچ قسمتی از خاک کشور نباشد. این یک طرفه به خاطر این است که‌گاهی ممکن است در رابطه برای اصلاحات مرزی با یک کشور مصلحت‌باشد که‌ما یک تپه‌ای را که متناسب با وضع آنها است به آنها بدهیم و یک تپه‌ای را در مقابل بگیریم، این است که مسأله قید یک طرفه مطرح شد، که موجب از دست دادن یک طرفه قسمتی از خاک کشور نباشد آن هم تازه به شرط اینکه سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی تصویب کنند در آن صورت اصلاح‌پذیر است پس اول ممنوعیت است و بعد اصلاحات جزئی است و تازه اصلاحات جزئی یک طرفه نمی‌تواند باشد باید به تصویب سه چهارم اعضاء مجلس شورای ملی هم برسد.

**نایب رئیس** — پس کافی است بنویسند در صورتی که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند.

**هاشمی‌نژاد** — پیشنهاد میکنم حداقل سطر اول را اضافه بفرمائید که «هرگونه تغییر در مرزهای کشور ممنوع است» این عکس‌العمل دارد و من برخورد کرده‌ام و به من‌سفارش کرده‌اند...

**رحمانی** — اصلا لازم نیست، حذف کنند.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی حالا موافق می‌آید و صحبت میکند ولی جنابعالی که میفرمائید حذف کنند، اگر حذف کنند معنایش این است که بعداً با یک قانون عادی و با اکثریت عادی میتوانند این تغییرات را بدهند چون وقتی اصلی نیست یعنی دست قوهٔ مقننه و مجریه باز است این است که حذف این اصل‌ها کاری صورت نمی‌دهد بلکه بودن این اصلها برای محکم کردن است ، اگر هم بخواهند بنویسند هرگونه تغییر ممنوع است بعد در یک جائی یک اصلاح جزئی پیش می‌آید که به سود مملکت هست ، بنابراین باید راهی باشد و این بیان آقای هاشمی‌نژاد خوب است که یک طرفه نباشد و بنویسند «اصلاحات جزئی خطوط مرزی در صورتی که یک طرفه نباشد». آقای عضدی به عنوان موافق صحبت میکنند.

**طاهری اصفهانی** — کلمه «یک طرفه» نباشد، اشکال را رفع نمی کند، اگر مسأله‌به همین بیانی که فرمودند اشکال دارد ولو دو طرفه هم بگذارید، ممکن است مواجه با اشکال بشوید میدهند و میگیرند اما چه میدهند و چه میگیرند؟ (نایب رئیس — پیشنهاد شما چیست؟) پیشنهاد این است که باید تغییر خطوط را به آراء عمومی بگذارید.

**نایب رئیس** — یعنی اگر یک اصلاح جزئی میخواهند بکنند یک مقدمات...

**طاهری اصفهانی** — آقا مسأله مرز است، خطوط مرزی است، استقلال و تمامیت ارضی

مطرح است. (سبحانی — تعلیق به محال است.)

**نایب رئیس** — آقای حیدری بفرمائید.

**حیدری** — ضرری که به استان ایلام رسید به واسطه همین اصلی است که قبلا بوده واز آن سوء استفاده کردند برای اصلاحات مرزی... اگر اجازه میفرمائید جریان را عرض کنم. (هاشمی‌نژاد — مطلب جالبی دارند.)

**نایب رئیس** — بفرمائید آقای حیدری. (ربانی املشی — آنهائی که مخالفند باید راه نشان بدهند.) میگویند یک راه حل، همه پرسی است.

**حیدری** — در چهار سال قبل رژیم طاغوتی به عنوان اصلاح با دولت همسایه عراق که وسائل اصلاحشان در الجزایر فراهم شد، به عنوان اصلاحات مرزی ولی در واقع به عنوان رشوه در قبال آشتی با دولت عراق با یک نفر نماینده از طرف دولتی که واسطه بود و چند نفر افسر از طرف دولت عراق و چند نفر از افسران رژیم طاغوتی سرسپرده آمدند آنجا (وقتی بود که کسی نمی‌توانست نفس بکشد) و در مناطق مرزی که در حدود سیصد کیلومتر طول دارد (البته‌شنیدم در مناطق دیگر هم که جزء ایلام نیست مثل اهواز و کرمانشاه، قصرشیرین و غیره هم این طور بوده است.) و عرض آن در بعضی جاها در حدود پانزده کیلومتر و در بعضی جاها تاچهل کیلومتر میرسد اراضی و مراتع دامدارها و کوهستانهای استراتژیکی جنگی را که‌خیلی لازم و وضروری وحیاتی است برای کشور، به‌عنوان‌وجه‌المصالحه‌قبول کردند وآنجاها را نقشه‌برداری کردند و علامت مرزی گذاشتند و پاسگاههای مرزی گذاشتند و تازه پاسگاههای مرزی قبلی که حدود چهل سال قبل معین شده بود در آنموقع هم مقداری از خاک ایران را جزو خاک عراق برده بودند و این به واسطه این بود که بعد از جنگ بین‌الملل اول که دولت بریتانیا تسلط بر این ممالک اسلامی داشت هر طوری دلش میخواست به منفعت سیاست خودش عمل میکرد و اراضی یک کشور را به ممالک کشورهای دیگر میداد و همچنین در این مناطق که فعلا جزو خاک عراق است آثار ششصد سال قبل را داریم و ثابت هم میکنم و آثار زیرزمینی هم موجود است ولی آنها بعد از جنگ بین‌المللی اول درزمان رضای خبیث این را تحویل‌دولت عراق دادند (یعنی تحویل دولت بریتانیا دادند) گذشته از آن اقدام اخیر هم باعث شد که مراتع تقریباً بیست، بیست و پنجهزارخانواده دامدارآنجا مصالحه شود وچنانچه این قسمت به دست دولت عراق بیفتد دامدارها از بین میروند لهذا تا حالا مردم خودشان نگذاشته‌اند و نمی‌گذارند ولو اینکه همه زن و بچه و مردشان را از دست بدهند و مناطق مرزی را کاملا محافظت کرده‌اند و میکنند و خواهند کرد. (نایب رئیس — آفرین) از اینطور اصول، اینطور سوءاستفاده میبرند و بنده که نماینده آن استان هستم و تقریباً نیم میلیون جمعیت هستند سفارشی که به من کردند راجع به همین مسأله بوده که بیایند و این آثار طاغوتی را از بین ببرند و دولت اقدامی بکند و اگر نکرد ما خودمان میکنیم همینطوری که سالهای سال مرز را نگهداری کرده‌اند بازهم میکنند (مگر آن وقتی که زور طاغوت بوده) و حالا که حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی شده و مردم هم پیرو امام هستند و انشاءالله این جمهوری اسلامی روز به‌روز پیشرفت بکند و در تمام ممالک اسلامی ید واحد بشوند و اتحاد پیدا بکنند و این مرزها از بین برود که آنوقت دیگر مسأله مرز مطرح نیست ولی مادامی که مرزی باشد به هیچ عنوان راضی نیستم نه به این اصل و نه غیر از این ولو اینکه تصویب هم بشود ولو تمام‌وکلا

رأی بدهند، یک متر و یک وجب ازخاک ایران درآن مناطق را ما نمی‌گذاریم به‌دست‌ممالک دیگری بیفتد ولو به عنوان اصلاح باشد. (نمایندگان — احسنت، احسنت.) یک چاههای نفتی آنجا هست که اینها به خواهش و التماس پیرمردهای دامدار آمده‌اند و خواهش کرده‌اند که اقلا این علامت و این پاسگاهی که میخواهند عراق بگذارد در سر چاههای نفت نگذارد و پانصد متر، آنطرف‌تر برده‌اند و علامت گذاشته‌اند. یعنی چه، یعنی هروقت بخواهند، این چاههای نفت ایران را ببرند؟ همچنان که امروز به من تلفن کردند، فرمانده ژاندارمری امروز به من تلفن کرد، در منطقه مهران و سوسیان و دهلران که چاه نفت دارد، در آنطرف مرزعراق که‌نزدیک اینجا است دارند چاه میکنند ونفت را استخراج میکنند (البته قبلا هم چندتا چاه داشت) و همین چاههائی که در دره اینطرف (صالح‌آباد) هست، و هنوز ایران از آنها بهره‌برداری نکرده است، آن علامت را آورده است پانصدمتر، اینطرف و اینطور این رژیم طاغوتی با مردم و ملت و تمامیت ارضی مملکت خیانت کرده است. و یکی از این جنایات و شکایاتی که ما به دولت و به امام داریم این است که اگر این خبیث آمد، یکی از جنایاتی که کرده همین اقداماتی است که در این مرزها کرده است. با این وصف خواهش میکنم که این اصل نباشد و استدعا میکنم که یک اصلی بگذاریم که در تمام مناطق مرزی تجدید بشود یعنی درآنجاهائی که در زمان طاغوت به اسم اصلاحات مرزی به همسایه‌ها داده‌اند، تجدیدنظر بشود و معلوم شود چقدر خیانت کرده و چقدراز این مرزها را به همسایه‌ها داده که وجه‌المصالحه قرار دهد بین خودش و پدرش از یک طرف و همسایه‌ها از طرف دیگر...

**نایب رئیس** — هم مردم متعهد و حاضر و آگاه ما و هم نمایندگان عزیز بدانند که هیچ فردی حاضر نیست که یک وجب از خاک کشور از دست مردم ربوده بشود فعلا مسأله‌ای که هست اینست که آیا برای یک کشور اصولا ضرورت اصلاح مرز پیش می‌آید یا نمی‌آید، یک بحث اینکه میگوید اصلا ضرورت پیش نمی‌آید، یا پیشنهادی که آقای طاهری میکنند که میگویند، بگوئیم با همه پرسی ممکن باشد، که اینکار دشوار است و البته باز هم معنایش اینست که ضرورت پیش می‌آید یک وقت هم هست که میگوئیم اصلا ضرورت پیش نمی‌آید، آنوقت اینجا باید یک اصلی بگذاریم که هرگونه تغییر مرزی به‌طورکلی ممنوع است. اینکه هیچ اصلی نباشد معنی ندارد اگر اصلی نباشد، خیانت است یک اصل باید باشد، یا بگوید به‌طورکلی ممنوع است اگر احساس میکنید که هیچ تغییر مرزی هیچوقت ضرورت پیدانمی کند، یا اگر فکر میکنید اجمالا گاهی پیش می‌آید که ضرورت پیدا میکند (چون مخصوص ایران که نیست در دنیا این مسائل مرزی فراوان بوده و در روزنامه‌ها هم مسائلش را میخوانید) در اینصورت باید یک راهی را پیشنهاد کرد که این راه یا با تصویب سه چهارم نمایندگان است یا سه پنجم نمایندگان یا نود درصد نمایندگان است و یا همه پرسی است. اگر راه سومی هم به نظر میرسد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — پیشنهاد بنده را مطرح کنید که اصل برممنوعیت است و تغییرات جزئی..

**نایب رئیس** — نه آقا آن پیشنهاد حل نمی کند آقای طاهری میگویند که... (تهرانی— گاهی واقعاً ضرورت پیدا می‌شود که اگر اینکار نشود ایراد میشود.) آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. چیزهائی که من میخواستم بگویم آقای‌بهشتی‌به‌عنوان موافق توضیح دادند و همان مطالبی بود که من میخواستم به عرض برسانم و نکته‌ای را که

ضروری میدانم یادآوری بکنم همه میدانیم که از ویژگیهای روحانیت در طول تاریخ این بوده است که حافظ استقلال و وحدت بوده و از اینجهت بعضی از برادرها در بعضی از مسائل احساس می کنم که وسواس زیادی‌به‌خرج میدهند جناب‌آقای حیدری وجناب‌آقای هاشمی‌نژاد درواقع مخالف نبودند چیزی که آقای‌حیدری مطرح فرمودند یکی ازمیلیونها خیانت رژیم گذشته بود. عملکرد رژیم گذشته را نباید به حساب این اصل بگذاریم، همان رژیم بوده که یک‌صری الاصل را با یک تفسیری ایرانی‌الاصل کردند پس اگر یک رژیمی فاسد و خائن باشد هرکاری که بخواهد میکند آن مربوط به این اصل نیست آن مربوط به اینست که هم رژیم گذشته‌و هم آن کشور که اسم بردید، هر دو تحت سیطرهٔ یک ابر قدرت خائن بودند این دلیل بد بودن‌این اصل نیست، ایشان میخواهند محکم کاری بکنند و هیچکس هم مخالف نیست و این ذکرشده که به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و استقلال هم یعنی استقلال همه‌جانبه،یعنی استقلال سیاسی، اقتصادی و غیره تازه مقید به تأیید سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی شده و نمایندگان مجلس شورای ملی امیدواریم در جمهوری اسلامی مثل رژیم گذشته نباشند و حتماً هم همینطور خواهد بود و آنها نمایندگانی خواهند بود که مثل همین نمایندگان‌آزادانه انتخاب خواهند شد و نمایندگان مردم خواهند بود و حافظ منافع مردم، ما که نگفتیم همینجوری قوهٔ مجریه سرخود عمل بکند و تمامیت ارضی را که گفتیم، یعنی یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع در نظر است خیال نکنید همانطوری که یکی از آقایان صبح مطرح کردند، مثلا یک جائی که یک چاه نفت هست بدهند و بگویند این ده متر و یک جای دیگر به جای آن بگیرند. ابداً چنین چیزی نیست چون به استقلال اقتصادی ما لطمه وارد میشود و گاهی اوقات ضرورتها ایجاب میکند که ما با همسایگان مرزها را اصلاح بکنیم و عرض دیگری ندارم.

**صدوقی** — به این فرم نوشته شود که «اصلاحات مرزی و تعیین حدود در صورتی که به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند، با تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی امکان‌پذیر است».

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید بنویسیم «اصلاحات جزئی خطوط مرزی در صورتی که مصلحت کشور ایجاب کند و یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند با تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس یا همه پرسی». یعنی این را قدری مشکلش کنیم آقای دکتر ضیائی این برای اینست که ما حد نصاب را میبریم بالا در آنطرف راه همه‌پرسی را باز بگذاریم.

**دکتر ضیائی** — تغییر خطوط مرزی ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — میخواهید لفظ بگذاریم . (هاشمی‌نژاد — همان قیدها را بگذارید.) ملاحظه بفرمائید اگر بنویسیم «هرگونه تغییر ممنوع است مگر...» به مراتب از این سست‌تر است.

**خانم گرجی** — بعد از عبارت «تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس» باید نوشته شودبا ارائه و نقشه و ذکر جزئیات فقط از طریق رفراندوم عمومی امکان‌پذیر است.

**نایب رئیس** — یعنی تصویب مجلس‌را برداریم.(خانم گرجی— باید این کار رابکنیم.) خوب این پیشنهادی است یک پیشنهاد اینست که همه‌پرسی باشد و یکی اینکه مجلس بارأی

حد نصاب خیلی بالا این کار را بکند آقای بشارت بفرمائید.

**بشارت** — عرض کنم که بیشتر مردم همان منطقه مثل اینکه آقای حیدری نسبت به‌آن منطقه هم آگاهی‌شان بیشتر بود و هم علاقه‌شان اینست که به عقیده بنده از مردم آن منطقه که میخواهند اصلاحات مرزی بکنند باید همه‌پرسی کنند (سبحانی — کشور متعلق به همه است اینطور صحیح نیست).

**نایب رئیس** — کشور متعلق به همه است و همه باید اظهارنظر بکنند. آنطور که آقای هاشمی‌نژاد پیشنهاد کرده‌اند و با رعایت نکاتی که دوستان گفته‌اند اینطور میشود «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط آنکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به پیشنهاد بنده به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان برسد». (پرورش — قید کنید که مذاکرات مجلس علنی باشد.) همیشه علنی است. (سبحانی — این را قبلا تصویب کردیم که جلسات مجلس علنی است.) اگر دوستان موافقید این متن را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱/۶۵ (اصل هفتاد و هشتم)** — هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال وتمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان برسد.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجه رأی‌گیری، عده حاضر هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی ، موافق پنجاه و چهار رأی ، مخالف دو رأی ، ممتنع یک نفر بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ — طرح اصل ۱/۸۳

**نایب رئیس** — اصل ۱/۸۳ قرائت میشود:

«اصل ۱/۸۳ — تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است.»

**میرمرادزهی** — تفسیر قانون اساسی معمولا به عهده مجلس شورای ملی است چرا دراینجا به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است.

**نایب رئیس** — تفسیر قانون عادی به عهده مجلس شورای ملی است.

**بنی‌صدر** — یا با مجلس شورای ملی است یا با مجلس مؤسسان جدید است به‌عده‌ای حقوقدان کسی چنین اختیاری نمی‌دهد.

**نایب رئیس** — خیرآقا با دیوان قانون اساسی آن کشور است شما چرا کم لطفی میکنید؟

**بنی‌صدر** — در قانون اساسی سابق تفسیر قانون اساسی به عهده مجلس‌شورای ملی‌گذاشته شده.

**نایب رئیس** — خیر تفسیر قانون عادی است.

**خامنه‌ای** — قانون اساسی سابق به عهده مجلس شورای ملی گذاشته است.

**نایب رئیس** — آن مربوط به قانون عادی است نه قانون اساسی. بسیار خوب حالا اجازه بفرمائید ببینیم نظر آقایان چیست. آقای سبحانی (سبحانی — موافقم.) آقای حسینی هاشمی (حسینی هاشمی — موافقم.) آقای رحمانی (رحمانی — مخالف.) آقای نوربخش (دکتر نوربخش

تذکری دارم.) آقای یزدی (یزدی — موافق.) آقای بنی‌صدر (بنی‌صدر — مخالف.) آقای رشیدیان (رشیدیان — موافق.) آقای خزعلی (خزعلی— موافق.) آقای فوزی(فوزی — موافق.) اولین مخالف آقای مرادزهی هستند بفرمائید.

**میر مرادزهی** — به نام خدا. قبلا اصل ۶۰ را تصویب کردیم که به این ترتیب بود:

«شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است مفاد این اصل مانع از تغییری نیست که دادرسان در مقام تنفیذ حق از قوانین میکنند».

مسلماً اهمیت قوانین عادی بیشتر از قوانین اساسی نیست به این ترتیب که یک هیأت محدود چند نفری را نمی‌شود گفت که صلاحیتش از بقیه اعضای مجلس شورای‌ملی‌بیشتراست. اگراین اصل به‌این ترتیب اصلاح بشود که به‌وسیله مجلس شورای ملی قابل تفسیر است‌مسلماً چون این تفسیر خودش یک مصوبه است به نظر شورای نگهبان هم خواهد رسید و این‌مشکل را برطرف خواهد کرد. عرض دیگری ندارم.

**نایب رئیس** — آقای سبحانی به عنوان موافق بفرمائید.

**سبحانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ما عملا این اصل را در اصول دیگر تلویحاً تصویب کردیم. حالا اینجا تصریحاً است ولی در آنجا تلویحاً بود و به دلالت التزامیه است. شورای نگهبان مقامی است که تشخیص میدهد که آیا این مصوب مطابق قانون اساسی هست یامخالف قانون اساسی است. پس ما به شورای نگهبان این مقام و موقعیت را بخشیدیم که از محتوای قانون اساسی کاملا آگاه است. از اجمالش ، تفسیرش، اطلاقش، تقییدش و لذا مصوبات‌مجلس را تشخیص میدهد که آیا موافق قانون اساسی هست‌یا مخالف‌آن است‌اگر شورای نگهبان چنین مقامی را دارد پس این مقام شناسائی قانون اساسی را به او داده‌ایم. ما شورای نگهبان داریم‌و یکی از کارهای شورای نگهبان اینست که مصوبات مجلس شورای ملی را با قانون اساسی و قوانین اسلام تطبیق میکند پس شورای نگهبان این صلاحیت و اهلیت را دارد که قانون‌اساسی را دقیقاً میفهمد و مصوبات را تشخیص میدهد که موافق است یا مخالف پس این مقام تلویحاً به شورای نگهبان داده شده و چه بهتر در تفسیر اجمال قانون اساسی مرجع حق باشد این در درجه اول و دوم مناسبت حکم موضوع در قانون گذاری خودش مسأله‌ای است ما بایدببینیم این قانون را به دست چه افرادی بدهیم که آن را تفسیر کند. در میان شورای نگهبان فقهای متبحر وجود دارد که از نظر شناسائی قوانین اسلامی تبحر کامل دارند و در میان آنان حقوقدان هست که در شناسائی حقوق تبحر دارند و قانون اساسی ما در حقیقت تلفیقی است از دو مسأله یکی حقوق و یکی قوانین اسلامی و هر دو جنبه در اعضای شورای نگهبان موجود است و باید مرجع همین مقام باشد. و اما اینکه برادر عزیز فرمودند قوانین عادی اهمیتش در حدود قانون اساسی هست یا قانون اساسی اهمیتش بیش از قانون عادی نیست فکر میکنم به عکس باید باشد (نمایندگان — به عکس گفتند).

**نایب رئیس** — گفتند قانون اساسی مهمتر است وقتی که قانون عادی را مجلس شورای ملی که عالیترین مقام قانونگذاری است میتواند تفسیر کند. قانون اساسی را به طریق اولی میتواند تفسیر کند.

**سبحانی** — به طریق اولی که از آن استفاده نمی‌شود اگر اضعف را میتواند تفسیر کند دلیل نمی‌شود که اقوی را هم بتواند تفسیر کند یعنی اینجا جای مفهوم موافقه نیست. مفهوم

موافقه در صورتی است که اقوی را بتواند تفسیر کند آنوقت اضعف را هم میتواند تفسیر کند اما اگر اضعف را میتواند تفسیر کند دلیل بر این نمی‌شود که اقوی را هم بتواند تفسیر کند. علیهذا بهترین مرجع برای تفسیر قانون اساسی همین‌است و غیر از این نیست به علاوه‌نمایندگان مجلس شورای ملی را که آقایان پیشنهاد میکنند این کار را بکنند خوب آنها از همه طبقات خواهند بود و همه طبقات این خصوصیت در آنها نیست البته ممکن است خصوصیات دیگری در آنها باشد مثلا در مسائل عمران و آبادی و در مسائل سیاسی و در مسائل اقتصادی تبحر کامل داشته باشند اما قانون شناسی و فهم مفاد قانون در اکثریت آنها بعید است که باشد و اگر بنا باشد قانون را مجلس‌شورای‌ملی تفسیر کند باید اکثریت آنها بتوانند تفسیر کنند ووجود این شرایط در اکثریت نمایندگان مجلس‌شورای ملی ممکن است در هر دوره‌ای موجود نباشد.

**یزدی** — در هر صورت مسأله روشن است ولو در قانون اساسی دیگر هم نوشته شده باشد برای ما دلیل نیست.

**نایب رئیس** — موافق و مخالف صحبت کرده‌اند.

**هاشمی‌نژاد** — بنده یک تذکر دیگر دارم و آن اینکه آیا به عهده شورای نگهبان‌است یا به‌اتفاق آراء است یا به اکثریت آراء.

**نایب رئیس** — به اکثریت آراء است نه تنها در این مورد بلکه در هر مورد نوشتند به عهده یک مجلس است یعنی به اکثریت آراء است.

**دکتر شیبانی** — مجلس شورای ملی بر طبق چه ضابطه‌ای قانون وضع میکند مبنایش قانون اساسی است. اگر قانون اساسی را نفهمد که نمی‌تواند قانون وضع کند.

**نایب رئیس** — آقای دکتر شیبانی وقتی شما میگوئید مصوبات مجلس شورای ملی تا از نظرانطباق با قانون‌اساسی ازمجرای شورای‌نگهبان نگذرد قانونیت آن تام نیست معنایش این است که شما صلاحیت تام تشخیص انطباق یک قانون اساسی را به عهده مجلس نگذاشته‌اید.

**دکتر شیبانی** — خیلی خوب حالا هم نمی‌گذاریم حالا هم که شورای نگهبان باید نظر بدهد.

**نایب رئیس** — پس این استدلالی که فرمودید تمام نیست. ما نگفتیم قانون اساسی را نمی‌فهمند یک فرد عادی هم میفهمد فقط ما میگوئیم تشخیصش معیار نیست میگوئیم از نظر خصوص انطباق با قانون اساسی از نظر تشخیص مصالح ملت از نظر تشخیص ابتدائی که آیا منطبق با قانون‌اساسی هست یا نه بلی، ولی بخصوص میگوئید رأیش از نظر خاص تطبیق با قانون اساسی تمامیت ندارد، معنای تصویب شورای نگهبان اینست. آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — تصویب قانون اساسی به عهده همین خبرگانی است که قانون را وضع کرده‌اند. (نایب رئیس — یعنی همین خبرگان یا خبرگان دیگر.) اجازه بفرمائید. مگر آنکه اجتماع دو سوم نمایندگان مزبور ممکن نباشد که در آن صورت به عهده شورای نگهبان است.

**نایب رئیس** — بعد از آن ملعون فراری که برای آینده‌اش فکری... اگر اجازه میفرمائید به رأی بگذاریم اصل ۸۳/۱ را برای رأی‌گیری میخوانم:

اصل ۸۳/۱ — تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل

پنجاه و هشت رأی ، یک رأی خارج شده ، موافق چهل و هفت رأی، مخالف پنج رأی، ممتنع پنج رأی ، تصویب نشد.

**یزدی** — فلسفه شورای نگهبان جز این نمی‌تواند باشد.

**سبحانی** — اگر کسی به این اصل رأی ندهد شورای نگهبان را قبول ندارد.

**طاهری‌خرم‌آبادی**— من یک نکته را میخواهم عرض کنم، و آن اینکه درگفتار موافقین تذکر داده نشد. (نایب رئیس — آقای طاهری به هرحال این بحث دیگر زائد است.) اگر این اصل را تصویب نکنید در واقع اصل قبلی یعنی شورای نگهبان‌را نقض کرده‌اید . چرا ؟ برای اینکه اگر یک قانونی را شورای نگهبان تشخیص داد که مخالف قانون اساسی هست اگر ما مرجع را مجلس قرار دادیم و برگشت به‌مجلس و مجلس‌گفت خیر، موافق قانون اساسی هست این معنایش اینست که ما شورای نگهبان را به‌طور کلی از کار انداخته‌ایم و این نقض اصل قبلی است.

**نایب رئیس** — به هر حال برمیگردد به گروهها.

**تهرانی** — ما مدعی هستیم که درست رأی‌گیری نشده است مجدداً رأی بگیرید.

## ۸ — طرح و تصویب اصل ۸۷/۱ (اصل یکصد و یازدهم)

**نایب رئیس** — هیچ اصلی را در یک جلسه ما دوبار رأی نمی‌گیریم اصل ۸۷/۱قرائت میشود:

«اصل ۸۷/۱ — هرگاه رهبر یا یکی ازاعضاء شورای رهبری از انجام وظایف قانونی ناتوان یا فاقد یکی از شرایط شود از مقام خود برکنار خواهد شد تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل... است.

مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاسیه خبرگان تعیین میشود.»

**پرورش** — منظور از شرایط چیست؟

**نایب رئیس** — ببینید ما برای رهبر و هر یک از اعضای شورای رهبری صفاتی‌گذاشتیم ازجمله اجتهاد...

**سبحانی** — بنویسید یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم.

**نایب رئیس** — آقایان که فرمودید بحثی نیست. (یکی از نمایندگان — همین تذکرات جزئی است که اصل متن را خراب میکند چون صبح روی این اصل خیلی بحث شد.) پس اگر دوستان اجازه میفرمائید. رأی بگیریم. (بعضی نمایندگان — رأی بگیرید.) (سبحانی — این‌اصل باید تکمیل شود.) به جای جمله «... وظایف قانونی ناتوان یا فاقد یکی از شرایط شود».گذارده شود «... وظایف قانونی رهبری ناتوان شود» یعنی قید «رهبری» را بگذاریم. «هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان...» . (یزدی — «قانونی خود» بنویسید.) «قانونی خود» یعنی به عنوان مکلف یا رهبر؟ (یزدی — به عنوان رهبر.) (هاشمی‌نژاد — صفت رهبر مطرح است.) اگر «وظایف قانونی رهبری» بگذاریم خیلی خوب میشود. بنابراین با اجازه دوستان برای رأی‌گیری قرائت میکنم. (بعضی از نمایندگان — احتیاج به اصلاح دارد.) آقای سبحانی بفرمائید.

**سبحانی** — آخر این اصل باید به این صورت تکمیل شود (... این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۸۴ است». یکی دیگر اینکه اگر رهبر خود به خود و بدون تشکیل خبرگان تعیین پیدا کند. در آن موقع این اصل در حق او دیگر صادق نیست.

**نایب رئیس** — خبرگان باید تشکیل شود.

**سبحانی** — این خبرگان کسانی هستند که رهبر را روی کار آورده‌اند؟

**نایب رئیس** — مگر نگفتیم که خصلت خبرگان اینست. ما باید خبرگان مذکور در اصل ۸۴ را تشکیل بدهیم. آقای هاشمی‌نژاد. (هاشمی‌نژاد — تذکر من همین بود.) آقای فوزی بفرمائید. (فوزی — این خبرگان برای دفعه بعد هم باید تشکیل شود؟) اصولا اگر بخواهید این جامعه در این مسیری که درقانون اساسی تعیین کرده‌اید پیش برود. از اولین اقدامات بعد از انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای ملی تعیین خبرگان است. برای اینکه شما نوشته‌اید جانشین رهبررا خبرگان باید معین کند و این باید قبلا تعیین شده باشد. آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — من سؤالم اینست که اینکه میگوئید «فاقدیکی از شرایط» تهمت زننده کیست؟ اگر هر روز یک نفر در روزنامه یا در مقاله‌ای نوشت که این رهبر فاقد شرایط رهبری است. ما باید فوری مجلس خبرگان را تشکیل بدهیم؟ یا میزان معینی باید داشته باشد.

**نایب رئیس** — ما نوشته‌ایم «مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاسیه خبرگان تعیین میشود». یعنی این را هم خبرگان باید تعیین کند که چه کسی حق دارد. چنین پیشنهادی را برای تشکیل مجلس خبرگان بکند. (منتظری — این مطلب را نمی‌فهماند.) چرا چون نوشته‌ایم «مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل...» که این را هم باید خود او بگوید. که به چه علت میتوان به این اصل عمل کرد آقای رحمانی بفرمائید.

**منتظری** — به نظر من این مشکل را حل نمی‌کند.

**رحمانی** — من قبول دارم و موافقم ولی به عهده همان خبرگان است که شورای رهبری را تعیین کرده‌اند.

**نایب رئیس** — ممکن است چهار نفر از آنها فوت کنند و افراد دیگری جای آنها انتخاب شود.

**رحمانی** — هر روز برای هر امری رفراندوم شود؟ مگر آنکه اجتماع دو سوم خبرگان ممکن نباشد.

**منتظری** — فرض کنید اعضای شورای رهبری پنج نفر بودند و یکی از آنها را متهم کردند که ناتوان است در اینصورت آن چهار نفر دیگر نمی‌توانند کار کنند؟

**نایب رئیس** — چرا. در این مورد که میتوانند کار کنند.

**منتظری** — پس باید یک حد نصاب معین شود و بگوئیم هر وقت از حد نصاب پائین‌تر شد.

**نایب رئیس** — این مورد مربوط به اینجا نیست بلکه مربوط به شورای رهبری است. ببینید میگوئیم این یک نفر میخواهد در جلسه شرکت کند شما به چه صورت جلویش را میگیرید؟

**منتظری** — پس یک مجلس خبرگان باید برای تشخیص کار او تشکیل بشود.

**نایب رئیس** — بلی، پس کار مجلس خبرگان چیست؟ (منتظری — پس ما باید هر روز مجلس خبرگان تشکیل بدهیم.) آقای بنی‌صدر بفرمائید.

**بنی‌صدر** — آنوقت که اسم نوشتم مطلب را نفهمیده بودم ولی آقایان مرا شیرفهم کردند ولی یکی از شرایط رهبری علم و اعلمیت است و بقیه جهات آن را مجلس هم میتواند بفهمد. مردم و قاضی هم میتوانند بفهمند. اینکه شما میخواهید مقررات ویژه‌ای وضع کنید. همان حساب و کتاب علیحده معین کردن است. بنابراین باید همان ضوابطی که برای دیگران هست برای این هم بگذارید.

**نایب رئیس** — آقای بنی‌صدر. خوشبختانه آن مورد احتیاجی به این اصل ندارد. دقت بفرمائید. اگر یک فردی ولو در مقام رهبری محاکمه شد (میدانید که گفته‌ایم هرکس خلاف کرد ولو در مقام رهبر باشد محاکمه میشود.)

**بنی‌صدر** — ممکن است بگویند این اصل با آن تعارض دارد.

**نایب رئیس**— خیر، ندارد. برای اینکه ما چیزهای خاص را میگوئیم احتیاج به‌تشخیص دارد والا اگر دادگاه یک کسی را برای عملی که مخل عدالت است محکوم کرد دیگراحتیاجی به تشخیص ندارد. (منتظری — اینکار برای هر اتهامی عملی نیست.) بنده میگویم آن مجلس باید شرایطش را بگوید. (منتظری — عملی نیست. شما فکرش را بکنید.) آقای ضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — عرض میکنم نوشته شود «... فاقد یکی از شرایط لازم...» یعنی پیشنهاد می‌کنم کلمه «لازم» اضافه شود.

**نایب رئیس** — آقای ضیائی نوشتیم « شرایط مذکور در اصل ۵ » یعنی شرایط را معین کردیم.

**دکتر ضیائی** — جواب آقای منتظری اینست که وقتی این امر به عهده خبرگان شد دیگر اشکال ایشان وارد نیست.

**منتظری** — همیشه که یک خبرگان موجود نداریم بلکه باید خبرگان را انتخاب کرد و هر روز باید اینکار را بکنیم.

**نایب رئیس** — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — «هرگاه صفات رهبر یا شورای رهبری...»

**نایب رئیس** — آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — این مسأله صبح هم صحبت شد و آقای طباطبائی هم مخصوصاً روی این مسأله تأکید داشتند و برای اینکه اشکال آقای منتظری پیش نیاید. شورای نگهبان رادر اینجا دخالت بدهید. یعنی شورای نگهبان تشخیص بدهد و خبرگان را برای اینکار جمع کند. مسأله دیگر اینست که در اینجا فقط تشخیص موضوع به عهده شورای نگهبان و یا مجلس خبرگان نوشته شده است. ولی کسی که حکم صادر میکند که او منفصل شود و یا چنانچه... (طاهری گرگانی — خود به خود منفصل است.)

**نایب رئیس** — من خیلی صریح عرض میکنم. اگر مربوط به عدالت باشد منوط به رأی دادگاه است چون ما هیچ مانعی برای محاکمه مرجع در اینجا ذکر نکردیم و مرجع هم مثل سایر افراد مردم است و به دادگاه میرود. ولی اگر چیزی مخل عدالت باشد که احتیاج به‌اثبات ندارد چون اثبات شده است. و در این بحثی نیست، ولی اگر منظور سایر شرایط است آن به‌عهده

خبرگانی است که قبلا گفته‌اند صلاحیت دارد و این خیلی روشن است.

**منتظری** — اگر این‌طور شود هرروز برای هر عذری باید مجلس خبرگان تشکیل شود.

**نایب رئیس** — آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — همانطورکه میدانید در اسلام هیچ حرکت و عملی نیست که بدون مسؤولیت باشد. قبلا هم صحبت کردیم و قرار شد که یک اصلی راجع به مسؤولیت رهبر نوشته شود. اگر صلاح میدانید بنویسیم رهبر و مقام رهبری در برابر امت مسؤول است. که جایش در همینجا است. (یکی از نمایندگان — بیان ایشان متین است اما ربطی به این اصل ندارد.)

**صدوقی** — چه اتفاقی خواهد افتاد که یک نفر رهبر شرایطش را از دست بدهد.

**نایب‌رئیس**— آقای صدوقی مخصوصاً جنابعالی میدانید که درتدبیرعملا این مورد پیش آمده و ضررش را هم داده‌ایم. (صدوقی — یک آقای مؤمنی بود و ...) بیش از یک مورداست. آقای منتظری بفرمائید. (منتظری — شورای نگهبان تشخیص بدهد.) من عرض میکنم به‌عهده خبرگان بگذارید که بیاید و بگوید چه کسانی حق دارند اقامه دعوی کنند و از چه طریق اقدام شود تا دوباره مجلس خبرگان تشکیل گردد. و این چه اصراری است که ما در اینجا بنشینیم و تکلیف مردم را الی‌یوم‌القیامه (حتی به آنهائی که حق میدهیم معین کنیم).

**منتظری** — نه من میگویم وقتی شورای نگهبان تشخیص داد که لازم است آنوقت خبرگان تشکیل شود.

**نایب رئیس** — این مطلب را خود آن خبرگان میگویند. آنها که از ما کمتر نیستند.

**منتظری** — الان که ما خبرگانی نداریم.

**نایب رئیس** — مگر ما نگفتیم آن مجلس خبرگان هرچه زودتر تشکیل شود. آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — شما میفرمائید اگر شرایطی که در اصل پنج برای رهبر قائل شدیم مختل شد رهبر ازکار برکنار خواهد شد، در فقه، عدالت، تقوا، تدبیر و شجاعت درست اما گفته بودیم اکثریت قریب به اتفاق او را شناخته و پذیرفته باشند مثلا به فرض هشتاد درصد از مردم او را پذیرفته باشند ولی اگر تبلیغاتی شد و این درصد به صدی پنجاه و پنج رسید آیا اویرکنار می‌شود. (نایب رئیس — خیر آقا این که شرط نیست.) چرا، این شرط را کرده‌اید.

**نایب رئیس** — این مطلب را در اصل ۸۶ نوشته‌ایم اصل ۸۷/۱ را برای رأی‌گیری قرائت میکنیم:

**اصل ۸۷/۱ (اصل یکصد و یازدهم)** — هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل ۸۶ گردد از مقام خود برکنار خواهد شد، تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۸۴ است.

مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاسیه خبرگان تعیین می‌شود. لطفاً رأی بگیرید.

(در این هنگام اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — عده حاضر در جلسه در هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، تعداد کل آراء پنجاه و شش رأی، موافق پنجاه و یک رأی، مخالف یک رأی، ممتنع چهار رأی. بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۹ — طرح اصل ۸۷/۲

**یزدی** — اصل ۸۷/۲ چون خیلی بحث دارد. متنی که راجع به آزادی مطبوعات تهیه شده و بحثش خیلی کمتر است و خیلی از آقایان هم آن را امضاء کرده‌اند مطرح بفرمایید. (بعضی از نمایندگان — اصل ۸۷/۲ را مطرح بفرمائید.)

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید اصل ۸۷/۲ را که علی‌القاعده بحثش کمتر است و لااقل یک جنبه دارد مطرح کنیم. بنابراین اصل ۸۷/۲ مطرح است که قرائت میشود.

«اصل ۸۷/۲ — رهبر و اعضای شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران باید تابع ایران و در ایران باشد.»

**سبحانی** — ساکن ایران باشند.

**نایب‌رئیس**— بلی. بجای«در» کلمه «ساکن» را می‌گذاریم. اگر رهبری راتبعید کنند چه میشود؟ (سبحانی — ساکن بنویسید.) بلی چون معمولا تبعیدی را نمی‌گویند که ساکن نیست بلکه میگویند ساکن ایران است ولی اجباراً در جای دیگر ساکن است. آقای طاهری گرگانی جنابعالی موافق هستید یا مخالف؟ (طاهری گرگانی — به‌نظر من فقط «ساکن ایران» کافی است.) آقای حسینی هاشمی ( حسین هاشمی — موافقم.) آقای صدوقی (صدوقی—مخالفم.) آقای ربانی شیرازی ( ربانی شیرازی — موافق هستم.) آقای حیدری (حیدری — مخالف هستم.) آقای حجتی کرمانی (حجتی کرمانی — مخالف هستم.) آقای منتظری (منتظری — مخالف هستم.) آقای صدوقی مخالف وحسینی هاشمی به‌عنوان موافق صحبت میفرمایندوبعد رأی‌گیری میکنیم آقای صدوقی بفرمائید.

**صدوقی** — اگر یک مرجعی مثل مرحوم آیت‌الله حکیم باشد که همه مردم قبولش دارند وایرانی نیست ودر نجف اشرف است او را ازرهبری برکنارمی کنید؟

**نایب‌رئیس** — یعنی میفرمائید به‌ایران بیاید یانیاید؟ (صدوقی — نیاید.) پس چطور میتواند امور سیاسی ایران را رهبری کند؟ (صدوقی— شورای رهبری را تعیین می کند ورهبری میکند.) خوب پس شورای رهبری در ایران می‌شود.

**صدوقی** — رهبر در خارج‌است وشورای رهبری را تأییدمیکند.

**نایب‌رئیس** — آقای صدوقی دقت کنید. ما ننوشته‌ایم مرجع تقلید باید ساکن ایران باشد. ما نوشته‌ایم رهبر و اعضای شورای رهبری باید در ایران باشند.

**صدوقی** — رهبر در خارج است وشورای رهبری در ایران.

**بنی‌صدر** — فقط «ساکن» نیست بلکه شماگفته‌اید تابع وساکن ایران باشد.

**نایب‌رئیس** — بسیار خوب. آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

**طاهری گرگانی** — من صبح در کمیسیون عرض کردم. تابع ایران بودن غیر ازاینست که انقلاب شما وامام این است را به‌چهارچوب ایران‌بندد کاردیگری انجام نمی‌دهد.

**نایب‌رئیس** — تاوقتی که رهبر جمهوری اسلامی ایران است.

**طاهری‌گرگانی** — تابعیت چه لزومی دارد. اگر در ایران است و ساکن ایران است و تمام جهات رهبری را دارد. همین‌قدرکه شناسنامه ایرانی ندارد اجتهاد وعدالت وتمام شرایطش از بین میرود.

**نایب‌رئیس** — البته اگر فقط ساکن ایران را بنویسیم شاید کافی باشد.(طاهری‌گرگانی— ساکن ایران کافی است.) به‌نظر من هم «تابع» لزومی ندارد . وساکن کافی است.

**پرورش** — ساکن که‌تابعیت‌نمی‌شود .آیا کسی بدون تابعیت میتواند مدت طولانی ساکن باشد ؟

**نایب‌رئیس** — آقای حسینی هاشمی‌بفرمائید.

**حسینی‌هاشمی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . با توجه به این نکته‌که شما یک برنامه‌ای برای کشور منظم میکنید. این تذکر را من از اینجامخصوصاً به‌ملت ایران می‌دهم،برای‌اینکه دراین باره صحبتهائی هم در خارج شده بود. چون قانون اساسی را برای چه‌مینویسیم؟ برای اینکه روابط سیاسی کشور براساس آن قرار بگیرد یعنی برنامه‌منظمی است برای تنظیم‌امور کشور حالا اگر تابعیت را ننویسیم، که در بعضی از نوشته‌ها اشکال شده بود معنایش اینست که آن رهبری که انتخاب می‌شود حق داشته باشد مجراهایی که در این قانون اساسی تعیین شده نپذیرد. آن رهبر اولا اگر اشکالی در این قانون اساسی دید طبیعتاً از مجرایش وارد میشود و مجلس خبرگان را تشکیل میدهد ودر اصول‌عادی قانون اساسی تجدیدنظر می‌کند وتغییرات لازم را در اضافه‌کردن یا کم‌کردن می‌دهد .

**طاهری‌گرگانی** — این درصورتی‌است که شما قید تابعیت‌ایران را بگذارید .

**حسینی‌هاشمی** — تابعیت ایران را در اینجاگذاشته‌اند.

**نایب‌رئیس** — آقای طاهری‌گرگانی مباحثه نکنید.

**حسینی‌هاشمی** — تابعیت ایران را در اینجاگذاشته‌اند. نوشته‌اند رهبر باید تابع ایران باشد یعنی باید تابع نظام سیاسی ایران باشدیعنی باید پذیرای‌این‌قانون باشد وهیچ‌وقت به‌هیچ یک از قانونهای اساسی راه و مجرا را متزلزل قرار نمی‌دهند، و بگویند شخص، فردی و یا مقامی حق دارد یک مرتبه نصف قانون اساسی را باطل‌کند. بنابراین مجرای تغییر قانون اساسی مشخص است یعنی اگرنقصی درقانون اساسی هست برطبق همین قانون مجلس خبرگان تشکیل می‌دهد.که این مقید ساختن مرجع نیست بلکه منظم ساختن‌کار است. (طاهری گرگانی— از چه جهت؟) از جهت اینکه تغییراتی‌که در قانون میخواهد انجام بگیرد از راه تشکیل مجلس خبرگان باشد.

**نایب‌رئیس** — این مطلب خیلی به آن ربط پیدا نمی‌کند.

**حسینی‌هاشمی** — اگر تابع نظام ایران نباشد تابع کجا باشد؟

**هاشمی‌نژاد** — این مشکل اجرائیش را برطرف می‌کند.

**نایب رئیس**— آقای حسینی هاشمی متشکرم بفرمائید.

**حسینی‌هاشمی** — بنده تذکر خودم را عرض‌کردم و لذا تبعیت در ایران و سکونت هر دو لازم است.

**نایب‌رئیس** — دوستان پیشنهادی دارند‌که منطقی است و آن این است‌که این اصل بیشتر مربوط به قدرت به ایفای رهبری است و قدرت بر ایفای رهبری مربوط به سکونتش است و حالا اگر به قول آقای پرورش سکونت برای مدت طولانی باشد خودبخود مستلزم‌گرفتن تابعیت است ما کاری به استلزام آن نداریم.

**حسینی هاشمی** — یعنی پذیرش قانون اساسی را نمی‌خواهد؟

**نایب‌رئیس** — اگر رهبری را قبول کند معنایش اینست و این غیر از تابعیت مصطلح است. بنابراین بنویسیم رهبر و اعضای شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران باید مقیم ایران باشند یعنی بجای «ساکن» بنویسیم «مقیم» . (یکی از نمایندگان—گاهی میشود که رهبر در خارج است ولی میتواند رهبری کند.)

**ربانی‌شیرازی** — تابع ایران یعنی چه؟

**نایب‌رئیس** — آقای ربانی شما که میدانید، تابعیت یک فرم حقوقی است یعنی باید تقاضای تابعیت بکند و به او اجازه بدهند و در حالی که ممکن است به یک نفر اجازهٔ اقامت دائم بدهند.

**ربانی‌شیرازی** — تابع حکومت باید باشد.

**نایب‌رئیس** — شما عنایت نفرمودید. میگویند میتوانند اجازهٔ اقامت دائم به او بدهند. و این کاری به رهبر ندارد. هرکس مقیم ایران باشد، باید تابع کلیه مقررات ایران باشد، اما تابعیت یک اصطلاح خاص است. آقای میرمراد زهی بفرمائید.

**میرمرادزهی** — تابعیت یک رابطه سیاسی بین یک شخص و یک حکومت است و دلیل ندارد رهبر یک کشوری تابعیت یک کشور دیگر را داشته باشد و هیچ وجه مشترک سیاسی و اقتصادی نداشته باشد و صرفاً یک وجه مشترک مذهبی داشته باشد، و چنانچه چنین رهبری از کشور دیگری بیاید ما در استان خودمان به او رأی نخواهیم داد و او را نمی‌پذیریم. چون دلیل ندارد که مردم ایران بیایند و یک مسلمان چینی را به عنوان رهبر انتخاب بکنند، آن‌وقت پذیرش و رأی مردم چه میشود زیرا ما الان داریم قانون اساسی ایران را در چهارچوب ایران و تمامیت ارضی ایران می‌نویسیم. اگر قرار است که این قانون اساسی را که‌می‌نویسیم در تمام کشورهای اسلامی به رفراندوم بگذاریم این کاملا درست است ولی اگر قرار است مردم ایران با همین خصوصیات و هویت ایرانیش بپذیرند، فکر نمی‌کنم این کار درست باشد.

**دکترضیائی** — آقای میرمراد زهی شما چرا ولایت ابوبکر و عمر را قبول کردید؟

**نایب‌رئیس** — آقای ضیائی این‌چه بحثی است شما میکنید این موضوع چه ربطی به این بحث دارد. بحث شما غیر علمی است.

**طاهری‌گرگانی**— شما توضیح بدهید که اگر رهبری بخواهد از تبعیت کشورش سوءاستفاده بکند از عدالت ساقط می‌شود؟

**نایب‌رئیس** — دوستان اصل را من با دست ، دو جور رأی میگیرم.

**حسینی‌هاشمی** — پذیرای نظام جمهوری اسلامی باشد.

**نایب‌رئیس** — این غیر از تابعیت مصطلح است و معلوم است کسی که میخواهد رهبر این مردم باشد کسی است که این قانون اساسی را قبول کرده است.

**حجتی‌کرمانی**— این برخلاف ضرورت فقه است و درست نیست.

**نایب‌رئیس** — ما این را به دو صورت با دست به رأی میگذاریم. یکی «رهبر واعضای شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران باید تابع ایران و ساکن ایران باشند» موافقین دست بلند کنند. (عدهٔ کمی دست بلند کردند) ملاحظه می‌کنید که این متن رأی نیاورد.

«دوم— رهبر واعضای شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران باید مقیم ایران باشند. موافقین با این عبارت دست بلند کنند.»

**رحمانی**— ایرانی باشد.

**نایب‌رئیس** — ایرانی موضوع ندارد. مقیم ایران باشند. (عدهٔ کمی دست بلند کردند.) این هم رأی نیاورد. بنابراین، این اصل اصلا نباشد.

**۱۰— پایان جلسه**

**نایب‌رئیس** — چون دیگر در دستور کاری نداریم جلسه را ختم میکنیم.

(جلسه ساعت هفده‌و چهل‌و پنج‌دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی— **دکتر سید محمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ شصت و سوم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۲ دقیقه روز ۱۹ آبانماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با نوزدهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

## فهرست مطالب:


۱ — بیانات قبل از دستور آقای محمد صدوقی. . . . . .
۲ — طرح و تصویب اصل ۸۷/۲ (اصل یکصد و دوازدهم). . . . . .
۳ — طرح و تصویب اصل ۸۳/۱ (اصل نود وهشتم). . . . . .
٤ — بیانات نایب رئیس راجع به رسیدن طوماری از طرف مردم کرمانشاه (باختران). . . . . .
٥ — طرح و تصویب اصل ۳۱ (اصل بیست و چهارم). . . . . .
٦ — طرح اصل ۷۳/۱ . . . . . .
۷ — طرح و تصویب اصل ۲۵/۲ (اصل بیست و یکم) . . . . . .
۸ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقای محمد صدوقی

**رئیس** — آقای صدوقی بفرمائید.

**صدوقی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، الحمدالله‌رب‌العالمین، الصلوة والسلام علی خیرخلق سیدنا و نبینا و مولانا ابوالقاسم محمد (ص)، آقایان شاهد بودید و هستید، بنده هیچگاه نمی‌خواستم وقت مجلس را بگیرم و مزاحمتی برای آقایان ایجاد کنم که کار مجلس تعلیق بیفتد، شاید مسئولیت هم داشته باشیم اگر بدون جهت خواسته باشیم که کار مجلس رابه‌تأخیر بیندازیم مردم در شهرستان‌ها و استانها در انتظار آقایان هستند که اگر آقایان در محلشان نباشند اوضاع محلی مختل است، روی حساب اینکه تلگرافات زیادی گاهی اوقات از استان خودمان که یزد باشد رسیده است و اظهار تشکر و قدردانی از برادران دانشجویان پیرو خط امام کرده‌اند و حمایت و همبستگی خود را تا آخرین مرحله و آخرین لحظه اعلام کرده‌اند. البته نمی‌توانم عرض بکنم، همانطوریکه این نهضت به رهبری امام و رسیدن به مقصد وپیروز شدن احدی احتمالش را هم نمی‌داد و شاید خوابش را هم نمی‌دید ولی به قوت الهی وبه‌یاری حضرت ولی‌عصر (عج) و رهبری داهیانهٔ حضرت امام و همراهی تمام اقشار ملت ازکوچک و بزرگ، منتها در هر استانی به رهبری روحانیتش به قدری این همبستگی و اتفاق کلمه عجیب بود که حتی اطفالی که پستانک در دهانشان بود وقتی شعار میدادند بچه‌های ده‌ساله ویکساله در بغل مادر و یادم نمی‌رود هنگامیکه امام در خیابان ایران تشریف داشتند اولین روزهای ورودشان که صبح ها مردها و عصرها زنها می‌آمدند برای اظهار علاقه وارادت در این هنگام طفلی در بغل خانمی بود و همانطوریکه دیگران می‌گفتند مرگ برشاه، این بچهٔ یکساله هم می‌گفت مرگ برشاه، اتفاق عجیبی بود و اتحاد کلمه‌ای بود که در دنیا سابقه نداشت و تمام اقلیت‌ها هم شرکت کردند و در یزد خودمان به خاطر دارم که همه اقلیت‌ها هم درراهپیمائی شرکت کردند و تلگرافها کردند و اعلامیه‌ها دادند تا بحمدالله این نهضت به ثمر رسید ونتیجه گرفتیم و همانطور که آن معنی در خاطر احدی نبود و احتمال همچون پیروزی را نمی‌دادجنبش و حرکتی هم که این برادران دانشجوی پیرو خط امام کردند این هم عملی بود معجزه‌آسا و در خیال احدی نبود و کسی فکرش را نمیکرد که یک همچون نهضتی بشود و همچون بیداری و هوشیاری در دانشجویان به وجود بیاید که بروند آن لانهٔ فساد را بگیرند که بعداز این هم اسمش را باید گذاشت لانهٔ جاسوسی همانطور که الان مردم اسم آنجا را لانهٔ جاسوسی میگویند، خیلی فکر بکری بود، وقتی جناب آقای دکتر بهشتی آن روزعصراینجا اعلام کردکه برادران دانشجوی ما، لانهٔ جاسوسی را تصرف کردند یک امر عجیبی به نظر خود بنده رسید و نمی‌دانم آیا در نظر سایر دوستان هم بود یا نبود به هر حال یک امری بود که احتمالش را نمیشد داد ولی عمل شد و چه خوب هم عمل شد و بعداً هم معلوم شد که چه خرابی‌ها وچه

فسادهائی که زیر سر آنها بوده است شب گذشته لابد آقایان از تلویزیون مقدارکمی از دستگاههای عجیب و غریبی راکه در لانهٔ جاسوسی بود دیدند آنها می‌توانستند از همهٔ دنیا از آن گوشهٔ ایران اطلاع داشته باشند و هر خرابی را که بخواهند برایشان آسان بود به وجود بیاورند اگر تصرف نشده بود ممکن بود یک خرابی‌هائی برای این انقلاب پیدا بشود و یک دشمنی‌هائی و ضدانقلابهائی از اینها بروز میکرد که قابل جبران نبود، مطلبی که برای همین آقایان دانشجویان بعد ازعرض تشکر و تقدیر زیاد، میخواستم بگویم این است که هیچگونه بیمی و هراسی نباید به خود راه بدهند آقایانی که لانهٔ جاسوسی را تصرف کرده‌اند و در آنجا مستقر هستند و چه خوب هم دارند عمل می‌کنند، چرا، برای اینکه آنوقتیکه تمام قدرت در دست محمدرضا و اتباعش بود، ازهاریها بودند، اویسی‌ها بودند و نتایجش این بود که رحم و عاطفه نداشتند و بوی انسانیت به مشامشان نرسیده بود و چیزی که در وجود اینها نبودرحم و عاطفه و انسانیت بود، و دیدید که چه کردند و چه میکردند، در همین میدان شهدا حداقل چهار هزار جوان را کشتند و همینطوریکه امشی می‌زنند، پشه و مگس را نابود می‌کنند جوانهای ما را به رگبار مسلسل بستند و حداقل چهار هزار نفر شهید کردند و کشتند، کمتر شهری بود که مردم آن شهر آرام باشد، در شیراز در مسجد نو چه شد، در کرمان در مسجد جامع چه عملی‌انجام گرفت، در آستان قدس رضوی در حرم مطهر چه جنایت‌ها و چه فجایعی را که مرتکب نشدند، پس همچو قدرتی که رحم وعاطفه نداشته باشد، ابرقدرتهای دنیا هم پشتیبانشان باشند که از قبیل کارتر و انگلستان و شوروی و چین و سایر دولتهائی که درکفر بسر میبرند و به مصداق «ان‌الکفر ملت واحده» همه و همه پشتیبان این ظالم و جابر ایران بودند، خدا خواست که ملت با نداشتن هیچ سلاحی و هیچ وسیله‌ای تنها اتکائش به خدا و مبداء بود و با گفتن لااله‌الاالله و با گفتن الله‌اکبر و با توجه به مبداء اعلی و پشتیبانی ائمه طاهرین (ع) پیروز شود و این کشوریکی از امتیازاتی که با سایر کشورهای اسلامی دارد این است که الحمدلله دست ولایت ائمه طاهرین هم همیشه پشت سرما بوده و هست و یکی از بزرگترین رموز موفقیت هم همین بود که چون ما مثل خاندان رسالتی را پشت سر داشتیم‌و حامی ما و عضدما بودند و ما راکمک میکردند و عنایاتشان شامل حال ما بود و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه عنایت دربارهٔ ما داشت، خیلی زود این نهضت ما به ثمر رسید و این انقلاب به نتیجه واصل شد، حالا که بنا باشد او در آندوره و زمان با آنهمه قدرت و با آنهمه قوت و با بودن آنهمه پشتیبان و با داشتن همه چیز و ما هم هیچ چیز نداشتیم عنایت الهی ما را موفق داشت تا پیروز شدیم و برهمهٔ ابرقدرتهای جهان غالب شدیم و همه را خرد کردیم وشکستیم و به زانو در آوردیم، بنابراین حالا شما از یک دولت آمریکائی که در گوشه‌ای نشسته وشاید هم نوع دولتها با او نظر مساعد نداشته باشند نترسید آیا شما از همچون امریکائی میترسید و بیم دارید؟ خدا همان خداست، ائمه اطهار همان ائمهٔ اطهارند، همان عنایاتی راکه سابق داشتند اولیاء دین، حالا هم آن عنایت را دارند، رهبری‌هائی که این مرد بزرگ در آن‌دوره داشته حالا هم برقرار است و چه رهبریهائی که از این مرد بزرگوار بروز می‌کند امیدواریم که عنایات‌الهی وتوجهات حضرت ولی‌عصر وحمایت وراهنمائی‌های داهیانه امام، ان‌شاءالله این دانشجویان به مقصد برسند و شاه مخلوع جانی را در اینجا به محاکمه بکشیم و دیگر احتیاجی نیست بگوئیم شاه جابر، و ظالم و فاسد... همینقدر که میگوئیم شاه مخلوع کافی است و همه

چیز را در بردارد، ذکر این اوصاف دیگر اضافی است، ان‌شاءالله به همت برادران دانشجو و پشتیبانی همهٔ ملت که وقتی نگاه میکنیم می‌بینیم که در گوشه و کنار مملکت جائی نیست که پشتیبانی از این دانشجویان نشود و همه تا آخرین مرحله حمایت خودشان را اظهار داشته و میدارند و امیدواریم که قریباً به نتیجه برسیم ضمناً حالا که اوضاع یک کمی عوض شده و بعد از آنکه جناب آقای بازرگان که مردی بود به تمام معنی شایسته و مورد علاقه همه به اختیار خودشان کنار رفتند و شورای انقلاب مصدر امر شده و کارها را در دست گرفته است امیدواریم همانطور که اسمش شورای انقلاب است عملش هم عمل انقلابی باشد، هرچه زودتر کارهائی که باید بشود انجام بدهند ، که یکی از آنها تصفیه و پاکسازی کردن ادارات است. من نمی‌خواهم اینجا بعضی از عرایض را بکنم ولی آنچه که اطلاع دارم در بعضی ازوزارتخانه‌ها الان کسانی مصدرامرهستند که اینها صددرصد ساواکی و ضد اسلام و دین بوده‌اند وخودشان هم گفته بودند و یکی از محترمین اهل علم هم گفت که‌دوسال قبل راجع به یک موضوعی که من اقدام کرده بودم، عصر بود و در مسجد نشسته بودم دیدم یک غول‌پیکری وارد شد و گفت شما فلانی هستید؟ ما ترسیدیم و گفتیم آقا رفتند مشهد و اینجا تشریف ندارند. گفت‌قراینی که گفته‌اند باید شما باشید، بدان که من ضد اسلام هستم، ضد روحانیت هستم، ضد دین هستم، من ساواکی هستم و پدر ترا درمی‌آورم این حرفها را زد و در این خلال چند نفری به مسجد وارد شدند و من کمی پشتم گرم شد و قوت گرفتم و توانستیم حرفهائی را بزنیم، آن شخص محترم گفت بعد از دو سه ماهی رفتیم توی یکی از این وزارتخانه‌ها گفتیم آقای مدیر تشریف بیاورند وقتی آقای مدیرکل آمدند دیدیم آقای مدیرکل همان بزرگواری هستند که آن روز به مسجد تشریف آوردند و این حرفها را زدند، خدا شاهد است اگر از اول کمی هشیاری و بیداری از خود نشان داده بودند قضیهٔ کردستان اتفاق نمی‌افتاد آن استاندار شناخته شده‌به نام یونسی را وقتی بفرستند به کردستان و چهارماه تمام هر فعالیتی که از دستش برمی‌آید بکند و همهٔ پولی را در اختیارش بگذارند و آنهم در اختیار این چپ‌گراها بگذارد این نامردریشهٔ‌فساد را در مدت چهار پنج ماهی که در کردستان بود ترویج کرد و دستی به‌پشت‌سر آن کمونیستهای آنجا زد و کم کم کارها را به اینجا کشاند که خیلی از برادران دینی و مذهبی ما در آنجا شهید شدند و از دار دنیا رفتند و هنوز هم غائله نخوابیده است در سایر استانها هم همینطور بود بروید سیستان و بلوچستان را ببینید که آن استانداری که داشتند آنجاچه کرد؟ رئیس ژاندارمری آنجا میدانید چه عملی انجام داد؟ شاید آقای حجتی از آن حدود اطلاعی داشته باشند وبدانند که در بلوچستان چه اعمالی زیر سر همین رئیس ژاندارمری آنجا و زیر سر دیگران بوده است و الحمدلله استاندار آنجا عوض شد و فعلا هم بدانند که اهل بلوچستان به‌قدری نیاز دارند که نمی‌شود بیان کرد از همان موقعی که آن سیل کذایی آمد آقای خامنه‌ای و جمعی از دوستان درایرانشهر تبعید بودند تقریباً صدی هشتاد ازمغازه‌ها و خانه‌ها خراب شد واز بین رفت ودولت در آن وقت هیچ قدمی برنداشت وهر کمکی که کرمان کرد یزد هم مرتب همینطور داشت کمک‌هایش را میکرد که آرد بفرستد و برنج بفرستد، پاسدار بفرستد و پول بفرستد و داشتند به این ترتیب مردم آنجا را خاموش میکردند و اگر این کمک‌ها از طرف ملت نشده بود بعد از آن که دولت وعده داد پول یک روز نفتش را برای آن حدود صرف کنند و آنطوریکه باید صرف بشود نشده معلوم نبود آنجا چه خبر میشد، چندی پیش دو مرتبه برای من تلگراف شده،

نامه آمده که هیچ چیز نداریم، در حدود هفتصد مزرعه در بلوچستان به وسیله همین مقنی‌هائی که از یزد به آنجا رفتند و پولشان را دولت داد آبیاری میشود و این کمک خوبی از طرف ما ها بود البته یک چیز مختصری بود و هرچه داده دولت داده، اگر ان‌شاءالله این قنوات همه‌اش به‌جریان بیفتد و این هفتصد آبادی معمور بشود بلوچستان یک صفحه خوبی خواهد شد که نمونه نخواهد داشت و ممکن است تنها بلوچستان جواب همهٔ ایران را از جهت احتیاجاتش بدهد ولی باید بیشتر توجه بشود و زودتر آنجا بذر ببرند حالا که انقلابی شدید و شورایتان، شورای انقلابی شد و شورای انقلاب در رأس قرار گرفته باید عنایاتش بیشتر شود و بیشتر به مردم کمک بکنند، و حالا نیاز شهرهای خودم را بگویم. استان یزد و شهریزد به‌قدری مردمش فعال و دنبال کار هستند که چندی پیش یکی از دوستان گفت وقتی خواستم حرکت بکنم از گاراژ یزد هرچه اینطرف و آنطرف را نگاه کردم ببینم که یک فقیری هست که مبلغ مختصری به عنوان تصدق بدهم پیدایش نکردم ، برای اینکه دنبال کار و زندگیشان هستند و زراعتشان برقرار است و کارهای دیگرشان هم برقرار است، چیزی که هست این است که یزد نیاز زیاد به آب دارد و تنها آب میخواهد و اگر آب یزد تأمین بشود من قول میدهم که همین یزدی که خشک است و هیچ چیزی هم ندارد تمام میوه‌های آن از جاهای دیگر تومانی شش ریال و هشت ریال ارزان‌تر است، یکی از دوستان گفت رفتم در دکانی زردآلو بگیرم یک مبلغی دادم دیدم خیلی به من زردآلو داد، گمان کردم اشتباه کرده گفتم آقا من یک قران دادم، دیدم یک مقدار دیگر هم ریخت رویش وقتی میگویند زردآلو در جاهای دیگر کیلوئی پانزده ریال و بیست ریال آنجا خیلی خیلی ارزان‌تر است.

**رئیس** — دوستان تعجب کرده‌اند این نرخهائی که شما میفرمائید مربوط به چه‌سنه‌ای است؟

**صدوقی** — الحمدلله مردم با نداشتن آب باز کار میکنند و کارشان هم خیلی خیلی منظم و مرتب است، یکی از همشهریان ما که زرتشتی و مرد خیلی وارد و مطلعی است و اسمش جمشید امانت است، مرد بسیار روشن و وارد و مطلع از نظر آب و زراعت است هفتهٔ گذشته که به تهران می‌آمدم پهلوی من نشسته بود گفت فلانی من جائی را پیدا کرده‌ام که اگر دولت مختصر عنایتی به آنجا بکند در حدود دو هزار قفیز آب من پشت دروازهٔ یزد به شما تحویل میدهم، دو هزار قفیز آب صد سنگ آب است اگر صد سنگ آب پشت دروازه یزد به ما تحویل داده بشود یزد برمیگردد به یک بهشت برین ، سئوال شد چقدر خرج دارد ؟ گفت اگر یک روز پول نفت را بگذارند در اختیار ما، دو هزار قفیز آب یزد را پشت دروازه به شما تحویل میدهیم، امیدواریم شورای انقلاب اینکار را بکند و اگر اجازه بدهید یک عرض دیگری هم بکنم حالا شاید بعضی‌ها خوششان بیاید و بعضی‌ها خوششان نیایدو آن این است که یکی از دوستان گفت وارد شدم در مجمعی دیدم جمعی نشسته‌اند و بحث دارند، گوش دادم ببینم بحثشان چیست دیدم بحثشان این است که آیا حسن و حسین بزرگتر هستند یا محمد حنفی ، وارد شدیم و نشستیم و دیدیم هر کسی حرفی می‌زد و رو به ما کردند و گفتند شما چی میگوئید گفتیم آقایان اولین عیال امیرالمؤمنین فاطمهٔ زهرا سلام‌الله‌علیها بوده، به طوری که عوام‌الناس میگویند بر حضرت امیر حرام بوده زن دیگر اختیار کردن و این احترام نسبت به صدیقهٔ طاهره بوده تا زمانیکه صدیقهٔ طاهره حیات داشتند امیرالمؤمنین داماد نشدند چطور شده که بحث

میکنید که حسن و حسین بزرگتر هستند یا محمد حنفی، یکی از آقایان فکری کرد و گفت اینها همه‌اش درست ولی از لفظ محمد حنفی می‌توانیم استنباط کنیم که بزرگتر است از حسن و حسین گفتیم دیگر بس است و ما حرفی نزدیم، حالا برخلاف استنباط آن مؤمن شما حساب بفرمائید ببینید که از اول پیدایش اسلام تا زمان محمدرضاخان و دو سه دورهٔ پیش از آنها، روز ورود رسول خدا در مکه که روز تاریخی است چه جمعیت‌هائی به سرپرستی اشخاصی وارد مکه شدند، جمعیت ششصد نفر تحت پرچم فلان، پانصد نفر تحت پرچم فلان، هزار نفر برتحت پرچم فلان، گویا پانزده، شانزده گروه بودند درآن روز ورود به‌مکه که روزتاریخی و روز باعظمت بود که حالا نمی‌خواهم تاریخ مکه و غزوات دوران خلفا را برایتان بگویم آیا به گوش یکی از شماها خورده که یکنفر زن در یکی از این غزوات شرکت کرده یا این شهرهائی که حاکم می‌فرستادند، استاندار می‌فرستادند یک نفر زن فرستاده باشند، یا یک سرلشکری را آیاشنیده‌اید که زن قرار بدهند و گفته باشند که برو فلان‌جا را سرپرستی کن و امیر سپاه باش؟ ما هرگز درتاریخ ندیده‌ایم، هیچ تاریخی نشان نمی‌دهد و اگر بگوید که قابلیت و صلاحیت برایشان نبوده این هم اشتباه است، زنهائی بودند در صدر اسلام در دوران خلفا و بعد، که اینها تمام صلاحیت‌ها را داشتند و اگر کسی بگوید یکی از اینها صلاحیتش از بعضی از این امرای لشگر و امرای سپاه آن دوره کمتر بوده گزاف گفته است، خوله خواهر ضرار همینطورکه ضرار در جنگها شهامت داشت و شجاعت داشت و به‌یک حمله دویست نفر راکشت دید یک نفر هم دوش به‌دوشش دارد میجنگد نگاه کرد دید خوله خواهرش میباشدهمانطورکه ضرار آن روز دویست نفر را به‌خاک انداخته‌بود خوله هم دویست نفر را به‌خاک انداخته‌بود، چه‌زنهای بزرگ و شجاع و از هر جهت کاملی، چه شد که نه در زمان رسول خدا و نه در دوران خلفا نه در دورهٔ عباسی و نه درهیچ دوره‌ای هیچوقت نشد که در هیچ جنگی و غزوه‌ای ببینیم زن را مأمورکرده باشند که تو فلان جا برو و فاتح باش و سرپرستی داشته باش و حاکم فلان‌جا بشو، آیا صدیقهٔ طاهره سلام‌الله‌علیها صلاحیت و شایستگی نداشتند، آیا در دوران حضرت امیر زینب کبری صلاحیت نداشتند؟ چه شد که اصلا نامی از زن در همه دوران اسلامی نبود برای اینکه اینها حاکم بشوند یا استاندار بشوند یا امیر سپاه بشوند، از طرفی حق ندارند قضاوت کنند، پیشوائی امام جماعت را، زن حق ندارد امام جماعت بشود و مرد پشت‌سرش اقتدابکند و همهٔ اینها از زن برداشته شده است یکی از رفقا میگفت که همانطورکه زن میتواندولی‌صغیرش بشود پس میتواند رئیس‌جمهور هم بشود حالا این چه حسابی است چون میتواند بچه را باز بکند و پاکش بکند و ازکثافت برکنارش بکند و پستان در دهانش بگذارد پس میتواند رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر بشود، من گمان نمیکنم که این قیاس قیاس صحیحی باشد شما را به‌خدا کار را بررهبردشوار نکنید، وبرای اوزحمت ایجاد نکنید وبه‌علاوه هنوز مردها کار ندارند و بیشترشان بیکار هستند حالا بیائید و فرمانداری به زن بدهید؟ چطور شده آقای محترم ازاولی که خشت دنیا را برپا گذاشتند این همه ساختمان و این همه قنات، این همه اختراعات‌تمامش به‌دست مرد بوده، دریزد ما قناتی است که یکصدوهفتادمتر طناب میخورد تا برسد به‌آب، تمام این قنوات که درحدودبیست‌وچهارهزارقنات در یزد وجود دارد آیا کلنگ کدامیک ازاین‌قنات‌ها را زن‌زده است کدامیک ازاین‌ساختمانها را زن درست کرده؟ حالاچطورشد که‌پشت میزنشستن را حق‌داشته باشدولی کارهای سنگین را حق نداشته باشند یعنی‌چه؟ اگر میخواهند دوش بدوش

ما کار کنند بیایند همراه ما بنائی کنند و همراه ما قنات درست کنند و همراه ما کارهای دیگری بکنند، چطور کارهای سنگین برای ماست ولی نشستن پشت میز از آن آنها باشد، حالا آمدید یکی از این زنهای شایستهٔ کامل را به مقام رئیس‌جمهوری یا نخست‌وزیری منصوبشان کردید، یک روز صبح میرویم و می‌بینیم که نخست‌وزیری تعطیل است چرا؟ برای اینکه دیشب خانم زایمان کردند اینها برای ما ننگ و عار است یعنی چه، شما را به‌خدا این را جزو قانون نیاورید و چون همهٔ‌تان اعتراضتان به من هست دیگر مطالبم را خاتمه میدهم همه را به خدامی‌سپارم والسلام علیکم ورحمت‌الله.

**پرورش** — مطالب جناب آقای صدوقی در مورد خواهران اگر چه یک بخشش درست‌بود ولی خیلی در آن موارد مورد تأیید همگان نیست به هر حال به اینصورت که اینجا صحبت کردند در مورد این خواهرانی که سهم بزرگی در انقلاب داشتند، صحیح نبود.

**رئیس** — آقای صدوقی که فرمایشاتی فرمودند از هیچکدام از آقایان تصدیق نخواستند که شما حرفشان را تصدیق بکنید یانه، ایشان مطالبی به نظرشان رسیده بود و فرمودند درعین حال ما همگی احترام به زنان قائل هستیم و اگر چنانچه گفته شد که در بعضی از مناصب زنها دخالت نکنند نه از باب این است که حقی از زن گرفته شود بلکه از جهت اینکه‌مسئولیت آن زیاد است و بار سنگین است و نمی‌خواهند که بار سنگین بردوش خانم‌ها گذاشته شود والا حرمت زنها محفوظ است و اصلا اگر زنها نبودند مردها نبودند.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۸۷/۲ (اصل یکصد و دوازدهم)

**رئیس** — اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم، اصل ۸۷/۲ مطرح است، این اصل در کمیسیون مشترک کاملا مورد بررسی قرار گرفته و آقایان مباحثات واشکالاتشان را هم کرده‌اندامیدواریم که زودتر تصویب بکنیم برای اینکه بیشتر از چند روز وقت نداریم و بایستی بررسی هم بکنیم بنابراین امیدوارم اشکالات کمتر بشود بنابراین اصل ۸۷/۲ را برای رأی‌گیری قرائت میکنم:

**اصل ۸۷/۲ (اصل یکصد و دوازدهم)** — رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابرقوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند.

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه ونه رأی، موافق پنجاه و هشت نفر، مخالف هیچ، ممتنع یک نفر، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۳ — طرح و تصویب اصل ۸۳/۱ (اصل نود و هشتم)

**رئیس** — اصل ۸۳/۱ مطرح است که قرائت می‌شود.

«اصل ۸۳/۱ تفسیر قانون اساسی به‌عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام میشود.»

**رئیس** — آقای دکتر غفوری پیشنهاد کرده‌اند که بنویسیم «با تأیید شورایعالی‌قضائی».

(رحمانی — نه آقا، نمی‌خواهد.)

**سبحانی** — اینکه اینجا نوشته‌اید با اصلی که قبلا تصویب کردید معارض است تشخیص اینکه قانون عادی با قانون اساسی کجا تعارض دارد، خودش یکنوع تفسیر قانون اساسی است و ما در اصل هشتاد برای تشخیص تعارض گفته‌ایم: «و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهدهٔ اکثریت همهٔ اعضای شورای نگهبان است» اکثریت را میزان گرفته‌ایم نه سه چهارم آنها را ، اصل هشتاد را یکبار دیگر می‌خوانم: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است (که به آن کاری نداریم) و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهدهٔ اکثریت همهٔ اعضای شورای نگهبان است».

**رئیس** — تفسیر یعنی اعتماد دارد ولی محتاج توضیح و شرح است.

**سبحانی** — تشخیص اینکه آیا معارض هست یا معارض نیست خودش تفسیر قانون اساسی نیست؟

**رئیس** — تفسیر نیست (سبحانی — چرا آقا، خودش تفسیر است) البته توجه دارید که به آن صورت مورد نظر شما یکبار مطرح شده و رد شده است حالا به این صورت پیشنهاد شده است.

**سبحانی**— آن دفعه اولا جمعیت ما کم بود ثانیاً در ریختن رأی، اشتباهی رخ داده بود و این الان درست نیست.

**رئیس** — راجع به متن فعلی در کمیسیون مشترک بحث زیادی شده است و اعضاء به آن رأی داده‌اند.

**یزدی** — تفسیر به عهدهٔ شورای نگهبان است.

**دکتر نوربخش** — مخالفم، به دلیل اینکه خود قانون اساسی را نمایندگان ملت نوشته‌اند. شورای نگهبان دوازده نفرند و هر دوازده نفر هم انتصابی هستند یعنی درحقیقت ازاین به بعداز نمایندگان ملت کسی حق تفسیر قانون اساسی را ندارد، این است که بنده پیشنهاد میکنم یا به‌عهدهٔ شورای نگهبان بگذارید که دوازده نفرهستند و مثلا دوازده نفر هم ازنمایندگان مجلس انتخاب بشوند که بیست و چهار نفری قانون اساسی را تفسیر کنند که هم در آن نظر رهبر ملحوظ شده باشد و هم نظر مردم یعنی نمایندگان ملت.

**رئیس** — مجلس شورای ملی مربوط به قوانین عادی است نه قانون اساسی.

**دکتر نوربخش** — به‌هرحال از بین دویست وهفتاد نفر نمایندگان مجلس شورای ملی میشود دوازده نفر را انتخاب کرد که با شورای نگهبان همکاری کنند.

**رئیس** — آقای فوزی نظر شما چیست؟

**فوزی** — من موافقم.

**رئیس** — آقای کیاوش شما چطور؟

**کیاوش** — یک جملهٔ اصلاحی میخواهم پیشنهاد کنم (رئیس — بفرمائید) این مسأله که آقای سبحانی فرمودند که تشخیص با تفسیر فرق دارد ولی با وجود این اگر امکان داشت یک‌طوری می‌نوشتیم که این روشن میشد خوب بود، چون چند روز پیش که به‌شهرستانها رفته بودیم ، مردم ایراد می‌گرفتند و پیشنهاد می‌کردند که در صورت بروز اختلاف در تشخیص قانون اساسی نظر شورای نگهبان سندیت دارد.

**رئیس** — اختلاف مطرح نیست، نظرمان تفسیر آن است.

**دکتر شیبانی** — آقا رأی بگیرید، بحث دیگر کافی است.

**رئیس** — آقایانیکه با پیشنهاد کفایت مذاکرات در این خصوص موافقند لطفاً دستشان را بلند کنند (اکثر دست خود را به عنوان موافق بلند کردند) تصویب شد. (سبحانی — یک اصلاحی در آن به عمل بیاورید.)

**رئیس** — اصل ۸۳/۱ را برای اخذ رأی میخوانیم:

**اصل ۸۳/۱ (اصل نود و هشتم)** — تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام میشود.

**رئیس** — لطفاً با ورقه نسبت به این اصل رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام رأی گرفتن پنجاه و نه نفر، تعداد کل آراء پنجاه نه رأی، موافق چهل و نه نفر، مخالف چهار نفر، ممتنع شش نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

(در این موقع که ساعت پانزده و پنج دقیقه بعدازظهر بود آقای منتظری صندلی ریاست را ترک و آقای دکترسیدمحمدحسینی بهشتی —نایب‌رئیس— ادارهٔ جلسه را به‌عهده گرفتند.)

## ٤ — بیانات نایب رئیس راجع به رسیدن طوماری از طرف مردم کرمانشاه (باختران)

**نایب رئیس** — با اجازهٔ دوستان از فرصت استفاده و عرض میکنم امروز طوماری از کرمانشاه توسط برادر عزیزمان جناب آقای موسوی رسید، در تأیید جمهوری اسلامی و اهداف و آرمانهای آن. این طومار به وسیلهٔ مردم، به وسیلهٔ برادران ارتشی، برادران و خواهران شیعه و سنی همه امضاء شده بود و چه جالب بود چون نشانهٔ وحدت است بود در راه این آرمان، با تشکر و سپاس فراوان از امضاء کنندگان و تهیه کنندگان این طومار، و با امید به اینکه ما بتوانیم به این‌ملت قهرمان پر مهر و وفا خدمتی شایسته در خور اینهمه حمایت و محبت آنها انجام بدهیم ان‌شاءالله.

## ٥ — طرح و تصویب اصل ۳۱ (اصل بیست و چهارم)

**نایب رئیس** — اصل ۳۱ مطرح است که قرائت میشود.

«اصل ۳۱— نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخالف استقلال یا عفت عمومی یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص بوده باشد. حدود این امور و جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند.»

**نایب‌رئیس** — ازدوستانی که اسم نوشته‌اند سؤال میکنم لطفاً بفرمایند موافقند یامخالف یا فقط تذکری دارند، آقای مکارم شما؟ (مکارم شیرازی — بنده تذکر مختصری دارم.) آقای صافی شما چه نظری دارید؟ (صافی — بنده سؤالی دارم.) آقای طاهری اصفهانی‌بفرمائید. (طاهری اصفهانی — نظر من بیشتر مخالفت است تا تذکر.) آقای تهرانی بفرمائید. (تهرانی — یک کلمه به آن اضافه شود.) آقای دکتر ضیائی نظر شما چیست؟ (دکتر ضیائی — تذکری دارم.) آقای کریمی چه نظری دارید؟ (کریمی — منهم تذکر دارم.) آقای دکتر قائمی

بفرمائید. (دکتر قائمی امیری — تذکر دارم.) آقای موسوی جزایری شما چه نظری دارید؟ (موسوی جزایری — تذکر دارم.) آقای اکرمی بفرمائید. (اکرمی — تذکر دارم.) آقای دکتر آیت نظر شما چیست؟ (دکتر آیت — من مخالف این اصل هستم.) آقای موسوی زنجانی چه نظری دارید؟ (موسوی زنجانی — تذکر دارم.) (مقدم مراغه‌ای — من قبل از همه اسم نوشته بودم ولی از من سؤال نکردید.) اسمتان در لیست نیست به هرحال نظرتان چیست؟ (مقدم مراغه‌ای — مخالفم و تذکری هم دارم.) آقای عضدی نظر شما چیست؟ (عضدی — منهم مخالفم.) آقای دکتر نوربخش بفرمائید. (دکتر نوربخش — تذکر دارم.) آقای ربانی املشی شما چه نظری دارید؟ (ربانی املشی — تذکر دارم.) آقای رشیدیان نظرتان چیست؟ (رشیدیان — تذکر دارم.) امروز بیشتر متذکر هستند، اولین مخالف طبق صورت موجود آقای طاهری اصفهانی هستند، نظرتان را بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قبلا هم این بحث شده است، این اصل‌چیزی راکم دارد که حتماً باید اضافه بشود چون نشریات و مطبوعات در بیان مطلب آزادند مگرآنکه مخالف استقلال... این درست، «عفت عمومی» این هم درست، یا «توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص» چهار چیز آمده است به نظر من یک پنجمی هم لازم دارد. ممکن است چیزی مخالف استقلال نباشد، مخالف عفت عمومی نباشد. توهین به مقدسات هم نباشد حتی توهین به مبانی هم که می‌فرمایند نباشد اماروش کار گمراه کننده است این همان است که بین فقهای ما به عنوان کتب ضلال معروف است، چطور شما آن چیزی راکه در متن فقه اسلام است در نشریات و مطبوعات نمی‌نویسید؟ درست است برای افرادی که بتوانند درک بکنند کتب ضلال مسأله‌ای نیست چون می‌توانند جوابگو باشند اما اشاعه دادنش چه؟

**نایب رئیس** — آقایان دیگر هم همین نقطه نظر را دارند؟ آقای تهرانی نظرتان چیست؟

**تهرانی** — بعد از عفت عمومی بنویسید «یا علیه مصالح اسلام یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی.»

**نایب رئیس** — آقای صافی شما هم همین را می‌فرمائید؟

**صافی** — در کمیسیون هم سر همین موضوع بحث شد به اینصورت که الان هست همهٔ آقایان رأی نمی‌دهند.

**نایب رئیس** — آقای دکتر آیت شما بفرمائید.

**دکتر آیت**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، من هم آرزو دارم و هم امیدوارم که ما بتوانیم یک حکومت صددرصد اسلامی نه‌تنها در مملکت خودمان بلکه‌دردنیا ایجاد کنیم،برای‌استقرار چنین حکومتی من معتقدم که ما بیش از همه می‌توانیم از آزادی مطبوعات استفاده کنیم برای اینکه منطق و استدلال ما قوی‌تر است و معتقدیم که حقیم و حق هم هستیم. دستگاهها همیشه برای بستن زبان حق، روزنامه‌ها را توقیف و سانسوری کردند در اینجا نوشته‌است که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر... این مگرها را ما رویش حرف داریم. عفت عمومی البته مسأله‌ای است و سایر مسائل هم همینطور، نمی‌گوئیم مطبوعات آزادند منتشر کنند اما مسأله این هست که ممکن است از آن سوء استفاده بشود بنابراین پیشنهاد من این هست که بنویسیم: «توقیف و سانسور مطبوعات و نشریات مطلقاً ممنوع است» ولی بقیه راکه نوشته‌ایم جزو جرائم مطبوعاتی قلمداد کنیم خوب اگر کسی به کسی اهانت کرد دادگستری است و

قانون جزا و سه سال، چهار سال، دو سال زندان و شلاق و هرچه تعیین شده است، یا کسی که به اسلام توهین کرد باز دادگستری و قانون هست و مورد مجازات قرار میگیرد اما اگر ما بخواهیم چنین مطلبی را بگوئیم که حق است که روزنامه سانسور بشود به عنوان اینکه خلاف اسلام مطلبی ننویسند میروند توی روزنامه و مطالب حق روزنامه را حتی مطالبی که به‌نفع اسلام هست سانسور می‌کنند، در رژیم سابق هم این کار را میکردند. ما جلو سانسور و توقیف را بگیریم و خلاف‌های مطبوعاتی را به‌شدت مجازات کنیم وگرنه گفتم به ضرر ما از این اصل استفاده میشود همینطور که تاریخ این هفتاد و دو سال مشروطیت گذائی همین را نشان داده است یعنی تحت عنوان اینکه مطالب خلاف اسلام نوشته نشود یا نظایر اینها جلو آزادیها را می‌گرفتند. (تهرانی— روزنامه‌هائی هم هستند که سوءاستفاده میکنند.) الان در حکومت‌اسلامی هم روزنامه‌هائی هستند که خیلی چیزهای ناروا می‌نویسند ولی اینها جرم است و باید جلوی آنها را گرفت این است که بگذاریم حرفشان را آزادانه بزنند و بعد آنجا که لازم است به‌آنها جواب بدهیم و آنجا که اهانت کرده‌اند مجازات کنیم.

**سبحانی** — یعنی اول سمپاشی و مسموم بکنند بعد ببریمشان بهداری معالجه کنیم؟

**دکترآیت**— این حرف شاهنشاه آریامهراست او هم همین بهانه را می‌آورد. (سبحانی— این چه تشبیهی است آقا؟)

**نایب رئیس** — اجازه بفرمائید جلسه‌مان منظم باشد، آقای عضدی شما مطلب دیگری دارید؟ (عضدی — خیر.)

**مقدم مراغه‌ای** — راجع به این قسمت چندتا از این اصول هست که اینها به اصطلاح نتیجهٔ کوششها و مجاهدات همهٔ بشر در همهٔ‌نقاط جهان است و این اصول را بنده می‌خواستم که در این قانون جمهوری اسلامی منطبق با مبانی اسلامی به‌طور مشخص و صریح باشد اینجا این استثناء صراحت آن را از بین میبرد. همیشه برای کارهای خلاف از استثناء استفاده میشود اگر اجازه بفرمائید آن چند اصلی که بعداً مطرح میشود به اضافهٔ چند اصل دیگر که من پیشنهاد کرده‌ام و عده‌ای از دوستان هم امضاء کرده‌اند (برای حقوق ملت) و متأسفانه تا حالا مطرح نشده است در قانون گذشته هم همین مطلب بود و همینطور که الان اشاره شد دیدید که چه تضییقاتی بر مطبوعات آمد و شروعش هم همان بود که علیه دین مبین اسلام چیزی نوشته نشود ولی همانطور که فرمودند از آن برای مبارزه با خود دین مبین اسلام سوءاستفاده کردند، این است که استدعا میکنم اگر ممکن است به اینصورت نوشته بشود: «مطبوعات در بیان مطالب آزادند، حدود این امور و جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند». چون اصل بر آزادی مطبوعات است، با صراحت آزادی مطبوعات اعلام میشود، بعد طبق قانون براساس موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئولیت‌ها تعیین میشود .

**نایب رئیس** — بنده به عنوان موافق اسم نوشته‌ام، عرض کنم نظامی که بخواهد برایمان قلبی مردم تکیه داشته باشد بی‌شک باید برای حفظ وحراست این ایمان خیلی اهمیت قائل باشد. تحریم خرید و فروش و نشر کتب ضلال زیربنایش همین است که اولا مکتب برای ایمان مردم درساختن زندگی سعادتمند برای فرد فردشان نقش بنیادی می‌بیند و ثانیاً وقتی نظام سیاسی و اجتماعی هم براین ایمان متکی است خود به خود اگر او متزلزل بشود ، نظام متزلزل میشود، منتها آنچه مهم است این است که ما ببینیم که در چه شرایط زمانی زندگی

می‌کنیم در یک شرایطی باید خود مکلف را به عنوان همان تکلیف ایمانی وادار کرد که‌از خرید و فروش و نشر و استفاده از کتب ضلال اگر اهلش نیست خودداری کند این همان حکمی است که از قدیم تا حالا بوده و حالا هم هست، اما آیا حکومت به‌عنوان جلوگیری از منکر اعمال قهر میتواند بکند یا نه؟ یعنی این‌طور بیان میکنم که خرید و فروش کتب ضلال برای کسانیکه نمی‌توانند در برابرش ایستادگی فکری داشته باشند یک کار حرام است، اماآیا حکومت در جلوگیری از این منکر اعمال قهر هم میتواند بکند یا نه؟ این مسأله مورد بحث است آیا اعمال قهر در هر دوره‌ای در هرموردی میتواند طریق جلوگیری از همهٔ منکرات‌باشد؟ حرف من این است که در شرایطی که ما هستیم اعمال قهر برای جلوگیری از نشریاتی که مبارزهٔ فکری با اسلام میکنند سودمند نیست، برحسب تجربهٔ عینی و بررسی شده‌ای که ما داریم نه تنها سودمند نیست بلکه جلوگیری با اعمال قهر از نشر و تهیهٔ این نشریات، مضر به اسلام هم واقع شده است، پس عرض بنده این است که این یک حرام، یک منکر ولی راه مبارزه با این منکر و برای جلوگیری از این منکر آیا باید با استفاده از قهر باشد که اینجا ما میگوئیم‌قهر قانونی و قدرت قانونی یا نه؟ همان قدرت تکلیفی را بگوئیم و اعمال قهر قانونی نکنیم‌ویگذاریم با آن نفوذی که همان رسالهٔ عملیه در مردم دارد و بسیاری از مردم متدین این کتابها را چاپ و پخش و توزیع می‌کنند، چون به احکام الهی متعهدند. باید آن راه را دنبال کنیم زیرا آن راه مؤثر تر خواهد بود بنابراین بنده معتقد هستم که آنجا که اهانت باشد، که عبارتست از یک کار زشتی که نسبت به فرد هم میگوئیم باید جلویش را گرفت نسبت‌به‌اسلام و شعائر اسلامی به‌طریق اولی، آنجا که تحریک و توطئه علیه استقلال کشور باشد بایدجلوی آنرا گرفت. نمی‌شود جلو توطئه سیاسی را بازگذاشت و بعد با قدرت سرکوب نظامی با آن‌مقابله کرد اینها درست است ولی آنکه آقایان نگرانش هستید که میفرمائید اگر بعضی از نشریات طوری است که از نظر مذهبی افکار را مسموم میکند در اینجا بیائید با آن حکم تکلیفی که‌توی رساله میگوئید و با تربیتی که میکنید جلو نشر اینها را بدون اعمال قهر بگیرید آن مؤثرتراست اگر خواستید از اعمال قهر استفاده بکنید نتیجه به عکس میدهد. این عرض من بود.

**کرمی** — هرچه با موازین اسلام منطبق نباشد مقبولیت ندارد. اگر تصویب هم نکنید در مراجعه به قانون ارزشی نخواهد داشت.

**دکتر آیت** — افشاء اسناد و نشر اکاذیب را چه باید کرد؟

**نایب رئیس** — نشر اکاذیب که اصلا جایز نیست.

**طاهری اصفهانی** — اگر صاحبان آراء با احترام دعوت بشوند که به رادیو و تلویزیون بروند و با آنها که‌اهلیت دارند مصاحبه رادیو، تلویزیونی بکنند که حقایق روشن بشود،عیبی ندارد ولی اگر بروند به روستاها کتب خود را پخش بکنند که مضراتش را همه دیده‌اند آنها را گمراه میکنند ولی در رادیو، تلویزیون ولو برضد اسلام باشد طرف آنها جوابی به آنان میدهد و مردم بهتر میتوانند به حقیقت پی‌ببرند. این نشریات آزاد ضد اسلام خطرش مشهود است.

**فاتحی** — بیانات جنابعالی کاملا صحیح بودولی مطالبی که در این اصل آمده است باآن تطبیق نمیکرد. آنطور که جنابعالی فرمودید برمسلمین لازم است در اظهار عقاید تمام افراد و ادیان اجازه بدهند عقایدشان را بیان کنند، ما نمی‌توانیم جلو عقاید و ادیان را بگیریم‌زیرا برخلاف اسلام است اما توهین به اشخاص یک مسأله خصوصی است کاری به این مطلب

ندارد ما باید این مطلب را بنویسیم که هرکس میتواند عقایدش را منتشر کند و تبلیغ برای ترویجش بکند مگر توطئه‌گر باشد یا بخواهد افساد بکند.

**مکارم شیرازی** — بنده دو تا تذکر دارم. اول این است که این «و» در اینجا مثل اینکه درست نیست چون دو تای آن را با «ی» نوشته‌ایم اینجا با «و» معنی‌اش این میشود که توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص هر دو رویهمرفته یک مانع است. این بایدتبدیل بشود «یا هتک حیثیت اشخاص»، «و» تبدیل به «ی» بشود...

**نایب رئیس** — بوده هم زیادی است، باشد کافی است.

**مکارم شیرازی**— مطلب دیگر این است به‌اینصورت آنچه بنده میدانم رأی نمی‌آوردباید بنویسیم مخالف مبانی اسلام نباشد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

**دکتر ضیائی**— مضافاً برمطالبی که جناب آقای مکارم فرمودند باید منافی با عفت‌عمومی نبوده و افشاء اسناد و نشر اکاذیب هم اضافه شود.

**نایب رئیس** — افشاء اسناد که بحث خاصی است ببینید آقا، به هر حال درآینده که یک قانون مطبوعات خواهیم داشت ، جزئیات را باید در قانون مطبوعات آورد و افشاء اسرار و اینها یک سلسله حقوق شخصی است این باید برای خودش در آنجا با مجازاتش بیاید.

**دکتر ضیائی** — پس استثنائات را بردارید.

**نایب رئیس** — واقعش هم همین است که اگر اینجا بخواهید صحیح عمل بکنید و بنویسید نشریات و مطبوعات آزادند مگر در مواردی که در قانون معین میشود این از همه‌بهتر است و بعد هم قانون با جزئیاتش می‌آید و این را حل میکند.

**دکتر قائمی** — این قسمتی راکه اخیراً فرمودید اگر حذف کنید یک قسمت از اشکالات من رفع میشود اما اگر قرار است که باشد به غیر از این چهار نکته‌ای که در اینجا ذکر شده من دو نکته دیگر را هم پیشنهاد میکنم که بر آن اضافه بشود یک مسأله این است که‌ممکن است اصلی مخالف استقلال نباشد و در عین حال مخالف نظام جمهوری باشد این را بایداضافه کنید. یکی دیگر هم برطبق تجربه‌ای که دو سه ماه اخیر به‌ما نشان داده است مسأله تحریک و ایجاد اغتشاشات و بزرگ کردن یک مطلب است که مخالف با استقلال نیست ولی در مملکت جنگ وخون‌ریزی راه انداخته است اگر بنا است این ابعاد را آنجا ذکر کنیم «مگرآنکه مخالف استقلال یا عفت عمومی یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص»این ابعاد هم باید به آن اضافه شود.

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری مطلب تازه‌ای دارید؟

**موسوی جزایری** — من پیشنهاد میکنم که عنوان مضله اینجا بیاید و این با توضیحاتی که بعضی حتی راجع به مکاتب خودشان میدهند منافات دارد. آنها ممکن است کتب ضلال نباشد هرچیز که امکان توطئه در آن باشد یا تحریف حقایق باشد آن مضله است این را باید اینجا ذکر بکنیم.

**اکرمی** — اگر عبارت قرار است همین باشد من یک اشکال دارم. شما نوشته‌اید«... مخالف استقلال یا عفت عمومی یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی» یعنی چه؟ مخالف استقلال مخالف عمومی درست، اما مخالف توهین به مقدسات و شعائر اسلامی یعنی چه؟ باید

موافق باشد؟ عبارت اشکال دارد باید به طریق دیگر نوشته شود.

**دکتر نوربخش** — اینجا نوشته‌اید «توهین به مقدسات و شعائر اسلامی» ادیان دیگر را هم اضافه بکنید.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — نظرات مرا دوستان فرمودند ولی منظور من این است که این قیود را قانون عادی معین میکند.

**نایب رئیس** — آقای منتظری نظر شما چیست؟

**منتظری** — همان نشر اکاذیب را اضافه بفرمائید.

**نایب رئیس** — آقای قرشی بفرمائید.

**قرشی** — عرضم این است که بعضی از جراید، نظرات باطل و مطالب باطل را درج می‌کنند ولی وقتی که جواب به آنها می‌نویسید حاضر به درج آن جواب نیستند در زمان حیات مرحوم آیت‌الله مطهری در مجله زن روز مطالبی نوشته میشد وقتی جواب‌های آقای مطهری را درستون مقابل درج کردند آن قاضی که این مطالب را می‌نوشت سکته کرد و از بین رفت‌لذا خوب است بنویسیم نشریات و روزنامه‌ها در منعکس کردن افکار مخالف و موافق موظفند وقتی یک چیزی نوشته شد و جواب آن را فرستادیم آن جواب را حتماً درج بکنند.

**نایب رئیس** — آقای حجتی بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — اگر همان پیشنهادی که جنابعالی محول به قانون کردید تصویب شود که خوب والا پیشنهاد دکتر آیت را بگذارید که خیلی جالب است و اگر میخواهید آن نباشد به جای شعائر اسلامی، شعائر دینی بگذارید چون توهین به مقدسات سایر ادیان هم‌باید موجب کیفر بشود.

**نایب رئیس** — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — در متن اول شامل مطبوعات، فیلم و نوار و نمایش هم بود به نظر جنابعالی نشریات شامل اینها میشود؟ و حتی مجسمه‌سازی ممکن است منافی با عفت عمومی باشد.

**نایب رئیس** — این لازم نیست در قانون اساسی بیاید، اینها را قانون عادی معین‌میکند اینکه روی مطبوعات تکیه میشود به اعتبار این است که مطبوعات نقش خاصی دارند.مایکی از دو راه را باید انتخاب کنیم یا باید همین اصل را به رأی بگذاریم یا اینکه اینطوربنویسیم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند تفصیل آن را قانون معین میکند».

**ربانی شیرازی** — این «مبانی اسلامی» مسائلی را که آقایان میگویند در برنمی‌گیرد اگر بنویسیم «مخالف با اسلام و استقلال کشور» تمام مسائل را در برمی‌گیرد.

**تهرانی** — آقای ربانی، همان عبارتی را که آقای بهشتی گفتند تمام‌مسائل‌را دربرمیگیرد.

**نایب رئیس** — در همین اواخر که یک لایحه مطبوعات می‌خواستند تهیه کنند،تفاصیل آنرا هم آورده بودند. بالاخره شما هر استثنائی را اینجا بگذارید باز یک چیزی کم خواهدداشت اما اگر به اینصورت باشد که بنویسیم «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر اینکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» و بعد اضافه کنیم که «تفصیل آنرا قانون معین میکند» کامل میشود و بعد استثنائات را در قانون می‌آورند.

**رشیدیان** — مخل نظم ممکن است ولی مخل مبانی معنی ندارد.

**مکارم شیرازی** — به جای مخل، منافی بنویسید.

**نایب رئیس** — ببینید منافی که بی‌معنی است اگر مخل باشد نقطه نظر دوستان رعایت شده است ومیتوانیم رویش متفق‌الرأی باشیم بنابراین اصل سی‌ویک برای رأی‌گیری خوانده میشود.

**اصل ۳۱ (اصل بیست و چهارم)** — نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد تفصیل آنرا قانون معین میکند.

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد.)

**نایب رئیس** — نتیجهٔ رأی‌گیری را اعلام میکنم. عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف دو نفر، ممتنع چهار نفر، بنابراین اصل سی و یک با پنجاه و یک رأی موافق تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶— طرح اصل ۷۳/۱

**نایب رئیس** — اصل ۷۳/۱ مطرح است که قرائت می‌شود.

«اصل ۷۳/۱ — هرگاه مجلس شورای ملی تجدیدنظر یا تغییر در یک یا چنداصل‌معین از اصول قانون اساسی را لازم بداند می‌تواند با اکثریت دو سوم آراء و تأئید رهبری تشکیل مجلس خبرگان را تصویب نماید. این مجلس مرکب از تعداد هفتاد نفر از حقوقدانان و مجتهدان در مسائل اسلامی است که از طرف مردم انتخاب میشوند و اختیارات آن محدود به تجدید نظر در همان اصل یا اصول معینی است و تصمیمات آن با دو سوم آراء معتبر میباشد. اصولی که در بخش کلیات قانون اساسی آمده از این حکم مستثنا است و قابل تجدید نظر نمی‌باشد.»

**نایب رئیس** — من از آقایانی که اسم نوشته‌اند سؤال میکنم و آقایان فقط نظر بدهند که موافق هستند یا مخالف یا اینکه سؤال و تذکری دارند آقای سبحانی شما موافقید یا مخالف؟ (سبحانی — چند تذکر دارم.) آقای آیت شما چه‌نظری دارید؟ (دکتر آیت— چند تذکردارم.) آقای رحمانی شما نظرتان چیست؟ (رحمانی — مخالفم.) آقای فوزی شما موافقید یا مخالف؟ (فوزی — مخالفم.) آقای رشیدیان شما موافقید یا مخالف؟ (رشیدیان — مخالفم.) آقای موسوی جزایری شما نظرتان چیست؟ (موسوی جزایری — تذکر دارم.) آقای منتظری شما چه نظری دارید؟ (منتظری — تذکر دارم.) خانم گرجی بفرمائید. (خانم گرجی — تذکر دارم.) آقای طاهری خرم‌آبادی شما نظرتان چیست؟ (طاهری خرم‌آبادی — موافقم.) آقای مکارم موافقیدیا مخالف؟ (مکارم — موافقم.) آقای غفوری شما مخالفید یا موافق؟

**غفوری** — به‌نظر من باید متمم قانون اساسی را در نظر گرفت چون احتمالا خیلی‌چیزها کم است و یک یا چند اصل متمم، قانون اساسی را در واقع تکمیل میکند.

**نایب رئیس** — پس تذکر دارید؟ آقای فاتحی بفرمائید. (فاتحی — تذکر دارم.)آقای سبحانی تذکری دارید بفرمائید.

**سبحانی** — تذکر من این است که باید اینجا چند چیز روشن بشود اولا میخواستم بدانم

تقسیم هفتاد نفر ازحقوقدانان ومجتهدان بالسویه است یا اینکه نیست یک اجمالی دارد اقلا در ذیل بنویسیم که تفصیلش را قانون معین میکند این یکی، دیگر اینکه اینجا که نوشته شده «اصولی که در بخش کلیات قانون اساسی آمده است از این حکم مستثنا است» میخواستم عرض کنم که این تنها مستثنا نیست خیلی از اصول را داریم که جزو کلیات قانون اساسی نیستند ولی اصولی هستند که به اصطلاح ازنظر اسلام یک طرفه هستند ودوطرفه نیستند مثلا اصل بیست وهفتم که میگوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از نظر تعرض مصون است». این اصلی است که از نظر اسلام یک جنبه بیشتر ندارد ولی در کلیات هم نیست و اصول دیگری نظیر این اصل هست که باید استثناء بشود.

**نایب رئیس** — واقعاً این اصل به طور کلی ضرورت دارد که باشد؟ (نمایندگان — خیر.) آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکترآیت** — اولا عرض کنم که به هفتاد نفر نباید مقید کنیم چون کم است وبعد اینکه نوشته شده است «حقوقدانان و مجتهدان» اینها دیگر خیلی جنبه خصوصی پیدا میکند اگر بنویسیم «خبرگان» بهتر است و بعد عرض کنم که تنها اصول مربوط به کلیات نیست که مهم است و آخر اصل باید اضافه کنیم که آن اصول باید به نحوی تغییر پیدا کند که مغایرت با کلیات نداشته باشد علاوه براینکه کلیات را نمیشود تغییر داد.

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — در متنی که اول تهیه شده بود تعداد هفتاد و سه نفر بود چرا اینجا هفتاد نفر شده است؟

**نایب رئیس** — آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — غیر از کلیات که نوشته شده آن اصلی هم که شورای نگهبان باید باشد و مقررات مجلس بدون شورای نگهبان ارزش قانونی ندارد. آنهم باید اضافه شود.

**نایب رئیس** — خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی** — تذکر من درمورد متمم است که ذکر نشده و آن تعداد هفتاد نفری که برای یک اصل باید بیایند من فکر میکنم با این ترتیب کارها یک کمی مشکل میشود.

**نایب رئیس** — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — عرض میشود که باید اضافه شود اصولی هم که تغییر میکند نباید مغایر با اصول کلی باشد.

**نایب رئیس** — آقای فاتحی تذکرتان چیست؟

**فاتحی** — اینجا استثناء فقط برای اصولی که در بخش کلیات قانون اساسی است آمده است به عقیدهٔ من بعضی از اصول هستند که از کلیات مهمتر هستند و آنها را هم باید مستثنا کرد مثلا آن اصل پنج.

**نایب رئیس** — اصل پنج که جزء اصول کلیات است، از اصول دین یک چیز خیلی مهم دارد آن هم معاد است. یک مخالف صحبت میکند، آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولا عرض کنم که این اصل لازم نیست و اما راجع به این قانون اساسی که به حسب وضع موجود روز تصویب میشود چون نظر این اصول است اگر چنانچه یک وقتی خواستند رفراندوم بکنند این رفراندوم‌ها در اینجا تصریح شده است، در

اختیار یک شخصیتهائی هست این هم یکی از آن موارد هست و روی این موضوع میتوانند تصمیم بگیرند از هم‌اکنون که قانون اساسی را تصویب نکرده‌اید این را دچار اضطراب و تشویش میکنید این یک مطلب ، دوم اینکه مملکت مال همهٔ مردم است و اختصاصی به حقوقدانان و مجتهدان که اینجا آورده شده است وجهی ندارد اگر به اصطلاح طبقه روشنفکر را خواسته‌اید در نظر بگیرند دانشمندان تنها حقوقدانان نیستند، چون اقتصاددانان‌هم هستند ما بنا نیست همه‌جا مرتب یک مزایائی برای یک قشر قائل بشویم و اینها را در امور مملکت مطلق العنان بکنیم و بعد هم که ما مرتب تعارف میکنیم که انقلاب مال مستضعفین است‌خیلی‌ازهمین افرادی که نه‌حقوقدان هستند و نه‌مجتهد اینها شاید بتوانند سیاست مملکت‌را به واسطه اینکه در عمق ملت قرار دارند و با قشرهای مختلف در تماس هستند بهتر درک بکنند که آیا باید این تغییر داده بشود یا نشود اشکال دیگر این است، مجتهد یعنی حقوقدان اسلامی آیا شما میخواهید پنجاه سال دیگر مجتهد را در برابرحقوقدانان قرار بدهید؟ و بازهم با ایهام این موضوع و تلویحاً با تثبیت اینکه حقوقدانان در برابر مجتهدان هستند آنها راتقویت بکنید ما قائل به این هستیم که حقوقدانان باید باشد ولکن حقوقدانان یا همان مجتهدان‌هستند یاافرادی هستند که از مکتب آن مجتهدین استفاده کرده‌اند خلاصه این موضوع یک ابهامی دارد و نمی‌خواهم بگویم که بایکدیگر از هیچ لحاظ تفاوت و تغایر ندارد من مطالبم رامیگویم اگر چنانچه قابل قبول شد، خوب، و اگر قابل قبول هم نشد، نشده باشد زیرا نمی‌خواهم‌مطلبی را اینجا اثبات کرده باشم البته آنچه بنده و دیگران گفته‌ایم اینجا در مشروح و در نوارها هست و بعداً ثابت خواهد شد که حق به جانب چه کسی بوده است این موضوعی است که اگرنسبت به بعضی از تذکرات بی‌توجهی بشود بعداً قضاوت خواهد شد.

و اما راجع به مجتهدان ، مجتهد یک معنائی است که آنرا نمی‌شناسند مگر اوحدیون از مردم. ما وقتی می‌خواهیم رفراندوم بکنیم همه ملت را ما میخواهیم به‌پای صندوقها ببریم کاری نکنیم که مردم با یک الفاظی روبرو بشوند که برای انطباق آن الفاظ دچار مشکلاتی بشوند این یک اشکال، اشکال دیگر این است که مجتهد ممکن‌است صالح باشدچون فرض این است که افراد بخصوصی را میخواهید ذکر بکنید، مجتهد ممکن‌است که دارای ملکهٔ عدالت و تقوا و مبارزه با فساد باشد و ممکن است که نباشد آن قشر از مجتهدین که دارای این خصوصیات‌نیستند ما به‌چه مجوز اجازه بدهیم که مردم آنها را بیاورند و نسبت به قانون، قانون اساسی که به اینصورت تصویب میشود و تدوین میشود نظر بدهند پس اگر مجتهدان را ذکر میکنید باید این قبیل مجتهدین را مجزا بکنید فعلا در این مورد از این بیشتر نمی‌خواهم صحبت بکنم ولکن اشکال عبارتی که اینجا به نظر میرسد این است که در آخر بنویسیم «قابل تجدید نظر یا تغییر نمی‌باشد» چون دراین متن فقط نوشته است «قابل‌تجدیدنظر نمی‌باشد» و امیدوارم توجه بفرمائید که این اصل باید یا اصلاح بشود و یا اینکه حذف‌بشود و نسبت به اصل بعدی هم بنده مخالف هستم که الان نوبت میگیرم.

**نایب رئیس** — اگر از همین حالا نوبت بگیرید آقای رحمانی فکر می‌کنید که ظلم‌باشد، آقای طاهری‌خرم‌آبادی به‌عنوان موافق بفرمائید. (نمایندگان — دیگر موافق نمی‌خواهدصحبت کند و لازم نیست.)

**منتظری** — من نظرم را باید بگویم، غیراز کلمات آن اصلی را که داریم و میگوید

مجلس شورای ملی بدون شورای نگهبان، مقرراتش ارزش قانونی ندارد جزء استثنائات آنهم باید اضافه شود.

**نایب رئیس** — اگر این بیاید خیلی از اصول دیگر هم باید بیاید.

**منتظری** — آن خیلی مهم است، اصل هفتاد و هفت حتماً باید اضافه شود.

**حسینی‌هاشمی** — بعد از «مجلس خبرگان را تصویب نماید» نوشته شود «کیفیت وتعداد آنرا قانون معین میکند» وزیرش یک اصل دیگر اضافه شود به این مضمون «هرگونه تغییری براساس اصالت کلیاتی است که بنیان نظام جمهوری را بیان کرده است».

**نایب‌رئیس**— بنده خیال میکنم این اصل را باید به همین صورت‌به‌رأی بگذاریم چون‌اگر بخواهیم اصلاح کنیم خیلی اصلاحات زیادی میخواهد و اصولا من خودم با بودنش مخالف هستم البته نمیدانم که چه تعداد از دوستان با من همفکر باشند به هر صورت من فکر میکنم هیچ لزومی ندارد و راه تجدیدنظر را خود ملت میداند.

**رشیدیان** — این اصل لازم است که باشد زیرا ما معتقدیم که کار ما ممکن است نقص داشته باشد و مسلماً نقص خواهد داشت برای اینکه نشان بدهیم که واقعاً ما تصمیمی نداریم و آماده پذیرش حق هستیم باید یک اصلی در این مورد باشد منتها با این شرایط و این قیود لازم نیست، فقط نوشته شود به رفراندوم بگذارند با فرمان رهبر.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان عرض من هم همین است وقتی که الان قانونیت قانون اساسی با رفراندوم است بنابراین راه همیشه باز است و احتیاجی به اصل ندارد و میتواند درآینده به راحتی خودش راه تجدید نظر را پیدا کند. آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — دیروز صحبت این بود که اگر ما همینطور واگذار کنیم به مجلس یا رفراندوم، ممکن است در بعضی از اصول قانون اساسی تغییر یا تجدید نظری به عمل بیاید که برخلاف مبانی اسلام یا حقوق ملت باشد البته بنا بود که مسأله رفراندوم هم اضافه بشود حالا من نمیدانم چطور شد که نیست این پیش‌بینی برای این موضوع شد که افرادی که هم مجتهد باشند و هم حقوقدان اینها بنشینند، اگر لزوم تجدید نظر یا تغییر را دیدند آنوقت به رفراندوم گذاشته بشود و اگر شما تنها واگذار کنید به رفراندوم یا مجلس آنوقت ممکن است بیشتر تزلزل ایجاد کند.

**نایب رئیس** — هیچ تزلزلی هم ایجاد نمیکند آقا، من از شما می‌پرسم اگر شما بیست‌تا اصل بگذارید اینجا به جای یکی، به این مضمون که این قانون اساسی هیچ قابل تغییر نیست بعداً با یک رفراندوم می‌توانند تمامش را عوض کنند؟

**طاهری خرم‌آبادی** — با رفراندوم میتواند عوض بشود اما قبل از رفراندوم...

**نایب رئیس** — آقایان توجه ندارند آقا یک قانونی که اعتبار قانونی و حقوقی‌اش را از نظرموازین حقوقی از یک مبنائی میگیرد حالا این مبنا هرچه میخواهد باشد این مبنا اگرمجلس مؤسسان است، مجلس مؤسسان، اگر رفراندوم است، رفراندوم، یک چیزی که اعتبار قانونی خودش را از یک مبنائی میگیرد هیچوقت نمی‌تواند نفی کنندهٔ اعتبارهمان‌مبنا برای نوبت‌بعدی باشد اصلا این محال است.

**هاشمی‌نژاد** — اگر آن مبنا بگوید غیرقابل تغییر است، غیرقابل تغییر میشود.

**نایب رئیس**— مگر ما میتوانیم‌برای‌آیندگان‌تکلیف‌معین کنیم هر مکلفی‌خودش میداند.

**منتظری** — اجازه بفرمائید ، در اصل دوم متمم قانون اساسی سابق بود که این اصل الی یوم ظهور حضرت ولی عصر (عج) باقی است و قابل تغییر نیست و ما دنبال اصل دوازدهم اصرار کردیم که نوشته شود، گفتید نه در آنجائی که میخواهیم مسأله تغییر قانون اساسی را بگذاریم در آنجا استثناء میکنیم.

**سبحانی** — نوشتیم آقا در اصل دوازده که میگوید «دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است».

**منتظری** — درست است نوشته شده است.

**نایب رئیس** — حالا اگر بخواهید تغییراتی در این اصل داده بشود چون تغییرات زیاد است اشکال پیدا میکند.

**منتظری** — فقط شورای نگهبان را بنویسید، چون اصل هفتاد وهفت مهم است که باشد.

**نایب رئیس** — آخر فقط این مطلب که نیست، بنده این را هم اضافه میکنم «مگر در بخش کلیات قانون اساسی و اصول مربوط به شورای نگهبان»، رأی که نمی‌آورد بیخودی بحث نکنیم بنابراین اصل ۷۳/۱ برای رأی‌گیری خوانده میشود.

«اصل ۷۳/۱ — هرگاه مجلس‌شورای‌ملی تجدیدنظر یا تغییر در یک یا چند اصل‌معین از اصول قانون اساسی را لازم بداند میتواند با اکثریت دو سوم آراء و تأیید رهبری تشکیل مجلس خبرگان را تصویب نماید، این‌مجلس مرکب ازتعداد هفتاد نفرازحقوقدانان ومجتهدان در مسائل اسلامی است که از طرف مردم انتخاب میشوند و اختیارات آن محدود به تجدیدنظر در همان اصل یا اصول معین است و تصمیمات آن با دو سوم آراء معتبر میباشد. اصولی که در بخش کلیات قانون اساسی آمده و اصول مربوط به شورای نگهبان از این حکم مستثنا است و قابل تجدیدنظر نیست.»

**حجتی کرمانی** — تمام اظهارات شما نشان میداد که رأی نمی‌آورد. آخر این چه کاری است این اصل را اول اصلاح بفرمائید بعد رأی بگیرید.

**دکتر آیت** — اگر رأی نیاورد فردا تنظیم میکنیم و دو مرتبه‌می‌آوریم. (حجتی کرمانی — این رأی گیری یک بازی است.)

**نایب رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**نایب رئیس** — نتیجهٔ رأی‌گیری را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و پنج نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی (دو رأی به قید قرعه خارج شد) موافق سی و یک نفر، مخالف نه نفر، ممتنع پنج نفر، بنابراین اصل ۷۳/۱ رد شد.

**حجتی کرمانی** — این به نظر من یک بازی بود که شما درآوردید.

**نایب رئیس** — چرا جنابعالی متوجه کلماتتان نیستید آقای حجتی یعنی چه که‌میفرمائید بازی درآوردیم؟

**حجتی کرمانی** — شما خودتان فرمودید که این اصل رأی نمی‌آورد اقلا اول با دست رأی می‌گرفتید.

**نایب‌رئیس**— مگر نمی‌شود باورقه‌رأی‌گرفت؟ چرا سرکار نمی‌خواهید درکلمات رعایت بفرمائید. بنده از شما می‌پرسم مگر یک چیزی را نمیشود با ورقه رأی گرفت؟ اول این موضوع

را توضیح بدهید آقا. (حجتی کرمانی — سؤالم تمام نشده است.) آخر شما سؤال نمی کنیدتوهین به جلسه میکنید. میفرمائید ما اینجا بازی میکنیم. (حجتی کرمانی — شما اول اجازه بدهید من صحبتم را بکنم.) آخر چرا سرکار این تعبیر را میکنید یعنی چه؟

**ربانی املشی** — شما ازاول تا حالا هرجسارتی راکه توانسته‌اید به‌این مجلس کرده‌اید.

**نایب رئیس** — شما بالاترین جسارت را میفرمائید ، چون میفرمائید بازی درآورده‌ایم. با ورقه رأی‌گرفتن آقا بازی هست؟

**حجتی کرمانی**— مگر آقا من به شما نگفتم، من گفتم رأی نمی‌آورد آقای دکتر بهشتی شما اگر خودتان نمی‌خواستید رأی بگیرید رأی می‌گرفتید؟

**نایب رئیس** — این یک چیز خواستنی نیست آقا.

**حجتی کرمانی** — آقا من به رویهٔ مجلس باز هم اعتراض دارم بگذارید حقیقت را بگویم.

**نایب رئیس** — بفرمائید آقا، بفرمائید چون بحثش زائد است.

**حجتی کرمانی**— آقای دکتربهشتی من از شما معذرت میخواهم شما اجازه بدهید من بقیهٔ حرفم را بزنم شما این نوارها و این صورت جلساتی که هست ببینید اوقات مشابهی راکه مثل این مسأله بوده است شما یا با دست رأی میگرفتید یا بعداً می‌گفتید که این چنین به نظرمیرسد که رأی نمی‌آورد و تغییری می‌دادید مثل همان اصل. «مخل بر اسلام» که تغییر دادید و به رأی گذاشتید اینجاپیشنهاد شد آقای حسینی هم نوشته بود که آن فراز اول «تا مجلس خبرگان را تصویب نماید» باشد و بعد از آن اضافه شود «کیفیت و تعداد آنرا قانون معین می‌نماید» این موضوع پیشنهاد شد.

**نایب رئیس** — آقا خیلی چیزها پیشنهاد می‌شود.

**حجتی کرمانی** — اجازه بدهید شما اگرمی‌خواستید رأی بگیرید و این اصل را واقعاً برنگردانید اصلاح میکردید و به رأی میگذاشتید ولی شما گفتیدکه من با اصل این مسأله مخالف هستم.

**نایب رئیس** — من رأی خودم را گفتم.

**هاشمی‌نژاد**— آئین‌نامه میگوید اصلی که اینجا مطرح می‌شود باید به‌رأی‌گذشته شود و اگر رد شد برگردد به جلسهٔ گروهها در کدام موقع معمول بوده است که برای تمام یک اصل با دست رأی بگیرند؟

**نایب رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید بنشینید.

**حجتی کرمانی** — من حرفم تمام نشده. در همین مجلس به من توهین شد و گفتند که حرفهائی راکه قاسملو باید بزند تو میزنی یک چنین توهینی به من کردند و من چیزی نگفتم.

**نایب رئیس** — چرا آقا بنده خودم آنروز اعتراض کردم.

**حجتی کرمانی** — آخر جوابها باید طوری باشدکه آن آقا حساب کار خودش را بکند و دیگر این‌حرفها رانزندما یک آدمهائی هستیم عاشق انقلاب و میمیریم برای انقلاب ولی چون شما اظهار کردید و تأیید کردیدکه من با اصل اینکه تجدیدنظر در این اصل بشود مخالف هستم.

**نایب رئیس** — خوب من هم مثل شما نظرم را گفتم.

**حجتی کرمانی** — بنابراین چون من همیشه ریشهٔ مسائل را بررسی میکنم میخواهم‌بگویم

چون شما با این مسأله مخالف بودید بالله، والله خودتان هم میدانید خواستید اینطور عمل بشود.

**یزدی** — این توهین الان شما بدتر از آن توهین اول است معنای این توهین شما این است که چون ایشان فرمودند که مخالف هستم، بقیه به دلیل مخالفت ایشان مخالفت کردند عرض کنم همه اینهائی که اینجا هستند خودشان صاحب رأی هستند و این توهین شما بزرگتر از توهین اول است.

**حجتی کرمانی** — آقای یزدی شما طوری صحبت میکنید که...

**یزدی** — آقای حجتی بفرمائید بنشینید و وقت جلسه را نگیرید.

**نایب رئیس** — آقای حجتی بفرمائید بنشینید. (حجتی — من پیشنهاد دارم و راجع به همین اصل است.) (منتظری — این اصل تمام شد.)

## ۷ — طرح و تصویب اصل ۲/۲۵ (اصل بیست و یکم)

**نایب رئیس** — اصل ۲/۲۵ مطرح است قرائت میشود.

«اصل ۲/۲۵ — دولت موظف است شخصیت و حقوق زن را درتمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ — ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲ — حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان وحمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۳ — ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

٤ — ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

٥ — اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در صورت نبودن ولی شرعی.»

**نایب رئیس** — آقای صافی بفرمائید.

**صافی** — بنده نسبت به بند سوم که نوشته شده است «ایجاد دادگاه صالح» می‌خواستم بگویم این دادگاه اختصاصی که سابق هم بود یک حکم شرعی در اینجا ندارد اگر که «فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها» مستند باشد آن دادگاهی است موقت و «حکما من اهله و حکما من اهلها» است نه اینکه یک دادگاه همیشگی و دائمی باشد و اصلا این غیر ازآن است و این مبنای شرعی ندارد و در بند پنجم هم همینطور است اولا وظیفه دولت نیست این وظیفهٔ مجتهد است و نایب مجتهد یا دادستان است که برای صغاری که آنها ولی‌ندارند قیم معین کنند و اگر به طور مستمر اینرا بخواهیم در اینجا ذکر بکنیم آنهم باز مبنای شرعی ندارد و به نظر من این دو بند خلاف ضوابط شرعی است.

**نایب رئیس** — آقای مکارم شما موافقید یا مخالف؟ (مکارم شیرازی — من موافقم.) خانم گرجی شما نظرتان چیست؟ (خانم گرجی — من موافقم البته یک اشکالی هست که باید توضیح بدهم.) آقای خامنه‌ای نظر شما چیست؟

**خامنه‌ای** — من موافقم البته یک پیشنهاد هم دارم و آن این است که در اول اصل بعد از «شخصیت» کلمهٔ «استقلال» اضافه بشود.

**نایب رئیس** — پس این کلمه «استقلال» باید قبل از «شخصیت» باشد «برای استقلال و رشد شخصیت زن» آقای فوزی بفرمائید.

**فوزی** — بنده یک سؤالی دارم و ضمناً آن اشکالی را هم که جناب آقای صافی فرمودند تأیید میکنم سؤالم این است در بند یک که نوشته شده است «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» می‌خواستم بدانم که دولت چه زمینه‌هائی ایجاد میکند که حد معنوی زن را بالا ببرد، توضیح بدهید تا مطلب روشن بشود.

**نایب رئیس** — آقای فاتحی بفرمائید.

**فاتحی** — اینجا که آمده «حمایت مادران» در اصل مربوط به زن است، یعنی حمایت مادران در دوران بارداری. و اما حضانت فرزند به عهدهٔ مادران گذاشته نشده و حمایت از کودکان بی‌سرپرست هم یک مطلبی است و برای اینکه دولت موظف باشد شخصیت‌زن را بالا ببرد، یک مطلبی است جدا که به اینجا هیچ ارتباطی ندارد.

**نایب رئیس** — آقای رشیدیان جنابعالی چه فرمایشی داشتید؟

**رشیدیان** — چندتا تذکر دارم یکی اینکه در بند دو بعد از جمله «حضانت از فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست» یک جمله اضافه شود که «و جلوگیری از استثمار کودکان» چون این مسأله در اینجا باید گنجانده شود و درست مربوط به همین مطلب است، چون بعضی از خانواده‌ها که وضع مالیشان خوب نیست بچه‌ها را زودتر از وقت معین، به کار می‌فرستند.

**نایب رئیس** — اگر این مطلب را در اصول مربوط به کار اضافه کنیم بهتر نیست؟

**رشیدیان** — من فکر می‌کنم چون در این اصل، خانواده هم مطرح میشود اگر به نحوی این جمله‌ای که‌عرض کردم اضافه شود خیلی مؤثرخواهدبود. مطلب دیگرهمان‌مطلبی‌است که آقای‌صافی فرمودند که دراینجا دادگاه‌اختصاصی را ما نقض کرده‌ایم. و مطلب‌سوم‌اینکه در بند چهار که نوشته شده «ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان وزنان سالخورده و بی‌سرپرست» به‌جای بیمه بنویسیم «تکفل»، چون بیمه معنای خاصی دارد و در ارتباط با بعضی از قوانین و مقررات قراردادی است، و اما این بند پنج یعنی «اعطای قیمومیت فرزندان به‌مادران شایسته درصورت نبودن‌ولی شرعی» چه ضرورتی داشته که در اینجا بیاوریم؟ این یک چیز بدیهی و ثابت است و شما با آوردن این بند، مطلب تازه‌ای را بیان نمی‌کنید، یعنی قوانین و احکام ساده و جزئی اسلام را در قانون اساسی ذکر می‌کنید که لزومی ندارد.

**نایب رئیس** — آقای رحمانی؟

**رحمایی** — بنده با بند اخیر مخالف هستم و همچنین با دو سطر اول که درصدر این اصل نوشته شده، هروقت نوبتم شد دلایلش را عرض میکنم.

**نایب رئیس** — آقای کیاوش تذکر جنابعالی چیست؟

**کیاوش** — من پیشنهاد می‌کنم در اینجا اضافه شود «احقاق حقوق کامل زن در هنگام متارکهٔ احتمالی».

**نایب رئیس** — بسیار خوب، آقای طاهری اصفهانی.

**طاهری اصفهانی** — از بس ناراحت شدم برای بعضی حوادثی که اتفاق می‌افتدمتأسفانه مطالب همهٔ آقایان را دقیقاً نشنیدم، بخصوص که بعضی دوستان هم آهسته صحبت‌میفرمایندو من نشنیدم و نتوانستم توجه کنم. اینست که اگر مطالبم تکراری است و قبلا آقایان فرموده‌اند، می‌بخشید. اینجا شما خواسته‌اید برای حقوق زن یک اصلی را تنظیم کنید، ولی در خلال‌این اصل در یکی از بندها آمده است «حمایت ازکودکان بی‌سرپرست»، این چه ربطی به حقوق

و شخصیت زن دارد؟ یکی هم مطلبی که از جناب آقای صافی شنیدم، «ایجاد دادگاه صالح حفر کیان و بقای خانواده» چه دادگاهی می‌تواند باشد ؟ و چگونه این دادگاه می‌تواند بقای خانواده را طبق موازین شرع متکفل شود؟ اعطای قیمومیت هم با ولی یا نایب ولی شرعی است، یعنی کسی که از طرف ولی برای این سمت‌ها تعیین شده، بنابراین ممکن است ربطی با دولت پیدا نکند، و بعلاوه لازم نیست قیمومیت به‌مادران شایسته داده شود. ممکن است در در بعضی مواقع، به عللی و به‌جهاتی غیر مادر را انسب بدانند. برای اینکه کارهای بیشتری را می‌تواند تقبل کند و به عهده بگیرد.

**نایب رئیس** — آقای دکتر ضیائی؟ (دکتر ضیائی — من‌مخالفم.)آقای‌منتظری‌بفرمائید.

**منتظری** — من‌هم چندتاتذکر دارم، یکی‌اینکه مسأله «حمایت‌ازکودکان بی‌سرپرست» یک اصل دیگر بود بدینصورت «حقوق زن و کودکان» یعنی اگر بنویسیم «دولت موظف است شخصیت، حقوق زن و کودکان را الخ...» آنوقت می‌توانیم یک بند هم در اینجا بنویسیم که در آن حمایت از کودکان بی‌سرپرست مطرح شود، یعنی من می‌گویم درصدر اصل، کلمه «کودکان» اضافه شود و در نتیجه «حمایت ازکودکان بی‌سرپرست» هم به صورت یک بند درآید. یکی هم بندپنج، که فکر نمیکنم به‌دولت مربوط شود، این مربوط به حاکم شرع است و او هم هرچه مصلحت بداند عمل می‌کند.

**نایب رئیس** — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — عبارت «دولت موظف است شخصیت زن را تضمین نماید» معنی صحیحی ندارد.معنای صحیح‌آن‌همان است‌که در بندیک آمده یعنی «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن واحیای حقوق مادی ومعنوی او».

**نایب‌رئیس** — به‌نظر من هم عبارت باید بهتر وجامعتی باشد وطوری بنویسیم‌تابا کرامت زن سازگارتر باشد.

**منتظری** — باید بنویسیم « دولت موظف است حقوق زن وکودکان را در تمام جهات‌با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید .»

**نایب‌رئیس** — فکر نمی‌کنم کلمهٔ کودکان در اینجا ضرورتی داشته باشد. آقای قرشی شما فرمایشی داشتید ؟

**قرشی** — دربند سه این اصل که‌نوشته شده «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان وبقای خانواده به‌نظر من خیلی درست نیست اگر اینطور بنویسیم« ایجاد دادگاه خانواده از طریق دادگستری» ،که مطابق آیه قرآن باشد، «فابعثواحکمامن‌اهله من‌اهلها» ، بهتر است. همینطور عبارت «اعطای قیمومیت» که معنی خیلی وسیعی دارد ومعلوم نیست مقصود چیست، واز طرفی دیگر احساس میشود که این اصل یک «پروپاگاندی» است که شما بگوئید ماطرفدار حقوق زن هستیم.

**نایب‌رئیس** — آقای یزدی شماهم مطلبی دارید؟

**یزدی** — بله ، من اول اسم نوشتم وفقط یک‌جمله عرض داشتم.

**نایب‌رئیس** — قبل از شما هم‌عده‌ای اسم نوشته‌اندوآنها هم حتماً یک‌جمله‌بیشترندارند.

**یزدی** — بنظرمن این عبارت « ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت‌زن....»یک شعار است‌وبایدحذف شود، چون‌در بنددو به‌بعد همان مطلب را دارد وعبارت بندیک‌جزشعار

هیچ چیز دیگری دربرندارد.

**نایب‌رئیس**— بله، اگر عبارت را درصدر اصل بدینصورت‌بنویسیم« دولت موظف است حقوق زن را درتمام جهات تضمین کند وامور زیر را انجام دهد» وبعدهم دربند یک اینطور بنویسیم که: «ایجاد زمینه‌های مساعد برای استقلال ورشد شخصیت‌زن....»

**منتظری** — اگر کلمه«کودکان» را در صدر اصل اضافه نکنید، باید در بند دو عبارت « حمایت از کودکان‌بی‌سرپرست » را هم بردارید.

**خانم‌گرجی** — «استقلال» در همین بندیک لازم است که‌باشد وصدراصل‌هم بایدبهمین صورت که‌هست بماند .

**نایب‌رئیس** — شما به‌این نکته توجه نفرمودید وآن اینست که وقتی بگوئید «دولت موظف است شخصیت زن را تضمین نماید.» آنوقت....

**خانم‌گرجی** — «دولت موظف است استقلال وشخصیت وحقوق زن را تضمین کند.» این عبارت بهتری است.

**نایب‌رئیس** — ما «استقلال» را در بند یک آورده‌ایم دولت که نمی‌تواند شخصیت زن‌را تضمین کند.این، تعبیر خوبی نیست. « شخصیت» که تضمین کردنی نیست حتی شخصیت مرد راهم نمی‌شود تضمین کرد .

**خانم‌گرجی** — پس بنویسید «استقلال وحقوق زن».

**نایب‌رئیس**— بله، «استقلال وحقوق زن» خوب است.

**سبحانی** — کلمهٔ «استقلال» بحث‌انگیز است .

**نایب‌رئیس** — خوب ، آقای منتظری‌به‌عنوان مخالف وآقای مکارم هم به‌عنوان موافق صحبت میکنند وبعد رأی می‌گیریم. (دکتر غفوری — من هم‌عرض داشتم.) آقای غفوری قبل از شما هم عده‌ای نوبت‌گرفته‌اند واگر بخواهیم‌همه صحبت کنند، خیلی طول‌می‌کشد. اجازه بدهید نظم جلسه را حفظ کنیم.

**دکتر غفوری** — اصلا کلمهٔ دولت در اینجا غلط است . بسیاری از اینها باید به‌عهده قوهٔ مقننه‌باشد، قوهٔ مقننه که دولت نیست.

**نایب‌رئیس** — دولت باید لایحه تهیه کند. آقای منتظری بفرمائید.

**منتظری** — من وجوه مخالفتم را گفتم. یکی اینکه در سطراول باید کلمه «شخصیت» را بزنند. یکی اینکه بایستی طوری عبارت تنظیم شود که« حمایت ازکودکان‌بی‌سرپرست»هم در سطراول گنجانده شود ، یعنی من‌معتقدم که در صدراصل بنویسیم «دولت موظف است‌حقوق زن و کودکان بی‌سرپرست را الخ...»

سوم اینکه « ایجاد دادگاه‌صالح» هم ما صبح گفتیم که دادگاه خصوصی نیست مگر اینکه‌با قرآن تطبیقش دهیم که «فابعثواحکما من‌اهله وحکما من‌اهلها.» این بند پنج هم‌قطعاً غلط است. برای اینکه‌می‌گوئید دولت موظف است، یعنی برایش واجب است که‌به‌مادرقیمومیت بدهد. حالا اگر مجتهد یادادستان تشخیص داد که غیر مادر بهتر می‌تواند مال بچه را حفظ کند ، طبق آنچه شما اینجا نوشته‌اید دولت الزام دارد که قیمومیت را به مادر بدهد و این درست نیست.

**دکتر قائمی** — نکته مهمی است که کسی نگفته.

**نایب‌رئیس** — کتباً مرقوم بفرمائید وبفرستید. آقای مکارم به‌عنوان موافق صحبت می‌کنند ، بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . اولا این مطلب معلوم است که مدافع زنان ، تنها خواهرمان خانم‌گرجی نیستند بلکه همه آقایان هم هستند. علاوه براینکه‌اسلام دراینمورد تفاوتی قائل نمی‌شود ، موکلین ماهم ، هم‌زنها بودند وهم مردها، اینکه بعضی از روزنامه‌ها گاهی فقط خطاب به‌ایشان می‌کنند، مثل اینکه خیال می‌کنند ما آمده‌ایم تنها از حقوق مردها دفاع کنیم ، و من به‌عنوان موافق‌هم که اسم نوشتم با اینکه به‌جهاتی انسب‌بود خواهرمان خانم‌گرجی صحبت کنند...

**نایب‌رئیس** — ایشان هم صحبت‌می‌کنند .

**مکارم شیرازی** — بله، تا معلوم بشود که‌ماهم حداکثر دفاع را داریم می‌کنیم،واما این اصل، اصلی است که جنبهٔ شعار ندارد ویک‌واقعیتی است . ما هر واقعیتی را بخواهیم بگوئیم ممکنست کسی شکل شعار به‌آن بدهد . حقوق زن در جامعهٔ ما تا به‌حال براثر قوانین طاغوتی وامثال آن، خوب رعایت نشده است. حالا می‌خواهیم در جمهوری اسلامی حقوق زن رارعایت کنیم. اصل ننویسیم که شعار میشود ؟ باید بنویسیم، شعارهم نباشد بلکه واقعیات باشد . و اما اشکالاتی که جناب آقای منتظری وسایر آنان کردند من اجمالا یادداشت کردم وفشرده ، جواب عرض‌می‌کنم.

اول اینکه‌گفتند چرا در اینجا منعکس شده است دادگاهی برای حفظ کیان‌ومصالح خانواده تشکیل شده واین ، معنایش دادگاه اختصاصی است . در حالیکه این حرف درست نیست، چرا ؟ برای اینکه هم در فقه اسلام داریم وهم در جمهوری اسلامی عملا خواهیم داشت که مانعی ندارد شعب دادگاه‌های عمومی، هرکدام به‌یک‌مسأله‌ای رسیدگی کنند.مثلا یک‌شعبه فقط به خلاف‌های رانندگی رسیدگی کند یاشعبه‌ای باشد مربوط به‌مسائل خانواده . این ، در عین اینکه دادگاه اختصاصی نیست، شعبه‌شعبه میشود واتفاقاً بهتر هم‌پیاده میشود چون این قاضی در اینگونه مسائل ورود بیشتری‌پیدامی‌کند این مسأله‌با فقه ماهم می‌سازددر کتاب قضا هم دیدم که مانعی ندارد قسمتی را به‌بعضی ازقضات واگذار کنند. پس‌این،معنای دادگاه اختصاصی نداردوهیچگونه اشکالی تولید نمی‌کند، واما اشکال دوم دربارهٔ مسأله قیمومیت بود که چرا اگرولی شرعی‌نباشد، قیمومیت به‌مادران شایسته واگذار میشود. اگر مادر شایسته باشد که خوب، غالباً اولویت دارد وبعلاوه با توجه به‌اینکه ولی امر یاولی صغاربابد رعایت غبطه کند ومسلماًدر زمان وعصر مارعایت‌غبطه اینست که این‌حق‌را به‌مادران‌شایسته واگذار کنند. حالا شما یک فرض نادری بیاورید که این مادر شایسته است اما یک کسی خیلی بهتر از او سراغ دارید که بتواند ولی شرعی باشد، من فکر می‌کنم این فرضی‌نباشد که‌مابتوانیم برطبق آن قانون اساسی تنظیم کنیم. واما اشکال سومی را بعضی از آقایان کردند که‌این،وظیفهٔ حاکم شرع است وچه‌ربطی به‌دولت دارد. فرض کردیم دادستانی است که مجتهد است وشورا عالی‌قضائی، مجتهدین هستند واولیاء امر،و زیر نظرآنها برنامه پیاده میشود وهرکسی نمی‌تواند ازگوشه‌ای بلندشود وقیمی برای اطفال بی‌سرپرست تعیین کند بلکه باید ازطریق‌حکومت‌اسلامی آنهم زیر نظر مجتهدین تعیین شود . پس در بند آخر هم‌هیچگونه اشکال شرعی ندارد، واما اینکه‌بعضی‌ها فرمودندبه‌جای «بیمه» کلمه«تکفل» نوشته شود ، ما دربحث‌بیمه، بیمه را آنچنان

نوشته‌ایم که مسأله تکفل، در تحت عنوان بیمه ، اگر مراجعه بشود، افتاده‌است، واما اینکه گفتند چرا «کودکان بی‌سرپرست» در اینجا آمده است؟ این یک تناسب بسیار نزدیکی بامسأله زنانی که‌فاقد همسرند دارد وغالباً اینها را به‌هم‌عطف‌می کنند. ولذا دادگاه‌هائی که‌سابقاًدربارهٔ خانواده هم بحث میکرد، تعیین تکلیف کودکان بی‌سرپرست هم درهمان‌جا میشد، ایندومطلب منافاتی ندارد اگر باهم در یک‌اصل ذکرشود . وتنها چیزی که بنده فکر می کنم اگر اینجا اضافه شود عیبی ندارد، در اینجا که نوشته‌شده «....وامور زیر را انجام می‌دهد» کلمه«ازجمله» دراول آن اضافه شود. یعنی به‌عنوان« از جمله» این بندها در اینجا بیاید که‌تنها اختصاص به‌این امور نداشته باشد ومسائل دیگر را هم شامل بشود .

**نایب‌رئیس**— خانم‌گرجی، شما موافق دوم هستید. اگر مطلبی دارید بفرمائید.

**خانم‌گرجی**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. السلام علیکم و رحمةالله و برکاته. از اینکه صدایم‌گرفته و نمی‌توانم بخوبی صحبت کنم، معذرت می‌خواهم. اینکه فرمودند چرا دولت موظف است، البته منظور این نیست که هیأت دولت باشد، چون هر کاری مربوط به‌گروه‌خاصی است که انجام شود . پس بنابراین دولت اسلامی ، مربوط به همان گروه خاص خودش این وظیفه را انجام می‌دهد، و باز همانطورکه عرض کردم در اول این اصل باید نوشته شود «دولت موظف است استقلال و حقوق انسانی زنان را الخ...» کمااینکه در جلسه اول هم‌گفتم بحث از حقوق زن نیست، بحث از حقوق یک انسان است و حقوق انسانی زنان مطرح است. ما نمی‌خواهیم زن و مرد را از هم جدا کنیم . یک زن، یک مرد، هردو واحد انسانی هستند و بعد هم دنبال عبارت بالا باید نوشته شود «... حقوق انسانی زنان را در تمام جهات با رعایت موازین عدل اسلامی تضمین کند.» دولت اسلامی باید استقلال و حقوق انسانی زنان را تضمین کند، حالا به هر وسیله و به عهدهٔ هرگروهی که می‌خواهد واگذار کند، بکند کجای این اصل خلاف شرع است؟ تا آنجائی که ما یادمان است و همین الان هم جناب آقای صدوقی فرمودند، اگر شخصیت و حقوق زنان را فقط درکتابهای تاریخ بخوانیم، بااینکه من در پیشگاه ایمان ایشان سر تعظیم فرود می‌آورم که در بیانات خودشان فرمودند که خواهری درکنار برادر خودش دویست مرد رزمنده سلحشور را به خاك و خون کشید ولی باز فرمودند که زنان در بعضی موارد قدرت کارآئی ندارند و امروز بار دیگر چشم مردان‌جهان و چشم مکتب اسلام روشن به‌آن دختری، چون دختر علی، کنندهٔ در خیبر، اززیر چادرش، قیچی آهن‌بر را درمی‌آورد و باز دختری در این کار پیش‌قدم میشود. حالا چگونه ما نمی‌توانیم این کارها را انجام بدهیم؟ اگر در طول تاریخ ، زنان را عقب گذاشتند امروز شما من این را بارها گفته‌ام به عنوان کسی که از اصل ولایت فقیه و از این قانون می‌خواهد حمایت و دفاع کند، انتظارات زیادی داریم . همانطورکه پیغمبر (ص) هم فرمود «امنا رسل» کاری که پیغمبران کردند، شخصیت انسانها را زنده کردند، همان کاری که امام در حال حاضر دارد می کند و دائماً به ما شخصیت می‌دهد، به عناوین مختلف در هر کاری، اول پای خواهران را به میان می کشد. چون حقوق اینها سابقاً از بین رفته و این نهادهای انسانی قبلا در وجود ما مرده است. باید اینها را از قوه به فعل درآوریم. درست نیست که دوباره به عقب برگردیم. هیچکدام از این اصلها و بخصوص این اصل مخالف اسلام نیست و در شأن زنان هم نیست که بگوئیم زنها این کارها را نمی‌توانند انجام دهند. قبلا هم درکمیسیون‌داخلی

عرض کردم که از نظر لیاقت، این اسلام و این قرآن و این سورهٔ نمل است که آن شعور و آن شخصیت و آن بینش سیاسی زن را بیان می‌کند در آنجا که می‌گوید: «ان‌الملوك اذا دخلوا قریة افسدوها» برای مردان ابر قدرت سیاسی باید این کلام را با آب طلا نوشت. ما قبول‌داریم که زن در اسلام، حکومت به معنای ولایت مطلق را، طبق قانون قرآن، نمی‌تواند انجام بدهد، ولی نه اینکه لیاقت نداشته باشد. من خودم‌گردن در مقابل اسلام نهاده‌ام و تا آخرین قطرهٔ خونم و زندگیم از اسلام دفاع می‌کنم، ولی با بودن ولایت فقیه، بقیهٔ کارها در دست زنها، به‌عنوان یک مجری و یک وکیل، اشکالی ندارد. امام فرمودند که زن می‌تواند طلاق بدهد. پس اینها برای زنها چیزی نیست که شما فکر کنید خلاف اسلام است. اینها احیای ارزشهای اسلام است که ببینیم اسلام چکار کرده وچگونه‌شخصیت‌ها وارزشها را رشد داده است. به هرحال من معتقدم که باید این اصل با این عبارت شروع شود که «دولت موظف است استقلال و حقوق انسانی زنان را در تمام جهات با رعایت موازین عدل اسلامی تضمین کند» و همانطور که برادر مکارم فرمودند بعد از آن هم نوشته شود « و از جمله امور زیر را انجام دهد» کلماتی را که ما در اینجا می‌آوریم، علمای ما نوشته‌اند و اینها حافظ دین در زمان غیبت امام هستند و ما مدیون آنها هستیم. بگذریم، در بند یکم نوشته‌ایم:

«ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» زمینهٔ مساعد برای رشد شخصیت زن، زنهای زینب‌گونه که امیدواریم تعدادشان زیاد شود و دنیا گلستان گردد، و «الجنة تحت اقدام‌الامهات» لااقل مشخص شود، و ما در مقابل جهان همانطورکه همهٔ قوانین ارزندهٔ اسلام را ارائه و ارجاع می‌دهیم و سرافراز وگردن بلند که نگذاشتند تا به‌حال اسلام شناخته شود، امروز عملا این کار را می‌کنیم کمااینکه زنان در کارها وارد شده‌اند و امور کارها را به دست‌گرفته‌اند و دولت اسلامی باید این امور راگسترده کند و مسأله دیگر، مسأله حمایت از مادران است، بخصوص در دوران بارداری و حضانت و من می‌خواستم پیشنهاد کنم برای بچه‌های زنان شاغل و همچنین در دوران بارداری و حضانت فرزند، هم قیدی در اینجا اضافه شود ، و مسأله ایجاد دادگاه صالح هم همانطورکه جواب داده شد، «فابعثوا حکما» ناظر به کیست و به چه کسی می‌گوید؟ به مردم کوچه و خیابان؟ به دادگاهی دارد می‌گوید «فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها» حالا اگرشعبه‌ای از شعب دادگاه وجود داشته باشد که زنان را در دادگاه که ما گفته‌ایم باید علنی باشد ، به میان مردم نیاورند بهتر است که برای حفظ شئون زن و حفظ شئون خانواده، چنین دادگاه صالحی ایجاد شود. البته ان‌شاءالله خانواده‌های ما دیگر دعوائی نخواهند داشت و اگر زنان و مردان به آن درجه از رشد فرهنگی برسند امیدواریم اصلا در این دادگاهها باز نشود و ما نیازی نداشته باشیم که دومرتبه دادگاهی داشته باشیم. پس این هم بر خلاف موازین اسلام نیست. در بند دیگرگفته‌ایم «ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست» که به نظر من بسیار خوبست. با آن نحوهٔ فرهنگ غلطی که تابحال بوده و اینگونه زنان هیچگونه استقلال مادی‌وفرهنگی نداشتند، وقتی شوهرمی‌میرد یک موجودعاطل‌وباطل‌وگرسنه‌ومانده، در اجتماع سرگردان می‌ماند ، و حالا باید دولت اسلامی ما کاملا این اصل را رعایت کند . در بند دیگر آمده است که «اعطای قیمومیت فرزندان به‌مادران شایسته» یعنی مادری که شایسته است ولیاقت داردقیمومیت فرزندش را به‌عهده می‌گیرد. یکی‌ازبرادران‌گفتند که شایسته‌تر. من

سؤال می‌کنم که اگر بچه‌ای، پدری داشت و مرد دیگری شایسته‌تر از این پدر بود، آیا قیمومیت فرزندش را به آن مرد می‌دادید؟ پس در اینجا هم مادر شایسته، ارجحیت و اولویت دارد، چون بچه تعلق به او دارد. خود قرآن میفرماید : «والوالدات یرضعن اولادهن» بچه مال مادر است ، این را از او نگیرید ، همه زندگی و جانش را روی بچه‌اش گذاشته است ، چرا باید بچه را از او بگیرند؟ حالا اگر شایسته‌تر از مادرش بوده، خوب، باشد. من هم ممکن است شایسته‌تر از مادر یک بچه‌ای باشم، باید بچه مردم را نگهداری کنم؟ دلیلی ندارد، و اینکه فرمودند چرا دولت این قیمومیت را اعطا کند، دولت اسلامی است و زیرنظر امام کار میکند و با همان اصل ولایت فقیه ما میخواهیم که امام توجه خاصی روی مسائل زنان بفرمایند و زنان مستضعف ما را، که حتی نیروی فکر را هم از آنها گرفته‌اند، به ما برگردانند. البته در آخر همین بندگفته‌اند « در صورت نبودن ولی شرعی» که میخواستم بگویم «ولی» شرعی و عرفی ندارد و من میخواهم در اینجا یک بند به‌این‌شرح اضافه کنید. «اقدام به‌تجدیدنظر در رفع تبعیضات نابجا در قوانین مربوط به زن» تا قوانین مربوط به زنان پاکسازی شود و در آنها تجدید نظر به عمل آید، کمااینکه خود قضات هم که به اینجا تشریف آوردند فرمودند که باید در این قانونها یک تجدید نظر و پاکسازی بشود. من معتقدم به‌هرحال باید یک تجدید نظر درقانون مربوط به‌حقوق زن بشود، البته من نمی‌گویم ازکتابهای‌خارجی،بلکه ازکتابهای خودمان که بزرگان دینی و دانشمندان اسلامی ما نظیر شما برادران آنها را نوشته‌اند، این قوانین را استخراج کنید و با تجدید نظر در اینگونه قوانین، حقوق زن را در جامعهٔ اسلامی امروز ما بیشتر کنید. در هر صورت این اصل ان‌شاءالله تصویب میشود و برادران هم حامی هستند و همگی رأی خواهند داد. عرض دیگری ندارم.

**نایب رئیس**— متشکر، با اجازهٔ دوستان فقط این «حمایت ازکودکان بی‌سرپرست» که ضرورتی ندارد در اینجا باشد و برای عده‌ای از برادران ایجاد شبهه کرده است و در اصل کلی آورده‌ایم، اگر موافقید آن را حذف کنیم و برای رأی‌گیری بخوانیم.

**رحمانی**— بند پنج موافق شرع نیست، باید اصلاح شود.

**منتظری**— «ایجاد بیمهٔ خاص» یعنی چه؟

**نایب‌رئیس** — بعضی ازدوستان درمورد بندچهار میگویند که‌ما قبلا یک‌اصل در این موضوع آورده‌ایم وتکرار آن در اینجا ضرورتی ندارد . (عده‌ای ازنمایندگان — درعین حال ذکرش در اینجا هم اشکالی ندارد.) خوب، پس اگر اکثریت موافقند که در اینجاهم‌ذکرشود عیبی ندارد در اینجا هم می‌نویسیم. من از آقای آیت خواهش میکنم که‌اصل سی‌وسه که قبلا تصویب‌شد ومربوط به‌بیمه است قرائت کنند تاهیچگونه شبهه‌ای برای دوستان باقی نماند.

«اصل۳۳ — برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، پیری، بیکاری، از کارافتادگی ، بی‌سرپرستی ، در راه‌ماندگی ، حوادث‌وسوانح ونیاز به خدمات بهداشتی ودرمانی‌و مراقبت‌های پزشکی بصورت بیمه وغیره ، حقی است همگانی. دولت مکلف‌است طبق قوانین‌از محل‌درآمدهای عمومی ودرآمدهای حاصل ازمشارکت‌های مردم، خدمات وحمایت‌های مالی فوق را برای یک افراد کشور تأمین کند.»

**ربانی شیرازی** — پس بنویسید: «تأمین اجتماعی خاص‌بیوگان ....»

**دکتر شیبانی** — آقا ، رأی بگیرید ، بحث کافیست.

**پرورش** — زنان‌سالخورده را خود خانمها هم قبول ندارند این را حذف کنید (خنده نمایندگان) .

**نایب‌رئیس** — قرار نبود دوستان مطایبه بفرمایند.

**خزعلی** — جناب آقای بهشتی ، یک‌اشکالی در ذهن بعضی از آقایان هست‌اگر اجازه میدهید به‌اندازهٔ یک‌دقیقه صحبت شود تا رفع اشکال آقایان گردد . این«اعطای قیمومیت فرزندان به‌مادران شایسته» هنوز در ذهن آقای منتظری وآقای صافی خلاف شرع می‌آید واز یک‌جهت هم درست‌است، چون مادر شایسته بود ولی عمو، شایسته‌تر، بایستی مثلارعایت عمو بشود؟ ولی دراصل‌چهارداشتیم که هر قانونی که بگذرد اطلاق وعمومش بااین تقیید میشود ، یعنی اگر ما ، در موردی دیدیم که عموشایسته‌تر است آن اصل‌چهار تقیید میکند پس خلاف شرع نیست.

**نایب‌رئیس** — من برای اینکه‌آقای صافی وجناب منتظری توجه بفرمایند عرض میکنم که‌ازموقعیکه بحث جمهوری اسلامی شروع شده‌که حتی هنوز بحث قانون اساسی‌هم مطرح نبود نامه‌های زیاد ومتعددی چه از مادرها وچه از بچه‌ها رسیده‌که به‌جای اینکه‌مادرها قیم ماباشند واموالمان در دست آنها باشد ، عملا به‌دست دیگران داده شده ودچار اینگونه‌عوارض شده‌ایم . در ذهن آنها این بوده که‌گوئی اصولا مادر را از قیمومیت محروم میکنند. البته‌اگر توجه داشتند که اینطور نیست طبعاً چنین اعتراضی هم نمی‌کردند . این است که اگر در قانون اساسی ذکر شود که‌اگر مادرشایسته باشد ، با تساوی‌با دیگری تقدم دارد ، هیچ عیبی نخواهد داشت. یعنی اگر یک‌مادر وحتی عمو از نظرغبطه فرزند از جهاتی مساوی‌باشند، مادر اولویت دارد وهمهٔ ماهم قبول داریم که‌مادر اولویت خواهد داشت.(دکتر شیبانی— چرا اصل‌رابرای رأی نمی‌خوانید.)

**دکتر نوربخش** — قسمت چهارم این اصل یک‌مقداری زنندگی دارد این است که‌اگر بنویسیم: «تأمین اجتماعی خاص‌زنانی که ازحمایت مادی خانواده برخوردار نباشند»خیلی‌بهتر است .

**نایب‌رئیس** — چون این اصل‌شایسته است بارأی بیشتری تصویب شوداگرموافقیددر بند پنج بنویسیم: «اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنان در صورت نبودن ولی شرعی» (صدوقی — بسیار خوب است ، با همین عبارت رأی بگیرید .)

**مقدم مراغه‌ای** — من هم‌عرض داشتم. البته ما یک اصلی جداگانه پیشنهاد کرده‌بودیم ولی بهرحال اگر در اینجا کلمهٔ بی‌سرپرست را بردارید وحمایت از کودکان بطوراعم نوشته شود وجامعه از همهٔ کودکان بطور مطلق حمایت کند، بهتر است ونظر ما تأمین‌میگردد .

**خانم‌گرجی** — در اول این اصل هم همانطورکه عرض کردم باید نوشته شود« حقوق انسانی زنان» .

**کرمی** — ماباید کلامی بگوئیم و بنویسیم که مفاد داشته باشد (همهمه نمایندگان)

**نایب‌رئیس** — پس اگر موافق باشید اصل ۲۰/۲ را برای رأی‌گیری میخوانیم:

**اصل ۲۰/۲ (اصل بیست و یکم)** — دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید وامور زیر را انجام دهد :

۱ — ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن واحیای حقوق مادی ومعنوی او.

۲ — حمایت مادران ، بالخصوص دردوران بارداری وحضانت فرزند وحمایت‌ازکودکان بی‌سرپرست .

۳ — ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان وبقای خانواده .

٤ — ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده وبی‌سرپرست.

٥ — اعطای قیمومیت فرزندان به‌مادران شایسته در جهت غبطه‌آنان،درصورت نبودن ولی شرعی .

**نایب‌رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید .

(اخذ رأی به‌عمل آمد ونتیجهٔ آن به‌شرح زیر اعلام شد )

**نایب‌رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه وهشت‌نفر، تعداد کل‌آراء پنجاه وهشت رأی، موافق پنجاه وسه‌نفر، مخالف یک‌نفر، ممتنع چهارنفر،تصویب شد. تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیرگفتند).

ضمناً برادر بسیار عزیزمان که من همیشه عرض کرده‌ام ایشان را باهمه‌خصوصیاتشان دوست داشته‌ام ، یعنی جناب آقای‌حجتی کرمانی‌یادداشتی مرقوم فرموده‌اند وخواسته‌اند که آنرا بخوانم:

« بااینکه به‌رأی‌گیری اعتراض دارم‌از اینکه باتعبیرتندی مطلب را اداکردم‌از شما و مجلس عذر میخواهم.»

من هم شخصاً از جنابعالی آقای حجتی عذر می‌خواهم وتشکر میکنم.

## ۸ — پایان جلسه

**نایب‌رئیس** — جلسه بعدی فردا صبح ساعت ۹ خواهد بود .

(جلسه ساعت هفده وپنجاه وشش دقیقه پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ شصت و چهارم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۹/۳۰ دقیقه روز ۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیستم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

## فهرست مطالب:


۱ — اعلام رسمیت جلسه. .....
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۵۶/۱ (اصل یکصد و هفتادو یکم). .....
۳ — طرح اصل ۲۹ .....
۴ — طرح اصل ۱۱۵ .....
۵ — طرح و تصویب اصل ۸۲ (اصل نود و نهم). .....
۶ — طرح و تصویب اصل ۲۴ (اصل هجدهم). .....
۷ — طرح اصل ۸۸/۱ .....
۸ — طرح اصل ۵۴ .....
۹ — پایان جلسه. .....

## ۱ — اعلام رسمیت جلسه

**رئیس** — اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. جلسه رسمی است. اخوی برادرمان جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای قرشی مرحوم شده‌اند ما ضمن تسلیت به ایشان از آقایان ودوستان استدعا می‌کنیم که برای شادی روح آن مرحوم قیام فرمایند و یک سوره حمد و قل هوالله بخوانید.

(همه حضار در حال قیام سوره حمد و قل هوالله را خواندند.)

**رئیس** — اللهم اغفرللمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع اللهم بیننا و بینهم بالخیرات.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۱۵۶/۱ (اصل یکصد و هفتادو یکم)

**رئیس** — اصل ۱۵۶/۱ مطرح است و متن آن قرائت می‌شود.

«اصل ۱۵۶/۱ — هرگاه براثر خلاف یا اشتباه قاضی درموضوع یا در حکم یا درانطباق حکم برمورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت مقصر بودن قاضی خسارت توسط او و در غیراینصورت به وسیله دولت جبران و از متهم اعاده حیثیت می‌شود. تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر قاضی با دیوانعالی کشور است.»

**رئیس** — خوب، این اصل این همه اشکال دارد؟ آقای فوزی شما موافقیدیا مخالف؟ (فوزی — بنده یک تذکری دارم.) خوب، شما آقای جوادی مخالف هستید یا موافق؟ (جوادی بنده هم یک توضیحی دارم.) آقای موسوی اصفهانی شما؟ (موسوی اصفهانی — بنده اشکال کلی دارم.) آقای هاشمی‌نژاد جنابعالی آیا با این اصل موافقید یا مخالف؟ (هاشمی‌نژاد — بنده هم تذکری دارم.) آقای خامنه‌ای شما هم درباره این اصل نظری دارید بفرمائید. (خامنه‌ای — همچنین بنده هم تذکر دارم.) آقای مشکینی؟ (مشکینی — تذکر دارم.) خوب، الحمدلله بیشتر آقایان تا اینجا تذکر دارند. آقای دکتر غفوری جنابعالی فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — بنده می‌خواستم یادآوری نمایم که در صورت مقصر بودن قاضی...

**رئیس** — بنده نظرم این است که با این اصل موافق هستید یا مخالف؟ نظرتان را بفرمائید.

**گلزاده غفوری**— بالاخره بنده می‌خواستم مطلبی را عرض بکنم و آن این است در صورت مقصر بودن قاضی اگر امکان جبران را قاضی نداشت بایستی در این مورد خود دولت جبران نماند.

**رئیس** — آقای آیت؟ (آیت — بنده یک تذکر توضیحی دارم.) پس همه تذکر دارند.

آقای فاتحی چطور؟ موافق هستید یا مخالف؟ (فاتحی — بنده موافقم.) آقای مکارم جنابعالی؟ (مکارم شیرازی — بنده هم همینطور تذکر دارم.) خوب، الحمدالله، آقای حیدری؟ (حیدری — تذکر دارم.) خوب، شما آقای فوزی تذکرتان را بفرمائید.

**فوزی** — در اینجا داشتیم «هرگاه در اثر خلاف یا اشتباه قاضی» تا می‌رسد به عبارت «در صورت مقصر بودن قاضی» البته تقصیر یا قصور در اشتباه مصور می‌شود، ولی اگر خلاف بکند باید بگوید در صورت متخلف بودن قاضی...

**رئیس**— آقای فوزی شما اینطور حساب می‌کنید آن قاضی که خلاف کرده مقصر نیست؟ ما یک موقع کسی جاهل است می‌گوئیم قاصر، یک موقع تقصیر آن اعم است به آن تقصیر می‌گوئیم اینها با هم فرق دارند.

**فوزی** — آقای منتظری، آن مقصر نیست، آن خلاف کرده به ایشان متخلف می‌گوئیم و اگر در این مورد او در کارش قصور و یا تقصیر کرده در این صورت متخلف محسوب می‌شود.

**رئیس** — در تخلف هم تقصیر صادق است، مقصر اعم است از این جهت که خلاف کرده باشد و یا اینکه اشتباهش از این جهت است که در مقدمات امر تحقیق کافی نکرده باشد، پس در هر دو مورد آن را مقصر گویند. خوب، آقای جوادی شما؟

**جوادی**— عرض می‌شود که این که در عبارت متن اصلی نوشته شده که «در صورت‌مقصر بودن قاضی، خسارت توسط او» آنکه در متن فعل هست که در صورت تلف است که اگر باحکم قاضی چیزی تلف شد و از بین رفت، این دو صورت دارد. یکی اینکه اگر این کار و ضرر باحکم قاضی عمدی بود بایستی خود قاضی جبران‌خسارت نماید و دوم اینکه واگرعمدی نبودبیت‌المال ضامن است بایستی جبران بشود و از بیت‌المال بایستی پرداخت نمایند، ولی اگر روی حکم قاضی مالی را به کسی دادند و کسی هم متضرر شد و آن مال موجود است روی تعادل عینی این صاحب مال که متضرر است اگر هرجا مالش را دید و مشهود نمود بایستی مالش را بگیرد. این یک مسأله...

**رئیس** — بله، همینطور که فرمودید ضمانت دارد و حق گرفتن مال‌خود را دارد و اما آن چیزی که فرمودید...

**فوزی** — و مسأله دوم این است که حق ضمانت دارد که شخص متضرر مالش را بگیرد، و این حق ضمانت است به قاضی که مال از بین رفته باشد و مال تلف شده پیدا نشود، ومسأله متعادل عینی درکار نباشد، و این که نوشته شده «خسارت توسط او» باید نوشته شود «به‌عهده» چون این توسط او یعنی به خاطر اینکه سمتی دارد و یا اینکه ازکار برکنار شد و یا بازنشسته شد دیگر این وساطت را ندارد. اگرمی‌فرمائید مسأله با تضمین ضمان است تضمین بایستی با تعادل عینی در نظر گرفته شود. تضمین بایستی طوری نوشته شود که اگر مال عیناً موجوداست، صاحب‌مال وصاحب عینی مالش را هرجا پیدا کرد می‌تواند مالش را تصاحب کند وبه‌تملک خودش در بیاورد. یکی هم اینکه اگر مالش را پیدا کرد که از زیر دستش ظالمانه گذشت قاضی مقصر است و اگر به حکم قاضی چیزی تلف شد با تضمین گرفتن تعادل عینی در اینصورت شامل هر دو حال میشود.

**رئیس** — «در صورت مقصر بودن» قاضی ضامن است که ضمانت کند، بله، بالاخره قاضی

مقصر هست و ضمانت دارد مسأله‌های دیگر نسبت به او دیگر یک مسألهٔ فقهی است.

**جوادی** — مسألهٔ حقوقی‌اش را در قانون اساسی نیاورید و آن قسمت که خیلی مهم‌است یعنی جبران این خطای قاضی و خسارت به شخص متضرر از بیت‌المال پرداخت گردد، اما در صورت عمد که متعاقب و جبران زیان او یکی از ضامنهای او است این را نمی‌شود در قانون اساسی منحصراً آورد.

**رئیس** — در صورت مقصر بودن، قاضی ضامن است و در غیر اینصورت...

**جوادی** — نه، در این صورت هم صاحب مال که مالش تلف شده باز میتواند به خود قاضی مراجعه نماید.

**رئیس** — در صورت تقصیر، قاضی ضامن است و در غیراینصورت به‌وسیله دولت بایستی جبران بشود. آقای صافی شما هم مطلبی دارید بفرمائید.

**صافی** — آقا، مفهوم این عبارت که فرمودید درست نیست شاید اینها را که فرمودید تقصیر از طرف قاضی نباشد و از طرف ضامن و یا از طرف شهود باشد و دولت هم در این خصوص ضامن نیست و بایستی کاری بکنید مشکل این امر حل بشود.

**رئیس** — خوب، کمی صبر و حوصله داشته باشید ان‌شاءالله مشکل حل میشود . آقای موسوی اصفهانی بفرمائید.

**موسوی اصفهانی** — بنده اشکالم رفع شد و دیگر عرضی ندارم.

**رئیس** — بسیار خوب، آقای خامنه‌ای بفرمائید.

**خامنه‌ای** — عرض میشود که یکی از مشکلات بنده این است که در وسط این اصل یعنی اصل ۱۰۶/۱ نوشته شده که «در صورت مقصر بودن» و در آخرش هم نوشته‌اید که «تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر قاضی» و اولش کلمه «خلاف» گذاشته‌اید ، پیداست که خلاف منظور همان تقصیر است. بنابراین مشهود شد که بعضی از برادران تصور میکنند خلاف یعنی همان تخلف در عرف قضائی به معنای تقصیر است تخلفات قضائی یعنی تقصیرات‌عمدی قضائی بنابراین «خلاف» را حتماً تقصیر بکنید که دوبار هم کلمه تقصیر آمده است که شامل آن هم بشود. مطلب دوم این است که در آن آخر نوشته شده که تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر قاضی به عهده دیوانعالی کشور گذاشته شده است . دیوانعالی قضات و دادگاه عالی انتظامی قضات مسئول این کار است و در آینده هم مسئول این کار خواهد بود بنابراین باید این کلمه «دیوانعالی کشور» را تبدیل به کلمه «دادگاه عالی انتظامی قضات» بنمایید.

**رئیس** — آقای خامنه‌ای، ما اینجا دادگاه عالی انتظامی قضات ننوشتیم ولی نوشتیم که دیوانعالی کشور... آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — عرض میشود که یک قسمت از تذکراتم را آقای جوادی جوابش را دادند به نظر من این جمله را بایستی این‌طور اضافه کنیم و بنویسیم: «در صورت مقصر بودن قاضی، خسارت توسط او، و در غیر اینصورت به وسیله دولت طبق موازین اسلامی» اینجا قید بشود بهتر است که قطعاً تمام آن خصوصیات را شامل میشود هرگاه مسأله، مسأله مالی و یا غیرمالی باشد که همه را شامل میشود که فقط همه‌اینها بایستی برطبق موازین اسلامی‌مشخص و معلوم باشد و ضمناً در آنجا که ذکر شده «در اثر خلاف» تصور میکنم که به‌جایش «براثر خلاف» نوشته شود بهتر است.

**رئیس** — آقای مشکینی مطلبتان را بفرمائید. (مشکینی — خیلی متشکرم، مطلبی که داشتم گفته شد.) خیلی خوب، آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — بنده میخواستم مطلبی را عرض بکنم و یادآوری کرده باشم یکی اینکه مراجعه به قاضی به اعتماد دستگاه قضائی کشور است قاضی مانند آدم عادی نیست که مردم پیش او بروند و آن هم یک اشتباهی کرده باشد و ضمانت شخص خودش را داشته باشد. در واقع به اعتماد دستگاه قضائی کشور است که مردم به او اعتماد میکنند و او را امین میدانند و برای رفع مشکل و برای گشایش گره کارشان به قاضی مراجعه میکنند بنابراین بایستی پشتوانه ضمانت قاضی دستگاه قضاوت و دستگاه دولت باشد.

**رئیس** — آقای دکتر غفوری اگر قاضی عمداً هم خلاف کرد و حق مردم را ضایع کرد بایستی باز هم دولت جبران خسارت او را بکند؟

**گلزاده غفوری** — نه، اینطور نیست نظرم این است که مردم هر روز دنبال قاضی برای کارشان ندوند یعنی در مورد قضاوت بایستی دولت با قاضی طرف باشد نه مردم، که هر روز دنبال قاضی ندوند و او هم در جواب مردم بگوید «المخلص فی‌امان‌الله» دوم اینکه علاوه‌بر قاضی، قضات تحقیق هم هستند چه بسا اشتباه قاضی و حد تقصیر قاضی به خاطر جهاتی باشد که آن بازپرسها و قضات تحقیق هم دخالت داشته باشند. بنابراین هر کس که در این راه مقصر است، این از این جهت است که بیشتر درامورمحوله دقت نمایند و حکمی‌اشتباهاً صادر ننمایند. (همهمه نمایندگان)

**رئیس** — آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید سؤالی داشتید؟

**هاشمی‌نژاد** — نظر من هم این است که بایستی پشتوانه ضمانت قاضی خود دولت‌باشد که مردم بیشتر به آنها اعتماد داشته باشند.

**رئیس** — کار قاضی وابسته به وزارت دادگستری است و وزارت دادگستری عضوی از دولت است. آقای دکتر آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — عرض میشود که البته، در این اصل یک مورد خاصی هست و آن این است که خلاف و تقصیر قاضی هست که تشخیص تقصیر و یا عدم تقصیر آن به عهده دیوانعالی کشور محول شده است در این مورد اشکالی ندارد چون تقصیر است و محاکمه قاضی لازم نیست ولی از اصل این طوری استنتاج میشود که هر وقت قاضی کار خلافی و خطائی و عمداً انحرافی حاصل کرد همه اینها را بایستی در دیوانعالی کشور رسیدگی کرد، در حالی که ما بایستی اینطور بنویسیم: «تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر در این گونه موارد» یعنی موارد عمدی که درکارش هست و یا خلافی در امرش هست و یا اینکه خیانت میکند و یا به انحراف کشیده شده است‌بایستی در این مورد یک اصلی محکمی گذاشته شود که از هر نوع تخلف قاضی جلوگیری بشود قاضی به هیچ وجه راهی نداشته باشد که خلاف یا تقصیر بکند و مرجع خاصی باشد که فوراً به تخلفات قاضی رسیدگی نماید. یعنی اگر قاضی خلافش عمدی باشد پس قاضی نمی‌تواندباشد و بایستی در اینگونه امور رسیدگی و قاضی متخلف را محاکمه و در صورت مشاهده خلاف عمد بایستی از کار برکنار کرد. بنابراین به نظر من بایستی «تشخیص/ تقصیر یا عدم تقصیر قاضی با دیوانعالی کشور» باشد.

**رئیس** — آقای فاتحی شما مطلبی داشتید؟

**فاتحی** — می‌خواستم خدمت دوستان عرض کنم که فرق بین موضوع و حکم اینجا گذاشته شده است البته میدانید قانون اسلام از روی اسلوب صحیح مدون شده است و اشتباهی در حکمش نیست. وقتی در حکم اشتباهی نباشد پس قصور و تقصیر به چه‌معنا است؟ یعنی همه اینها برمیگردد باز به همان تخلف؟

**رئیس** — عرض میشود که یعنی میخواهید قصور را هم اینجا معنی بکنیم؟ آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — عرض بنده این است که این اصل بالاخره حاضر نیست که در این دو صورت خلاصه بشود اگر این موازین اسلامی را هم رویش بگذاریم دیگر حاضر نبودن اصل مشکل را حل میکند. و دیگر اینکه دیوانعالی کشور اینجا چکاره است؟ دیوانعالی کشور یک وظایفی دارد که بر دستگاههای قضائی نظارت بکند... (یکی از نمایندگان — بایستی دیوانعالی انتظامی باشد.) بله، دیوانعالی کشور مثل اینکه با این کار تناسبی ندارد.

**رئیس** — عرض میشود که در عبارت اصل ۱۴۸ اینطور آمده بود که: «دیوانعالی کشور به منظور نظارت براجرای درست قوانین در محاکم و ایجاد وحدت قضائی و انجام مسئولیتهائی که برطبق قوانین به‌آن محول میگردد براساس ضوابطی که شورایعالی قضائی تعیین میکند تشکیل میگردد» پس بنابراین اجرای درست در محاکم یعنی این است هیچ اشتباهی نکرده باشد. هیچکس در این مورد صحبتی ندارد.

**مکارم شیرازی** — قاصر و یا مقصر یک مسأله دیگری است و غیر از نظارت است. دیوانعالی کشور یعنی یک نوع نظارت است نه اینکه مشخص تقصیر و یا مقصر و یا عدم آن باشد.

**رئیس** — کسی که نظارت میکند که قوانین را درست اجرا کردند یا نه و تقصیر و یا مقصر آن را دادگاه عالی قضائی تشخیص میدهد، و دادگاه عالی قضائی را مگر به خود قضات پیش‌بینی نکرده‌ایم؟

**یزدی** — درباره تشخیص تقصیر و یا عدم تقصیر قاضی به نظام گذشته کاری نداریم که با چه مرجعی بوده و یا با دیوانعالی کشور بوده ما با این نظام فعلی کاری داریم که بادادگاه عالی قضات باشد و بحث ما در مورد نظام در حال حاضر است و ساختن سرنوشت آن در آتیه.

**رئیس** — اگر دوستان اجازه بفرمایند ببینیم دیگر کسی هست که سؤالی داشته باشد، آقای حیدری شما مطلبی داشتید؟

**حیدری** — عرض میشود، این عبارت «هرگاه در اثر خلاف یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم» اگر این خلاف باشد که همان مقصر است و یا اگر اشتباه باشد باز هم آخر سر ملحق به‌آن میشود که باز هم مقصر است. به‌نظر من اگر عبارت این‌طور نوشته بشود بهترخواهدبود: «هرگاه در اثر قصور یا تقصیر قاضی در تشخیص موضوع الخ...» و در اینجا هم خسارت‌به‌عهده اوست نه توسط او... و در صورت قصور قاضی، خسارت به عهده او است.

**رئیس** — آقای رحمانی بفرمائید.

**رحمانی** — بنده اینجا یک مطلبی داشتم و آن را میخواستم به عرض آقایان برسانم و آن این است که...

**رئیس** — آقای رحمانی جنابعالی تذکر داشتید بفرمائید.

**رحمانی** — تذکرم این است که درصورت تقصیر، دولت هم ضامن است مگر نه این است که دولت او را قاضی قرار داده است و به او حکم داده است و این قدرت را دولت به تشخیص قاضی داده است والا خود آن نمی‌توانست با قدرت خودش درکار مردم قضاوت کند پس در این صورت چون در انتصاب قاضی دولت دخالت داشته و دارد بایستی جبران‌ضرر و خسارت هم بکند. و اگر ثابت نشد که قاضی مقصر است دولت از جبران خسارت‌بری میباشد. موضوع دیگر این است که اعاده حیثیت بایستی از طرف دولت باشد . در امر حیثیت ، خسارت معنوی تفسیر نشده، و این هیچ اختصاصی به قاضی ندارد در مورد هر فرد هر وقت که دولت بتواند تشخیص بدهد خلافش را بداند قاضی باشد یا غیر قاضی باشد این بایستی برای همه مقصرین و قاصرین منظور شود. خلافی که میشود نبایستی بگویند که این قاضی است یا غیرقاضی است. قوانین اسلامی باید عطف به‌ماسبق هم صدق بکند یعنی اگر درگذشته کسی مجرم‌بوده و خلافکار بوده بایستی مشمول حال آنها هم باشد چون اسلام حد و مرز نمی‌شناسد وخسارتهائی که از طرف قضات به وقوع پیوسته است بایستی جبران خسارت بشود.

**موسوی تبریزی** — از آقایان خواهش میشود که در مورد این اصل اینقدر کش ندهند.

**رئیس** — آقایان اجازه بفرمایند نوبت آقای تهرانی است. آقای تهرانی بفرمائید.

**تهرانی** — خدمت آقایان همکاران عرض میشود که‌خودتان بهتر از من متوجه امور هستید که این اصل خیلی وسیع است و تمام نظرات ما را در بر می‌گیرد که واقعاً عبارت این اصل زیاد است بنده یک پیشنهادی دارم و آن این است که به جای اینکه بگوئید «قاضی یا دولت» اینطور گفته شود «زیان مادی یا معنوی» متوجه کسی باشد که مطابق موازین اسلام باشدو همچنین اعاده حیثیت از متهم بشود و کیفیت انجام حق هم با دیوانعالی کشور است اینطوری نوشته بشود شامل حال تمام قضات هم بشود و همچنین تمام شهود و شاهد و زیان مادی و معنوی و غیره را در بربگیرد.

**ربانی شیرازی** — دوستان اگر موافقت فرمایند عبارت اینطوری نوشته شود: «دولت‌موظف است زیان و ضرر او را برطبق موازین اسلامی جبران کند». و به‌نظر من هم همین اندازه کافی است و همچنین از متهم اعاده حیثیت بنماید.

**سبحانی** — پس با این کیفیت اجازه داده شود که متهم تند تند خطا بکند.

**ربانی شیرازی** — برطبق موازین اسلامی یعنی خود قاضی هم‌اگر خلاف کرد ضرر و زیان در مورد او هم اجرا میشود.

**رئیس** — آقایان اجازه بفرمایند و نظم مجلس را هم به‌هم نزنند و ضمناً بنده هم برای خودم نوبت گرفته بودم که صحبتی داشتم، آن را خدمتتان عرض کنم و آن این است که«هر گاه در اثر تقصیر یا تقصیرات یا اشتباه قاضی ضرر و زیان مادی یا معنوی از طرف قاضی به کسی متوجه بشود، درصورت تقصیر برطبق موازین اسلامی مقصر ضامن است (چه قاضی و چه‌بازپرس) و در غیر اینصورت دولت برطبق موازین اسلام ضامن است و دولت خسارت را جبران میکند و اعاده حیثیت متهم میشود».

**ربانی شیرازی** — آقایان توجه بفرمایند برای اینکه دولت آن قاضی را تعیین کرده حالا بر اثر تقصیر و اشتباه قاضی ضرر و زیانی به کسی متوجه شده، مردم که هر روز نمی‌توانند دنبال قاضی بدوند، بایستی دولت جبران خسارت بکند و از قاضی بگیرد و برطبق موازین اسلامی،

دولت عمل میکند.

**سبحانی** — آقای منتظری ، بحث ما در مورد قاضی است و غیرقاضی خارج از موضوع بحث ما است.

**رئیس** — درصورت تقصیر، مقصر ضامن است و طبق موازین اسلامی مقصر ضامن است و اعاده حیثیت متهم هم میگردد.

**سبحانی** — آقای منتظری ، این اصل ریشه حدیثی دارد «ماأخطأت القضاة تحت بیت‌المال‌المسلمین».

**ربانی املشی** — آقایان بنویسید جز در موارد تقصیر دولت ضامن است.

**رئیس** — اگر دوستان اجازه فرمایند دو تا پیشنهاد است. یکی اینکه «هرگاه در اثرتخلف یا اشتباه قاضی ضرر مادی و یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت اول قاضی ضامن است و در صورت دوم خسارات به وسیله دولت جبران میگردد و از متهم اعاده حیثیت میگردد. تشخیص تخلف و یا اشتباه قاضی با دیوان عالی قضات است». این یک پیشنهاد، اما پیشنهاد دوم این است که: «هرگاه در اثر خلاف یا اشتباه قاضی در موضوع و یا در حکم یا در انطباق حکم بر مورد خاص زیان و ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد آن زیان و ضرر مطابق موازین اسلامی تأمین میشود و نیز از متهم اعاده حیثیت میگردد.» مرجع تشخیص این دو امر و کیفیت انجام آن با دیوانعالی کشور است اما من نفهمیدم آنکه اول عرض کردم اشکالش چه بود؟ درصورت تقصیر مقصرضامن است برطبق موازین اسلامی این همه، تعاقب و کیفر را دربرمی‌گیرد و در غیر اینصورت دولت خسارات وارده را جبران نموده و از متهم هم اعاده حیثیت میگردد.

**صافی** — دوستان توجه فرمایند. اگر شاهد مقصر نبود ولی اشتباه کرده...

**جوادی** — آقایان توجه کنند، ضامن بودن و مقصر بودن خودش دو مسأله است مقصر بودن قاضی غیر از ضامن بودنش است. اگر به تقصیر قاضی کسی مال را گرفته به خیال خودش هم حق با اوست این به محاسبه تقصیر نیست و حال اینکه این شرعاً ضامن است.

**یزدی** — آقا مگر قرار است که تمام خصوصیات یک قاضی را در این اصل بیاوریم و در اینجا بگنجانیم.

**هاشمی‌نژاد** — آقای منتظری توجه فرمائید اینجا هدف یکی است یعنی اگر کسی زیان مادی و یا معنوی دید این جبران خسارت بشود و کیفیت انجام آن تعیین گردد.

**رئیس** — بسیار خوب، ما هم نظرمان همین است که میفرمائید. آقای میر مرادزهی سؤالی بود؟

**میرمرادزهی** — بنده در این اصل پیشنهاد میکنم و فکر میکنم از نظر ظاهری، اسلامی‌شده والا از نظر ماهیت و کیفیت چندان روشن نیست و یک طوری عبارت آن را بیاورید که خوب عبارتش گویاتر و رساتر باشد و همه کس متوجه معنای آن بشود، و فکر میکنم متن این اصل عوض شده است و حالا کمی مبهم به نظر میرسد و تمام تقصیرات و جزئیات آن نمی‌شود در این اصل گنجانده شود زیرامرجع این اصل خوب مشخص نشده است. قسمت‌دوم این است که دولت مکلف است اگر جبران حیثیت و ضرر و زیان مادی و معنوی را در حد معین که بر طبق موازین اسلامی تعیین کرده بایستی رفتار بشود و تمام اینها بایستی در قانون خوب مشخص بشود و حقی از هیچکس ضایع نگردد یعنی انشاءالله دادگستری مملکت ما در آینده از لوث‌و

ناپایداری و حق کشی پاک و منزه گردد و کاملا قانون حکومت اسلامی اجرا بشود، و یک حالتی باشد که بین قاضی و متهم و دولت تکلیف معلوم شود دیگر به جان یکدیگر نیفتند یعنی تمام اینها را قانون مشخص کند. این یک حالتی است که قانون بایستی بین دستگاه قضائی و یا مدعی خصوصی و یا متهم، خوب تشخیص بدهد. آقایان خوب میدانند شخص یا متهم و یا مدعی خصوصی که اختیارات قاضی را ندارد پس این قاضی هست که بایستی خوب در کارش دقت بکند و باعث ضرر و زیان به مردم نشود و چون قاضی با حکم دولت در کارش مستقر میشود اگر تقصیر و قصوری از ناحیهٔ قاضی معلوم و تثبیت بشود بایستی تمام جبران خسارت و زیان و ضرر مادی و معنوی و همچنین اعاده حیثیت از متهم از طرف دولت انجام بشود. عرض دیگری ندارم.

**رئیس** — آقای ربانی املشی بفرمائید.

**ربانی املشی**— جناب منتظری این مطلبی را که الان آقای میرمرادزهی فرمودند باید خوب توجه کرد که متهم به دادگستری یا به قاضی مراجعه می کند اگر مراجعه به دادگستری میکند پس طرف مراجعه کننده خود دادگستری است و دادگستری یعنی خود دولت است. قاضی در هر صورت چه قصور کرده باشد در کارش و چه تقصیر، در هر دو صورت بایستی دولت ضامن باشد و ضرر و زیان و اعاده حیثیت از متهم بنماید منتها اگر تقصیر و قصور با قاضی باشد دولت در اینصورت به قاضی مراجعه میکند و از قاضی می گیرد.

**رئیس** — اجازه فرمائید دو تا پیشنهاد رسیده است...

**مکارم شیرازی** — آقای منتظری اجازه فرمائید بنده یک پیشنهاد دارم ما یکجا می‌نویسیم که جامع همه آنها باشد، چون ممکن است در یکجا قاضی اشتباه و قصور کرده باشد...

**رئیس** — آقای مکارم همه اینها را که میفرمائید منظور شده است و اجازه بفرمائید دوتا پیشنهادی که الان رسیده است آنها را بخوانم شاید نظر جنابعالی را تأمین بکند: «هرگاه در اثر خلاف یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم و یا در تطبیق حکم در مورد خاص ضرر و زیانی متوجه کسی گردد باید برطبق موازین شرعی، آن ضررجبران شود و ازمتهم اعاده‌حیثیت گردد». (همهمه نمایندگان)

**رئیس**— آقایان اجازه بفرمایند و خواهش میکنم که زیاد مجلس را شلوغ ننمایند و بگذارند آقایان حرفشان را بزنند. شما آقای خامنه‌ای مطلبی داشتید؟

**خامنه‌ای** — عرض میشود خدمت دوستان و در جواب آقای میرمرادزهی باید بگویم که اساساً در این اصل طرف حساب خود دولت است، یعنی دولت وظیفه تعیین میکند که در قوانین آینده این را پیش‌بینی کنند درصورتی که قاضی مقصر باشد و تقصیرش را تشخیص بدهددولت باید خسارت اشخاص را جبران کند این از این جهت، جهت دیگری که بایستی خدمت دوستان عرض بکنم این است که اگر اشکالات فقهی صورت نگیرد و تعیین خسارات را طبق موازین اسلامی بگذاریم به عهده این اصل میشود، یا به عهده قوانین بعدی محول میشود ضمناً دیوانعالی کشور در این امر مرجع صالحی نیست بایستی به دیوانعالی انتظامی تفویض کرد که این کارها را جامه عمل بپوشاند. این سه نکته را خدمت آقایان عرض کردم فکر میکنم نظر آقایان تأمین بشود.

**رئیس** — شما حالا آقای مکارم مطلبی داشتید بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — عرض بنده این است که گاهی اوقات میشود قاضی اشتباه میکند و گاهی شهودها و گاهی منشیان قاضی که شاید متن حکم‌ها را عوضی بنویسد و صادر بکند در هر جهت امکان دارد تقصیر از ناحیه یکی از اینها باشد و اگر ما می‌خواهیم عدالت برقرار و اجرا بشود اینطور بنویسیم: «هرگاه براثر اشتباه و یا خلاف قضات یا شهود و یا مانند آنها، ضرر و زیان متوجه کسی بشود برطبق موازین اسلامی بایستی جبران خسارت گردد و ضمناً از متهم هم اعادهٔ حیثیت بشود.»

**رئیس** — آقایان اجازه فرمایند اینجا پیشنهادی از طرف آقای طاهری رسیده است که با مختصر اصلاحی فکر میکنم که نظر آقایان را تأمین بکند: «هرگاه در مقام قضاوت خلاف و اشتباهی رخ دهد و ضرر مادی و یا معنوی و غیرهٔ آن ضرر متوجه کسی گردد باید ضرر بر طبق موازین اسلامی به‌وسیله دولت جبران گردد». حالا اگر دولت معادل خسارت را که داده است از آن طرف بگیرد آن خودش یک مسأله‌ای است.

**طاهری اصفهانی** — همان جمله «بر طبق موازین اسلامی» بایستی جبران خسارت گردد خودش کافی است دیگر احتیاج به ذکر کلمه «دولت» نیست برای اینکه گاهی اوقات خود دولت طرف حساب نیست.

**ربانی شیرازی** — نه، بایستی به وسیله «دولت هم» باشد.

**رئیس** — دوستان اجازه فرمایند پس اینطوری نوشته شود: «هرگاه در اثر خلاف و یا اشتباه قاضی درمقام قضاوت خلاف یا اشتباهی رخ‌دهد، دولت برطبق موازین اسلامی بایستی جبران زیان و ضرر و خسارت نماید و ضمناً اعاده حیثیت هم از متهم به عمل آید» آنوقت‌دولت بعداً ممکن است مقصر را بازداشت و یا او را تعقیب نماید.

**تهرانی** — آقا، همین مطلب را درست کنید و به رأی بگذارید. (یکی از نمایندگان — بنده فکر میکنم پیشنهادی که آقای مکارم داده‌اند جامعتر باشد.)

**رئیس** — آقایان اجازه بدهید همین پیشنهادی که خواندم با یک مختصر تغییری به‌رأی‌گیری بگذاریم زیرا این پیشنهاد تکلیف مردم را روشن میکند که بایستی آنان به‌کدام مرجع مراجعه نمایند. آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

**طاهری خرم‌آبادی** — این اصل برطبق آن روایت بر اشتباه و یا تقصیرقاضی است حالا اگر مطالب دیگر را هم به آن اضافه کنید مسأله مبهم‌تر میشود.

**رئیس** — چه اشکالی دارد؟ پس اینطور مینویسیم «هرگاه در مقام قضاوت اشتباهی رخ دهد وضررمادی و یا معنوی متوجه کسی گردد دولت برطبق موازین اسلامی موظف است جبران ضرر و اعاده حیثیت از متهم بنماید».

**کرمی** — شما میخواهید در باب ضمان صحبت کنید. ضمان موجباتش ماشاءالله همیشه فراهم است حالا شما در یک موضوع خاصی دارید صحبت میکنید. در اینجا قید اینکه شاهد چه کسی هست و گیرنده چه کسی هست، همه اینها مطالبی زاید و خارج از موضوع است.

**مکارم شیرازی** — بهتر است از این بگذریم.

**سبحانی** — یک اصل انسانی است.

**رئیس** — اگر بخواهیم متن حدیث را بنویسیم باید اینطور بنویسیم: «هرگاه براثرخطای قاضی ضرری متوجه کسی شود ضرر باید از ناحیه دولت جبران گردد».

**کرمی** ــ باید طبق موازین حدیث «ما اخطأت القضاة تحت بیت‌المال‌المسلمین» باشد.

**رئیس** ــ پس اینطور مینویسیم «هرگاه براثر خطای قاضی ضرری متوجه کسی شود ضرر بایدبرطبق موازین‌اسلامی از ناحیه دولت جبران گردد». (کرمی ــ کلمه فقهی بهتر از اسلامی است.) بلی طبق موازین فقهی. (رحمانی ــ همین کافیست زیادش نکنید.)

**یزدی** ــ براساس آئین‌نامه، پیشنهاد جدید به رأی گذاشتن صحیح نیست.

**رئیس** ــ بسیار خوب آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** ــ ما مورد حدیث را که نمی‌خواهیم بنویسیم یک بحث کلی است.

**کرمی** ــ این مطالب هیچ ارتباطی به این موضوع ندارد.

**رئیس** ــ فرمایش آقای یزدی متین است. اگر متن اصلاح شده رأی آورد که تصویب می‌کنیم و اگر نیاورد باید برود به کمیسیون حالا میخوانم:

«هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در انطباق حکم برمورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیراینصورت به وسیله دولت جبران و از متهم اعاده حیثیت میشود».

**طاهری اصفهانی** ــ فقط در صورت تقصیر اعاده حیثیت میشود.

**کریمی** ــ منظور از ضرر معنوی چیست؟

**رئیس** ــ مثلا به او کتک زده یا آبرویش را برده است حالا بنده دوباره برای رأی گرفتن میخوانم:

**اصل ۱۵۶/۱ (اصل یکصد و هفتاد و یکم)**ــ هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در انطباق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران و در هر حال از متهم اعاده حیثیت میشود.

(اخذ رأی و شمارش آن به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** ــ عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی، آراء موافق پنجاه و سه رأی، مخالف یک رأی، ممتنع سه رأی ، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**خزعلی** ــ ما الان سه ربع وقت صرف کردیم و آخر متوجه شدیم که برخلاف آئین‌نامه بوده است خواستم این تذکر را بدهم که در اصول بعد رعایت این نکته را بکنیم.

## ۳ ــ طرح اصل ۲۹

**رئیس** ــ اصل ۲۹ قرائت میشود.

«اصل ۲۹ ــ تشکیل اجتماعات و راه‌پیمائی‌های مسالمت‌آمیز بدون حمل‌سلاح و با اطلاع و اعلام قبلی به شرط آنکه مخل امنیت و برخلاف مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

**موسوی تبریزی** ــ این اصل دیروز در کمیسیون دو ساعت روی آن بحث شده و دیگر حالا احتیاج به بحث ندارد.

**تهرانی** ــ هیچ بحثی ندارد رأی بگیرید.

**رئیس** ــ رأی بگیرید.

**رشیدیان** — این کار برخلاف آئین‌نامه است زیرا این اساسی‌ترین اصلی است که انقلاب به خاطر آن به وجود آمده است این کلمه مسالمت‌آمیز باید برداشته شود.

**رئیس** — آقای رشیدیان وقت رأی‌گرفتن صحبت نکنید.

**رشیدیان** — این کار کاملا برخلاف آئین‌نامه داخلی مجلس است زیرا یک نفر موافق و یک نفر مخالف حداقل باید صحبت بکنند.

**رئیس** — در جلسهٔ مشترک به اندازهٔ کافی صحبت شده است.

**رشیدیان** — شما مسئول هستید. شما در اثر تظاهرات آمدید اینجا. شاه هم تظاهرات را اینجوری نخواست گفت فقط حمل سلاح ممنوع است و باید با اعلام قبلی باشد. نگفت‌مسالمت‌آمیز باشد. (ربانی شیرازی — مسالمت‌آمیز یعنی چه.) مسالمت‌آمیز یعنی... (هاشمی‌نژاد — آقای رشیدیان آن تظاهرات مردم مسالمت‌آمیز بود.) آن تظاهرات هیچوقت مسالمت‌آمیزنبود. آتش زدن سینماها مسالمت‌آمیز نبود. شکستن مشروب فروشی‌ها مسالمت‌آمیز نبود.

**اشراقی** — این چه طرز رأی‌گرفتن است پنج، شش نفر رفته‌اند بیرون.

**دکتر آیت** — به هر حال تعداد نفرات قانونی است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — تعداد کل آراء پنجاه و دو رأی ، موافق چهل و پنج رأی ، مخالف دو رأی، ممتنع پنج رأی (رد شد).

**کرمی** — در موقع اخذ رأی عده حاضر پنجاه و هفت نفر بودند و مابین پنجاه و دو و پنجاه و هفت، پنج رأی فاصله دارد. جنابعالی به آقایان تذکر بدهید که درموقع اخذ رأی از جلسه خارج نشوند.

## ٤ — طرح اصل ۱۱۵

**رئیس** — بسیار خوب اصل ۱۱۵ قرائت میشود.

«اصل ۱۱۵ — رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران درصورتی که در زمان تصدی متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد هیأت عمومی دیوانعالی کشور رسیدگی به عمل می‌آورد، مجازات این جرائم تابع قوانین است.»

**رئیس** — آقای فوزی شما موافقید یا مخالف؟ (فوزی — با یک قسمتش مخالف هستم.) آقای پرورش (پرورش — تذکری دارم) آقای قرشی (قرشی — تذکری دارم) آقای غفوری (گلزاده غفوری — مخالفم برای اینکه مجلس رأی به تعقیب نمی‌دهد.) آقای سبحانی(سبحانی موافقم.) آقای حجتی کرمانی (حجتی کرمانی — تذکرات اصلاحی دارم .) آقای فاتحی (فاتحی — تذکری دارم.) آقای دکتر قائمی. (دکتر قائمی — تذکری دارم.) آقای موسوی تبریزی . (موسوی تبریزی — مخالفم.) آقای صافی. (صافی — بنده مخالف هستم.) خوب آقا با پنجاه و سه نفر عده حاضر و چندین نفر مخالف معلوم است که رأی نمی‌آورد اجازه بفرمائید اصل بعدی را بخوانیم.

**سبحانی** — این اصل ۱۱۵ که مانده است کنارش۱۱۶ بوده است که ما آن را تصویب کردیم همان اشکالاتی که در نظر ما...

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۸۲ (اصل نود و نهم)

**رئیس** — عده کافی نیست بنابراین مطرح نمی‌شود چون رأی نمی‌آورد اصل ۸۲قرائت میشود.

**اصل ۸۲(اصل نود و نهم)** — شورای نگهبان نظارت برانتخاب رئیس‌جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را به عهده دارد.

(اخذ رأی و شمارش آن به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و سه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و چهار رأی، یک رأی خارج شد. آراء موافق پنجاه رأی، مخالف یک‌رأی، ممتنع دو رأی بنابراین تصویب شد. تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۲۴ (اصل هجدهم)

**رئیس** — اصل ۲۴ قرائت میشود.

«اصل ۲۴ — پرچم رسمی ایران به‌رنگهای‌سبز و سفید و سرخ باعلامت‌مخصوص جمهوری اسلامی.»

**نمایندگان** — رأی بگیرید.

**رئیس** — در این مورد صحبت هرچه لازم بودشده است.

**رشیدیان** — طبق آئین‌نامه داخلی که خودتان تصویب کردید طرح مجدد اصلی که‌با همان صورت رد شده و سی و نه رأی آورده ممنوع است و چون این اصل با همان کیفیت که رد شده دو مرتبه آمده است برخلاف است.

**رئیس** — این در کمیسیون مشترک دو مرتبه مطرح شده و به این صورت حالا به‌جلسه علنی آمده است.

**سبحانی** — یعنی متن آن با گذشته فرق دارد؟

**رشیدیان** — آئین‌نامه را بخوانید.

**رئیس** — آقای رشیدیان عبارتش تغییر کرده است.

**دکتر ضیائی** — تمام اصولی که اینجا آمد و مورد اختلاف نظر بود برگشت به کمیسیون مشترک و کمیسیون مشترک بعد از اصلاحات آن را به جلسه علنی برگرداند و این هم یکی‌از آن موارد است.

**رئیس** — آقای رشیدیان متن آن فرق کرده است و در کمیسیون مشترک هم تصویب کرده‌اند حالا من برای رأی‌گیری اصل‌میخوانم وهیچ تذکرهم قبول نمی کنم چون‌همه‌مطالب گفته شده است. به علاوه در تمام قوانین اساسی ممالک دنیا رنگ پرچم نوشته شده است.

**حجتی کرمانی** — اجازه بفرمائید بنده‌یک پیشنهاددارم و آن اینکه‌پرچم جمهوری‌اسلامی باید بیانگر و پیام‌آور انقلاب ما باشد و انقلاب ما که نظام را دگرگون کرده است باید رنگ پرچم و محتوای‌پرچم به کلی نشان بدهد که ما به طور کلی از نظام گذشته بریدیم و به یک نظام انقلابی رسیدیم.

**دکتر ضیائی** — پرچم مال این نظام نبود.

**رئیس** — آقای حجتی بفرمائید بنشینید.

**هاشمی‌نژاد** — آقای منتظری اجازه بفرمائید یک موافق و یک مخالف صحبت کنند.

**رئیس** — آقای حجتی شما مخالفید؟ (حجتی — بلی.) آقای هاشمی‌نژاد شما موافقید؟ (هاشمی‌نژاد — بلی.) آقای کیاوش بفرمائید. (کیاوش — مخالفم.) آقای عضدی. (عضدی — موافقم.) آقای مراغه‌ای. (مقدم مراغه‌ای — بنده میخواستم عرض کنم شیر و خورشید چرا حذف شود؟) آقای دکتر ضیائی موافقید یا مخالف؟ (دکتر ضیائی — موافق.) آقای مکارم (مکارم شیرازی — بنده یک تذکر دارم.) آقای قرشی شما موافقید یا مخالف؟ (قرشی —موافق.) آقای حجتی — حالا به عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

**حجتی کرمانی** — پرچم جمهوری اسلامی ایران هم از حیث رنگ و هم آرم آن بایدطوری باشد که نمایانگر انقلاب شکوهمند ما باشد. این انقلاب ما پس از انقلابهای انبیاء در دنیا اولین انقلاب معجزآسای تاریخ است و ما درشیوه و راه ورسم انبیاء می‌بینیم که آنها به کلی آثار گذشته را یعنی آنچه‌را که جلوه‌ای ازگذشته و آثاری ازگذشته داشت آنها را محو می کردند و یک بنیان جدید درتمام مظاهر ودرشعارهاشان دیده میشد. بنابراین وقتی رنگ پرچم رامی‌بینیم همیشه آن نظام گذشته به‌یادمان می‌آید بالاخره این پرچم همان تقدس را خواهد داشت، این پرچم در نظام طاغوتی مقدس بوده و حالا هم باید همین رنگ را احترام بگذاریم و مقدس بدانیم ، در زمان گذشته در مجالس وعظ و خطابه هیچ وقت دیده نشد که از این پرچم استفاده کنند در مجامع دینی و مساجد وقتی جشن میگرفتند این سنت در عرف مذهب پذیرفته نشده بود یعنی پرچمهای مجالس دینی ما یک رنگ دیگری داشت در مجالس امام حسین پرچم به‌رنگ سیاه بود درجاهای دیگر هم رنگ سبز بوده این آن عرف مذهبی ما بوده درواقع این پرچم در آن مجامع خاص دینی ما به کلی اثری از آن نبوده بنابراین معلوم میشود این رنگ و پرچم در عرف متشرعه ما به عنوان یک چیزی که رنگ دین داشته باشد پذیرفته نشده فقط رنگ سیاسی داشته ما بیائیم از آن عمق جامعه‌مان استفاده کنیم. جامعه بدون آنکه کسی به او بگوید پس از پیروزی انقلاب رنگ سبز را انتخاب کرد و در سراسر مملکت رنگ سبز با شعار (الله‌اکبر) بود. (یکی از نمایندگان — همه‌جا که این نبود.) این رنگی بود که ازعمق جان ملت برخاسته و نمایانگر آن روح انقلابی ما است رنگ را هم خودملت‌انتخاب کرده چرا ما بیائیم رنگی را که خود ملت انتخاب کرده به رسمیت نشناسیم یک چیز قراردادی را به عنوان پرچم جمهوری اسلامی انتخاب کنیم ما از ملت باید الهام بگیریم و همان رنگی راکه مردم انتخاب کردند با شعار «الله‌اکبر» و آرم جمهوری اسلامی که بعداً درست خواهد شد انتخاب کنیم چند آرم طراحان کشیده‌اند و هنرمندان دیگر هم هستند که آرم جمهوری را طراحی کنند من پیشنهادم اینست که بنویسیم پرچم رسمی ایران به یادبود انقلاب اسلامی دارای رنگ سبزباشعار (الله‌اکبر) که این جزو پرچم باشد برای آنکه این یادبود انقلاب ما و آرم جمهوری اسلامی است، پیشنهاد من اینست.

**رئیس**— آقای هاشمی‌نژاد به عنوان موافق بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — تقاضا میکنم اجازه بفرمائید من صحبت کنم و جوی را ایجاد نکنید که کسی حرفش را نتواند بزند معیار ما و شما مرز اسلام است نه‌احساسات، مطالبی که‌برادران صحبت کردند تردیدی نداریم که چه مخالف و چه موافق نوعاً همه با حسن نیت می‌خواهند

مواجه شوند و دردهای انقلابی و اسلامی دارند در این جهت حرفی نیست ولی اصولا فلسفه تشکیل این مجلس و انتخاب آقایان اینست که ببینیم چه مطالبی در رابطه با مبانی اسلام است اینها را رویش تکیه کنیم مقرراتی که خلاف موازین اسلام است نگذارید به تصویب برسد بنابراین معیار کار ما در این مجلس اینست ، همانطوری که ملاحظه فرمودید بیانات آقای حجتی مسائلی بود که هیچکدام با اصل اسلام رابطه نداشت اینکه بگوئیم این رنگ، رنگ خاصی است که از اسلام الهام‌گرفته شده تا ما تبعات و آثار سوئی که برای تغییر پرچم داریم بپذیریم به‌خاطر آن اصل اسلامی و حفظ یک جنبه اسلامی شما در انقلاب و حفظ انقلاب و شئون انقلابی ملت ما صحبت فرمودید ملاحظه بفرمائید برادر، ما در این شرایط باید جو جامعه را در نظر بگیریم با مسائل احساساتی مواجه نشویم شما میدانید جامعه ما در این مرحله آسیب‌پذیر است و انقلاب ما در موقعیتی است که با شرق و غرب یک‌جا درافتاده در این شرایط شما اگر روی یک مسأله‌ای انگشت بگذارید که جزو متن اسلام است و آن را بخواهیم احیاء بکنیم هرچه دنبالش داشت عیبی ندارد و مردم آن را می‌پذیرند ملت ما قربانی داده و میدهد و مشکلات و حوادث را هم تحمل می‌کند ولی در رابطه با اسلام و احکام و مبانی اسلام. چیزی که در رابطه با اسلام نمی‌تواند باشد. اینکه می‌فرمائید جامعه ما از پرچم سبز در انقلاب استفاده کرده مردم هم در حوادث بوده‌اند و همانطورکه ملاحظه فرمودید در تظاهرات پرچم سبز می‌آوردند ، پرچم سرخ می‌آوردند ، پرچم سفید می‌آوردند و رنگهای مختلف می‌آوردند اگر درگذشته پرچم سه‌رنگ مورد احترام توده ملت ما احیاناً نبوده به‌خاطر این بوده که خیلی از چیزهائی که در رابطه با رژیم بوده مورد احترام ما نبود اگر شما می‌فرمائید که ما از این پرچم در مجالس جشن و سرورمان استفاده نمی‌کردیم درست نیست زیرا استفاده میشد ولی به خاطر این بوده که با خیلی از چیزها که در رابطه با رژیم بود جامعه ما سازگاری نداشت این پرچم و رنگ آن مال رژیم نیست ظاهراً مربوط به نهضت مشروطیت است (یکی‌ازنمایندگان- قبل ازمشروطیت بوده.)بلی، حتی قبل ازمشروطه بوده و ربطی به رژیم‌گذشته ندارد. ولی اینکه فرمودید بعد ازانقلاب تمام آثاری که در قبل بوده همه را محو میکنند اسلام این کار را نکرده زیرا اسلام مسائل صحیحه و سنن خوب را ابقا کرده در اینجا هم ارتش، ژاندارمری و شهربانی ما از اینها بیشتر در انقلاب از آن عوامل ناپاک -که تعدادی از آنها تصفیه شدند و بقیه هم باید اصلاح بشوند از آنها - ملت انقلابی بیشتر صدمه دیده یا از پرچم؟ از پرچم که ما زیانی ندیدیم معذلک‌وقتی‌امام‌آمدشعارنداد که‌چون ارتش‌مال گذشته بوده‌و شهربانی‌وژاندارمری‌مال‌گذشته‌بوده‌یکسره بایدمحو ومنحل‌بشوداین شعاری‌بود که مخالفین انقلاب میدادند و بعد حادثه کردستان نشان داد که چرا این شعار را میدادند امام فرمودند ارتش متعلق به ملت است منتها باید تصفیه بشود ژاندارمری و شهربانی متعلق به ملت است و باید ازعوامل ناپاک تصفیه بشود (رشیدیان- این‌ربطی به‌ارتش ندارد) شما هم وقت بگیرید صحبت بفرمائید. من به‌آقای حجتی عرض میکنم که‌فرمودند همه آثارقبل از انقلاب باید محو بشود حتی در این خیابانهائی که جوانان ما کشته شدند و خونشان روی اسفالت ریخته شده اسفالتها را نمی‌کنیم آنها را می‌شوئیم و از این اسفالتها استفاده می‌کنیم از خیلی از آن چیزهائی که در رژیم‌گذشته بوده استفاده میکنیم این را درست در رابطه با انقلاب قرار میدهیم ما تصحیح میکنیم و بعد از آن بهره‌برداری میکنیم این را بدانید آنچه که مهم است

اینست که اگر تغییر رنگ پرچم با توجه به احساسات جمعی از برادرانمان که ناشی از حسن نیت و روحیه انقلاب اسلامی آنها است واکنشی در جمعیت ما نداشت مسألهای نبود ولی برادر ، ما در این جامعه هستیم من نمیخواهم صریحتر بگویم بدانید در یک مراکزی از قدرت که بسیار حساس است تغییر پرچم زمینه به دست ضدانقلاب خواهد داد که اگر در این رابطه خونی از دماغ کسی بیاید و کمترین حادثهای پیش بیاید ما مسئولیت داریم بدون اینکه بگوئیم این کار از مبانی اسلام بوده و بتوانیم جواب خدا را بدهیم این مسأله حکمتی از احکام اسلام نیست که اگر انجام ندهیم خطائی کرده باشیم بنابراین ضرورتی برای تغییر پرچم وجود ندارد من نمیخواهم جو مجلس را تحتالشعاع نظر امام در این مسأله قرار بدهم از این جهت نظر امام را در اینجا نقل نمی کنم ولی همینقدر هست که امام در اینجا هم نظر خاصی ندارند و خود من این مسأله را سؤال کردم ایشان فرمودند به هرترتیبی که مجلس خواست عمل بکند و ایشان هیچ نظر خاصی ندارند.

**رئیس**— اجازه بفرمائید، آقای مکارم تذکرتان را بفرمائید.

**مکارم شیرازی**— تذکر بنده اینست که اگر آقایان می بینند این آرم که اینجا نوشته شده گنگ است نوشته شود آرمی که بیانگرتمام مفاهیم انقلاب باشد. برای آنکه فکرشان از این مسأله راحت باشد خانم گرجی هم یک پیشنهاد داده بودند که خیلی خوب بود.

**رئیس**— آقای صافی هم یک پیشنهاد دادهاند نوشتهاند پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ مزین به شعار (الله اکبر) و با علامت مخصوص جمهوری اسلامی (خانم گرجی— باید میزان و شمشیر مطابق آیه قرآن باشد) .

**حجتی کرمانی**— اگر این پرچم در توده ملت نفوذ کرده بود اقلا یک مرتبه در انقلابات و راهپیمائی از آن استفاده میکردند. جواب من داده نشد.

**رئیس**— یک موافق و یک مخالف صحبت کرد آقای مکارم هم تذکرشان را دادند آقای رشیدیان تذکردارید یا مخالف هستید؟ (رشیدیان— تذکردارم) تذکر است یا مخالفت؟ اگر تذکری دارید بدهید (رشیدیان— تذکر دارم.) بفرمائید.

**رشیدیان**— اولا تذکر بنده این است که اصلی که رد شد مجدداً با همان متن بهمجلس بیاید و مطرح شود. (رئیس—گفتم اصلاح شده و دوباره مطرح شده) اصلاح نشد زیرا آقای دکتر بهشتی گفتند فقط برای سه رنگ رأی بدهید و رأی نیاورد. مسأله دوم این است که این پرچم مال همه ملت ایران است ربطی به اینکه این ارتشی است یا اداری یا دانشجو است ندارد اگر مقدس است برای همه است اگر نامقدس است مال همه است. مسأله سوم این است که نمیگوئیم حتماً باید در فقه اسلامی هم آمده باشد ولی بعضی از مسائل هست که معمولا انقلاب از عینیت استفاده میکند تغییر بنیادی و فکری و جهانبینی در آن میدهد و بعد میرسد به مسائل سمبولیک، در تمام انقلابات هم وقتی پیش آمده اول کارهای اساسی را کردهاند و بعد پرداختهاند به تغییر مسائلی مثل پرچم و آرم و غیره...

**رئیس**— پس شما دارید مخالف صحبت میکنید. آقای رشیدیان کافی است.

**رشیدیان**— اگر مردم در ضمن راهپیمائی پرچم سه رنگ را با خود حمل میکردند مردم دیگر به آنها سوءظن میبردند و میگفتند ساواکی است.

**رئیس**— آقای مؤید شهزادی بفرمائید.

**رستم شهزادی**— یک شخصی مطلبی نوشته است که توجه همگان را به این نکته جلب میکنم که فرزندان حضرت علی‌ابن ابیطالب (ع) که امام حسن سبزپوش و امام حسین سرخ‌پوش و حضرت عباس سفیدپوش بودند و در تمام شمائل و احادیث به این سه رنگ مخصوص ظاهرمیشدند و آنچه در اذهان است سرخی، خبردهنده شهادت و سفیدی، خبردهنده صلح و کبوتر سفید پیک صلح بوده و هست. حتی مردگان را در اسلام با پارچه به این رنگ ملبس میکنند و سبز نمونه‌ای از نعمت و آبادانی و بزرگی بوده است و فرزندان برحق حضرت رسول اکرم که به نام سید خوانده میشدند شال سبز که معرف بزرگواری اجدادشان است به کمر می‌بستند.

**رئیس**— حالا اصل را برای‌گرفتن رأی میخوانم:

**اصل ٤ ۲ (اصل هجدهم)**— پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس**— عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت‌و یک نفر، تعداد کل آراءشصت‌و یک رأی، آراء موافق پنجاه‌و نه‌رأی، مخالف هیچ، ممتنع دورأی. بنابراین تصویب‌شد، تکبیر (حضار سه بار تکبیرگفتند).

( در این موقع که ساعت ده و ده دقیقه صبح بود آقای منتظری صندلی ریاست را ترك کردند و آقای بهشتی —نایب رئیس— به جای ایشان قرارگرفتند)

## ۷ — طرح اصل ۸۸/۱

**نایب رئیس**— اصل ۸۸/۱ قرائت میشود:

«اصل ۸۸/۱— رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل، تابع‌ایران دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوی باشد.»

**نایب رئیس**— یک متن بجای این پیشنهاد شده که میخوانم:

«رئیس‌جمهور باید از بین رجال دینی وسیاسی که واجد شرایط زیرباشند انتخاب‌گردد، ایرانی‌الاصل تابع ایران دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن و حسن سابقه و امانت و تقوا مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی باشد.»

**عرب**— این از متن اولی بهتر است.

**نایب رئیس**— آقایانی که اسم نوشته‌اند. آقای منتظری (منتظری— من موافق هستم) آقای عضدی (عضدی— مخالف هستم) بفرمائید.

**عضدی**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من فقط با آوردن دو شرط در اینجا مخالف هستم و به نظر من تحصیل حاصل است و لزومی ندارد که در اینجا ذکر بکنیم ، یکی آوردن همین قید «مذهب‌رسمی کشوراست» به‌این‌ترتیب یعنی ما درداخل‌ایران را حساب کنیم‌و کاری به سایرکشورهای اسلامی نداشته باشیم فرض بکنیم در داخل ایران ما می‌خواهیم پنج میلیون مردم ایران را از شرکت در سیاست کنار بگذاریم در حالی که میدانیم رئیس‌جمهور رهبرنیست کسی نیست مواظب باشد که جامعه ما از مسیر مکتب ما انحراف پیدا نکند رئیس‌جمهور

رئیس قوه مجریه است اجرا کننده است و قوانین راگروه دیگری تصویب میکنند، مجتهدان و فقها هستند که مکتب ما از راه اسلام منحرف نشود و ذکر کردم که مؤمن به مبانی اسلام باشد و دهها قید و شرط گذاشتیم که هرجا بخواهد از مبانی جمهوری اسلامی منحرف بشود و خیانت بکند به‌جمهوری‌اسلامی محاکمه ومعزول خواهد شد ما دررأس هرم سیاسی کشورمان رهبر را داریم ولی امر را داریم شورای رهبری هست و در واقع نبض و قلب سیاست کشور ما شورای رهبری است که همه ماپذیرفتیم وتصویب کردیم و یک‌اصل‌مسلم اسلامی‌است‌وهمه‌ما معتقد به ولایت فقیه و ولی‌امر هستیم و اوست که در رأس هرم سیاسی کشور است و نمی‌گذارد و نباید بگذارد و نخواهدگذارد که جامعه ما از مسیر اسلام منحرف بشود . رئیس جمهور فقط اجراکننده قانون است و به این ترتیب آوردن این قید با توجه به اینکه جامعه ما اکثریتش با تشیع است تحصیل حاصل است، دیگر اینکه رهبران ما و جامعه روحانیت که همیشه‌وظایف خودشان را خوب ایفا کردند و معتقد نیستند که مذهب از سیاست جدا است به این ترتیب هرجا احساس کنند شخصی میخواهد وارد بشود که خدای نکرده جامعه ما را از مسیر مکتب ما و اسلام منحرف بکند آنان او را مانع میشوند من شکی در این ندارم حتی در دوره اختناق مردم را ارشاد میکردند و می‌گفتند وظیفه شرعی خودشان میدانند باز هم اگر احساس بکنند که فردی میخواهد در قوه مجریه جامعه را از مسیرش منحرف کند وظیفه شرعی خودشان را میدانند. این‌مجتهدان و روحانیت آگاه که وجدان بیدار کشور ما هستند مردم را آگاه خواهند کرد و شما میدانید توده مردم حرف روحانیت را بیشتر از هر کس با دل‌و جان می‌پذیرد به کوری چشم توطئه‌گران و به این ترتیب آوردن این قید در این اصل جز اینکه شش میلیون را از سیاست کنار بگذارید چیز دیگری نیست ما در آینده میخواهیم امت بزرگ اسلامی بوجود بیاوریم، امت بزرگتر ازملیت است چطور می‌خواهید این اصل را تصویب کنید و شش میلیون غیر شیعه را از بافت سیاسی خارج کنید و اینها قول میدهم که در انتخابات شرکت نخواهند کرد. زیرا شما آنها را شرکت نداده‌اید. به این ترتیب من معتقدم که شرط مسلمان بودن کافی است و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی هم باید باشد و مرد بودن هم لازم نیست این هم تحصیل حاصل است و به‌این‌نحو من پیشنهاد میکنم: «رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل تابع ایران و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی (مرد هم لازم نیست باشد) و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد» والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

**نایب رئیس**— آقای منتظری به عنوان موافق بفرمائید.

**منتظری**— اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم ، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ما البته این را توجه داریم حالا به قول آقای عضدی شش میلیون یا پنج میلیون کمتر یا بیشتر برادرانمان از اهل سنت هستند و جمهوری ما هم جمهوری اسلامی است احترام هم برای آنها قائل هستیم و حقوقشان هم محترم است. ما اصلی داشتیم که اصلا همه‌مسلمانان جهان بایستی که ازیکدیگر حمایت کنند بدون اینکه مذهب مطرح باشد اینها بجای خود هست ولی یک مسأله ما در جای خودش داریم که شخصی که در مقام بیان مطلبی است آن مطلب را باید درست و تمام بیان کند و بنویسد اگر ناقص بنویسد که کار درستی نیست زیرا میگویند درمقام بیان به‌وظیفه خودش‌عمل نکرده. اگربخواهیم شرایط را ذکر کنیم‌بایدطوری‌باشد که آن را کامل ذکربکنیم. مسأله تشیع مذهب رسمی کشور است واکثریت قاطع طرفدار مکتب تشیع هستند این رامسلماً

برادران اهل‌سنت ما این اندازه را حق به‌ما میدهند که اکثریت قاطع چون شیعه مذهب هستند و مذهب رسمی آنان جعفری بنابراین مطابق نظرخودشان انتخاب بکنند، آن‌وقت اگربرای خود آنها مسأله‌ای مطرح باشد مسلماً نظر اکثریت را رعایت می‌کنند پس آنها به‌ما حق میدهند که بیست وپنج میلیون جمعیت جعفری مذهب مطابق نظرخودشان کسی را انتخاب بکنند. این مسأله درقانون اساسی سابق هم بوده‌است که آن کسی که در رأس کشور است بایددارای مذهب شیعه و مروج‌آن باشد پس مسلماً مسأله بیست وپنج میلیون با پنج میلیون اگر حقوقشان باهم معارض باشد خود برادران اهل تسنن حق را به‌ما خواهند داد یعنی باید نظراکثریت رعایت بشود. و اما راجع به‌مسألهٔ مرد بودن ما مسلمات اسلام را نمی‌توانیم کنار بگذاریم و از طرفی نمی‌خواهیم به‌خواهران خودمان جسارتی شده باشد یا حقی ازآنها سلب کنیم در مسألهٔ حکومت و ولایت این اشتباه است که ما خیال می‌کنیم حق است، این مسأله وظیفه و مسئولیت است و مسئولیت باری سنگین است، چنانچه خدای تعالی به‌دوش عده خاصی بگذارد و زنها را نخواهند این مسئولیت سنگین به‌دوششان بگذارند. این هتک حرمت به‌زنها نشده وحقوقی ازآنها تضییع نشده است و من عرض کردم، درفقه اسلام، مسأله ولایت و مسأله قضاوت را گفته‌اند که مخصوص مردها است وچون مسئولیت خیلی سنگینی است که عواقب زیادی دارد فقط عرض کردم درقضاوت راجع به‌اموال، ابوحنیفه که یکی‌از مراجع اهل سنت‌است در قضاوت اموال تقوایش این است که زن می‌تواند قاضی بشود آن هم قیاس کرده است با باب شهادت، چون اهل‌تسنن قیاس را حجت میدانندولی غیراز ابوحنیفه بقیه ائمه چهارگانه اهل سنت ولایت را می‌گویند منحصربه مرد است و قضاوت راهم آن‌سه‌نفر غیر از ابوحنیفه حجت میدانند. در فقه شیعه اتفاق علمای شیعه است در جمع اعصار وما این رامطمئن هستیم که‌خواهران ما چون معتقد به‌اسلام هستند و انقلاب هم انقلاب اسلامی است‌مسلماً خواهران ما ناراحت نمی‌شوند ازاینکه آن چیزی که مطابق موازین اسلامی است بنویسیم.

این که آقای عضدی فرمودند توضیح واضحات است ما درمقام بیان هستیم واگربعضی از مطالب را درموقع بیان، ذکرنکنیم این غلط است وبه‌ما اشکالی وارد میشود که شما چرا تمام شرایطرا ذکر نکردید یا باید شرایط ذکر نشود ولی اگر ذکرشد بایستی‌همه آن کامل باشد و ما تحاشی نداریم ازگفتن، حق واحکام اسلامی را بدون بیم میگوئیم ومطمئن هستیم که نه‌خواهران ما ناراحت میشوند نه‌برادران اهل سنت ما. زیرا برادران ما میدانند که اکثریت این مملکت‌شیعه مذهب هستند و خواهران هم میدانند که آنچه مطابق موازین اسلام است عمل خواهد شد و مسلماً حقوق هیچکس تضییع نخواهدشد و من پیشنهادمیکنم که نوشته‌بشود برای اینکه اگربخواهیم ننویسیم به‌ما اشکال میکنند که چطور شده است که این قید را در اصل نیاورده‌اید. البته با آن متن پیشنهادی که اول خوانده شد مخالف نیستیم، آن‌هم باشد اشکالی‌ندارد.

**نایب رئیس** — یک نفر مخالف صحبت کرده‌است ویک موافق.

**کرمی** — این متن را در معرض رأی‌گیری بگذارید، چون به‌نظرمن دیگرجای بحث‌ندارد.

**منتظری**— اگر اجازه بفرمائید من یک کلمه را فراموش کردم که‌به‌عرض میرسانم. من پیشنهاد میکنم درمورد نخست‌وزیر و وزراء وسایر مقامات در ذیل اصل‌نوشته شود: «شرایط نخست‌وزیر و وزراء وسایر مقامات را قانون معین میکند.»

**نایب رئیس** — چون این اصل در رابطه خاصی باموکلین برادرمان آقای مرادزهی است و انتظار میرود که ایشان هم صحبت بکنند این‌است که من صحیح میدانم که ایشان هم مطالبشان را بیان بفرمایند.

**گلزاده غفوری** — تنها مسأله اصل قانونی نیست، بلکه مکتب هم باید معرفی بشود و تذکراتی هم دوستان دیگردارند که بد نیست گفته شود.

**نایب رئیس** — آقای مرادزهی بفرمائید.

**میرمرادزهی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. درباره مذهب و مذهب رسمی قبلا دراصل ۱۳ پیشنهادی دولت واصل ۱۲ تصویب شده در مجلس صحبت شد. این اصل گویای این مسأله بود که مذهب رسمی، مذهب جعفری اثنی‌عشری است. که به‌موقع دراین‌زمینه هم من و هم آقای مولوی عبدالعزیز که دونفر سنی منحصر این مجلس هستیم صحبت کردیم. باتصویب‌آن اصل ما انتظار نداریم که دراین‌اصل هم حرف ما اثری داشته باشد وتغییراتی درآن داده‌شود. آقای عضدی مسأله‌ای‌را مطرح کرد به‌نام‌تحصیل‌حاصل، که دراسلام می‌گویند تحصیل حاصل یک عمل لغو است و عمل لغو راآدم عاقل نمی‌کند.

وقتی که اکثریت جامعه طرفدار یک شخص بخصوصی باشند، مسلماً طرفدار کسی‌خواهند بود که با او وجه مشترك داشته باشند. درمورد کاندیداهای ریاست جمهوری مسلماً گروهها و احزاب وهمهٔ‌گروههای سیاسی یک کاندیدا معرفی میکنند، یعنی درواقع اگر شما دراین اصل این شرط رابگذارید بقیه‌گروهها را از شرکت در امور سیاسی محروم کرده‌اید.

مسلم بدانید که رئیس جمهور ایران یک نفر بامذهب جعفری اثنی‌عشری خواهد بود، به‌دلیل اینکه اکثریت با اینها است وکسی که رأی بیشتری دارد خودبخود انتخاب می‌شود. نتیجه این عمل همانطورکه عرض کردم خودبخود حاصل می‌شود بدون اینکه تأکید یا تصریحی دراینجا باشد، ولی عواقب تصریح یا عدم تصریح این خواهد بود که چنانچه حتماً و الزاماً تصریح شود ما تصور خواهیم کرد که همهٔ کسانی که به‌نحوی از انحاء باید دردولت نقشی داشته باشند حتماً باید شیعه مذهب باشند و این به‌نظر من درست نیست و عملا از گردونه خارج کردن‌گروه کثیری از جمعیت ایران است.

مسألهٔ مهمتراین است که راجع‌به مکتب اشاره شد. من تابحال‌تصورمیکردم مکتبی که دراینجا ازآن صحبت بشود مکتب اسلام است. اگر ما مکتب اسلام را بپذیریم به‌نظرمن هیچوقت این مکتب از مسیر منحرف نمی‌شود و هیچ کاستی هم نخواهد داشت، مگراینکه تصورکنیم تشیع از اسلام جدا است، درحالیکه مانظرمان اینست که همه چیز اسلام است و با توجه به‌آن دید جهان‌بینی که همه آقایان دارند، معمولا شنیده می‌شود که ما می‌خواهیم اتحادجماهیراسلامی درست بکنیم و می‌خواهیم تمام کشورهای اسلامی به‌ما بپیوندند. حتماً استحضار دارند که کشورهای اسلامی دیگر شیعه نیستند و درکشورهای دیگر شیعه دراقلیت است، پس این ادعا راهم دیگر نباید بکنیم. و به‌نظر من اگر یک سنی دراین‌مملکت به‌فرض کاره‌ای بشود و رهبرهم بپذیرد (چون میدانید یکی ازشرایط رئیس جمهور اینست که بایستی رهبرهم اورا تأیید بکند.) مسلماً اگر چنین فردی پیدا شود وهمه به‌اورأی بدهند و رهبرهم اورا تأیید کند، مسلماً برخلاف مکتب نخواهد بود و مکتب را ازمسیرش منحرف نخواهد کرد دیگرعرضی ندارم.

**نایب رئیس** — همچنین خواهرمان خانم گرجی میتوانند از نوبتشان استفاده کنند وصحبت کنند، برای اینکه اولویتی دراین مورد برای ایشان انتظار میرود، خانم گرجی بفرمائید.

**خانم گرجی**— من به‌دنبال فرمایشات برادرمان آقای میرمرادزهی میخواهم عرض کنم که وقتی که اکثریت مردم باید رأی بدهند، اگرخلاف شرع باشد رأی نخواهند داد وهمچنین مورد تأیید رهبر هم بایدباشد. با توجه‌به‌اینکه دراینجا ولایت هم نیست و ولایت بارهبری و فقط تنفیذ امراست ویک قدرت اجرائی ویک وکالت است. اگر چنین چیزی درکشور اسلام نیست چه‌دلیلی دارد هم قید اول راکه مذهب رسمی کشور استو هم قید کلمه «مرد» بودن را دارا باشد. وبه‌نظر من اصلا این قید لازم نیست، زیرا باتوجه‌به‌اینکه اگر احیاناً زنها به‌این مرحله ازتکامل وپویائی برسند باز درمرتبه رهبریت و امامت نیستند بلکه یک قدرت اجرائی است که از طریق رهبر اگر لیاقتش را داشته باشند یعنی دارای امانت وتقوا و حسن سابقه ومؤمن به‌مبانی اسلام باشند می‌توانند احرازکنند زیرا زن هم میتواند مؤمن و دارای‌امانت و تقوا باشد و قدرت سیاسی زن را اسلام امضاء میکندکه این قدرت سیاسی زن برای مردان یک زمینه‌ای است که مردان عظیم به‌آن تکیه‌ای که به‌غیر، سخن میگویند اشاره میکنند وحالا اگر در اسلام نبوده ما خلاف اسلام نمی‌خواهیم باشد ، رهبر امضاء نمی‌کند ، می‌گوئیم بحثی نیست که ما این را بگذاریم وباعث ناراحتی‌شود وسد سبیل‌الله هم شود،چون بالاخره این‌راه باید بازشود وهمه اگر امکان دارند دراین راه کارکنند، اگرنتوانند، نمی‌رسند بنابراین گذاشتن این مورد چه نیازی دارد؟

**نایب‌رئیس** — یک‌موافق می‌تواند به‌ترتیبی که در اینجااسم‌نویسی‌شده در این زمینه صحبت‌کند. اسامی را به‌ترتیب قرائت میکنم تا ببینم‌نوبت کیست.آقای کیاوش (کیاوش مخالفم) آقای خامنه‌ای (خامنه‌ای — تذکراتی دارم) آقای دکتر غفوری ( دکتر غفوری مخالفم) آقای پرورش ( پرورش — مخالفم) آقای قرشی (قرشی — تذکراتی دارم .) آقای فاتحی (فاتحی— موافقم.) بنابراین شما به‌عنوان موافق بفرمائید صحبت کنیدوبعد رأی‌گیری میکنم.

**فاتحی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . بنظرمن این اصلی که به‌این صورت تنظیم‌شده باید یک مقداری روشن‌تر ذکرشود یعنی رئیس‌جمهور باید دارای مذهب شیعه‌جعفری اثنی‌عشری باشد،ودلیلش هم‌اینست که اکثریت ملت ایران شیعه استوبرادران ونمایندگان محترم راکه انتخاب کرده‌اند روی این اصل‌است که‌خواسته‌اند برنامه اسلام وتشیع راکه سابقه دارد و ایران یگانه‌کشوری است که‌افتخار پیروی از جعفربن محمد (ع) را دارد بیان شود ،نه‌اینکه پس از انقلاب به‌مقام جعفربن‌محمد (ع) بی‌احترامی شود ونام مقدسش برده نشود . زیرا همانطورکه‌عرض کردم ایران یگانه‌کشور در روی زمین است که‌این افتخار را دارد که‌مذهب رسمی‌اش جعفری باشد که‌هیچ‌گونه‌منافاتی بااسلام وجهانی بودن آن ندارد. مگر در سایر کشورهای اسلامی مذاهب اربعه وجود ندارد ؟ مگر یکی از مذاهب‌اربعه، شافعی، حاضراست فقه حنفی را متابعت‌کند و یا حنفی، یامالکی حاضر است در برنامه‌های مذهبی‌ازفقه‌دیگری متابعت‌کند؟ درعین‌حال که همه‌مسلمانیم واسلام معتبراست واسلام را قبول داریم، از نظر برنامه‌فروعمان به‌مذهب عمل‌میکنیم . چون بالاخره در اجرای اسلام وفروع اسلام بایدازیک مأخذی پیروی کنیم وفروع ومسائلمان را اخذکنیم که به‌عقیده ما شیعیان، فروع باید از اهل

بیت اتخاذشود . بفرموده پیغمبر، حدیث‌ثقلین: «انی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله وعترتی» مارا دعوت کرد که فروع را از طریق اهل‌بیت‌بگیریم. مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی فرمودندبه وسیله این حدیث من به‌برادران اهل‌تسنن استدلال میکنم وبرآنها هم‌لازم است در خانه‌اهل بیت‌بروند وفروع دین را ازآنها یاد بگیرند. بنابراین اسلام یکی است وما بجزاسلام چیزدیگری نداریم واین راه وصول به‌اسلام وباب به‌اسلام‌است. نه‌اینکه مذهب جعفری در مقابل‌اسلام قرار بگیرد ، چون عین اسلام است واتحادومعیت‌دارد نه‌اینکه مذهب جعفری یک مسأله‌ای ورای اسلام است، حقیقت آن یکی است وعینیت دارد .

بنابراین در کشورما اینکه بعضی از برادران مخصوصاً آقای عضدی فرمودندپنج‌میلیون در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند والله‌العظیم اگر این قید اضافه نشود بیست وپنج‌میلیون جمعیت این کشور رأی نخواهند داد و اینکه اگر قرار شود مذهب جعفری ذکر نشود بیست و پنج میلیون نفر شیعه در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند. برای اینکه آنها چشمشان به‌این روشن است که عده‌ای از مؤمنین و معتقدین به اسلام و انقلاب و معتقدین حقیقی به‌اسلام را از بهترین مجتهدین انتخاب کرده‌اند که آن مذهب رسمی را بهتر وروشنتر برای دنیابیان کنند. اما اگر اینجا را بطور استتار بیان کرده ویا ذکر نکنند به‌عقیده من برخلاف این برنامه‌است. پس این استدلالی که آقای عضدی کردند که پنج‌میلیون رأی نمی‌دهند ، اگر ما کلمه مذهب رسمی یا جعفری اثنی‌عشری را ذکر نکنیم ، ممکن است بیست‌وپنج میلیون نفر از جمعیت ایران رأی ندهند. واما مطلبی که‌خواهرمان خانم‌گرجی راجع به‌زن فرمودند. همانطوری که‌استاد محترم آقای منتظری فرمودند بحث از مسئولیت است و این یک بارسنگینی است که اسلام همواره رعایت کرده‌است چون عاطفه واحساسات در زن قوی وعقل کم است (اعتراض نمایندگان) روی این اصل‌خواسته است حکومت وقضاوت در اسلام به‌زن نرسد واین از مسلمات فقه‌اسلام است واصل قیام ما از چهارده‌قرن قبل روی همین برنامه‌استوار بوده است. مگرمردم، تاریخ انقلاب را فراموش کرده‌اند ، اصل انقلاب پایه‌اش روی این بوده است که در اسلام حکومت به‌زن نمی‌رسد. بنابراین، اینکه‌فرمودند «وکاله» چنین مطلبی نیست ورئیس‌جمهورعین‌حکومت وقضاوت است ودر اسلام همانطوری که‌خواهرمان تذکر دادند تمام خواهران ما همه‌مسلمانند آنچه راکه‌اسلام به‌آنها داده است میخواهند واضافه‌نمی‌خواهند چون میدانند برخلاف حقیقت است وآنچه راکه اسلام دارد قبول می‌کنند ومیدانند وقتی که اسلام این معنا را به‌آنهانداده است اگر ما هم بدهیم چون مسلمان ومعتقد به‌اسلام هستند نمی‌پذیرند. (نایب‌رئیس — وقت جنابعالی تمام است.) بنابراین اسلام حکومت و قضاوت را از باب اینکه مسئولیت بار است به‌آنها نداده است.

**نایب‌رئیس**— آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — مخالفت من‌ازبعددیگری‌است ومخالفت من راجع به‌ایرانی‌الاصل بودن است.

**نایب‌رئیس**— بسیار خوب، بارها این مسأله عرض شده واز همه بینندگان وشنوندگانی که این برنامه را می‌شنوند ومی‌بینند وهمه‌حاضران در جلسه تمنا میکنم به‌این عرض‌مکررمان توجه کنند. هرکسی که اینجا می‌آید وحرف می‌زند، میتواند بگوید من‌دارم نظر خودم رامیگویم چون نظر او مربوط به‌خود او است وکسان دیگرهم اگر بااو هم‌نظرند اعلام میکنند که بااوهم نظر هستند یا نیستند . بنابراین درسخن هر یک از دوستانی که در این باره مطلبی فرمودند

آنچه گفتند نظر شخص خودشان است ونظر دیگران بحساب نمی‌آید وراجع به‌اصل هم نتیجه رأی‌گیری مشخص میکند. اصل ۸۸/۱ را برای رأی‌گیری می‌خوانم:

«اصل ۸۸/۱ ــ رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور ومروج آن، مؤمن به‌مبانی جمهوری اسلامی ایران، مردودارای حسن‌سابقه وامانت وتقواباشد.»

(اخذ رأی به‌عمل‌آمد ونتیجه به‌شرح زیر اعلام شد)

**نایب‌رئیس**ــ من این رأی‌گیری را مخدوش میدانم وبرای اطلاع، نتیجه را اعلام‌میکنم که‌بدانید به‌چه‌علت مخدوش است. نتیجه رأی‌گیری: عده حاضر در هنگام اخذ رأی شصت‌ودو نفر، تعداد کل‌آراء شصت وهشت رأی، آراء موافق چهل وهفت رأی، آراء مخالف‌نه‌رأی، آراء ممتنع‌دوازده رأی. با اینکه از نظر موازین نتیجه‌روشن است ولی به‌هرحال رأی گیری مخدوش است بنابراین چون نتیجه‌رأی، مخدوش بودن رأی‌گیری را نشان‌میدهد باردیگراصل برای رأی گیری قرائت میشود وهمه‌در کیفیت رأی دادن دقت کنند.

«اصل ۸۸/۱ ــ رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل، تابع‌ایران، دارای مذهب رسمی کشور ومروج‌آن، مؤمن به‌مبانی جمهوری اسلامی ایران‌ودارای حسن‌سابقه وامانت‌وتقواباشد.»

(اخذ رأی به‌عمل‌آمد ونتیجه به‌شرح زیراعلام‌شد)

**نایب‌رئیس** ــ نتیجه رأی‌گیری مجدد، عده حاضر هنگام اخذ رأی شصت‌ودونفر، تعداد کل‌آراء شصت وچهار رأی (دورأی به‌قید قرعه خارج شد) موافق چهل و پنج رأی، مخالف هشت رأی، ممتنع نه‌رأی، تصویب نشد.

**هاشمی‌نژاد** ــ پیشنهاد دیگر را مطرح بفرمائید.

**صافی** ــ (در حال خروج از جلسه) معلوم میشود این مجلس احکام مسلم اسلام‌راهم قبول ندارد (همهمه نمایندگان).

## ۸ ــ طرح اصل ٤٥

**نایب‌رئیس** ــ آقای تهرانی مابحث جدلی نداریم، آقایان‌توجه بفرمایند که‌مابحث جدلی نداریم اصل ٤٥ مطرح است که‌قرائت میشود.

«اصل ٤٥ــ مذاکران مجلس شورای ملی باید علنی‌باشد وگزارش کامل آن باید در روزنامه‌رسمی کشورمنتشر گردد در صورت ضرورت به‌تقاضای رئیس جمهور یا نخست‌وزیریایکی از وزراءیارئیس‌مجلس یاده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل‌میشود مصوبات اینگونه جلسات در صورتی معتبراست که باحضور وامضاء شورای نگهبان وتصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان باشد.»

**نایب‌رئیس** ــ از آقایانی که اینجا اسم نوشته‌اند، آقای فوزی بفرمائید. (فوزی ــ موافقم.) آقای مکارم بفرمائید. (مکارم ــ بنده با قسمتی از این اصل‌مخالفم.)بسیار خوب، موافق ومخالف صحبت کنند. آقای مکارم به‌عنوان مخالف‌صحبت‌بفرمائید.

**مکارم‌شیرازی** ــ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این اصل‌مرکب از دوبخش‌است، یک‌بخش آن قابل قبول است. اصل‌اینست که مذاکرات مجلس شورای ملی علنی‌باشد مگر درمواردی که‌ضرورتی پیش بیاید وجلسات خصوصی تشکیل‌شود ومذاکرات‌بصورت خصوصی تعقیب بشود. گاهی ممکن است مسائلی باشد که‌انتشارش در سطح‌عموم به‌منافع‌ملت‌ومملکت لطمه

بزند اینها را باید درمجلس خصوصی مذاکره کرد. اما بخش دوم مربوط به‌اینست که درمجالس محرمانه هم‌میشود مطالبی را تصویب کرد ، منتها نوشته شده است «باحضور وامضاء شورای نگهبان وتصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان» البته حضور وامضاء شورای نگهبان‌قیدی است که‌بیهوده است برای اینکه‌بالاخره تمام مسائل زیر نظر شورای نگهبان خواهد رفت،حالاخواه درآن جلسه حضور داشته باشد یا حضور نداشته‌باشد، مهم‌اینست که باید نتیجه راامضاءبکند. تنها چیزی که اینجاهست، اینست که‌سه‌چهارم، جانشین اکثریت مطلق‌شده است‌وبه‌این وسیله تصویب کردن مسائل سرنوشت ساز برای مملکت در مجلس محرمانه دور از چشم‌مردم‌اجازه داده شده است. من فکرمی کنم این‌امر ولو در بعضی از موارد ممکن است به‌نفع باشد، اما رویهم‌رفته زیانش برای ملت بیشتراست که‌نمایندگان در پشت‌درهای بسته‌بنشینندوعهدنامه ها، مقاوله‌نامه ها ، مسائل‌اقتصادی وسیاسی را امضاءبکنند وبه‌مردم اصلا اطلاع هم ندهند ولوتا چندین‌ماه . این یک‌مسأله‌ای است خلاف اصول وخلاف منافع ملت‌ولواینکه در بعضی‌ازموارد منافعی‌هم داشته‌باشد ، اما زیانش برای مردم‌بیشتراست واصلا باعث میشود که‌مردم نسبت‌به چنان مجلسی در بعضی از موارد تزلزل‌پیدا بکنند برای اینکه‌هیچ خبرندارند که‌در این‌جلسات محرمانه چه‌میگذرد وچه‌چیزهائی می‌برند ومی‌دوزند وامثال اینها . بنابراین‌بهتراینست که اگر ضرورت پیدا شود مذاکرات، غیرعلنی‌باشد اما تصویب مسائل درمجالس‌علنی صورت‌بگیرد تا مردم با خبر بشوند که مبادا در مسائل سرنوشت‌ساز کلاه سرشان برود. پس‌بنده با قسمت دوم موافق نیستم ولی قسمت اول صحیح است.

**نایب‌رئیس** — آقای فوزی بفرمائید وبه‌عنوان موافق صحبت کنید.

**فوزی**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نظربه‌اینکه اعضاء مجلس شورای ملی منتخبین ملت هستند، قهراً درمذاکراتی که انجام میدهند و تصمیماتی که میگیرند، مصلحت ملت ومملکت را رعایت خواهند کرد و مخصوصاً با درنظرگرفتن اینکه ملت هم درموقع انتخاب آنها کاملا مراقبت و دقت کرده‌اند که افراد برگزیده و صالح را به مجلس اعزام بکنند . در قسمت اول اصل که لزوماً تذکر داده شده که بایستی جلسات مجلس شورای ملی علنی باشد،این که مورد وفاق است وقابل قبول که به‌وسیله روزنامه رسمی منتشر میشود یااینکه لازمه علنی بودن اینست که در رسانه های‌گروهی جریان مجلس را منعکس بکنند، برهمین روالی که فعلامجلس خبرگان مذاکرات خود را انجام میدهد. پس دراین قسمت جای بحث نیست ومورد قبول همه هست. اما در قسمت دوم درمواردی که ضرورتی پیش آید رئیس جمهور یا نخست‌وزیر یا یکی از وزیران و یا ده‌نفر از اعضاء مجلس شورای ملی وقتی که صلاح دیدند و پیشنهاد کردند که مجلس مذاکرات و تصمیماتش سری باشد، قهراً یک مصلحتی را درنظر می‌گیرند و یک مصلحتی ایجاب میکند که چنین پیشنهادی را به‌مجلس ارائه کنند. درقسمت اول که آقای مکارم هم موافق بودند، یعنی اگرمجلس در حدمذاکره، جلسات سری داشته‌باشد، قابل قبول است و جای بحث نیست. اما جای بحث درموردی است که پیشنهاددهندگان تصمیمات مجلس شورای ملی را هم مصلحت بدانند که مختفی باشد واین هم که قبول کردند، چه‌بسا مصالح ایجاب میکند که تصمیمات یا مصوبات مجلس‌شورای ملی علنی نباشد. منتها ایشان فرمودند که مصوبات مجلس شورای ملی علی‌ای‌حال به‌نظر شورای نگهبان خواهد رسید، چه در مجلس حاضرباشند، چه نباشند، یعنی به‌عبارت دیگر حضور آنها در مجلس فایده زیادی

ندارد، درحالی‌که فایده زیادی دارد برای‌اینکه اگر درمجلس باشند، هم مذاکرات مجلس‌را گوش میدهند و هم دلایل را و وقتی‌که متوجه دلایل و مذاکرات مجلس شدند، چه‌بسا قانع بشوند و متوجه بشوند که صلاح دراین بوده‌که این تصمیم‌گیری بایستی سری بوده باشد. از طرف دیگر فرمودند که‌این برخلاف مصلحت‌است‌و ملت‌راضی‌نمی‌شوند. وقتی‌که آنها منتخبین ملت هستند و ملت آنهارا انتخاب‌کرده وبه‌آنها اختیار داده وآنهاحاضرشده‌اند که مصالح مملکت و ملت‌را ازنقطه‌نظر تصمیم‌گیری بدست بگیرند و تصمیمات و مصوبات آنهاهم مورد قبول ملت است، یعنی از اول‌هم به‌همین نحو به‌آنها وکالت داده و آنهارا تعیین کرده‌اند، وقتی‌که بفهمندمصلحت‌در اختفاء تصمیمات بوده، مسلماً آنها هم رضایت دارند. دیگر عرضی ندارم، والسلام علیکم و رحمةالله وبرکاته.

**نایب‌رئیس** — آقای سبحانی‌شما موافقید یا مخالف؟(سبحانی — مخالفم.) آقای دکتر غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — چند نکته دراینجا هست‌که باید تذکر دادکه برای تمام اصول هم تقریباً به درد میخورد و آن اینکه قانون اساسی باید غالباً دستها را بازتر بگذارد ، نه اینکه ببندد وگرنه از مصلحت و فلسفه قانون اساسی خارج شده و ازاین مصلحت اندیشی‌ها برای موارد بسیار نادر، ملت خیلی زیان دیده است، بنابراین بنظر میرسد که دراین‌اصل با ذکرلفظ مصوبات، فقط صاحبان حقوق اصلی که مردم هستند،بی‌خبر می‌مانند و بهیچ‌وجه صلاح نیست که چیزی بطورسری به‌تصویب برسد، بنابراین مذاکرات بلی، ولی تصویبات و مصوبات نه.

**نایب‌رئیس** — آقایانی‌که میخواهند به‌عنوان مخالف صحبت‌کنند، بفرمایندکه می‌خواهم مخالف صحبت‌کنم.

**گلزاده غفوری** — نوبت نمی‌رسد آقا، مطالبی‌هم‌هست‌که تذکر من ضروری است.

**نایب‌رئیس** — ببینید آقای غفوری، برای یک اصل‌که بیست وپنج نفر اسم می‌نویسند اگر هر بیست‌وپنج نفر صحبت‌کنند، باید تا یک ماه دیگر اینجا بمانیم،ماگفتیم یک موافق و یک مخالف صحبت می‌کنند... (دکترغفوری ـ کدام موافق، کدام مخالف؟) هرکس نوبت گرفته است.

**هاشمی‌نژاد** — آقای دکتر غفوری همین مطالب را آنجا هم گفتند، همه آقایان‌هم شنیدند.

**نایب‌رئیس**— عرض بنده چیز دیگری است، ایشان فرمودند، کدام موافق، کدام مخالف بنده هم عرض میکنم هرکس‌که اول نوبت بگیرد. آقایانی‌که علاقمند هستند مطالبشان گفته بشود زودترنوبت بگیرند و به‌آخر سرمحول نکنند. آقای خامنه‌ای شما موافقید یا مخالف؟ (خامنه‌ای—من‌تذکراتی‌دارم.) یعنی‌باز مخالف‌است؟ (خامنه‌ی — نمی‌دانم...) پس‌مخالفید، آقای قرشی بفرمائید. (قرشی — من هم مثل آقای مکارم با قسمت دوم مخالفم.) آقای آیت شما بفرمائید. (دکترآیت — من‌چند تذکر اصلاحی دارم.) یعنی‌مخالفت است؟

**دکتر آیت** — خیر مخالفت نیست، یکی اینجاکه نوشته است «گزارش کامل آن باید در روزنامه رسمی کشور منتشرگردد»معتقدم لااقل از رادیو بطورکامل به‌اطلاع ملت برسد. حالا اگر تلویزیون راهم اضافه کنیم که منتشر بکند بهتر است. و دراین قسمت آخرکه نوشته «سه‌چهارم مجموع نمایندگان» دوتاتذکردارم. یکی اینکه مادر یکی از اصول داشتیم که بارأی

سه‌چهارم نمایندگان درجلسه علنی، اگر بخواهیم درجلسه سری هم سه‌چهارم را معیار قراربدهیم صحیح نیست وتصمیم‌گیری درجلسه محرمانه را یا باید ممنوع کرد مثل تغییر مرزها و غیره، یا لااقل نصابش را بالا برد و مثلا نوشت هفت هشتم. ویکی هم اینکه قراردادهای مخفی را در قانون اساسی سابق هم داشتیم مطالبی که مخفی‌به‌تصویب رسیده است، هیچوقت نباید مخالف آن چیزهائی باشد که قبلا بطور علنی تصویب شده است.

**سبحانی** —آقا اگر میزان مخالفت این باشد، سال ماهم همین است، ما هم یک استثناء می‌گذاریم...

**منتظری** — متنی بود که بعدازاینکه نوشته بود روزنامه رسمی کشور، نوشته بودبه‌وسیله رسانه های گروهی...

**نایب‌رئیس** — پیشنهادی بود که رد شد. بنده لیست را می‌بندم و خواهش میکنم آقایان‌اگرتذکری درحد تذکر آقای آیت دارند، بگویند. آقای‌سبحانی شما تذکرتان را بفرمائید.

**سبحانی** — یک نوع تعارضی بین صدر و ذیل این اصل وجود دارد، اگرقرار است در روزنامه منتشر بشود، دیگر مخفی کردن معنی ندارد. (دکتر آیت ـ آن مربوط به جلسه علنی است.)نه«گزارش کامل آن باید در روزنامه رسمی...» (نایب‌رئیس — آن مربوط به جلسه علنی است.) پس درصورت سری بودن دیگرمنتشر نخواهد شد؟(نایب‌رئیس — خیر.) خیلی خوب این را استثناء میکنیم. من معتقدم مفاد قراردادهای خارجی اعم از سیاسی و اقتصادی، استثناء بشود. به‌جهتی که آنها مسائلی است که ضررش را تابحال دیده‌ایم. آنکه مربوط به قراردادهای خارجی است استثناء بشود.

**نایب‌رئیس**— آقای خامنه‌ای شما هم تذکرات خودتان را بدهید، آقای دکتر غفوری دکتر آیت ما رابه‌یک بحث مشکلی کشاندند.

**خامنه‌ای** — ما وظایف رئیس جمهور را میدانیم، به‌نظر میرسد که اینکار وظیفه رئیس جمهوری نیست یعنی در ردیف کارهای او نیست‌و همان نخست وزیر و وزراء هستند که تماس دارند و دیگراینکه ما رئیس مجلس را با ده نفر از نمایندگان هم وزن کردیم خوب دراینصورت آن ده‌نفربه رئیس مجلس میدهند و او این کاررا میکند. پس همان ده‌نفر نماینده کافی است. نکته دیگر اینکه ما «حضور و امضاء شورای نگهبان و تصویب سه‌چهارم» را برای چه درنظر گرفتیم؟ برای اصل خفای قضیه. و برای اینکه مصوب اینها مخالف‌نباشد، ما ضمانت اجرا را در نظر نگرفته‌ایم ، یعنی با وجود اینکه اینها اجازه داده‌اند لمصلحة این کار بشود. بعد که تصویب شد ممکن است بایکی از اصول قانون اساسی مخالف باشد وخیلی هم صریح نباشد، پس ما این را اضافه کنیم که«باقانون اساسی‌وسایر قوانین و قراردادها و عهود مغایرنباشد.»

**نایب رئیس** — این کار شورای نگهبان است . آقای رحمانی شما مخالفید ، موافقید یا تذکر دارید؟ (رحمانی — تذکری است.) از اول تا آخر که نیست؟

**رحمانی** — براثر تأکید یکی از آقایان بنده از صحبت‌خودداری کردم. عرض‌میشود که این غیرعلنی بودن باید به‌تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان برسد یعنی وقتی رئیس جمهور یاهرکس پیشنهاد داد، باید در مجلس مطرح‌شود اگر تصویب کردند، آنگاه اقدام بشود ، موضوع دیگر اینست که حضور همه‌اعضاء شورای نگهبان لازم نیست ممکن است یکی‌ازآنها

نباشد وهمچنین امضاء همه‌آنها لازم نیست اگر چنانچه روی این محافظه کاری باشدسه‌چهارم کفایت میکند، حدنصاب است...

**نایب‌رئیس** — آقای ربانی شیرازی آخرین نفرند وبعد رأی‌میگیریم‌آقایانی که‌بیرون هستند برای رأی دادن تشریف بیاورند.

**منتظری** — پیشنهادآقای آیت را بادست‌رأی بگیرید.

**نایب‌رئیس** — چشم‌رأی میگیریم، بفرمائید آقای ربانی شیرازی.

**ربانی‌شیرازی** — بنظر من‌مذاکرات سری باشد، عیبی ندارد ولی مصوبات‌باید به نظر مردم برسد واگر واقعاً نمی‌شود لااقل به‌نظر رهبر برسد ویا تصویب او باشد.

**نایب‌رئیس** —ماچون بایدامروز کارمان را تمام کنیم...

**هاشمی‌نژاد** — پیشنهاد مختصری دارم، ذیل این اصل‌رأی نمی‌آورد وباسری بودن جلسات،گروهی ازآقایان‌مخالفندولی‌صدرش‌رأی می‌آورد وضرورت‌هم داردواینهارا ازهم‌جدا کنید.

**نایب‌رئیس** — اجازه‌بفرمائید. موافقین بااصل ٤٥ به‌همین صورتی که‌هست دست بلند کنند (لطفاً دقیقاً بشمارید)خوب بی‌دقت هم که بشماریم پیدا است که‌رأی نمی‌آورد (عده کمی دست بلند کردند). موافقین باصدر متنهای ذیل یعنی« مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد وگزارش کامل‌آن باید در روزنامه رسمی کشور منتشر گردد.» دست بلند کنند.

**حجتی کرمانی**— یک‌جمله‌اضافه کنید.

**دکترنوربخش** — مصوبات را علنی‌بگذارید.(یکی از نمایندگان—مذاکرات سری باشد ولی مصوبات علنی باشد.)

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید یکی‌یکی اضافه‌میکنیم« مصوبات اینگونه جلسات در صورتی‌معتبراست که رأی‌گیری نهائی در جلسه نهائی ویا حضور ویا امضاء شورای نگهبان ویا تصویب سه‌چهارم‌مجموع نمایندگان باشد.»

**طاهری‌گرگانی** — اینکه‌لازم نیست.

**مکارم‌شیرازی** — مذاکرات سری باشد، مصوبات‌علنی.

**نایب‌رئیس** — اجازه بفرمائید. بنابراین «مصوبات‌اینگونه جلسات در صورتی معتبراست که رأی‌گیری نهائی عملی باشد» موافقین بااین متن دست بلند کنند(چهل‌نفردست بلند کردند) . ٤ نفر موافقند بنابراین اصل.... (آیت — وقت نداریم.) درست است، ظهر است.

**منتظری** — اصل کوچک‌است. چیزی نیست.

**دکترآیت** — خیربحث روی این زیاد است.

**نایب‌رئیس** — امروز عصر ساعت سه بعد ازظهر آخرین جلسه ماميتواند باشد چون ما فردا را فرصت داریم برای تنقیح وغیره وبعدهم سه‌روز آخر را برای رسیدگی نهائی، بنابراین امروز عصر آخرین جلسه ساعت سه‌بعد از ظهر است.

## ۹ — پایان جلسه

**نایب‌رئیس** — چون حالا وقت گذشته‌است ودیگر کاری فعلا نداریم‌جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت سه بعد از ظهر خواهد بود. جلسه ختم میشود.

(جلسه ساعت دوازده پایان یافت)

نایب‌رئیس مجلس بررسی نهائی قانون‌اساسی — **دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**

جلسهٔ شصت و پنجم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۵/۱۶ دقیقه روز ۲۰ آبانماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیستم ذیحجهٔ ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی‌منتظری تشکیل شد

## فهرست مطالب


۱ — بیانات قبل ازدستور آقای مؤید رستم شهزادی. .....
۲ — طرح و تصویب اصل ۱۳/۱ (اصل چهاردهم). .....
۳ — طرح اصل ۱۳۲ .....
٤ — طرح اصل ۱۷/۱ .....
٥ — طرح و تصویب اصل ۸۸/۱ (اصل یکصد و پانزدهم). .....
٦ — طرح و تصویب اصل ۲۹ (اصل بیست و هفتم). .....
۷ — طرح و تصویب اصل ۱۷/۱ (اصل پنجاه و نهم). .....
۸ — طرح و تصویب اصل ٦۷/۱ (اصل هشتاد و یکم). .....
۹ — طرح و تصویب اصل ٥٤ (اصل شصت و نهم). .....
۱۰ — پایان جلسه. .....

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقای موبد رستم شهزادی

**رئیس** — آقای موبد تشریف بیاورید.

**موبد رستم شهزادی** — به نام خدا از آنجا که من مأمور شدم، خواسته های گروه زرتشتیان را که طبق طوماری به مجلس خبرگان فرستاده شده به پیشگاه ملت و نمایندگان محترم مجلس خبرگان قرائت می کنم:

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر مهربان

مورد توجه حضرت آیت‌الله منتظری رئیس مجلس خبرگان.

مورد توجه حضرت آیت‌الله دکتر بهشتی

«نایب رئیس مجلس خبرگان جهت بررسی و تدوین قانون اساسی ایران».

رونوشت: آیت‌الله‌العظمی امام خمینی — رونوشت: دفتر نخست‌وزیری

رونوشت: آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری — رونوشت: آقای موبد رستم شهزادی «نمایندهٔ زرتشتیان در مجلس خبرگان»

پیش از به ثمر رسیدن انقلاب عظیم ملت ایران توسط آیت‌الله‌العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و سایر علمای اسلام مکرراً به وسیلهٔ رسانه های مختلف به اقلیتهای مذهبی در کشور ایران قول وامیدواری تساوی حقوق و آزادی بیشتر داده میشد و این قول وامیدواریها موجب دلگرمی و تشویق اقلیتهای مذهبی منجمله زرتشتیان ایران گردید تا با اشتیاق عمیق در انقلاب شرکت نمایند. انتخاب و برگزاری مجلس خبرگان جهت تدوین قانون اساسی کشور و حضور نمایندهٔ این جامعه در آن مجلس به امیدواری زرتشتیان افزود ولی با کمال تأسف مشاهده گردید که این امیدواریها توسط دولت موقت ایران و حتی مجلس خبرگان به ناامیدی و یأس گرائید. زرتشتیان که زائیدهٔ این آب و خاک میباشند و غیر از ایران مسکن و موطن دیگری ندارند به صورت شهروندان درجهٔ ۲ میهن خود شناخته شده‌اند و حق هیچگونه‌فعالیت سیاسی و نظامی و قضائی را ندارند در صورتیکه زرتشتیان با نسبت کم در کشورهای دیگر به خصوص هندوستان و پاکستان از تساوی حقوق و آزادی کامل برخوردار بوده و به عنوان شهروندان درجه یک به حساب می‌آیند و به مقامات عالیه نیز منصوب میگردند. آیا باعث تأسف نیست که زرتشتیان در زادگاه خود از چنین حقوقی محروم باشند؟

در مورد آزادی به عرض میرساند، بیش از ۸ ماه از انقلاب نگذشته است که توسط اشخاص و شخصیت‌های مختلف اتهامات عاری از حقیقت به زرتشتیان وارد شده است و با صراحت کامل به عرض میرساند چنین اتهامات بیشتر جنبهٔ تعصب و نفاق‌انگیزی چه آگاهانه و یا ناآگاهانه دارد. چند روز پیش یکی از آموزگاران مدارس راهنمائی تهران در کلاس درس به زرتشتیان اتهام آتش‌پرستی را میزند آنهم بدون اینکه در مورد اهورا مزدا پرستی یا یکتاپرستی

زرتشتیان اطلاع کافی داشته باشد، با کمال تعجب و تأسف چند روز بعد حضرت آیت‌الله خلخالی در سخنرانی خود دربارهٔ علامت شیر و خورشید نیز زرتشتیان را آتش‌پرست میخواند. هنگامیکه یکی از علمای اسلام و آموزگاری که به بنیاد فرهنگی کشور وابستگی دارد چنین تهمت و توهینی به جامعه زرتشتیان وارد میکند، بنابراین زرتشتیان درمورد اشخاص عادی‌این کشورچه‌توقعی‌میتوانند داشته‌باشند، آیا معنای آزادی‌درحدود قوانین اسلام اینست که‌بعضی‌از مسلمانان چون در اکثریت میباشند و بدون آگاهی از تعالیم پیامبران ادیان دیگر حق تهمت و توهین به اقلیت‌های مذهبی را دارند؟ و آیا اگر چنین تهمتی یا امثال آن به وسیله اقلیت‌های مذهبی به‌خلق مسلمان وارد شود عکس‌العمل آن‌چه‌خواهد بود؟ بهترنیست کسانیکه خود را روحانی آگاه و آموزگار می‌دانند کمی از وقت خود را در شناخت ادیان دیگر صرف کنند و با تعالیم دینی آنان آشنا گردند تا ناآگاهانه با بیان چنین اتهامات ناروا موجب دلسردی و بی‌تفاوتی بین افراد کشور نگردند و دین را وسیله اختلاف قرار ندهند.

یادآور میگردد زرتشتیان پس از حمله اعراب به ایران با اینکه از طرف گروه زیادی از روشنفکران این کشور پیوسته‌مورد احترام بوده‌اند متأسفانه‌توسط حکام وقت وزمامداران‌متعصب مورد شکنجه قرار میگرفتند، اما امروزکه اعلامیهٔ حقوق بشر در میان است و مردم دنیا به آن جا رسیده‌اند که دین و مذهب و عقاید گوناگون نباید منجر به اختلاف و کینه‌ورزی گردد و دراین عصری‌که بیشتر مردم دنیا خواهان برداشتن مرز بین کشورها هستند آیا سزاوار است به گروهی که در اقلیت واقع شده است این‌گونه مورد بی‌مهری و کم‌التفاتی اکثریت قرارگیرند و جامعه، اکثریت این عملیات ناآگاهانه را چگونه توجیه میکندو آیا اقلیتهای مذهبی درآینده آنچنان زیر فشار قرار نخواهند گرفت‌که مهاجرت را درماندن و گرفتار به این‌گونه مشکلات ترجیح دهند؟ جامعهٔ زرتشتیان ایران از زمامداران کنونی کشور و پایه‌گذاران قانون امید دارند که در ادامه و تکرار چنین اتهامات ناروا و امثال آن جلوگیری به عمل آورند و دربارهٔ تساوی حقوق برای زرتشتیان که جز ایران کشوری برای خود نمی‌شناسند کوشش نمایند.

به‌امید پیروزی انقلاب و سعادت ملت ایران و آزادی یکسان برای پیروان همه‌ادیان.

درحدود دویست نفر هم امضاء کرده‌اند.

**ربانی شیرازی** — اگر یک فردی در یک گوشه‌ای از مملکت یک چیزی گفت مجلس خبرگان و دولت و همه اینها مسئول هستند و معنای این عدم آزادی است؟

**موبد شهزادی** — از آنجاکه این تریبون برای همه است و سخن گفتن در پشت این تریبون آزاد است و این آزادی به همه داده شده است چه مخالفین و چه موافقین، بنده هم به خواسته هم میهنان خود این را عرض کردم و اما میخواستم به عرض حضار محترم و نمایندگان محترم برسانم که درگذشته در بعضی مواقع حتی در کتب دینی عباراتی نوشته شده بود که باعث اختلاف بین دانشجویان و دانش‌آموزان در کلاس درس می‌شد مثلا زرتشتیان را به ثنویت متهم می کردند و مسیحیان را به پیروی از تثلیث متهم میکردند و امیدواریم در آینده این‌جور چیزهائی که باعث اختلاف ونفاق‌گردد درکتب درسی به‌خصوص تعلیمات‌دینی نوشته نشود ضمناً برای رفع هرگونه ابهام عرض می کنم که قبله زرتشتیان نوراست نه آتش، اول نور طبیعی بزرگتر، مثل خورشید و ماه و در غیبت آن نور چراغ و آفتاب و حتی وقتی که درشب در اطاقی برای نماز می‌ایستیم رو به طرف پنجره‌ای می‌ایستیم که نور بیشتر و بهتروارد

اطاق می‌شود و نور در همه مذاهب محترم است ما زرتشتیان خداوند راشیدانشیدیعنی نورالانوار می‌خوانیم و همیشه دعا می کنیم که پروردگارا ما را از تاریکی به نور هدایت فرما، از تاریکی جهل و نادانی به روشنائی عقل و تفکر هدایت کن، از تاریکی بی‌ایمانی به روشنائی ایمان هدایت فرما، در قرآن هم آمده است: «الله نورالسموات والارض» از اینجهت ما نور راپرستش‌سو و قبله خود قرار میدهیم نه آتش را و آتش فقط در شب چون در قدیم غیر از مشعل آتش وسیلهٔ دیگری برای روشنائی نبوده ازاینجاست که درشب هم اگرچراغی یا آتشی‌افروخته بشود نگاه می کنیم. فردوسی میفرماید:

مگوئید آتش پرستان بدند پرستنده پاک یزدان بدند
نیا را چنین بود آئین به پیش پرستیدن ایزدی بود کیش

دیگر عرضی ندارم، متشکرم.

**رئیس** — تشکر می کنم البته احتیاج به این نداریم که به حقوق بشر مراجعه کنیم برای حقوق اقلیتهای شناخته شده ایران چون مطابق موازین اسلام حقوق زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان حقوقی است شناخته شده و همهٔ ما مسلمانان این‌سه‌اقلیت را اقلیت رسمی می‌شناسیم و به همهٔ برادران و خواهرانی که صدای مرا می‌شنوند توصیه می کنم که موازین اسلام و دستورات اسلام را نسبت به همه به خصوص به اقلیتهای شناخته شده کلیمی و مسیحی‌وزرتشتی رعایت کنند اصلا باید نسبت به هر انسانی در صورتیکه توطئه‌گر نباشد مخصوصاً که هم میهن ما هم باشد موازین اسلامی رعایت بشود، حضرت علی علیه‌السلام در نامه‌ای که به مالک‌اشتر می‌نویسند دستور میدهند که نسبت به همهٔ انسانها با مهربانی رفتارکن برای اینکه «اما اخ لک‌فی‌الدین اونظیر لک فی‌الخلق» یا برادر دینی تواست یا اگر برادر دینی تو نیست و مسلمان نیست نظیر تو است در خلقت، و در نهج‌البلاغه آمده است در وقتی که لشگر معاویه حمله کرد به شهر انبار و غارت کردند و یک عده‌ای را کشتند در نهج‌البلاغه دارد که حضرت میفرماید به من خبر رسیده است که ارتش معاویه حمله کرده و از پای دختران مسلمان و آنهائی که در پناه اسلام بودند حالا یا مسیحی بودند یا یهودی بودند، از پای آنها خلخال کشیدند میفرماید اگر انسان بمیرد بهتر است و به‌جا است تا نبیند این ظلم را که‌نسبت به حقوق کسانی که مسلمان هستند و یا در کشور اسلامی و در پناه اسلام هستند تعدی‌بشود بنابراین از همهٔ برادران و خواهران ایرانی خودمان تقاضا می کنیم که جنبه‌های اسلامی را رعایت کنند و ازکارهای بچه‌گانه دست بردارند و مخصوصاً عرض کردم نسبت به این سه اقلیت شناخته شده، چون از نظر اسلام محترم هستند و ما کار نداریم به اینکه حقوق بشر چه گفته است هزار و چهارصد سال پیش نسبت به اقلیتها، اسلام توصیه کرده است.

**تهرانی**— اگرصلاح می‌دانید به‌این مناسبت‌اصل ۱۳/۱ را قرائت بفرمائید تا ان‌شاءالله زودتر تصویب بشود.

## ۲ — طرح و تصویب اصل ۱۳/۱ (اصل چهاردهم)

**رئیس** — تذکر آقای تهرانی را رعایت می کنیم، اصل ۱۳/۱ مطرح است که قرائت میشود.

«اصل ۱۳/۱ — به حکم آیهٔ شریفه «لاینکهم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین ولم

یخرجوکم عن دیارکم ان‌تبروهم وتقسطواالیهم» دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق‌انسانی آنان را رعایت نمایند این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام‌و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

**رئیس** — آقای ربانی شیرازی فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

**ربانی شیرازی** — این اصل به معنای جدا کردن اقلیتها از ملت ایران است ما در باب حقوق ملت ایران حقوقی را که نوشتیم شامل همه آنها میشود و این اصلی که شما آورده‌ایدآنها را جدا می‌کند و مثل اینست که آنها جزء ملت ایران نیستند و باید با اینها با محبت و داد عمل بشود آنها جزء ملت ایران هستند و حقوق ملت ایران هم دربارهٔ آنها عمومیت دارد و احتیاج به این اصل هم نیست چون با آوردن این اصل آنها از ملت ایران جدا می‌شوند.

**رئیس** — اگر ما بنویسیم «دولت جمهوری اسلامی و ملت مسلمان ایران موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان» چطور است.

**ربانی شیرازی** — آقای منتظری دولت جمهوری اسلامی دولتی است برای همه ولواینکه یک دولت اسلامی و مکتبی است ولی چون در مکتب برای همه اقلیتها حقوق قائل شده‌اند و دولت هم دولت مسلمانان است و هم دولت اقلیتها است، دولت هیچ تفاوتی بین آنهاوبین اقلیتها نباید بگذارد.

**رئیس** — پس شما با این اصل مخالف بودید و صحبت کردید آقای موسوی جزایری بفرمائید.

**موسوی جزایری** — منظور اصلی از این اصل این بود که در موقعی که صابئین و گروهی دیگر مراجعه کردند و گفتند که به یک نحوی ما هم در قانون اساسی منظور بدارید و مورد تأیید قرار بدهید، در آن موقع یک اصلی از قانون اساسی در زمینهٔ مربوط به اقلیتها مطرح بود که در آنجا این موضوع رد شد چون در آنجا گفته شد که اینها جزء اقلیتها نمی‌توانند باشند و بعد گفته شد طبق آیه شریفه‌ای که اینجا آمده است شامل تمام کسانی که خارج از اسلام هستند و جزء اقلیتها نیستند هم میشود این آیه اینجا آورده شد که شامل آنها هم بشود ولذا باید روی این نکته تکیه بشود که منظور اقلیتها نیستند و صنوف دیگر هستند. (سبحانی — نه، نه آقای منتظری تصریح درست نیست.) من نمی‌گویم به صابئین تصریح بشود می‌گویم به‌عموم تصریح بشود.

**رئیس** — آقای ربانی‌شیرازی به‌عنوان مخالف صحبت کردند یک موافق می‌تواند صحبت کند حالا از بقیهٔ آقایانی که اسم نوشته‌اند می‌پرسم که موافق هستند یا مخالف. آقای‌طاهری اصفهانی شما موافقید یا مخالف؟ (طاهری اصفهانی — موافقم.) آقای مکارم شما موافقید یا مخالف؟ (مکارم شیرازی — موافقم.) آقای دکتر اوشانا شما موافقید یا مخالف؟ (دکتر بیت اوشانا — من یک توضیحی دارم.) آقای موسوی تبریزی شما موافقید یا مخالف؟ (موسوی تبریزی — موافقم.) آقای دکتر اوشانا شما توضیحتان چیست؟ بفرمائید.

**دکتر بیت‌اوشانا** — من‌قبلا می‌خواستم ازحضور جنابعالی تشکر بکنم راجع به بیاناتتان نسبت به اقلیتهای مذهبی به طور کلی چه مطالبی که اینجا فرمودید و چه مطالبی که تابه‌حال ضمن نمازهای جماعت‌فرمودید و اقلیتهای مذهبی را مورد عنایت خودتان قرار دادید میخواستم

عرض کنم تا جائی که من میدانم این اصل مربوط به اقلیتهای مذهبی رسمی نیست و مستثنا از اقلیتهای مذهبی است و این اصل مربوط به کسانی است که غیرمسلمان هستند ولی جزو اقلیتهائی که به رسمیت شناخته شده‌اند نیستند پس بنابراین اگر اسم دینی آنها قید بشود که غیر مسلمان و غیر ادیان رسمی هستند خیلی بهتر خواهد بود و توضیح کاملتری خواهد بود.

**رئیس** — آقای طاهری اصفهانی به عنوان موافق بفرمائید.

**طاهری اصفهانی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. همانطورکه اشاره کردند در موقعی که صابئین مراجعه کرده بودند و تقاضائی داشتند این اصل تنظیم شد ولی اصل از لحاظ‌صابئین و غیر مسلمانها و غیر اقلیتها عام و خاص من وجه است نه نظر به خصوص صابئین دارد واصلا ناظر به اقلیتها هم نیست‌این تز اسلام است در رابطه با غیر مسلمانها چه باطل چه خارج، تز اسلام را می‌خواهد معین کند که ما برطبق این آیه شریفه که «لاینهکم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین... الی آخر» با غیر مسلمانهائی که با ما سر جنگ ندارند سرجنگ نداریم و اصلا این ربطی ندارد با بحث مربوط به اقلیتها و ما باید با آنها با عدل و قسط رفتار کنیم، علاوه براینکه ما با آنها سرجنگ نداریم.

**رئیس** — آقای دانش‌راد بفرمائید.

**دانش‌راد** — من توضیحی داشتم که عرض میکنم‌ا لبته این اصل یک اصل خیلی خوبی است ولی مسائل آن اقلیتهائی راکه شناخته شده نیستند حل نمی‌کند مثل صابئین و افراد دیگر مراجعه میکنند و میگویند ما را در مراجعه به مؤسسات دولتی برای گرفتن شغل نمی‌پذیرند.

**رئیس** — حقوق انسانی شامل آنها هم میشود.

**دانش راد** — حقوق انسانی درست است ولی حقوق اشتغال به‌کار فقط شامل آن سه دینی هست که شناخته شده هستند.

**رئیس** — یعنی میفرمائید آنها انسان نیستند؟

**دانش‌راد** — چرا ولی آنها اینطور عنوان می‌کنند که کارهائی را باید انجام بدهند که احتیاج به ذکر این مذهب نباشد من به عنوان یک فرد اقلیتی که درد آنها رامی‌شناسم می‌خواستم عرض کنم که چیزی نوشته شود که حقوق این اقلیتهائی را که شناخته شده‌نیستند در مراجعه به مؤسسات دولتی وکارهائی که می‌خواهند در مملکت انجام بدهند به صورت رسمی شناخته بشود و این متن، این مطلب را نمی‌رساند چون وقتی آگهی می‌کنند فقط به‌این چهار مذهب اسلام، مسیحی، کلیمی و زرتشتی کارمی‌دهند و اگر کسی بگوید که من پیرو دین صابئی هستم او را نمی‌پذیرند باید به یک ترتیبی این موضوع را روشن کرد تا بتوانند در کارهای مملکت خدمت کنند.

**رئیس** — بالاخره این مفاد آیه قرآن است و عبارتی را هم که می‌گوئیم این است که حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند ظاهراً به‌آنها هم اطلاق میشود و نظرشان را تأمین‌می‌کند.

**یزدی** — در همان موقع که بحث مربوط به صابئین مطرح بود مشخص شد که اینها یا گروهی از کلیمیان خواهند بود یا از مسیحیان و یک گروه مستقل مذهبی جدا در قبال این دو نمی‌توانند باشند بنابراین اسم بردن با مسائل تحقیقی علمی نمی‌سازد و باید به صورت کلی‌باشد نسبت به حقی هم که میفرمایند در ادارات اگر مربوط به قسمی ازکلیمیان یا از مسیحیان باشند

مطابق اصلی که مربوط به اقلیتها بود می‌توانند وگرنه با این اصل حقوق انسانیشان را حفظ کرده‌ایم بنابراین بیشتر از آنچه فقط اسم بیاوریم نمی‌تواند باشد.

**نایب رئیس** — آقای حجتی فرمایشی دارید بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — بعضی از اقلیتها هستند که به نام مذهب هستند ولی در حقیقت مذهب نیستند و یک حزب سیاسی هستند بنابراین،این دو مذهب یعنی صابئین که در قرآن هم آمده است و شیعه اسمعیلیه این دو فرقه را که موجودیت دارند می‌توان به اسم ذکر کرد.

**رئیس** — آن بعد خواهد آمد اصل ۱۳/۱ برای رأی گرفتن خوانده میشود.

**اصل ۱۳/۱ (اصل چهاردهم)**— به‌حکم آیه‌شریفه «لاینهکم‌الله عن‌الذین لم‌یقاتلوکم فی‌الدین ولم یخرجوکم من‌دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه‌و اقدام نکنند.

**رئیس** — لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — نتیجه رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و سه نفر، تعداد کل آراء پنجاه و سه رأی، موافق پنجاه نفر، مخالف یک نفر، ممتنع دو نفر، بنابراین اصل ۱۳/۱ با پنجاه رأی موافق تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۳ — طرح اصل ۱۳۲

**رئیس** — اصل ۱۳۲ مطرح است که قرائت میشود.

«اصل ۱۳۲ — نظام مالیاتی باید براساس عدالت اجتماعی و قدرت پرداخت مؤدیان و تناسب با هزینه‌های عمومی باشد. هیچ قانونی در مالیات یا عوارض عطف به‌ماسبق نمیشود.»

**رئیس** — آقای خامنه‌ای شما موافقید یا مخالف؟ (خامنه‌ای— موافقم) آقای دکترضیائی شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر ضیائی** — مخالف هستم چون این موضوع در اینجا نباید آورده شود و جایش در قوانین مربوط به مجلس شورای ملی است نه اینجا.

**رئیس** — آقای غفوری شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر غفوری** — درباره عطف به ماسبق مطلبی دارم به عنوان مکمل این اصل که اگر فرصت شد می‌گویم.

**رئیس** — در حقیقت توضیحی دارید. آقای پرورش شما نظرتان چیست؟ (پرورش — تذکر دارم.) آقای عضدی نظر شما چیست؟ (عضدی — تذکری دارم.) آقای آیت شماموافقید یا مخالف؟ (دکتر آیت — تذکر دارم.) آقای ربانی شیرازی موافقید یا مخالف؟

**ربانی شیرازی** — این هزینه‌های عمومی باید متناسب با مالیات باشد نه اینکه مالیات گرفتن متناسب با هزینه‌ها باشد چون مرتب اگر هزینه بالا برود از آن طرف مالیات بیشتر گرفته میشود و این درست نیست چون این تناسب باید دائر بین این دو تا باشد.

**دکتر آیت** — مخارج را باید در نظر گرفت و به اندازه‌اش مالیات گرفت.

**رئیس** — آقای مشکینی شما چه نظری دارید؟ (مشکینی — تذکر دارم.) آقای کیاوش شما چه نظری دارید ؟ (کیاوش — تذکر دارم.) اجازه بفرمائید اول موافق و مخالف صحبت کنند و بعد تذکرات بررسی بشود. آقای دکترضیائی به‌عنوان مخالف صحبت می کنند، بفرمائید.

**دکتر ضیائی** — من فقط یک مطلب کوتاهی دارم اولا موضوع مربوط به مالیات، جایش اینجا نیست چون وضع مالیات و اینکه متناسب با درآمد عمومی باشد از وظایف مجلس‌شورای ملی است نه اینکه در قانون اساسی آورده بشود و در پیش نویسهائی که چه از ایران و چه از کشورهای دیگر به اینجا رسیده است نشان میدهد که نظام مالیاتی در قانون اساسی ذکر نشده است و دولت باید بودجه‌اش را از غیر مالیات تنظیم کند چون هرچقدر دولت مالیاتش را اضافه کند بار سنگینی بر دوش مصرف کننده خواهد آمد و موجب تورم میشود و ازنظر شرعی هم من دراینجا ملاکی نمی‌بینم اگر آقایان موافقین یک‌وجه شرعی را ارائه بدهند ممکن است من قانع بشوم.

**رئیس** — آقای خامنه‌ای به عنوان موافق بفرمائید.

**خامنه‌ای** — اول اجازه بفرمائید آقایان اشکالات و تذکراتشان را مطرح بفرمایند تا بعد من توضیح عرض کنم.

**رئیس** — بسیار خوب آقای غفوری توضیحتان را بفرمائید.

**دکتر غفوری** — یک وقت است که یک قانونی از قبل وجود ندارد و یک قانونی تازه وضع میشود این عطف به ماسبق نمی‌شود یعنی از زمان وضع به بعدش اثر دارد ولی یک وقت یک قانون سابقی هست و یک قانون لاحقی هم وضع میشود در اینجا عطف به ماسبق نشدن یک شرطی دارد و تمام مکتبهای حقوقی چه در قسمت جزا و چه در قسمت امور مدنی این را رعایت می کنند که عطف به ماسبق نشدن در صورتی است که این قانون بعدی شدیدتر از آن قانون قبلی باشد ولی چنانچه این قانون بعدی سبک‌تر باشد به نفع مؤدی یا متهم ، در اینجا قانون سبک‌تر را می‌گیرند این است که پیشنهاد میشود که نوشته شود «مگر در صورت وجود تخفیف یا عفو» یعنی اگر قانون بعدی تخفیف یا عفو دارد همین قانون بعدی اجرا شود بنابراین آن قانون قبلی که سنگین‌تر بوده اجرا نمی‌شود یعنی به این صورت اجرا میشود که به نفع مؤدی اگر قانون قبلی سبک‌تر است آن اجرا میشود و اگر قانون بعدی سبک‌تر است این اجرا میشود خلاصه آن قانونی اجرا میشود که به نفع مؤدی یا متهم است این معنی عطف به ماسبق است که آقای خامنه‌ای هم ممکن است توضیح بدهند.

**رئیس** — آقای پرورش تذکر شما چیست؟ بفرمائید. (پرورش — توسط آقایان دیگرگفته شد.) آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — عرض کنم که من موافق با این اصل هستم منتها یک نکته‌ای بود که در اصل قبلی بود و من در اینجا نمی‌بینم و آن ناظر به این است که مالیات‌ها تصاعدی باشدیعنی هرکسی که از امکانات و خدمات جامعه بیشتر بهره‌مند میشود حالا مواهب طبیعی را کار نداریم باید مالیات بیشتری بپردازد در اینجا باید تصریح بشود که هرکسی که از امکانات و خدمات جامعه بیشتر برخوردار میشود باید مالیات‌بیشتری بپردازد.

**رئیس** — البته این مطلب شما رأی نیاورد. (عضدی — مواهب طبیعی رأی نیاورد.) آقای آیت بفرمائید.

**دکتر آیت** — اگرچه نمی‌دانم این خمس و زکوة و اینها را مالیات حساب می کنیم یا نمی کنیم که البته در آن مورد ما قوانینی از نظر اسلام داریم که باید اجرا بشود یعنی آنهائی که حقشان را نداده‌اند بعضی اوقات تا سی و شش درصد از آنها گرفته میشود و منظور من این است که از این عطف به ماسبق نشدن نباید کسی استفاده بکند و بگوید که این موضوع صورت قانونی ندارد و از مجلس نگذشته است این تذکر لازم بود چون این موضوع فقط در موردمالیات به معنای اخص مفهوم آن است نه وسیع آن یا به‌طورکلی باید عطف به ماسبق بودن را از بین ببریم.

**عضدی** — ضمناً من میخواستم این مطلب را عرض بکنم که عطف به ماسبق بودن در اینجا ضروری نیست.

**دکتر آیت** — بله چون برای تعدیل ثروت هم ممکن است ما مالیاتهائی را وضع کنیم و اگر این عطف به ماسبق نباشد بهتر است.

**رئیس** — خوب نظر شما اینست آقای مشکینی بفرمائید.

**مشکینی** — درآینده که ان‌شاءالله ممکن است دولت صددرصد اسلامی بشود این مالیات منطبق میشود با همان مالیات شرعی که همان حقوق شرعی است و لذا اینجا بهتر است طوری آورده بشود که به طور موجه شامل بشود، پیشنهادم اینست که اینطور نوشته شود. «براساس عدالت اجتماعی و طبق موازین اسلامی» این جمله اضافه بشود.

**رئیس** — آقای کیاوش بفرمائید.

**کیاوش** — در صدر اصل اشکالی نیست ولی در ذیلش که نوشته شده است «متناسب با هزینه ها باشد» فکر نمی کنم درست باشد چون مالیات‌ها را براساس درآمد اشخاص می‌گیرند و کار با هزینه های مملکتی ندارد ودوم اینکه همانطورکه آقای مشکینی فرمودند انواع مالیاتها مشخص بشود تا بدانیم مالیاتهای شرعی هم شامل اینها میشود یا نه و دیگر اینکه گیرندگان این مالیاتها چه شرعی و چه غیر شرعی چه مراجعی هستند؟

**رئیس** — آقای کرمی بفرمائید.

**کرمی** — عرض میشود این جمله «و متناسب با هزینه های عمومی» باید حذف بشود و نوشته شود «نظام مالیاتی باید براساس عدالت اجتماعی و قدرت پرداخت مؤدیان باشد» اگر غیر از این باشد من رأی نمی‌دهم.

**رئیس** — آقای مکارم بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — عرض بنده اینست که اگر به این صورت باشد که هیچ قانونی دروضع مالیات یا عوارض جدید عطف به ماسبق نمی‌شود بسیاری از اشکالات حل میشود چون شامل بخشودگیهای مالیاتی نمی‌شود و فقط وضع عوارض و مالیات جدید را شامل میشود و خیلی از این مشکلاتی را هم که آقایان می‌گیرند برطرف میشود و معلوم هم هست که مربوط به‌خمس و زکوة و اینها نیست.

**رئیس** — آقای خزعلی بفرمائید.

**خزعلی** — اینجا که نوشته شده «این نظام مالیاتی باید براساس عدالت اجتماعی‌باشد» این عدالت یا نظر دارد بر هزینه های عمومی یا نظر دارد به قدرت پرداخت مؤدیان و در آن مطلب جداگانه‌ای نیست این یکی، ثانیاً عدالت اجتماعی، هدف است و نبایستی در اینجا در

ردیف آن دو قرار داده بشود و لذا پیشنهاد می کنم که اینجا اینطورنوشته‌شود «براساس‌عدالت اجتماعی نظام مالیاتی باید متناسب با قدرت‌پرداخت مؤدیان و متناسب با هزینه های عمومی باشد» عدالت اجتماعی را نباید در ردیف آن دو قرار داد چون به صورت شعار درمی‌آید و آن دو مورد بعدی هست که دارای مفاد قانونی است.

**رئیس** — خود من هم چون وقت گرفته بودم عرض می کنم که با آن ذیل مخالف‌هستم. (مکارم — دلیلتان را بفرمائید.) چون همه چیز را که در قانون اساسی نباید آورد آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — من هم با آن ذیل مخالف هستم به این دلیل که ممکن است با آن اصلی که قبلا تصویب شده است و گفته شده است که «تمام ثروتهائی که از طریق ربا و احتکار جمع میشود» تنافی پیدا کند این یک مسأله و مطلب دیگر اینکه این جمله «و متناسب با هزینه های عمومی باشد» حتماً لازم است زیرا که دولت‌اسلامی باید براساس هزینه های خودش مالیات بگیرد.

**ربانی شیرازی** — من یک پیشنهادی دارم و آن اینست که به جای آن «تناسب با هزینه های عمومی» نوشته شود «متناسب با درآمدها باشد».

**رئیس** — هزینهٔ عمومی لازم راباید دولت مالیات بگیرد آقای خامنه‌ای به عنوان موافق صحبت میفرمایند.

**خامنه‌ای** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این سه تا قید که اینجا هست، چون کلمهٔ عدالت اجتماعی را آقای خزعلی اخیراً اشاره کردند من به ترتیب عبارات می‌پردازم در ضمن آن اعتراضات برادران هم جواب داده میشود این اصطلاح عدالت اجتماعی و مطابقت مالیاتها یک بحث عمومی است. درتمام کتب حقوقی که خیلی ازآنها هم ترجمه شده است وقتی راجع به‌حقوق مالیه بحث میکنند می‌بینیم که یک نرخ شاه‌عباسی است و بحث مفصلی دارد که آیا مالیات باید برچه معیاری باشد؟ معیار را عدالت اجتماعی میگذارند و این یک حکم کلی است و همانطور که فرمودند شامل قدرت پرداخت و اینها هم میشود ولی منحصراً همان لفظ تنهای عدالت اجتماعی نیست غیر از اینکه قدرت پرداخت هم جزو عدالت هست چون مبتنی برمباحثی است که شده و آنهائی که در این رشته هستند آشنا هستند بنابراین تمام موازین بین‌المللی که با عدالت اجتماعی و قدرت پرداخت تعادل بین درآمدها و نسبت مشارکت مردم‌درپرداخت هزینهٔ دولت یعنی هزینه های عمومی ارتباط دارد در این عدالت اجتماعی نهفته است‌بنابراین وقتی میگوئیم براساس عدالت اجتماعی آن کلی را قبول کرده‌ایم که هم در اسلام هست وهم یک چیزی است که نرخ شاه‌عباسی است.

**رئیس** — البته رژیم شاهنشاهی دیگر ورافتاده است.

**خامنه‌ای** — منظورم رژیم شاهنشاهی نیست نرخ شاه‌عباسی که میگوئیم یعنی نرخ ثابتی که جنبهٔ حقوقی و عملیش بحث شده است، قدرت پرداخت مؤدی از این باب در این اصل گذاشته شده است که مالیات‌ها را اگر بخواهند با موازین دیگر تطبیق کنند یعنی دولت‌مخارج خودش را صورت بدهد و به آن نسبت بین افراد یا استانها به ترتیبی که سابق بود تقسیم کنند این تحمیلاتی میشود برای اینکه شخصی که درآمد کمتری دارد با شخصی که درآمد بیشتری دارد چون هر دو یک انسانند، یک فردند اگر به طور برابر بخواهند بپردازند همان عدالت در

ضمنش نیست ولی گاهی قدرت پرداخت هم ندارد یعنی دولت در مقام دریافت به اشکال برمیخورد بنابراین قدرت پرداخت را در نظر میگیرند برای اینکه مالیات باید با توجه به«ونظرت الی میسره» باشد یسر آن هم در نظر گرفته شود . نکته‌ای که آقای عضدی راجع به تصاعدی فرمودند، مسأله تصاعدی یک نظریه است در مالیاتها، یعنی یک عده با آن مخالف و یک‌عده با آن موافق هستند آن چه را که موافقت کردند در تصاعد یعنی به نسبت معین مالیات هم دو برابر یا سه برابر بشود مثلا تا یک میلیون تومان درآمد یک برابر و اگر دو میلیون شد دو برابر نباشد چهار برابر باشد به این نسبت تصاعد فقط در درآمدها قبول شده است یعنی در ثروت‌ها، دارائی‌ها، ارث و امثال اینها مالیات تصاعدی نیست و وقتی ما دقت بکنیم می‌بینیم قدرت پرداخت مؤدی یکی از جوابهای همان نکته است یعنی در درآمد زیاد تصاعدی هم فلسفهٔ حکیمانه دارد و قابل وضع است چون قدرت پرداخت دارد کسیکه درآمد زیاد دارد از او مالیات تصاعدی هم میشود گرفت و اگر نه کسی که ارثی به دستش رسیده به صرف اینکه دو برابر گیرش آمده چهار برابر به عنوان تصاعدی از او مالیات بگیرند این درست نیست.(عضدی تصاعدی یعنی چه؟) تصاعدی یعنی اینکه تا یک مقداری یک باشد از آن مقدار بالاتر دفعتاً بشود دو و از آن بالاتر سه نشود، بشود چهار و بعد هشت و بعد شانزده همینطور به ترتیب هندسی اضافه شود نه به ترتیب حسابی.

«تناسب با هزینه‌های عمومی» هزینه‌های عمومی در مقابل درآمدهای عمومی دو تا اصطلاح مالیه است درآمدهای عمومی پولهائی است که دولت به‌دست می‌آورد قسمت اعظمش مالیات است و قسمتی هم چیزهائی است که به عناوین مختلف مثل نفت و امثال آن تحصیل میکند در مقابل، دولت عهده‌دار اداره یک مملکت است که این مملکت مخارجی داردمجموعهٔ مخارج عمومی و غیرفردی افراد را هزینه‌های عمومی می‌گویند، مخارج دولتی هم میتوانیم بگوئیم و این مخارج دولتی را مسلماً مردم باید تأمین کنند در درجه اول با پرداخت مالیات است که به صورت‌های غیر از خمس و زکوة، خراج و انواع دیگر پیش‌بینی شده است و هزینه‌های عمومی گاهی از طریق فروش بعضی از اموال دولت و خدماتی مثل پست و غیره تأمین میشود ولی عمدهٔ هزینهٔ عمومی دولت را مالیاتها تأمین میکنند و این تناسبی که ما گفتیم معنایش این است که دولت مالیات را براساس هزینهٔ ضروری که مجلس به نام بودجه تصویب میکند این بودجه همان هزینه دولتی است، دولت ومجلس و ملت تصویب میکنند که بیش از آن مالیات وضع نکند بیش از مخارج خودش به مردم تحمیل نکند صورت حسابی بدهد و مقداری پول بگیرد که خرج میکند یا خرج کرده است متناسب با هزینه‌های عمومی باشد، نه‌این که مالیات بگیردوهرمقدارمالیات بگیرد آن را خرج کند آن مقداری که صرفاً لازم هست با رعایت صرفه‌جوئیها صورت میدهد و همان را میگیرد. اشکالاتی که شده بود فرمودند جای آن در قانون اساسی نیست در قوانین اساسی مختلف ما که مقلد نبوده‌ایم اصولی هم که‌شما گذاشته‌اید تأثیرش از این به مراتب در قوانین بعدی کمتر بوده است این یک قانون مادر است یعنی قانون مالیاتی ما در آینده باید در همین سه یا چهار عنصر محدود بشود یعنی هیچ موقع از این حد نمی‌توانند قوانین مالیاتی آینده را نسبت به نرخ مالیاتی یعنی درصدی که می‌گیرند (تصاعدی باشد یا نباشد) بیشتر کنند. وجه شرعی که فرمودید، شما اگر قبول‌بفرمائید که دولت، دولت اسلامی است مخارج حکومت اسلامی را مردم باید بپردازند این خیلی ساده

است ولی میتواند مخارجش را به زور بگیرد اگر گزمه‌ای را شما آوردید و گفتید از منطقه ومحل من حفاظت کن خرجت را میدهم و ندادید آن مقداری را که حقش هست جایز است استیفا کند چون شما به‌اوبدهکارید حالا اینجاکه این حرفها نیست بحمدالله ولایت،ولایتی‌است‌که حکم، حکم امام است و قانون هم حاکم هست و مجلس هم از نمایندگان مردم است یعنی خود وکلا مقدارش را تصویب میکنند وآن‌ها طوعاً مالیات را می‌پردازند اجباری نیست وجه شرعی هم اگر هیچ چیزی نداشته باشیم رضای ما از طریق امضای وکلای ما کافی است. فرمودند عطف به ماسبق نشدن در قوانینی است‌که اگر عطف به ماسبق بشود نسبت به مکلف تحمیل میشود اما اگر عطف به ماسبق شدن به نفع مکلف باشد اشکالی ندارد ما عطف‌به‌ماسبق نباید بکنیم برای اینکه هر عقابی باید به موجب بیانی باشد‌که شده تنها یک‌جا عطف‌به‌ماسبق را در جاهای دیگر حقوقدانها تجویز میکنند و آن در قوانین شکلی دادرسی است برای اینکه رسیدگی به جرم یکنفر که متهم هست با توجه به اصل برائت و اصل تفسیر کردن قانون کیفری‌که من حالا این را نمی‌خواهم بگویم در اسلام هست ولی حقوقدانها این را قبول کرده‌اند که قوانین کیفری باید طوری تفسیر بشود (اگر تفسیر میشود) که به نفع متهم باشد و فکر میکنم در تناسب با همان اصل برائت است بنابراین در قوانین شکلی گفته‌اند عطف به ماسبق نمی‌شود مگر تخفیفاً لمتهم آنجائی که این عطف به ماسبق به نفع متهم باشد یعنی صرفاً حقوقدانها در قوانین دادرسی کیفری این را قبول کرده‌اند اینجا هم چرا گفتیم عطف به ماسبق نمی‌شود ؟ عرض کنم منظور این نیست‌که ما نمی‌توانیم برخلاف قوانین گذشته قانون وضع کنیم خوب ما هر سال میتوانیم قوانین مالیاتی را عوض کنیم منظور این‌است‌که اگر به موجب قوانین مالیاتی سال ۵۸ بنده مکلف شدم یک مقداری پرداخت کنم به موجب قوانین‌آخراین‌سال بنده آن تکلیف اولیم‌عوض نشودیعنی کمتر یا بیشتر بشود به‌صرف‌اینکه قانون وضع شد مثل حکم شرعی‌که شخصی بالغ بشود مکلف است و به گردنش می‌آید این مردم مکلفند به‌پرداخت آن میزانی‌که قانونش از مجلس گذشته است اگر بنا باشد من خودرا مکلف ندانم‌که تا آخر سال این مبلغ را بپردازم یا بیشتر یاکمتر یک اشکالات مالیاتی پیش می‌آید یعنی بنده مالیات را نمی‌دهم ببینم چه میشود مثل همین قضیهٔ مستأجرین که ما دیده‌ایم، خانه را اجاره نمی‌دهند که ببینند بعد چه میشود مستأجرهم تخلیه نمیکند ببیند بعد چه میشود برای اینکه تزلزل در قوانین باعث تزلزل در اجرا میشود باید آن شخصی که به او مالیات واجب شده بداند که مالیات را باید بپردازد ولو اینکه قانون کمترش بکند و بداند‌که از این بیشتر از او نمی‌گیرند ولو قانون بعدی این مالیات را بیشتر بکند بنابراین‌حکمی که به‌یکنفرتوجه پیدا کرده، مؤدی ایرانی باید بداند‌که همین‌است و عطف‌به‌ماسبق نمی‌شود یعنی قوانین بعدی نسبت به حکم قانونی فعلی تغییری به ضرر استفاده کننده نمیدهد. (تهرانی — این را چند بار فرمودید.) (دکتر آیت — بله تکرارش دیگر لازم نیست.) یکی هم موازین‌اسلامی بود که‌فکر میکنم این جوابش معلوم باشد برای اینکه موازین اسلامی در مجموعه رعایت شده است واینجا هم وقتی که ولی حاکم باشد چه مالیاتهای اسلامی را بگذارند و چه به اختیار خود آنها و تراضی اینها یک چیزی را وضع کنند اسلامی است و مباینت ندارد.

**رئیس** — از باب اینکه دیگر کمیسیون مشترکی نداریم که اصول برگردد و به صورت دیگر دو مرتبه به جلسه علنی بیاید، انشاءالله امروز بتوانیم کارمان را تمام بکنیم من به‌نظرم

میرسد که این اصل را این‌جور بنویسیم:

«نظام مالیاتی باید با قدرت پرداخت مؤدیان و هزینه‌های عمومی لازم متناسب باشد»

همین اندازه کافی است بقیه‌اش را حذف کنیم چون زیادی است.

**مکارم شیرازی** — عدالت اجتماعی چه عیبی دارد؟ ذیلش را بزنید، صدرش باشد.

**رشیدیان** — بنویسید هزینه‌های عمومی لازم.

**دکتر آیت** — هزینه‌های عمومی همیشه لازم است. حکومت اسلامی که نمی‌خواهد بدزدد.

**ربانی املشی** — اگر فکر میکنید با بودن ذیل این اصل رأی مثبت به اندازه‌ای که تصویب شود نمی‌آورد آن را حذف کنید.

**رحمانی** — امکانات دولت را قید کنید شاید یک وقت دولت وضعش طوری بود که نخواست مالیات بگیرد.

**رئیس** — اصل را برای رأی گرفتن می‌خوانیم:

«اصل ۱۳۲ — نظام مالیاتی باید براساس عدالت اجتماعی و قدرت پرداخت مؤدیان و تناسب با هزینه‌های عمومی لازم باشد.»

**رئیس** — لطفاً با ورقه رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به قرار زیر اعلام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه موقع رأی‌گیری پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی، موافق چهل و چهار نفر، مخالف دو نفر، ممتنع یازده نفر، بنابراین رد شد.

## ٤ — طرح اصل ۱۷/۱

**رئیس** — اصل ۱۷/۱ قرائت می‌شود.

«اصل ۱۷/۱ — در امور مهم که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مربوط باشد اعمال قوهٔ مقننه ممکن است از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت میگیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد.»

**رئیس** — «باشد» آخر اصل را «برسد» بکنید بهتر است.

**صافی** — اگر قوانینی هم برخلاف موازین اسلام باشد باید در این مجلس درست بشود این ماده‌ای که توجه کرده بودید به آیه «لاینهکم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین...» این ماده با احکام ارتداد مخالفت صریح دارد نمی‌شود که مجلس چیزی غیر از آن تصویب کند و اگر تصویب کرده باشد باید برگردد.

**رئیس** — آقای صافی فرمایش حضرتعالی مربوط به اصل سابق است به اصلی که مطرح است مربوط نیست اصل چهارمی که ما تصویب کرده‌ایم تا آخر قانون اساسی برای ما کافی است.

**مکارم شیرازی** — در سطر اول این اصل دو تا کلمه «مهم» هست یکی از آنها را حذف کنید.

**رئیس** — بسیار خوب دو مرتبه اصل را می‌خوانم:

«اصل ۱۷/۱ — در امور مهمی که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مربوط باشد اعمال قوهٔ مقننه ممکن است...»

**نمایندگان** — ممکن است ندارد.

**رئیس**— درنوشتهٔ ما با خط چاپی ممکن است هم دارد «اعمال قوهٔ مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت می‌گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی برسد». آقای هاشمی‌نژاد نظر شما نسبت به‌این اصل چیست؟ (هاشمی‌نژاد — من تذکری دارم که عرض میکنم.) مسائل مملکت مربوط به مجلس شورای ملی است حالا اگر خود مجلس بگوید این مسأله خیلی مهم است میخواهیم به رفراندوم بگذاریم، چه میشود؟ آقای طاهری گرگانی شما مخالف هستید؟ (طاهری گرگانی — مخالف به آن صورت نیستم،تذکر دارم.) آقای یزدی شما چه نظری دارید؟ (یزدی — تذکر دارم.) آقای مکارم شما نظرتان چیست؟ (مکارم شیرازی — تذکر دارم.) آقای قرشی بفرمائید. (قرشی — منهم تذکر دارم.) آقای ربانی شیرازی شما چه نظری دارید؟

**ربانی شیرازی** — این یک اصل مبهمی است معنای این هیچ روشن نیست فقط برای‌قوهٔ مقننه فردا موجب بحث میشود که بیفتند به جان یکدیگر او بگوید مهم است دیگری بگوید غیر مهم است.

**رئیس** — آقای موسوی تبریزی نظر شما چیست؟ (موسوی تبریزی — من موافقم.)آقای رشیدیان نظر شما چیست؟ (رشیدیان — عرض کنم، امور مهم چیست؟) آقای فوزی نظر شما چیست؟ (فوزی — همان اشکالی که آقای ربانی فرمودند.) آقای مشکینی چه نظری شمادارید؟ (مشکینی — تذکر دارم.) آقای دکتر آیت نظر شما چیست؟ (دکتر آیت — هم تذکر و هم پیشنهاد دارم.) آقای عضدی نظر شما چیست؟ (عضدی — من با این اصل موافقم.) آقای هاشمی‌نژاد بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد** — عرض کنم اینجا دو مسأله مطرح است یکی اصل کار که وقتی دریک کشوری نظامی شکل گرفت، مجلس شورای ملی تشکیل شد و به خصوص با توجه به اینکه مملکت هیچ وقتی نمی‌شود که مجلس شورای ملی و قوهٔ مقننه نداشته باشد بنابراین اینکه برای امر مهم اقتصادی و سیاسی به آراء عمومی مراجعه کنند چنین چیزی هیچ جا معمول نیست و در اینجا قاعده‌اش این‌است که به همین مجلسی که منتخب مردمند یا نمایندگان مردمند مراجعه کنند مراجعه به آراء عمومی غالباً در مورد قانون اساسی یا تغییر قانون اساسی و یک چیزهائی مشابه اینها است ، بقیه کارها به عهدهٔ مجلس است اضافه براین اصلا این عناوین ، عناوین کاملا مبهمی است و مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مشخص نیست که چه هست و چه نیست اگر این مجلس مورد اعتماد نیست و فردا ممکن است در او دستی ببرند و بتوانند یک مسأله را مهم و یاغیرمهم بکنند یا مسأله مهم را غیرمهم جلوه دهند وبعدش هم اگر بنا بشود باز بیان بشود مسأله فرهنگی را چرا ما ندیده‌گرفتیم؟ درحالیکه فرهنگی یک‌فصل مهمی است و بخش زندهٔ علمی فرهنگ جامعهٔ ماست اگر درمسائل اقتصادی وسیاسی واجتماعی نیازی به همه‌پرسی دارد در مسائل مهم فرهنگی به طریق اولی، به هر حال درکل اگر این اصل به این صورت طرح بشود آن کلمات مبهم است و فرهنگی هم باید به آن اضافه شود.

**رئیس** — آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

**طاهری گرگانی** — در این اصل دو مورد میتوانیم تصور کنیم که بخواهند همه‌پرسی کنند یک وقتی است فرضاً مملکت در محاصرهٔ اقتصادی قرار گرفته است مشکلاتی پیش‌می‌آید و نمایندگان نمی‌خواهنداعتبارخودشان را ازدست بدهند در یک همچو جائی ممکن است‌به‌همه پرسی راضی بشوند خوب در این صورت دو سوم مجلس باید تصویب کنند (اکثریت هرچه باشد) در بعضی از موارد است که قبلا پیش‌بینی میشد که لازم است که مراجعه به همه‌پرسی بشود در این جور موارد وقتی شما به نمایندگان مجلس بگوئید، نمایندگان مجلس حاضرنیستند زیر بار این مطلب بروند که همه‌پرسی بشود می‌خواهند خودشان قضاوت کنند برای اینکه این کار به دست خود نمایندگان مجلس شورای ملی نباشد مراجعه به همه‌پرسی لازم میشود بنابراین اگر شما به مجلس واگذار کردید فایده‌ای نخواهد داشت.

**رئیس** — آقای یزدی شما مطلبی داشتید؟

**یزدی** — راجع به مسأله اول در امور مهم، عبارت باید به اینصورت باشد که در مسائل بسیار مهم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که به سرنوشت کشور مربوط میشود تا آخر، مطلب دوم این است که در اختیار تعدادی از نمایندگان گذاشته شده است که با تصویب دو سوم نمایندگان به این صورت صحیح نیست بلکه باید بگوئیم حدودش را قانون معین میکند،آنوقت نمایندگان براساس آن حدود، حق درخواست رفراندوم را داشته باشند والا این همیشه درنوسان خواهد بود . در یک مسأله‌ای ممکن است دوسوم نمایندگان درخواست رفراندوم بکنند در شبیه این ممکن است باز آن تعداد حاصل نشود یعنی ضابطهٔ مشخص نمی‌تواند داشته باشد. پس‌پیشنهاد میکنم نوشته‌شود. «حدود آن‌را قانون معین میکند» به‌جای‌جملهٔ آخر که‌درخواست مراجعه به آراء عمومی با تصویب دو سوم است.

**رئیس** — آقای مکارم شما مطلبی داشتید؟

**مکارم شیرازی** — عرض بنده این است که مراجعه به آراء عمومی یک حق طبیعی‌مردم است و اصلا احتیاج به قانون ندارد و ما نه میتوانیم محدودش کنیم و نه میتوانیم نفیش کنیم و نه میتوانیم اثباتش کنیم مثل حجیت قطع برای اینکه اساس قانون ما براساس‌مراجعه به آراء عمومی است و شما مقیدش به مهم کرده‌اید مفهومش این است که غیرمهمش را نمی‌توانیم، در حالیکه مراجعه به آراء عمومی همیشه راهش باز است این از نظر وضع خارج از نظر شرعی هم باید همیشه با نظارت مذهبی انجام بشود حالا یا شورای نگهبان یا هر مرجع دیگری.

**رئیس** — پس آقای مکارم شما با این اصل مخالف هستید؟ (مکارم — بله، مخالفم.) آقای قرشی بفرمائید.

**قرشی** — تذکرم این است که ما با وجود این اصل در اینجا به وجود نمایندگان‌مجلس احتیاج نداریم.

**رئیس** — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

**موسوی تبریزی** — بنده یک سؤال دارم و آن این است که در این اصل نوشته شده «در امور مهم که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی مربوطاست» مگر ما خط سیرش را در کلیات قانون‌اساسی معین نکرده‌ایم که نیاز به مراجعه به‌آراء مستقیم مردم باشد؟ اگر در قانون اساسی کلیاتی راجع به اقتصاد داریم به سیاست مملکت چه‌داخلی،

و چه خارجی، راجع به اموریکه امور اجتماعی مملکت است کلیاتی را داریم برای همین قانون با حفظ قانونیتش، با حفظ روح آن خود مجلس شورای ملی نقشه‌می کشد. برای مسائلی که در قانون اساسی ما ذکر نشده است اگر به آراء عمومی مراجعه کنند، فایده ندارد همان مجلس شورای ملی کافی است.

**رئیس** — آقای رشیدیان شما مخالفید یا موافق؟

**رشیدیان** — بنده عرض کردم که این امور مهم باعث کشمکش میان نمایندگان‌میشود که چه موضوعی مهم است و موضوع غیر مهم کدام است.

**رئیس** — آقای فاتحی بفرمائید.

**فاتحی** — عرض شود که اینجا چند مسأله مطرح است یکی فرض این است که آیا کشور سرپرست دارد ، آیا رهبر دارد یا نه ؟ اگر رهبر دارد در این موقع به همه‌پرسی باید مراجعه بشود و بایستی با اجازه و با تقاضای رهبر باشد و مسائلی باشد که مجلس شورای ملی از حل آن عاجز باشد تا این که به طور مستقیم به آراء عمومی مراجعه شود.

**رئیس** — آقای مشکینی بفرمائید.

**مشکینی** — کلمه فرهنگی اضافه شود.

**دکتر آیت** — بنده معتقدم که در آخر بنویسیم «به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی و شورای نگهبان و تأئید رهبر باشد.» و درضمن به‌آخرش اضافه کنیم «بعضی‌موارد را که نمیشود به رفراندوم مراجعه کرد از قبیل مذهب و دین...»

**رئیس** — آقای دکتر نوربخش شما بفرمائید.

**دکتر نوربخش** — من موافقم منتها یک تذکر دارم و آن این است که در رفراندوم دو مسأله پیش می‌آید یک وقت است که یک موضوعی پیش می‌آید که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و نمایندگان مجلس حاضر نیستند تصمیم بگیرند و مسئولیت خودشان را در حدود قانون اساسی میدانند این یک مورد، یک مورد دیگر هم پیش می‌آید که یک مسأله به قدری اهمیت دارد که خود مردم باید تصمیم بگیرند.

**سبحانی** — یک مقدار از اشکالاتش را جواب دادند مراجعه به آراء مردم یعنی به خاطر اینکه نمایندگان میخواهند مسئولیت را از خودشان سلب کنند و متهم نشوند.

**دکتر نوربخش** — این مسأله‌ای است که ممکن است در قانون اساسی پیش‌بینی نشده باشد و مسأله دوم فرض بفرمائید یک موردی پیش می‌آید که آقای رشیدیان عنوان کردند اهمیت‌خیلی‌خاصی دارد. البته همچون چیزی عینیت ندارد فرض بفرمائید مردم بین مسائلی‌قرار می‌گیرند که آیا استقلال یا وابستگی یا شکم یا آزادیشان را میخواهند؟ در اینجا مثلا هیچکس حاضر نیست. زیرا محاصره اقتصادی پیش می‌آید، نه نمایندگان مجلس در این مورد حاضرند تصمیم بگیرند و نه ریاست جمهوری، از مردم سؤال میکنند که ای مردم شما بین این دو تا کدام را میخواهید؟ در این موارد همه‌پرسی پیش می‌آید که هیچ مرجعی حاضر نیست‌مسئولیتی را قبول کند.

**رئیس** — آقای مراغه‌ای شما موافق هستید یا مخالف؟

**مقدم مراغه‌ای** — بنده خواستم توضیحی عرض کنم، در کشورهائی که اصل حاکمیت مردم را قبول دارند و آن از طریق نمایندگی اعمال میشوددر بعضی مواردبین قوائی که منتخب

مردم هستند اختلاف پیدا میشود معمولا در آنجا است که به اصل ریشه قدرت یعنی رأی مردم مراجعه میشود که ببینند حق با کدام طرف است یعنی اگر بین رئیس جمهور و مجلس اختلافی پیدا بشود آن وقت است که به آراء عمومی مراجعه می کنند وگرنه همانطوریکه آقای قرشی هم گفتند وقتی مجلس وجود دارد و مجلس از طرف مردم نماینده دارد خودش که نمی‌آید برعلیه خودش مراجعه بکند این درصورتی است که بین رئیس جمهور و مجلس تضادی پیدا شود،چون مجلس منتخب مردم است و رئیس‌جمهور هم منتخب مردم است بعد به اصلی که خود مردم باشند یعنی به آراء عمومی مراجعه میکنند که بدانند کدام طرف را تأئید می کنند بنده فکر می کنم، با این ترتیبی که پیش‌بینی شده دیگر این اصل اینجا ضرورتی ندارد.

**رئیس** — آقای عضدی بفرمائید.

**عضدی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. عرض کنم راجع به این موضوع آقای دکتر نوربخش به‌عنوان موافق صحبت کردند و آن نکته‌ای را که میخواستم توضیح بدهم ایشان توضیح دادند. آنچه که آقای مهندس‌مراغه‌ای فرمودند برای رئیس جمهور هم درموارد لازم تقاضای رفراندوم در نظر گرفته شده است . فرض بفرمائید مثلا پیش می‌آید ادعای ارضی کشور در یک مورد خاصی یا مسائل مهم سرمایه‌گذاری کشور در خارج یا سرمایه‌گذاری خارجیها در داخل که ضمناً ممکن است استقلال اقتصادی ما را تهدید بکند با نظر کارشناسان، یا شرکت در بعضی از پیمانها، اینجا مرجع تشخیص‌خود نمایندگان مجلس هستند یعنی وقتی که دو سوم نمایندگان تشخیص دادند که بهتر است با توجه به‌حاکمیت ملی به‌آراء عمومی مراجعه کنیم به همه‌پرسی می‌گذارند، که آیا این امر مهم است یا نه باز هم خود نمایندگان مجلس هستند وقتی که اینها تصمیم گرفتند، به همه‌پرسی می‌گذارند و مسائل مهم اقتصادی، سیاسی هم...

**ربانی شیرازی** — اینها هم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

**بشارت** — دفن زباله‌های اتمی‌را در اتریش‌به آراء عمومی گذاشتندقبول نکردند به‌ایران فرستادند.

**هاشمی‌نژاد** — برای شرکت زنان در انتخابات در سویس و سوئد این کار را کرده‌اند یعنی مراجعه به آراء عمومی نمودند.

**مکارم شیرازی** — در ایتالیا هم برای طلاق به آراء عمومی مراجعه کردند.

**ربانی شیرازی** — اگر یک جمله اضافه کنیم و بگوئیم در امور مهمی که سرنوشت‌سیاسی اقتصادی و اجتماعی مملکت به آن مربوط است و در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است درست میشود والا اگر در قانون اساسی پیش‌بینی شده باشد دیگر معنی ندارد به‌رفراندوم مراجعه‌شود.

**ربانی املشی** — بعضی اوقات در قانون اساسی هم پیش‌بینی شده یک کاری تجویز هم شده اما درعین حال مجلس شورای ملی...

**رئیس** — خودش تشخیص میدهد که مهم است.

**ربانی املشی** — اجازه بفرمائید مجلس شورای ملی جرأت نمیکند که در آن امر تصمیم بگیرد چون مطلب خیلی مهم است مثلا دولت آمریکا گفته است آیا باید محاصره اقتصادی بشوید یا باید تسلیم بشوید. مجلس شورای ملی نمی‌تواند در این امر مهم تصمیم بگیرد اینجا است که رفراندوم می کند.

**رئیس** — فرض این است که چون درخواست کننده خود مجلس است و اختیار هم‌دست

خود مجلس است باید بگوئیم اعمال قوهٔ مقننه از راه همه‌پرسی باید باشد و یا ممکن است این در اختیار خود مجلس است ، مجلس خودش میتواند تصمیم بگیرد اگر وحشت ندارد ، اگر وحشت دارد که به همه‌پرسی می‌گذارد (مکارم — «ممکن است» حتماً باید باشد) پس «ممکن است» را میخواهد. (ربانی شیرازی — «ممکن است» لفظ قانونی نیست.) (سبحانی به جای «ممکن است»، «میتواند» بنویسید.) (ربانی املشی — بنویسید «مجلس میتواند از راه همه‌پرسی...» ) (مکارم — اختیارات مجلس را که نمی‌توانیم بگیریم «ممکن است» حتماً باید باشد.) بنویسیم «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که به سرنوشت کشور مربوط باشد اعمال قوهٔ مقننه ممکن است از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد» در حقیقت برای نمایندگان یک راه فرجی میگذاریم که فحش نخورند.

درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای‌ملی برسد. (دکتر آیت — دو سوم مجموع نمایندگان.)

**طاهری اصفهانی** — پس تصمیم کمیسیون چه شد؟ ماهیت اصل اینجا عوض شده است، درکمیسیون مشترک میخواستند بگویند «درامور بسیارمهم مملکتی مجلس شورای ملی‌خودش نمی‌تواند تصمیم بگیرد و باید به آراء عمومی مراجعه کند».

**رئیس** — منظور این نیست، تصمیمش با خود مجلس است. (**طاهری اصفهانی — حالا اینجور داریم میگوئیم.**) ما میخواهیم برای مجلس راه فرجی باز باشد اگر مجلس وحشت دارد به آراء مراجعه کنیم.

**طاهری‌گرگانی**— مورد دوبش این است که ممکن است بتوانند اکثریت مجلس را راضی کنند یک قرارداد مهم را به ضرر مردم ببندند. در یک همچو موردی لازم است که به افکار عمومی مراجعه شود.

**رئیس** — مجلس شورای ملی نمایندگان ملتند در شورای نگهبان هم ۱۲ نفر مجتهدین و حقوقدانان هستند، بسته به نظر خود مجلس است، تشخیص مهم بودن و نبودن هم با خود مجلس است.

**طاهری‌گرگانی**— این اصل اتفاقاً یکی از اصولی است که میتواند برای این قانون اساسی امتیازی بر قوانین اساسی دیگر باشد که در مملکت ما موقعی که امر مهمی در پیش است و قراردادهای مهم مطرح است حتی مجلس هم نمی‌تواند تصمیم‌گیرنده باشد و باید به آراءعمومی مراجعه کنند.

**رئیس** — پس باید درخواستش ازطرف خود مجلس باشد ، باید ازطرف رئیس جمهور باشد.

**ربانی شیرازی** — این یک اصلی است که هرکسی از آن یک چیزی میفهمد. آقایان میگویند این اصل را آورده‌ایم که مجلس شورای ملی در مسائل مهم نتواند دخالت بکند.

**رئیس** — منظورمان این نیست پس اصل ۱۷/۱ را برای اخذ رأی میخوانیم:

«اصل ۱۷/۱ — در مسائل بسیار مهم اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی که به سرنوشت کشور مربوط باشد اعمال قوهٔ مقننه ممکن است از راه همه پرسی و مراجعهٔ مستقیم به آراء مردم صورت گیرد . درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.»

**رئیس** — خواهش میکنم با ورقه نسبت به این اصل رأی گرفته شود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به قرار زیر اعلام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هشت رأی (یک رأی اضافی به قید قرعه حذف شد) موافق چهل و هفت نفر، مخالف چهار نفر، ممتنع شش نفر، بنابراین رد شد.

**سبحانی** — رأی اضافی را که خارج کردید آراء موافق به حد نصاب نرسید.

**ربانی املشی** — چرا اول با دست نظرخواهی نمی کنید؟

**طاهری اصفهانی** — در جلسهٔ امروز صبح بعد از شمارش آراء معلوم شد شش رأی اضافه به گلدانها ریخته شده و برای ما یقین شد این کار سهواً صورت نمیگیرد وگاهی رأی‌گیری مخدوش میشود.

**هاشمی‌نژاد** — عده‌ای از دوستان در جلسهٔ دیگری الان شرکت کرده‌اند و به این علت رأی‌گیری به نتیجه نمی‌رسد خوب است اطلاع بدهیم به این جلسه تشریف بیاورند.

**رئیس** — در این هفته باید کار تصویب همهٔ اصول تمام بشود و دیگر کمیسیون مشترکی هم نیست که به آن ارجاع کنیم پس این اندازه به هیأت رئیسه اجازه بدهید اگر اصولی را کمی اصلاح کردند بتوانیم مجدداً مطرح و به رأی بگذاریم البته این معمول است و نکته‌ای را هم بی‌رودربایستی بگویم که ملت عزیز ایران در رفراندوم نه مقلدمن هستند نه مقلد آقایان. ملت مسلمان ایران طرفدار و مقلد مراجع تقلید و بزرگان دین هستند هرچه نظر مراجع تقلید در مسائل اسلامی باشد همان را پیروی خواهند کرد این یک واقعیتی است. البته ملت خبرگان را انتخاب کرده‌اند اما در عین حال نظر مراجع تقلید هم معتبر است مخصوصاً رهبر، برای اینکه ملت از مراجع تقلید میکنند اگر مراجع تقلید یک اصلی را خلاف اسلام تشخیص بدهند و روی آن صحه نگذارند ملت هم در رفراندوم روی آن صحه نخواهندگذاشت. این واقعیتی بود که خدمت شما عرض کردم با این واقعیت ما اصلی داشته‌ایم که قبل از ظهر مطرح شد ولی تصویب نشد، هیأت رئیسه تغییراتی در متن آن داده است الان با آن تغییرات بدون‌بحث مجدد آن اصل را به رأی میگذاریم.

## ۵ — طرح و تصویب اصل ۸۸/۱ (اصل یکصد و پانزدهم)

**رئیس** — اصل ۸۸/۱ قرائت میشود.

«اصل ۸۸/۱ — رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه‌و امانت‌و تقوا، مؤمن ومعتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

**رئیس** — چون ما راجع به شرایط نخست‌وزیر و وزراء چیزی ذکر نکرده‌ایم‌و قانون‌اساسی نباید ناقص باشد، این ضمیمه را اضافه کنید: «شرایط نخست‌وزیر و وزراء و سایر مقامات را را قانون تعیین میکند». این را ضمیمه کنید مجموعش یک اصل میشود.

**دکتر بهشتی** — به آن ذیل هیچ احتیاجی نیست.

**مکارم شیرازی** — ذیل را بزنید بیشتر رأی می‌آورد.

**هاشمی‌نژاد** — بعضیها معتقدند نخست‌وزیر را نگذارید.
**حجتی کرمانی** — از نظر فقهی اگر مذهبش غیر شیعه باشد عیبی دارد؟
**رئیس** — نمی‌خواهیم در این مورد دوباره بحث بکنیم صبح در این مورد زیاد بحث شده است. اصل برای گرفتن رأی خوانده میشود.
**اصل ۱/۸۸ (اصل یکصد و پانزدهم)** — رئیس‌جمهور باید ازمیان رجال‌مذهبی‌وسیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:
ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.
لطفاً گلدان‌ها را برای رأی‌گیری نزد دوستان ببرید.
(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام گردید.)
**رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، موافق پنجاه و دو نفر، مخالف چهار نفر، ممتنع چهار نفر، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).
**پرورش** — قاعدتاً باید یک مخالف و یک موافق راجع به این اصل صحبت میکردند.
**رئیس** — قبلا به اندازهٔ کافی صحبت شده بود.
**پرورش** — روی این اصل اصلا بحث‌نشده بود.
**هاشمی‌نژاد** — صبح راجع به آن خیلی بحث شد.

## ۶ — طرح و تصویب اصل ۲۹ (اصل بیست و هفتم)

**رئیس** — اصل ۲۹ قرائت میشود. اشکال آقای رشیدیان هم اصلاح شده است.
«اصل ۲۹ — تشکیل اجتماعات و راهپیمائیهای مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح و با اطلاع و اعلام قبلی به شرط آنکه برخلاف مبانی اسلام نباشد آزاد است.»
**دکتر بهشتی** — قبلا قرارشده بود بنویسیم «مخل به امنیت...»
**رئیس** — مخل به امنیت مطرح شد و رأی نیاورد.
**دکتر بهشتی** — خوب بنویسید «مخل به مبانی اسلام».
**رئیس** — اگر مخل به امنیت باشد برخلاف مبانی اسلام هم هست.
**ربانی شیرازی** — مسالمت‌آمیز را هم حذف کنید چون شما میگوئید حمل سلاح نکنند. یعنی مخالف مبانی نباشد مخل به امنیت هم نباشد.
**رئیس** — آقایان از مخل به امنیت خاطره‌های سوئی دارند.
**دکتر بهشتی** — مخل به مبانی اسلامی خوب است.
**ربانی شیرازی** — مخل به نظم عمومی...
**رئیس** — هیچ چیز نمی‌خواهد برای اینکه اگر نظم عمومی را بهم بزنند برخلاف مبانی اسلام است.
**دکتر بهشتی** — اگر نظم عمومی را بهم بزنند شهربانی جلوی آنها را میگیرد ما قانون راجع به این مسائل داریم چه لزومی دارد اینجا بنویسیم؟
**مکارم شیرازی** — ذیل آن داریم مخل امنیت نباشد.

**رئیس** — نداریم، عبارت را بار دیگر می‌خوانم:

«اصل ۲۹ — تشکیل اجتماعات وراهپیمائیهای مسالمت‌آمیز بدون حمل‌سلاح و بااطلاع و اعلام قبلی به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

**هاشمی‌نژاد** — با اطلاع و اعلام به کی؟ به مقامات مسئول؟

**رئیس** — معلوم است به مقامات مسئول اطلاع میدهند که ما فردا پس فردا میخواهیم راهپیمائی بکنیم.

**ربانی شیرازی** — اجتماعات شامل مجلس روضه و ختم و عروسی هم میشود.

**مکارم شیرازی** — اگر بخواهیم در مسجدی اجتماع بکنیم باید قبلا به مقامات مسئول اطلاع بدهیم؟

**صافی** — بنویسید اجتماعات سیاسی.

**رئیس**— دراصل سی‌ام داشتیم «احزاب، جمعیت‌ها، انجمنهای‌سیاسی و صنفی وانجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال ، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی‌توان ازشرکت درآنها منع کرد یا به‌شرکت در یکی ازاین گروهها مجبور کرد». (طاهری اصفهانی — این‌اصل دیگری است.)

**ربانی شیرازی** — بنویسید «تشکیل اجتماعات سیاسی و راهپیمائیها» آنوقت اشکالی‌ندارد.

**رئیس** — خوب اگردرمسجد جمع بشوید روضه هم بخوانید میگویند اجتماع سیاسی‌است.

**صافی** — فرق است بین اینکه تعبیر سوء بکنند یا شما اینجا آن را صریحاً بنویسید.

**پرورش** — راجع به این اصل صبح هم مفصل بحث شده است به چه مجوزی برای آن دوباره اجازهٔ بحث دادید ولی در اصل قبلی این کار را نکردید؟

**رشیدیان** — این انقلاب زائیدهٔ اجتماعات وتظاهرات‌است و ما به‌جای اینکه اولین اصل بدون قید و شرط را راجع به تظاهرات و راهپیمائیها تصویب بکنیم صد قید و بند بهش میزنیم وقتی گفتیم مخالف با مبانی اسلام نباشد خودش همه چیز را دارد باید بگوئیم تشکیل‌اجتماعات و راهپیمائیها آزاد است یعنی اصل بر آزادی اجتماعات و تظاهرات باشد بعد اگر میخواهید شرطی بگذارید بگوئید خلاف مبانی اسلام نباشد.

**رئیس** — همین کار را میخواهیم بکنیم. اصل را میخوانم:

«تشکیل اجتماعات و راه‌پیمائی‌های مسالمت‌آمیز...»

**دکتر بهشتی** — مسالمت‌آمیز دیگر لازم نیست بنویسید.

**رئیس** — اصل ۲۹ را برای گرفتن رأی میخوانم:

**اصل ۲۹ (اصل بیست و هفتم)** — تشکیل اجتماعات و راهپیمائیها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف دو نفر، ممتنع هفت نفر، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۷ – طرح و تصویب اصل ۱۷/۱ (اصل پنجاه و نهم)

**رئیس** – اصل ۱۷/۱ را که هیأت رئیسه در آن اصلاحاتی به عمل آورده است قرائت میکنیم:

«اصل ۱۷/۱ – درمسائل بسیارمهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوهٔ مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعهٔ مستقیم به آراء مردم صورت‌گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

**ربانی شیرازی** – ببینید در این اصل چه میخواهد بگوید اول این را روشن کنید. آیا در برابر اصولی که در قانون اساسی هست یا در برابر اصولی که نیست آیا تکلیف سرنوشت را قانون اساسی تعیین کرده است یا نکرده است؟

**رئیس** – یک وقت است نمایندگان در مسائل بسیار مهم جرأت پیدا نمی‌کنند نظر بدهند یک وقت هم میخواهند نظر موکلینشان را بپرسند در آن مورد چه میگویند؟

**ربانی شیرازی** – پس نمی‌گویند «ممکن است» این لفظ قانونی نیست.

**دکتر بهشتی** – به جای «ممکن است» بگوئید «میتواند» یا «جایز است».

**فاتحی** – این ذیل دیگر لازم نیست.

**ربانی املشی** – اگر این اصل نباشد ممکن است به بن بست برسند. مجلس شورای ملی گاهی نمی‌تواند نظر بدهد ناچار است همه‌پرسی کند.

**دکتر بهشتی** – قید سرنوشت‌ساز را که لزومی نداشت برداشتیم. در مسائل مهم به پیشنهاد هر کس...

رئیس – اصل ۱۷/ را برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۱۷/۱ (اصل پنجاه و نهم)** – درمسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوهٔ مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه‌به آراء عمومی باید به‌تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس‌برسد. لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)

**رئیس** – عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت نفر، تعداد کل آراء شصت رأی، موافق پنجاه و چهارنفر، مخالف یک نفر، ممتنع پنج نفر، تصویب شد ، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

## ۸ – طرح و تصویب اصل ۶۷/۱ (اصل هشتاد و یکم)

**رئیس** – اصل ۶۷/۱ قرائت میشود:

«اصل ۶۷/۱ – در بخش عمومی دادن امتیاز تشکیل شرکتها و سؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات از طرف دولت ممنوع است مگر به حکم ضرورت و تصویب دوسوم نمایندگان مجلس شورای ملی برای خارجیان و با تصویب اکثریت برای داخل.»

**کریمی** – موضوع خارجیها را حذف کنید به درد نمی‌خورد.

**دکتر بهشتی** — این مسأله خارجی را برداریم و به رأی بگذاریم.
**دکتر بیت اوشانا** — خارجی‌ها را حذف کنید و رأی بگیرید.
**ربانی شیرازی** — نصفه اول اصل لازم است. نصفه آخرش را حذف کنید.
**رئیس** — یعنی فقط این قسمت باشد «در بخش عمومی دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات از طرف دولت ممنوع است»؟
**ربانی شیرازی** — بله. همین مقدار کافی است.
**رئیس** — آخر نمی‌شود که دولت به خارجی و داخلی امتیاز ندهد.
**طاهری اصفهانی** — اگر به خارجی‌ها نیازی بود استخدام میکنند.
**دکتر غفوری** — بنویسید مطلقاً ممنوع است.
**رئیس** — اگر این اصل رأی نیاورد برای مجلس آسان تر است هروقت بخواهند بهر کس امتیاز میدهند پس بادست رأی میگیریم ببینیم چه میشود . دوستانی که موافقند فقط صدرباشد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تصویب نشد.
**یزدی** — ممنوعیت مطلق که شامل داخل هم بشود درست نیست.
**حجتی کرمانی** — جناب آقای منتظری. این مسأله برای ما روشن نیست. برای خودمن چون روشن نبود نتوانستم رأی بدهم، یعنی الان بعضی از آقایان مثل آقای غفوری با امتیاز دادن به خارجیها مخالفند و برای ما روشن نیست که علت مخالفت ایشان به چیست؟ شما باید از آئین نامه پیروی میکردید، یعنی هرچه را به رأی میخواهید بگذارید اول یکنفر مخالف و یک نفر موافق باید صحبت کنند بعد رأی با ورقه بگیرید.
**رئیس** — این اصل چندین بار تا به حال به جلسه آمده و روی آن صحبت شده است.
**حجتی کرمانی** — به هر حال برای ما روشن نشد تا این شبهه‌ای که آقای غفوری کردند بفهمیم برای چیست. اگر برای من روشن شده بود رأی میدادم.
**موسوی قهدریجانی** — جناب حجتی، تا به حال راجع به این اصل زیاد صحبت شده‌است مگر جنابعالی در جلسات تشریف نداشتید؟
**موسوی تبریزی** — دیروز ، پریروز و پس پریروز روی این اصل صحبت شد و آقای دانش‌راد هم در اینمورد مفصلا بیاناتی کردند، هنوز مطلب روشن نیست؟
**هاشمی‌نژاد** — در اینجا حق به جانب آقای حجتی است، این اصل در جلسه عمومی طرح نشده. (دکتر آیت — مطرح شده است) . (کرمی — چرا، طرح شده، چندین بار طرح شده). (عده‌ای از نمایندگان — هم در جلسه علنی و هم در جلسه خصوصی طرح شده است.) (همهمه نمایندگان)
**رئیس** — اجازه بفرمائید، روی این اصل بارها صحبت شده است، اگر اجازه بفرمائید همین اصل را با همین ترتیبی که نوشته شده است میخوانیم منتها به‌جای دو سوم نمایندگان مینویسیم چهار پنجم نمایندگان.
**کرمی** — اصلا خارجی نباید باشد، نسبت به داخلی باید به حکم ضرورت و تصویب دو سوم نمایندگان باشد ولی به خارجی مطلقاً نمی‌توان امتیاز داد.
**رئیس** — خارجی مطلقاً نباید باشد؟

**حجتی کرمانی** — بله، ما صددرصد با پیشنهاد آقای کرمی موافق هستیم.

**انواری** — بنویسید «دادن امتیاز به خارجی مطلقاً ممنوع است» و رأی بگیرید.

**طاهری اصفهانی** — در اینجا که آمده «دادن امتیاز تشکیل شرکتها...» کلمه«تشکیل» زیادی است.

**دکتر بهشتی** — ضرری ندارد، باشد.

**رئیس** — پس من این اصل را با توجه به پیشنهادات آقایان و اصلاحاتیکه در آن به‌عمل آوردیم برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ۶۷/۱ (اصل هشتاد و یکم)**— در بخش عمومی دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات از طرف دولت به خارجیها مطلقاً ممنوع است.

**کرمی** — نمیشود، نمیشود باید در مورد داخلی هم همین‌جا تعیین تکلیف کنید.

**رئیس** — آقای کرمی، من اصل را برای رأی‌گیری خواندم.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و شش نفر، شمارهٔ کل آراء پنجاه و شش رأی، موافق چهل و نه نفر، مخالف یک نفر، ممتنع چهار نفر، تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**۹ — طرح و تصویب اصل ٤ ه (اصل شصت و نهم)**

**رئیس** — اصل ٤ ه مطرح است که قرائت می‌شود.

«اصل ٤ ه — مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن بایددر روزنامهٔ رسمی کشور منتشر گردد در صورت ضرورت به تقاضای رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یا رئیس مجلس یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود مصوبات اینگونه جلسات در صورتی معتبر است که با حضور و امضاء شورای نگهبان و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان باشد.»

**دکتر بهشتی** — دوستان در مورد اصل ٤ ه توجه بفرمایند من عرضی داشتم و آن اینست که آیا اصولا در شرایط فوق‌العاده‌احتیاج به داشتن جلسه علنی چه برای مذاکره و چه برای تصویب پیدا میکنند یا نه، اول در مورد این موضوع به یک نتیجه‌ای برسیم تا بتوانیم خود اصل را تنظیم کنیم. یک وقتی است که میگوئید اصلا هیچوقت احتیاج پیدا نمیکند، دستش را ببندیم، یعنی هیچ موردی نیست که دولت بخواهد موضوعی را با نمایندگان مطرح کند و نمایندگان رویش نظر و رأی بدهند و اعلامش هم در آن موقع صلاح نباشد. البته ممکن است دو ماه بعد صلاح باشد.

**یزدی** — بدون تردید پیدا میکند، راه اعتماد در این بحث‌های طولانی، مورد بحث آقایان بوده است.

**دکتر بهشتی** — حالا عرض میکنم، ببینید اگر آقایان اجمالا قبول میکنید که مواردی ولو یک درصد پیش بیاید، آنوقت نمیشود در قانون اساسی یک اصلی را آورد که حتی این یک درصد را هم جلویش را بگیرند.

**دکتر غفوری** — آنوقت نمی‌شود به خاطر این یک‌درصد جلوی خیلی احتمالات را گرفت.

**دکتر بهشتی** — شما خودتان قبلا میفرمودید که قانون اساسی نمی‌تواند به بن‌بست بکشد.

**دکتر غفوری** — شما نمی‌توانید دستها را ببندید باید دستها را باز بگذارید.

**دکتر بهشتی** — ما هم همین را میگوئیم، پس این دست مصلحت مردم را میبندد، مثلا دشمنی حمله نظامی به یک کشوری میکند، دولت باید با تصویب نمایندگان یک تصمیمی بگیرد که اگر این تصمیم علنی شود، دشمن از آن سوء استفاده میکند، پس در اینجا دست مصلحت مردم را بسته‌اند.

**دکتر غفوری** — در این موارد خود مردم میفهمند.

**دکتر بهشتی** — خود کی میفهمد؟ خود ملت میفهمد؟ ذهنی صحبت نکنید. (دکتر آیت — آقای غفوری فقط شعار میدهند.)

**کرمی** — من نمی‌فهمم چرا ایشان سخنرانی میکنند؟ آخر این چه صحبتی است که میفرمائید؟

**دکتر بهشتی** — به هر حال اگر آقایان فکر میکنید که اجمالا باید برای موارد ضروری و فوق‌العاده امکان تشکیل جلسه غیرعلنی را اینجا بنویسیم و اصل را برعلنی بودن بگذاریم و استثناء راه دارد. بعد روی شرایط استثناء بحث میکنیم و اگر فکر میکنید که نه، اصولا استثناء لازم نیست و همیشه باید مذاکرات مجلس علنی باشد و حتی رأی‌گیری هم، چون کافی نیست بگوئیم مذاکرات علنی نباشد و رأی‌گیری علنی، گاهی اوقات اصلا افشای آن مسأله در آن شرایط صلاح نیست. در آنصورت باید شرایط آنرا بفرمائید که بدانیم چیست. مثلا به جای دو سوم بنویسید سه چهارم یا به جای سه چهارم یا چهار پنجم، هر شرطی را که پیشنهاد میکنید و فکر میکنید کار را محکم میکند به این متن اضافه بفرمائید.

**سبحانی** — بین قراردادهای داخلی و خارجی فرق بگذارید.

**دکتر بهشتی** — قراردادها حتماً باید علنی باشد.

**سبحانی** — بحث ما در اقلیت و اکثریت نیست. بحث ما در محتوا است.

**دکتر بیت اوشانا** — «در مواقع اضطراری» را اضافه کنید و رأی بگیرید.

**دکتر بهشتی** — بله، بنویسیم «پس از، از بین‌رفتن شرط اضطراری باید بلافاصله به اطلاع مردم برسد». (رشیدیان — این خوب است.)

**سبحانی** — «اضطراری» خیلی کشدار است، شما باید ببینید مجلس برای چه تشکیل میشود. برای امور داخلی اشکال ندارد اما برای مسائل خارجی و عقد قراردادها و غیره معنی ندارد علنی نباشد.

**دکتر بهشتی** — بنده فکر میکنم همین پیشنهادی که بعضی از دوستان دارند جائی که مظان خطر است بیشتر قراردادهای اقتصادی است... (سبحانی — همینطور قراردادهای سیاسی و نظامی) اجازه بفرمائید، در قراردادهای اقتصادی خیلی راحت میتوانیم بنویسیم «جز در موارد قراردادهای اقتصادی در صورت ضرورت الخ...»

**حجتی کرمانی** — پس همین قراردادی را که چند روز پیش با شوروی لغو کردیم، سیاسی بود یا اقتصادی؟ (دکتر آیت — آن یک قرارداد نظامی بود.) و بسیار چیز خطرناکی هم بود. پس نمی‌شود فقط منحصر به قراردادهای اقتصادی کرد.

**دکتر آیت** — تعداد نمایندگان را از دو سوم به نه دهم تغییر بدهید.

**خانم گرجی** — بنویسید با تصویب دو سوم نمایندگان و تأیید رهبر.

**دکتر بهشتی** — پای رهبر را به این مسائل نکشید، درست نیست.

**رئیس** — ضمناً روزنامه رسمی کشور هم کافی نیست پیشنهاد میکنم «رادیو» را هم اضافه کنید.

**دکتر بهشتی** — اضافه کردیم. در آن مورد هم میشود نوشت «جز در موردقراردادهائی که پای بیگانه در میان باشد درصورت ضرورت الخ...».

**ربانی شیرازی** — دولت که با مردم خودش موضوع سری ندارد. نوعاً این چیزها مربوط به خارج است.

**دکتر بهشتی** — مقصود من این است که مربوط به خارج هم دو نوع است، یک وقت است که قرارداد است و یک وقت تصمیمات است. دولت میخواهد در برابر فلان بیگانه تصمیم بگیرد نه اینکه قراردادی امضاء کند، پس بنویسیم «جز درمورد قراردادهائی که پای بیگانه در میان باشد...» به نظرتان خوب است؟

**مکارم شیرازی** — اصلا چه عیبی دارد که موکول به مجلس آینده بشود؟

**دکتر بهشتی** — نمیشود. این، خطرناک است. اگر شما ننویسید که جلسات مجلس باید علنی باشد به اندک بهانه‌ای میتوانند جلسه را سری اعلام کنند.

**دستغیب**— بنویسید «مجلس باید علنی باشد، مگر در مواقع ضرورت و تشخیص ضرورت، به عهده رهبری است».

**دکتر بهشتی** — توجه بفرمائید. پیشنهاد آقای دستغیب این است که در مواردی که فقط رهبری تشخیص دهد که جلسه باید غیرعلنی باشد، سری میکنند. به نظر من این مطلب درست نیست.

**دکتر آیت** — چه اشکالی دارد که وظیفهٔ رهبری در این مورد زیاد شود؟

**یزدی** — قرار است مصادیق را مشخص کنید یا اعتماد مردم را به اینکه این جلسه سری، به نفعشان است. اینکه در مملکت حتماً مواردی پیش می‌آید که باید جلسه سری اعلام شود همه قبول دارند، اما باید کاری کنیم که اعتمادشان جلب شود که این سری بودن واقعاً نیاز مملکت است. این جلب اعتماد را از طریق عضو شورای نگهبان، اگر جلب کردیم چه اشکالی دارد؟

**سبحانی** — آخر چه ضرورتی دارد که قرارداد نظامی مخفی باشد؟ پیوستن به پیمانهای نظامی خارجی چرا باید مخفی باشد؟

**رحمانی** — جلسات مجلس شورا باید مطلقاً علنی باشد. (دکتر شیبانی — رأی بگیرید.)

**رئیس** — به چه چیز رأی بگیریم؟ اینجا پیشنهاد شده است که «... به حکم ضرورت و با حضور و امضای شورای نگهبان و تصویب سه چهارم نمایندگان» و به نظر من هم کافی است، برای اینکه این دوازده نفر که شش نفرشان مجتهدند و شش نفرشان قاضی و در مجلس هم حضور دارند و از خصوصیات هم اطلاع دارند، دیگر چه اشکالی پیش می‌آورد؟

**سبحانی** — پس در اصل قبلی هم شما به همین دلیل به خارجیها امتیاز دادید؟

**رئیس** — در اینکه باید بنویسیم مجلس علنی است شکی نیست و در اینکه یک وقت

ضرورت و شرایطی، مخفی بودن را ایجاب میکند، آنهم شکی نیست. این دو مطلب را باید به نحوی در این اصل گنجانید.

**پرورش** — قربان، اگر اجازه بدهید من فقط سه دقیقه صحبت کنم.

**رئیس** — بفرمائید.

**پرورش** — آقایان، فقها، عزیزان، دانشمندان، یک داستان در قرآن چندین‌جا تکرار شده داستان شیطان و مذاکرهٔ او با خدا . در این داستان ابعاد مختلفی وجود دارد و یک بعد آن را هم من می‌فهمم . حالا ممکن است که اشتباه هم باشد ولی میخواهم عرض کنم که یک موجود مختاری مثل ابلیس در برابر یک ذات مقدس چون خداوند می‌ایستد وجود مقدس خداوند در عالیترین مظهر قداست و شیطان در پائین‌ترین موجودیت پلیدو پست، روبرو هستند. او اجازه میدهد وقتی که شیطان دلیل دارد و میخواهد با دلیل حرف بزند، صحبتش را بکند. آنجائی که کشف میشود که شیطان توطئه دارد میکندو میگوید «فبعزتک لاغوینهم اجمعین». در آنجا خطاب میرسد «فاخرج منها فانک رجیم». من میخواهم عرض کنم که چرا در آن‌اصل با آن سرعت رأی گرفتید و کسی صحبت نکرد؟ چرا آنجا که یک انسان مختار حق داشت ولو فرض کنید بنده که مثل شیطان در پلیدترین موجودیت بودم و شما در عالیترین مظهر قداست اجازه ندادید صحبت کنیم و به سرعت آن اصل خوانده شد؟ و بدون اینکه حتی اصل نوشته شود و در معرض دید آقایان قرار گیرد، رأی گرفتید؟ البته من این نکته را بگویم که‌مسأله‌ای را که دارم عنوان میکنم به هیچ وجه و به هیچ عنوان نخواسته‌ام مخالف نظر مراجع و بزرگان حرکت کنم و چیزی بگویم مخصوصاً امام، آن فردی را که خودم شخصاً تجربه کرده‌ام در طول سالها مبارزه و تبعید و حماسه و شکنجه و زجر، آنچه که بگوید، من برای خودم، آن را واجب‌الاطاعه میدانم، ولی اقلااجازه میدادید که به عنوان‌یک انسان مختار حرفها را میزدیم، دلایل را میگفتیم آنوقت اگر درست نبود رد میکردید. به دلیل اینکه سه چهار تا اصل بعد از آن را که سه چهار مرتبه درباره‌اش بحث شده بود وبه‌جلسات علنی هم آورده شده بود، اینهمه میدان میدهید تا روی کلمات جزئی آنهم بحث و بررسی به عمل آید، ولی آنکه احساس میشد با توجه به ابعاد مسأله احیاناً دلایلی برایش آورد روی آن اصل اصلا بحث نشد. من تا آخرین جلسه سعی کرده‌ام که به نظم و آئین‌نامهٔ جلسات احترام بگذارم و هنوز هم احترام میگذارم ولی این را میخواستم سؤال کنم که...

**یزدی** — یعنی سرکار میفرمائید اصلی که صبح درباره‌اش بحث شد، عبارات آن تغییر کرد، تا مطابق آئین‌نامه قابل طرح مجدد در جلسهٔ علنی باشد، آقایانی که به این اصل رأی داده‌اند، بدون توجه رأی داده‌اند؟ بنده عنوان کردن این مسأله را بزرگترین جسارت به این مجلس و نمایندگان میدانم . چون به عقیدهٔ شما معنایش این است که رأیی که آقایان داده‌اند حتماً از روی عدم اطلاع بوده است.

**پرورش** — استدعا میکنم، اگر قرار است صدا بلند شود، من هم صدایم را میتوانم بلند کنم (همهمه نمایندگان) بنده هیچ اهانتی به احدی نکرده‌ام. (یزدی — اگر اکثریت گفتند بحث کافی شده، چه؟) حرف شما درست، ولی بنده به عنوان یک آدم مختار حق نداشتم وقتی اصلی مطرح میشود، دلایل مخالف خود را، ولو مزخرف هم باشد و هیچکس هم به آن رأی ندهد بگویم؟ به نظر من اصلی که اینجا مطرح شد اصل جدیدی بود و من طبق آئین‌نامه‌حق

داشتم نظرم را درباره‌اش بگویم.

**یزدی** — ولی اگر اکثریت مجلس گفت که بحث دربارهٔ آن اصل شده و دیگر صحبت موافق و مخالف ضرورتی ندارد، شما به رأی اکثریت احترام نمی‌گذارید ؟

**رئیس** — آقای یزدی، نظم را رعایت کنید.

**پرورش**— من حق داشتم طبق آئین نامه حرفم رابزنم. (اعتراض یزدی وهمهمه نمایندگان).

**رئیس** — آقای یزدی، چرا اجازه نمی‌دهید حرفشان را بزنند؟ اعتراض ایشان نسبت‌به‌من است نه به جنابعالی.

**پرورش** — اکثریت آزاد است حرفش را بزند و رأیش را بدهد ولی من هم به قول آن نویسندهٔ بزرگ حاضرم در راه عقیده تو فدا شوم ولو اینکه مخالف عقیده من بگوئی، ولی باید حرف را بزنی.

**رئیس** — آقای پرورش. اگر فرمایشتان تمام شد، بفرمائید بنشینید.

**مکارم شیرازی** — ایشان سه دقیقه صحبت کردند به دیگران هم اجازه داده شود که سه دقیقه صحبت کنند تا جواب داده شود و شبهه‌ای باقی نماند. اگر اجازه بدهید من فقط یک‌دقیقه جواب عرض کنم.

**رئیس** — بفرمائید.

**مکارم شیرازی** — صبح این اصل خوانده شد. اگر بخواهید میتوانید عبارات صبح را با آنچه که در اینجا الان تصویب شد، مقایسه کنید، فقط یک کلمه جلو و عقب شد و تغییرات با جزئی تفاوت در آن گنجانده شد. ما تا به حال هم وقتی مذاکرات کافی در یک موضوع یا اصلی میکردیم و بعد فقط یک اصلاح عبارتی در آن به‌عمل می‌آوردیم ، از نو مخالف وموافق صحبت‌نمیکردند در این اصل هم اصلاح عبارتی شده و صبح هم به‌حد کافی رویش بحث شد بنابراین اصل جدیدی نبود که لازم باشددوباره یکنفرموافق ویکنفرمخالف درباره‌اش صحبت کنند.

**پرورش** — من میگویم تا مطلب روشن نشده بود نباید رأی‌گیری میشد.

**رئیس** — یعنی شما میفرمائید افراد بدون اینکه توجه کرده باشند رأی دادند؟

**یزدی** — بله، ایشان اینطور میفرمایند.

**دکتر بهشتی** — توجه بفرمایند دوستان تا سوء تفاهمی پیش نیاید. من از حرف آقای پرورش نفهمیدم که دوستان بدون آزادی رأی داده‌اند. آنچه ایشان میگفتند این بود که وقتی تغییری یا اصلاح عبارتی داده میشد، لازم و یا لااقل مناسب بود که دربارهٔ این تغییر هم بحث جداگانه میشد.

**کریمی** — آن اصلی که تصویب شد و صبح هم آنقدر رویش حرف زدیم دو نکته دارد، یکی موضوع مذهب و یکی هم موضوع رجلیت است.

**دکتر بهشتی** — بسیار خوب ، به هر حال همه صحبتهایشان را کردند. اگر اجازه بدهید. اصل ٤٥ را با توجه به اصلاحاتی که در آن به عمل آمده میخوانم:

«اصل ٤٥ — مذاکرات مجلس شورای‌ملی باید علنی باشد وگزارش کامل آن ازطریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشرشود. درشرایط اضطراری که‌رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای نخست‌وزیر، یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان جلسهٔ غیر علنی تشکیل میشود.

مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد گزارش و مصوبات جلسه غیرعلنی باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر شود.»

**رئیس** — باید حضور و امضای شورای نگهبان هم اضافه شود.

**ربانی شیرازی** — شما قرار بود تصمیمات را بنویسید که شامل قراردادها نشود. به علاوه دیگر «یکی از وزراء» لزومی ندارد باشد، نخست‌وزیر یا رئیس جمهور کافی است.

**دکتر بهشتی** — رئیس جمهور که اصلا در اینجا مطرح نیست اگر لازم میدانید که یکی از وزراء حذف شود، آن را حذف میکنیم.

**رئیس** — «حضور و امضای شورای نگهبان» هم اضافه باید بشود.

**فاتحی** — بنویسید. حضور شورای نگهبان و نمایندگی رهبری. (دکتر بهشتی — نه‌آقا.)

**دکتر آیت** — شورای نگهبان، همان نمایندگی رهبری است.

**خانم گرجی** — نامه‌ای هم برادران معلول نوشته‌اند و خواسته‌اند که توجهی به وضع اجتماعی آنان، از لحاظ کار بشود. این نامه به عنوان امانت پیش من بود و میخواستم تذکر بدهم که اگر ممکن است از نظر کار به آنها توجه شود چون این برادران و خواهران از نظر جسمی معلولند نه از نظر فکری.

**رئیس** — «تأمین عدل اجتماعی» که در یکی از اصول تصویب کردیم، معلولین را هم دربر میگیرد.

**خانم گرجی** — آنها می‌خواهند در اموراجتماعی کار کنند و نمی‌خواهند معلول بمانند.

**رئیس** — فکر نمیکنم این مطلب لازم باشد که در قانون اساسی آورده شود.

**دکتر بهشتی** — عنایت بفرمائید، یکبار دیگر اصل ٤٥ را با توجه به پیشنهاداتی که فرمودید و در آن وارد شد، برای رأی‌گیری میخوانم:

**اصل ٤٥ (اصل شصت و نهم)** — مذاکرات مجلس شورای‌ملی‌بایدعلنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامهٔ رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای نخست‌وزیر، یکی از وزراء و یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیر علنی تشکیل میشود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این‌جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

**رئیس** — لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجهٔ آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** — عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی، پنجاه و هفت نفر، شماره کل آراء، پنجاه و هفت رأی، موافق پنجاه و دو نفر، مخالف یک نفر، ممتنع چهار نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر (حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

**طاهری اصفهانی** — آقای منتظری شورای جمهوری را هم مطرح کنید، چون عده‌ای تقاضا کرده‌اند.

**رئیس** — از آقایان خواهش میکنم در جلسه تشریف داشته باشند چون جلسه هنوزادامه دارد.

**بشارت** — فردا هم جلسهٔ علنی تشکیل بدهید، الان وقت گذشته است.

**دکتر بهشتی** — فردا وقت نداریم، باید متن را تنظیم کنیم و در جلسات صبح و عصر خوانده شود و به کارمان پایان بدهیم.

**کرمی**— آقای بهشتی خواهش میکنم توجه بفرمائید. ما اینجا سه ماه اعمال قوا کردیم. فکر، ایمان، عقیده ما کوچکترین تغییری در الفاظ که موجب تغییر معنی بشود، به آن رأی نمی‌دهیم، مطمئن باشید. (دکتر بهشتی — همینطور است آقا.)

**دکتر غفوری** — اینکه نمیشود، تصمیم نهائی که در اصول گرفته میشود باید در اینجا خوانده شود.

**کرمی** — من یکبار دیگر به شما و بقیه آقایان تذکر میدهم که هر اصلی از اصول در ورقه جداگانه باید چاپ شود و پشت ورقه و زیر ورقه باید توسط آقایان امضاء شود. من این تذکر را بدهم که در این اصول نباید کوچکترین تصرفی بشود.

**اکرمی** — من هم یک تذکر بدهم و آن اینست که مردم در روزنامه‌ها مسائلی را مطرح کرده‌اند که اگر حق است باید در اینجا هم رعایت شود.

**کیاوش** — پیشنهاد می‌کنم بعد از سه روز اگر لازم شود یک جلسهٔ علنی دیگر هم داشته باشیم.

**رئیس** — بسیار خوب، یک اصلی در پیش‌نویس است که برای آن دو پیشنهاد رسیده است آنچه که در پیش‌نویس بدینصورت است که «مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی یا بازرگانی درصورتیکه وسیله اضرار یا تجاوز به منافع عمومی شود با تصویب مجلس شورای‌ملی، ملی اعلام میگردد». و یک اصلی هم عده‌ای پیشنهاد و امضاء کرده‌اند بدین شرح «به حکم تقدم مصالح عمومی بر مصالح شخصی و لزوم تهیهٔ امکانات و تأمین کار برای همه درصورت لزوم، دولت جمهوری اسلامی می‌تواند بنگاههای اقتصادی خصوصی را با تصویب مجلس، ملی نماید.»

آقای دکترنوربخش همین اصل را با متن دیگری‌نوشته‌اند که‌برای‌اطلاع شما آن را هم میخوانم: «در صورتیکه مؤسسات اقتصادی در بخش خصوصی موجب زیان رساندن به‌اقتصاد کشور و باعث وابستگی اقتصادی به خارج شود و یا به استقلال اقتصادی کشور لطمه زند، دولت می‌تواند با تصویب مجلس شورای ملی این قبیل مؤسسات را ملی اعلام کند.» به نظر میرسد که این متن از متون دیگر رأی بیشتری بیاورد.

**یزدی** — آنوقت بهانه به دست دولت می‌افتد و هر مؤسسهٔ اقتصادی خصوصی را به‌بهانه اینکه به اقتصاد کشور ضرر میزند، تعطیل میکند.

**دکتر آیت** — الان ۱۵ نفر بیشتر در جلسه نیستند، من پیشنهاد میکنم امروز جلسه را تعطیل کنیم و ادامهٔ کار را به جلسه علنی که فردا صبح تشکیل میشود، موکول کنیم.

**رئیس** — به هر حال یکی این اصل است و یکی هم اصل مربوط به شورای جمهوری که باید عنوان و مطرح شود. حالا اگر موافقید الان مطرح میکنیم و اگر وقت جلسه گذشته به فردا موکول می کنیم.

**دکتر آیت** — بله، فردا صبح جلسه علنی تشکیل بدهید.

**یزدی** — برنامهٔ فردا را بفرمائید که ما بدانیم‌باید چه بکنیم.

**رئیس** — ما میخواهیم فردا اصول را مرتب و منظم کنیم و سه روز آخر هفته را بگذاریم برای رسیدگی نهائی به اصولی که تصویب شده واحیاناً از نظر کلمات ممکنست ایراداتی داشته باشد، البته نه به آن صورت که آقای کرمی تصور کردند ما میخواهیم اصول را تغییر بدهیم، به هیچ وجه در ماهیت اصول کوچکترین تغییری داده نمی‌شود.

**ربانی شیرازی** — آقای منتظری آنچه که قبلا تصویب کرده‌اید کافیست و احتیاجی به اصل پیشنهادی آقایان نیست. ملاحظه بفرمائید من اصل قبلی که تصویب شده است میخوانم:

«مالکیت در این سه بخش تا جائیکه با اصول دیگر این بحث مطابق باشد و ازمحدودهٔ قوانین اسلامی خارج نشود و موجب رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور گردد، و مایهٔ زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران است».

**دکتر بهشتی** — پس این، قبلا تصویب شده است. دوستان توجه بفرمائید، اینکه گفته میشود اصلاحات، خودتان مکرر بعد از تصویب یک اصل پیشنهاد کرده‌اید که کلمه‌ای تغییر کند و به جایش کلمهٔ بهتری نوشته شود مقداری از این پیشنهادات یادداشت شده است وما گفتیم که این پیشنهادات کلمه‌ای را روز آخر بررسی میکنیم. (کرمی — ما هم یادداشت کرده‌ایم.) بنابراین متن با انشائی روان بدون اینکه محتوا تغییر کند با یک روند خوبی بازنویسی میشود و دقت خواهد شد که محتوا هیچ تغییر نکند و برای تضمین این مطلب متن قبلی خدمت آقایان داده میشود، متن جدید هم داده میشود که تأیید فرمائید که مفاد این دو متن هر دو یکی است، یعنی تغییرات فقط برای عبارت است.

**ربانی شیرازی** — صبح ها در جلسهٔ خصوصی روی آنها بحث میشود و عصرها در جلسهٔ علنی متن تنظیم شده خوانده میشود.

**ربانی املشی** — جناب آقای بهشتی چرا شما دایره را اینقدر ضیق میکنید؟ ممکنست بعضی از اصول که تصویب شده با نظرات جدیدی که داده شده و میشود ما تشخیص بدهیم که اشتباه کرده‌ایم. چرا دوباره نتوانیم تغییر بدهیم و تصویب کنیم؟

**دکتر بهشتی** — آقای ربانی آنها که مطرح میشود و رویش بحث خواهد شد و اشکالی ندارد. من تغییرات عبارتی را عرض کردم.

## ۱۰ — پایان جلسه

**رئیس** — فردا ساعت هشت در جلسهٔ کمیسیون مشترک هم اصل شورای جمهوری را مطرح می کنیم و هم سایر اصول را از اول برای تنظیم شروع می کنیم و بررسی خواهیم کرد. جلسه ختم می‌شود.

(جلسه ساعت هجده و ده دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **حسینعلی منتظری**

جلسهٔ شصت و ششم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه روز ۲۲ آبانماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر بابیست و دوم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

## فهرست مطالب


۱ — بیانات قبل از دستور آقایان پرورش و هاشمی‌نژاد. . . . . .
۲ — طرح اصل مربوط به صدور حکم یکدرجه‌ای. . . . . .
۳ — طرح اصل ۸٤. . . . . .
٤ — طرح اصل ۸۷/۲ . . . . . .
۵ — پایان جلسه. . . . . .

## ۱ — بیانات قبل از دستور آقایان پرورش و هاشمی‌نژاد

**رئیس**— آقای پرورش بفرمائید به‌عنوان ناطق قبل ازدستور اگرمطلبی دارید بیان نمائید.

**پرورش** — سلام علیکم، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین. بنده میخواستم چند دقیقه‌ای به برادران عزیز تصدیع بدهم. در زمینه صحبتی که پریروز بنده داشتم، و به‌عنوان یک انتقاد عرض کردم ، البته بـه اینجا نیامده‌ام از آن انتقادی که شده است اظهار ندامت کنم زیرا آن یک واقعیتی بود که اتفاق افتاد که مفهوم آن را میخواستم دراینجا به‌استحضار آقایان برسانم.

وقتی جلسه علنی تمام شد ما به طبقه بالا رفتیم تلفن زنگ زد، یکنفری بود که بنده را تلفنی خواست بعد پشت تلفن به من گفت که ما از شما خیلی تشکر و قدردانی می کنیم، بدین جهت که شما اختناق سرگبار و سکوت دردناک جلسه را شکستید ، اعتراض و انتقاد کردید ، بنده در جواب او گفتم کـه بـرادر عزیزم شما را نمی‌شناسم که کـی و چـه کسی هستید و به چـه منظور و از کجا دارید تلفن می کنید ولی آنچه مسلم است خـود آن عملی که من در آن جلسه ایستادم و مخصوصاً در جلـو رئیس جلسه کـه در آن مـوقع آیت‌الله منتظری بودند و جلسه را اداره می کردند و با تمام شهامت یا طوری، دیگر عرض کنم، با تمام جسارت سخنم را بیان کردم و همه اینها دلیل بر اینست که اینقدر جو جلسه آزاد است که‌من و همه نمایندگان احساس آزادی می کنیم که دراین موجب نهایت‌خوشحالی است که‌درمقابل یک فقیه‌عالیقدری که سالهای سال از عمرش را در تحصیل و علم و دانش و مبارزه صرف کرده است در مقابل او بایستم و براحتی نظر خودم را بگویم، و به ایشان عرض کردم که متأسفانه یا خوشبختانه آن قبری که شما به آن فاتحه می‌خوانید، مرده در آن نیست عبارت بنده همین بود. بعد وقتی‌تلفن بنده تمام شد و آمدم اینطرف، چهارنفر آمده بودند مرا می‌خواستند و همچنین برادر عزیزمان آقای موسوی هم فرمودند چهار نفر آنطرف شما را می‌خواستند که یکی از آنان در دستش ضبطصوت هم بـود ، بـالاخره آن چهار نفر آمدند و دوبـاره قدردانی و تشکر کردنـد . بنده در جواب آنها عرض کردم که درباره چه موضوعی شما دارید اینقدر از من تشکر می کنید؟ گفتند از اینکه اختناق و سکوتی که در جو مجلس وجود داشت و شما باعث شدید که آن اختناق و آن سکوت دردناک شکسته شود. از آن جهت تشکر و قدردانی می کنیم. بنده در ابتدابه‌آنها روی خوشی نشان دادم کـه بدانم آنها از کجا و بـه چه منظور پیش من بـه اینجا آمـده‌اند و می‌خواهند با من صحبت کنند ولی متوجه شدم کـه چیزی از آنها برنمی‌آید به آنها گفتم کـه برادران عزیز مـا پیوسته دلمان میخواهند دنبالـه رو پیشوایان و رهبر خودمـان باشیم و این مسألـه مثل ایـن میمانـد کـه بعد از رحلت حضرت رسول اکـرم (ص) ، وقتی کـه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در آن وضع قـرار گـرفت ، ابـوسفیان پیش حضرت آمـد و گفت اگر دلت میخواهد تمام امکاناتم را در اختیارت بگذارم تا تو بتوانی فریاد خودت را بزنی و

حضرت در جواب او فرمودند ، برو پی کار خودت که من هم سابقه‌ترا چه از قبل و چه حالا می‌شناسم و آن خطبه: «یا ایهاالناس و شقوا امواج الفتن بسفن النجاة» را بیان کرد و اگر از آن جهت می‌خواهید مرا چوبی بکنی و برای اغراض شخصی خودت به پای دیگران بکوبی؟ این را صریحاً باید عرض بکنم که اینطور نیست. بعد از این صحبتها، وقتی به اتاق خودم رفتم، دیدم که در روزنامه اطلاعات از زبان یکی از اعضای حزب دمکرات نامه‌ای نوشته شده و در خصوص اینکه جواختناق درجلسه حاکم است. واقعاً ازخواندن‌چنین‌عبارتی‌وحشت کردم وپیش خودم‌گفتم که‌اگرواقعاً جو اختناق به‌این صورت‌است که ازساده‌ترین‌انتقاد که‌حق هرانسانی است اینطور سوء استفاده میشود من به عنوان وظیفه شرعی که دارم باید در حد امکان جلو اینطور سوءاستفاده‌ها را بگیرم آنچه که مربوط به‌من هست و باید صراحتاً وآزادانه خدمتتان عرض کنم و آنان که صدای مرا میشنوند باید بگویم بدون کوچکترین ترس و بدون کوچکترین‌سلب آزادی و مجامله، جوی را اینجا مشاهده کردیم نه اختناق در آن بود و نه جوی که حتی کسی کوچکترین اختناقی به وجود بیاورند و نگذارند ما آزادانه حرفمان را بزنیم و بحمدالله همواره از آزادی مطلوبی بهره‌مند بودم کسی حتی نتوانست کوچکترین تعرضی به دیگران بکند و بگوید به او که حرفش را نزند و خواسته خودش را نگوید هرکس مطلبی داشت آزادانه مطلب خودش را بیان کرد، ممکن است از نظر نظم و نظام جلسه کسی به دیگری بگوید که آقانوبت شما نیست فعلا وقت شما نیست اما ما شاهد بودیم که کسی که می‌خواست صحبت بکند همه گوش میدادند فقط یک اشکال در این مجموعه بود و آن اشکال هم مربوط به بعضی ازبرادران منجمله یکی خود من بود و آن اینکه اگر یکی از برادران به عنوان انتقاد و اعتراض چه دراین جلسه و چه در جلسات مشترک می‌خواست صحبت کند کسی به او اعتراض نمیکرد که آقاشما حق حرف زدن ندارید. بعضی‌ها در حین صحبت آن برادر می‌خواستند به او جواب بدهند نه اینکه منظورشان این‌بود که او را نگذارند حرفش را بزند نه، اینطور نبود بنابراین، این هم مربوط میشود به نحوه برنامه‌های ما در گذشته مخصوصاً بعضی از برادران روحانی که با این سیستم در گذشته آشنا بودند که در حین صحبت با یکدیگر کاملا مباحثه داشته باشند و این باز آن را نمی‌رساند که حقی از دیگران تضییع بشود از این جهت بنده لازم دانستم تا اکثریت آقایان در جلسه حضور به هم رسانند و جلسه رسمیت پیدا کند این نکته را قبلا به استحضار همکاران عزیز برسانم و مصدع برادران بشوم که چنین چیزی نیست و مخصوصاً از برادرمان جناب دکتر بهشتی رفع این تهمت را بکنم چون بارها از سخنرانیهایش این‌طور استنباط شده است که ایشان یک حالت دیکتاتوری را حاکم کرده و اما در مورد جناب منتظری کمترصدق می‌کند که روش، دیکتاتوری را در پیش گرفته است چون خصوصیاتش در بین مردم کاملا واضح است که اصلا توی این مسائل نیستند ولی به قیافه جناب دکتر بهشتی می‌آید که متمایل به دیکتاتوری هستند برای رفع گمان و اتهام از ایشان و شک و تردیدی که بعضی‌ها نسبت به او دارند باید حقایق را صریحاً عرض کنم و خدا را شاهد میگیرم در وجود جناب بهشتی هم چنین تفکری و چنین رویه‌ای نیست ، هرکسی می‌خواست صحبت بکند بدون کوچکترین اعتراض و جلوگیری تا آخر آزادانه حرفش را میزد و این تهمت‌هائی است که بعضی‌ها بدون دلیل و ناروا به دیگران میزنند، خوب نمیشود ، که جلو دهان کسی را گرفت این هم به حساب آنها خودش یک نوع آزادی است انتقاد حق مسلم هر انسان است

و هر انسانی حق دارد آنچه که به نظرش میرسد از مجرای تقوا نسبت به دیگری هرچه‌میتواند انتقاد بکند هیچ اشکال به انتقاد وارد نیست. و انتقاد غیر از انتقام است این یک اصل کلی است که باید ما همیشه بدانیم مخصوصاً خود قرآن درباره اصحاب کهف انتقاد کرده و میفرماید وقتی آنها را خداوند از خواب گران بیدارشان کرد بعد میفرماید که: «و کذلک بعثناهم لیتسائلوا بینهم» به این علت است که آنها مبعوث شده‌اند که با هم تسائل کنند از همدیگر سؤال بکنند چون سؤال عامل تکامل و به‌جریان‌اندازند. فکراست ازاین جهت که این موضوع پیش نیاید برای کسی که انتقادی کردم و الان هم انتقاد به نظرم برسد خودداری از آن نمیکنم و حقیقت را میگویم و در فکر کسی گمان نرود که جو جلسه طوری است که هیچکس جرأت و حق حرف زدن ندارد، نه اینطور نیست هر موقع چیزی به خاطرم خطور بکند و بدانم اینجا بایستی انتقاد بکنم، بدون پروا بر میخیزم و انتقادم را می‌کنم یعنی در حقیقت این مطلب در همه آقایان صدق می‌کند و همه در هرموقع، انتقاد به نظرشان رسید انتقاد خودشان را بیان فرمودند. درآن زمینه که آنروز انتقاد کردم باید عرض کنم که حالا هم انتقاد دارم ودرآن اصل گفتم که بگذاریدهرکسی حرفش را بزند بعد هم جناب آقای منتظری در اطراف آن برای من توضیحی دادند ولی به هر جهت باز من اصل انتقاد را داشتم، از آن جهت که مبادا از گفته من سوءتعبیری بشود و دیگران هم می‌خواهند آن انتقاد را و آن متن را چوب اغراض شخصی خودشان برای کوبیدن به سر دیگری، آنرا خدمتتان بنده عرض کردم که کاملا باید هشیار باشیم زیرا اگر بی‌توجهی بکنیم ممکن است وضع ما را دگرگون بکند والسلام علیکم و رحمةالله وبرکاته.

**اکرمی** — عرض میشود که مقدار زیادی از ناحیه مطبوعات برعلیه مجلس هست البته نه همه مطبوعات متأسفانه تمام انتقادات از هر گروه و از هر دسته را می‌نویسند و تاکنون کمتر به نمایندگان مجلس خبرگان توجه کرده‌اند خود بنده دوبار مقاله نوشتم و به روزنامه اطلاعات دادم ننوشته‌اند و به روزنامه حزب جمهوری نوشتم دادم درج نکردند از آن جهت خدمتتان عرض بکنم علیه ما خیلی مسائل هست و توطئه می‌شود و هرچه ما مقاله بدهیم که در روزنامه‌ها چاپ بشود و مردم مطالعه بکنند و افکارشان نسبت به مجلس روشن بشود هیچکدام اینها را ننوشته‌اند.

**پرورش** — عرض میشود که صدای برادرمان آقای اکرمی را شنیدند فقط در دنباله گفتار ایشان یک چیزی هست که اگر جناب آقای یزدی اجازه بدهند بنده آن را بیاورم اینجا خدمت آقایان ارائه بدهم بد نیست، و خیلی هم بجاست بعضی ازبرادران ما صرف‌وقت کرده‌اند چنین چیزی را تهیه کرده‌اند و به صورت آلبوم درآورده‌اند. شما در این آلبوم و مندرجات‌آنرا ملاحظه می‌فرمائید اینجا کلیه گروههائیکه قبل از تأسیس مجلس خبرگان تا الان شروع به کار شکنی کرده‌اند و دشنامهای کوبنده و فحش های رکیک‌داده‌اند که همه اینها درحد یک‌موجود پست است از این حرفها در کلامش راه پیدا نخواهد کرد ، همه در این آلبوم است و آقایان می‌توانند مشاهده فرمایند کلیه آنچه‌را که از ابتدا آنها علیه مجلس شروع به توهین و اهانت نموده‌اند و در ارگانهای مختلف خودشان در روزنامه‌ها و در جراید که البته بیست و دو گروه تا حالا اینجا (توی آلبوم)جمع شده است (ناطق آلبوم را به آقایان نمایندگان نشان دادند) ببینید به این صورت همه آقایان و برادران میخوانند و ارزیابی هم میکنند و این تهمت‌ها را

که در اینجا نوشته است البته ممکن است بعضی در جو جلسه نباشند پاره‌ای از محتویات مندرج این آلبوم را قبول بکنند و بپذیرند ولی خدا گواه است که چه نسبتهای عجیب و غریب و ناروا و چه تهمت‌های عجیب و غریب و چه طغیانهائی کرده‌اند، بیست و دو گروه در تمام ارگانهای مختلف خودشان و در روزنامه هایشان و در جرایدشان تمام این تهمت‌ها را به مجلس خبرگان نسبت داده‌اند، این است معنای سانسور و در حقیقت این است معنی اختناق، و تمام این تهمت‌های سنگین را در روزنامه هایشان می‌نویسند که واقعاً خواندن آن شرم‌آور است که تمام اینها و هرچه دلشان بخواهد می‌نویسند باز هم فریاد و ناله در می‌آورند که آقا در مجلس خبرگان آزادی نیست و در حال اختناق و سکوت است هیچکس را نمی‌گذارند حرفش را بزند این مثال شبیه آنست که، دزدی نصف شب به خانهٔ کسی میرود و تمام اثاثیه را جمع‌آوری می‌کند و اسلحه به روی اهل خانه می‌کشد آنوقت اگر یکی پشت سر آن دزد را بگیرد و یا ضربه‌ای به او وارد بکند و بگوید به او که برادر این چه کاری است که انجام میدهید آقادزده داد و فریاد می‌کند که اصلا از آزادی خبری نیست چرا نمی‌گذارند من کارم را بکنم، آزادی یعنی اینکه آقا دزده را بگذارند تمام لوازم و اثاثیه منزل را ببرد و صاحب خانه همانطور نگاه کند و دم در نیاورد که مبادا سلب آزادی از دزد بشود. بنابراین ممکن است تمام برادران خبرنگار و مخبرین و یا بعضی از آنها الان در اینجا باشند می‌توانند این بیست و دو ارگان خبرهای مختلفی که در این آلبوم هست ملاحظه کنند و ببینند در آن چه نوشته شده است و اگرحاضر باشند دراختیارشان گذاشته میشود فحش و تهمت‌هائی که زده شده موجود است و متأسفانه و البته شاید بگوییم که یکی ازتقصیرهائی که به عهدهٔ ما بوداین بود که اینها را ما قبلا بررسی نکردیم البته بررسی شده بود اما در نطق‌های قبل از دستور نیامدیم بگوئیم و حالا من به عنوان یک برادر از کلیهٔ عزیزان موجود تقاضا و خواهش میکنم گروهها و ارگانها جو را مسموم کرده‌اند البته نه جو کلی مردم را جوهای موضعی را مسموم کرده‌اند.

برادران و خواهران دانش‌آموز، دانشجو، تحت تأثیر تبلیغات سوء آن گروهها البته یک مقدار فضای فکریشان مسموم شده است اینکه شما بعدازاتمام این قانون اساسی و همه هم میدانید رسالت سنگینی که هست از طریق رسانه های گروه خبری رادیو و تلویزیون و از طریق مجالس عمومی آنچه که مضمون و عبارات قانون اساسی هست و مستدل است و روی این قانون اساسی زحمت کشیده شده برای مردم بیان فرمائید تا افکار عمومی روشن گردد و واقعیات را بدانند. برای اینکه حتی برادران عزیز بدانند که چه نسبتهای ناروائی و چه تهمت‌های بدی داده‌شده، دیدن اینطور مسائل و قضایا برای همه ضروری و لازم است امیدواریم بتوانیم در اختیارهمگان قرار بدهیم و مجالی داشته باشند یک تعدادش را لااقل مطالعه فرمایند و از نظرهای گروههای مختلف و تهمت‌هایشان و اهانت‌هایشان آگاه بشوند. امیدواریم خدای بزرگ به همه توفیق عنایت فرماید و بتوانیم نسبت به انجام وظایف محوله خویش در راه مقدس عالیه اسلام وبه‌ثمر رساندن این انقلاب عظیم ملی بیش از پیش کوشا باشیم. ممنون و متشکرم دیگر عرضی ندارم.

**رئیس** — ممنون و متشکر موفق باشید ان‌شاءالله، آقای هاشمی‌نژاد مطلبی دارید به‌عنوان ناطق قبل از دستور بفرمائید.

**هاشمی‌نژاد**— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم. عرض میشود به‌خدمت

برادران عزیز شاید من به قدر هفت هشت دقیقه از جناب آقای منتظری تقاضا کردم اجازه بفرمایند که یک توضیحی هست که آنرا خدمت آقایان بیان نمایم و این توضیح از زبان همهٔ همکاران عزیز هست که در اینجا تشریف دارند مکرر در مکرر جنابان آقایان منتظری و دکتر بهشتی مسئولیت جلسه را داشتند و تغییراتی که برادران ما احیاناً دراینجا در موضوعی از موضوعات مورد بحث داشتند تذکر دادند که هر گوینده‌ایکه در اینجا سخن میگویدنظر خودش را بیان می کند بلکه آنچه که در تخیلات و در افکارش هست همان را بیان می کند و نظر فرد نظر جمع نیست و از همه شنوندگان و بینندگان تقاضا شده بود تعبیرات افراد را به حساب خودشان بگذارند نه به حساب اسلام و نه به حساب جمع نمایندگان. پریروز یکی از برادران ما که در اینجا صحبت می‌فرمودند و در تعبیرشان شاید این تعبیر برای تعدادی برادران و خواهران ما ناخوش‌آیند و ناگوار بود جناب آقای فاتحی یک مطلبی را می‌فرمودند درمفهوم صحبتشان یک نکته‌ای و یا یک تعبیری وجود داشت که دنبالهٔ آن تعبیر تلفن ها و اعتراضات متعددی از طرف خواهران به اینجا شد و خوشبختانه امروز هم یکی از خواهران تلفنی در همین زمینه اینجا کرد و من با آن مواجه بودم پس از گفتگو توانستم با آن خواهر عزیز در صحبت به تفاهم برسم. تردیدی نیست که انقلاب ما یکی از اثرات عمیقی که در سراسر زندگی ملت ما باقی گذاشت در رابطه با زن در جامعه ما بود. ما هنوز یادمان نرفته است که دوسال یا سه سال قبل حقوق مسلم مشروعی که برای زنان با فضیلت و با تقوا و مسلمان و متعهدمان در این مملکت وجود داشت بعضی از افرادی در این کشور بودند که از دادن چنین حقوق و امتیازی که حق مسلم آنها بود از دادن آن حقوق برای خواهرانمان امتناع ورزیدند. ولی این انقلاب آن چنان توانست راه را برای استفاده خواهران تا جهت رسیدن به حق مشروعشان باز بکند که در مرحله‌ای قرار گرفته که برای ما در گذشته قابل تصور نبود و میلیونها نفرایرانی با چشم خودشان از تلویزیون دیدند که خواهران مسلمانمان در کنار امام پشت میکروفون ایستادند و در برابر دهها هزار نفر جمعیت صحبت کردند و مطالب حق اسلامی خودشان را بیان کردند و الان در نوع مراحل و حرکت انقلابی جامعه ما از برکت وجود زنان استفاده کرده و میکند و نقش آنها در انقلاب ما تا آنجا بود که حتی در یکی از دیدارها امام صریحاً به خواهرانمان فرمودند که نقش شما در این انقلاب بیشتر از مردان بوده است این تعبیر امام بود و از آنها خواهش میکنم که باز آن اصلی که کراراً رویش صحبت شده است که هر حرف هرکسی را به حساب همان کس بگذارند و مسئولیت هر تعبیری مربوط به شخص گوینده است،نه در رابطه با جمع. خواهران ما در تلویزیون دیدند که در همانجا تعدادی از نمایندگان برخاستند و به آن تعبیر اعتراض کردند و منجمله خود من در آنجا برخاستم و اعتراض کردم از این نظر خواستم از آن تعبیر از محضرخواهران پوزش بطلبم و مطمئن باشند که در این رابطه میزان برای آنها بیان ونظرات امام است و آنها دیدند و دنیا دیده است که‌امام دربرداشتی که از زن و از حقوق زن و نقشی که زن در انقلاب اصیل جامعه ما داشت تا کجا بود و تا چه حد بود آنچه را که می‌توانند به حساب اسلام بگذارند. گفته های امام در این رابطه بود که در سراسر جهان پخش شد و نمایندگان دیگری که در اینجا تشریف دارند هرکدام مسئول کار خودشان و وظیفهٔ خودشان هستند و اجازه ندهند از چنین مسائلشان که پیش می‌آید احیاناً خدای نکرده دیگران سوءاستفاده کنند و زمینه‌ای باشد که بشود ازآن‌بهره‌برداری های‌نادرستی

بشود امیدوارم که ما زنانمان و مردانمان طبق موازین اسلامی در این حرکت کلی انقلاب به پیش برویم هم اکنون هم خواهرانمان در کنار برادران انقلابی‌مان در داخل سفارت سابق آمریکا و لانهٔ جاسوسی آمریکا در این کشور به کارشان مشغول هستند و اشغال این لانه جاسوسی به وسیله برادران و خواهرانمان هر دو انجام شد و من شب اول در آنجا ناظر بودم که به‌محضر آنها رفتم و شرفیاب شدم در حالیکه تعدادی از خواهرانمان سلاح بدوش داشتند مشغول پاسداری بودند در دل شب با حفظ همه موازین و اصول اسلامی و السلام.

**رئیس** — بسیار متشکر، آقای فاتحی مطلبی داشتید بفرمائید.

**فاتحی** — میخواستم ضمن تأیید مطالب جناب آقای هاشمی‌نژاد که نظر به تعبیر بوده است بنده نظرم همین است که «من عمل صالحاً من ذکر اوانثی فلنحیتنه حیوة طیبة» از نظر عمل اکتسابی بین زن ومرد فرق نیست‌وحتی زن میتواند ازنظرتکامل روحی تا به‌آن حدبرسد که از مرد هم بالاتر بزند و به مقام والاتری ارتقاء پیدا کند و اما بحثی که آنروز داشتم بنده‌اینطور به عرض رساندم گفتم به طور کلی عواطف در زن بیشتر است و حالت تفکر و تعقل در مرد بیشتر است و آن یک مسأله طبیعی است که تمام افرادی که دربررسی های روحی وفکری وجسمی و بدنی زن و مرد بحث کرده‌اند و مطالعه کرده‌اند این معنی را گواهی میکنند و بحثمان این بود که در اسلام هم آنچه که مربوط به حکومت قضاوت است در اسلام این معنی را نظر دارید که...

**هاشمی‌نژاد** — آقای فاتحی خواهش میکنم بنده آنطوری که بایستی تعبیرشود تعبیر کردم دیگر شما بیش از آن تعبیرش نکنید.

**فاتحی** — در نظر دارید که همانطوریکه امام فرمودند اگر این زنها نبودند و مردها را وادارنمی کردند این انقلاب ما به‌ثمر نمی‌رسید، این زنان بودند که مردان و جوانان وجگرگوشهٔ خودشان را آنچنان تربیت میکردند و تحریک میکردند که اینها به میادین بروند و در مقابل مسلسل ها و سنگرها قرار بگیرند و انقلاب مقدس اسلامی را به‌ثمربرسانند این سوء تفاهمی بود ان‌شاءالله منتفی شد.

**رئیس** — خیلی ممنون ، عرض میشود با این تعداد چهل و هشت نفر جلسه رسمیت خودش را اعلام می کند جلسه رسمی‌است. اعوذبالله‌من الشیطان‌الرجیم. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ضمن طومارهای زیادی که از تهران و از نقاط مختلف کشور به عنوان پشتیبانی از رهبر انقلاب امام خمینی و از مجلس خبرگان و قانون اساسی رسیده است یک طوماری هم به‌وسیلهٔ برادرمان جناب آقای فاتحی از اهالی محترم قروه و سریش‌آباد رسیده است که در حدود بیست هزار امضاء دارد به عنوان پشتیبانی از مصوبات مجلس خبرگان، ما ضمن تشکر از همهٔ برادران و خواهران مسلمان که با عنایت خاص خودشان به این مجلس توجه دارند ضمن تشکر از آنها از خدای بزرگ خواهانیم که وظیفه‌ای را که خدا و ملت بزرگ و مسلمان ایران به عهده‌ما محول نموده است بتوانیم به خوبی انجام بدهیم. ضمناً میخواهم خدمت آقایان عرض بکنم و آنهائی هم که خارج از مجلس هستند به همین وسیله صدای من به آنها برسد که آخرین جلسه ما روز پنجشنبه تمام میشود . (یکی از نمایندگان — جناب آقای منتظری پیش از ظهر پنجشنبه...) اجازه بفرمائید عرض می کنم ما برای اینکه مقدمه‌ای که نوشته شده است بررسی کنیم واصلاح کنیم و همینطور برای اصول مصوب یک بررسی نهائی داریم فردا صبح و عصر کمیسیون

مشترک هست تقاضا میکنم از آقایانیکه در جلسه حاضرند و آنهائیکه خارج از مجلس هستند توجه داشته باشند برای بررسی نهائی اصول مصوب و همچنین برای بررسی مقدمه‌ای که‌نوشته شده در کمیسیون مشترک صبح و عصر فردا چهارشنبه بیست و سوم آبان حضور پیدا نمایند از آقایان محترم چه‌آنهائی که حاضرند و چه‌آنها که غایبند تقاضا میشود همه‌درکمیسیون مشترک صبح و عصر شرکت کنند و زود هم تشریف بیاورند چون کارمان خیلی زیاد و فشرده است و میخواهم ان‌شاءالله فردا شب تمام این کارها را تمام کنیم یعنی بررسی مقدمه وبررسی مختصری هم برای این اصول داریم، بررسی اینها تمام بشود یک قسمت از اصول بررسی شده است و یک قسمت از بررسی اصول هم باقیمانده است و برای پنجشنبه قبل از ظهر ساعت نه آخرین جلسه علنی در اینجا تشکیل میشود از همهٔ آقایان نمایندگان مجلس خبرگان انتظار داریم درهرجای کشور هستند این زحمت به خودشان هموار کنند و قبول زحمت نموده وبرای قبل از ظهر روز پنجشنبه پس فردا ساعت نه صبح در جلسه علنی تشریف بیاورند و برای اینکه آخرین جلسه است و میخواهیم ان‌شاءالله قانون اساسی‌تنظیم شده به امضای آقایان نمایندگان برسد و در اختیار ملت عزیز ایران گذاشته شود بنابراین از آقایان انتظار داریم اگرکاری هم دارند آنرا کنار بگذارند و تعطیل کنند و در جلسه‌علنی پس‌فردا (روز پنجشنبه) تشریف‌بیاورند و توجه هم داشته باشند که در جلسه علنی پس فردا دیگر هرکسی باز روی هر عبارت اظهارنظر بکند و اظهارات و نظرات آن شخص مورد توجه قرار بگیرد . هرکس نظری دارد فردا روز چهارشنبه در کمیسیون مشترک صبح و عصر شرکت کند و نظرات خودش را بگوید بعداً باز پس‌فردا نگویند ما نبودیم برای اینکه ادامه جلسه دیگر برای ما میسور نیست. البته آقایان این نکته را توجه داشته باشند در این بررسی نهائی تغییر ماهوی در اصول داده نمیشود بلکه مثلا شاید کلمه‌ای «و» را جلو، عقب داده شود که هیچ به معنی و ماهیت و به محتوا ضرر نمی‌زند خلاصه آقایان مطمئن باشند که ما نمی‌خواهیم بیائیم به ماهیت و در معنای اصل تغییر و تحول بدهیم، بعضی‌ها یک اصل تازه‌ای و یا طرح تازه‌ای بیاورندبه تصور اینکه ما شاید بخواهیم یک اصول قانون اساسی درست کنیم نه چنین نیست . قانون اساسی را قبلا طرح و بررسی کردیم و مدت سه ماه این اصول را بررسی کردیم کسی فکر نکند همه اینها خراب است و باید دور ریخته شود و می‌خواهیم از نو یک قانون اساسی تازه‌ای درست کنیم و مجلس خبرگان جدیدی تشکیل بدهیم نه اینطور نیست . این برای ما اساسی و عملی نیست بنابراین غیر ازاین چهار اصلی که داریم در این جلسه الان مطرح میکنیم وان‌شاءالله در همین جلسه کارش تمام میشود دیگر ما اصلی نوی نداریم و اصل تازه‌ای و عبارت تازه‌ای که برای تتمیم یا مثلا فرض بفرمائید برای تجدید نظری اگر در آینده لازم باشد باز ممکن است ان‌شاءالله در آینده مجلس خبرگان تشکیل بدهند و همیشه قانونهای اساسی، متمم هم داشته است برای اینکه ما همه بشریم و غیر از معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین همهٔ ما جائزالخطاء هستیم‌ونمی‌توانیم بگوئیم که خطا نمی‌کنیم‌ولی آقایان آن اندازه‌ای که قدرت وتوانائی‌وامکان داشتند به پیشنهادهای قانون اساسی که اشخاص مختلف ارسال نموده بودند به آنها مراجعه کردند و بررسی و تحقیق به عمل آوردند و بالاخره بدون اینکه فشاری و یا زوری باشد و با اکثریت آراء که دو سوم مجموع نمایندگان است یعنی چهل و هشت نفر همه اصول تصویب شد. ما اگر یک اصلی چهل و هفت رأی می‌آورد آن اصل را رد میکردیم و تصویب نمی‌کردیم

با اکثریت چهل و هشت رأی یعنی هر یک از این اصول چهل و هشت نفر اقلاً رأی داده‌اند این اقلش هست والا بعضی از اصول به اتفاق آراء تصویب شده و بعضی از اصول اکثریت خیلی قاطع داشته است خلاصه قریب به‌اتفاق آنچه که کمتر ازهمه رأی داشته است، ازچهل و هشت رأی کمتر نبوده است بنابراین این اصول به تصویب آقایان نمایندگان خبرگان که نمایندگان محترم ملت ایران بوده‌اند رسیده است فقط روز پنجشنبه برای امضاء کردن اصول است که در دسترس خواهران و برادرانمان بگذاریم ان‌شاءالله امیدواریم که هم در کمیسیون های مشترک فردا روز چهارشنبه صبح و عصر آقایان نمایندگان شرکت‌می کنند و هم در جلسه علنی روز پنجشنبه پس فردا ازساعت نه قبل ازظهر اینکه گفتیم زنها دخالت نکنند نه از باب اینست که یک حقی از آنها گرفته شود بلکه از جهت اینست که اینکارها که مردها انجام میدهند مسئولیت و بار سنگینی است و از این لحاظ است که نمی‌خواهند بار سنگینی بدوش زنها بگذارند والا حق خانمها محفوظ است و حرمت و احترام آنان محفوظ است اصولا اگر زنها نبودند مردها از کجا به وجود می‌آمدند همین زنها و خانمها بودند که جوانان را برای انقلاب تشویق میکردند. آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

**حجتی کرمانی** — آن طرحی که ما داده بودیم، به مردم وعده داده بودیم که آنرا در مجلس طرح میکنیم، بعضی‌ها مراجعه میکنند که چه وقت طرح میکنید؟

**رئیس** — در کمیسیون که طرح شد، من خودم هم نظری داشتم آقای حجتی، بعد دیدم در کمیسیون اکثریت نیاورد. طرح را وقتی میشود به جلسه علنی آورد که اکثریت در کمیسیون رأی بدهند و متأسفانه این طرح را شما وقتی دادید که اصول قانون اساسی تصویب شده بود و اگر این طرح در آن بخواهد مطرح بشود بدین معنی است که ما باید اقلا سی اصل از اصول تصویب شده را به هم بزنیم، که در واقع میشود قانون اساسی جدیدی. بنابراین من از شما خواهش میکنم که دیگر آن طرح مسکوت‌عنه بشود وگرنه باید از نومعرکه بگیریم. (حجتی کرمانی — پس اقلا...) میدانم نظر شما شورای جمهوری بوده منتها با یک ترکیب خاصی، خود من هم نظرم شورای جمهوری بود و در آن پیش‌نویس هم که نوشته‌ام نظرم را هم مطرح کرده‌ام البته شما و آقای غفوری زحمت کشیده‌اید. نظری است و نظرتان هم محترم است ولی الان دیگراین معنی را نمی‌شود مطرح کرد، یعنی اکثریت‌نمی‌آورد. (یزدی — در جلسه مشترک هم مطرح شد.) در جلسه مشترک هم من حرفهایم را زدم. هم شما طرحتان را گفتید و دیدیم اکثریت نمی‌آورد و ما بنا را براین گذاشته‌بودیم که‌وقتی‌اکثریت حاصل نشد دیگر اینجابحث نکنیم. اجمالا برای برادران و خواهران ایران هرجا که هستند توضیح میدهم که طرحی را که جناب آقای غفوری و جناب آقای حجتی‌داشتند، شورای جمهوری بود آنهم به ترتیب خاصی که یازده نفر باشند خود منهم نظر داشتم به شورائی بودن اما نه به آن ترتیب ولی در کمیسیون مشترک مورد تصویب قرار نگرفت و بنابراین ما تشکر میکنیم که شما زحمت کشیدید و طرحتان را ارائه کردید.

**حجتی کرمانی** — پس ترتیبی بدهید که مردم مطلع بشوند.

**رئیس** — حالا اجازه بدهید دستور جلسه را...

**کریمی** — اجازه بفرمائید منهم یک کلمه اضافه کنم (با اجازه شما و آقایان) این طرح را اکثر آقایان مطالعه کردند و بنده هم مطالعه کردم و تنها عذر بنده و سایر رفقا که اطلاع

دارند، اینست که ما یک ترکیبی برای قانون اساسی پیش‌بینی کردیم و تصویب شد و چون وقت نداریم اینرا مطرح نمی‌کنیم. این طرحی است که بنده مطالعه کردم و عده‌ای از آقایان هم مطالعه کردند ولی نپسندیدند و اگر هم الان طرح بشود باز هم رأی نمی‌آورد.

**فارسی** ــ آراء موافق هم به ده رأی نرسید.

**حجتی کرمانی** ــ در هر صورت در اختیار مردم بگذارید.

**رئیس** ــ حالا اجازه بدهید بپردازیم به دستور جلسه.

**کربی** ــ ما الان چهل و نه نفر هستیم و باید چهل و هشت رأی موافق داشته باشیم تا اصلی تصویب شود شما چطور با این عده اصول را مطرح میفرمائید؟ بهتر است که این دو ساعت ( از ساعت چهار تا شش) را برویم به کمیسیون مشترک و مقابله بکنیم نشستن دراینجا فایده ندارد.

**رئیس** ــ آقای عضدی طوماری دارند به امضاء بیش از دویست و پنجاه‌دانشجو رسیده که ایشان به‌خاطر تشویق دانشجویان می‌خواهند به نظر آقایان برسانند وچند دقیقه‌ای توضیح بدهند. بفرمائید آقای عضدی.

**سبحانی** ــ بعضی از این اصول مسلمات است و در جلسه از اصول مسلم تلقی شده فقط بعضی ممکن است نباشد.

**مکارم شیرازی** ــ از اصل ما قبل آخر که مخالف ندارد شروع بفرمائید تا آقایان هم برسند.

**عضدی** ــ طوماری است که آقایان دانشجویان آورده‌اند و دویست وپنجاه امضاءدارد. آنان خواسته‌هائی دارند که من عیناً روی کاغذ آورده‌ام و میخوانم در قانون اساسی باید اصول اقتصاد اسلامی منظور گردد.

ما دانشجویان دانشگاه تهران از نمایندگان شورای خبرگان تقاضا داریم که اصول زیر را که در سمینار بررسی اقتصاد ایران و اقتصاد اسلامی مطرح گردیده است به شرح زیر در قانون اساسی منظور گردد:

۱ ــ اقتصاد جمهوری‌اسلامی ایران بایداز هرگونه آثار سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری و استثماری تصفیه گردد. بدین منظور باید انقلاب اقتصادی در تمام شئون کشور به وجود آمده استقلال یابد.

۲ ــ تمامی عوامل تولید که تولید انبوه میکنند در مالکیت امام و امت باشد و زیرنظر شورایعالی اقتصادی اداره میشود و منافع آن باید در جهت منافع عموم به کار رود.

۳ ــ براساس اصل ولایت فقیه تمامی اموال در تحت ولایت امام و نایب امام قراردارد و وی با مشورت با شورای اقتصادی در مورد آنها تصمیم میگیرد و همچنین حداکثری برای ثروت افراد تعیین مینماید.

٤ ــ ابزار تولید صنعتی در مالکیت عمومی است و هیچ بخش خصوصی نمی‌تواند آنها را به مالکیت خود درآورد و فقط ابزار تولید دستی و ابزار تولیدی ماشینی کوچک شامل این قانون نمی‌شود.

٥ ــ برای تمامی آحادملت باید کارمولد ایجاد نمود تا هرکس بتواند براساس استعداد و انتخاب خود کار مناسب را برگزیند و دولت اسلامی براین اساس وظیفه دارد نیروی انسانی

را در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی جامعه اسلامی برنامه‌ریزی نموده و آموزش و تخصص دهد ولی مالکیت ابزار تولید مطابق قوانین فوق خواهد بود.

۶ — تولید و واردات و صادرات کشور را باید شورایعالی اقتصادی براساس موازین اسلامی برنامه‌ریزی نماید و به گونه‌ای که تمامی نیازهای ضروری عمومی به حد کفاف تأمین گردد و اقتصاد کشور در جهت هدفهای اسلامی رشد کند.

۷ — ربا برای همیشه ممنوع است و بیع و نظام بازار و سیستم توزیع کالا باید براساس اقتصاد اسلامی برنامه‌ریزی شود.

۸ — توزیع ثروت باید عادلانه باشد و حاصل کار هرکس به خودش برگردد واختلاف فاحش درآمدها از بین برود.

اجازه بفرمائید یک توضیح کوچکی بدهم. ما خیلی از این خواسته‌های دانشجویان‌عزیز را در بخش اقتصادی آوردیم و فقط یکی، دو مورد است که نیامده و درباره آنها هم به‌اندازه کافی در اینجا بحث شده است آقایانی که این‌جا هستند اکثراً صاحب نظر هستند هم در اقتصاد اسلامی، هم در فقه و هم در اقتصاد کلاسیک و دانشگاهی، بنابراین روی این یکی دو خواسته که نیامده‌به قدر کافی بحث شده گذشته از این، در گروه اقتصاد آقایانی که تشریف داشتند ضمن اینکه خودشان اکثراً صاحب نظر بودند پیشنهادات رسیده را نیز بررسی کرده و از صاحبنظران اقتصاد چه اقتصاد اسلامی و چه اقتصاد غیر اسلامی دعوت کردیم و خیلی‌ها آمدند به جلسه ما و همین حالا چند تا از آقایان اینجا هستند. آقای موسوی اصفهانی اینجا تشریف دارند. یکی از برادران مصاحبه کردند و خود ایشان به گروه ما تشریف آوردند بدون آنکه پیشنهاد بدهند که مثلا این اصل باید حذف بشود یا اصلی‌بایداضافه بشود فقط نظرایشان روی کلمات و جملات بود.

**موسوی اصفهانی** — آقای عضدی اسم ببرید مانعی ندارد.

**عضدی** — چون من تصمیم دارم پاسخ بدهم و در همان روزنامه مقاله بنویسم لزومی نمی‌بینم که اسم ببرم.

**حجتی کرمانی** — آنکه توی کمیسیون بود غیر از این بود که تصویب شد.

**عضدی** — عرضم اینست که آن آقایانی که در آن کمیسیون هستند همه میدانید که کسانی هستند که در فقه تبحر دارند هم در اقتصاد کلاسیک و هم خواسته‌های دانشجویان عزیز اکثراً در اصول ما آمده و آن چند مورد که نیامده (تکرار میکنم) بحث شده بود و دلیل قانع کننده‌ای بوده که نیامده و آنان می‌توانند مراجعه بکنند به صورت جلسات و باز هم پس از این به این مقالات پاسخ داده خواهد شد و آقایان خواهند رفت در تلویزیون تا این اصولی را که تصویب شده، توجیه کنند والسلام علیکم.

## ۲ — طرح اصل مربوط به صدور حکم یکدرجه‌ای

**رئیس** — موفق باشید ان‌شاءالله. اعوذبالله‌من‌الشیطان‌الرجیم. در اقتصاد اسلامی... (حجتی کرمانی — چند نفر آنجا بودند.) (عضدی — آقای علی تهرانی بودند...)(حجتی کرمانی به شما میگویند اکثراً هم در اینجا بودند . راست بگوئید آقا.)

**دکتر بهشتی** — آقای حجتی بحث نفرمائید.

**موسوی جزایری** — اجازه بدهید من عرض کنم در کمیسیون آقای موسوی اصفهانی بودند و آقای دکتر عضدی هم که متخصص اقتصاد هستند بودند.

**عضدی** — درهرحال عرضم این بود که خواسته های دانشجویان عزیز را برایتان خلاصه بکنم و رفع زحمت بکنم.

**رئیس** — بسم الله الرحمن الرحیم. با اجازه آقایان چون عده کمی تشریف آورده اند از این اصل ما قبل آخر میخوانیم که مختصر هم هست اصل «صدور حکم، یک درجه‌ای است جز در مواردی که قانون طبق موازین فقهی تجدیدنظر را تجویز نماید» این اصل مربوط است به‌باب قضا وفکرمیکنم حرفی هم رویش نیست. (خامنه‌ای — من مخالفم.) آقای قرشی اشکال شما چیست؟

**قرشی** — بعد از «صدور حکم» کلمه‌ای اضافه کنید مثلا «... در دادگاههای اسلامی».

**رئیس** — در باب قضا که گذاشتیم معلوم میشود مربوط به اصول قضاوت است. آقای خامنه‌ای بفرمائید. (خامنه‌ای — من مخالفم.) آقای غفوری بفرمائید.

**گلزاده غفوری** — اولا این اصل مربوط به قانون اساسی نیست و ثانیاً در عمل اشکالاتی تولید میکند و آن اعتبار قضائی را به خصوص با این وضعی که ما در پیش داریم و باید رویش تجربه بشود از بین میبرد.

**رئیس** — پس شما مخالفید. (غفوری — باید در قانون محاکمات نوشته بشود.) آقای رشیدیان بفرمائید.

**رشیدیان** — بنده یک سؤال دارم، اینجا اگر توضیح داده شود «پس از بررسی کافی و اثبات جرم...»

**رئیس** — از جمله صدور حکم معلوم است که قاضی کارش را کرده و حکمش را داده.

**رشیدیان** — یک مسأله دیگر این است با توجه به‌اینکه ما سابقه تجربه‌قضائی به‌صورت مدون نداریم، بهتر نیست که یک مقدار تجدیدنظر بکنیم؟

**هاشمی‌نژاد** — مشخص بشود که اصلا ازنظراسلام رسیدگی چطوری است، یک‌درجه‌ای است یا دو درجه‌ای؟

**رشیدیان** — آقا من از آقای منتظری سؤال میکنم اگر جوابی دارند میدهند.

**رئیس** — «صدور حکم یک‌درجه‌ای است» یعنی موضوع با همه مقدماتش به‌دادگاه که میرود، استماع دلایل و گواهی شهود و تمام مقدمات که انجام میشود آنوقت قاضی حکم‌میکند، این حکم قطعی است و دیگر قابل استیناف نیست، مگر اینکه از نظر موازین فقهی مجوزی‌برای تجدیدنظر داشته باشیم چون حکم قاضی قاطع بوده و حکم فصل خصومت میکند.

**رشیدیان** — حالا اگر آن مجرم با سند کافی اعتراض کرد گفت که این حکم غیرشرعی است چه میشود ؟

**رئیس**— این برطبق موازین فقهی معنایش اینست که اگر یک‌جائی ثابت شد که‌حکمی خطاست، تجدیدنظر بکند.

**رشیدیان** — پس اعتراض وارد میشود.

**صدوقی** — اگر اعتراض مستند به دلیل باشد، درست است.

**رئیس** — آقای فوزی. (فوزی— من‌مخالفم.) آقای‌مکارم بفرمائید.(مکارم— من‌موافقم). آقای رحمانی بفرمائید. (رحمانی— این وقتی است که موازین قضا برطبق فقه‌اسلامی پیاده شود،

تصحیح بفرمائید.) ما فرض میکنیم که قوانین ما اسلامی است. (رحمانی— اینطورمیشود دیگر، وقتی که موازین قضا اسلامی پیاده شود.) آقای هاشمی حسینی بفرمائید. (هاشمی — موافقم.) آقای آیت شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر آیت** — توضیح است، ما اینجا نوشته‌ایم یک‌درجه‌ای مگردرمواردی که قانون استثناء میکند ولی ما یک مسأله دیوانعالی کشورداریم، درست‌است که درماهیت واردنمی‌شود، ولی یک وقت مانع آن کار نشود بعضی اوقات اعاده دادرسی داریم...

**رئیس**— اعاده دادرسی اگربرطبق موازین فقهی درست باشد، عیبی ندارد. خوب آقای خامنه‌ای بفرمائید به عنوان مخالف صحبت کنید، البته مختصر و مفید.

**خامنه‌ای** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در طلیعهٔ اصل یک غلط بسیار بزرگ است که نویسندگان این را نمیدانم چه فکری پیش خودشان کرده‌اند چون وقتی که این کلمه را می‌گذاشتند من نبودم. من می‌خواستم سؤال کنم ولی حالا که مخالفم نمیتوانم سوال کنم بلکه باید اعتراض کنم که «صدور حکم یک درجه‌ای است» چه‌معنی دارد چون «صدور حکم یک درجه‌ای است» یعنی حکم یکبار صادرمیشود و این جمله منظوری را که ما داشتیم و در قانون هست و در قوانین کشورهای دیگر هم هست نمی‌رساند... (صدوقی— اسلام را میگوید.) نه منظور این نیست. (موسوی تبریزی — منظور از نظر اسلام است.)

**خامنه‌ای** — (درخطاب به‌موسوی‌تبریزی) آقا من که به‌اندازه شما میفهم عجیب است، اجازه بفرمائید آقا. (صدوقی — مجتهد جامع‌الشرایط...) اجازه بفرمائید آقای صدوقی روزهای آخر است همه کم حوصله‌اند و من هم کسالت دارم میخواهم بحث به مشاجره نکشد. دو کلمه بگوئیم و برویم. من آن‌را که فرمودید می‌دانم «صدورحکم یک‌درجه‌ای است» اصلش بود «رسیدگی یک درجه است» آنکه شما می‌فرمائید مسأله، رسیدگی است یعنی مجموعاً از وقتیکه دادگاه مشغول میشود به‌پرونده و مراحل مختلف تا صدور رأی وفراغت، این‌دوره رسیدگی نامیده میشود و یک درجه‌ای است یعنی پرونده یکبار مطرح میشود.

**هاشمی‌نژاد** — اتفاقاً این نیست.

**رئیس** — اجازه بفرمائید صحبت کنند، چون موافق جواب خواهد داد.

**خامنه‌ای** — اگر من و جنابعالی یکدیگر را نمی‌شناختیم مطلب قابل درک بود ولی‌شما که میدانید آن مقداری که می‌خواهید توضیح بدهید من می‌دانم. صدور حکم یک درجه‌ای است، منافات ندارد با اینکه رسیدگی چند درجه‌ای باشد، شما که این را نمی‌خواهید بگوئیدمن منظور شما را میدانم و میگویم که جمله مفید منظور شما نیست، از این بگذریم، رسیدگی در هر دادگاهی یک درجه‌ای است، یعنی فقط یک دادگاه رسیدگی میکند و به فرمایش ایشان‌حکم دادگاه قطعی است و به‌محکمه دیگرنباید برود و اما ملاک شرعی که ما داریم، ملاکی که ما داریم و مقبول بنده هم هست، این استثنائی که فرمودید در فقه هم هست، به معنای این‌است که قاضی مجتهد کامل است و مجتهد بعد از آنکه ما به‌تسلط وی و به موضوع حکم اعتماد کردیم صحیح نیست که حکمش را به دست محکمه‌ای دیگر بدهیم که آن‌را نقض کند، اینهم صورتهای مختلفی دارد، آنجائیست که قاضی باشد نه قاضی‌تحکیم، قاضی منصوب باشد و نصبش هم به لحاظ علم و جامعیتش است و نقض حکمش هم غیر از اینکه شرعاً مخالف ادله است، اصلاً، عقلا هم لغو است و قاضی است وحکمی روی موازین داده است، اما یکی درهمین‌مصداق

کوچک ما بحث میکنیم شما این را برای یک دادگستری که چهار هزار نفر مجتهد داشته باشد که نمی‌دهید، مجتهدینی هستند که در حدود مقررات اظهارنظر می‌توانند بکنند و به آن تسلط عمیقی که مجتهد مورد نظر شما در فقه دارد، نخواهند رسید ، پس آن خطائی که شما شق دومش را در نظر گرفته‌اید و استثناء کرده‌اید منکر نیستید که مواردی خواهد بود که قاضی اشتباه بکند، در فقه غیر از اینکه در نامه‌ای از امام به شریح هست که فرمود احکامت رابه‌من عرضه کن، قبل از اجرا به من عرضه کن، یعنی احکام تو را نظر نهائی من قطعی خواهد کرد. یعنی حکم تو قطعی نیست، غیر از این ما در فقه داریم که (یعنی در عروه هست) از حکم قاضی شکایت شد به لحاظ‌عیب و علتی‌یا به لحاظ شخص قاضی، یعنی صلاحیت شخصی به‌لحاظ تقوا و غیره ، قابل رسیدگی هست، اینجا هم ما درنظر گرفتیم جز در مواردی، یعنی استثناء کردیم. پس این به آن صورت قطعی نبود.

**هاشمی‌نژاد** — در اسلام اصل چیست آقای خامنه‌ای؟

**خامنه‌ای** — اصل این است که اگر مجتهدی باشد جامع‌الشرایط، حکم او بدون ایراد و بدون استیناف باشد قطعی است و این حرفی‌نیست که شمابخواهید حالاوضع کنید، درداد‌گاهها هم اگر متضرر از حکم یعنی آنکه محکوم شده (محکوم‌علیه)شکایت‌استینافی نکند یکدرجه‌ای و قطعی میشود، ده روز مهلت دارد، پس قبول کردید که در صورت اعتراض یک مواردی‌هست، اعتراض با توجه به‌آن مطلب اولی که بنده عرض کردم، یعنی در خارج، قاضی، آن قاضی مورد نظر شما نیست و شما نمی‌توانید همینطور احکام را یکدرجه‌ای بکنید و دست قضاتی بدهید که خودتان میگوئید تسلط کامل ندارند، البته ازجهت اخلاقی وغیره، ایرادی نداریم،صلاحیتهای اخلاقی و شخصی هست، اما اگر شخصی پیدا شد و گفت حکم ایشان برخلاف شرع نبوده، شما اینجا یکی از دو کار را باید بکنید، یا استیناف قائل بشوید که همان دو درجه‌ای میشود یا قائل به استیناف نشوید که در این صورت خلاف شرع عمل کرده‌اید برای اینکه فقه هم اجازه میدهد . پس ما اساساً چیزی به عنوان اینکه یکدرجه‌ای باشد، ولو اینکه اعتراض هم بشود، نداریم و اینکه اعتراض نشود و یک درجه‌ای باشدالان هم‌هست برای اینکه استیناف و تمیز در صورتی‌است که متضرر از حکم اعتراض بکند، پس این اصل چیزی را به دست‌نمیدهد جز اینکه یک اصلی است که جزو قانون اساسی نباید باشد، آنهم به این استحکام بعد یک نظامی را که هنوز سامان نگرفته شما یکدفعه یکدرجه‌ای بکنید و قاضی یکدرجه‌ای، یعنی‌حکمی که داد قطعی است ولو اشتباه کرده باشد. قاضی را در دادگاه انتظامی تعقیب میکنند ولی‌حکم را عوض نمیکنند چون حکم قطعی دیگر قابل تعویض نیست. (موسوی‌تبریزی— صدورحکم...) (رئیس — اجازه بدهید صحبت بکنند.) حالا می‌آیند جواب میدهند. خلاصه کلام آنرا که‌شما فرمودید اولا خودش ناقض خودش است، یکدرجه‌ای بودن عملادر خارج،با توجه به واقع‌بینی که باید داشته باشیم، در دادگستری ایجاد اشکال‌خواهد کرد، یکدرجه‌ای در صورتی‌است که اعتراض نشود، این در فقه هست، لزومی ندارد بگوئیم و اگر اعتراض بشود به هر حال‌خواهد بود و این دردی را دوا نمی‌کند جز اینکه گره بزند.

**یزدی** — استثناء هم گذاشته‌اید.

**خامنه‌ای** — استثنائی که شما گذاشته‌اید یکدرجه‌ای را خراب کرده من از بیان خودتان استفاده میکنم.

**رئیس** — آقای خامنه‌ای اگر کسی از شما سؤال میکند جواب ندهید. آقای یزدی موافق جواب میدهد، شما جواب ندهید.

**خامنه‌ای** — اجازه بفرمائید قانون اساسی شما صد و شصت اصل بیشتر نیست یک‌چیزی بگوئید که مفید فایده‌ای باشد. بنده نمیگویم که یکدرجه‌ای بالکل نباشد با توجه به اینکه ذیلش ناقض صدر است، ومهم نیست که درقانون اساسی باشد بنده مخالفم که در قانون‌اساسی باشد و اینرا بگذارید که بعداً در قانون مربوطه بحث کنند.

**رئیس** — بسیار خوب، آقای مکارم بفرمائید به عنوان اولین موافق صحبت کنید.

**مکارم شیرازی** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بنده تعجب کردم از بحثی که برادرمان آقای خامنه‌ای در زمینه این مسأله فرمودند برای اینکه سیستم قضائی اسلام تفاوت روشنی با سیستم قضائی غربی دارد. در سیستم قضائی غربی احکام، چند درجه‌ای هست همین اندازه که در دادگاه‌صالحی حکم‌شد، تنهابا تقاضای یکی‌از متداعیین ممکن است دوباره در محکمه دیگری مورد بررسی قرار بگیرد ولی در اسلام چنین نیست ، اگر در یک محکمه صالح حکم صادر شد دیگر مورد بررسی مجدد قرار نمی‌گیرد ، ولی اسلام در اینجا محکم‌کاری کرده از کمیت دادگاهها کم کرده و بر کیفیت افزوده یعنی شرایط قاضی را در سرحدبالا گرفته و آن شرایطی که اسلام برای قاضی قائل شده، سبب میشود که حکم یک مرحله‌ای استحکام احکام چند مرحله‌ای را داشته باشد و عیوبش را نداشته باشد ما در همین مملکت خودمان که سیستم قضائی آن سابقاً اقتباس از سیستم قضائی غرب شده بود، گرفتار همین مشکلات بودیم اشخاصی برای یک دعوای مختصر سالها در دادگستری سرگردان بودند، هم بودجه مملکت مصرف‌میشد، هم اشخاص به حقشان نمی‌رسیدند، هم گاهی بیش از آنچه از نظر مالی مورد دعوی بود،باید خرج وکیل و آمد و شد بکنند، چه‌بهتراینکه ما برگردیم به‌آن سیستم قضائی اسلام، که هم مملکت را از بلاتکلیفی نجات میدهد و هزاران پرونده در دادگستری متمرکز نمیشود و هم با افزایش کیفیت دادگاه از نظر کمیت صرفه‌جوئی میشود و اصول اسلامی هم رعایت میگردد. و اما اینکه ایشان فرمودند که من میدانم که ملاک این حکم در اسلام این است که اگر قاضی جامع‌الشرایطی حکم بکند نمیشود حکمش را نقض کرد اما این‌قضاتی که ما داریم ولو از نظر اخلاقی صالح هستند ولی از نظر اجتهاد و مراحل عملی اسلامی صلاحیت ندارند، اگر اینطور است پس برادر بفرمائید اینها احکامش باطل است، اگر نرسد به حد نصاب لازم‌قضا حکم باطل است، اگر به آن حد نصاب گرچه قاضی مجتهد عادل و یا مأذون از طرف مجتهدباشد بنابرآن فتوائی که اجازه میدهند غیر مجتهد مسأله‌دان هم متصدی قضا بشود بالاخره به حد نصاب لازم قضا در اسلام این دادگاههای ما رسیده یا نرسیده اگر نرسد احکام نامشروع وباطل است اگر برسد حکم قاطع و تقاضای تجدیدنظر ممکن نیست منتها عرض کردم این عیبی نیست برای احکام قضائی اسلام چون آقایان میدانند آنقدر شرایط و محکم‌کاری درباره قاضی شده است که جبران میکند کمبود کیفیت را از نظر افزایش کیفیت بنابراین وقتی ما قبول کنیم دادگاههای ما برای آینده جامع شرایط اسلامی هست احکام آنها قطعی خواهد بود و تقاضای استیناف نمیشود داد، بلی اگر فسادی...

**صدوقی**— جناب آقای مکارم اگرقاضی نباشد و حکم مرحله‌ای باشد در دومی هم همین اشکال درش هست سومیش هم همین اشکال را دارد و اگر مرحله اولی تمام نیست

استینافش هم تمام نیست و این اشکال در همه‌جا هست.

**مکارم شیرازی** — ولی اگر فسادی در حکم پیدا بشود و قاضی جامع‌الشرایط نبوده باشد اگر مدارک قطعی بر ضد او پیدا بشود خوب این مطلب را هم در فقه ما گفته‌اند که احکام قاضی را در بعضی شرایط میشود ابطال کرد اما نه مثل سیستم سابق غربی که تقاضای استیناف بکنند کافی باشد برای تجدید حکم در اسلام تقاضای استیناف به تنهائی کافی نیست بلکه یک مدارک قطعی بر نقض باید باشد و این امر هم که در این حالت استثناء پیش‌بینی شده دیگر چه جای غصه‌ای است چون تصریح شده است جز در مواردی که قانون بر طبق موازین فقهی تجدیدنظر را تجویز می‌نماید و اینکه برادرمان آقای غفوری گفتند که این سبب میشود که دست و بال بسته شود با این استثناء ابداً دست و بال بسته نمیشود چون ما در قوانین آینده با موازین فقهی استثناءهایش را کنارش می‌نویسیم و این جزء خیلی کلی هست و دست و بال را کاملا باز گذاشته است و یک جمله دیگر هم فرمودند و آخرین جمله است که بنده عرض میکنم درباره شریح قاضی و امثال او که علی علیه‌السلام میفرمود وقتی میخواهی قضاوت کنی قبل از آنکه احکام را صادر کنی بیا به من بگو که معنای آن چند مرحله‌ای بودن است در حالیکه مرحوم صاحب جواهر همین مسأله را متعرض میشود و می‌فرماید این دلیل بر این است که اشخاصی بودند که از نظر شرایط صلاحیت قضا نداشتند برای اینکه قضا و قضاوتش درست نبود امام می‌فرمود مدارک را بیاورید من قضاوت کنم بنابراین آن دادگاهی بوده است که قاضی آن صالح نبوده است نه اینکه صالح بوده است و امام می‌فرموده است تو قضاوت که میکنی یک بار دیگر من باید در آن تجدید نظر کنم و دو مرحله‌ای و دو درجه‌ای بشود، واین را هم در فقه ما متعرض آن شده‌اند، و نیز این جمله را هم فرمودند که باید به جای آن رسیدگی گذاشته شود در حالیکه رسیدگی ممکن است چندین بار بشود.

اما وقتی قاضی از نظر فقه اسلام (حکمت و قضیت) گفت دیگر قابل تجدید نظر نیست مگر درصورتهای استثنائی خاص، بنابراین رسیدگی تعدد مراحلش مانعی ندارد اما حکم که صادر شد دیگر قابل استیناف نیست مگر در آن مواردی که در فقه استثناء شده است. (صدوقی بسیار متین بود.)

**پرورش** — آقای مکارم اگر در داستان شریح که میفرمائید قاضی ناصالح بود چگونه امام او را منصوب میکرد؟

**مکارم شیرازی** — قضاتی بوده‌اند که قبلا منصوب شده بودند و نمیشد تغییرشان داد و تنها علاج این بوده است که باشند و اما قضاوت قطعی نکنند.

**خامنه‌ای**— یا اینکه لزوم دارد که جایش اینجا هست و یا اینکه اگر اینجا نباشد صدمه‌ای به جائی نمی‌خورد.

**مکارم شیرازی** — عرض کنم سازمان قضائی ما باید تغییر پیدا کند و فکر میکنم جایش در قانون اساسی هست برای اینکه واقعاً تا به حال سازمان قضائی ما براساس چند مرحله‌ای بوده و یک مرحله‌ای بودن اصلا سازمان قضائی را دگرگون میکند و آنچه دگرگون کنندهٔ قانون اساسی باشد مسلماً بهتر است.

**رئیس** — آقای موسوی تبریزی شما موافقید یا مخالف . (موسوی تبریزی— بنده موافقم.) آقای جوادی شما.

**جوادی** — من می‌خواستم مطلبی را که ممکن بوده آقای مکارم یادشان برود عرض کنم ولی چون فرمودند دیگرعرضی ندارم فقط باید بنویسیم «صدورحکم یکدرجه‌ای وغیرقابل نقض است جز در موارد...» چون در فقه دو مطلب است یکی اینکه تعددد درجه برنمی‌دارد یکی اینکه قابل نقض نیست این دو مطلب در یک‌جا نباید بیاید صدور کلمه یکدرجه‌ای و غیرقابل نقض است جز در مواردی که قانون طبق موازین فقهی آنجائی که حاکم معزول میرود و قاضی جدید میآید حق تجدید نظر از فقه اسلامی برای او هست.

**رئیس** — این عبارت غیرقابل نقض را اگر آقایان موافق هستند که اضافه کنیم و با دست‌رأی بگیریم (هاشمی‌نژاد — احتیاج به‌رأی‌بادست ندارد، این‌موازین‌فقهی است) معنایش این است و این یک توضیح است. (صدوقی— این توضیح عیبی ندارد.) اجازه بفرمائید، آقای غفوری بفرمائید.

**دکتر غفوری** — حضرت علی علیه‌السلام در شرایط قاضی نوشته است که قاضی ابانادارد «من الخیر الی‌الحق اذاعرفه» معلوم نبود خود قاضی هم اگر دلایل جدیدی به دست آورد خودش حکم را می‌تواند عوض کند و تجدید نظر کندصحبت‌سر این است‌به گفته حضرت علی که یک بیگناه چنانچه به مجازات برسد این خیلی بیشتر از آن بدی دارد که هزار نفر گناهکار بخشوده شوند.

**رئیس**— اگر بنا باشد اساس قضائی هم سست باشد و حکم، فصل خصومت نکند این بدتر است اگر بنویسیم طبق موازین فقهی شامل همه چیز میشود من برای رأی‌گیری میخوانم.

**یزدی** — این جمله غیر قابل نقض را هم بیاورید.

**حجتی کرمانی** — قاضی باید مجتهد باشد حالا در وضع فعلی اجبار پیدا کردیم که نود درصد قاضی‌هایمان غیر مجتهد باشند آن وقت چه میشود؟

**رئیس** — ما داریم قانون اساسی اسلامی را می‌نویسیم.

**حجتی کرمانی** — ماالان قاضی مجتهد که تمام مملکت را بپوشاند نداریم و عملاپنجاه، شصت‌درصد قاضی غیرمجتهد داریم که باید معزول بشوند.

**رئیس** — این شرایط قضات را در جای دیگر نوشته‌ایم ربطی به این اصل ندارد اگر همین قضات هم ازطرف مجتهد جامع‌الشرایط اجازه داشته‌باشند همانها هم قاضی اسلامی‌میشوند و باز حکم او یک درجه‌ای است.

**هاشمی‌نژاد** — ایشان می‌فرمایند ما قاضی یکدرجه‌ای نداریم دو درجه‌ای داریم.

**رئیس** — اصل را برای گرفتن رأی میخوانم.

**فوزی** — آن مسأله‌ای که فرمودید مورد انکار نیست که قاضی مأذون از طرف مجتهد باشد بتواند حکم بدهد قدر مسلم این است که خودش باید فقیه باشد.

**رئیس** — ما در این اصل شرایط قاضی را که بحث‌نکردیم ما داریم‌در مورد یکدرجه‌ای بودن حکم بحث میکنیم و ما راجع به‌حکم شرعی داریم صحبت میکنیم ما داریم مطابق موازین اسلام قانون می‌نویسیم اصل خوانده میشود.

**ربانی املشی** — بعضی از آقایان شبهه دارند و می‌خواهند رأی مخالف بدهند به خاطر اینکه شاید این اصل شامل قضاوتهای فعلی کشور یعنی قضاوتهائی را شامل حکومت اسلامی نیست میگویم اگر این جلسه را بنویسیم به قضاوتهای واجد شرایط اسلامی بعد بنویسیم

«... صدور حکم یکدرجه‌ای...»

**رئیس** – ما در اصل ٤ راجع به این مطلب نوشته‌ایم اجازه می‌فرمائید.

**موسوی تبریزی** – اگر سیستم مملکتی ما در آینده سیستم قضائی اسلامی است این همان حکم اسلامی است که مقررات آن در کتب قضا آمده است تمام احکام شرع یکدرجه‌ای است و صدورش هم یک درجه‌ای است مگرآنجا که «اذا علم خطاءالقاضی یا خطاءالشهود» اینجا است که دو درجه‌ای میشود.

**رئیس** – مطابق اصل چهارم که ما گذرانده‌ایم تمام‌مقررات و قوانین جزائی‌مدنی هرچه هست باید مطابق موازین اسلام باشد یعنی اگر مخالف اسلام است باطل است و ارزش ندارد بحث ما در چهارچوب اسلام است.

**ربانی املشی** – صدور احکام اسلامی یکدرجه‌ای که مانعی ندارد.

**یزدی** – این مانع دارد یعنی زشت است که در قانون اساسی توضیح واضحات داده‌بشود هر کسی این را بخواند به ما میخندد.

**رئیس** – اصل را میخوانم:

«صدور حکم یکدرجه‌ای و غیر قابل نقض است جز در مواردی که قانون طبق موازین تجدید نظر را تجویز نماید.»

لطفاً رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

**رئیس** – عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی پنجاه و سه نفر ، تعداد کل آراء پنجاه و پنج رأی، دو رأی به‌قید قرعه خارج شد، موافق چهل و چهار نفر، مخالف چهار نفر، ممتنع پنج نفر، رد شد.

## ۳ – طرح اصل ۸٤

**رئیس** – اگر آقایان اجازه بفرمائید قبل از اینکه ما بقیه دستور را اجرا کنیم این اصل را که جلوتر تصویب کرده‌ایم اصل پنجم با آن اصل هشتاد و چهار، یک هماهنگی لازم دارد این این را مطمئن هستم که آقایان موافقت خواهند کرد چون این دو اصل تصویب شده فقط می‌خواهیم هماهنگ کنیم. هرکدام از آقایان این اصل را دارند ملاحظه می‌فرمائید.

«اصل ۸٤ – هرگاه یکی ازفقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله‌العظمی امام خمینی چنین شده است این رهبر ولایت امر و هم مسئولیتهای ناشی از آنان را برعهده دارد.»

از این به بعد را دقت بفرمائید می‌آئیم سر اصل پنجم و این یک اصلاح عبارتی است، میخواهم اصل پنجم را با این که خواندم هماهنگ کنیم «در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانیکه صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت میکنند هرگاه‌یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند ولو اکثریت نداشته باشند ولی خبرگان او را برجسته تشخیص دادند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند و اگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی میکنند»

پس مفاد این اصل این است که اگر یکی از مراجع خودش اکثریت طبیعی دارد احتیاج به خبرگان نیست و اگر اکثریت طبیعی نباشد مجلس خبرگان تشکیل میشود اگر بین افرادیکی را دیدند برجستگی خاص دارد آن یکنفر را انتخاب میکنند اینجا خبرگان را آزاد گذاشته و اگر دیدند که همه هم سطح هستند یک شورائی تشکیل میدهند . این مفاد اصل ۸٤ است ، حالا اصل پنجم را بررسی می کنیم «در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه د جمهوری اسلامی ایران ولایت‌امر وامامت‌است برعهده فقیه‌عادل و با تقوا، آگاه به زمان،شجاع ، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند...» «درصورتیکه یک فرد چنین اکثریتی نداشته باشد شورائی مرکب از فقهای واجد شرایط بالا عهده‌دار آن میگردند» این معنایش این است که اگر کسی اکثریت قطعی ندارد باید با نظر شورا باشد،این با آن‌اصل‌نمی‌خواند برای اینکه آن اصل می‌گفت اگر کسی اکثریت‌طبیعی نداشت خبرگان‌اگر دیدند یکی برجسته است او را انتخاب می کنند اگر برجستگی نیافتند شورا تشکیل میدهند. برای اینکه این دواصل با هم هماهنگ باشند همین‌اصل پنج تا اینجا...و درصورتیکه...گیری ندارد از این به بعد اگر عبارت را اینطور بنویسیم هماهنگی پیدا میکند «و اگر چنین اکثریتی حاصل نگردید مجلس خبرگان مطابق قانون تشکیل میشود و فرد برجسته و یا شورائی ازفقهای واجد شرایط فوق را به ولایت امر انتخاب مینماید».

**رشیدیان** — بنویسید اگر اینطور نشد و چنان اکثریتی به دست نیاورد طبق اصل هشتاد و چهار عمل خواهد شد.

**دکتر آیت** — پیشنهاد آقای رشیدیان خوب است.

**رئیس**— ودرصورتیکه چنین اکثریتی حاصل‌نگردید مجلس‌خبرگان مطابق قانون تشکیل میشود و فرد برجسته و یا شورائی از فقهای واجد شرایط فوق به‌ولایت‌امر انتخاب می‌نمایند.

**سبحانی** — ما گفتیم اول فرد برجسته، اگر برجسته نبود تکلیف را شوری معین میکند یا مطابق اصل هشتاد و چهار عمل خواهد شد.

**رئیس** — و درصورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریت نباشد مطابق اصل هشتاد و چهار عمل میشود. (دکترآیت — این خوب است. ) دیگر رأی گرفتن‌نمی‌خواهداین دو اصل هردوتصویب شده حالا آنرا هماهنگ کرده‌ایم. (چند تن از نمایندگان — بایدبرای‌اضافه کردن یا کم کردن کلمه یا جمله‌ای به اصل ، رأی بگیرید.) در این اصل تغییری داده نشده است و اصل آن تصویب شده است.

**موسوی تبریزی** — هر تغییری در اصل احتیاج به رأی دارد.

**رئیس** — مثلا درکمیسیون مشترک اگر یک «و» یا «،» اضافه می کنیم باید دوباره بیاوریم اینجا بخوانیم و رأی بگیریم؟

**اشراقی** — این تلفیق دو اصل است باید رأی گرفته شود.

**کریمی** — باید رأی بگیرید چون کم و زیاد میشود رأی میخواهد.

**رئیس** — احتیاج به رأی ندارد این دو اصل تصویب شده است فقط ما آن دو را با هم هماهنگ کردیم مطلب تازه‌ای ندارد.

**یزدی** — اینطور بنویسیم: درصورتیکه هیچ فقیهی چنین اکثریتی نداشته باشد طبق‌اصل هشتاد و چهار یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا تعیین و عهده‌دار آن

میگردند یک کلمه (تعیین) باید به این جمله اضافه بشود تا درست بشود.

**رئیس** — فقط می‌نویسیم مطابق اصل هشتاد و چهار عمل خواهد شد احتیاج به کلمه (تعیین) ندارد.

## ٤ — طرح اصل ۸۷/۲

**رئیس** — اصل ۸۷/۲ را برای رأی می‌خوانیم:

«اصل ۸۷/۲ — رهبر یا اعضای شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدی امر باید مقیم و ساکن ایران باشند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته باشند.»

آقای مؤید شهزادی بفرمائید.

**رستم شهزادی** — آیادر کشور مسیحیان اجازه می‌دهند به‌پاپ ساکن‌ایتالیا دخالت در امور کشورهای دیگر بکند چون خارجی است اجازه دخالت نمی‌دهند حالا چرا بیائیم یک‌رهبر خارجی را در امور سیاست مملکت دخالت بدهیم؟

**رئیس** — اولا در مذهب مسیح دین از سیاست جدا است و ثانیاً پاپ در همه کشورهای مسیحی دخالت میکند، به دلیل انسانی نماینده فرستاده خدمت امام برای امریکا وساطت بکند این بهترین دلیل است که در امور همه دنیا دخالت میکنند من اصل را برای رأی میخوانم «رهبر یا اعضای...»

**مکارم شیرازی** — اگر تصویب بشود اسباب بهانه افراد میشود یا تصویب نشود، یا به صورت صحیحی باشد ما در مورد نخست‌وزیر شرایطی ننوشتیم اما اگر این اصل تصویب بشود بهانه قرار می‌گیرد در دست افراد مغرض و می‌گویند اینها مقیم بودن، ساکن بودن در ایران را شرط کرده‌اند اما تبعه ایران و ایرانی بودن را شرط نکرده‌اند بنابراین یک نفر خارجی ممکن است ساکن ایران بشود و فرمانده کل قوا هم بشود (دکتر آیت — ما گفتیم اسلامی باشد) (عده‌ای از نمایندگان — باید پیرو مکتب اسلام باشد.)

**رئیس** — معلوم میشود عده به آن اندازه نیست که این اصل رأی بیاورد وقت را تضییع نمی‌کنیم . فردا و پس فردا تا ظهر وقت داریم مقدمه‌ای برای قانون اساسی تنظیم شده است امشب آنرا به دقت بررسی کنید چون باید فردا در کمیسیون حک و اصلاح و بررسی بشود از این جهت آقایان نظرات خودشان را یادداشت بفرمایند و همینطور اصول قانون اساسی که تصویب شده است فردا هم صبح ،هم عصر درکمیسیون مشترک مورد بررسی قرار می‌گیرد. روز پنجشنبه از ساعت نه تا دوازده برای تصویب و امضای تمام قانون اساسی است آقایانی که درکمیسیون فردا تشریف ندارند پس فردا حق ندارند بگویند ما غایب بودیم واظهارنظر بکند هرکسی راجع به الفاظ میخواهد اظهارنظر بکند باید فردا حتماً در کمیسیون حاضر شود زیرا اصلاحات لفظی به عمل خواهد آمد، هرکس میخواهد اظهارنظر کند در کمیسیون فردا شرکت بکند و روز پنجشنبه ظهر، انشاءالله کار ما تمام است.

## ٥ — پایان جلسه

رئیس — جلسه را تعطیل میکنیم و جلسه علنی روز پنجشنبه ساعت نه خواهد بود.

(جلسه ساعت هفده پایان یافت)

رئیس‌مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — **حسینعلی منتظری**

جلسهٔ شصت و هفتم

# صورت مشروح مذاکرات
# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
# جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۹/۲۵ دقیقه روز ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی برابر با بیست و چهارم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

## فهرست مطالب:


۱ — بیانات رئیس پیرامون پایان کار مجلس بررسی نهائی قانون‌اساسی .
۲ — بیانات نایب رئیس. . . . . .
۳ — قرائت اصول مصوب قانون اساسی و امضاء آن به‌وسیله نمایندگان .
۴ — پایان جلسه . . . . . .


آقایان: دکتر حسن حبیبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی و سخنگوی شورای انقلاب — محمد یوسف طاهری قزوینی وزیر راه و ترابری — دکتراسلامی وزیر پست‌وتلگراف و تلفن — حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سرپرست وزارت کشور — محمدعلی رجائی وزیر آموزش و پرورش — علی‌اکبر معین‌فر وزیر نفت — ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی — دکتر کاظم یزدی معاون وزارت بهداری — دکتر ابراهیم یزدی — قطب‌زاده — قدوسی — سیدعلی خامنه‌ای صدر حاج‌سیدجوادی — مهدوی کنی و سفرای کشورهای اسلامی و خبرنگاران داخلی و خارجی و تماشاچیان در جلسه حضورداشتند.

## ۱ — بیانات رئیس پیرامون پایان کار مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

**رئیس** — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید ومنافع للناس. ملت مبارز ایران، برادران و خواهران گرامی بالاخره مجلس بررسی قانون اساسی کار خودش را به پایان رساند و این وظیفهٔ خطیری که ملت ایران و رهبر بزرگ و علمای اعلام و مراجع عظام به‌عهدهٔ نمایندگان گذاشته بودند و وظیفه‌ای بود خدائی والهی انجام دادند قانون اساسی در دوازده فصل مشتمل بر یکصدوهفتادوپنج اصل تنظیم شد ودراختیارشما ملت قرارگرفته است با یک مقدمه و یک خاتمه‌ای که مشتمل بر چند آیه و حدیث به عنوان نمونه از پایه‌های قانون اساسی. البته مشکلاتی که نمایندگان دراین مدت داشتند یکی این بود که اظهارنظرهای زیادی از همهٔ قشرهای ملت ایران رسیده بود و آقایان نمایندگان خودشان را موظف می‌دیدند که آنها را بررسی کنند وانگهی برای اینکه قانون محکم باشد از اول در آئین‌نامه قید شد که به‌هراصلی اقلا بایستی دوسوم مجموع نمایندگان رأی بدهند نه دوسوم عده حاضر در جلسه، دو سوم مجموع نمایندگان و قهراً برای خیلی از نمایندگان مشکلاتی پیدا میشد از باب اینکه از شهرهای خیلی دور بودند و وظیفه‌های سنگین دیگری بر دوش داشتند، گاهی میشد بعضی‌ها نمی‌توانستند شرکت کنند آن وقت در حقیقت تصویب هر اصلی محتاج بود به‌اکثریت قریب به اتفاق حاضرین و آن را هم همهٔ خواهران و برادران توجه دارند که بالاخره هرکس فکری دارد فکرها مختلف است توافق اقل هفتاد و دو نفر، چهل و هشت نفر بود توافق چهل‌و هشت فکر و مغز در یک عبارت و جمله قهراً وقت میگیرد و حتی بعضی از اصلهاچهل و هفت رأی آورد و رد شد بنابراین، این متنی که از قانون اساسی در اختیار شما گذاشته شده است با حداقل چهل و هشت رأی بوده است و خیلی از اصول به اتفاق آراء یا اکثریت قریب‌به‌اتفاق بوده است و شاید فقط دو سه اصل با چهل و هشت رأی تصویب شده باشد و قهراً خانم و آقایان نمایندگانی که آنرا امضاء میکنند به این معنی امضاء میکنند که اصول این قانون اساسی را اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان تصویب کرده‌اند ضمناً از همهٔ برادران و خواهرانی که در این مدت زحمت کشیدند و نظریات خودشان را دربارهٔ اصول این قانون اساسی برای مجلس بررسی قانون اساسی فرستادند و همینطور از کارمندان و خدمه و اشخاصی که در اینجا در این مدت واقعاً زحمت کشیدند برای اینکه این نمایندگان هرکدام از شهرهای دوری به اینجا آمده بودند و قهراً مراجعین زیادی داشتند و اینجا رفت و آمد زیاد بود وکارمندان وکارگران و پاسدارانی که اینجا خدمت می‌کردند متحمل زحمتهای زیادی می‌شدند، بعضی شبها مجبور می‌شدند تا صبح بیدار بمانند مثل دیشب که برای تهیه این متن که الان در اختیار همه قرار گرفته است تا صبح کار میکردند ما از همه آنها تشکر می‌کنیم و از شورای انقلاب و وزراء

محترم و سفراء کشورهای برادران مسلمانمان که به جلسه تشریف آورده‌اند از همه‌شان تشکر می‌کنیم و به آنها خیر مقدم می‌گوئیم که جلسه ما را مزین فرمودند امیدواریم که قانون‌اساسی بالاخره مورد توجه ملت باشد و انتظارمان این است که خود ملت الحمدلله با سوادند به شایعه و حرفها خیلی گوش نکنند در درجه اول خودشان متن قانون اساسی را مطالعه بکنند همیشه مدرکشان «آقای می‌گویند» نباشد که مثلا می‌گویند قانون اساسی چه جوری است و چه جوری! خودشان مطالعه بکنند البته ممکن است آقایان نمایندگان با بعضی جملاتی که در بعضی از اصول هست مخالفتی داشته باشند اما آن نظر شخص خودشان است و این را توجه دارید که مطلبی که بنا است با شور تصویب بشود در همهٔ دنیا هیچوقت اتفاق آراء حاصل نمیشود قهراً دو سوم مجموع نمایندگان بالاترین ملاک بوده است که ما قرار داده‌ایم برادران و خواهران ما در هرجا هستند و صدای مرا می‌شنوند این قانون اساسی را با دقت مطالعه کنند وانشاءالله امیدواریم که هرچه زودتر شورای انقلاب و وزارت کشور وسایل رفراندوم یا همه‌پرسی را فراهم کنند تا هرچه زودتر کشور ما وضع مستقری پیدا کند برای اینکه‌دشمنان خارجی‌وایادی آنها درداخل سعی دارند که این انقلاب پرشکوه ما را درآن توطئه کنندبنابراین هرچه زودتر باید وضع کشور ما استقرار پیدا کند و از همهٔ برادران و خواهران می‌خواهیم وتقاضا میکنم که همینطور که در همه پرسی راجع به جمهوری اسلامی تمام قشرها بدون انتظار مزد، خودشان فعالیت میکردند من اشخاصی را می‌دیدم که وضع مادیشان هم هیچ خوب نبود پول قرض می‌کردند و بنزین می‌خرید برای ماشینش و می‌رفتند در دهات و کمک می‌کردند به وزارت کشور برای آن رفراندوم برای اینکه نیروی وزارت‌کشور گم بود همهٔ مردم خودشان را مسئول اینکار می‌دانستند چون انقلاب وابسته به همه است، انقلاب، انقلاب همگانی است همهٔ اقشار ملت حتی اقلیتهای دینی در این انقلاب سهیم بوده‌اند و انقلاب متعلق به خودشان است کشور متعلق به خودشان است بنابراین همه خودشان پاسدار انقلاب خواهند بود در این همه‌پرسی که راجع به قانون اساسی انشاءالله عنقریب انجام میشود، و همینطور در انتخابات بعد راجع به ریاست جمهوری و انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، همهٔ ملت باید وظیفه خودش بداند و در آن شرکت کند زیرا انقلاب اسلامی شده است تا حساب دولت و ملت از هم جدا نباشد، شما ملت خودتان در حقیقت دولت هستید، خودتان‌باید رئیس جمهور انتخاب کنید، خودتان بایستی مجلس شورای ملی را تشکیل بدهید و نمایندگان آن‌را انتخاب کنید، نمایندگانی که مورد نظرتان هستند، واجد شرایطاند، مسلمانند، متعهدند، به کشور علاقه‌دارند و می‌خواهند به برادران و خواهرانشان و به اسلام و مسلمین خدمت کنند. تمام‌این کوششها که شده است برای این بوده که تضاد بین دولت و ملت که در زمان طاغوت بوده، برطرف شود والحمدلله دارد برطرف میشود، ولو بعضی از عناصر می‌خواهند تخریب کنند و هر وقت به مناسبتی مسائل مختلفی را عنوان می‌کنند، گاهی اختلاف مذهبی را عنوان می‌کنند، گاهی اختلافات دیگر را و گاهی از برادران خودمان، برادران اهل سنت، که در کشور ما پاسداری واقعی کشورمان هستند، در کردستان، در بلوچستان در ترکمن‌صحرا، در جنوب، توجه‌دارید که برادران اهل سنت ، پاسداران کشور هستند و امیدواریم این پاسداری را خوب انجام بدهند و اگر چنانچه یک کسانی به عناوین مختلف می‌خواهند آنها را گول بزنند و از سایر برادرانشان جدا بکنند، توجه داشته باشند که بالاخره اسلام خواسته‌های آنها را بهتر تأمین

می‌کند تا کاخ کرملین یا کاخ سفید واشنگتن، اسلام، هزار و چهارصد سال قبل حقوق همهٔ مسلمانان را محترم شمرده است و ائمه معصومین شیعه هم در زمان خودشان به این مسأله عنایت داشتند که وحدت کلمه بین مسلمانان محفوظ باشد، و دیدید رهبر انقلاب ما هم پیامی که امسال برای حجاج فرستادند مخصوصاً به همهٔ حجاج دستور دادند که در نمازهای جماعت و جمعه و سایر اجتماعات برادران اهل سنت در مکه شرکت کنند و این را وظیفه همهٔ‌شیعیان قرار دادند و این وظیفه‌ای است که ما سعی بکنیم در اتحاد و وحدت کلمه، چون کیان کشور ما و حفظ کشور ما وابسته به حفظ اسلام است ، و اگر در این قانون اساسی که در اختیار همه گذاشته میشود، به نظر بعضی از اشخاص، اشتباهی می‌آید یادآوری بفرمایند، برای‌اینکه ما ادعا کنیم که قانون اساسی که ما تنظیم کرده‌ایم صددرصد اشتباه ندارد، چون غیر از معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین، همهٔ‌افراد بشر خطا کارند، خداوند تبارک و تعالی‌میفرماید: «ولو کان من عند غیرالله لوجدوافیه اختلافا کثیراً.» در قرآن، کتاب خدا، اشتباه و اشکالی پیدا نمیشود، ولی درنوشته‌های بشر بالاخره ممکن‌است اشتباه و اشکالی وجود داشته باشد. ما سعی خود را کرده‌ایم که در این قانون اساسی اشتباه نباشد، ولی خوب ممکن است ما خطا کرده باشیم. ما از همه مردم می‌خواهیم که این اصول مصوب را مطالعه کنند و در رفراندومی که در پیش داریم همهٔ مردم، برادران اهل تسنن، برادران شیعه،مردها، زنها وهمهٔ گروهها،مثل همه‌پرسی‌های سابق ان‌شاءالله شرکت کنند و تا هر چه زودتر کشور ما، وضع ثابت و مستقلی پیدا کند. ضمناً از گرفتاریهائی که‌در این مدت برای ارتش ما و برای پاسداران انقلاب در مرزهای کشور و در شهرها پیدا شد و بسیاری از افسران، سربازان، پاسداران شهید شدند، بایستی که مورد توجه همهٔ ما باشد. برای همهٔ آنها از خداوندطلب مغفرت می‌کنیم. شهادت امری است موروث از بزرگان ما، شهادت سبب کمال انسان است. راه رفتنی را انسان هرچه زودتر برود، زو تر سعادتمند شده است البته در صورتیکه راه مستقیم را انتخاب کرده باشد و این‌راه، راه‌خدمت به‌میهن وخدمت به‌اسلام باشد، وضمناً از مصیبتی که در اثر زلزلهٔ پریروز برای برادران و خواهران خراسانی ما پیداشده است و عده‌ای‌مصیبت‌زده و داغدار شده‌اند ، ضمن تسلیت به‌کسانیکه داغ دیده‌اند و شهید داده‌اند ، از خداوند برای شهدای آنها طلب مغفرت می‌کنیم . جلسهٔ امروز برای این تشکیل شده است که مقدمه و اصول قانون اساسی خوانده بشود و آقایان نمایندگان هم امضاء بفرمایند تا برای آینده در حقیقت یک سندی‌باشد و عرض کردم که معنی امضاء یعنی اینکه دو سوم مجموع نمایندگان رأی داده‌اند. این، یک واقعیتی است. ضمناً از اینکه یکی از نمایندگان محترم ما، مرحوم آیت‌الله طالقانی به رحمت ایزدی پیوستند خوب است که امروز یادی هم از ایشان کنیم. خداوند ان‌شاءالله درجات ایشان‌که عالی است متعالی‌کند و به بازماندگان ایشان هم اجر جزیل عنایت فرماید. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته. از آقای بهشتی می‌خواهم چنانچه فرمایشی دارند،بفرمایند.

## ۲ — بیانات نایب رئیس

**دکتر بهشتی** — مطالب را جناب آقای منتظری فرمودند، من هم ازهمهٔ همکاران‌عزیزی که در این مدت در این مجلس صمیمانه با ما همکاری کردند، از پاسداران عزیزی که همکاری صمیمانه‌ای با ما داشتند، ازکارمندان ،کارکنان، ماشین‌نویسان و مسئولان تشکر

میکنم، و این تشکر همهٔ ما از آنهاست، ضمناً در موقعیکه جناب آقای منتظری یاد می کردند از هم میهنان که از آنها دعوت میشود صمیمانه در همه‌پرسی شرکت کنند، مناسب می‌دانم که از همهٔ هم میهنان غیر مسلمان زرتشتی، مسیحی و کلیمی هم دعوت کنم که فعالانه در همه‌پرسی شرکت کنند و همچنین لازم می‌دانم از نمایندگان آنها، و از همکاری و رفاقتی که با آنها در اینجا پیدا کردیم به خوبی یاد کنم. ما در این مدت در حقیقت چهار دوست از نمایندگان شما هم میهن غیر مسلمانی که مؤمن به خدا و وحی و معاد هستید، پیدا کردیم امیدواریم تحقق جمهوری اسلامی، تحقق آرمان همهٔ آنها هم باشد. یک نکتهٔ دیگری که تکمله فرمایش جناب آقای منتظری است این است (ملت ما هم به این نکته توجه کنند) که قانون اساسی در حقیقت تعیین خطوط اصلی تحقق بخشیدن به آرمان انقلاب و جمهوری اسلامی است بقیه کار با خود ملت است، همانطوری که مکرر در طول انقلاب گفته شده‌است این انقلاب، انقلاب ملت است و حتی رهبری از ملت الهام می‌گیرد کار از شما ملت عزیز است ارائه طریق از شما ملت عزیز است مسئولیت‌ها بر شما است، آنچه از دیگران ساخته است همگامی با شما و کوشش برای هماهنگ کردن تلاشهای شما است نمایندگانی که انتخاب می کنید، نمایندگانی باشند که بتوانند قوانین تفصیلی را که میتواند راه اجرای اصول قانون اساسی را هموار بکند، به خوبی بیایند و تنظیم کنند، کارکنانی که از این پس دولت در تمام مقاطع انتخاب می کند با نظر ملت تعیین خواهد شد حتی در یک شهر و روستا بدون نظر ملت، مسئولان اجرائی نخواهیم داشت نمی‌خواهم بگویم انتخابات می کنیم نمی‌خواهم بگویم با نظرخواهی ملت تعیین خواهند شد ما برای نظام آینده بهترین نامی که میتوانیم انتخاب بکنیم همان نام‌اصیل اسلامی است نظام‌است است و اساست است واساستی که همینطور از نظر واژه و ریشه با هم یک ریشه دارند و از یک مصدر هستند در مقام عینیت هم یکی هستند و این است آرزوی بزرگ ما، باز هم من این مطلبی را که‌جناب آقای منتظری یاد کردند به سهم خودم یاد کنم از فقید است و امام‌و عالم بزرگ مجاهدمرحوم آیت‌الله‌طالقانی که جایشان دراین جلسهٔ اختتامیه بسی خالی‌است امیدوار هستم که نتایج کار مجلس و نتایج تحقق یافتن جمهوری اسلامی برای ایشان و همهٔ شهدای این انقلاب شادی‌آور باشد با طلب رحمت و مغفرت برای ایشان و همهٔ شهیدان عزیزی که این قانون اساسی میتواند یکی از نتایج ارزنده و درخشنده شهادت آنها باشد.

**رئیس** -- با اجازهٔ آقای دکتر بهشتی چون فرمایشات ایشان مستدرک بوده مستدرک المستدرک و به عنوان هیأت‌رئیسه از نمایندگان محترم مجلس بررسی قانون اساسی که در این سه ماه به خودشان زحمت هموار کردند و از شهرهای دور تشریف آوردند و همهٔ ملت هم توجه دارند که آقایان بدون حقوق و هیچگونه مزایای مادی صرف وقت می کردند با اینکه هرکدام در شهر خودشان مسئولیتها و گرفتاریها و زندگی مرتبی داشتند اینجا خودشان را در فشار و زحمت قرار دادند و این سه ماه را به صورت زندگی طلبگی به‌سر بردند ما از آنها تشکر میکنیم خدا ان‌شاءالله به حق محمد و آل محمد به همهٔ کسانی که به اسلام و کشور و ملت خدمت میکنند اجر عنایت بکند.

### ۳ ــ قرائت اصول مصوب قانون اساسی و امضاء آن به وسیله نمایندگان

**رئیس** ــ با اجازه دوستان گارمان را شروع میکنیم مقدمه و اصول قانون اساسی بدون شرح و تفسیر خوانده میشود. انشاءالله بعداً در مصاحبه های رادیو تلویزیونی برای ملت ایران بیشتر شکافته خواهد شد.

**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**
**لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم**
**الکتاب والمیزان لیقوم‌الناس بالقسط**

**مقدمه**

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی‌واقتصادی جامعهٔ ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همهٔقشرهای مردم تبلور می‌یافت‌این خواست اساسی رامشخص کرده و اکنون در طلیعهٔ این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آنرا می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آنست، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت‌که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضتها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را برعهده داشت ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد، ازاینجا وجدان بیدار ملت به‌رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیةالله‌العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این‌بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی میباشد).

**طلیعهٔ نهضت**

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکائی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم وخونبارامت اسلامی درخردادماه‌چهل‌ودوکه درحقیقت نقطهٔ آغازشکوفائی‌این‌قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علیرغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران امریکائی)

پیوند مستحکم است با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران‌متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی رادر بالا بردن سطح آگاهی و هشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حملهٔ دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همهٔ کانونهای پر خروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهائی از خشم انقلابی مردم دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطائی و زندانهای درازمدت، بهائی بود که ملت مسلمان ما به نشانهٔ عزم راسخ خود به ادامه مبارزه‌می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله‌اکبر» سرمیدادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانیه‌ها و پیامهای پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف آگاهی وعزم امت اسلامی را عمق و گسترش هرچه فزون‌تر داد.

## حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی برپایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزهٔ مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان‌ایجاد نمود و راه اصیل مبارزهٔ مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضائی‌ها و شدت خشم مردم براثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیلهٔ روحانیت ودانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیانهای حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به‌ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح بازکردن فضای سیاسی کشور شدند تا به‌گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام قیام پیروزمند و یکپارچه خودرا به طور گسترده و سراسری آغاز نمود.

## خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در هفده دی ماه پنجاه و شش از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را با به خاک و خون کشیدن، خاموش کند اما این خود خون بیشتری در رگهای انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفته‌ها و چهلم‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هرچه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمانهای کشور با اعتصاب یکپارچه خود

و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند، همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرزچشمگیری تعیین کننده بود، و مخصوصاً «زنان» به‌شکل بارزی درتمامی صحنه های این جهاد بزرگ‌حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه هائی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله های مسلسل نشان میداد بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این‌قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

## بهائی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با برجای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای استقلال، آزادی، حکومت اسلامی به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه برایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیزفداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای‌امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

بیست ویک وبیست ودو بهمن سال‌یکهزارومیصد وپنجاه وهفت روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطهٔ خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این‌پیروزی بزرگ طلیعهٔ حکومت اسلامی که خواست دیرینهٔ مردم مسلمان است نویدپیروزی نهائی‌راداد.

ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهائی و قاطع خود را برایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه های نظام طاغوتی قبلی گردد.

## شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهائی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و ازآمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت واکنون برآنست که با موازین اسلامی جامعهٔ نمونه (اسوه) خود را بنا کند برچنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی‌تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم‌میکند

به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموارکند (ان هذه امتکم امة واحده وانا ربکم فاعبدون) واستمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم).

در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است براساس تلقی مکتبی، صالحان، عهده‌دارحکومت و اداره مملکت می‌گردند (ان‌الارض یرثها عبادی‌الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان‌می‌یابد بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقهای‌عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی‌الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفائی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق‌الله) و این جز در گرومشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همهٔ افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (ونرید ان‌نمن علی‌الذین استضعفوا فی‌الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم‌الوارثین).

## ولایت فقیه عادل

براساس ولایت امر و امامت مستمر قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی راکه از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری‌الامور بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف ازوظایف اصیل‌اسلامی خود باشد.

## اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل‌اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجوئی، زیراکه در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی میشود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جزکارآئی بهتر در راه‌وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجادکار برای همه

افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است.

## زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیئی بودن) و یا (ابزار کار بودن) درخدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش‌آهنگ وخود همرزم مردان درمیدان‌های فعال حیات میباشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

## ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب درانطباق با هدف فوق شکل داده میشوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی‌جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهندبود. (واعدوالهم مااستطعتم من‌قوة ومن‌رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله وعدوکم واخرین من‌دونهم).

## قضاء در قانون اساسی

مسألهٔ قضاء در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از اینرو ایجاد سیستم قضائی برپایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم‌است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات نا سالم باشد. (واذا حکمتم بین‌الناس ان تحکموابالعدل).

## قوهٔ مجریه

قوهٔ مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی بمنظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسأله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهائی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای

ایجاد جامعه اسلامی باشد، نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرائی با کارآئی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

## وسائل ارتباط جمعی

وسائل ارتباط جمعی (رادیو — تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید برعهده همگان است ولازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی برهمگی مردم جهان باشد موفق گردد. (وکذالک جعلناکم امته وسطالتکونوا شهدا علی‌الناس)

## نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را براساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهائی که از گروههای مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم بنیانگذار مکتب رهائی بخش اسلام با اهداف وانگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند. به‌این امید که این‌قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین وشکست تمامی مستکبرین گردد.

* * * * *

**ربانی‌شیرازی** — این نکته را باید متذکر شد که استناد فقط به خود قانون اساسی میشود کرد نه به مقدمه آن.

**رئیس** — صحیح است.

**ربانی شیرازی** — پس این، باید در مقدمه ذکر شود.

**حجتی کرمانی** — عرض کنم که چند تا اصل بوده که خیلی ضروری بوده است که در قانون اساسی بیاید ولی تصویب نشد، به طور کلی من می‌خواهم پیشنهاد کنم که...

**رئیس** — به جز این اصولی که تصویب شده است و الان آن‌ها را در همین جلسه قرائت می کنیم. اصول دیگری مطرح نیست، پیشنهاد خیلی زیاد بوده، اصول دیگری هم بوده است و انشاءالله آنها باشد برای مجلس بررسی متمم قانون اساسی، اجازه بفرمائید کارمان را ادامه بدهیم.

**حجتی کرمانی** — پیشنهاد من این‌است که این مجلس باید کاری کند که وقتی خدمت

امام میرویم...

**رئیس** — از عموم نمایندگان تقاضا می‌کنیم اجازه بفرمایند کارمان ادامه پیدا کند.

**حجتی کرمانی** — اجازه بدهید پیشنهادم را عرض کنم.

**رئیس** — البته امام امت و مراجع تقلید برای همه ما محترمند و نظر آنها هم بسیار محترم است و ملت مسلمان ایران هم پیرو مراجع تقلید و مخصوصاً رهبر عالیقدر حضرت آیت‌الله امام خمینی هستند بنابراین ما قانون اساسی را به آقایان تقدیم می‌کنیم و مراجع تقلید اگر نظری داشتند علی عین.

**حجتی کرمانی** — من همین را می‌خواستم عرض کنم که ما باید کاری کنیم که ازنظر قانونی هم طوری باشد که وقتی امام و مراجع تقلید دیگر هم این اصول را دیدند، اولا مرجعی وجود داشته باشد که کسانیکه نظری نسبت به این قانون دارند به آنجا بدهند و یک هیأتی هم مأمور باشد که این نظرات را به اطلاع امام و مراجع دیگر برساند و تصمیم نهائی را هم قانوناً به آنها واگذار کنیم.

**رئیس** — لازم نیست که ما قانوناً به آنها واگذار کنیم برای اینکه مراجع تقلید و مخصوصاً رهبر انقلاب خودشان مجتهد عالیقدر هستند که نظریاتشان برای همه ملت ایران و برای آقایان نمایندگان محترم است، به هر حال اجازه بفرمائید برنامه کارمان ادامه پیدا کند.

**حجتی کرمانی** — در مورد این قانون اساسی معمولا باید اجتهادی عمل کرد نه‌تقلیدی ما اینجا به عنوان آدمهائی که خودمان نظر میدهیم می‌نشینیم نه چون مراجع تقلید گفته‌اند، آنها برای ما معظم و محترم هستند و امام هم به همان دلیل فرموده‌اند که ما در اینجا بنشینیم و گردهم بیائیم و الان خودشان آنچه صلاح می‌دانستند صادر می‌فرمودند. من نظرم اینست که یک نمایندگی قانونی به مراجع داده شود که‌به اصطلاح شکل تفویض امر به آنها باشد.

**رئیس** — شما می‌فرمائید آقایان نمایندگان اختیار بدهند به مراجع؟ مراجع خودشان اختیارات کافی دارند.

**حجتی کرمانی** — از طرف نماینده مردم می‌خواهم بگویم که به آنها اختیار داده شود.

**رحمانی** — نمایندگی قابل تفویض نیست.

**رئیس** — بسیار خوب آقای حجتی مطالب شما را همه آقایان متوجه شدند.

**حجتی کرمانی** — من می‌خواهم با این کار زمینه‌های مساعدی که برای ضد انقلاب درست شده است همهٔ اینها به‌کلی از بین برود. (همهمه نمایندگان) چون مطالب صحیحی وجود دارد که درست در خط امام است، یک عده بچه‌های خوب هستند، یک عده‌متفکرین سالم هستند که صمیمانه به انقلاب عشق می‌ورزند و در طول این مدت مطالبی گفته‌اند والان هم مطالبی دارند. پس باید یک مرجعی باشد که اینها هم مطالبشان را که می‌گویند درآنجا شنیده و جمع‌آوری شود. من خودم عصر نمی‌توانم خدمت امام بیایم چون باید به بابل برویم و در آنجا دوستان خیلی ناراحت هستند. اگر شما بتوانید این پیام را به امام برسانید که‌چنین مطلبی و پیشنهادی هست. ایشان یک مأموریتی به افرادی بدهند، و خود قم مرجع این کار باشد و کسانیکه مطالبی دارند و برای دلسوزی به اسلام و مملکت می‌خواهند بگویند، به آنجا بروند و بگویند.

**دکتر آیت** ـ به هیچ وجه این کار درست نیست.

**حجتی کرمانی** ـ و تصمیم نهائی هم به عهده خود امام و مراجع تقلید باشد.

**رئیس** ـ بسیار خوب، مطالب شما روشن شد.

**حجتی کرمانی** ـ من میخواهم طوری نباشد که ضدانقلاب بتواند سوءاستفاده کند بلکه راهی باز شود که این مطالب به خود امام برسد و آقا هم دستور بدهند که این مطالب مورد بررسی قرار بگیرد و اگر حرف حقی هست در همین متن گنجانده شود.

**فاتحی** ـ همهٔ مطالب و مسائل دقیقاً به سمع امام میرسد آنهم در اسرع وقت، دیگر چنین کارهائی لازم نیست.

**رئیس** ـ بسیار خوب، پیام شما را هم آقای حجتی شنیدیم، از آقای بهشتی خواهش میکنم که متن قانون اساسی را قرائت بفرمایند، البته هر وقت خسته شدند دیگر دوستان هیأت رئیسه کمک می‌فرمایند. (به شرح زیر خوانده شد)

**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

## فصل اول

## اصول کلی

### اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام‌خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

### اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱ - خدای یکتا (لااله‌الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲ - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳ - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

٤ - عدل خدا در خلقت و تشریع.

٥ - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

٦ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که ازراه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله

علیهم اجمعین،
ب ــ استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
ج ــ نفی هرگونه ستم‌گری وستم کشی و سلطه‌گری و سلطه پذیری،
قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند.

**اصل سوم**

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد.
۱ ــ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
۲ ــ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح ازمطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.
۳ ــ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه،در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
٤ ــ تقویت‌روح بررسی وتتبع وابتکاردرتمام‌زمینه‌های علمی، فنی،فرهنگی واسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
٥ ــ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
٦ ــ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
۷ ــ تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۸ ــ مشارکت عامهٔ مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۹ ــ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
۱۰ ــ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
۱۱ ــ تقویت کامل بنیهٔ دفاع ملی ازطریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ‌استقلال و تمامیت ارزی و نظام اسلامی کشور.
۱۲ ــ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت وتعمیم بیمه.
۱۳ ــ تأمین خودکفائی درعلوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امورنظامی وسائنداینها.
۱٤ ــ تأمین حقوق همه جانبهٔ افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
۱٥ ــ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همهٔ مردم.
۱٦ ــ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همهٔ مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان.

**اصل چهارم**

کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل براطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است وتشخیص این امر برعهدهٔ فقهای شورای نگهبان است.

**اصل پنجم**

در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر، عجل‌الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت‌است برعهدهٔ فقیه عادل و با تقوا، آگاه به‌زمان، شجاع، مدیر ومدبراست، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند، و در صورتیکه هیچ فقیهی دارای‌چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن میگردد.

**اصل ششم**

در جمهوری اسلامی ایران امورکشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات. انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای ملی، اعضای شوراها و نظائر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین میگردد.

**اصل هفتم**

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی‌الامر» شوراها، مجلس شورای ملی، شورای استان، شهرستان، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان‌تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.

موارد، طرزتشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین میکند.

**اصل هشتم**

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به‌خیر، امر به‌معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به‌یکدیگر، دولت نسبت به‌مردم و مردم نسبت‌به‌دولت. شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین میکند.

«والمومنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف وینهون عن‌المنکر»

**اصل نهم**

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ‌فرد یا گروه یا مقامی حق

ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

**اصل دهم**

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

**اصل یازدهم**

به‌حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحده‌وانا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک‌امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را برپایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

**اصل دوازدهم**

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به‌آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی درحدود اختیارات شوراها برطبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ‌حقوق پیروان سایر مذاهب.

**اصل سیزدهم**

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آئین خود عمل میکنند.

**اصل چهاردهم**

به حکم آیه شریفه «لاینهیکم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین ولم یخرجوکم‌من دیارکم ان‌تبروهم و تقسطوا الیهم ان‌الله یحب‌المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

## فصل دوم

## زبان ، خط ، تاریخ و پرچم رسمی کشور

### اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

### اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملا با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

### اصل هفدهم

مبدأ تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه وآله وسلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

### اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله‌اکبر» است.

## فصل سوم

## حقوق ملت

### اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

### اصل بیستم

همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

**اصل بیست و یکم**

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد.

۱ — ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲ — حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۳ — ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

٤ — ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

٥ — اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطهٔ آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

**اصل بیست و دوم**

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر درمواردی که قانون تجویز کند.

**اصل بیست و سوم**

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای موردتعرض و مؤاخذه قرار داد.

**اصل بیست و چهارم**

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه‌مخل به مبانی‌اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون معین میکند.

**اصل بیست و پنجم**

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است‌مگر به حکم قانون.

**اصل بیست و ششم**

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

**اصل بیست و هفتم**

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

**اصل بیست و هشتم**

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

**اصل بیست و نهم**

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

**اصل سی‌ام**

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

**اصل سی و یکم**

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

**اصل سی و دوم**

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین میکند. درصورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.

**اصل سی و سوم**

هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل‌موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر میدارد.

**اصل سی و چهارم**

داخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس میتواند به منظور دادخواهی به‌دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

**اصل سی و پنجم**

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگرتوانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

**اصل سی و ششم**

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

**اصل سی و هفتم**

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم اودر دادگاه صالح ثابت گردد.

**اصل سی و هشتم**

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.

**اصل سی و نهم**

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به‌هرصورت که باشد ممنوع وموجب‌مجازات است .

**اصل چهلم**

هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

**اصل چهل و یکم**

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به‌درخواست خود او یا در صورتیکه به تابعیت کشور دیگری درآید.

**اصل چهل و دوم**

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

## فصل چهارم

## اقتصاد و امور مالی

**اصل چهل و سوم**

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار میشود:

۱ — تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ — تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، درشکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورتهای حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، درهر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ — تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

٤ — رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به‌کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

٥ — منع اضرار به‌غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

٦ — منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ — استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه‌وپیشرفت اقتصاد کشور.

۸ — جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه براقتصاد کشور.
۹ — تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خود کفائی برساند و از وابستگی برهاند.

**اصل چهل و چهارم**

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر وروستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات میشود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جائی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو شرایط هر سه بخش را قانون معین میکند.

**اصل چهل و پنجم**

انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد میشود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین میکند.

**اصل چهل و ششم**

هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است وهیچ کس نمی‌تواندبه‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

**اصل چهل و هفتم**

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آنرا قانون معین میکند.

**اصل چهل و هشتم**

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها ومناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کارنباشد. به‌طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

**اصل چهل و نهم**

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود.

**اصل پنجاهم**

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی میگردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

**اصل پنجاه و یکم**

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص میشود.

**اصل پنجاه و دوم**

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر میشود از طرف دولت تهیه وبرای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

**اصل پنجاه و سوم**

کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز میشود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

**اصل پنجاه و چهارم**

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای ملی میباشد. سازمان و اداره‌امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

**اصل پنجاه و پنجم**

دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههائی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده میکنند به ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

## فصل پنجم

## حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

**اصل پنجاه و ششم**

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق‌الهی را ازانسان‌سلب کند یا درخدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را ازطرقی که در اصول بعدمی‌آید اعمال میکند.

**اصل پنجاه و هفتم**

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوهٔ مقننه، قوهٔ مجریه و قوهٔ قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت است، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار میگردد.

**اصل پنجاه و هشتم**

اعمال قوهٔ مقننه ازطریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میشود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوهٔ مجریه و قضائیه ابلاغ میگردد.

**اصل پنجاه و نهم**

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوهٔ مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

**اصل شصتم**

اعمال قوهٔ مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده،از

طریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است.

**اصل شصت و یکم**

اعمال قوهٔ قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت واقامه حدود الهی بپردازد.

## فصل ششم

## قوه مقننه

### مبحث اول — مجلس شورای ملی

**اصل شصت و دوم**

مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل میگردد.
شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

**اصل شصت و سوم**

دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهارسال است. انتخابات هردوره باید پیش ازپایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

**اصل شصت و چهارم**

عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه میشود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب میکنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها پس از هر ده سال به‌ازای هریکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین میکند.

**اصل شصت و پنجم**

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت مییابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد.

برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

**اصل شصت و ششم**

ترتیب انتخاب رئیس و هیأت‌رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دورهٔ تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به‌وسیله آئین‌نامه داخلی مجلس معین‌میگردد.

**اصل شصت و هفتم**

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد میکنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد مینمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پای‌بند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم وتأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم».

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا میکنند مراسم سوگند را به‌جای آورند.

**اصل شصت و هشتم**

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی‌متوقف میشود ودرصورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

**اصل شصت و نهم**

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت‌امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسهٔ غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

**اصل هفتادم**

رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات‌علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع میشود.

دعوت رئیس جمهور به مجلس باید به تصویب اکثریت برسد.

## مبحث دوم — اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی

**اصل هفتاد و یکم**

مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی میتواند قانون وضع کند.

**اصل هفتاد و دوم**

مجلس شورای ملی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول واحکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود وششم آمده برعهده شورای نگهبان است.

**اصل هفتاد و سوم**

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین میکنند نیست.

**اصل هفتاد و چهارم**

لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم میشود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای ملی قابل طرح است.

**اصل هفتاد و پنجم**

طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان میکنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

**اصل هفتاد و ششم**

مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

**اصل هفتاد و هفتم**

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به‌تصویب مجلس شورای ملی برسد.

**اصل هفتاد و هشتم**

هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه نباشد و به‌استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

**اصل هفتاد و نهم**

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای ملی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی‌مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش‌از سی روز باشد و درصورتی که ضرورت همچنان باقی باشددولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

**اصل هشتادم**

گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

**اصل هشتاد و یکم**

دادن امتیاز تشکیل‌شرکتها ومؤسسات درامور تجارتی وصنعتی وکشاورزی ومعادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

**اصل هشتاد و دوم**

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت باتصویب مجلس شورای ملی.

**اصل هشتاد و سوم**

بناها و اموال دولتی که از نفایس‌ملی باشدقابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی، آنهم درصورتی که از نفایس منحصر به‌فرد نباشد.

**اصل هشتاد و چهارم**

هرنماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی

کشور اظهارنظر نماید.

**اصل هشتاد و پنجم**

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این‌صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا میشود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود.

**اصل هشتاد و ششم**

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاآزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهارکرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

**اصل هشتاد و هفتم**

هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف میتواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

**اصل هشتاد و هشتم**

در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

**اصل هشتاد و نهم**

نمایندگان مجلس می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که باامضای حداقل ده نفر ازنمایندگان به‌مجلس تقدیم شود .

هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را میدهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.

اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل میشود. در هر دو صورت نخست‌وزیر یا وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل میشودعضویت پیدا کنند.

**اصل نودم**

هر کسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوهٔ مجریه یا قوهٔ قضائیه داشته باشد، میتواند شکایت خود را کتباً به‌مجلس‌شورای ملی عرضه کند.مجلس موظف‌است به‌این‌شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوهٔ مجریه و یا قوهٔ قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به‌اطلاع عامه برساند.

**اصل نود و یکم**

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورائی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل میشود.

۱ — شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبریا شورای رهبری است.

۲ — شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله شورایعالی قضائی به مجلس شورای ملی معرفی میشوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

**اصل نود و دوم**

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال ، نیمی از اعضای هرگروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

**اصل نود و سوم**

مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگردر مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

**اصل نود و چهارم**

کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام وقانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیراینصورت مصوبه قابل اجرا است .

**اصل نود و پنجم**

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهائی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای ملی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

**اصل نود و ششم**

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهدهٔ اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

**اصل نود و هفتم**

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

**اصل نود و هشتم**

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام میشود.

**اصل نود و نهم**

شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد .

## فصل هفتم

## شوراها

**اصل یکصدم**

برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی،آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یااستان با نظارت شورائی به نام شورای ده، بخش،شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه‌انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت‌ملی‌وتمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین میکند.

**اصل یکصد و یکم**

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی

استانها و نظارت براجرای هماهنگ آنها، شورایعالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل میشود.
نحوه‌تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین میکند.

**اصل یکصد و دوم**

شورایعالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهائی تهیه و مستقیماً یا ازطریق دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرارگیرد.

**اصل یکصد و سوم**

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین میشوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

**اصل یکصد و چهارم**

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی درپیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل میشود.
چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند.

**اصل یکصد و پنجم**

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

**اصل یکصد و ششم**

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین میکند.
شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

## فصل هشتم

## رهبر یا شورای رهبری

**اصل یکصد و هفتم**

هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله‌العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر، ولایت امر

و همهٔ مسئولیتهای ناشی از آن را برعهده دارد. در غیراین‌صورت خبرگان منتخب مردم دربارهٔ همهٔ کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت‌می کنند. هرگاه یک‌مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند،وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.

**اصل یکصد و هشتم**

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراءآنان تصویب شود و به تصویب نهائی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون در صلاحیت مجلس خبرگان است.

**اصل یکصد و نهم**

شرایط و صفات رهبر یا اعضای شورای رهبری:

۱ — صلاحیت علمی و تقوایی لازم برای افتاء و مرجعیت.

۲ — بینش سیاسی و اجتماعی و شجاعت و قدرت و مدیریت کافی برای رهبری.

**اصل یکصد و دهم**

وظایف و اختیارات رهبری:

۱ — تعیین فقهای شورای نگهبان.

۲ — نصب عالیترین مقام قضائی کشور.

۳ — فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیب زیر:

الف: نصب و عزل رئیس ستاد مشترک.

ب — نصب و عزل فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ج — تشکیل شورایعالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضای زیر:

— رئیس جمهور.

— نخست‌وزیر.

— رئیس ستاد مشترک.

— فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

— دو مشاور به تعیین رهبر.

د — تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورایعالی دفاع.

هـ — اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورایعالی دفاع.

٤ — امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۵ — عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف‌قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او.

۶ — عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوانعالی کشور.

**اصل یکصد و یازدهم**

هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است.

مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاسیه خبرگان تعیین میشود.

**اصل یکصد و دوازدهم**

رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند.

## فصل نهم

## قوه مجریه

### مبحث اول — ریاست‌جمهوری

**اصل یکصد و سیزدهم**

پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوهٔ مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود، برعهده دارد.

**اصل یکصد و چهاردهم**

رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب میشود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

**اصل یکصد و پانزدهم**

رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد.

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

**اصل یکصد و شانزدهم**

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری رئیس‌جمهوری را قانون معین میکند.

**اصل یکصد و هفدهم**

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان، انتخاب میشود،ولی هرگاه دردور نخست هیچیک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته میشود. در دور دوم تنها دونفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت میکنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارندهٔ آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات‌منصرف شوند از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

**اصل یکصد و هجدهم**

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که‌قانون تعیین میکند.

**اصل یکصد و نوزدهم**

انتخاب رئیس‌جمهور جدید باید حداقل یکماه پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس‌جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق رئیس‌جمهور پیشین وظایف رئیس‌جمهوری را انجام میدهد.

**اصل یکصد و بیستم**

هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهائی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر میافتد. اگر درفاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید میشود.

**اصل یکصد و بیست و یکم**

رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوانعالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد میکند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند

قادر متعال سوگند یاد میکنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیتهائی که برعهده گرفته‌ام به کارگیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها واستقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور ازهیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت ازخداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آنرا به منتخب ملت پس از خود سپارم.»

**اصل یکصد و بیست و دوم**

رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایف خویش در برابر ملت مسئول است،نحوه رسیدگی به تخلف از این مسئولیت را قانون معین میکند.

**اصل یکصد و بیست و سوم**

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

**اصل یکصد و بیست و چهارم**

رئیس جمهور فردی را برای نخست‌وزیری نامزد میکند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورای ملی حکم نخست‌وزیری برای او صادر می‌نماید.

**اصل یکصد و بیست و پنجم**

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

**اصل یکصد و بیست و ششم**

تصویب نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور میرسد و در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران می‌فرستد.

**اصل یکصد و بیست و هفتم**

هرگاه رئیس جمهور لازم بداند جلسه هیأت وزیران در حضور او و به ریاست وی تشکیل میشود.

**اصل یکصد و بیست و هشتم**

رئیس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضاء میکند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

**اصل یکصد و بیست و نهم**

اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.

**اصل یکصد و سی‌ام**

در هنگام غیبت یا بیماری رئیس جمهور شورائی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوانعالی کشور وظایف او را انجام انجام میدهد، مشروط براینکه عذر رئیس‌جمهور بیش از دو ماه ادامه نیابد و نیز در موردعزل رئیس جمهور یا در موردی که مدت ریاست جمهوری سابق پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید براثر موانعی هنوز انتخاب نشده، وظایف ریاست جمهوری بر عهده این شورا است.

**اصل یکصد و سی و یکم**

در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یاموجبات دیگری از این گونه شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امر همه‌پرسی برعهده دارد.

**اصل یکصد و سی و دوم**

در مدتی که وظایف رئیس جمهور بر عهده شورای موقت ریاست جمهوری است دولت‌را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آن رأی اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی اقدام نمود.

## مبحث دوم — نخست وزیر و وزراء

**اصل یکصد و سی و سوم**

وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس‌جمهور معین و برای‌گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.

تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین میکند.

**اصل یکصد و سی و چهارم**

ریاست هیأت وزیران با نخست‌وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذتدابیر

لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا میکند.
نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

**اصل یکصد و سی و پنجم**

نخست‌وزیر تا زمانیکه مورد اعتماد مجلس است در سمت خود باقی می‌ماند استعفای دولت به رئیس جمهور تسلیم میشود و تا تعیین دولت جدید نخست‌وزیر به وظایف خود ادامه میدهد.

**اصل یکصد و سی و ششم**

هرگاه نخست‌وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای اوبرگزیند، باید این عزل و نصب با تصویب رئیس‌جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتمادبگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیأت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

**اصل یکصد و سی و هفتم**

هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت‌وزیران میرسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

**اصل یکصد و سی و هشتم**

علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی‌قوانین میشود هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

**اصل یکصد و سی و نهم**

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین میکند.

**اصل یکصد و چهلم**

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع

مجلس شورای ملی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام میشود.

**اصل یکصد و چهل و یکم**

رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هرنوع شغل دیگر درمؤسساتی که تمام یا قسمتی ازسرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.

سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

نخست‌وزیر می‌تواند در موارد ضرورت به طور موقت تصدی برخی از وزارتخانه‌ها را بپذیرد.

**اصل یکصد و چهل و دوم**

دارائی رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط دیوانعالی کشور رسیدگی میشود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.

## مبحث سوم — ارتش وسپاه پاسداران انقلاب اسلامی

**اصل یکصد و چهل و سوم**

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد.

**اصل یکصد و چهل و چهارم**

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

**اصل یکصد و چهل و پنجم**

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

**اصل یکصد و چهل و ششم**

استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چندبه عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

**اصل یکصد و چهل و هفتم**

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهادسازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

**اصل یکصد و چهل و هشتم**

هرنوع بهره‌برداری شخصی از وسائل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

**اصل یکصد و چهل و نهم**

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

**اصل یکصد و پنجاهم**

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا میماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگربا تأکیدبر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین میشود.

**اصل یکصد و پنجاه و یکم**

به حکم آیه کریمه «واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله وعدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم‌الله یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوریکه همه‌افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید بااجازه مقامات رسمی باشد.

## فصل دهم

## سیاست خارجی

**اصل یکصد و پنجاه و دوم**

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جوئی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهددر برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

**اصل یکصد و پنجاه و سوم**

هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

**اصل یکصد و پنجاه و چهارم**

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر از مبارزه حق‌طلبانه‌مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت میکند.

**اصل یکصد و پنجاه و پنجم**

دولت جمهوری اسلامی ایران‌میتواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

## فصل یازدهم

## قوه قضائیه

**اصل یکصد و پنجاه و ششم**

قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن‌به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ — رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین میکند.

۲ — احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳ — نظارت بر حسن اجرای قوانین.

٤ — کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود ومقررات مدون جزائی اسلام.

٥ — اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

**اصل یکصد و پنجاه و هفتم**

به منظور انجام مسئولیتهای قوهٔ قضائیه شورائی به نام شورایعالی قضائی تشکیل میگردد که بالاترین مقام قوهٔ قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر میباشد:

۱ — ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲ — تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ — استخدام قضات عادل وشایسته وعزل و نصب آنها و تغییرمحل مأموریت وتعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

**اصل یکصد و پنجاه و هشتم**

شورایعالی قضائی از پنج عضو تشکیل میشود.
۱ — رئیس دیوانعالی کشور.
۲ — دادستان کل کشور.
۳ — سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.
اعضای این شورا برای مدت پنج سال وطبق قانون انتخاب میشوند وانتخاب مجددشان بلامانع است.
شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین بکند.

**اصل یکصد و پنجاه و نهم**

مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

**اصل یکصد و شصتم**

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوهٔ قضائیه با قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که شورایعالی قضائی به نخست وزیر پیشنهاد میکند انتخاب میگردد.

**اصل یکصد و شصت و یکم**

دیوانعالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهائی که طبق قانون به آن محول میشود براساس ضوابطی که شورایعالی قضائی تعیین میکند تشکیل میگردد.

**اصل یکصد و شصت و دوم**

رئیس دیوانعالی کشور ودادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به‌امور قضائی‌باشند و رهبری بامشورت قضات دیوانعالی کشور آنها را برای مدت پنجسال به‌این سمت منصوب میکند.

**اصل یکصد و شصت و سوم**

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین میشود.

**اصل یکصد و شصت و چهارم**

قاضی را نمی‌توان از مقامی که‌شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورایعالی قضائی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین میکند صورت می‌گیرد.

**اصل یکصد و شصت و پنجم**

محاکمات، علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعواتقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**اصل یکصد و شصت و ششم**

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن‌حکم صادر شده است.

**اصل یکصد و شصت و هفتم**

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به‌دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

**اصل یکصد و شصت و هشتم**

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم‌سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین میکند.

**اصل یکصد و شصت و نهم**

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

**اصل یکصد و هفتادم**

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوهٔ مجریه است خودداری کنند. وهر

کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

**اصل یکصد و هفتاد و یکم**

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت‌تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران میشود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

**اصل یکصد و هفتاد و دوم**

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوهٔ قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط‌به‌این قوه هستند.

**اصل یکصد و هفتاد و سوم**

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورایعالی قضائی تأسیس میگردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون‌تعیین میکند.

**اصل یکصد و هفتاد و چهارم**

براساس حق نظارت قوهٔ قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورایعالی قضائی تشکیل میگردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین میکند.

## فصل دوازدهم

## رسانه‌های گروهی

**اصل یکصد و هفتاد و پنجم**

در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه قضائیه( شورایعالی قضائی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین میکند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل تنظیم گردیده و با اکثریت دو سوم مجموع نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به تصویب رسیده است در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد وپنجاه‌وهشت هجری شمسی مطابق با بیست و چهارم ذی‌الحجه یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری به تصویب نهائی رسید.

* * * * *

**رئیس** — از همه آقایان برادران و خواهرانی که دراین جلسه شرکت فرمودندمخصوصاً از برادران سفرای کشورهای اسلامی که میهمان ما هستند تشکر میکنیم و امیدواریم که خداوند به همه ما توفیق بدهد که در راه وحدت اسلام و مسلمین کوشش کافی انجام پذیرد.

**سبحانی** — آقای منتظری در اصل هشتاد و یکم تا دیروز ظهر کلمه «مطلقاً» نبود.

**رئیس** — آقای سبحانی بود .

**مقدم مراغه‌ای** — آقای منتظری بنده یک تذکری دارم.

**رئیس** — بفرمائید.

**مقدم مراغه‌ای** — می‌خواستم عرض کنم که این مقدمه را از قانون اساسی جدا کنید چون در جلسه طرح نشده.

**رئیس** — در جلسه مشترک طرح شده است ولی البته ملاک استناد نیست.

**مقدم مراغه‌ای** — چون نظرات گروههای مختلف و آنهائی که مجاهدتها کردند وفدائی دادند در اینجا ذکر نشده.

**دکتر آیت** — البته آقای مقدم عقیده شما این است.

**موسوی تبریزی** — یک مورد در این مقدمه قانون اساسی به ما نشان بدهید تا ببینیم در کجا حقوق بعضی‌ها ضایع شده است؟ کلی نفرمائید.

**دکتر بهشتی** — الان ملاحظه می‌فرمائید که مقدمه اینجا خوانده شد البته متأسفانه من در این چند روز نمی‌توانستم در جلسات شرکت کنم مگر به‌ندرت ولی‌گزارش داده‌اند که مقدمه در جلسه مشترک گروهها خوانده شد و حالا هم اینجا یک جلسه رسمی است در این جلسه خوانده شد و امضاء میشود و اگر حضرتعالی نقطه‌نظری دارید آقای مراغه‌ای، بعد سؤال بفرمائید تا ببینیم واقعاً این چیزی که شائبه‌اش در ذهن شما آمده است هست یا نیست چون من که خواندم دیدم سوابق مبارزات ایران را به یکصد سال قبل برده با شرکت همه‌گروهها و قشرها و به هر حال فکر میکنم آن بخش که مربوط به سابقه مبارزات است و یک پاراگراف چند سطری هست از آن درجه یک مقدمه، بیش از این نمی‌توان انتظاری داشته باشیم که به تفصیل گفته شود و جای این بحث در این جلسه نیست، خواهش میکنم اگر بحثی هست موکول بفرمائید به دیداری که بعد با شما خواهیم داشت.

**رئیس** — آقای دانش‌راد شما فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

**دانش راد** — بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. چون آخرین جلسه مجلس است من خواستم از این

فرصت استفاده بکنم، و از حسن ظن هیأت رئیسه مجلس و از صمیمیت و علاقمندی نمایندگان محترم که آزادی کامل را در حق اقلیتهای دینی کشور رعایت کردند و اجازه دادند در هر موردی که ما بحثی داشتیم مثل یک هموطن خوب در آن بحث شرکت بکنیم خواه درمسائل مربوط به اقلیت دینی خودمان و خواه در مسائل عمومی مملکتی و خواه در مسائل حقوقی در مسائل اقتصادی و غیره حوصله کردند فرصت دادند و ابراز علاقه کردند می‌خواستم بدین‌وسیله تشکر بکنم و از طرفی خیال میکنم اجازه داشته باشم این تشکر را از طرف بقیه همکاران اقلیتهای دینی دیگر انجام بدهم. می‌خواستم در اینجا به همکیشان خودم کلیمیان ایران، و شاید لازم باشد به سایر هموطنان غیر مسلمان یادآوری بکنم که قانون اساسی که تدوین‌شده در حدی که فرصت بررسی‌اش بوده مترقی‌ترین قانون اساسی است که درکشورهای اسلامی و در کشورهای مسیحی امکان تدوینش بوده و چون آزادی کامل انسانهاو حفظ حقوق انسانی همه مردم در آن رعایت شده و همه مردم اعم از هر نوع مذهب و دینی که داشته باشند میتوانند بانهایت آزادی در ساختن وطن مشترکشان همکاری بکنند امیدوارم همانطوری که آقای دکتر بهشتی فرمودند که بین ما رفاقت پیدا شد بین همه مردم این کشور صرف‌نظر از اینکه چه دینی دارند این رفاقت که وجود داشته است تحکیم بشود و ادامه پیدا بکند و همه در یک صف واحد برای ساختن ایرانی مستقل و آزاد همکاری بکنند.

**دکتر بهشتی** — بااجازه دوستان من این قسمت خاتمه را که مشتمل بر آیات و روایاتی است و به عنوان قسمتی از مبانی قانون اساسی در نصوص اسلامی تهیه شده میخوانم:
(به شرح زیر خوانده شد)

**خاتمه**

## بخشی از آیات و روایات که زیربنای قانون اساسی است

**حق — فصل سوم**

۱ — اما بعد فقد جعل‌الله سبحانه لی علیکم حقاً بولایة امرکم، ولکم علی من‌الحق مثل‌الذی لی علیکم ، والحق اوسع‌الاشیاء فی‌التواصف واضیقهافی‌التناصف،لایجری لاحدالاجری علیه، ولایجری علیه‌الاجری له. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — خطبه ۲۰۷ — ص ۶۸۱)

۲ — الذلیل عندی عزیز حتی اخذالحق له، والقوی عندی ضعیف حتی‌آخذالحق منه. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — خطبه ۳۷ — ص ۱۲۱)

۳ — لاتضیعن حق اخیک اتکالا علی مابینک و بینه، فانه‌لیس لک‌باخ من اضعت‌حقه. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۳۱ — ص ۹۳۳)

**حقوق انسانی و رفتار با غیر مسلمانان — اصل ۱۴**

۱ — واشعر قلبک‌الرحمة للرعیة ، والمحبة لهم ، واللطف بهم، ولاتکونن علیهم سبعاً ضاریاًتغتنم‌أکلهم،فانهم‌صنفان: اماأخ لک‌فی‌الدین، و امانظیر لک‌فی‌الخلق،یفرط منهم‌الزلل، و تعرض لهم‌العلل. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۹۹۳)

۲ — لاینهیکم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین ولم یخرجوکم من‌دیارکم‌ان‌تبروهم

و تقسطوا الیهم ان‌الله یحب‌المقسطین. (سوره ممتحنه — ۸)

**برابری و عدم امتیاز — اصل ۱۹**

۱ — یا ایهاالناس انا خلقناکم من ذکر وانثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم. (سوره حجرات — ۱۳)

۲ — ایهاالناس الا ان ربکم واحد وان اباکم واحد الا لافضل لعربی علی عجمی ولا عجمی علی عربی ولا اسودعلی احمر ولا احمر علی اسود الا بالتقوی . (حدیث نبوی تفسیر قرطبی «الجامع لاحکام قرآن» جزء۱۶ — ص ۳۴۲)

**زن — اصل ۲۰ — ۲۱**

۱ — و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة. (سوره روم — ۲۱)

۲ — من عمل صالحاً من ذکر اوانثی و هوؤمن فلنحیینه‌حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون. (سوره نحل — ۹۷)

۳ — ... ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجة... (سوره بقره —۲۲۸)

٤ — ولا تملک‌المرأة من امرها ماجاوز نفسها، فان‌المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۳۱ — ص ۹۳۹)

**حریت — اصل ۲۲ — ۲۸**

ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک‌الله حراً . (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۳۱ — ص ۹۲۹)

**امکان دادخواهی عمومی — اصل ۳٤**

و تجلس لهم مجلساً عاماً فتتواضع فیه لله‌الذی خلقک، و تقعد عنهم جندک واعوانک من احراسک و شرطک حتی یکلمک متکلمهم غیر متتعتع، فانی سمعت رسول‌الله (ص) یقول فی غیر موطن: لن‌تقدس امة لایؤخذ للضعیف فیها حقه من‌القوی غیر متتعتع. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۲۱)

**لاضرر — اصل ٤۰**

قضی رسول‌الله (ص) ... وقال لاضرر ولاضرار. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۷ — شفعه — باب ۵ — ص ۳۱۹)

**اصل طاعت — اصول ٤ — ۷۲ — ۹۱ — ۱۰۵ — ۱۷۰**

۱ — یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی‌الامر منکم فان تنازعتم‌فی‌شی فردوه الی‌الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم‌الاخر... (سوره نساء — ۵۹)

۲ — ... و من لم یحکم بما انزل‌الله فاولئک هم‌الکافرون. (سورهٔ مائده — ٤٤)
۳ — ... و من لم یحکم بما انزل‌الله فاولئک هم‌الظالمون. (سورهٔ مائده — ٤٥)
٤ — ... و من لم یحکم بما انزل‌الله فاولئک هم‌الفاسقون. (سورهٔ مائده — ٤٧)
٥ — ... ان‌الحکم الاالله... (سوره انعام — ٥٧)
٦ — ... و من یتعد حدودالله فاولئک هم‌الظالمون. (سورهٔ بقره — ۲۲۹)
۷ — لاطاعة لمخلوق فی معصیةالخالق. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — حکمت ۱٥٦ — ص ۱۱٦۷)

**امر به معروف (اصل ۸)**

۱ — والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن‌المنکر... (سورهٔ توبه — ۷۱)
۲ — ولتکن منکم امة یدعون الی‌الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن‌المنکر... (آل عمران — ۱۰٤)

**اتباع احسن — مناسب اصل ۸**

... فبشر عباد — الذین یستمعون‌القول فیتبعون احسنه ... (سورهٔ زمر — ۱۷ و ۱۸)

**رفع عسر و حرج و اضطرار — فصل ۳**

۱ — ... یریدالله بکم الیسر ولایرید بکم‌العسر... (سورهٔ بقره — ۱۸٥)
۲ — ... و ما جعل علیکم فی‌الدین من حرج... (سورهٔ حج — ۷۸)
۳ — ... مایریدالله لیجعل علیکم من حرج ... (سورهٔ مائده — ٦)
٤ — ... فمن اضطر غیر باغ ولاعاد فلا اثم علیه... (سورهٔ بقره — ۱۷۳)

**اقتصاد — اموال و اراضی — فصل ٤**

۱ — ولاتؤتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیاماً... (سورهٔ نساء — ٥)
۲ — یا ایهاالذین‌آمنوا لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة‌عن‌تراض منکم ... (سورهٔ نساء — ۲۹)
۳ — هوالذی خلق لکم ما فی‌الارض جمیعاً... (سورهٔ بقره — ۲۹)
٤ — یا ایهاالناس کلوا مما فی‌الارض حلالا طیباً ... (سورهٔ بقره — ۱٦۹)
٥ — یسئلونک عن‌الانفال قل الانفال لله والرسول... (سورهٔ انفال — ۱)
٦ — عن‌موسی‌بن جعفر (ع): والانفال کل ارض خربة باد اهلها وکل ارض لم یوجف علیها بخیل ولارکاب ولکن صالحوا صلحاً واعطوا بایدیهم علی غیر قتال، وله رئوس‌الجبال و و بطون الاودیة والاجام وکل ارض میتة لارب لها، وله صوافی‌الملوک ما کان فی‌ایدیهم من غیر وجه‌الغصب لان‌الغصب کله مردود ، و هو وارث من‌لا وارث له . (وسائل‌الشیعه — جلد ٤ — انفال — باب ۱ — ص ۳٦٥)

۷ — محمدبن سنان عن ابی‌الحسن (ع) قال: سألته عن ماءالوادی فقال: ان‌المسلمین شرکاء فی‌الماء والنار والکلاء. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۷ — احیاء موات — باب ۵ — ص ۳۳۱)

۸ — و ایاک والاستئثار بماالناس فیه اسوة . (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۳۱)

۹ — ان هذا المال لیس لی ولالک، وانماهوفیی للمسلمین و جلب‌اسیافهم،فان‌شرکتهم فی حربهم کان لک مثل حظهم، والا فجناة ایدیهم لاتکون لغیر افواههم. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — خطبه ۲۲۳ — ص ۷۲۸)

۱۰ — ... ان‌الارض لله یورثها من یشاء من عباده... (سورهٔ اعراف — ۱۲۸)

۱۱ — سکونی عن ابی عبدالله (ع) قال: قال‌رسول‌الله (ص): من غرس شجراً اوحفر وادیاً بدیاً لم یسبقه الیه احداواحیی ارضاً میتة فهی له قضاء من‌الله و رسوله. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۷ — احیاء موات — باب ۲ — ص ۳۲۸)

۱۲ — محمدبن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال: ایما قوم احیوا شیئاً من‌الارض اوعمروها فهم احق بها. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۷ — احیاء موات — باب ۱ — ص ۳۲۶)

۱۳ — یونس عن‌العبدالصالح (موسی‌بن‌جعفر «ع») قال: قال ان‌الارض لله تعالی‌جعلها وقفاً علی عباده، فمن عطل ارضاً ثلاث سنین متوالیة لغیر ماعلة اخذت من یده و دفعت الی‌غیره. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۷ — احیاء موات — باب ۱۷ — ص ۳۴۵)

## تمرکز ثروت — اصل ۴۳

۱ — ... ان‌الانسان لیطغی، ان رأه استغنی. (سورهٔ علق — ۶ و ۷)

۲ — ما افاءالله علی رسوله من اهل القری فلله و للرسول‌ولذی‌القربی‌والیتامی‌والمساکین وابن‌السبیل کی‌لایکون دولة بین‌الاغنیاء منکم... (سورهٔ حشر — ۷)

۳ — ... والذین یکنزون‌الذهب والفضة ولاینفقونها فی سبیل‌الله فبشرهم بعذاب الیم. (سورهٔ توبه — ۳۴)

۴ — فدع الاسراف مقتصداً، واذکرفی‌الیوم غداً، وامسک من‌المال بقدر ضرورتک، وقدم الفضل لیوم حاجتک. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۲۱ — ص ۸۷۱)

## منع احتکار و تعیین قیمتها — اصل ۴۳

۱ — قال رسول‌الله (ص): الجالب مرزوق والمحتکر ملعون. (وسائل‌الشیعه — جلد ۶ آداب تجارت — باب ۲۷ — جلد ۳۱۳)

۲ — انه عن‌الحکرة، فمن رکب‌النهی فاوجعه ثم عاقبه باظهار ما احتکر. (نهج‌السعادة جزء ۵ — کتاب علی الی رفاعه قاضیه علی‌الاهواز — ردیف ۱۲۰ — ص ۳۱)

۳ — واعلم، مع ذلک، ان فی کثیر منهم (تجار) ضیقاً فاحشاً،وشحاً قبیحاً، واحتکاراً للمنافع، و تحکماً فی‌البیاعات، وذلک باب‌مضرة للعامة، وعیب علی‌الولاة ، فامنع من‌الاحتکار، فان رسول‌الله (ص) منع منه، ولیکن‌البیع بیعاً سمحاً: به موازین عدل، واسعار لاتجحف بالفریقین

من البائع والمبتاع، فمن قارف حكرة بعد نهيك اياه فنكل به، و عاقبه فی غير اسراف. (نهج البلاغه فيض الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸)

**ربا — اصل ۴۳**

۱ — الذين يأكلون الربوا لايقومون الا كما يقوم الذی يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا واحل الله البيع و حرم الربوا ... (سورهٔ بقره — ۲۷۵)

۲ — يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وذروا مابقی من الربوا ان كنتم مؤمنين — فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله و ان تبتم فلكم رؤس اموالكم لاتظلمون ولاتظلمون. (سورهٔ بقره — ۲۷۸ و ۲۷۹)

۳ — عن علی (ع) قال: لعن رسول الله (ص): فی الربا خمسه: آكله و موكله و شاهديه وكاتبه. (وسائل الشيعه — جلد ۶ — ربا — باب ۴ — ص ۴۳۰)

**اسراف و تبذير — اصل ۴۳**

۱ — ... كلوا واشربوا ولاتسرفوا انه لايحب المسرفين. (سورهٔ اعراف — ۳۱)

۲ — ... ولا تبذر تبذيراً — ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين ... (سورهٔ اسراء — ۲۶ و ۲۷)

**برگرداندن اموال دولتی غصب شده — اصل ۴۵**

(فيما رده علی «ع» علی المسلمين من قطائع عثمان)

والله لووجدته قد تزوج به النساء وملك به الاماء لرددته، فان فی العدل سعة، ومن ضاق عليه العدل فالجور عليه اضيق. (نهج البلاغه فيض الاسلام — خطبه ۱۵ — ص ۶۶)

**ويژگيهای رهبری — اصول ۵ — ۱۰۹ — ۱۱۵**

۱ — ... افمن يهدی الی الحق احق ان يتبع امن لايهدی الا ان يهدی فما لكم كيف تحكمون. (سورهٔ يونس — ۳۵)

۲ — ... ان الله اصطفيه عليكم وزاده بسطة فی العلم والجسم... (سورهٔ بقره — ۲۴۷)

۳ — ان الله تعالی فرض علی ائمة الحق ان يقدروا انفسهم بضعفه الناس. (نهج البلاغه فيض الاسلام — خطبه ۲۰۰ — ص ۶۶۳)

۴ — مجاری الامور والاحكام علی ايدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه. (تحف العقول — امام حسين «ع» — ص ۲۳۸)

۵ — لاينبغی ان يكون الوالی علی الفروج والدماء والمغانم والاحكام وامامة المسلمين البخيل فتكون فی اموالهم نهمته، ولاالجاهل فيضلهم بجهله، ولاالجافی فيقطعهم بجفائه، ولا الخائف للدول فيتخذ قوماً دون قوم، ولاالمرتشی فی الحكم فيذهب بالحقوق، ويقف بهادون المقاطع، ولاالمعطل للسنة فيهلك الامة. (نهج البلاغه فيض الاسلام — خطبه ۱۳۱ — ص ۴۰۷)

۶ — قال رسول الله (ص): ما ولت امة قط امرها رجلا و فيهم اعلم منه الالم يزل امرهم

یذهب سفالا حتی یرجعوا الی ماترکوا. (کتاب سلیم بن قیس — عن علی «ع»)
۷ — ان افضل عبادالله عندالله امام عادل هدی و هدی، فاقام سنة معلومة، وامات‌بدعة مجهولة (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — خطبه ۱۶۳ — ص ۵۲۶)
۸ — ولکننی اسی ان یلی امر هذه‌الامة سفهاؤها و فجارها فیتخذوا مال‌الله دولا، و عباده خولا، والصالحین حرباً، والفاسقین حزباً. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام —نامه ۶۲ — ص ۱۰۵۰)
۹ — لایقیم امرالله سبحانه الا من لایصانع، ولایضارع، ولایتبع المطامع. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — حکمت ۱۰۷ — ص ۱۱۳۷)
۱۰ — اذا کان امراؤکم خیارکم و اغنیاؤکم سمحاؤکم و امرکم شوری بینکم، فظهر الارض خیر لکم من بطنها. و اذا کان امراؤکم شرارکم و اغنیاءکم بخلاءکم و امورکم الی نسائکم، فبطن‌الارض خیر لکم من ظهرها. (تحف‌العقول — عن‌النبی — ص ۳۶)

**شوری — اصل ۷: فصول ۶ — ۷**

۱ — ... وشاورهم فی‌الامر فاذا عزمت فتوکل علی‌الله ... (سورهٔ آل عمران — ۱۵۹)
۲ — ... وامرهم شوری بینهم... (سؤرهٔ شوری — ۳۸)
۳ — من استبد برایه هلک، و من شاورالرجال شارکها فی عقولها. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — حکمت ۱۵۲ — ص ۱۱۶۵)

**وزراء و عمال — فصل ۹ — مبحث ۲**

۱ — ان شر وزرائک من کان للاشرار قبلک وزیراً، ومن شرکهم فی‌الاثام فلایکونن‌لک بطانة، فانهم اعوان‌الاثمة، واخوان‌الظلمة، وانت واجد منهم خیرالخلف ممن له مثل ارائهم و نفاذهم، ولیس علیه مثل اصارهم وأوزارهم ممن لم یعاون ظالماً علی ظلمه ولا اثماً علی‌اثمه. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۹۹۹)
۲ — ثم انظر فی‌امورعمالک فاستعملهم اختباراً، ولا تولهم محاباة و اثرة، فانهما جماع من شعب‌الجور والخیانة، وتوخ منهم اهل‌التجربةوالحیاء من اهل البیوتات‌الصالحة، والقدم فی‌الاسلام المتقدمة. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۱۱)
۳ — و ان عملک لیس لک بطعمة، ولکنه فی عنقک امانة. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵ — ص ۸۳۹)

**ارتش و تهیهٔ نیرو — فصل ۹ — مبحث ۳**

۱ — واعدوالهم مااستطعتم من قوة و من رباط‌الخیل ترهبون به‌عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم‌الله یعلمهم... (سورهٔ انفال — ۶۰)
۲ — فالجنود باذن‌الله حصون‌الرعیة، وزین‌الولاة، و عزالدین، وسبل‌الامن، ولیس تقوم الرعیة الابهم. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۰۳)

**سلطهٔ بیگانه — اصل ۱۵۳**

... ولن یجعل‌الله للکافرین علی‌المؤمنین سبیلا. (سورهٔ نساء — ۱٤۱)

**اعانت مظلوم — اصل ۱۵٤**

وکونا للظالم خصماً ، وللمظلوم عوناً. (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام — نامه ٤۷ — ص ۹۷۷)

**قضات — فصل ۱۱**

۱ — ثم اختر للحکم بین‌الناس افضل رعیتک فی نفسک ممن لاتضیق به‌الامور، ولا تمحکه‌الخصوم، ولایتمادی فی‌الزلة، ولایحصر من‌الفی الی‌الحق اذا عرفه، ولا تشرف نفسه‌علی طمع، ولایکتفی بادنی فهم دون اقصاه، واوقفهم فی‌الشبهات، واخذ هم بالحجج، واقلهم تبرما به مراجعة‌الخصم، واصبرهم علی تکشف‌الامور، واصرمهم عنداتضاح‌الحکم، ممن لایزدهیه اطراء، ولایستمیله اغراء. (نهج‌البلاغه — فیض‌الاسلام — نامه ۵۳ — ص ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰)

۲ — عمربن حنظله قال: سألت اباعبدالله(ع) عن رجلین من اصحابنا بینهماسنازعةفی‌دین اومیراث ... قال: ینظران من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا وعرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قدجعلته علیکم حاکماً، فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما استخف بحکم‌الله و علینا رد، والراد علینا الراد علی‌الله، و هو علی حدالشرک بالله. (وسائل الشیعه — جلد ۱۸ — صفات‌القاضی — باب ۱۱ — ص ۹۹)

۳ — قال امیرالمؤمنین (ع): من ابتلی بالقضاء فلیواس بینهم فی‌الاشارة، و فی‌النظر، و فی‌المجلس. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۸ — آداب‌القاضی — باب ۳ — ص ۱۵۷)

**خطای قاضی — اصل ۱۷۱**

اصبغ بن نباته قال: قضی امیرالمؤمنین (ع): ان ما اخطأت‌القضاة فی دم‌اوقطع فهو علی بیت مال‌المسلمین. (وسائل‌الشیعه — جلد ۱۸ — آداب‌القاضی — باب ۱۰ — ص ۱۶۵)

**نظارت و بازرسی نسبت به عمال — اصل ۱۶٤**

ثم تفقد اعمالهم (عمال)، وابعث‌العیون من اهل‌الصدق والوفاء علیهم، فان تعاهدک فی‌السرلامور هم حدوة لهم علی استعمال الامانة ، والرفق بالرعیة . (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام نامه ۵۳ — ص ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲)

* * * * *

**هاشمی‌نژاد** — جناب آقای منتظری پیشنهادی داشتم در زمینهٔ ترجمهٔ قانون اساسی،چون این قانون درسطح بین‌المللی ترجمه میشود و بسیاری از مفاهیم اسلامی آن ممکن است برای غیر مسلمانان نامفهوم و نامعلوم باشد، برای اینکه یک منبع رسمی غیر از زبان فارسی داشته

باشیم خواهش میکنم هیأت رئیسه دستور بدهد که دو هیأت به زبان انگلیسی و به زبان فرانسوی این قانون اساسی را ترجمه بکنند.

**رئیس** — چرا زبان عربی را نمی‌گوئید؟

**هاشمی‌نژاد** — و زبان عربی، تا کسانی که می‌خواهند به قانون اساسی ما مراجعه کنند یک منبع رسمی وجود داشته باشد.

**رئیس** — ان‌شاءالله اینکار انجام میشود. آقایان نمایندگان برای امضاء قانون اساسی تشریف بیاورند.

(نمایندگان به ترتیب زیر، ذیل قانون اساسی را امضاء کردند.)

آقایان: حسینعلی منتظری — سید محمد حسینی بهشتی — سید حسن آیت — دکتر روحانی — حسن عضدی — جعفر اشراقی — سید کاظم اکرمی — سید محمد علی انگجی — میرزا محمد انواری — محمد جواد باهنر — حاج شیخ هادی باربک‌بین — حاج شیخ محمدتقی بشارت — دکتر سرگون بیت اوشانا — سیداکبر پرورش — عبدالله جوادی آملی — میرزا جواد حاج طرخانی — محمد جواد حجتی کرمانی — سید منیرالدین حسینی هاشمی — عبدالرحمن حیدری — حسین خادمی — ابوالقاسم خزعلی — مهندس عزیز دانش‌راد — سید عبدالحسین دستغیب — عبدالرحیم ربانی — محمد مهدی ربانی رانکوهی — حسینعلی رحمانی — محمد رشیدیان — دکتر عباس شیبانی — جعفر سبحانی — مؤبد رستم شهزادی — لطف‌الله صافی — محمد صدوقی — دکتر سید عبدالله ضیائی‌نیا — سید حسن طاهری — سید جلال طاهری — حبیب‌الله طاهری — سیدمحمد باقر طباطبائی سلطانی — علی محمد عرب — جواد فاتحی — میرزا علی فلسفی تنکابنی — دکتی علی قائمی امیری — سیدعلی‌اکبر قرشی — شیخ محمد کرمی سید جعفر کرمی دیوکلاهی — خانم منیرهٔ گرجی — سید محمد کیاوش — دکتر علی گلزادهٔ غفوری — سیداسدالله مدنی — میرزا علی مشکینی — علی مرادخانی ارنگه (تهرانی) — شیخ ابوالحسن مقدسی — مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای — ناصر مکارم شیرازی — سید ابوالفضل موسوی — سیدموسی موسوی قهد ریجانی — سید کریم موسوی کریمی اردبیلی — سید محمدعلی موسوی جزایری — حاج سیداسمعیل موسوی زنجانی — حمیدالله میرمرادزهی — سیدمحمدحسن نبوی — سید حبیب هاشمی‌نژاد.

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

# مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

۱۳۵۸ هجری شمسی

اسلامی باید تامین شود . این رسانه‌ها زیرنظر مشترک قوای سه گانه قضائیه (شورای عالی‌قضائی) ، مقننه و مجریه اداره خواهد شد . ترتیب آن را قانون معین میکند .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل مشتمل بریکصدوهفتاد وپنج اصل تنظیم گردیده و با اکثریت دوسوم مجموع نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به تصویب رسیده است درتاریخ بیست وچهارم آبانماه یکهزاروسیصدوپنجاه و هشت هجری شمسی مطابق با بیست‌و چهارم ذی‌الحجه یکهزاروسیصدونودوسه هجری قمری به تصویب نهائی رسید .

## ٤ -- پایان جسه

**رئیس** -- با اجازهٔ نمایندگان محترم جلسه را ختم می‌کنیم.

(جلسه ساعت دوازده و بیست دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی -- **حسینعلی منتظری**